Title A first course in educ...

Author Reader, W. G.

Accession No. 7877

Call No. 370.2 R 257 F

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
		Altazeela fee Ahmad Almutsafika 23	
9622522401			

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE



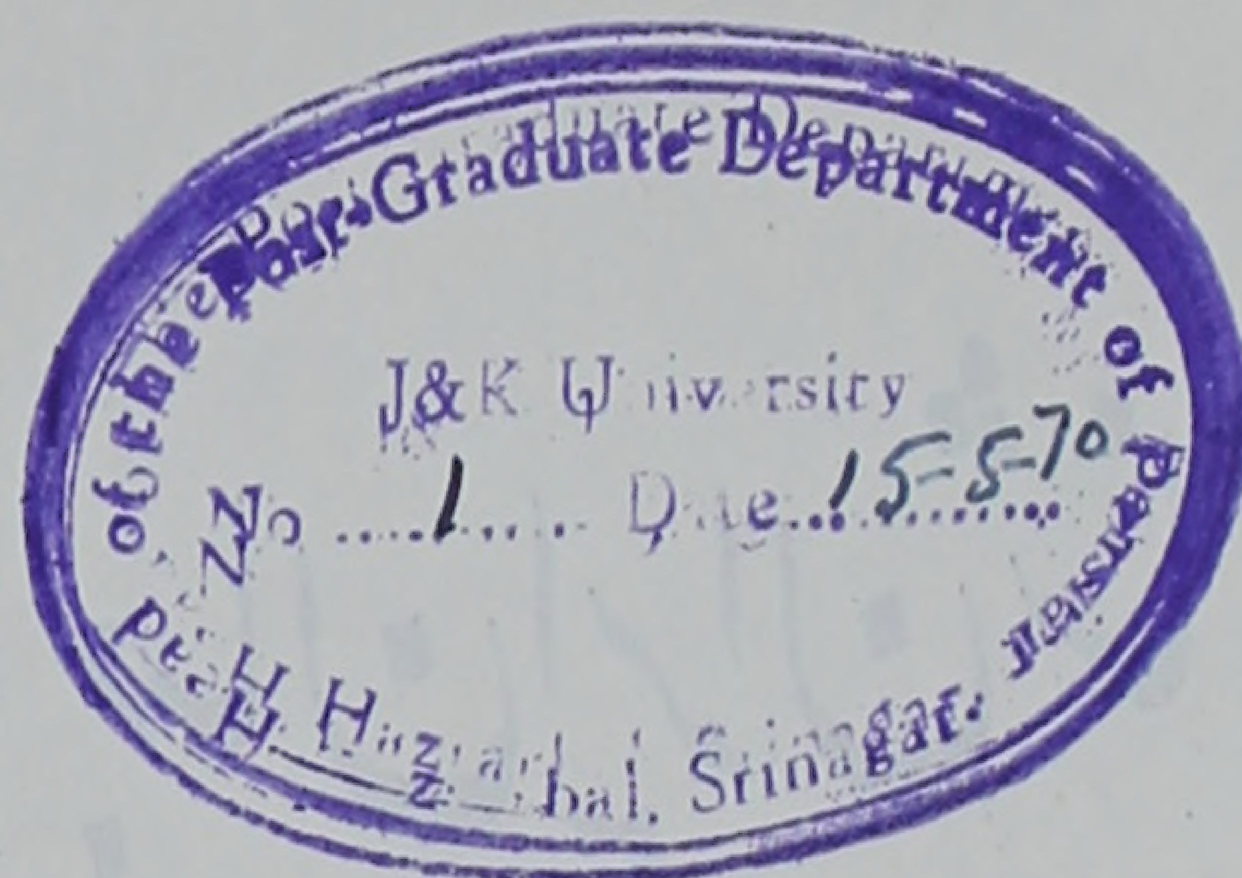
این مجموعه

بفرمان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

توسط کتابخانه پهلوی و دبیرخانه مرکزی اتحادیه جهانی ایران شناسان تألیف و چاپ شده است .

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

جهان ایران شناسی



جهان ایران‌شناسی

پژوهشی دربارهٔ آثار فرهنگ و تمدن ایران

در سراسر جهان :

- **مراکز مطالعات ایران شناسی** (آکادمی ها ، انستیتوها ، سمینار ها ، انجمن ها ، سایرمراکز علمی بین‌المللی) با شرح برنامه های مطالعات و اسامی متصدیان آنها .
- **مراکز تدریس زبان و ادبیات فارسی و زبانهای ایرانی** (دانشگاه ها ، دبیرستانها ، مراکز خصوصی) باشرح برنامه‌های دروس و اسامی استادان و متصدیان آنها .
- **مراکز کتب واسناد خطی فارسی** (کتابخانه ها ،آرشیوها ، کلکسیونهای خصوصی) ، ومشخصات فهرست‌های چاپی وخطی‌آنها .
- **مراکز آثار هنری و باستانی ایران** (موزه ها ، گالری‌ها ، کلکسیونهای خصوصی) و مشخصات آنها .
- **نشریات خاورشناسی و ایران شناسی .**
- **فهرست کتابهائی که تاکنون به هرزبان ودرهرکشور دربارهٔ ایران به چاپ رسیده .**
- **فهرست ترجمه های آثار ایرانی به زبانهای مختلف ، فهرست کتابها و روزنامه‌های فارسی که درخارج ازایران چاپ شده است .**

باضافهٔ

- **تاریخچه روابط فرهنگی ایران با هریك ازکشور های جهان و تاریخچه مطالعات ایران شناسی آنها .**

و

- **شرح حال دانشمندان ایران شناس کنونی جهان ، با معرفی آثار آنها دربارهٔ ایران .**

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	1949 ÷ 308		
	72980 − 268		
2296			
2297			

فهرست کلی فصول دوره کامل

جهان ایران شناسی

شامل اطلاعات مربوط به ۸٤ کشور جهان

(به ترتیب تقدم اسامی کشورها برحسب الفبای فارسی)

آرژانتین ـ آلبانی ـ آلمان ـ اتریش ـ اتحاد جماهیر شوروی ـ اتیوپی ـ اردن هاشمی ـ اسپانیا ـ استرالیا ـ اسرائیل ـ افریقای شرقی (زنگبار، تانکانیکا، کنیا) ـ افریقای جنوبی ـ افغانستان ـ اکوادور ـ الجزائر ـ اندونزی ـ انگلستان ـ ایالات متحده امریکا ـ اوروگوی ـ ایتالیا ـ ایرلند ـ برزیل ـ برمه ـ بلژیك ـ بلغارستان ـ بلیوی ـ پاکستان ـ پاناما ـ پرتقال ـ پرو ـ تایلند ـ تبت ـ ترکیه ـ تونس ـ چکوسلواکی ـ چین ـ دانمارك ـ رودسیا ـ رومانی ـ ژاپن ـ سنگاپور ـ سوئد ـ سودان ـ سوریه ـ سومالی ـ سویس ـ سیلان ـ شیلی ـ عراق ـ عربستان سعودی ـ فرانسه ـ فنلاند ـ فیلیپین ـ قبرس ـ کانادا ـ کشمیر ـ کلمبیا ـ کویت ـ گواتمالا ـ لبنان ـ لهستان ـ لیبی ـ مالت ـ مالزیا ـ مالی ـ مجارستان ـ مراکش ـ مصر ـ مکزیك ـ مناکو ـ نپال ـ نروژ ـ نیوزیلند ـ واتیکان ـ هلند ـ هندوستان ـ هنگ کنگ ـ یمن ـ یوگوسلاوی ـ یونان .

و

سازمانهای بین المللی

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

جهان ایران شناسی

جلد اول

مقدمه

آرژانتین - آلبانی - آلمان -
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

(روسیه ـ اوکراین ـ آذربایجان ـ ارمنستان ـ ازبکستان ـ استی ـ
تاتارستان ـ تاجیکستان ـ ترکمنستان ـ داغستان ـ کازاخستان ـگرجستان)

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		

فهرست مطالب

آرژانتین

آلمان

صفحه

جمهوری فدرال آلمان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

صفحه

صفحه

صفحه

صفحه

انجمنها ومراکز فرهنگی مستقل :

مراکز تدریس فارسی وزبانهای ایرانی ومطالعات ایران‌شناسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

نشریات خاورشناسی

مراکز آثارهنری وباستانی ایران

نشریات خاور شناسی

فهرستی ازکتابهای چاپی مربوط به ایران ، ترجمه‌های آثار ایرانی و متون فارسی که تاکنون در آلمان به چاپ رسیده است

اتریش

صفحه

صفحه

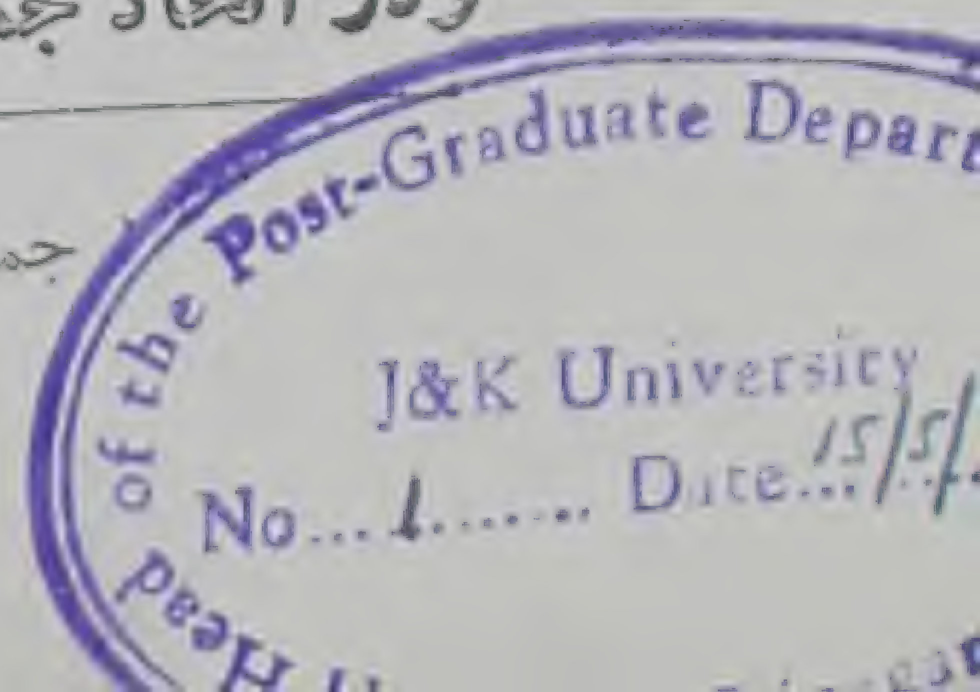
نشریات خاور شناسی

اتحاد جماهیر شوروی

تاریخچه روابط فرهنگی ایران
با سرزمینهای مختلف اتحاد شوروی

صفحه

تاریخچه ایرانشناسی در امپراتوری روسیه
ودر اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی



مراکز مطالعات ایرانشناسی

مراکز تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

آرشیوها

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

صفحه

نشریات مربوط به خاورشناسی

اوکراین

مراکز مطالعات ایران شناسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

صفحه

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

آذربایجان

مراکز مطالعات ایرانشناسی

مراکز تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

ارمنستان

مراکز مطالعات ایران شناسی

مراکز تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

ازبکستان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

مراکزتدریس زبان فارسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

تاتارستان

مراکز مطالعات ایرانشناسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

تاجیکستان

مراکز مطالعات ایران شناسی

مراکز تدریس زبان فارسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران ۱۰۸۵

نشریات مربوط به خاورشناسی ۱۰۸۵

ترکمنستان

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

داغستان

کازاخستان

گرجستان

مراکز تدریس زبان فارسی و زبانهای ایرانی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

***

فهرستی از کتابهای مربوط به ایران، ترجمه‌های آثار ایرانی و متون فارسی که تاکنون درامپراتوری روسیه و در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به چاپ رسیده است

(ازصفحهٔ ۱۱۳۷ تا صفحهٔ ۱٤٤٥)

سرآغاز

Kebo...

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		
	—o—o—o		

256

563641

1182

مجموعه «جهان ایران شناسی» که اکنون شروع بانتشار کرده است ـ و شاید دوره کامل آن بیش از بیست هزار صفحه را شامل شود ـ با همه قطر وسنگینی خود ادعائی بیش ازآن نداردکه زمینه‌ای برای راهنمائی و تسهیل مطالعاتی باشد که حقاً میباید درآینده درکلیه رشته های مربوط به فرهنگ وتمدن ایران انجام گیرد ، واگر این مجموعه در نظراول بیش ازحد متعارف قطور بنظر آید ، علت اینست که تمدن و فرهنگ ایرانی نیز از حدی که درتاریخ جهان برای یك ملت انتظار میتوان داشت بزرگتر و دامنه‌دارتر بوده است . علاوه براین ، فرهنگ ایرانی فرهنگی بوده که همواره جنبه‌ای جهانی داشته است ، یعنی از آغاز پیدایش خود هیچوقت محدود به مرزهای جغرافیائی یا نژادی ایران نمانده ، بلکه برخلاف بسیاری از تمدنها و فرهنگهای بزرگ دیگر ـ مصر ، بین‌النهرین ، هند ، چین و غیره ـ ماموریت اصلی خود را این دانسته است که بمقتضای موقعیت ممتاز جغرافیائی ایران ، اجزاء برگزیده فرهنگها و تمدنهای مختلف شرق و غرب را درهم آمیزد و ازآنها فرهنگی نه تنها ایرانی ، بلکه بشری بسازد .

سه سال پیش ، شاهنشاه ایران هنگام گشایش نخستین کنگره جهانی ایران شناسان در این باره چنین فرمودند : « ما افتخار میکنیم که تمدن و فرهنگ ما از آغاز تمدن و فرهنگی انسانی ودنیائی بوده است . متفکران ما ، فلاسفه و عرفا و نویسندگان وشعرای ما ، همواره دیدی جهانی وبشری داشته وازجنبه معنویت و بشر دوستی به سراسر جهان نگریسته‌اند. آنچه مایه اصلی ادبیات وحکمت ایران است محبت و پیوستگی است ، وآنچه اساس تاریخ کهنسال ما است نیز همین توجه عمیق به اصول معنویت و اخلاق است .

.... ما خوب میدانیم که در تاریخ کهن خویش بیش از آنچه بدیگران داده‌ایم از دیگران گرفته‌ایم ، ولی شاید دربازار جهان این تنها کالائی باشد که دهنده آن نه تنها چیزی از دست نمیدهد ، بلکه چیز زیادتری نیز بدست میآورد ... تاریخی که میباید بعنوان تاریخ واقعی ایران تالیف شود ، مسلما قبل از هرچیز تاریخ یك تمدن و فرهنگ انسانی خواهد بود ، نه تاریخی که منحصر به شرح فتوحات و استیلاهای نظامی و سیاسی باشد . اگر من بصراحت این نکته را تذکر میدهم ، برای این است که ما دراین مورد هیچ عقده‌ای در خود احساس نمیکنیم . ما نه از آن جهت طرفدار تاریخ تمدن و فرهنگ خود هستیم که سابقه پیروزیها و استیلاهای نظامی نداشته باشیم ، زیرا تاریخ ما آکنده ازاین نوع پیروزیها است . ولی ما افتخار اصلی خویش را آن پیروزیهائی میدانیم که در طول تاریخ در راه توسعه وتکامل تمدن و فرهنگ بشری بدست آورده‌ایم . پر ارج ترین سپاهیان ما ، طی هزاران سال ، آن مردان و زنانی بوده‌اند که در تمام تاریخ کهنسال ایران مشعل دانش و فرهنگ را در برابر تند بادهای حوادث فروزان نگاه داشتند ، وآنرا

درخشانتر و فروزنده‌تر به نسلهای دیگر سپردند . برای ما پیروزی واقعی در احساس همین حقیقت نهفته است ، زیرا هراستیلای جغرافیائی و نظامی خواه ناخواه با دوران بازگشت و انحطاطی همراه است ، ولی این ارزشهای معنوی هیچوقت و با هیچ نیروئی از میان نمیرود » .

آنچه در جهان علم و تحقیق کنونی بشری «علم ایران شناسی» نام گرفته است ، برشناسائی هرچه بیشتر همین ارزشهای فرهنگی و مدنی ایران متکی است . هدف از مطالعه دقیق هزاران سند باستانی ایران که بزبانهای مختلف بدست آمده‌است ومیآید، مطالعه درزبانهای متعددایرانی، مطالعات‌فراوان‌باستان‌شناسی‌درایران، مطالعه در تاریخ کهن ایران ، مطالعه در مذاهب باستانی ایران و تجلیات مختلف فلسفی و ادبی و هنری آنها ، مطالعه در رشته های متنوع هنر چندین هزار ساله ایران ، مطالعه در علم و ادب وفلسفه و عرفان و درمعماری وهنر دوران اسلامی ایران مطالعه در جنبه های اجتماعی تاریخ ایران ، مطالعات دقیق در هزاران نسخه خطی فارسی در سراسر جهان و چاپ متون بررسی شده و انتقادی آنها ، همه این است که این تمدن و فرهنگ عظیم و انسانی هرچه روشن‌تر و کاملتر درمعرض شناسائی بشر امروز قرارگیرد .

از هنگامیکه «آنکتیل دوپرون» دانشمند عالیقدر فرانسوی درست در دوقرن پیش نخستین ترجمه کامل اوستا را در اروپا انتشار داد ، تاکنون مطالعات علمی مربوط به آثار فرهنگ وتمدن ایران بدون وقفه در دنیای غرب وبعداً در بسیاری از کشورهای دیگر ادامه یافته است . در طول دو قرن اخیر ، درحدود یکهزار تن از دانشمندان خاورشناس ، در سطح های مختلف ازاهمیت و صلاحیت علمی ، کاراساسی خود را دررشته خاورشناسی مطالعات ایرانی قرارداده‌اند ، واکنون حاصل ایـــن مطالعات بصورت هزاران کتاب و رساله و مقاله به زبانهای مختلف در اختیار ما است که آنرا از نظر ارزش معنوی برای ما با هیچ گنجینه‌ای برابر نمیتوان نهاد . هم‌اکنون ، در ادامه سنت پرافتخار ایران شناسی دویست ساله غرب ، صدها نفر از دانشمندان سراسر جهان در مراکز مختلف تحقیقی (آکادمی ها ، دانشگاه ها ، انستیتوها ، سمینارها ، انجمن‌های خاورشناسی ، کتابخانه ها ، آرشیوها ، موزه‌ها و سایر مراکز علمی وهنری) و یا بصورت خصوصی وشخصی در زمینه های مختلف تاریخ ، مذهب ، زبان شناسی ، هنر ، فلسفه ، علم وادب ، باستان شناسی ایران مشغول کارند که حاصل مطالعات آنها منظما بصورت کتابها ورسالات و مقالات و کنفرانسهای علمی در دسترس عموم قرار میگیرد . برای ارائه وسعت این مطالعات ، شاید تذکر این نکته کافی باشد که در چند سال اخیر بطور متوسط روزی یك کتـــاب در خارج از ایران در رشته های مختلف مطالعات مربوط به تمدن و فرهنگ ایران یا ترجمه ـ های آثار ایرانی انتشار یافته است . فهرست های کتابشناسی که در مجموعه حاضر «جهان ایران شناسی» در پایان فصول مربوط به هرکشور آورده شده ، نموداری از وسعت تعداد کتابهای منتشره درباره ایران در گذشته و حال ، ونوع موضوعات این کتابها است .

شاید در عالم ایران شناسی نیز ، مانند همه رشته های دیگر علمی و اجتماعی، بین قرن گذشته و دوران حاضر یك اختلاف کیفیتی وجود داشته باشد ، وآن این

است که در قرن گذشته ایران شناسان بزرگتری وجود داشتند ودرحال حاضر «ایران‌شناسی» وسیعتری وجود دارد . قرن نوزدهم از حیث پدیدآوردن دانشمندان واقعاً برجسته و عالیقدر قرن طلائی ایران شناسی بود ، ولی کمیت کار دراین رشته و تعداد مراکز مطالعات و مدارك و اسناد مورد استفاده بپای امروز نمیرسید ، وطبعا امکانات مادی نیز برای تهیه نمایشگاه های بزرگ هنری و تشکیل منظم کنگره ها و کنفرانس ها و سمینار ها باندازه امروزه فراهم نبود . با این همه پایه های اصلی ایران شناسی ، بخصوص در مورد شناسائی زبانهای ایرانی و متون مذهبی ایران کهن و اسناد و مدارك باستان شناسی ، در قرن نوزدهم گذاشته شد .

به یك تفاوت دیگر نیز که در زمینه مطالعات ایران‌شناسی بین دوران گذشته و دوره حاضر وجود دارد میباید اشاره شود ، وآن این است که درتمام قرون هجدهم و نوزدهم وقسمت مهمی از قرن حاضر ، خود ایران دراین مطالعات تقریباً هیچ سهم وشرکتی نداشت واین کوشش علمی عظیم در راه شناختن فرهنگ کهن ایرانی منحصراً درخارج از ایران صورت میگرفت . ولی در دوران حاضر ، بخصوص درچند سال اخیر، جامعه علمی ایران خود نیز دراین‌رشته مطالعات بهمکاری با سایرمراجع ایران‌شناسی جهان پرداخته است ، وطبعاً پیشرفت این کوشش علمی وشرکت روزافزون دانشمندان ایرانی دراین مطالعات باعث خواهد شدکه ــ همچنانکه حقاً باید چنین باشد ــ کانون آیندهٔ ایران‌شناسی جهان خود ایران باشد ومراجع متعدد بین‌المللی بدور این هستهٔ مرکزی گردآیند .

مجموعهٔ « جهان ایران شناسی » که درآن اصول اطلاعات مورد احتیاج مراکز ایران شناسی مختلف جهان گردآوری شده‌است هدیهٔ کوچکی از جانب ایران در زمینهٔ این همکاری به‌مراجع ایران‌شناسی‌است .

***

با توجه باینکه درمقدمه هریك ازفصول مجموعهٔ حاضر ، تاریخچهٔ روابط فرهنگی ایران با کشور مورد بحث وتاریخچهٔ مطالعات ایران شناسی در کشورهائی که سابقه‌این‌نوع‌مطالعات‌رادارندبطورمختصرذکرشده‌است، دراین‌مقدمه‌احتیاجی به مطالعه جداگانه در بارهٔ سابقهٔ فرهنگی ایران و ارتباط آن با کشور های مختلف جهان نیست ، ولی بیمورد نیست که برای تشریح اینکه فعالیتهای ایران‌شناسی امروز جهان بطورکلی درچه زمینه‌هائی انجام میگیرد ، یك نظرکلی به‌تاریخ ارتباط فرهنگی ومدنی ایران با سایرفرهنگها ومدنیت‌های جهانی افکنده شود ، زیرا جنبه‌های مختلف همین رابطهٔ فرهنگی است‌که از هنگام آغاز ایران شناسی اساس کار مطالعات مربوط به این علم قرارگرفته است .

***

نخستین نقش جهانی تمدن‌های فلات‌ایران ، بطوریکه ازکاوشهای باستان‌شناسی در سرزمینهای دوردست آسیای مرکزی وآسیای شرقی و دوره سند وآناتولی وغیره برمیآید ، ارتباط هنری وفرهنگی مردم این فلات با مردم سرزمینهای نامبرده است. نمایشگاه‌های متعدد « هفت هزار سال هنر درایران » که درسالهای اخیر دربسیاری از کشور های اروپائی و امریکائی برپا شد ، و مطالعاتی که در افغانستان و پاکستان و آسیای مرکزی و مغولستان و نواحی دریای سیاه انجام گرفته

است ودرفصول کتاب حاضر شرح آنها داده شده ، وجود این رابطهٔ وسیع را بخوبی نشان میدهد .

مرحلهٔ دوم این پیوند مدنی وفرهنگی ، پیدایش معتقدات زرتشتی درایران بود ، که نفوذ آنها درجانب شرق درآسیای مرکزی وهندوستان ودرجانب غرب تا آسیای صغیر وبین‌النهرین وفلسطین ومصر ویونان گسترش یافت . شاید بارزترین اثر این نفوذ تأثیر عمیق معتقدات زرتشتی در آئین یهود بود ، زیـرا از راه این نفوذ بود که این معتقدات بعداً درآئین مسیح وآئین اسلام نیز رسوخ یافت ، و بدون چنین زمینه‌ای ، بطوریکه بسیاری ازمحققان غربی اظهارنظر کرده‌اند ، مسیحیت بصورت کنونی آن بوجود نمیآید .

این نفوذ معنوی که برپایهٔ طرز فکر فلسفی واجتماعی خاص ایرانی استوار بود ، وواسطه آن نیز « مغان » ایران بودند . از نخستین تماسهای ایرانیان با یونانیان ساکن آسیای صغیر به یونان زمین راه یافت . ارقلیطوس فیلسوف یونانی مینویسد که مغان درپیرامون معبدالهه یونانی « ارتمیس » سکونت داشتند ، وهم او میگوید که در لیدیه وکاپادوکیه آتش مقدس در آتشکده ها میسوخت واین کانونهای فروزان نه تنها درخشندگی ظاهری‌داشت بلکه فروغ دانش وفلسفه مغان نیزدراین‌مراکز بصورت تعالیم ایشان متجلی بود . در اوائل دوره هخامنشی پزشکان یونانی نام‌آوری بدربار ایران آمدند ، ویکی ازمتفکرین یونانی نامی قبل ازسقراط بنام «امپدوکلس» نزد مغان درس آموخت . بکرات گفته شده است که « فیثاغورث » حکیم وفیلسوف معروف یونانی به بابل رفت تا درنزد زرتشت تعلیم بگیرد ، هرچند که براین‌گفته مدرك تاریخی در دست نیست ، زیرا اصولا نمیتوان بیقین گفت که زرتشت دراین‌زمان میزیسته است . درنواحی صور وصیدا مدتی افلاطون با مغان دانشمند ایرانی درتماس بود وخود او نیزعده‌ای از مغان جوان ایرانی را درآکادمی معروف خویش درآتن تعلیم میداد . پس از وی «ادوکسس» حکیم علامه وقت دربازگشت ازایران اصول عقاید ایرانی را در «آکادمی» به شاگردان افلاطون آموخت . ارسطو نیزمعتقدات ایرانی را دقیقاً فراگرفته بود وعقیده داشت که مکتب افلاطون که دریونان مکتب «ثنویت» معرفی شده بود ازمغان ایران الهام گرفته است . شاید بهمین دلیل بودکه آخرین حکمای افلاطونی یونان درسال ۵۲۹ پس ازطرد از امپراتوری بیزانس بدربار انوشیروان پناه بردند ، وفلسفه‌ای که ازیونان رانده شده بود درایران وطن جدیدی برای خویش یافت .

درحدود ۶۷ پیش ازمیلاد ، آئین «مهر» از راه آسیای صغیر به‌روم وازآنجا بسایر نواحی اروپا و بشمال افریقا راه یافت . در سال ۶۶ میلادی « نـرون » امپراتور روم بدست تیرداد پادشاه ارمنستان که خود قبلا این آئین را پذیرفته بود بمذهب مهرپرستی گروید . دراوائل قرن دوم میلادی این آئین درشمال بالکان توسعه یافت ، ودراواسط این قرن درپادگانهای رومی مغرب آلمان رسوخ پیدا کرد. درهمین قرن «کمدیوس» امپراتور روم این‌آئین را پذیرفت . درقرن سوم میلادی با پشتیبانی «کاراکالا» امپراتور رم آئین مهرپرستی دراین امپراتوری باوج ترقی رسید، چنانکه بفرمان این امپراتور پرستشگاهی برای « میترای شکست‌ناپذیر » در رم ساخته شد . درسال ۳۰۷ میلادی درنزدیك شهرکنونی «وین» (پایتخت اتریش) دیوکلسین

امپراتور معروف روم وشاهزادگان رومی رسماً « میترا » را خدای‌حامی امپراتوری روم اعلام کردند ، وبا آنکه پس‌از اعلام رسمیت آئین مسیح توسط امپراتور کنستانتین مبارزه شدیدی درسراسر امپراتوری روم با آئین مهرپرستی آغاز شد ، رسوخ سنن و معتقدات این آئین بقدری بود که علمای مسیحی ترجیح دادند بجای کوشش بیفایده در ریشه‌کن کردن این سنن به خود آنها رنگ مسیحی دهند ، وبرهمین اساس بود‌که رسوم تعمید مسیحی وشام نان وشراب متبرك وتقدس روز یکشنبه (روز مهر یا روز خورشید که هنوز هم در زبانهای آلمانی وانگلیسی و اسکاندیناوی همین معنی را میدهد) و اعلام روز بیست وپنجم دسامبر (جشن سالانه تولد مهر) بعنوان روزتولد مسیح واین اعتقاد که ستاره‌ای شبانان وشاهزادگان مغ را به زادگاه کودك نورسیده هدایت کرد ، همه عیناً از رسوم ومعتقدات مهرپرستان بدین مسیحی انتقال یافت .

نقشه‌ای که توسط محققان اروپائی ازمناطق نفوذ وانتشار آئین مهر دراروپا وافریقا براساس بقایای کنونی پرستشگاه‌ها ومراکز میترائی دراین مناطق تهیه شده ، کانونهای این آئین ایرانی‌را درامپراتوری رم بدین‌صورت معرفی میکند : بندرپیرئوس وجزیره آندروس دریونان ، ناحیه مقدونیه وتراکیا ودالماسیا دریوگسلاوی ، داسیا (ترانسیلوانی) در رومانی کنونی، اتریش ، مجارستان ، آلمان غربی، انگلستان‌وجنوب اسکاتلند، جنوب‌فرانسه بخصوص‌شهرهای مونپلیه وناربن وپیرنه علیا، لنون‌وآرل‌وحوزه رود رون ، شبه جزیره‌ایبری (اسپانیا وپرتقال) قسمت شرقی الجزیره کنونی(نومیدیا). درتمام این نواحی درحال حاضر آثار وویرانه‌های متعددی ازمراکز دیرین مهرپرستی موجود است . مرکز این آئین طبعاً شهر رم بخصوص بندر رومی «اوستیا» بــود نفوذ معنوی آئین ایرانی «مهر» درسراسرامپراتوری روم بقدری بود که «ارنست‌رنان» دانشمند ومتفکر نامی فرانسه میگوید : « اگر عاملی غیرمترقبه آئین مسیح را از پیشرفت خود بازداشته بود، بیشك عالم بشریت‌مذهب مهر را آئین رسمی‌خویش‌میکرد».

موج دیگر فرهنگ ایرانی که بیش‌از دوموج زرتشتی ومیترائی درجهان گسترش یافت، موج «مانوی» بود. پس‌ازآنکه خودمانی اصولا این‌آئین‌را درسرزمینهای هندوستان ، بلوچستان ، خراسان ، آسیای مرکزی ، شام ، فلسطین و مصر رواج داد ، آئین وی بدست پیروان او درسالها وقرون بعداز مرگ او در شرق تا غرب دنیای متمدن آن‌زمان یعنی ازچین تا فرانسه گسترش یافت ، وچون این آئین‌ترکیبی ازعناصر مذهبی وفلسفی زرتشتی وهندی ومسیحی بود همه‌جا زمینه‌ای آماده برای استقرار خود یافت . بگفته «هانری شارل پوئس» استاد دانشگاه پاریس که ازمتخصصین جهانی آئین مانی است ، درمدت دوازده قرن (ازقرن سوم تا پانزدهم میلادی) این دین دائماً درحال پیشرفت بود وطنین آن درتمام نیمکره شمالی ازاقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر پیچید .

درقرون اولیه اسلامی آئین مانی ازمذاهب بزرگ ماوراءالنهر وخراسان بود ، وپیروان این دین را «دین آوریه» مینامیدند . در ۷۳۲ میلادی خاقان چین طبق فرمان رسمی مذهب مانی را ازمذاهب رسمی وآزاد امپراتوری خود اعلام کرد ، ودرسال ۷۶۳ درکشور «اویغور» که تقریباً سراسر منطقه آسیای مرکزی را شامل میشد دین مانی آئین رسمی سلطنتی اعلام گردید .

درجانب غرب ایران آئین مانی درقرون سوم میلادی دربین‌النهرین وفلسطین

ومصر وافریقای شمالی رواج یافت . دراوائل قرن چهارم به دالماسیا (مغرب بالکان) ویونان وایتالیا وگل (فرانسه) وایبریا (اسپانیا وپرتقال) راه پیدا کرد ، بطوریکه رواج غیرمنتظره این آئین کلسیای کاتولیك را بمبارزه شدید با آن واداشت ودرطول چندین قرن محاکمه‌ها وکشتارهای پیاپی را درسراسر اروپا باعث گردید . حتی در قرن سیزدهم مسیحی یك « جنگ صلیبی » کامل بفرمان پاپ درجنوب فرانسه علیه «نومانویان» کاتار درگرفت که درحدود ۳۵ سال بطول انجامید . آثار مانوی بصورت بقایای ساختمانهای معابد ومراکز مذهبی هنوز درفرانسه وانگلستان ومصر وبالکان واسپانیا وایتالیا باقی است ، ونفوذ معنوی آن درادبیات وفلسفه غرب نیز کاملا محسوس است ، چنانکه فی‌المثل اثر معروف ویکتورهوگو «فلسفه قرون» را غالباً یك‌تحلیل تاریخ‌بشربراساس دیدمانوی نزاع‌دائمی خیروشردانسته‌اند، و«موریس بارز» نویسنده معروف فرانسوی مینویسد که : « هوگو اساساً مانوی بود » .

از آئین مانی شعباتی که امروزه به آنها « نومانوی » یا مانویت جدید نام داده‌اند پدید آمد که از زمرهٔ مهمترین آنها آئین پولیسین‌ها وآئین بوگومیل‌ها است . طریقهٔ پولیسین‌ها صرفاً براساس دوگانگی خیر وشر تکیه داشت وازاین راه منکرآن بودکه خدا بصورت مسیح‌درقالب انسان درآمده‌باشد. بوگومیلیسم در اوائل قرن دهم میلادی در بلغارستان کنونی پدید آمد وسریعاً بتمام بالکان گسترش یافت وحتی از راه قسطنطنیه به بیزانس واز راه اوکراین به روسیه رسید و آئین کاتارهای جنوب فرانسه وشمال ایتالیا نیز که بدان اشاره شد از همین بوگومیلیسم منشعب گردید .

قسمت عمده ازتعالیم مانی ، امروزه براثر کشف جالب چندین هزار سند و اوراق ونسخ خطی مانوی درناحیه تورفان Turfan مرکز مانویان درآسیای‌مرکزی ودر غارهای Tuen-Huangs که بدست هیئتهای علمی آلمانی وفرانسوی و انگلیسی وروسی درسال ۱۹۰٤ درترکستان چین صورت گرفت ، وهمچنین کشف نقاشیهای مانوی درغار Chotscho وکشف مرکز مهم تعلیمات مانویان درفیوم (مصر) ، دراختیار محققین قرارگرفته است . اسناد مکشوفهٔ «تورفان» شامل متون متعدد مانوی بزبانهای چینی ، اویغوری ، ترکی باستانی ، سنسکریت‌وسه‌زبان‌ایرانی‌یعنی پارتی وسغدی وپارسی است . پاپیروس‌هائی که درمصر بدست آمده غالباً ترجمه قبطی نامه‌هائی است‌که مانی برای اتباع خود درآن سرزمین فرستاده است . کتاب «کفالایا» که امروزه قسمت اعظم آن بزبان قبطی دردست است حاوی تعلیمات مانی است‌که بلافاصله پس ازمرگ او بدست پیروانش به‌زبان قبطی تدوین شده است .

راه نفوذ آئین مانی درجانب شرق وبطورکلی تر وعمومی تر راه گسترش هنر وفرهنگ ایرانی درسمت خاوری ، جادهٔ معروف ابریشم بود که مدیترانه را به چین متصل میکرد و همراه خود ارتباطات بازرگانی فکروادب وهنر ومعتقدات مذهبی‌ایرانی را نیز پیوسته بیشتر بجانب شرق پیش میبرد . مسیراین شاهراه دنیای قدیم چنانکه بطلمیوس جغرافیادان مشهور اواسط قرن دوم میلادی نقل میکند عبارت بود از : سوریه ، فرات ، همدان ، ری ، دامغان ، مرو ، بلخ ، پامیر ، کاشغر ، یارقند ، ختن وتوان هوانگ ؛ ولی آثار هنری ایران ازین‌حد نیز دورتر رفت وتا ژاپن رسید. گنجینه ایرانی معبد سلطنتی سوشوئین در ژاپن که یادگار دوازده قرن پیش است

بهترین مدرك این سفر پیروزمندانه است .

در دوران اسلامی ، فرهنگ وادب وهنر ایران رنگ تازه‌ای بخود گرفت و امکانات بیشتری برای توسعه پیدا کرد درنتیجه طولی نکشید که علم وهنرایرانی در سراسر قلمرو اسلام ازاقصای آسیا تا غرب افریقا وجنوب غربی اروپا گسترش یافت . بغداد مرکز خلافت اسلامی عملا بصورت یك کانون نفوذ فرهنگ ومدنیت ایرانی درآمد وحکماء وفقها وعرفای ایرانی درهمه‌جای این امپراتوری وسیع شاخصیت بسیار بدست آوردند .

گرایش ایرانیان به مسائل علمی وفرهنگی ازهمان آغاز عصراسلامی بقدری بودکه حضرت محمد (ص) ، طبق حدیث معروفی که ابن‌خـلدون ودیگران نقل کرده‌اند ، فرمود : « اگر علم درگوشه‌ای ازآسمان باشد ، بازهم کسانی ازمردم ایران بدان دست خواهند یافت» . خود همین ابن‌خلدون در « مقدمه » مشهور خود در این‌باره مینویسد : «از غرائب اینکه درجامعهٔ اسلامی ، چه درعلوم شرعی وچه درعلوم عقلی غالب پیشوایان علم ایرانی بودند ، جزدرمواردی نادر وقلیل ، وچنانچه بعضی ازآنها منسوب به عرب بودند زبانشان فارسی ومحیط تربیت آنها ایرانی بود ، در صورتیکه جامعه وصاحب شریعت‌عربی هستند » .

ازهمان آغاز عصر اسلامی ، سنت علمی وفرهنگی دانشگاه بزرگ گندی‌شاپور پایه‌گزار مراکز علمی بغداد شد که سایر دانشگاهها ودرالعلم‌های اسلامی براساس آن پدید آمدند . در رشته‌های مختلف ریاضی ، پزشکی ، هیئت ، شیمی ، معماری ، ونیز درالهیات ، فاسفه ، صرق ونحو ، لغت ، تذکره‌نویسی ، تاریخ و جغرافیا ، ادبیات ، موسیقی ، هنرهای زیبا ، بزرگان درجهٔ اولی از ایران برخاستند که تمدن وفرهنگ اسلامی وبالنتیجه فرهنگ وتمدن مغرب زمین تا حد زیادی مرهون آنها است . فهرستی از اسامی این‌افراد وآثار آنها در صفحات‌متن مجموعهٔ جهان‌ایران‌شناسی نقل شده است ودراینجا تکرار آن ضرورت ندارد .

درقرون اولیه اسلامی بسیاری ازآثار مهم ادبیات پیش از اسلام به عربی ترجمه شد که ازجمله آنها میباید از اوستا ، زند ، دینکرد ، مینوی‌خرد ، بندهش ، پندنامه زرتشت ، خدای نامك ، آئین نامك ، اندرز اوشزدانا ، اندرز خسروگواذان، اندرز آذربه مهر سپندان ، کارنامك اردشیر بابکان ، تاج نامك ، نامهٔ تنسر ، گاه نامك ، وهرام چوبین نامك نام برد .

در همان ضمن آثار متعدد دانشمندان وحکمای ایرانی که غالباً به عربی نوشته شده بود ، در اروپا ترجمه شد وانتشار این ترجمه‌ها افق علمی تازه‌ای بروی اروپائیان گشود . مرکز این نهضت ترجمه آثار بزرگ علوم وفلسفه وحکمت اسلامی وایرانی دوسرزمین اسپانیا وایتالیا بود که با عالم اسلامی پیوند نزدیکتری داشتند .

این نهضت در اواخر قرن دهم مسیحی ، بدست پاپ سیلوستردوم بنیاد گذاشته شد ، ودرقرون یازدهم و دوازدهم توسعه بسیار یافت ، بطوریکه عده‌ای ازدانشمندان مسیحی برای آشنائی نزدیك با این آثار به اندلس که درآن زمان یك کانون‌درخشان فرهنگ اسلامی بود روی آوردند . درطول سه قرن بیش‌از سیصدکتاب مهم علمی و فلسفی اسلامی به لاتینی تـرجمه شد که لااقل یك ثلث آنها از آثار دانشمندان ایرانی بود . درحدود هشتاد جلد ازاین کتب بتنهائی توسط یکی ازدانشمندان برجستهٔ

ایتالیائی که او را حقاً باید ازپیش کسوتان خاورشناسی مغرب زمین شمرد ، بنام گراردو داکرمونا (که خود بصورت لاتینی Gerardus Chremonensis امضاء میکرد) بزبان لاتین درآمد . گراردو اصولا بمنظور آشنائی مستقیم با آثار ابن‌سینا که درکتابخانهٔ معروف تولدو (طلیطله) نگاهداری میشد بدان‌شهر رفت ودرآنجا زبان عربی را تکمیل کرد ودرطول چندسال بترجمهٔ کتابهای متعددی پرداخت که مهمترین آنها ترجمه «القانون فی‌الطب» ابوعلی‌سینا بود . این ترجمه پانصد سال کتاب درسی دانشگاه‌های اروپا بود ، وپس ازآنکه درسال ۱۵۲٤ نخستین چاپ آن در رم انتشار یافت ، تنها درطول یك قرن بیش‌از بیست‌بار تجدید چاپ شد .

همین مترجم ، کتاب معروف «الجبروالمقابله» خوارزمی را به لاتینی ترجمه کرد که ازقرن دوازدهم تا قرن شانزدهم میلادی کتاب اساسی تدریس ریاضی وجبر ومقابله در دانشگاههای اروپا بود وکلمه algebre که امروزه نیز در زبانهای‌اروپائی بکار میرود ازنام همین کتاب گرفته شد . ازکتابهای دیگری‌که به لاتینی ترجمه شد «کامل‌الصناعه» اثر پزشکی علی بن‌عباس مجوسی پزشك عضدولدوله دیلمی بود که آن نیز تصورت کتاب درسی درآمد وبارها تجدید چاپ شد .

شاید مهم‌ترین کاری‌که درمورد ترجمهٔ‌آثارعلمی‌دانشمندان ایرانی صورت‌گرفت، ترجمهٔ «الحاوی» محمدبن زکریای رازی بود که آنرا باید دائرةالمعارف علوم پزشکی قرون وسطی نامید . ایـن اثر عظیم بیست جلدی که شاید در دنیای اسلامی از حیث اهمیت بی‌نظیرباشد ، بفرمان شارل دانژو پادشاه فرانسوی ناپل وسیسیل توسط فرج بن‌سالم صقلاوی (سیسیلی) دربیست وپنج جلد درسالهای ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۹ میلادی به لاتینی ترجمه شد ، واین ترجمه که امروز دانشگاه پاریس بداشتن یك دوره ازاولین چاپ آن مباهات دارد چندین قرن کتاب درسی دانشگاههای اروپا بود و در ۱۳۹۵ میلادی یکی از نه‌کتاب طبی بود که در دانشگاه معروف پاریس تدریس میشد . اثر دیگر رازی بنام «منصوری» قبلا در قرن داوزدهم میلادی توسط گراردو داکرمونای نامبرده به لاتینی ترجمه شده بود واین ترجمه نیز تا قرن شانزدهم تدریس میشد . ترجمه کتاب دیگر رازی بنام «الجدری والحصبه» ازسال ۱٤۹۸ تا سال ۱۸۶۶ تنها درانگلستان چهل بار تجدید چاپ شد .

از جابربن حیان دانشمند شیمی‌دان ایرانی که فهرست ابن ندیم از اوبعنوان استاد محمدزکریای رازی نام میبرد ویکصد کتاب در رشته شیمی تألیف کرده بود چندین اثر درقرن دوازدهم میلادی به لاتینی ترجمه شد .

آثار فیلسوف بسیار بزرگ ایران « امام محمد غزالی » تقریباً ازهمان زمان حیات خود او در اروپا شناختـه شد ، زیـرا دوکتاب « المنقذ من‌الضلال » و « تهافت‌الفلاسفه » او فقط بیست سال پس‌از مرگ وی بدستور « ریموندوس » اسقف طلیطله درسال ۱۱۳۰ میلادی توسط گروهی از مترجمان برجسته به‌لاتینی ترجمه شد. همین‌ترجمه بودکه « سن تماس اکیناس » عالم بزرگ الهیات کاتولیك‌را با افکار غزالی آشنا کرد واز منابع الهام افکارونظریات فلسفی اودرمجموعهٔ الهیات بشمار آمد. این فیلسوف بزرگ کاتولیك ، با آثار ابن‌سینا نیز از نزدیك آشنائی داشت . درین‌باره «ویل دورانت» مورخ برجستهٔ معاصر امریکائی درکتاب تاریخ تمدن خود مینویسد : « در آن زمان افکار ابن‌سینا نفوذ فوق‌العاده‌ای دراسپانیا واز راه آن‌کشور درمغرب

زمین داشت . این افکار ، آثار ابن‌الرشد وموسی بن‌میمون را پدید آورد واز راه این آثار به عالم مسیحیت رخنه کرد و دردانشمندان بزرگ مسیحی اثر بخشید . آلبرتوس‌کبیر وسن تماس اکیناس بمیزان شگفت‌آوری مرهون اندیشه‌ها وآراء ابن‌سینا هستند » .

دراین زمان هنرایران نیز از راه فرهنگ اسلامی به اروپا راه یافته بود . نمونه جالبی ازاین نفوذ هنری را امروز نیزبصورت نقاشیهای ایرانی کاخ معروف کاپلاپالاتینا در پالرمو مرکز سیسیل میتوان دید . بسیاری ازفقها ، دانشمندان ، هنروران وسایر افراد برجسته ایرانی درآن دوران درسراسر دنیای اسلامی وحتی در بیرون ازمرزهای آن جائز مقامات عالی بودند . ابن بطوطه سیاح معروف مراکشی که درقرن هشتم هجری از فاس در مراکش تا کانتون وخانبالغ (پکن) درچین، یعنی ازاقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر سفر کرد ، درسفرنامهٔ خود تقریباً در هرسرزمین از ایرانیانی که دارای موقعیت ممتاز بوده‌اند نام میبرد ، مثلا درهمان زمان که بگفته او یك فقیه ایرانی درمکه معظمه مرجع فتوی بوده ، وی در اندونزوی با دریاسالار بهروز و با وزیر پادشاه بنام تاج‌الدین اصفهانی ملاقات میکند ودرسرانديب با پادشاه به‌فارسی حرف‌میزند ودرپکن ازامام جماعت شهرکه‌یك‌شیرازی‌بوده نام میبرد ودر «کان‌سو» درجنوب چین در ضیافتی که امیرشهربرای وی داده ، شعری از سعدی را نقل میکند که خنیاگران چینی حتی بدون درك معنی آن باآواز میخواندند . درصورتیکه درآن هنگام حتی یکصد سال ازمرگ سعدی نگذشته بود .

رواج شعر پارسی در منطقه پهناوری ازجهان درطول قرون متوالی ، از عالیترین تجلیات گسترش فرهنگ ایران است . درطول این قرون ، فارسی نخست بصورت زبان ادبی ، وبعد زبان درباری سرزمین‌های پهناوری درهند ، آسیای مرکزی وامپراتوری عثمانی درآمد . در دوران امپراتوری گورکانی هند (که نزداروپائیان به امپراتوری مغول معروف است) پارسی زبان دربار هند بود ، ودرآن دوره تعداد شعرای ایرانی وهندیان پارسی‌گوی درآن سرزمین شاید از شعرای خود ایران بیشتر بود ، وشاید کانون واقعی ادب پارسی نیزدرآن‌زمان بیش‌ازآنکه شهری درایران باشد شهر لاهور بود . درست درهمان زمان ، درسرزمینهای پهناور آسیای میانه ، یعنی در بخارا وسمرقند وخیوه ومرو وغیره ، پارسی زبان فرهنگ وادب بود ، بطوریکه پادشاهان شیبانی ازبك که دشمنان کینه‌توز ایران بودند ، تقریباً همه به فارسی شعر میگفتند ، وبازهم درهمان زمان در امپراتوری عثمانی که سلطان های آن نیزپادشاهان ایران را بزرگترین دشمنان خویش میشمردند ، گردآوری دیوان‌های شعرپارسی مایهٔ افتخار صاحبان مناصب بزرگ بود ، ونه فقط در سراسر امپراتوری پس از قرآن‌کریم اشعار جلال‌الدین مولوی جنبهٔ مقدس داشت ، بلکه سلاطین عثمانی اشعار خویش را به فارسی میسرودند وحتی دریوگوسلاوی سخنسرایان بسیار به‌پارسی شعر میگفتند . دربارهٔ همهٔ این موارد ، درفصول مربوط بهریك ازاین کشورها درمجموعهٔ حاضر توضیح لازم داده خواهد شد .

درآغاز قرن چهاردهم انتشار سفرنامهٔ معروف مارکوپولو عده زیادی از اروپائیان را متوجه ایران کرد ومقارن باهمان زمان فعالیت روحانیان کاتولیك در سرزمینهای شرقی بعلت استقرار حکومتهای غیرمسلمان مغول دراین سرزمینها توسعه

یافت . دراوائل این قرن بمنظور آشناکردن مبلغان اعزامی کلیسا با مشرق زمین ، ازطرف پاپ کلمنتوس چندین دارالعلم تدریس زبانهای شرقی (منجمله فارسی) در ایتالیا واسپانیا وفرانسه تاسیس شد ، ونخستین فرهنگ زبان فارسی در اروپا توسط کشیشان فرانسیسکن در ۱۳۰۳ در رم تألیف گردید . یکی ازهمین کشیشان بنـام « ریکاردو دامونته‌کروچه » درآغاز آن قرن به تبریز رفت وچندسال درآنجا ماند وفارسی را بخوبی فراگرفت ودربازگشت خود سال ۱۳۱۵ سفرنامه جالبی درباره ایران نوشت .

جالبترین کتاب‌مربوط به‌ایران‌دراین‌قرن‌سفرنامه معروف کلاویخو Clavijo سفیر کاستیل در دربار ایران است که ترجمه فارسی آن اخیراً توسط بنگاه ترجمه ونشر کتاب منتشر شده است .

درقرون پانزدهم وشانزدهم مراودات اروپائیان با سرزمینهای شرق اسلامی منجمله ایران توسعه روزافزون یافت وبخصوص با استقرار حکومت عثمانی‌کشورهای مختلف مسیحی اروپا که درخطر استیلای ترکان عثمانی قرارگرفته بودند متوجه ایران رقیب نیرومند این‌کشور درآسیا شدند . نمایندگان جمهوریهای ونیز وفلورانس وبعداً سفرای انگلستان وفرانسه وآلمان ولهستان ومسکوی واسپانیا وهلند درایران وسفرای اعزامی ایران بدین ممالک وبدربار پاپ اعظم ، درعین آنکه روابط سیاسی رامیان ایران واین کشورها مستقرکردند توجه خاص دولتها ومردم این سرزمینها را به‌ایران نیز باعث شدند ، واین توجه طبعاً کوشش بیشتری را ازجانب خواص این‌کشورها برای شناسائی این‌کشوری که درکتاب مقدس ودرتواریخ کهن یونان وروم از آن بکرات یادشده بود موجب گردید . وجود این روابط سیاسی ومنافع مشترك ایران واین‌کشورها در زمینه جلوگیری ازتوسعه نفوذ عثمانیان ، وتوجه روزافزون به‌شرق که حاصل‌توسعه اکتشافات دریانوردان اروپائی وکشف راههای ارتباطی تازه‌ای با آسیا بود ، از اوائل قرن هفدهم دوره تازه‌ایرا در شناسائی جهانی فرهنگ وتمدن ایران بوجود آورد که تا بامروز ادامه دارد .

***

آغاز قرن هفدهم مسیحی در واقع آغاز نهضت آشنائی بازبان وادبیات ایران در اروپا بود . درسال ۱۵۹۰ نخستین کتاب چاپی مربوط بایران دراروپای‌نو باعنوان لاتینی Regio Persarum Principatu توسط Barnabé Brisson درپاریس انتشار یافت . در ۱۶۳۴ نخستین ترجمه گلستان سعدی دراروپا بزبان فرانسه توسطAndré du Ryerدرپاریس منتشر شد . در ۱۶۳۹ نخستین دستور زبان‌فارسی توسطLudovicus de Dienهلندی درلاهه چاپ شد . سه دستورجامع دیگرزبان فارسی درهمین قرن توسط John Greaves (انگلیسی) دراکسفرد (۱۶٤۹) و Franciszek Meninski (لهستانی) دروین(۱۶۸۰ تا ۱۶۸۷) و Ange de St-Joseph (فرانسوی) درپاریس (۱۶۸٤) بچاپ رسید ، و درهمین سال یك فرهنگ نفیس فارسی وایتالیائی ولاتین وفرانسه . درآمستردام منتشر شد .

در ۱۶۳۹ ترجمه فارسی انجیل درهلند ودر ۱۶۵۷ ترجمه فارسی تورات و انجیل درلندن انتشار یافت . درسال ۱۶۵۱ نخستین متن فارسی گلستان سعدی در چاپخانه شرقی Leiden هلند که درنیمه دوم قرن شانزدهم تأسیس شده بود بچاپ

رسید . در ۱۶۸۰ برای اولین بار دراروپا ترجمه قسمتی ازدیوان حافظ توسط Meninski بزبان لاتین دروین منتشر شد .

درجریان‌همین قرن‌هفدهم مسیحی‌بودکه مهمترین‌سفرنامه‌های‌غربی‌مربوط‌به‌ایران پیاپی دراروپا انتشار یافت . درآغاز قرن سفرنامه هانس‌شیلتبرگر آلمانی درفرانکفورت منتشر شد . در ۱۶۳۶ Thomas Herbert شرح‌سفرخودرا بایران‌درنخستین«سفرنامه ایرانی» چاپ انگلستان انتشار داد . در۱۶٤۷ سفرنامه معروف Adam Olearius دانمارکی که شرح سفرچهارساله او (۱۶۳۵ تا ۱۶۳۹) بایران بود در «شلسویگ» چاپ شد . در ۱۶۵۱ کرنلیوس دوبروین Cornelius de Bruyn هلندی که مدتی درتخت جمشید بسربرده ونخستین طرحهای مربوط باین بنا را ترسیم کرده بود شرح سفرجالب خود را درمجموعه‌ای نوشت که بعدها درپنج جلد درآمستردام منتشرشد.

از ۱۶۵۸ تا ۱۶۶۳ سفرنامه Pietro della Valle ایتالیائی که از عالیترین آثار نوع خود درباره‌ایران است در رم وپاریس انتشار یافت . در ۱۶۷۶ سفرنامه Tavernier ودر ۱۶۸۶ سفرنامه مشهور ومفصل Chardin بفرانسه منتشر شد . ازلحاظ هنری ، این قرن قرن‌تجلی ایران درصحنه‌های تآترهای کلاسیك اروپا بود . تنها درنیمه دوم قرن هفدهم بیش‌از دوازده نمایش مربوط بتاریخ ایران درپاریس و ورسای به روی صحنه آمدکه مهمترین آنها « شاهزاده خانم اشکانی » و «مهرداد» و «استر» و «خسرو» تراژدیهای معروف کرنی وراسین و رترو بود .

قرن بعد یعنی قرن هیجدهم ازنظر ایرانشناسی قرن انتشار آثار بزرگ‌تحقیقی مربوط بتاریخ و زبان وادبیات مذهبی ایران بود . مهمترین کاری که درین رشته دراروپا صورت گرفت انتشار ترجمه کامل «اوستا» بزرگترین اثر مذهبی ایران بودکه توسط دانشمند ومحقق ایرانشناس نامی فرانسوی Anquetil Duperron درسال ۱۷۷۱ درپاریس صورت گرفت وبا نشر این اثر عظیم نهضت آشنائی با آئین باستانی ایران وتتبعات وسیع اوستائی وپهلوی در اروپا آغاز شد که درطول قرون هیجدهم و مخصوصاً نوزدهم بصورت بزرگترین رشته ایرانشناسی اروپا درآمد .

« انکتیل دوپرون » برای آموختن زبانهای اوستائی وپهلوی وآشنائی بامتون اوستائی وتهیه نسخه‌های خطی این کتاب پانزده سال با تحمل حوادث بیشمار در هندوستان بسربرده بود .

در همین قرن چندین اثر تحقیقی جالب دیگر درباره ایران انتشار یافت‌که از زمره آنها میتوان از « تحولات امپراتوری ایران » تألیف T. Krusinski لهستانی (چاپ رم — ۱۷۲۷) ، ونخستین کتاب تحقیقی جامع اروپائی درباره آئین مانی تألیف Isaac de Beausobre (چاپ آمستردام ۱۷۳٤) ، و«تاریخ مذاهب ایرانیان» تألیف Paul Fouché روحانی فرانسوی (چاپ پاریس ۱۷۵۱) ، ونشر مطالعات عملی درباره تخت جمشید توسط « آکادمی ادبیات وخطوط » فرانسه (پاریس ۱۷۶٤) نام برد . درطول این قرن مکتب ایرانشناسی انگلستان توسط Sir William Jones پایه گزاری شد وانجمن پادشاهی آسیای بنگال « که در دنبال‌آن‌انجمنهای خاورشناسی متعدد اروپا تأسیس گردید درهندوستان بوجودآمد ونیز « آموزشگاه زبانهای زنده شرقی » پاریس که هنوز هم مشغول کاراست (وشعبه زبان فارسی از آغاز ازشعب اصلی آن‌بود) تأسیس شد .

قرن نوزدهم را میتوان دوره کمال ایرانشناسی‌مغرب زمین‌دانست ، زیرا در این قرن درکلیه رشته‌های این فن پیشرفتهای وسیع وبیسابقه‌ای صورت گرفت . انجمنهای مهم خاورشناسی‌که در همه‌آنها رشته خاص مطالعات ایرانی وجود داشت یکی پس‌ازدیگری در کشورهای‌مترقی اروپا ودرامریکا تأسیس گردید ، وصدها خاورشناس که عده مهمی ازآنها رشته ایرانشناسی را برگزیده بودند دراین انجمن‌ها بکارپرداختند. تقریباً همه‌آثار بزرگ‌ادبیات ایران بزبانهای مختلف اروپائی ترجمه شد ، وازبرخی ازآنها ترجمه‌های متعددمنظوم ومنثور بیك زبان‌واحد انتشار یافت . در عالم ادب اروپا آثار متعددی‌درباره ایران بوجود آمدکه مهمترین آنها « دیوان شرقی وغربی» Goethe «لاله رخ» Thomas Moore ورستم‌وسهراب Matthew Arnold وگلهای شرقی F. Rückert، وارمزدواهریمن A. Mickiewicz است. ترجمه‌های عالی شاهنامه درفرانسه وانگلستان وآلمان وایتالیا ولهستان ، ترجمه مشهورفیتزجرالد از رباعیات خیام وترجمه های متعدد ازعطار ونظامی ومولوی وسعدی وحافظ وجامی ومنوچهری وناصرخسرو وباباطاهرعریان و شیخ محمود شبستری وسنائی وعبیدزاکانی وانوری و یغما واز آثار مهم نثر فارسی ازقبیل قابوسنامه و انورسهیلی وسیاست‌نامه و مرزبان‌نامه عموماً دراین قرن درکشورهای مختلف اروپائی انجام گرفت . ترجمه‌های متعددی از اوستا درهمین مدت بزبانهای مختلف منتشر شد. مجموعه بی‌نظیر وگرانبهای نسخ خطی اوستائی وپهلوی‌دراوائل این قرن توسط Westergaard جمع‌آوری شد که اکنون درکپنهاك نگهداری میشود . تتبعات وسیع در زبان‌های قدیم ایران در همین قرن توسط دانشمندان زبان شناسی اروپائی و بخصوص محققین ژرمنی و اسکاندیناو صورت گرفت ، ومخصوصاً با خوانده شدن خطوط میخی هخامنشی توسط Rowlinson فصل جدید ودرخشانی در دفتر ایرانشناسی گشوده شد وبسیاری از نکات تاریك تاریخ وتمدن ایران از پرده ابهام بیرون آمد . کشف گنجینه‌گرانبهای اسناد ونوشته‌های مانوی در «تورفان» دراوائل قرن حاضر دریچه تازه‌ای بود که برشناسائی فرهنگ ایران کهن گشوده شد .

درطول همین قرن ، درچندین کشور غیراروپائی بخصوص درامریکا و هندوستان وعثمانی نیزکارهای تحقیقی وادبی جالبی درباره ایران صورت گرفت که ازجمله‌آنها مخصوصاً نشرمتون آثارمهم ادب فارسی ونشرفرهنگها ودستورهای متعدد زبان فارسی وانتشار روزنامه‌های گوناگون فارسی درهندوستان شایان تذکرخاص است.

فعالیتهای وسیعی که‌بدین‌ترتیب در سراسر قرن نوزدهم در رشته‌های مختلف ایرانشناسی صورت گرفت ، زمینه کار انستیتوها وانجمنهای خاورشناسی وایرانشناسی، نشریات ایرانشناسی وخاورشناسی ، مراکزتعلیم زبان‌وادبیات فارسی ، وفعالیت‌های مختلف تتبعی وتحقیقی مربوط بایران گردیدکه مجموعهٔ حاضر به شرح آنها اختصاص یافته است .

***

با شروع دوران‌اکتشافات دریائی اروپائیان وراه یافتن آنها به سرزمینهای آسیائی وبا ارتباط روزافزون بازرگانی ونفوذ سیاسی ایشان درشرق ، اروپائیان براثر آشنائی با تمدنها و فرهنگهای کهنسال شرق منجمله ایران متوجه لزوم تأسیس مراکزتحقیقی مجهزی برای تتبع درآثار فرهنگی ومدنی این ملل و

شناسائی زبانها وادبیات علوم وفلسفه‌ها ومذاهب شرقی شدند وبراثر همین احتیاج بودکه « انجمنهای خاورشناسی » بوجود آمد.

نخستین انجمن ازاین‌نوع آکادمی باتاو Academiae Lugduno Batavae بود که درسال ۱۷۸۰ توسط‌هلندی‌ها تأسیس شد وتقریباً بلافاصله بعد ازآن « انجمن پادشاهی آسیائی بنگال Royal Asiatic Society of Bengal درسال ۱۷۸٤ در کلکته تأسیس گردید ، ودرنبال آن شعبه بمبئی این انجمن بنام انجمن آسیائی بمبئی Royal Asiatic Society, Bombay Branch درسال ۱۸۰۵ در بمبئی ایجاد شد . این انجمن در واقع اساس کارسایر انجمنهای خاورشناسی‌است که درخود انگلستان ودرسایرکشورهای اروپائی بوجود آمد ، وبخصوص این‌اهمیت را داشت که فن خاص « ایرانشناسی » را در مغرب زمین بنیاد نهاد ، زیرا درآن‌هنگام نفوذ زبان وادبیات فارسی درهندوستان (که اندك‌اندك بصورت مستعمره انگلستان درمیآمد) بقدری بود که بدون شناسائی آن اداره سرزمین پهناور هند امکان نداشت. بدینجهت « انجمن آسیائی » بنگاله ازآغاز تأسیس خود مهمترین شعبه غیرهندی خویش را شعبه ایرانی قرارداد وتتبعات ایرانشناسی همین انجمن بانگلستان واروپا راه یافت ونهضت وسیع آشنائی با زبان وادبیات فارسی ومذاهب باستانی ایرانرا دراروپا باعث گردید .

دو « انجمن خاورشناسی » بسیارمعروف دراروپا تقریباً مقارن یکدیگر در پاریس ودرلندن تأسیس‌شد. انجمن‌فرانسوی‌درسال ۱۸۲۲ بنام Société Asiatique توسط دانشمند وشرق شناس برجسته فرانسوی « سیلوستردوساسی » در پاریس ایجاد شد ودرسال بعد (۱۸۲۳) انجمن انگلیسی بنام Royal Asiatic Society of Great-Britain and Ireland در لندن تشکیـــل شد . ایـــن دو مـــؤسسه مهم علمی و تحقیقی از آن زمان تاکنون بـــدون وقفه مشغول کارند ، و صدها خاورشناس و ایرانشناس برجسته درینمدت با آنهـــا همکاری داشته‌انـــد . نشریات این انجمن ها از سالهـــای ۱۸۲۳و۱۸۳٤تاکنون مرتباًانتشاریافته‌اند، ودوره‌آنهاشامل عالیترین تتبعات دانشمندان غرب درباره جنبه‌های مختلف فرهنگ ایران است . انجمن آسیائی انگلستان که تدریجاً شعباتی در سیلان وچین ومالزی وغیره ایجاد کرد از ۱۸۲۸ دارای دائره‌ای بنام Oriental Translation Fund شد که بودجه آن اختصاص به ترجمه آثار شرقی دارد وتاکنون توسط آن‌صدها کتاب شرقی منجمله ایرانی انتشار یافته است .

انـــدکی پس از ایـــن دو انجمن خـــاورشناسی آلمان بنام : Deutsche Morgenländische Gesellschaft در سال ۱۸٤۷ تشکیل گردید که‌خیلی زود براثر فعالیتهای خاورشناسان بزرگ وبرجسته آلمانی بصورت یکی از معتبرترین مراکز تتبعات شرقی درتمام جهان درآمد ، ونشریه این انجمن‌که Zeitschrifrt der Deutschen Morgeuländische Gesellschaft نام دارد وازسال ۱۸٤۷ تاکنون‌منظما انتشار یافته است ازلحاظ‌اهمیت وارزش علمی غالباً از دونشریه مشابه خوددرفرانسه وانگلستان نیز بالاتر بشمار میآید .

انجمن خاورشناسی معتبر دیگری اروپائی درسال ۱۸۸٦ دروین (اتریش) بنام : Vereinigung Oesterreichischer Orientalisten تاسیس گردید.اتریش‌در

این‌زمان دارای سابقه استواری درآشنائی با فرهنگ وادبیات شرق بخصوص ایران بود و نه فقط ترجمه‌های متعددی ازآثار ایرانی توسط ایرانشناسان برجسته بخصوص « هامرپورگستال » مترجم معروف حافظ (که خود در ۱۸۱۲ یك « انجمن آشنائی با ادبیات شرقی » دروین بوجود آورده بود) دروین منتشر شده بود ، بلکه متن فارسی شاهکارهای درجه اول ادبیات ایران (حافظ ، مولوی ، جامی وغیره) دراین‌کشور انتشار یافته بود . انجمن خاورشناسی اتریش ازهنگام تأسیس خود نشریه معتبری بنام Vienna Oriental Journal بزبان انگلیسی انتشار داد که از ۱۹۱٤ ببعد بنام آلمانی: Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes درآمد . این مجله نیزاز نشریات معتبر خاورشناسی اروپا است .

انجمن خاورشناسی امریکا American Oriental Society در اواسط قرن نوزدهم (۱۸٤۲) در New Haven تأسیس شد وازهمانوقت مجله‌ای بنام Journal of the American Oriental Society انتشار داد که هنوز منتشر میشود .

در روسیه در اواخر قرن‌گذشته انجمن شرق‌شناسی مهمی‌بنام «انجمن‌امپراتوری خاورشناسی» Imperatorskago Obshchestva Vostokovedenia درسن‌پترزبورگ تأسیس‌شد وچندین‌مرکزتعلیم زبانهای‌شرقی درسن‌پترزبورگ ومسکو و قازان، واودساو خارکف بوجود آمد . پس ازانقلاب شوروی سازمان دیگری بنام اتحادیه علمی خاورشناسی شوروی جانشین آن شد و بعداً انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در مسکو ولنینگراد تأسیس گردید .

در ایتالیا انجمن خاورشناسی بصورت رسمی فقط دراوائل قرن بیستم(۱۹۰۵) ایجاد شد. این مرکزعلمی « انجمن آسیائی ایتالیا Società Asaitica Italiana » نام داشت واز سال ۱۹۰٦ نشریه وزینی بنام Giornale della Società Asiatica Italiana انتشار داد . این انجمن ونشریه آن در اواخرجنگ دوم جهانی ازمیان رفت و چندین مؤسسه دیگرعلمی ادامه فعالیتهای آنرا بعهده‌گرفتند که مهمترین آنها انستیتوی شرق — Istituto per l'Oriente — و انستیتوی ایتالیائی‌خاورمیانه وخاور دور Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente اند . نشریه مهم خاورشناسی این‌کشور Rivista degli Studi Orientali ازسال ۱۹۰۷ تاکنون منظما منتشر شده است .

در قرن حاضر تدریجاً انجمنهای خاورشناسی دیگری بترتیب درسوئد(۱۹۰٦)، فنلاند (۱۹۱۷) ، واتیکان (۱۹۱۷) ، نروژ (۱۹۲۰) ، دانمارك (۱۹۲۲) ، چکسلواکی (۱۹۲۲) ، لهستان (۱۹۲۲) ، مجارستان (۱۹۲۳) ، هلند (انجمن خاورشناسی هلند ، جانشین انجمن سابق باتاو ۱۹۲۳) ، یوگسلاوی (۱۹۲٤) ، بلژیك (۱۹۳٦) ، اسپانیا (۱۹٤۰) ، ژاپن (۱۹٤٦) ، سویس (۱۹٤۷) ، اسرائیل (۱۹٤۹) ، کانادا (۱۹۵۳) ، استرالیا (۱۹۵۷) تأسیس گردیدکه هریك فعالیتهای جالبی داشته‌اند . درکشورهای لهستان ، مجارستان ، چکسلواکی ، یوگسلاوی بعداز جنگ دوم جهانی براثر تغییر رژیم حکومتی این ممالك سازمان این انجمنها نیز تغییر یافته واکنون تقریباً همه آنها شعبه‌ای ازآکادمیهای علوم این‌کشورها هستند.

درهریك ازکشورهای نامبرده بجز این انجمنهای اصلی خاورشناسی، انستیتوها

وانجمنها ومراکز متعدد دیگری وجود دارد که کارشان با تتبعات مربوط بفرهنگ‌های شرقی مربوط است ، ومشخصات این مراکز درفصول مختلف این‌کتاب شرح داده شده است .

***

دربارهٔ طرز تنظیم مطالب مجموعه « جهان ایـران‌شناسی » بهتر است توضیحات ذیل بنظر خوانندگان گرامی این کتاب برسد :

۱ــ فصول هشتاد و چهارگانه این مجموعه که به هشتاد چهارکشور اختصاص یافته ، به‌ترتیب تقدم اسامی کشورها برحسب الفبای فارسی طبقه‌بندی شده ، ولی در مورد هرکشور ترتیب تقدم وتأخر شهرهائی‌که دارای‌مراکز ایران شناسی یاکتابخانه‌ها وموزه‌ی دارای آثارایرانی هستند برحسب‌الفبای‌لاتین‌تنظیم‌شده‌است تامراجعه‌بدانهابرای خوانندگان خارجی کتاب آسانتر باشد . درمورد کشورها ، دراین‌کتاب فقط به‌وضع فرهنگی توجه شده‌است ، وازاین‌نظر کشورهائی که از لحاظ سیاسی توسط دولت ایران برسمیت شناخته نشده‌اند (اسرائیل ، چین کمونیست ، آلمان شرقی ، آلبانـی و غیره) با نامی‌که رسماً نامیده میشوند دراین‌مجموعه ملحوظ شده‌اند، واین‌ترتیبی‌است که درسایر کتب مشابه چاپ کشورهای خارجی نیز معمول است .

۲ــ در مورد هرکشور ، اطلاعات مشروحه بترتیب ذیل طبقه‌بندی شده است (بدیهی است در صورتیکه قسمتی از مراکز مورد نظر در آن کشور وجود نداشته، دراین طبقه‌بندی جائی بدان اختصاص داده نشده است) :

تاریخچه روابط فرهنگی ایران باآن‌کشور . تاریخچه مطالعات ایران شناسی در آن‌کشور . مراکز کنونی مطالعات ایران شناسی . مراکز دانشگاهی و خصوصی تدریس زبان فارسی وزبانهای ایرانی در آن‌کشور . مراکز کتب واسناد خطی‌فارسی. مراکز آثار هنری وباستانی ایران . نشریات خاورشناسی یا مربوط به‌خاورشناسی که عـادتاً مقالات مربوط به فـرهنگ و تمـدن ایران در آنهـا بچاپ میرسد ــ فهرست کتـابهای مربوط به ایران ، ترجمه‌های آثار ایرانی و متون فارسی کـه تاکنون در هرکشور بچاپ رسیده است . در مورد اخیر ، تذکر دو نکته ذیل لازم‌است که اولا این فهرست فقط شامل اسامی کتابهای چاپ شده است ، و نه مقالات تحقیقی مربوط به‌ایران ، زیرا در غیر این صورت این فهرست از گنجایش کتاب خارج میشد، ثانیاً مؤلف ادعای آن را که این فهرست‌ها شامل اسامی تمام‌کتابهای چاپ شده مربوط بایران است ندارد . وبهمین نظر عنوان آن‌ها « فهرستی از .... » ذکر شده است . دراین مورد امیداست محققان و مراکز انتشارات خارجی پس از نشر چاپ اول مجلدات این‌مجموعه برای‌تکمیل این‌فهرست‌ها همکاری بیشتری‌بامؤلف‌بکنندتادرچاپهای بعد این فهرست ها که مورد استفادهٔ همه مراکز ایران شناسی جهان قرار خواهد گرفت هرچه ممکن باشد کاملتر شود . ــ در مورد سایر اطلاعات مندرج در این مجموعه نیز مؤلف همین انتظار را از مراکز مربوطه واز دانشمندان ایران شناس جهان دارد ، وامیدواراست همکار رزنده آنها کمك مؤثری به تکمیل این مجموعه در چاپهای آینده آن بکند .

۳ ــ در چاپ حاضر ، متاسفانه نظر به‌عدم دسترسی به حروف لاتینی‌مخصوصی که در مورد نقل اسامی شرقی به خط لاتینی بکار میرود ، وبرخی از حروف که در

زبانهای خاصی مورد استعمال است ، نقل بعضی از مطالب بخط لاتینی بصورت اصلی آنها با اشکال مواجه بوده است . امید است در چاپهای بعد همهٔ این‌نوع حروف مخصوص فراهم شود تا نقل اسامی به لاتینی بصورت بی‌نقص انجام گیرد .

٤ — در نقل تلفظ فارسی اسامی خاص خارجی ، اعم از شهرها و مراکز علمی واشخاص، طرزتلفظ‌آنها به‌زبان اصلی‌ملاك قرارگرفته است ، بجز درمواردی از قبیل پاریس ومونیخ ونظائر آن ، که تلفظ واقعی‌آنها بکلی برای خوانندگـان فارسی زبان نامأنوس است .

٥ــ در مقدمه‌های فصول ، برای احتراز از آنکه مجموعهٔ حاضر از حد متعارف مفصلتر شود ، از نقل فهرست کلیه مراجع و مدارکی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند خودداری شده است . ولی در صورتیکه پس‌از انتشار جلد حاضر این‌موضوع ازطرف صاحبنظران ضروری تشخیص داده شود ، در جلد های آینده فهرست مراجع مقدمه‌های فصول نقل خواهد شد و در چاپ بعدی جلد حاضر نیز چنین فهرستی بدان افزوده میشود .

٦ — برای آنکه شرح حال دانشمندان ایران شناس معاصر و کارهای آنها دربارهٔ ایران بصورت جامعتری در دسترس خوانندگان مجموعه جهان ایران شناسی قرارگیرد ، بجای آنکه در هر فصل صفحاتی به‌ایشان اختصاص داده شود ، یك جلد کامل یعنی جلد ماقبل آخر این‌مجموعه (آخرین جلد مجموعه به‌فهرست‌های مختلف‌کلیه مجلدات جهان ایران‌شناسی اختصاص یافته است) بصورت « فرهنگ ایران شناسان » بدانان اختصاص خواهد یافت . این فرهنگ ، شامل شرح حال کلیه ایران شناسان معاصر ، ازهمه‌کشورها ، بصورت الفبائی اسامی آنان همراه با عکس و فهرست‌کتابها ومقالاتشان درباره ایران خواهد بود .

٧ — در آخر هرجلد ، آدرس های مراکز و مراجع مختلفی که درآن جلد از آنها نام برده شده بچاپ رسیده است تا درصورتیکه سازمانهای فرهنگی دولتی یا ملی و یا خوانندگان این‌کتاب از نظر شخصی بخواهند برای کسب اطلاعات بیشتری با آنها مکاتبه کنند یا مستقیماً تماس بگیرند ، نشانی این مراکز را در اختیار داشته باشند .

امیدوارم نشر مجموعه « جهان ایران‌شناسی » چنانکه آرزوی من است ، وهدف از تدوین این مجموعه نیز همین بوده است ، زمینه‌ای باشدکه براساس‌آن مراجع مختلف ایران‌شناسی ایران و سراسر جهان ازکارها وفعالیتهای یکدیگر واز مراکزی که ممکن است آثار مورد علاقه ایشان برای پیشرفت مطالعات و تتبعـات آنان در آنها وجود داشته باشد هرچه بهتر وبیشتر آگاهی یابند واز این راه همکاری وسیعتر و کاملتری را میان خود برقرار سازند تا براساس آن ، فعالیتهای پرارزش مربـوط به فرهنگ ایران در تمام جهان درهمین تـوسعه هماهنگـی بیشتری پیدا کند . درین مورد مهمترین پاداشی‌که همکاران ارجمند ایران‌شناس در سراسر جهان به مؤلف این مجموعه میتوانند داد ، کمك ایشان به‌تکمیل اطلاعات مندرجه در آن است ، تا چنین مجموعه‌ای که بی‌شك مورد استفاده مراجعه همه آنان خواهد بود ، هرقدر ممکن باشد درچاپهای بعد کاملتر وجامعتر گردد .

مهر ماه ١٣٤٨ — شجاع‌الدین شفا

آرزائیں

Rebec.

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		

256

تاریخچهٔ روابط فرهنگی ایران و آرژانتین

Rebd.

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		
	—o—o—o		
256			

در کشور های امریکای لاتین تاکنون بطـور کلی کار علمی شایان توجهی در زمینه فرهنگ ایران صورت نگرفته است، وعلت این امر طبعاً دوری جغرافیائی وکمی ارتباط سیاسی واقتصادی است. کارهائی که در غالب این کشورها در مورد خاورشناسی صورت گرفته، خواه براثر ارتباط نزدیك فکری و فرهنگی این کشورها با اسپانیا و پرتقال (که در آنها غالباً فقط بجنبه عربی و اسلامی فرهنگ شرق توجه میشود)، و خواه بعلت وجود اقلیتهای وسیع مهاجرین عرب (لبنانی و سوری) در امریکای لاتین، بیشتر مربوط به تمدن و فرهنگ عربی بوده است.

در سالهای اخیر تدریجاً توجه بیشتری از طرف کشور های مختلف امریکای لاتین به رشته های دیگـر فرهنگهای شرقی، منجمله فرهنگ ایران معطوف شده که تا حد زیادی نتیجه اجرای « طرح اهم شناخت متقابـل ارزشهای فرهنگی شرق‌وغرب» یونسکو بوده‌است. دریـن مورد آرژانتین که مترقی ترین ممالك امریکای لاتین

است فعالیتی بیش از سایر کشور های این قاره داشته است .
آشنائی با ادبیات ایران در آرژانتین چهل سال پیش با ترجمه رباعیات خیام دراین کشور شروع شد و هنوز هم این آشنائی تقریباً انحصار به «خیام شناسی» دارد .

با انتشار ترجمه های خیام ، برخی از شعرا و نویسندگان معاصر آرژانتینی در آثار خود از افکار فلسفی رباعیات الهام گرفتند که مهمترین آنها خوانا دایباربورو Juana de Ibarburú شاعرهٔ نامی اینکشور است .
چند نمایشگاه آثار هنر ایرانی تاکنون در آرژانتین تشکیل شده که یکی از آنها نمایشگاه سرامیک‌ـ های شرقی در بوئنوس‌آیرس در اکتبر ۱۹۵۸ و دیگری نمایشگاه مهم هنر شرقی در دسامبر همان سال بوده است . دراین نمایشگاه که با سرپرستی کمیسیون ملی یونسکو در آرژانتین و اتحادیه آرژانتینی آنابری
Asociación Argentina pro-Naciones Unidas "Ana M. Berry"
تشکیل شد ، سیصد شیئی هنری مختلف متعلق به کلکسیونهای خصوصی در موزه ملی هنر های زیبای بوئنوس‌آیرس بمعرض نمایش گذاشته شد و فهرست مشروح این اشیاء نیز توسط این موزه انتشار یافت . قسمت مهمی از این اشیاء آثار هنر ایرانی و بقیه آنها متعلق به هندوستان ، هندوچین ، چین ، ژاپن ، اندونزی ، ترکیه و سوریه بود . در مدت تشکیل این نمایشگاه یك سلسله کنفرانس نیز توسط متخصصین هنری درموزه ملی هنرهای

زیبا درباره هنر های شرق منجمله هنر ایران ایراد گردید.

در سال ۱۹۶۰ نمایشگاه دیگری از مینیاتور های ایرانی تحت سرپرستی «یونسکو» در بوئنوس‌آیرس و چند شهر دیگر آرژانتین ترتیب یافت .

در سال ۱۹۶۵ بمناسبت مسافرت اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه ایران به این کشور میدان بزرگ وزیبائی درشهر بوئنوس آیرس بنام «میدان ایران» نامگزاری شد

در سالهای اخیر در چند مرکز دانشگاهی وخاور شناسی آرژانتین مطالعات ایرانی آغاز شده که شرح آنها در صفحات بعد داده شده است .

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

مرکز مطالعات شرقی دانشگاه سالوادور (بوئنوس‌آیرس)

Universidad del Salvador: Centro de Estudios Orientales.

این دانشگاه درسال ۱۹۵۹ از ترکیب «انستیتوی فلسفه» بوئنوس آیرس (تأسیس در ۱۹۴۴) و «انستیتوی دانشگاهی سالوادور» (تأسیس در۱۹۵۷) تشکیل‌شده است ودر حال حاضر در حدود ۳۵۰۰ دانشجو دارد . درسال ۱۹۶۲ در دانشکده فلسفه این‌دانشگاه مرکزی بنام «مرکز مطالعات خاورشناسی» تأسیس شد که از ۱۹۶۳ رسماًشروع بکارکرد . ازسال تحصیلی ۱۹۶۵ – ۱۹۶۶ شعبه خاصی برای «زبان وادبیات فارسی و مطالعات ایران شناسی» در این مرکز ایجاد گردید .

رئیس «مرکز مطالعات‌شرقی دانشگاه سالوادور» دکتر اسمعیل کیلس Ismail Quiles دانشمند روحانی است که اصلا اهل لبنان است . در این مرکز چهار استاد و شش دانشیار تدریس میکنند ودرحال حاضر ۱۵۰ دانشجو درآن مشغول تحصیلند .

مطالعات علمی « مرکز مطالعات شرقی » این دانشگاه در سه شعبهٔ مجزا بنام «بخش زبانها و ادبیات» ، «بخش تاریخ و هنر» ، «بخش فلسفه و مذهب» انجام میگیرد . هریك ازاین رشته‌ها نیزخود به سه رشتهٔ مختلف: منطقه فرهنگ اسلامی (شامل ایران و سایر کشور های اسلامی آسیا) ، منطقه فرهنگ هندی (شامل هند و سرزمینهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی) ، منمنطقه خاور دور (شامل چین و ژاپن) تقسیم میشوند . از سال ۱۹٦٤ کرسی خاصی بنام «روابط فرهنگهای شرق و امریکای لاتین»

Catedra de relaciones interculturales Oriente-America Latine

در دانشکده فلسفه این دانشگاه تأسیس شده است که وظیفه آن تتبع در تمدنها و زبانهای کشور های شرقی ومطالعات تطبیقی در زمینه فرهنگهای شرق و غرب است .

دانشگاه آرژانتینی مطالعات عالیه شرقی (بوئنوس‌آیرس)

Universidad Argentina de Altos Estudios Orientales.

این دانشگاه که خصوصی و غیردولتی است درسال۱۹٦٥ بمنظور مطالعات علمی‌درفرهنگهای شرقی‌وتدریس‌زبانهای مختلف قدیم و جدید شرق تأسیس شده و طبق اساسنامه خود دارای یازده دانشکده است که یکی ازآنها «دانشکده ایران شناسی» است . مطالعات تحقیقی هریك ازاین دانشکده ها زبان شناسی قدیم وجدید ، فلسفه ، الهیات ،

حقوق ، تاریخ ، ادبیات ، علوم طبیعی را شامل میشود . رشته مطالعات ایرانی علاوه براین موارد مشتمل برادبیات اردو و فرهنگ پامیر وفرهنگ افغانستان نیز هست . لازم به تذکر است که در عمل جز قسمت محدودی از این برنامه وسیع بمورد اجرا درنیامده است و این دانشگاه را هنوز نمیتوان یك مرکز فعال خاورشناسی بشمار آورد .

انجمن آسیائی آرژانتین (بوئنوس‌آیرس)

Sociedad Asiatica de la Argentina.

این انجمن در سال ۱۹۵۲ توسط عده‌ای از دانشمندان آرژانتینی علاقمند بفرهنگ شرق ازروی نمونۀ «انجمن پادشاهی آسیائی» انگلستان تأسیس شده و تاکنون فعالیت نسبتاً جالبی در معرفی فرهنگها و تمدنهای شرقی در آرژانتین داشته است . این‌فعالیت ها شامل سخنرانیهای علمی توسط خاورشناسان آرژانتینی وخارجی ، اجرای برنامه های هفتگی رادیوئی در رادیوی بوئنوس‌آیرس تحت عنوان «حضور شرق» برای معرفی تاریخ و فرهنگ ملل شرق ، نمایش فیلمهای مستند درباره سرزمینهای خاوری ، تشکیل نمایشگاههای هنر شرقی وبرنامه های موسیقی کلاسیك و توده‌ای و رقصهای ملی کشور های آسیا بوده است . تا سال ۱۹۶۹ از طرف این انجمن در زمینه های فوق بیش از ۲۵۰ کنفرانس علمی و ۳۰۰ برنامه رادیوئی ترتیب داده شده و بیش از ۳۵۰ فیلم مستند نمایش داده شده است . از جمله سخنرانیهائی که تاکنون در این

انجمن درباره ایران ایرادشده میتوان از موارد زیر نام برد:

فلسفه زندگی در اوستا (توسط پروفسور آنتونیو هررو A. Herrero)— عمر خیام شاعر وفیلسوف ایران (توسط خانم برتاتابوش B. Tabbush)—ایران باستان و فرهنگ آن (توسط پروفسور روزن واسر A. Rosenwasser) ایران دیروز و ایران امروز (توسط خانم کلاریسادمینولی C. de Minolli) _ « رژیم مشروطـه در ایران و سلسله پهلوی » و « علوم ماوراءالطبیعه در ایران » (توسط پروفسور پـدرو کـاتـلا P. Catella) _ مذاهب قدیم و جدید ایران (توسط پـروفسور کنستانتین دیمیتریـو C. Dimitriu) .

در سال ۱۹۵۵ از طرف این انجمن «آموزشگاه مطالعـات شرقی » Escuela de Estudios Orientales تأسیس شد ، ولی این آموزشگاه در سال ۱۹۵۷ تعطیـل گردید و استادان آن اکنون در دانشگاه سالوادور تدریس میکنند .

انجمن آسیائی آرژانتین در حال حاضر دارای ۱۸۷ عضو رسمی و ۲٤ عضو افتخاری است و هیئت رئیسه آن هرچهار سال یکبار توسط مجمع عمومی انتخاب میشود.

در دوره کنونی ، رئیس انجمن پروفسور اسوالد و منگین O.F.A. Menghin و نـواب رئیس آن پـروفسور کنستانتین دیمیتریو C. Dimitriu وپروفسور پدرو کاستلا P. Castella هستند .

مراکز تدریس فارسی

دانشگاه سالوادور (بوئنوس‌آیرس)

Universidad del Salvador

این دانشگاه بطوریکه قبلا گفته شد در سال ۱۹۵۹ تأسیس شده ودارای ده دانشکده و ۵۵۰ استاد و در حدود ۳۵۰۰ دانشجـو است . دانشگاه سالـوادور یك موسسهٔ کاتولیکی متعلق به فرقهٔ ژزویت‌ها است که در قرن گذشته آنرا بصورت یك کالج مذهبی تأسیس کردند .

مطالعات ایرانی این دانشگاه در کرسی مخصوص مطالعات ایرانشناسی صورت میگیرد که وابسته به دانشکده فلسفه دانشگاه است و تحت نظر مرکز مطالعات شرقی دانشگاه قراردارد .

دروس مختلف مربوط بایران توسط استادان ذیل اداره میشود :

زبان فارسی وتمدنهای ایرانی وهندی (توسط پروفسور کنستانتین دیمیتریو C. Dimitriu نژادشناسی آسیائی (توسط‌پروفسور کارلوس‌لانوس C. Llanos)— فلسفه ها ومذاهب شرقی (توسط پروفسور اسمعیل‌کیلس I. Quiles) هنر اسلامی (توسط پروفسور اسوالدو ماچادومورت O.M. Mouret) .

دانشگاه آرژانتینی مطالعات عالیه شرقی (بوئنوس آیرس)

Universidad Argentina de Altos Estudios Orientales (UEO)

این دانشگاه خصوصی بطوریکه گفته شد در سال ۱۹۶ تأسیس شده است وطبق اساسنامهٔ خود دارای یازده دانشکده است که بمطالعه وتدریس فرهنگها و زبانهای ذیل اختصاص دارد :

ایران شناسی و ادبیات سنسکریت ، افـریقای مدیترانه‌ای و شرقی ، فرهنگ عربی ، فرهنگ هندی ، فرهنگ مدیترانه و آسیای صغیر ، فرهنگ اسرائیل ، فرهنگ پاکستان ، فرهنگ چین ، فرهنگ ژاپن ، سومرشناسی ، باضافهٔ یك بخش خاص مطالعه در روابط فرهنگی شرق و امریکای لاتین .

برنامه دروس دانشکده ایران شناسی این دانشگاه شامل مواد ذیل است : زبانهای قدیم وجدید ایرانی ، سنسکریت ، اردو ، ترکی، تاریخ ایران ، جغرافیای سیاسی ایران ، فلسفه دوگانگی در ایران کهن ، پارسیها ، ادبیات ایران ، الهیات تطبیقی ایران ، حقوق ایرانی وسیر تکامل آن ، نژادشناسی ایران ، مردم شناسی ایران ، فرهنگ پامیر علیا ، فرهنگ افغانستان ، صنعت در ایـران ، تحـولات اجتماعی جدید ایران ، روابط فرهنگی وسیاسی واقتصادی ایران و آرژانتین .

رئیس دانشگاه پروفسور فرانسیسکو کاست برگر F. Kastberger است کـه اصـلا اتریشی است . وی،

متخصص زبانهای قدیم ایرانی و مؤلف تقریباً ۹۰ کتاب است که قسمت اعظم آنها مربوط به زبان شناسی است .

این دانشگاه هنوز توسعه نیافته وفعالیت آن بسیار محدود است . بهمین جهت قسمت اعظم از دروسی که در برنامه آن در نظر گرفته شده درآن تدریس نمیشود .

مراکز آثار هنری ایران

موزه های هنر شرقی (بوئنوس آیرس)

Museo Nacional de Arte Oriental

این موزه درسال ۱۹٦٥ تأسیس شده است و وابسته به اداره کل امور فرهنگی وزارت آموزش و دادگستری آرژانتین است .

«موزه ملی هنر شرقی» دارای مجموعه هائی از آثار هنر ایرانی وهندی و هنرهای اسلامی است ، که تعداد آنها محدود است .

موزه ارازوریز پالائیس (بوئنوس آیرس)

Museo Errazuriz Palais

این موزه قبلا موزه‌ای خصوصی و متعلق به خانواده «ارازوریز» بوده و بعد از مرگ بانی آن طبق وصیت او بصورت یك موزه عمومی درآمده است . محل این موزه «آکادمی ملی ادبیات آرژانتین» است . موزه «ار ازوریز» بیشتر مخصوص آثار هنرهای تزئینی است .

کلکسیون مینیاتورهای شرقی این موزه نیز جالب است . آثار ایرانی موزه شامل مینیاتورها ، کارهای قلمزده ، خاتم کاری و پارچه های ایرانی است .

***

در آرژانتین کلکسیونهای خصوصی متعددی از آثار هنرهای ایران نیز هست که مشخصات دقیق آنها در دست نیست . قسمت مهمی از آثار این کلکسیونها در سال ۱۹۵۸ در نمایشگاه هنر شرقی که توسط یونسکو ترتیب داده شد ، در بوئنوس‌آیرس بمعرض نمایش گذاشته شد .

نشریات خاورشناسی

کارنامه آسیائی Acta Asiatica

این نشریه ، بصورت ارگان انجمن آسیائی آرژانتین Sociedad Asiatica de law Argentina در سال ۱۹۵٤ به سردبیری کارلوس لانوس C.A. Llanos در بوئنوس‌آیرس شروع بانتشار کرد و میبایست هرسه‌ماه یکبار یك شماره ازآن در ۸۰ صفحه چاپ شود ، ولی درآن موقع فقط دو شماره ازآن انتشار یافت . از سال ۱۹٦٦ مجدداً این مجله منتشر میشود .

…OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		

فهرستی از کتابهای مربوط به ایران و
ترجمه‌های آثار ایرانی که تاکنون در
آرژانتین بچاپ رسیده است

(بترتیب تاریخ انتشار)

Rebd.

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		
256			

(عددی که قبل از عنوان هرکتاب چاپ شده ، سال انتشار آن کتاب است)

۱۹۱٤ ـ «رباعیات عمرالخیام» . ترجمه اسپانیائی توسط کارلوس موتسیوسائنس‌پنیا. بامقدمه‌آلوارو‌ملیان‌لافینور ـ چاپ مجله «نوسستروس» ـ لاپلاتا .

Rubaiyat de Omar-al Khayyam. Versión al castellano de Carlos Muzzio Saenz. Prologo de Alvaro Melián Lafinur. Edición de la Revista "Nosostros". - La Plata, 1914.

۱۹۱۹ ـ روح اپیکوری عمر خیام . ترجمه تازه‌ای از رباعیات بشعر اسپانیائی ، توسط کارلوس موتسیوسائنس پنیا ـ چاپ‌بوئنوس‌آیرس .

El epicurismo de Omar Khayyam. Nuevas Rubáiyat en verso castellano, por Carlos Muzzio Sáenz Peña. - Buenos Aires, 1919.

۱۹۲٦ ـ عمر خیام : عقد یاقوت . اثر شاعرانه لئوپولدو لوگونس ـ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Omar Khayyam: El Collar de Zafiros. Obras Poeticas de Leopoldo Lugones. Buenos Aires. 1962.

۱۹۳۶ـ رباعیات عمرخیام. ترجمه ومقدمه ازسلیاد دیه گوـ معرفی کتاب توسط آقای نادر آراسته وزیر مختار ایرانـ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Rubayat de Omar Khayyam. Traducción y Prólogo de Celia de Diego. Palabras preliminares de S.E. el Ministro del Irán, Nadir Arasteh. — Buenos Aires, 1936.

۱۹۳۷ ـ « اشعار عمرخیام » ترجمه تـوسط ریکاردو ویکتوریکا . با شرح آخر کتاب از مانوئل سلوا ـ چاپ بوئنوس آیرس .

Paráfrasis de Omar Khayyam. Por Ricardo Victorica, con un epílogo de Manuel Selva. — Buenos Aires, 1937.

۱۹٤۱ ـ رباعیات عمرخیام . ترجمه امیلیوویلالباولش ، با مقدمه س . پوندال ریوس ـ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Las Cuartetas de Omar Khayyam. Por Emilio Villalba Welsh. Prefacio de S. Pondal Rios. — Buenos Aires, 1941.

۱۹٤۲ ـ رباعیات عمرخیام . از متن انگلیسی ادواردفیتز جرالد ـ ترجمهٔ سطر به سطر توسط خوآگین‌ماریانود ـ آلارکن ـ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Rubaiyat de Omar Khayyam. Paráfrasis inglesa Joaquin V. González. Introducción de Julio V. González. — Buenos Aires, 1942.

۱۹۴۵ ـ زندگانی عمر خیام . تألیف هارولدلمب . ترجمه ماریانو دآلارکن ـ چاپ بوئنوس آیرس .

Harold Lamb: Omar Khayyam. Una vida. — Traducción de Mariano de Alarcón. — Buenos Aires, 1945.

۱۹۵۱ ـ رباعیات عمرخیام. ترجمه اسپانیائی توسط فلیکس اتچگوین ـ چاپ بوئنوس آیرس .

Rubaiyat de Omar Khayyam. Versión española de Felix E. Etchegoyen. — Buenos Aires, 1951.

۱۹۵۲ ـ گلستان سعدی . ترجمه اسپانیائی توسط فلیکس اتچگوین ـ چاپ بوئنوس آیرس .

Saadi: Il Jardin de las Rosas. Versión castellana de Felix E. Etchegoyen. — Buenos Aires, 1952.

۱۹۵۳ ـ غزلیات حافظ . ترجمهٔ اسپانیائی توسط انریک فرناندس لاتور ـ چاپ بوئنوس آیرس .

Los Gazales de Hafiz. Versión castellana de Enrique Fernandez Latour. — Buenos Aires, 1953.

۱۹۵۹ ـ ترجمه تازه‌ای از رباعیات عمرالخیام بزبان اسپانیائی ، توسط خوزه گورایف ـ چاپ کردوبا .

Nuovas "Rubaiyatas de Omar-al-Khayyam". Versión castellana de José E. Guraiev. — Cordoba, 1959.

۱۹۶۰ ــ «روز قربانی» (عیدقربان) ــ ترجمهٔ اسپانیائی رمان فریدون اسفندیاری ــ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Feridun Esfandiari: El Dia del sacrificio. Buenos Aires, 1960.

۱۹۶۱ ــ رباعیات عمرخیام . ترجمه از اصل ایرانی توسط کریستوام دکامارگو ــ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Las Rubaiyatas de Omar Khayyam. Versión directa del original iraniano por Christovam de Camargo. Buenos Aires, 1961.

۱۹۶۱ ــ «مأموریت برای‌وطنم» . بقلم اعلیحضرت‌همایون شاهنشاه ایران. ترجمه به اسپانیائی . چاپ بوئنوس‌آیرس .

S. M. el Sha del Iran: Misión para mia país. — Editorial Gayanarte. Buenos Aires, 1961.

۱۹۶۳ ــ کورش کبیر . تألیف هاورلدلمب . ترجمه بزبان اسپانیائی ــ چاپ بوئنوس‌آیرس .

Harold Lamb: Ciro el Grande. — Buenos Aires, 1963.

آبان

Rebo...

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		
	—o—o—o		
	256°		

سابقه فرهنگی ایران در آلبانی براثر نفوذ ممتد حکومت عثمانی دراین کشور زیاد است ، زیرا دردوران عثمانی آشنائی با زبان وادبیات فارسی برای اهل ادب و اعضای حکومت و خانواده های اشرافی ضروری بود . رواج آئین اسلام نیز که تا قبل از رژیم جدید این کشور را بصورت تنها کشور مسلمان اروپادرآورده بود به‌آشنائی مردم این سرزمین با ایران کمك میکرد . بسیاری از سیاحان خارجی در سفرنامه های خود از رواج اشعار مولوی و حافظ در این مملکت سخن گفته‌اند . در دوران حکومت عثمانی ، درآلبانی نیز مانند سایر سرزمینهای این امپراتوری خانقاه های متعدد وجود داشت که در همه‌آنها ادبیات عرفانی ایران بخصوص اشعار مولوی بصورت الزامی تدریس میشد .

کتب عرفانی ادبیات ایران غالباً درآلبانی بزبان اصلی یا از روی ترجمه ترکی آنها مورد استفاده قرار گرفته وفقط ترجمه مستقلی ازرباعیات خیام بزبان آلبانی در سال ۱۹٦۱ تحت عنوان :

Rubaiat e Omer Khaiamit. Prishtine Rilindia, 1961.

انتشار یافته است . این ترجمه نیز در خود آلبانی صورت نگرفته بلکه در قسمت آلبانی نشین یوگسلاوی انجام یافته است .

در آلبانی فقط یك دانشگاه بنام **دانشگاه دولتی تیرانا** Universieti Schtëteror i Tiranës وجود دارد که در آن زبان فارسی مستقلا تدریس نمیشود ، ولی دروس یکی از کرسیهای دانشکده تاریخ وزبانشناسی آن که توسط دکتر استفاناك پولو Stefanaq Pollo اداره میشود بطور محدودی با ایران ارتباط دارد .

در مکتبخانه های قدیمی که هنوز در نقاط کوهستانی این کشور وجود دارند غالب معلمان مکتب قدیم با زبان فارسی آشنائی دارند .

اتوره روسی Ettore Rossi خاورشناس وایران‌ـ شناس برجسته ایتالیائی که مؤلف فهرست معروف نسخه ـ های خطی فارسی کتابخانهٔ واتیکان است ودرزمان جنگ جهانی مدتی در آلبانی انجام وظیفه میکرد ، مینویسد که شخصاً در بسیاری از خانه هـای مـردم این کشور و در کاخهای قدیمی‌آن کتابهای خطی‌متعدد فارسی دیده است.

کتابخانه ملی تیرانا که در سال ۱۹۲۲ تأسیس شده دارای ۵۰۰٫۰۰۰ کتاب است و مجموعه‌ای از نسخ خطی فارسی وترکی وعربی دارد که یادگار دوران‌عثمانی است . از این مجموعه وبالطبع ازقسمت فارسی‌آن فهرست مستقلی تنظیم نشده و کسب اطلاع جداگانه‌ای نیز امکان نیافته است .

آلمان

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		
	256		

تاریخچه روابط فرهنگی
ایران و آلمان و تاریخچهٔ
ایران شناسی در آلمان

Rehos..

OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		563641
256			
		182	

ظاهراً نخستین شرحی که درباره ایران درآلمان نوشته شده سفرنامهٔ هانس یوهان شیلت برگر Hans Johann Schildtberger اهل باواریا است که در آغاز قرن پانزدهم میلادی تألیف شده است.

این شخص سربازی حرفه‌ای و اصلا از خاندانی اشرافی از ناحیه شیلتبرگ بود. در شانزده سالگی بخدمت ژیگموند پادشاه مجارستان (که بعداً امپراتور آلمان شد) درآمد و درجنگ «میکوپولیس» که درآن ده هزار تن از سربازان مسیحی بدست ترکهای عثمانی قتل عام شدند اسیر قوای بایزید اول شد، ولی بعلت صغرسن از مرگ نجات یافت و اندکی بعد داوطلبانه وارد سپاه خود این سلطان شد و سیزده سال درآن بخدمت پرداخت. در سال ۱۴۰۲ در جنگی که در نزدیکی آنقره بین نیروهای عثمانی وامیر تیمور گورکانی در گرفت به اسارت قوای تیمور درآمد وبه سمرقند برده شد. اما این‌بارنیز داوطلبانه وارد خدمت تیمور گردید ودر حملات جنگی او به شام و بغداد و اصفهان شرکت جست وپس از مرگ تیمور خدمت

خود را در سپاه پسر او «شاهرخ» ادامه داد و همراه وی به هرات رفت و بعداً بدستور شاهرخ درخدمت برادرش در تبریز بکار پرداخت و پس از مرگ او چهار سال دیگر نیز درتبریز در زیر پرچم ابوبکر فرزند شاهرخ خدمت کرد.

از آن پس وی زندگانی پرماجرائی در سیبری و آسیای مرکزی وباطوم و قسطنطنیه داشت، تا سرانجام در سال ۱۴۲۷ تحت حمایت امپراتور بیزانس به زادگاه خود بازگشت و در آنجا به تألیف سفرنامهٔ خویش پرداخت. انتشاراین‌سفرنامه‌بااستقبال بسیار مواجه‌شد، بطوریکه‌آنرا «اودیسه آلمانی» نامیدندودرهمانوقت ترجمه‌آن بزبانهای روسی و انگلیسی نیز انتشار یافت.

فصل سی وپنجم این سفرنامه کلا اختصاص به ایران دارد، و حاوی نکات جالب و گاه ساده لوحانه‌ای درباره شهرهای مختلف ایران درآن عصر است. مثلا مؤلف دربارهٔ تبریز مینویسد که تقریباً تمام ثروت روی زمین دراین شهر جمع شده است و شهر تبریز بتنهائی از مجموع ممالك غرب توانگرتر است. درباره ری مینویسد که مردم این شهر بخلاف سایر مسلمانان به «محمد» اعتقاد ندارند بلکه مرید پیغمبر دیگری بنام «علی» هستند. درباره ماکو مینویسد که این شهر مرکز مسیحیان ایران است و کشیشهای آن از فرقه دومینیکن هستند ولی مراسم مذهبی را بزبان ارمنی انجام میدهند. درباره شاهی تذکر میدهد که این شهر در کنار دریای سفید (دریای مازندران) قرار دارد و درآن ابریشم بقدری زیاد است که

گوئی از زمین میروید . همچنین مینویسد که شهر هرات دارای سیصد هزار خانه است و شیراز شهر بسیار مقتدری است که ورود بدان برای هرمسیحی که قصد تجارت و انتفاع داشته باشد ممنوع است ، و جزیـره قشم آنقـدر مروارید دارد که میتوان سطح جزیره را باآن فرش کرد.

سفرنامهٔ «یوهان شیلتبرگ» که تقریباً همزمان با سفرنامه معروف «مارکوپولو» انتشار یافت توجه خاصی را درآلمان وبسیاری از نواحی دیگر اروپا نسبت بشرق منجمله ایران برانگیخت . نسخه خطی واصلی این سفرنامه اکنـون در کتـابخـانه سلطنتـی دونـاوشینگـن Fürstenbergische HofbibliothekDonaueschingen در باواریا ضبط است . متن آلمانی و ترجمه‌های متعدد آن به‌سایر زبانها تاکنون به کرات تجدید چاپ شده‌است.

***

نخستین سند ارتباط سیاسی ایران وآلمان نامه‌ای است که در سال ۱۵۲۳ میلادی (۹۲۹ هجری) توسط شاه اسمعیل اول صفوی به کارل پنجم امپراتور معروف آلمان نوشته شده است. این نامه بزبان لاتینی انشاء شده وبوسیله فراترپتروس دمونته Frater Petrus de Monte کشیش مارونی اهل لبنان که قبلا از جانب‌پادشاه مجارستان‌بایران اعزام شده بود برای امپراتور آلمان فرستاده شده است . دراین نامه که متن آن در مجموعه «مکاتبات کارل پنجم» چاپ شده پادشاه صفوی امپراتور آلمان و سایر پادشاهان مسیحی اروپا را دعوت کرده است که علیه سلطان عثمانی

بایکدیگر وبا ایران متحد شوند .

این نامه دوسال بعد از تحریر بدست کارل پنجم رسیده و وی در پاسخ آن نامه‌ای به شاه اسمعیل نوشته است که در آن پادشاه صفوی «شاهزاده والاتبار شاه اسمعیل صوفی ، شاهنشاه ایران ، برادر وبهترین دوست ما» خطاب شده است . نامه کارل پنجم درسال ۱۵۲۵ در شهر تولدو (طلیطله) نوشته شده و تاریخ تحریر آن یکسال پس از مرگ شاه اسمعیل است . کارل پنجم چهار سال بعد ازاین تاریخ یعنی درسال ۱۵۲۹ نامه دیگری توسط شخصی بنام « یوحنا بالبی » Johann Balbi برای شاه اسمعیل فرستاده است و ازاین‌جا معلوم میشود که حتی تا این‌تاریخ هم وی از درگذشت شاه اسمعیل و سلطنت شاه طهماسب صفوی اطلاع نداشته است . درین نامه دوم شاه اسمعیل «پادشاه والاتبار ، مقتدرترین سلاطین شرق ، پادشاه سعید و پرهیزکار ، شاه اسمعیل صوفی ، شاهنشاه ایران ، دوست و برادر گرامی ما» خطاب شده است .

دراین زمان توجه اروپائیان ، منجمله آلمانها به ایران که آنرا متحد طبیعی خود دربرابر نفوذ عثمانی میدانستند زیادتر شده بود ، و حوادث ایران غالباً در اروپا منعکس میشد . یك روزنامه چاپ نورنبرگ که تاریخ سال ۱۵۱٤ را دارد واکنون نسخه‌ای ازآن درکتابخانه ملی این شهر نگاهداری میشود حاوی تصویری ازصحنه جنگ شاه اسمعیل اول با سپاه عثمانی در چالدران است . روزنامه دیگری به تاریخ سال ۱۵۷۹ در همین کتابخانه است که تصویری از زورآزمائی یك‌سردارجنگی وشاهزاده ایرانی

بنام ساختگی «اوزار کالدرینوس» با سردار ترك مصطفی پاشا و شکست سرکرده ترك درآن چاپ شده است.

کتابخانه ملی هامبورگ صاحب یك مجموعه جالب از تصاویری است که توسط ملخیورلوریشه Melchior Lorichهنقاش آلمانی از شکوه وجلال سفرای ایران ترسیم شده است. این نقاش در سالهای ۱۵۵۵ تا ۱۵۵۷ و ۱۵۶۲ تا ۱۵۶٤ در دربار سلطان سلیمان عثمانی میزیست و تصاویری که بدان اشاره شد توسط وی ازصحنهٔ ورود اسمعیل بیك سفیر شاه طهماسب درسال ۹۶۳ هجری به استانبول کشیده شده است وازدبدبه فوق‌العاده سفیرایران حکایت میکند. این‌مجموعه تصاویردرسال۱۶۲۶ درآلمان بچاپ رسیدوباعلاقه بسیارمواجه شد. ازهمین‌نقاش‌مجموعه دیگری در «کابینه تصاویر» شهر «درسدن» نگاهداری میشود که شامل بیست وهشت طرح سیاه وسفید و رنگی است که از بناهای مهم شرق و چهره‌های بزرگان ایران و عثمانی کشیده شده است.

همین صحنهٔ ورود سفیر شاه طهماسب صفوی بدربار سلطان سلیمان عثمانی درماه ۱۵۷۶ (۹۶۳هجری) با دقت بسیار دریك مجله چاپ نورنبرگ که تاریخ همان سال را دارد طراحی و چاپ شده است. در این مجله که اکنون نسخه‌ای ازآن درکتابخانه ملی‌نورنبرگ است در شرح مربوط بدین تصویر تصریح شده که تعداد همراهان سفیر ایران دویست و پنجاه نفر بوده است.

براثر این توجه روزافزون نسبت به ایران، جهانگردان مختلفی از آلمان بهوای شناسائی بیشتر این

کشور راه ایران را در پیش گرفتند . از زمره این سیاحان میتوان از کریستوف تویفل Christoph Teufel نام‌برد که درسال ۱۵۸۸ باتفاق دوست و همکارش گئورگ کریستف‌فرن برگر Georg Christoff Fernberger از ازراه استانبول و حلب و بین‌النهرین به جزیره هرمز رفت و از آنجا تویفل از طریق شیراز و اصفهان بجانب قزوین که در آنوقت پایتخت ایران بود رهسپار شد و در سال ۱۵۹۰ از راه سواحل دریای خزر وتبریز ودریاچه وان به اروپا بازگشت . فرن‌برگ نیز اندکی بعد به ایران آمد ، و در مراجعت سیاحتنامه‌ای نوشت که در آلمان بچاپ رسید و با استقبال بسیار مواجه شد[1] .

سفرنامه جالب آلمانی دیگری که تقریبا درهمین دوره درباره ایران نوشته شده سفرنامه هاینریش فن پوزر Heinrich von Poser است که در سال ۱۶۲۱ از راه عثمانی به ایران و هند رفت وسه سال بعد مجدداً از راه ایران باروپا بازگشت . وی در این دوسفر بسیاری از شهرهای ایران را از نزدیك دیده ووضع آنها را باعلاقه توصیف کرده است . مثلا در اصفهان بیش از همه مجذوب پلهای آن شده ، گلپایگان را شهری بسیار زیبا وخوانسار را «پراز باغهای باشکوه و چشمه های پرآب و قناتهای عالی» دانسته است . سفرنامه فن‌پوزر پس از مرگ اودر

---

۱ ـ عنوان لاتینی این سفرنامه چنین است : «زیارت کوه سینا و ارض مقدس ، با شرح سفر به بابل وایران» . تالیف کریستوف فرن‌برگر ، چاپ۱۵۹۳ .

Christoff Fernberger: Peregrinatio Montis Cynai et Terrae Sanctae cum itineribus Babylonico... Persico... descripta, 1593.

سال ۱۶۷۵ درشهر ینا بچاپ رسید[۱]

گذشته از جهانگردان آلمانی ، دراین زمان بازرگانانی از آلمان نیز اندك اندك راه ایران را درپیش گرفتند . هامرپورگستال ادیب اتریشی در سال ۱۸۱۹ در کتابخانه ملی وین اوراقی از سیاهه محاسبات یك تاجر آلمانی را یافت که در سال ۱۶۲۳ دراصفهان میزیسته است. در همین شهروین درسال ۱۸۲۰ جزوه‌ای دراین‌باره انتشار یافت .[۲]

روابط سیاسی ایران وآلمان بمفهوم واقعی آن در زمان شاه عباس اول آغاز شد . درسال ۱۶۰۰ میلادی از جانب این پادشاه حسینعلی بیك بیات به سمت سفیر مخصوص باروپا اعزام گردید ، ودرپراگ مقر رودولف دوم امپراتور آلمان بگرمی مورد پذیرائی قرارگرفت ، سپس به نورنبرگ و آوکسبورگ و مونیخ رفت و ازآنجا عازم ونیز و رم گردید . چند سال بعد ، یعنی در ۱۶۰۶ متقابلا هیئتی از جانب امپراتور آلمان از پراگ رهسپار

---

۱ ـ عنوان این سفرنامه چنین است : «تاریخ زندگی و مرگ آقای هاینریش فن‌پوزر ، شامل یادداشتهای او که درآنها مسافرت وی از قسطنطنیه به بلغارستان و ارمنستان وایران وهند شرح داده شده‌است » . چاپ ینا . سال ۱۶۷۵ .

Der beiden Erb - Fürstenthümer Schweidnitz und Jauer Landes - Bestelltens, des Herrn Heinrich von Poser Lebens- und Todes-Geschichte, worinnen das Tagebuch seiner Reise von Constantinopel aus durch die Bulgarey, Armenien, Persien und Indien... - Jena, 1675.

۲ ـ عنوان این رساله چنین است :

Bruchstücke eines Tagebuches eines Deutschen, der zu Anfang des XVII Jahrhunderts mit diplomatischen Auf-rägen sich in Persien aufhielt. Wien, 1820.

ایران شد. این هیئت که ریاست آن با استفان کاکاش زالکومنی Stefan Kakasch Zalakoemeny نجیب زاده اهل «ترانسیلوانیا» بود در سال ۱۶۰۹ بایران رسید، ولی قبل از باریافتن بحضور شاه، سفیر در شهر لاهیجان درگذشت و نفر دوم هیئت بنام گئورگ تکتاندرفن درپابل Georg Tectander von der Jabel جانشین او شد، و در اکتبر ۱۶۰۹ در شهر اردبیل بنزد شاه عباس باریافت. شرح این سفر و خاطرات دربار صفوی که بقلم همین شخص نوشته شده، درسالهای ۱۶۰۹ و ۱۶۱۰ درشهر آلتن بورگ آلمان، وترجمه فرانسه آن با شرح و حواشی جامع توسط «کارل شفر» ایران شناس معروف در سال ۱۸۷۷ درپاریس، هردو با عنوان Iter Persicum بچاپ رسیده است.[۱]

برروی یك جعبه قلمدان که اکنون دراختیار موزه برلن است صحنه پذیرائی این سفیر توسط شاه عباس اول، بصورت دقیقی نقاشی شده است واین قدیمی‌ترین اثر هنری مربوط به روابط ایران و آلمان است که در موزه های آلمان وجود دارد. درباره این نقاشی شرح محققانه‌ای توسط «فریدریش‌زاره» دانشمند ایران‌شناس

۱ ـ عنوان این سفرنامه چنین است: «سفرنامه ایرانی. شرحی کوتاه ولی جامع و واقعی از سفر استفان کاکاش‌ٔالکمنی به ایران درسال ۱۶۰۲، که همسفر او گئورگ تکتاندرفن درپابل آنرا بپایان رسانید». چاپ آلتنبورگ، ۱۶۰۹ـ۱۶۱۰.
Iter Persicum; Kurtze, doch aussführliche und warhaftige Beschreibung der persianischen Reise welche im Jahre 1602 Stephano Kakasch von Zalakoemeny von seinem Reise-fährten Georfio Tectandro von der Jabel vollends contenuiret und verrichtedt worden. - Altenburg, 1609 - 1610.

آلمانی درسال ۱۹۳۷ در نشریه موزه دولتی برلن چاپ شده است.[۱]

در بازگشت فن‌دریابل بـه آلمـان ، شاه عباس نماینده‌ای بنام «مهدی قلی بیك» از جانب خود همراه وی کرد که حامل نامه‌هائی برای تزار روسیه وامپراتور آلمان بود . درنامه‌ایکه «بوریس گادونف» تزار روسیه درهمانموقع به امپراتور آلمان نوشته جریان مسافرت سفیر آلمان به ایران از راه مسکو بتفصیل شرح داده شده و دراین نامه تزار مسکوی به رودلف امپراتور آلـمان اطلاع داده که شاه عباس شکست های فاحشی به ترکان وارد آورده است . تاریخ تحریر این نامه طبق نوشته تزار روس «ماه اوت سال ۷۰۱۲ از خلقت عالم» است .

در سال ۱۶۳۳ هـرتسگ فـریـدریش سوم Herzog Friedrich III فـرمانروای ایـالت شلسویگ هولشتاین گوتورپ Schleswig - Holstein Gottorp درشمال آلمان ، هیئتی را مرکب از نمایندگان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به ایران فرستاد که چهار سال طول کشید تا وارد اصفهان گردید . قطعـه شعـر زیبائی از پـاول فلمینگ Paul Fleming شاعـر هیئت ، نمایندهٔ خرسندی این هیئت اعزامی از رسیدن بایران است :

« ... اینك ما پا به ایران آزاده نهاده‌ایم تا درد ما را تسکین بخشد ، با فره ایزدی خود آتش شادمانی را در دل

۱ ـ «قلمدان شاه عباس اول درشعبه هنرهای اسلامی موزه دولتی برلن» . نوشته فریدریش‌زاره . چاپ برلن ، ۱۹۳۷ .

F. Sarre: Die Lacktruhe Schah Abbas I in der islamischen Abteilung der Statlichen Museen Berlin, 1937.

ما برافروزد ، و ما را سبکبال به اصفهانش رهنمون شود.»

این هیئت چند سال درایران ماند ، و مهمترین ارمغانی که همراه برد نخستین ترجمهٔ گلستان سعدی بزبان آلمانی بود که توسط آدام اولئاریوس Adam Olearius کتابدارهیئت‌صورت گرفت . اولئاریوس (۱۶۰۰–۱۶۷۱) که درآن هنگام مرد جوانی بود ، و بعداً بخاطر همین ترجمه و انتشار سفرنامه ایرانی خود شهرت بسیار یافت ، در مدت اقامت خود در اصفهان زبان فارسی را بخوبی فراگرفت و دربازگشت به موطن خویش با همکاری یك دوست ایرانی یهودی‌الاصل خود بنام حق‌وردی به ترجمه گلستان پرداخت که ترجمه تحت‌اللفظی این اثر نیست ، وبایدآنرا «ترجمه‌آزادی» از گلستان دانست . پیش از اولئاریوس نیز قطعات مختلفی از آثار سعدی توسط فریدریش اوخسن باخFriedrich Ochsenbach به آلمانی ترجمه شده بود ، ولی ترجمه اولئاریوس اولین ترجمه‌ای بود که از یك اثر کامل سعدی صورت میگرفت . برپایه این ترجمه بودکه در اواخر قرن هجدهم هردر Herder ادیب معروف آلمانی ، گلستان سعدی‌را «لطیفترین گلهائی که در جهان درباغ یك پادشاه شکفته شده است» وصف کرد .

از سفر هیئت نمایندگی شلسویگ هولشتاین بایران دوسفرنامه جالب در اروپا انتشار یافت که یکی توسط آدام اولئاریوس و دیگری توسط یکی دیگر از اعضای هیئت بنام یوهان فن مندلسلو نوشته شده بود .

نخستین چاپ این دوسفرنامه درسال ۱٦٤۷ همراه یکدیگر و در یك جلد منتشر شد ، اما درسال ۱٦٥۸ چاپ مستقلی ازسفرنامه مندلسلو در شلسویگ انتشار یافت . در این کتاب برای اولین‌بار دراروپا تصاویری از تخت جمشید و پاسارگاد و نیز از دژ جنگی پرتقالیها در جزیره هرمز بچاپ رسیده بود . سفرنامه مفصل اولئاریوس ، و نیز سفرنامه مندلسلو همانوقت به چند زبان دیگر اروپائی ، منجمله بزبان های هلندی وفرانسه وانگلیسی ترجمه شد .

در سالهای آخر همان قرن ، ودرنخستین سالهای قرن بعد ، چند سفرنامهٔ جالب دیگر در باره ایران در آلمان منتشر شد که مهمترین آنها سفرنامه مصور «دانیل پارتی» و سفرنامه مصور «فرانتس گاسپار شلینگر» است که بترتیب درسالهای ۱٦۹۸ و ۱۷۰۷ هر دو در شهر نورنبرگ بچاپ رسید . «پارتی» در سال ۱٦۷۷ از طرف شرکت هلندی هند شرقی از راه دریا به بندرعباس آمد و از آنجا قسمت مهمی ازایران را سیاحت کرد و درباز گشت سیاحتنامه مصوری بنام «نه سال مأموریت در خدمت ارتش و مسافرت در هند شرقی و ایران . سفرنامه سالهای ۱٦۷۷ تا ۱٦۸٥» انتشار داد[1] .

«شیلینگر» نیز در اواخر قرن هفدهم باتفاق سه کشیش آلمانی بایران سفر کرد واز راه قدیمی تبریز- قزوین به اصفهان واز آنجا به شیراز و بندر عباس رفت و از طرف دریا بازگشت . سفرنامه او اثر دقیق و جالبی

1 - D. Parthy: Ostindianische und Persianische neunjährige Kriegsdienste und Reisen; Reisebeschreibungen was sich von 1677 bis 1685 zugetragen. Nürnberg, 1698.

است که تنها در عرض ده سال ، از ۱۷۰۷ تا ۱۷۱۶ سه‌بار در نورنبرگ تجدید چاپ شد و در همان هنگام ترجمه آن نیز در هلند نیز انتشار یافت[۱] .

در سال ۱۷۱۷ آلمانی‌دانشمند دیگری بنام یوهان گوتلیب ورم که در کمپانی هلندی هند شرقی کار میکرد در معیت هیئت نمایندگی سیاسی هلند بایران آمد و بدربار شاه سلطان حسین صفوی باریافت. ودربازگشت سفرنامه‌ای انتشار داد که علاوه‌بر توصیف مشروحی ازایران اواخر عصر صفوی دارای تصاویر متعدد و جالبی نیز بود[۱] . در همان زمان ، از دوسیاح دیگر آلمانی بنام «گملین» و «نی‌بر» که اولی به شمال و دومی به جنوب ایران سفر کرده بودند دو سفرنامه درباره ایران انتشار یافت .

باظهورنادرشاه افشاروپیروزیهای نظامی‌برق‌آسای او که طنین بسیاری در اروپا یافت ، گذشته از سفرنامه‌ها کتب تحقیقی متعددی درباره تاریخ گذشته ایران و فتوحات نادر در آلمان منتشر شد که از مهمترین آنها میتوان ازکتابی که توسط دو محقق انگلیسی وهلندی بنام «سالمون» و «وان‌گوخ» در سال ۱۷۳۹ در فلنسبورگ

---

۱ – عنوان این کتاب چنین است : «سفر به ایران وهند شرقی از سال ۱۶۹۹ تا سال ۱۷۰۲» تالیف فرانتس کاسپار شیلینگر . چاپ نورنبرگ .

F.C. Schillinger: Persianische und Ostindianische Reise vom Jahre 1699 bis 1702. Nürnberg, 1707.

۲ – عنوان این کتاب چنین است : «شرح سفری ده ساله به هند شرقی و ایران که به عون حضرت مسیح به رشته تحریر درآمده است». چاپ وایزن ، درسدن و لایپزیك ، سال ۱۷۳۷ .

J.G. Worms: Zehnjährige Ost-Indien-und Persianische Reisen, ans Licht gestellt durch Christ. - Weisen, Dresden, Leipig, 1737.

چاپ شد نام برد[1] .

در همین زمینه ، میباید از ترجمه «دره نادری» میرزامهدی خان دبیر نادرشاه نام برد که درسال ۱۷۳۳ از روی ترجمه‌ای که «ویلیام جونز» معروف به سفارش پادشاه دانمارك ازاین کتاب بزبان فرانسه کرده بود ، به آلمانی ترجمه شد ودر شهر «گریفسوالد» بچاپ رسید[1] .

بغیر از آنچه ذکر شد ، سفرنامه ها و کتب متعدد دیگری درهمین زمان درباره ایران در ایالات و شهرهای مختلف آلمان بچاپ رسید ، که فهرستی از آنها درآخر این فصل نقل شده است .

***

نخستین کار واقعی «ایران شناسی» در آلمان، انتشار کتابی بود که تقریبا نیم قرن بعد از نشر ترجمه گلستان ، توسط انگلبرت کمپفر Engelbert Kämpfer (۱۶۵۱-۱۷۱۶) در سال ۱۷۱۲ در شهر لمگو Lemgo

---

۱ - عنوان این کتاب چنین است :

Solmon und Van Goch: Die heutige Historie und Geographie; oder der gegenwärtige Staat vom Königreich Persien. Enthaltend eine ausführliche Beschreibung dieses grossen Reichs nach seinen Landschaften, Städten, Flüssen, Einwohnern, Natur - Letter - und Staats - Geschichten. Sonderlich den letzten grossen Staatswechsel unter dem Schach Hossein, durch den Mir-Iweis, Maghmut, Escherf, und Kouli - Chan oder itzigen Schach Nadir. Nach dem Englischen und Holländischen dem deutschen Leser zu Gefallen hrsg. Flensburg, 1739.

5 - Mirza Muhammad Mehdi Chan: Geschichte des Nadir Schah, Kaisers von Persien. Aus dem Persischen ins Französische übers. von W. Jones. Nach der französischen ausg. ins Deutsche übers. Griefswald, 1773.

بچاپ رسید . مؤلف کتاب که اصلا شغل پزشکی داشت در سال ۱٦۸۳ از جانب پادشاه سوئدبه سمت منشی هیئت‌سیاسی و بازرگانی اعزامی سوئد به اصفهان رفت ، و تا سال۱٦۹٤ درایران ماند . کمپفر درسالهای ۱٦۸۵ و ۱٦۸٦ به تخت‌ـ جمشید رفت و ازقسمتی از کتیبه های‌آن رونوشت برداشت و در جلد دوم کتاب خود بتفصیل‌درباره این سنگ نوشته‌ها بحث کرد . اصطلاح «خط میخی» Litterae cuneatae ظاهراً برای نخستین‌بار توسط همین دانشمند در مورد این خطوط بکار رفت ، وبعداً این اصطلاح قبول عامه یافت . از کتاب کمپفر که در اصل به لاتینی‌نوشته شده بود ترجمه دقیقی بزبان آلمانی درسال ۱۹٤۰ با شرح و تفسیر توسط والتر هینتس Walther Hinz ایران شناس معاصر آلمانی تحت عنوان « در دربار شاهنشاه ایران » Engelbert Kämpfer: Am Hofe des persischen Grosskönigs (1684-1685). در لایپتسیگ چاپ شد .

کمپفر درسفر خود بایران بیست ماه در اصفهان ماند ونقشه دقیقی ازاین شهرترسیم کردکه بعداًآنرا نیز در اروپا با شرح و تفسیر ی‌لاتینی بچاپ رسانید .

نخستین ترجمه آلمانی اوستا در سالهای ۱۷۷٦ ــ ۱۷۷۷ توسط یوهان فریدریش کلویکر J. F. Kleuker صورت گرفت . در سال ۱۷۹۱ برای نخستین‌بار ترجـمه قسمتی از غزلیات حافظ بزبان آلمانی توسط فریدریش واهل Friedrich Wahl منتشرشد . سال بعد ازآن ترجمه چند فصل از گلستان سعدی توسط یوهان گوتفرید هردر

Johann Gottfried Herder ادیب معروف آلمانی که Literarische Gilde in Weimar مجمع ادبی در وایمار را تأسیس کرده بود انتشار یافت. در سال ۱۷۹۳ ترجمه منتخباتی از شاهنامه توسط واهل و درسال ۱۸۰۰ ترجمه دیگری از منتخبات شاهنامه توسط فریدریش اشلگل Friedrich Schlegel بچاپ رسید. درسال ۱۸۰۲ ترجمه ـ های مختلفی از اشعار فارسی توسط آنتون تئودورهارتمان Anton Theodor Hartmann در لایپتسیگ و برلن بچاپ رسید، و ترجمه‌ای از لیلی و مجنون جامی نیز توسط وی درسال ۱۸۰۷ منتشر شد.

درقرن هیجدهم آثار ادبی متعددی در آلمان انتشار یافت که گرچه ترجمه مستقیم از فارسی نبود، ولی خود محققان آلمانی را ملهم از ادبیات ایران دانسته‌اند. از جمله این آثار میتوان از قسمتی از داستانهای معروف برادران گریم Grimm که از افسانه های «هزار و یکشب» الهام گرفته یاد کرد. مضمون داستانهای کلیله و دمنه که اروپا از روی ترجمه فارسی آنها (و نه از روی اصل هندی) با آنها آشنا شد بخشی از مجموعه Gesta Romanorum را تشکیل میدهد که مؤلف آلمانی آن درست معلوم نیست. منظومه معروف «هیلدبراند» Hildebrands - Lied بقدری با رستم و سهراب شاهنامه شبیه است که توارد ساده‌ای در این میان بعید بنظر میرسد. همین تشابه بین پارسیوال Parsival اثرمعروف ولفرام فن اشن باخ Wolfram von Eschenbach با «برزونامه» فارسی وجود دارد. داستان آسنات Assenat که در سال

۱۶۷۰ توسط فیلیپ فن‌تسزن Philip von Zesen انتشار یافت باحتمال قوی از منظومه یوسف و زلیخای منسوب بفردوسی الهام گرفته است .

درام کاتارینای گرجستان Katharina von Georgien تألیف گروفیوس Gruphius شرح خیالی تلاشهای شاه عباس برای دست یافتن بدین شاهزاده خانم مسیحی است . همچنین داستان «لقمان» که توسط آدام اولئاریوس از ادبیات فارسی بآلمانی ترجمه شده بود مایه اصلی چندین قطعه شاعرانه هاگدرنHagedornو گلایمGleim گردید .

تتبعات تحقیقی و ایران شناسی آلمانها بخصوص در مورد زبان و خط ایران باستان ازآغاز قرن نوزدهم توسط ایران شناس برجسته‌ای بنام فریدریش گرتفند Friedrich Grotefend (۱۸۵۳ـ۷۷۵) آغاز شد .

این محقق نه فقط ازنظر تحقیقات شخصی خود درباره کشف مفتاح خطوط‌میخی، بلکه ازلحاظ بنیانگزاری مکتب علمی ایران‌شناسی درآلمان حق بزرگی برفرهنگ ایران دارد ، زیرا مکتبی که او بوجود آورد در قرن نوزدهم بصورت بزرگترین مکتب ایران شناسی اروپا درآمد . دراین قرن دانشمندان خاورشناس آلمانی وسیعترین و ارزنده‌ترین تحقیقات علمی را در رشته های مربوط بتمدن وفرهنگ ایران و شرق علی‌الخصوص در زمینه زبان‌شناسی انجام دادند ، بطوریکه دارمستتر J. Darmesteter خاورشناس نامی قرن نوزدهم فرانسه نوشت که : « ... اگرهمه‌خاورشناسان آلمان کنونی (قرن ۱۹) را در یك کفه بگذارند وخاورشناسان بقیه

اروپا باضافه انگلستان وامریکا و هند را در کفه دیگر، بازهم کفه آلمان خواهد چربید، زیرا آلمان لابراتوار بزرگ خاورشناسی است».

«گروتفند» برای نخستین بار در گوتینگن موفق به قرائت قسمتی از خطوط میخی ایران شد، ونتیجه مطالعات خود را در این باره در سال ۱۸۰۲ با نام لاتینی Praebia de cuneatis quas Vocant inscriptionibus Persepolitanis legendis et explicandis relatio انتشار داد. این مطالعات اساس کار ایرانشناسان بعدی درزمینه خواندن این خطوط قرار گرفت.

سال ۱۸۱۹ سال انتشار بزرگترین اثر مربوط بایران در ادبیات مغرب‌زمین یعنی «دیوان شرقی وغربی» West-östlicher Diwan بود. این اثرمعروف یوهان ولفگانگ گوته Johann-Wolfgang Goethe سرآغاز شناسائی‌عمیق مردم آلمان‌واروپا باحافظ ایران وبنیانگزار مکتب واقعی «حافظ شناسی» در مغرب زمین گردید.

پیش ازگوته بسیاری دیگر از شعرای آلمان با الهام ازشاعران بزرگ ایران آثار جالبی پدید آورده بودند که از آن جمله میباید ازدو کتاب «رؤیای یک درویش» Der Traum eines Derwischs و «پندنیک‌یک درویش» Der gute Rat eines Derwischs اثر فن‌هاگدورن F. von Hagedorn (که هردو مستقیماً ملهم از گلستان سعدیست)، و «سرنوشت» Das Schicksal اثر گالرت Gallert (که براساس یك شعر سبحةالابرار جامی سروده شده)، و «تلماك فارسی» Persische Telemach

اثر هالر Haller ، وآثارادبی متعددهامان Hamann وهردر Herder و توراندخت Turandot اثر معروف شیلر Schiller نام برد ، ولی همه این آثار را میتوان فقط پیش درآمدی برای «دیوان شرقی» گوته دانست .

منبع الهام گوته درسرودن قطعات این «دیوان»، ترجمه آلمانی «هامرپور گستال» ادیب‌ایران‌شناس اتریشی از دیوان حافظ بود که در فصل مربوط باتریش مشروحاً درباره این اثر او توضیح داده شده است . با الهام ازحافظ گوته دیوان خود را به فصولی به اسامی‌فارسی ساقی نامه ، عشق‌نامه ، حافظ‌نامه ، مغنی نامه و غیره تقسیم کرد که غالب قطعات آنها تحت تأثیر مستقیم حافظ سروده شده است .

علاوه براین قطعات ، «دیوان شرقی» دارای شرحها و حواشی‌مفصلی است که درحقیقت یك دوره تاریخ ادبیات ایران برای آلمانی زبانها است . گوته شخصاً در سال ۱۸۱۱ بعضویت «آکادمی علوم آسیائی» که توسط اووانوو Ouwanow بمنظور تحقیق در زبانها وادبیات قدیم وجدید ملل آسیائی تأسیس شده بود درآمد .

پس از گوته ، شاعر وایران شناس بزرگ آلمانی فریدریش روکرتFriedrich Rückert (۱۷۸۸–۱۸۶۶) نهضت آشنائی با ادبیات ایران را در آلمان ادامه داد .

روکرت‌زبانهای فارسی و عربی و تا حدی ترکی را در شهر وین‌آموخت ودربازگشت بوطن در شهری کوچك درباواریای شمالی انزوا گزید ، وازآن پس تا هنگامیکه درگذشت پیوسته به ترجمه آثار ادبی بخصوص

آثار فارسی وعربی وهندی اشتغال داشت. درسال ۱۸۲۶ استاد زبانهای شرقی دانشگاه ارلانگن شد، واز ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۸ مقام استادی فارسی و عربی را در دانشگاه برلن بعهده گرفت. نخستین ترجمه روکرت از ادبیات فارسی درسال ۱۸۲۰ بنام «چهل وچهار غزل از مولانا جلال ـ الدین» منتشر شد، ودراین ترجمه برای اولین‌بار در ادبیات آلمانی شاعر عیناً از طرز غزل‌سرائی فارسی پیروی کرده بود. این شیوه را بعدها وی درغالب ترجمه های دیگر خود نیز بکار برد، بطوریکه آنرا بصورت یکی از مکتبهای شعر آلمانی درآورد. دوسال بعد، روکرت مجموعه غزلیات شخصی خود را بنام گلهای شرقی östliche Rosen انتشار داد که قسمت اعظم آن از دیوان حافظ الهام گرفته بود و در سرودن آن وی غالباً بحور و اوزان متداول شعر فارسی یعنی رباعی و غزل را بکار برده بود. چند سال بعد، روکرت مجموعه‌ای شامل ترجمه هشتاد غزل و سی رباعی از دیوان حافظ به نظم آلمانی انتشار داد که معتبرترین ترجمه اشعار حافظ در زبان آلمانی است. این ترجمه بعد از مرگ روکرت توسط یکی از شاگردان او منتشر شد.

در سال ۱۸۳۸ روکرت منظومه‌ای بدیع بنام رستم وسهراب Rustam und Sohrab سرود که کاملا از شاهنامه فردوسی الهام گرفته بود. پس ازاین ترجمه، وی به ترجمه کامل شاهنامه به نظم آلمانی پرداخت وسالیان دراز از عمر خویش را وقف این کارکرد. ترجمه روکرت از شاهنامه در سالهای ۱۸۹۰، ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵ درسه جلد

مفصل دربرلن بچاپ رسید . این ترجمه از مهمترین کار-های ادبی مربوط بایران در تمام مغرب زمین است .

روکرت درهمان ضمن ترجمه های مختلفی از گلستان و غزلیات و قصائد سعدی انتشار داد و ترجمه قسمتی از غزلیات مولانا جلال‌الدین را از روی چند نسخه خطی کتابخانه گوتا درسالهای ۱۸٤٦ تا ۱۸۵۲ در مجلات خاورشناسی آلمان منتشر کرد . ترجمه های متعددی از اشعار نظامی نیز از وی باقی مانده است .

از کارهای ادبی‌جالب دیگرروکرت ، ترجمه‌های مختلف از ترانه های محلی گیلانی ومازندرانی است . از مفصلترین کارهای دیگر وی ، ترجمه و تفسیر باب هفتم کتاب «هفت قلم» است که در علم عروض و معانی وبیان بزبان فارسی در هندوستان تألیف شده است .

مجموعه این ترجمه ها در «دوره کامل آثار فریدریش روکرت» پس از مرگ شاعر درسال ۱۸۸۲ در فرانکفورت انتشار یافت .

درسال ۱۸۲۰ ترجمه آزادی از شاهنامه فردوسی از روی چند نسخه خطی فارسی ، توسط یوهان گورس J. Görres در دو جلد منتشر شد و انتشار این ترجمه اثر فراوانی در خوانندگان آلمانی بخشید . خود «گورس» بیش از همه تحت تأثیر این اثر قرار گرفت ، بطوریکه آنرا «چشم‌اندازی سحرانگیز که تا دورترین ژرفای زمان راهنمائی میکند» توصیف کرد .

این زمان مقارن با درخشندگی دوران رمانتیسم درآلمان بود ، ودرآن دوره ایران چه ازنظرآئین باستانی

آن وچه از لحاظ ادبیات فارسی ، جاذبهٔ خاصی پیدا کرده بود که شاید بهترین توصیف آنرا دراین جملهٔ اوتمارفرانك Othmar Frank درسال۱۸۰۸میتوان یافت : «...ایران، سرزمین روشنائی جاوید و جلوه گاه فروغ ایزدی» .

مقارن با انتشار آثار «ایرانی» روکرت ، ادیب ایران شناس برجسته دیگری بنام اوگوست گراف فن پلاتن هالرموند August Graf von Platen-Hallermund (۱۷۹٦ ـ ۱۸۳۵) غزل های حافظ را با بحور وقوانین و اوزان اصلی این غزلها بآلمانی ترجمه کرد . این ترجمه در سال ۱۸۸۰ یعنی چهل و پنجسال پس از مرگ «پلاتن» بچاپ رسید .

درنیمه دوم قرن نوزدهم ، متن یا ترجمه آثار متعددی از ادبیات فارسی درشهر های مختلف آلمان منتشر شد که فهرست آنها در قسمت کتابشناسی این فصل نقل شده است . دراین زمان «گل و بلبل شیراز» بصورت یکی از مایه های اصلی ادبیات آلمان در آمده بود .

در سالهای ۱۸٥٤ تا ۱۸٦۰ متن کامل فارسی دیوان حافظ و ترجمه آلمانی آن توسط هرمان برکهاوس Hermann Brockhaus در سه جلد درشهر لایپتسیگ بچاپ رسید .

درسالهای ۱۸٥٥ تا ۱۸٦۷ یکی از بزرگترین و عالیترین آثار علمی مربوط به ایران بنام «فرهنگ فارسی به لاتینی» Lexicon Persico-Latinum در دو جلد و یك متمم در بیش از ۳،۰۰۰ صفحه در شهر بن توسط یوهان فولرس Johann A. Vullers ایرانشناس نامی

انتشار یافت . ازاین اثر نفیس چاپ تازه‌ای در سال ۱۹۶۲ در شهر « گراتس » اتریش منتشر شده‌است .

در ۱۸۶۳ نخستین‌دستور زبان‌فارسی‌با آلمانی‌توسط مارتین‌شولتسه M. Schultze تألیف‌شد . سه سال بعداز آن (۱۸۶۶) کتابی در همین زمینه بنام «فرهنگ فارسی ـ عربی‌ـترکی‌ـآلمانی»توسط‌تئودورتسنکر Th. Zenker انتشار یافت .

در اواسط قرن نوزدهم اثر جالبی با الهام از ادبیات ایران منتشر شد که مقام خاصی در ادبیات آلمان دارد . این اثر مجموعه اشعاری است بنام « سرود های میرزا شفیع »Die Lieder des Mirza Schaffy که توسط « فریدریش بود نشتت » Friedrich Bodenstedt شاعر معروف آلمان سروده شده و تأثیر آن در ادبیات آلمانی نیمه دوم قرن نوزدهم بسیار محسوس است . این شاعر بقدری بادبیات ایران علاقه داشت که در اشعار خود «میرزا شفیع» تخلص میکرد و دیوان خویش‌را نیزبکلی براساس مضامین و مفاهیم شعر ایرانی سرود . علاوه‌براین، بودنشتت ترجمه‌های متعددی از آثار شعرای ایران انتشار داد که از آن جمله منتخبی از اشعار سعدی بنام «نغمه‌پرداز شیراز » Die Sänger von Schiraz و ترجمه رباعیات خیام است . این اثر اخیر در سال ۱۸۸۱ انتشار یافت .

در سالهای ۱۸۵۱ و۱۸۵۳ ترجمه معروف آدولف فریدریش گراف فن شاك Adolf Fr. Graf von Schack (۱۸۱۵ ـ ۱۸۹٤) از شاهنامه فردوسی در سه مجلد انتشار یافت . این ترجمه که از مهمترین ترجمه‌های

شاهنامه به زبانهای اروپائی واصولا از بزرگترین کارهای ادبی است که تاکنون درباره ایران انجام شده ، بارعایت اوزان عروضی اثر فردوسی صورت گرفته‌است .

درآن سالها آثار متعددی نیز از نویسندگان و شعرای آلمانی بچاپ رسید که مستقیماً ترجمه از فارسی نبود ، ولی از ادبیات و فلسفه ایران الهام گرفته بود . از مهمترین این آثار میتوان از « چنین گفت زرتشت» اثر معروف فریدریش نیچه Friedrich Nietzsche و اشعار متعدد این شاعر درباره زرتشت و قطعه شعر زیبای وی بنام « به حافظ » An Hafiz ونیز قطعه «فردوسی شاعر» Der Dichter Firdusi اثر هاینریش هاینه H. Heine و قطعات منظوم مختلف گایبل Geibel و فرایلیگرات Freiligrath نام برد .

فریدریش هبل Friedrich Hebbel در همین سالها قطعه شعر زیبائی بر اساس فصلی از کتاب هفتم هرودوت سرود که بحکایت آن ، خشایارشا در سفر جنگی خود به‌یونان در خاك لیدیا به چنار تنومند وکهنسالی برخورد و بقدری مجذوب آن شد که فرمان داد آنرا با طلا و جواهر بیارایند و نگهبانی دائمی برای حفاظت آن در کنارش بگمارند . باالهام از شعری که «هبل» در تجلیل از این فرمان خشایارشا سرود ، آهنگساز معروف آلمانی فریدریش هندل Friedrich Händel این ماجرا را مایه اصلی اپرای معروف خود «خشایارشا» قرار داد ، که ملودی زیبای آن بنام «لارگوی هندل » بصورت یکی از قطعات جاودان موسیقی کلاسیك غرب درآمده‌است .

در بیست ساله آخر قرن نوزدهم ونیمه اول قرن بیستم در آلمان توجه خاصی به جنبه علمی و تحقیقی ایران شناسی یعنی تتبع در زبانهای قدیم و جدید ایرانی و تاریخ ومذاهب و فرهنگ ایران مبذول شد. تشکیل «انجمن‌خاورشناسی آلمان» درسال۱۸٤٥ که ازمعتبرترین مراکز خاورشناسی جهان است وتقریباً همه دانشمندان شرق‌شناس آلمانی یك‌قرن اخیر درآن عضویت داشته‌اند، ونیز تأسیس مراکز متعدد مطالعات شرقی در دانشگاههای مختلف آلمانی طبعاً به‌پیشرفت این مطالعات کمك مؤثری کرد.

دراین رشته مخصوصاً کارهای ایران شناسانی چون فریدریش فن اشپیگل Friedrich von Spiegel (۱۸۲۰-۱۹۰٥)، تئودور نولدکه Theodor Nöldeke (۱۸۳٦-۱۹۳۰)، فردیناند یوستی Ferdinand Justi (۱۸۳۷ - ۱۹۰۷)، فردریش کارل آندرآس Friedrich-Carl Andreas (۱۸٤٦-۱۹۳۰)، ارنست کون Ernst Kuhn (۱۸٤٦-۱۹۲۰)، هاینریش هوبشمان Heinrich Hübschmann (۱۸٤۸-۱۹۰۸)، کارل‌فریدریش گلدنر Karl-Friedrich Geldner (۱۸٥۲-۱۹۲۹)، کریستیان بارتولومه Christian Bartolomae (۱۸٥٥-۱۹۲٥)، پاول‌هرن Paul Horn (۱۸٦۳-۱۹۰۸) یوزف مارکوارت Joseph Markwart (۱۸٦٤-۱۹۳۰) فریدریش روزن Friedrich Rosen (۱۸٦٥-۱۹۳٥) فریدریش زاره Friedrich Sarre (۱۸٦٥-۱۹٤٥) ارنست هرتسفلد Ernst Herzfeld (۱۸۷۹-۱۹٤۸)

فریتس ولف Fritz Wolff (۱۸۸۰–۱۹۴۳) شایان توجه است.

عده‌ای از این دانشمندان که دوران کار آنها مصادف با حکومت نازی‌ها در آلمان شد تقریباً همگی سرنوشت ناگواری یافتند. فریدریش زاره وارنست هرتسفلد از آلمان اخراج و تبعید شدند وفریتس ولف که بیشتر عمر فرهنگی او در تألیف «کشف‌اللغات شاهنامه» صرف شده بود در دوران جنگ باوضع فجیعی بدست نازیها بقتل رسید.

تئودور نولدکه Theodor Nöldeke که از برجسته‌ترین خاورشناسان تاریخ اروپا است در حدود ۹۵ سال زندگی کرد، و هفتاد سال ازین مدت را به تتبع در زبان وتاریخ وادب وفرهنگ‌اسلام منجمله ایران گذرانید. وی با زبانهای فارسی و عربی و سریانی آشنائی کامل داشت ودر مسائل مختلف مربوط بدین زبانها مقالات متعدد و پرارزشی در مجلات مختلف خاورشناسی اروپا انتشار داد و کتب ورسالات مستقل‌فراوانی تألیف یاترجمه کردکه فهرست آنها درآخر این فصل نقل شده‌است.

«کریستیان بارتولومه» Christian Bartholomae بنوبه خود قسمت اعظم از زندگی خویش را صرف تتبع در تاریخ و فرهنگ وادب ایران کرد. از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۱ مجموعه تحقیقی جامعی تحت نظر وی در اشتوتگارت بچاپ رسید که در تدوین آن جمعی از ایرانشناسان و محققین برجسته آلمانی شرکت داشتند. درسال ۱۹۰۴ خود او کتاب جامع «لغت‌نامه پارسی قدیم»

Altiranisches Wörterbuch راکه تابامروز ازحیث اعتبار از مهمترین مـراجع تحقیقی مربوط به پارسی باستانی است بچاپ رسانید ودر ۱۹۰۵ ترجمه «گاتهای آوستا» Die Gatha's des Awesta را انتشار داد .

«یوزف مارکوارت» Joseph Markwart (که بصورت لاتینی Marquart نیز امضا میکرد) متخصص تاریخ و جغرافیای ایران بود ودر عین حال با ادبیات فارسی آشنائی نزدیك داشت . از بهترین آثار او کتاب « ایرانشهر » درباره جغرافیای ایران است که براساس نوشته های «موسی خوره‌نی » جغرافیادان معروف ارمنی قرن پنجم میلادی تألیف شده و در سال ۱۹۰۱ در برلین بچاپ رسیده است . مارکوارت کتابخانه شخصی بسیار نفیسی از کتب خطی و چاپی فارسی داشت که آنرا قبل از مرگ خود بکتابخانه واتیکان اهداء کرد .

«فریدریش روزن» Friedrich Rosen یکی دیگر از ایران شناسان برجستهٔ آلمانی قرن اخیر وقرن حاضر است . وی زبانهای عربی وعبری را در اورشلیم و زبان فارسی را در آموزشگاه زبانهای شرقی برلین وبعداً درطول ده‌سال خدمت سیاسی خود درایران (از ۱۸۹۱ تا ۱۹۰۰ بسمت عضو سفارت آلمان در تهران و نایب قونسول آلمان در بوشهر ، واز ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۰ بسمت وزیر مختار آلمان در ایران) در خود ایران فراگرفت ، ودرین‌مدت بحدی بازبان فارسی آشنائی یافت که خود اشعاری بفارسی میسرود . از کارهای ارزنده وی دربارهٔ ایران ترجمه او از رباعیات خیام و ترجمه‌ای از منتخبات گلستان سعدی و

تألیف کتابی بنام دستور زبان فارسی برای آلمانیها است.

«فریدریش کارل آندره‌آس» F.-C. Andreas از زبان شناسان برجسته قرن‌نوزدهم‌بود، ودرمدت پنجاه سال در زبانهای قدیم ایرانی تحقیقات پرارزشی براساس مدارك واسنادیکه مخصوصاًدر رشته زبان‌فارسی میانه‌توسط او گردآوری شده بود انجام دادکه پایه بسیاری از تتبعات بعدی محققین دراین زمینه قرار گرفت.

«فریدریش زاره» Friedrich Sarre مخصوصاً در رشته هنر ایران کار میکرد. وی در این زمینه گذشته از مقالات فراوانی که در مجلات مختلف خاور شناسی‌انتشار داده مؤلف کتابهای مستقلی‌است که‌برخی ازآنها باهمکاری ارنست هرتسفلد تألیف شده است.

«فریتس‌ولف» Fritz Wolffاز بهترین‌خدمتگزاران فرهنگ ایران در آلمان بود، و مخصوصاً میباید به دو کار پرارزش او اشاره کرد: ترجمه اوستا بنام کتب‌مقدس پارسیان Awesta; die heiligen Bücher der Parsen (چاپ اشتراسبورگ، سال ۱۹۱۰)، و «کشف‌اللغات شاهنامه‌فردوسی» Glossar zu Firdusis Schahnameh که تألیف آن بقیمت سی‌سال عمر این محقق انجام شد، و اثری‌است که در نوع خود در جهان‌خاورشناسی بی‌نظیر است این کتاب قطور درسال ۱۹۳۵ دربرلن منتشرشد وبعداً یك «متمم» نیز برآن بچاپ رسید.

عده دیگری از دانشمندان خاورشناس آلمانی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم تتبعات خود را درباره ایران فقط بصورت مقالاتی در مجلات خاور-

شناسی انتشاردادند . اززمره این عده میتوان ازهوتوم شیندلر Houtoum-Schindler فریدریش اشتال Friedrich Stahl هاینریش گروته H. Grothe ارنست کونل Ernst Kühnel نام برد .

در ربع آخر قرن نوزدهم چندین مجموعه خاور-شناسی توسط عده‌ای از دانشمندان آلمانی انتشاریافت که یا مستقیماً مربوط بایران بود ویا قسمت مهمی از آنها بمطالعات ایرانی اختصاص داشت . در سالهای ١٨٤٦ تا ١٨٦١ نشریه مهم کتابخانه شرقی Bibliotheca Orientalis توسط تئوردور تسنکر Theodor Zenker درلایپتسیگ منتشر شد .

در ١٨٧٥ مجموعه مفصلی بنام مطالعات شرقی Morgenländische Forschungen در لایپتسیگ بچاپ رسید . نویسندگان این مجموعه اته H. Ethé ، مولر A. Müller ، درنبورگ H. Derenburg ، لوت O. Loth ، فیلیپی F. Philippi ، اشتاده B. Stade وتربکه H. Thorbecke بودند که عموماً از خاورشناسان برجسته بشمار میرفتند .

در سالهای ١٨٨٣ تا ١٨٩٣ تحت نظر فریدریش اشپیگل Friedrich Spiegel و بعدازآن تا سال ١٩١٠ تحت نظر ارنست ویلهلم Ernst Wilhelm سلسله تحقیقات کتاب شناسی پرارزشی درباره ایران تحت عنوان Perser درمجموعه «گزارش سالانه تاریخ‌شناسی» Jahresbericht der Geschichtswissenschaft بچاپ رسید .

در سالهای ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۴ اثر تحقیقی بسیار مهمی بنام Grundriss der Iranischen Philologie (اصول واژه‌شناسی ایرانی) تحت نظر دانشمند برجسته ایران‌شناس ویلهلم گایگر Wilhelm Geiger وارنست کون Ernst Kuhn در شهر «اشتراسبورگ» در دو جلد و هر جلد در چندین قسمت انتشار یافت. این مجموعه شامل تتبعات و تحقیقات علمی جامعی بود که توسط عده‌ای از مهمترین ایران شناسان وقت (کریستیان بارتولومه Christian Bartholomae، کارل زالمان K. Salemann، پاول هرن P. Horn، ویلهلم گایگر W. Geiger، ویلهلم میللر W. Miller، فریدریش گلدنر F. Geldner، فریدریش وایسباخ F. Weissbach، وست E. W. West، تئودورنولدکه T. Nöldeke، هرمان‌اته H. Ethé، فردیناندیوستی F. Justi، سوچین A. Socin، ویلیام جکسن A.W. Jackson) در زمینه های مختلف زبان شناسی ایرانی‌انجام گرفته بود. این کتاب هنوز هم از معتبرترین اسنادمطالعات ایران شناسی است.

در همین سالها (۱۸۸۹ ـ ۱۹۰۸) مجموعه جالب وارزندهٔ دیگری‌بنام Orientalische Bibliographie (کتاب‌شناسی شرقی) دربیست وچهارجلد درآلمان‌بچاپ رسیدکه شامل فهرست‌مبسوطی ازکتابها ومقالات منتشره درباره ایران قدیم و جدید بود. پنج جلد اول این مجموعه در سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۲ توسط آنتون‌مولر A. Müller، جلد ششم در سال ۱۸۹۳ توسط ارنست‌کون

E.Kuhn جلد های هفتم تا بیست و چهارم در سالهای ۱۸۹٤ تا ۱۹۰۸ توسط لوسین شرمان L. Schermann انتشار یافت .

در ۱۹۰٤ مجموعه‌ای بزبان انگلیسی بنام Avesta, Pahlavi and and ancient Persian Studies (مطالعات اوستائی وپهلوی وفارسی وباستانی) در شهر شتراسبورگ منتشر شد که قسمتی از بهترین تحقیقات «یوستی» F. Justi درباره زرتشت در آن به چاپ رسیده بود .

در ۱۹۰۷ مجموعه‌ای بنام مطالعات شرقی Orientalische Studien تحت نظر «نولدکه» در گیسن Giessen انتشار یافت .

مجموعه دیگری درسال ۱۹۰۸بنام یادنامه‌اشپیگل Spiegel Memorial Volume حاوی مقالات عده‌ای از ایران شناسان دربارهٔ تتبعات زرتشتی توسط «جوان جی‌ـ جمشید جی مودی »پارسی بزبان انگلیسی منتشر شد ، که عنوان کامل آن چنین بود :

Papers on Iranian subjects written by various scholars in honour of the late Dr. Frederich Spiegel. - Edited by Jivanji Jamshedji Modi. — Bruyculla, 1908.

در سالهای پس از جنگ جهانی اول عده‌ای از دانشمندان ایرانی در آلمان گردآمدند ودر آنجا به نشر مجلات مختلف علمی و هنری بزبان فارسی و ترجمه و چاپ آثار مهم ادبیات ایران پرداختند . مجلات کاوه ، ایرانشهر ، علم وهنر ، فرنگستان و غیره یادگار این

دورانند .

درهمین زمینه در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۸ مجموعه آثار کاظمزاده ایرانشهر که شامل ترجمه گاتهای زرتشت و کتابها ورسالات متعدد درباره تصوف و عرفان ایران بود در برلین انتشار یافت . یکدورهٔ کامل ازاین آثار درسال ۱۹۳۹ در مجموعه کتب اهدائی دولت آلمان بدولت ایران هدیه‌شد. این‌مجموعه که‌اکنون بنام «کتابخانه‌علمی‌آلمان» Deutsche Wissenschaftliche Bibliothek در غرفه خاصی در کتابخانه ملی ایران نگاهداری میشود (و در سالهای اخیر مجموعه‌های دیگری مرکب از کتب‌اهدائی دولت آلمان فدرال بدن افزوده شده‌است) شامل ۷۵۰۰ جلد کتاب همراه با فهرست‌کامل فارسی وآلمانی آنهااست وبهترین مجموعه کتب آلمانی است‌که در حال حاضر در ایران وجود دارد .

پیش از جنگ جهانی‌دوم چندین چاپخانه فارسی در آلمان مشغول کار بود که از جمله آنها میتوان از Orient Verlagsbuchhandlung Iranschahr (چاپخانه شرقی ایرانشهر) نام‌برد . این چاپخانه در سال ۱۹۱۹ در برلین تأسیس شد .

چاپخانه‌های فارسی برلین در بمبارانهای جنگ جهانی از میان رفت و اکنون چاپخانه‌هائی درکلن و ویسبادن وهامبورگ و چاپخانه‌ای نیـز در لایپتسیگ (آلمان شرقی) مشغول کارند .

قبل از جنگ جهانی دوم انجمنی بنام « انجمن آلمـانی خیام » Deutsche Chajjam - Gesellschaft

توسط کریستیان رمپیس Christian Rempis تأسیس شد . فعالیت این انجمن در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ ادامه داشت و مرکز آن «توبینگن» بود ، ولی در دوران جنگ این فعالیت متوقف ماند و بعداز جنگ نیز عملا ادامه نیافت .

انجمن‌دیگری بنام«انجمن‌فرهنگی‌ایران وآلمان» Deutsche Persische-Gesellschaft در سال ۱۹۲۹ در برلین تأسیس شد ، ولی فعالیت این انجمن نیز با شروع جنگ جهانی دوم متوقف گردید . در سالهای اخیر انجمن فرهنگی تازه‌ای بهمین نام جانشین آن شده که بعداً دربارهٔ آن توضیح لازم داده خواهد شد .

در تابستان سال ۱۹٦۸ مجمعی بنام «کانون ایران شناسان آلمانی زبان» درشهر وورتسبورگ تشکیل گردید که‌اولین سازمان نوع خود دراروپاست . دربارهٔ این کانون و سازمان آن در قسمت «مراکز ایران شناسی» دراین‌فصل توضیح لازم داده شده است .

درنیمه دوم قرن‌نوزدهم ودرقرن حاضرمخصوصاً در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم نمایشگاههای متعدد هنرهای ایرانی در آلمان دائر شده‌که آخرین ومهمترین آنها نمایشگاه ۷۰۰۰ سال هنر در ایران در شهر اسن Essen (سال ۱۹٦۱) است .

بین ایران وآلمان غربی در سال ۱۹٦۷ قرارداد فرهنگی بامضاء رسیده است .

***

درقرن گذشته ونیمه‌اول قرن حاضر مجلات‌متعدد

حاورشناسی در آلمان انتشار یافت که مطالب قسمت اعظم از آنها با مطالعات ایران شناسی ارتباط داشت ، بطوریکه از لحاظ تعداد این نشریات آلمان مقام اول را در اروپا حائز است .

درباره قسمتی ازاین نشریات که‌هنوز هم منظماً چاپ میشوند درصفحات بعد توضیح داده خواهــد شد . صورت ذیل اسامی و مشخصات مجلاتی است که اکنون دیگر منتشر نمیشوند و فهرست آنها برحسب تاریخ انتشار این مجلات تنظیم شده است :

کتابخانه شرقی Bibliotheca Orientalis

دوره اول این نشریه از سال ۱۸۴۰ درلایپتسیك توسط تئودور تسنکر Theodor Zenker چــاپ شد و حاوی اطلاعات جامعی درباره کتب فارسی و عربی و ترکی بود که از زمان پیدایش صنعت چاپ تا آنروز بچاپ رسیده بود . دوره تازه‌ای ازاین نشریه در سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۸۸۳ زیر نظر کارل فریدریسی Karl Friederici در لایپتسیگ توسط مؤسسه مطبــوعــاتی او توشولتسه Otto Schulze در هشت جلد سالانه بچاپ رسید که هر کدام از آنها شامل فصول مربوط به‌تاریخ و جغرافیا ، مذهب ، هنر ، سکه شناسی ، زبان و ادبیات ملل شرقی بود. یك جلد کامل ازین دوره به‌ایران اختصاص یافته بود . این نشریه گذشته از لایپتسیگ در لندن و نیویورك نیز بچاپ میرسید .

یادداشتهای خاورشناسی

Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes

نشریــه‌ای شامل مقــالات تحقیقی خاورشناسان کشورهــای مختلف اروپائی بود کــه از سال ۱۸۶۱ در لایپتسیگ منتشر شد و چاپ آن تا ۱۸۷۲ ادامه یافت .

کمك به‌شناسائی زبانهای هند وژرمنی

Beiträge zur Kunde der Indogermanischen Sprachen

نشریه مخصوص زبان شناسی هند و اروپائی بود که قسمتی از مطالب هرشماره آن به زبانهــای قــدیم ایرانی اختصاص داشت . این مجله از سال ۱۸۷۶ تا سال ۱۹۰۵ جمعاً در ۳۰ دوره سالانه در شهر «گوتینگن» انتشار یافت .

مجله ادبی واژه شناسی شرقی

Literatur-Blatt für orientalische Philologie

مطالب این نشریه بطور کلی همه زبانهای شرقی منجمله زبانهای خاورمیانه و نزدیك را شامل میشد . ازین مجله جمعاً چهار دوره سالانه در سالهای ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ در شهر لایپستیگ انتشار یافت که در تمام مدت انتشار ، فهرست های کتبی که بزبانهای شرقی چاپ میشد ، منجمله فهرست منتشرهٔ فارسی ، در آن بچاپ میرسید .

کتاب شناسی شرقی Orientalische Bibliographie

نشریه مهم کتاب شناسی‌بود که از سال ۱۸۸۸ تا سال ۱۹۱۵ توسط سه دانشمند خــاور شناس آلمــانی

ارنست کون Ernst Kuhn وانتون مولر Anton Müller ولوسین شرمن Lucien Schermann مجموعاً در ۲۴ جلد در برلین وهمزمان با آن درپاریس، لندن ونیویورك منتشر شد و هر شماره از آن حاوی فهرست آخرین کتابها ومقالات منتشره درباره شرق و توضیحات جامع در مورد هریك از آنها بود. آخرین جلدی که ازین دوره انتشار یافت اطلاعات کتاب شناسی سال ۱۹۱۱ را شامل میشد. در سال ۱۹۲۷ جلد بیست و پنجم این دوره بچاپ رسید که حاوی اطلاعات کتاب شناسی شرقی سال ۱۹۲۶ بود. در سال ۱۹۶۵ دوره کامل این نشریه تجدید چاپ شد.

ادبیات شرقی Literae Orientalis

این مجله با عنوان تکمیلی «گزارش ادبی خاور زمین» Orientalischer Literaturbericht در سال ۱۸۸۹ بصورت یك نشریه سه‌ماهه درلایپتسیگ منتشر شد، ومطالب آن به زبانها وادبیات مختلف شرقی وترجمه‌های آثار کلاسیك ادبیات شرق اختصاص داشت. نشر این مجله در اواخر قرن گذشته متوقف گردید.

ماهنامه مخصوص شناسائی سراسر شرق

Monatsschrift für die Wissenschaft vom ganzen Orient

این مجله از سال ۱۸۹۵ منتشر شد و برروی هم سی‌ویك دوره سالانه از آن تا سال ۱۹۲۸ به چاپ رسید.

گزارش‌های انجمن آسیای مقدم و مصر کهن

Mitteilungen der Vorderasiatischen Aegyptischen Gesellschaft

این نشریه ارگان انجمن آسیای مقدم و مصر باستانی بود واز سال ۱۸۹۵ تا سال ۱۹۳۹ جمعاً ۳۴ دورهٔ سالانه از آن در شهر لایپتسیگ انتشار یافت .

آرشیو مذهب شناسی Archiv für Religionswissenschaft

نشریه وزین علمی و تحقیقی بود که از سال۱۸۹۷ بچاپ رسید و نشر آن تا پیش از جنگ اول ادامه یافت . این مجله یك نشریه اختصاصی خاور شناسی نبود ، ولی قسمت مهمی از مندرجات آن به مذاهب شرقی منجمله مذاهب ایرانی اختصاص داشت .

مطالعات مربوط به‌آسیای باختری Westasiatische Studien

ارگان سمینار زبان شناسی شرقی دانشگاه برلین بود که باعنوان تکمیلی «گزارشهای سمینار زبانهای شرقی دانشگاه سلطنتی برلین» :

Mitteilungen des Seminars für Orientalische Sprachen an der Königlichen Friedrich Wilhelms-Universität zu Berlin

تحت نظر خاور شناس معروف زاخائو Edward Sachau از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۱۹ و بعداز او تحت‌نظر اویگن‌میتوخ Eugen Mittwoch نخست دربرلین وبعد دراشتوتگارت جمعاً در بیست‌وهفت دوره سالانه انتشار یافت .

شرق باستانی Der Alte Orient

از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۱۹ جمعاً در نوزده دوره سالانه در شهر لایپتسیگ انتشار یافت ویك جلد مخصوص از آن نیز بعنوان «متمم» جداگانه در این دوره به‌چاپ رسید. مطالب این مجله عموماً بتاریخ قدیم ملل خاور نزدیك ومیانه اختصاص داشت.

کمك به‌شناسائی شرق Beiträge zur Kenntnis des Orients

از سال ۱۹۰۲ تا سال ۱۹۱۷ جمعاً در پانزده جلد دربرلن انتشار یافت. هرجلد ازین نشریه سالنامه‌ای‌حاوی مطالعات و گزارشای جاری خاور شناسی بود.

آسیا Asien

ازسال۱۹۰۲تا سال۱۹۱۹بصورت ارگان «انجمن آلمان و آسیا» Deutsch-asiatische Gesellschaft مجموعاً در ۱٦ دوره سالانه در برلین انتشار یافت.

آرشیو شرقی Orientalisches Archiv

از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۳ جمعاً در سه دوره سالانه در لایپتسیگ منتشر شد.

سالنامه زبانهای هند وژرمنی Indogermanisches Jahrbuch

از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹٤۰ در ۲۷ جلد در برلین انتشار یافت.

شرق نو Der Neue Orient

از سال ۱۹۱٦ تا ۱۹۲۱ باعنوان تکمیلی «مجله

زندگی‌سیاسی واقتصادی وفکری تمام سرزمینهای‌شرقی،
Zeitschrift für das Politische, Wirtschaftliche und Geistige Leben im gesamten Orient

ماهی یك شماره بزبانهای آلمانی و انگلیسی در برلین انتشار یافت . این نشریه بیش از جنبهٔ فرهنگی و تحقیقی ، جنبهٔ سیاسی داشت .

شرق و غرب ، اوراق مربوط به‌الهیات و اخلاقیات ومسائل اجتماعی

Orient und Occident, Blätter für Theologie, Ethic und Soziologie

از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۳۰ در چهار دوره در لایپتسیگ بچاپ رسید .

مجله هند شناسی وایرانشناسی

Zeitschrift für Indologie und Iranistik

از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۵ جمعاً در ده دوره سالانه در برلین منتشر شد .

منابع و بررسیهای هند و ایرانی

Indo-Iranische Quellen und Forschungen

سری نشریات ارزنده‌ای درسطح بالای علمی بود که توسط خاورشناسان برجسته ازسال ۱۹۲٤ تا حدود جنگ جهانی دوم در شهر لایپتسیگ بچاپ میرسید .

سالنامه هنرهای آسیائی Jahrbuch der Asiatische Kunst

در سالهای ۱۹۲٤ و ۱۹۲۵ هر سال یك شماره در برلین باهمکاری خاور شناسان سایر کشورها انتشار یافت.

اسلام نامه Islamica

این نشریه معتبر سالانه با عنوان لاتینی Lipsiae in aedibus quae Asia Major appellantur بمدیریت ادوارد بروینلیک E. Bräunlick بصورت شمارهٔ مخصوص سالانه مجله آسیای کبیر جمعاً شش سال از ۱۹۲۵ ببعد در لایپتسیگ انتشار یافت.

شرق Der Orient

نشریه ارگان هیئت تبلیغی مذهبی آلمان درشرق Deutsche Orient-Mission بود که بمدیریت پاول فلایشمن Paul Fleischmann تا سال ۱۹۳٤ درشهر «پوتسدام» انتشار یافت.

آرشیو تتبعات شرقی Archiv für Orientforschung

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹٤٤ جمعاً در چهارده دوره سالانه در برلین با عنوان تکمیلی «تتبعات درباره خطوط میخی» Keilschriftforschung منتشر شد. از سال ۱۹٤۳ نشر این مجله در برلین متوقف شد واکنون درشهر «گراتس» اتریش بچاپ میرسد.

***

از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۸ مجلات فارسی ذیل بمدیریت جمعی از دانشمندان وناشران ایرانی در آلمان انتشار یافت:

کاوه ـ از سال ۱۳۳٤ تا ۱۳۳۹ هجری قمری (۱۹۱۵ تا ۱۹۲۱) بمدیریت سیدحسن تقی‌زاده هر ماه دو شماره

در برلین منتشر شد و بر رویهم ٥٨ شماره از آن بچاپ رسید . در سال ۱۹۲۰ از طرف این مجـله نشریه‌ای بنام «کتابشناسی ایران Persische Bibliografie چاپ شد

آزادی شرق– از سال ۱۳۳۹ هجری بمدیریت عبدالرحمن سیف آزاد ۳۲ شماره ماهانه در برلین منتشر شد و از۱۳٤۳ هجری ببعد چهار شماره دیگر (۳۳ تا ۳٦) از آن در تهران انتشار یافت .

ایرانشهر – مجله مصور ماهانه علمی و ادبی ، بمدیریت کاظم‌زاده ایرانشهر از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۰٥ شمسی (۱۹۲۲ تا ۱۹۲٦) رویهم ٤٨ شماره مـاهانه در برلین منتشر شد .

علم و هنر – مجله ادبی و علمی وهنری ، مؤسس ابوالقاسم وثوق ، بمدیریت سید محمدعلی جمالزاده در سالهای۱۳۰٦ و ۱۳۰۷ شمسی (۱۹۲۷ و ۱۹۲۸) جمعاً شش شماره در برلین انتشار یافت .

فرنگستان مجله ماهانه مصور ، در سالهای۱۳۰۳ و۱۳۰٤ شمسی (۱۹۲٤ و ۱۹۲٥) جمعاً ۱۲ شماره در برلین منتشر شد .

پیکار – مجله ادبی و سیاسی ، با همکاری محمد فرخی یزدی وابوالقاسم لاهوتی در سال ۱۳۰۹ شمسی (۱۹۳۱)

چند شماره بطور نامنظم در لایپتسیگ انتشار یافت .

ایران باستان ـ نشریه مصور سیاسی و فرهنگی و خبری ، بمدیریت سیف‌آزاد در سال ۱۹۳۱ بزبان فارسی در برلین منتشر شد و بعد بایران انتقال یافت ، و پنج سال بطور مرتب در تهران بچاپ رسید. درحال‌حاضر نیز گاه بگاه شماره های مخصوصی ازاین مجله در تهران چاپ میشود.

***

در فاصله سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۶۵ مجموعهٔ بسیار ارزنده‌ای دربارهٔ مطالعات خاورشناسی تحت نظر برتولد اشپولر B. Spuler استاد برجستهٔ خاورشناس دانشگاه هامبورگ ، با همکاری عده‌زیادی ازمحققان و دانشمندان بنام راهنمای خاورشناسی Handbuch der Orientalistik توسط مؤسسه مطبوعاتی معروف هلندی Brill که متخصص نشر آثار شرقی و خاورشناسی است در لایدن هلند و کلن آلمان در هشت جلد انتشار یافت که میتوان آنرا از بهترین مجموعه‌های تتبعات خاور شناسی مغرب زمین دانست . تقسیمات کلی این مجموعه عبارتند از : جلد اول : مصر شناسی (سال ۱۹۵۲) ـ جلد دوم : مطالعات مربوط به خطوط میخی و تاریخ باستانی آسیای مقدم (در دو قسمت ، سال های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۵) ـ جلد سوم : مطالعات سامی (سال های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۵) ـ جلد چهارم : ایران شناسی (سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۵) ـ جلد پنجم : مطالعات آلتائی (سال ۱۹۶۳) ـ جلد ششم : تاریخ سرزمین‌های اسلامی (درسه قسمت، سالهای ۱۹۵۲، ۱۹۵۳،

۱۹۵۹) ـ جلد هفتم : زبانهای ارمنی و قفقازی (سال ۱۹۶۳) ـ جلد هشتم : مذهب (سال ۱۹۶۱ ، دارای ۶ ضمیمه تکمیلی که بتدریج تاسال ۱۹۶۶ منتشرشده‌است) .

جلد ایران شناسی (Iranistik) این مجموعه‌شامل سه قسمت است که عبارتند از : زبان‌شناسی ، ادبیات ، زبان تخاری ، و بترتیب در سالهای ۱۹۵۸ ، ۱۹۶۵ ، ۱۹۵۵ انتشار یافته‌اند. مطالب مختلف‌این‌سه جلدتوسط دانشمندان ذیل تألیف شده‌اند :

زبان شناسی‌ایرانی : کارل‌هوفمن K. Hoffmann والتر هنینگ W. B. Henning ، بیلی H. W. Bailey یورگ مورگن استیرنه G. Morgenstierne ، ولفگانگ لنتس W. Lentz

ادبیات ایران : ا . گرشویچ I. Gershevich (ادبیات باستانی ایران) ؛ خانم مری‌بویس M. Boyce (ادبیات مانوی در ادبیات فارسی میانهٔ ایران)؛ آن‌ماری فن‌گابن A. von Gabain (ایران وادبیات بودائی و مسیحی)؛ اوف‌لا هانسن O. Hansen (ادبیات مسیحی در ایران)؛ پیتر ایوری P. Avery (تاریخ ادبیـات ایران از آغاز دوره اسلامی تا حال حاضر)؛ برتولد اشپولر B. Spuler (ادبیات مربوط به تاریخ وجغرافیا در زبان فارسی)؛ م . درسدن M. J. Dresden (تحقیقی دربارهٔ تاریخ مطالعات ایران شناسی)

زبان تخاری Tocharisch : ولفکانگ کراوزه W. Krause

علاوه برجلد خاص ایران شناسی ، قسمت مهمی از مطالب ومجلدات دیگر این‌مجموعه نیز بامطالعات ایرانی ارتباط دارد که از آن جمله فصول ذیل است :

جلد دوم (خطوط میخی و تاریخ باستانی آسیای مقدم) : تاریخ مشرق زمین از کورش تا محمد ـ فصول مختلف بقلم گئو ویدن‌گرن G. Widengren ، ا . فیسر E. Visser ، ه . فلکمن H. Volkmann، ا . دیتریش A. Dietrich ، ف . م . هایشلهایم F. M. Heichelheim

جلد ششم : تاریخ سرزمینهای اسلامی در دوره خلفا و دوران مغول ودوران جدید ، فصول مختلف بقلم برتولد اشپولر B. Spuler ، هانس یواخیم کیسلینگ H. J. Kissling ، هلموت شل H. Scheel ، گ . یشکه G. Jäshke، هلموت براون H. Braun، ا . کلینگ‌مولر E. Klingmüller، ه . هرتل H. Härtel

جلد هفتم : مذهب . ـ فصول مختلف بقلم :هاینریش اوتن H. Otten ، گئو ویدن گرن G. Widengren برتولد اشپولر B. Spuler ، یوهان فوك J. W. Fück ا . ج . اربـری A. J. Arberry ، ر . اشتـروتمـن R. Strothmann ، آن ماری فن گابنA. von Gabain والتر هینتس W. Hinz ، م . اولمن M. Ullmann هلموت براون H. Braun ، ر . والتسر R. Walzer

ترجمه دو قسمت اول ودوم جلد ششم این‌مجموعه بزبان انگلیسی نیز تحت عنوان « نظری تاریخی به‌دنیای

اسلامی « The Muslim World, a historical survey
در سال ۱۹٦۰ در لایدن هلند انتشار یافته است .

***

مجموعه پرارزش دیگری بنام « فهرست آثـار خطی شرقی در آلمان »
Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland در حال حاضر تحت سرپرستی «انجمن خاورشناسی آلمان » در این کشور منتشر میشود که از بهترین سلسلهٔ نشریات خاورشناسی معـاصر است . ایـن مجموعه پس‌از چاپ دوره کامـل آن شامـل مشخصات دقیق ٤۰،۰۰۰ کتاب و سند خطی شرقی خواهد بـود که در حال حاضر درکتابخانه‌ها ، موزه‌هـا ، آرشیوهـا و مجموعه‌های خصوصی‌آلمان وجود دارد . نظارت برچاپ این مجموعه را پروفسور ولفگانگ فویگت W. Voigt استاد دانشگاه ماربورگ بعهده دارد . دورهٔ کامل این مجموعه شامل ۸۰ جلد خواهد بودکه تاکنون ۲۳ جلد ازآن همراه با ۱۰ متمم بچاپ رسیده است .

از جلدهای چاپ شده ، سه جلد به‌ایران مربوط استکه عبارتست از :

« کتابهای خطی فارسی ، بخش اول . باهتمام ویلهلم آیلرس » در۳٦٦ صفحه ، چاپ ویسبادن ، ۱۹٦۸.
Persische Handschriften. Teil 1. Hrsg. von Wilhelm Eilers, beschrieben von Wilhelm Heinz. 366s. Wiesbaden, 1968.

آثار خطی سنسکریتسی مکشوفه در تورفـان .

بخش اول . با همکاری والتر کلاویتر ولور هولتسمان .
باهتمام ارنست والدشمیت با مقدمه‌ای توسط خود او .
در ۴۰۳ صفحه ، چاپ ویسبادن ، ۱۹۶۵ .

Sanskrithandschriften aus den Turanfunden. Teil 1. Unter Mitarbeit von Walter Clawiter und Lore Holzmann. Hrsg. und mit einer Einleitung versehen von Ernst Waldschmidt. 403s. Wiesbaden, 1965.

آثار خطی سنسکریتی مکشوفه در توفان . بخش دوم . چاپ عکس‌برداری شده از برگزیده‌ای از آثار خطی وینایا و سوترا ، بانضمام یك بررسی درباره سایر آثاری که دراین مجموعه چاپ نشده . با همکاری والتر کلاویتر ولورساندر هولتسمان ، باهتمام ارنست‌والدشمیت.
ـ ۹۷ صفحه . چاپ ویسبادن ، ۱۹۶۸ .

Sanskrithandschriften aus den Turfanfunden Teil 2. Faksimile-Wiedergaben einer Auswahl von Vinaya-und Sutrahandschriften nebst einer Bearbeitung davon noch nicht publizierter Stücke. Im Verein mit Walter Clawiter und Lore Sander-Holzmann zusammengestellt von Ernst Waldschmidt. 97s. Wiesbaden, 1968.

دوجلد دیگری که میباید علاوه بربخش‌های تکمیلی جلد « آثار خطی فارسی » در این مجموعه انتشار یابد ، عبارت است از :

آثار خطی زبان فارسی میانه ، باشرح وتوضیح اولاف هانسن

Mittelpersische Handschriften. Beschrieben von Olaf Hansen

نوشته های تذهیب شده اسلامی (شامل بسیاری از آثار ایرانی) باشرح وتوضیح ایوان سجوکین ، باربارافلمینگ، هانازوهروایده ، پاول لوفت .
Illuminierte islamische Handschriften. Beschrieben von Ivan Stchoukiné, Barbara Flemming. Hanna Sohrweide, Paul Luft.

***

در سالهای بعداز جنگ جهانی دوم ، نظر به ضرورت حیاتی تجدید سازمان اقتصادی کشور ، فعالیت هائی که صرفاً جنبه تحقیقی داشت منجمله مطالعات خاورشناسی در آلمان موقتاً محدود شد ودر برخی موارد اساساً راکد ماند . ولی در سالهای اخیر ، این فعالیت بصورت وسیعی که شایسته سنت خاورشناسی و ایران‌شناسی قرن گذشته این‌کشور است از سر گرفته شده ، بطوری که در حال حاضر تعداد کتبی که در زمینهٔ شرق شناسی در آلمان بچاپ میرسد ، باستثنای اتحاد شوروی از همه کشورهای اروپائی زیادتر است . مرکزاصلی این نشریات در ویسبادن است که در آن دو مؤسسه مهم انتشارات شرقی بنام اوتو هاراسوویتس Otto Harrassowitz و فرانتس اشتاینر Franz Steiner مشغول کارند . چندین چاپخانه فارسی نیز در شهرهای مختلف آلمان دائر شده‌اند .

از طرف دانشگاه‌ها و مراکز خاورشناسی و سازمان‌های انتشارات شرقی آلمان ، چند سری مختلف نشریات خاورشناسی بچاپ میرسد که در همه آنها کتب مربوط به‌ایران و متون کلاسیك فارسی جای مهمی دارند.

از زمرهٔ این مجموعه‌ها میتوان از سری های ذیل نام برد :

متون ایرانی Iranische Texte نشریه مؤسسهٔ اوتوهاراسوویتس ، در ویسبادن .

بررسی‌های ایران‌شناسی Beiträge zur Iranistik نشریهٔ موسسه اوتوهاراسوویتس ، در ویسبادن .

مطالعات مربوط به‌زبان وتاریخ وفرهنگ شرق اسلامی
Studien zur Sprache, Geschichte und Kulture des islamischen Orient.

سلسلهٔ نشریات مجله اسلام ، در هامبورگ وبرلن .

مطالعات اسلامی فرایبورگ Freiburger Islam Studien

سلسلهٔ نشریات دانشگاه فرایبورگ .

مطالعات خاورشناسی بن Bonner Orientalische Studien

نشریه دانشگاه بن .

بررسی‌هائی درباره زبان و تاریخ فرهنگ‌شرق
Beiträge zur Sprach-und Kulturgeschichte des Orients

سلسلهٔ نشریات دانشگاه بن .

نشریات کمیسیون شرقی فرهنگستان علوم‌و ادبیات ماینتس
Akademie der Wissenschaften und der Literatur (Mainz), Veröffentlichungen der Orientalischen Kommission.

کتابخانه هند وژرمنی هایدلبرگ

Indogermanische Bibliothek Heidelberg.

کتابخانه اسلامی (در آلمان شرقی) Bibliotheca Islamica

متون ایرانی و کتابهای راهنمای زبان(در آلمان شرقی)

Iranische Texte und Hilfbücher

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

مراکز تدریس زبان فارسی وزبانهای ایرانی

مراکز کتب واسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

نشریات خاورشناسی

در

جمهوری فدرال آلمان

Rebo...

...OWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE
	Convocation		

256

563641

1182

مراکز مطالعات ایران شناسی

مطالعات ایران شناسی در آلمان ، توسط سه‌دسته مختلف از مراکز علمی انجام میگیرد که عبارتند از : آکادمی‌ها ، دانشگاه‌ها ، انجمنها و سازمانهای مستقل .

برخلاف کشورهائی مانند اتحاد شوروی وممالکی که با روشهای علمی مشابه آن اداره میشوند ، در آلمان آکادمی‌های علوم سهم مهمی در مطالعات خـاورشناسی ندارند ، بلکه‌مراکز اصلی این‌نوع مطالعات دانشگاههای این‌کشورهستند . برخی ازمؤسسات کهنسال شرق‌شناسی نظیر « انجمن خاورشناسی آلمان » نیز طبعاً فعالیـت سابقه‌داری دراین زمینه دارند .

دربارهٔ این هرسه دسته مراکز مطالعات خاور شناسی وحدود کارهای آنها در زمینه فرهنگ ایـران ذیلا توضیح داده میشود :

آکادمی‌ها

فرهنگستان علوم وادبیات (در ماینتس)

Akademie der Wissenschaften und der Literatur zu Mainz

این آکادمی درسال ۱۹٤۹ تأسیس شده است ،

وبه سه شعبه اصلی بنام « فلسفه و علوم اجتماعی » ، « ادبیات » ، « ریاضیات و علوم طبیعی » تقسیم میشود که مطالعات دو شعبه اول و دوم آن با فرهنگ و ادب ایران ارتباط دارد . این مطالعات توسط « کمیسیون شرقی » Orientalische Kommission آکادمی صورت میگیرد که از هیئتی از دانشمندان عضو آکادمی که در فرهنگ وادب شرقی تخصص دارند مرکب شده است . کارهای تحقیقی این کمیسیون در مورد ایران ، بیشتر مربوط به فرهنگ اسلامی ایران و آثار کلاسیك ادبیات پارسی است ، ودراین زمینه تاکنون گذشته از کتابهائی که توسط دانشمندان عضو این کمیسیون دربارهٔ ایران بچاپ رسیده ، قسمتی از متون مهم ادب فارسی بصورت متن یا ترجمه آنها انتشار یافته است . ازجمله این‌دو دسته میتوان ازکتب ذیل نام برد :

« مسائل مربوط به حافظشناسی » تألیف هانس روبرت رویمر H. R. Roemer (چاپ ۱۹۵۱) ، «ایران در نخستین ادوار اسلامی » ، تألیف برتولد اشپولر B. Spuler چاپ۱۹۵۲)، «رساله فلکیه عبدالله بن‌محمد بن کیای مازندرانی »توسط والتر هینتس W. Hinz (چاپ ۱۹۵۲) ، « نام قدیم جشن نوروز در ایران » تألیف ویلهم آیلرس W. Eilers (چاپ۱۹۵۳)،آخرین‌مطالعات درباره شاهنامه تألیف کورت‌هانسن K. H. Hansen(چاپ ۱۹۵٤) ، «یسنای بیست‌وهشتم » ترجمه ولفگانگ‌لنتس W. Lenz (چاپ۱۹۵۵)، «شمس‌الحسن» تاج‌السلمانی توسط هانس‌ربرت‌رویمر H. R. Roemer (چاپ۱۹۵٦) ،

« فواتح‌الجلال » نجم‌الدین کبری توسط فریتس‌میر F. Meier (چاپ ۱۹۵۷) ، « مهستی زیبا » شاعرهٔ ایران توسط فریتس‌میر F. Meier (چاپ ۱۹۶۳) ، « عناصر مغولی و ترکی در زبان امروزی فارسی » تألیف دورفر G. Deorfer در دو جلد (چاپ ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵) ، « خلاصة‌التواریخ » قاضی احمد قمی ترجمه هانس‌مولر H. Müller (چاپ ۱۹۶٤) .

همهٔ این کتب در سری خاصی بچاپ رسیده است که « انتشارات کمیسیون شرقی آکادمی علوم وادبیات »
Veröffentlichungen der Orientalischen Kommission der Akademie der Wissenschaften und der Literatur zu Mainz
نام دارد واز سال ۱۹۵۰ شروع بکار کرده است . آثاری که جنبهٔ مقالات تحقیقی وعلمی ایـران‌شناسی دارد در سری دیگری بنام « رسالات بخش شعبه علوم معنوی و اجتماعی آکادمی علوم و ادبیات ماینتس »
Abhandlungen der Geistes - und sozialwissenschaftlichen Klasse der Akademie der Wissenschaften und der Literatur zu Mainz
بچاپ میرسد . انتشار این مجموعه نیز ازسال ۱۹۵۰ آغاز شده است .

متخصص برجسته مطالعات ایران شناسی ایـن آکادمی پروفسور یوهانس بنتسینگ J. Benzing است که در عین حال سمت استادی کرسی « زبان‌شناسی ومطالعات اسلامی » دانشگاه ماینتس را دارد . یکی دیگـر از متخصصین مطالعات ایـران شناسی آکادمـی پروفسور

هلموت‌شل H. Scheel دبیر کل سابق آکادمی و استاد افتخاری دانشگاه ماینتس است. پروفسور هاینریش‌اوتن H. Otten نایب رئیس «شعبه فلسفه علوم اجتماعی» آکادمی نیز درهمین رشته‌کار کرده است.

فرهنگستان علوم باویر

Bayerische Akedemie der Wissenschaften

این آکادمی که مرکز آن مونیخ است، در سال ۱۷۵۹ تأسیس شده است و در حال حاضر دارای ۱۰۸ عضو ثابت و ۱۶۲ عضو وابسته است. کار علمی آکادمی در دو رشته مجزا بنام «فلسفه تاریخ» و «علوم ریاضی و علوم طبیعی» انجام میگیرد، و مطالعات خاورشناسی آکادمی مربوط به بخش اول است.

درگذشته عده‌ای از ایران‌شناسان برجستهٔ آلمانی در این آکادمی عضویت داشته‌اند که قسمتی از بهترین آثار تحقیقی مربوط به زبانشناسی و واژه شناسی ایرانی توسط آنها تألیف ومنتشر شده است. از جملهٔ این عده میباید بخصوص از یوزف‌مولر J. Müller، مارتین هاوگ M. Haug، ارنست‌کون E. Kuhn ویلهلم گایگر W. Geiger نام برد که عموماً در رشته زبانهای باستانی ایرانی تخصص داشتند.

در حال حاضر متخصص مطالعات ایران شناسی این آکادمی پروفسور هلموت هوفمان H. Hoffmann است‌که ضمناً رئیس سمینار هندشناسی و ایران شناسی

دانشگاه مونیخ و شخصاً متخصص زبانهای باستانی ایران است . یکی دیگر از اعضای این آکادمی که رشتهٔ کار علمی او با مطالعات ایران‌شناسی ارتباط دارد پروفسور آنتون اشپیتالن A. Spitalen است که در فرهنگ اسلامی ایران کار میکند . همچنین پروفسور هرمان بنگتسن H. Bengtson که مطالعات او با تاریخ باستانی ایران مربوط است .

فرهنگستان علوم گوتینگن

Akademie der Wissenschaften in Göttingen

این آکادمی در سال ۱۷۵۱ تأسیس شده است ودر حال حاضر دارای ۱۹۸ عضو پیوسته و وابسته است . آکادمی از نظر علمی به‌دو شعبهٔ « تاریخ وزبان شناسی » و « ریاضیات و علوم فیزیکی» تقسیم میشود که‌مطالعات مربوط به تمدن‌ها و فرهنگهای شرقی مربوط به بخش اول است . این مطالعات در شعبه‌ای از این بخش که « کلاس زبانشناسی و تاریخ » نام دارد انجام میگیرد و گزارش آنها در نشریات منظم این شعبه بنام « اطلاعات بخش زبانشناسی و تاریخ آکادمی علوم گوتینگن »
Nachrichten der Philologisch-Historischen Klasse. Göttinger Akademie der Wissenschaften
و « بررسیهای زبانشناسی و تاریخ آکادمی علوم گوتینگن»
Abhandlungen der Philologisch-Historischen Klasse. Göttinger Akademie der Wissenschaften
بچاپ میرسد.

مطالعات این آکادمی در رشته ایران شناسی در حال حاضر بسیار محدود است و امروزه درمیان اعضای آن هیچیك اختصاصاً دراین رشته کار نمیکنند . ولی درگذشته عده‌ای از برجسته‌ترین ایران شناسان آلمـانی عضو این فرهنگستان بوده‌اند ، که اززمرهٔ مقالات تحقیقی آنها که در دونشریهٔ فوق‌الذکر این‌آکادمی بچاپ‌رسیده، میتوان ازآثار ذیل نام برد :

« مطالعات ایران شناسی » بقـلم پل‌دولاگارد Paul de Lagarde در بیش از دویست صفحه ، در سال ۱۸۸٤ ـ « گاتای سوم زرتشت (یسنای ۳۰) ، کوششی در نقل شکل باستانی این متن ، همراه باترجمهٔ آلمانی آن » بقلم فریدریش کارل آندرآس F. C. Andreas درسال ۱۹۰۹ ـ « گاتای چهارم زرتشت (یسنای ۳۱)، کوششی در نقل شکل باستانی این متن ، همراه با ترجمه آلمانی آن » بقلم فریدریش کارل آندره‌آس و یوهان ـ واکرناگل J. Wackernagel، درسال ۱۹۱۱ ـ « گاتاهای اول ودوم و پنجم زرتشت (یسناهای ۲۸ ، ۲۹ و۳۲)، کوششی در نقل اشکال باستانی این متون ، همراه بـا ترجمه آلمانی آنها » بقلم همین دومحقـق ، در سال ۱۹۱۳ ـ « چهاربررسی در ریشهٔ کلمات فارسی باستانی» بقلم همین دو محقق، درسال ۱۹۱٦ ـ « چشم پادشاه » ترجمه یك متن باستانی ایرانی ، توسط هانس شدر ـ H. H. Schaeder، در سال ۱۹۳٤ .

مراکز دانشگاهی

دانشگاه آزاد برلین

Freie Universität Berlin

سمینار زبان‌شناسی ایرانی

Seminar für Iranische Philologie

این مرکز علمی که وابسته به دانشکده فلسفه دانشگاه است ؛ درسال ۱۹۴۸ تأسیس شد واز بدو تأسیس خود تحت نظر پروفسور الاف هانسن Olaf Hansen ایران‌شناس فقید آلمانی قرار داشت ، که باکوشش خود آنرا بصورت یك مرکز تحقیقی فعال در رشتهٔ زبانهای باستانی ایران درآورد . پس از مرگ پروفسور هانسن در سال ۱۹٦۸ ، ریاست این سمینار و تصدی قسمتی از دروس آنرا پروفسور کارستن کلپه Carsten Colpe که قبلا در دانشگاه « گوتینگن » تدریس میکرد ورشتهٔ تخصصی او تاریخ مذاهب است عهده‌دار شده‌است .

مطالعات این سمینار در زبان‌شناسی ایرانی سه رشتهٔ فارسی باستانی ، فارسی میانه و فارسی جدید را شامل میشود . این مطالعات در رشتهٔ فارسی باستانی (Altpersisch) در زمینهٔ اوستا شناسی ، متون مذهبی ایران باستان و متون کهن سغدی ، ودر رشتهٔ فارسی میانه (Mittelpersisch) درزمینهٔمطالعات‌مانوی،مطالعات بودائی از نظر ارتباط آن با ایران شرقی ، زبان سغدی میانه و اصول کلیسای نسطوری ایران صورت میگیرد ،

در رشتهٔ فارسی جدید (Neupersisch) علاوه بر زبان و ادبیات فارسی کلاسیك و جدید ، دربارهٔ تاریخ و باستان‌شناسی و آئین ایران در دوران اسلامی نیز مطالعه میشود . کار تدریس زبان‌های ایرانی و زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آزاد برلین نیز بعهده این سمینار است که درباره آن درجای خود توضیح داده خواهد شد .

درمطالعات ایران‌شناسی سمینار بغیراز پروفسور کلپه C. Colpe رئیس سمینار، دونفر دیگر ازشاگردان سابق‌پروفسور «هانسن» دکترگوبرشت Dr. Gobrecht و دکتر فلوور Dr. Flowerویك دانشمند جوان ایرانی بنام دکتر سبحانی شرکت دارند . « زمینهٔ تخصصی « گوبرشت » زبان پهلوی است وبخصوص وی در مورد متون قضائی که از این زبان در دست است تحقیقات جالبی دارد . در حال حاضر وی مشغول ترجمه تازه‌ای از گاتها از زبان پهلوی‌است . زمینهٔ تخصصی «فلوور» ادبیات پارسی وتاریخ ایران است .

پروفسور « کولپه » رئیس سمینار چنانکه گفته شد قبلا استاد تاریخ عمومی مذاهب در دانشگاه گوتینگن بوده و دراین زمینه با مطالعات مربوط بمذاهب باستانی ایران سروکار داشته است . ولی از بعداز تصدی سمت جدید خود ، فعالیت تحقیقی خویش را منحصر به‌تاریخ مذاهب ایرانی کرده است ، واکنون باتفاق همکاران خود در تدوین یك‌فرهنگ‌جامع‌وبیسابقه ازاصطلاحات و تعبیرات مکتب فلسفی « گنوستیك » ایرانی کار میکند.

بعلاوه این گروه در مطالعاتی که از طرف جمعی از پهلوی شناسان اروپا بمنظور تدوین و چاپ یك فرهنگ بزرگ زبان پهلوی صورت میگیرد شرکت دارند .

سمینار زبانهای هند و ژرمنی

Indogermanisches Seminar.

این سمینار در سال ۱۹٤۸ تأسیس شده است و مطالعات آن در مورد زبانهای مختلف هند و اروپائی یعنی زبانهای باستانی ایرانی و هندی و ارمنی درآسیا ، و زبانهای یونانی ، لاتینی ، آلبانی ، ژرمنی ، اسلاو ، بالت ، کلتی در اروپا انجام میگیرد . این مطالعات بیشتر مربوط به زبان‌شناسی تطبیقی و تحقیق در نوع تکامل تدریجی هریك از رشته‌های مختلف زبانهای هند و ژرمنی است و بدینجهت با « علم تاریخی زبان » آمیخته است . رئیس مطالعات زبانشناسی هند و ژرمنی این سمینار پروفسور ریکاردکینله R. von Kienle است .

انستیتوی مطالعات باستانی آسیای مقدم

Institut für Vorderasiatische Altertumskunde.

این انستیتو در سال ۱۹٤۸ تأسیس شده است و قسمتی از مطالعات آن مربوط به فرهنگ و تمدن سرزمینهای خاورنزدیك و میانه (ایران ،ترکیه ، عراق، سوریه ، لبنان ، و فلسطین) در دوران قبل از اسکندر

و حکومت سلوکی است . رئیس و استاد انستیتو پروفسور آنتون مورتگات Anton Moortgat است که مجله مهم « آشور شناسی و باستانشناسی آسیای مقدم » Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie تحت نظر او در برلین منتشر میشود . وی ضمناً عضو هیئت مدیره مجلهٔ « ایران باستانی » Iranica Antiqua در بلژیك است .

انستیتو دارای برنامهٔ سخنرانیهای منظمی‌درباره مطالعات علمی مربوط به شرق در محل « انجمن آلمان و شرق » Deutsche Orient-Gesellschaft در برلین است . کتابخانه این انستیتو یکی از کاملترین کتابخانه‌های اروپائی در زمینه امور باستانشناسی خاور نزدیك و خاورمیانه است .

انستیتوی فرهنگ باستانی

Institut für Altertumskunde.

این انستیتو عهده‌دار مطالعات علمی در کلیه رشته‌های فرهنگهای باستانی است و دارای سمیناری بنام « تاریخ باستانی » Seminar für Alte Geschichte است که دوره کامل آن ده تا دوازده « زمستر » را شامل میشود . قسمتی ازین مطالعات مربوط به‌زبانشناسی سنسکریت واوستائی وپهلوی است .

مطالعات مربوط به‌تاریخ باستانی شامل تاریخ فرهنگ ، مذاهب ، اقتصاد ، حقوق ، سازمانهای سیاسی

و سازمانهای اداری تمدنهای باستانی است ، و دریـن مطالعات بخصوص از کتیبه‌ها و خطـوط تاریخـی و پاپیروسها و سکه های قدیمی استفاده میشود .

« انستیتوی شرق » .Orient - Institut

ایـن انستیتو در سال ۱۹٤۸ بمنظور تتبعـات مربوط به تاریخ و فرهنگ ملل خاورمیانه وخاورنزدیك (باستثنای مصر) تأسیس شده است و دارای سه شعبـه واژه‌شناسی شرق باستانی Altorientalische Philologie « مطالعات سامی و عربی » Semistik und Arabistik و « فرهنگ اسلامی » Islamkunde است .

مطالعات سامی در مورد زبانهای بابلی وآشوری و سومری ورشته‌های فرعی وابسته بدانها و در دو بخش بنام آشورشناسی و سومرشناسی انجام میگیرد . مطالعات زبانشناسی شرقی مربوط به زبانـهای بابلی و آشوری زبانهای قدیم ایرانی ، زبانهای هندی و هیتی و فریگی و ایلامی و فینیقی و آرامی و عبـری است . در رشتـه مطالعات اسلامی بخصوص بزبان عربی و تاریخ ومذهب هنرهای ملل اسلامی منجمله دوران اسلامی ایران توجه میشود . در همه این رشته‌ها مطالعات زبانشناسی باتتبعات مربوط به‌باستانشناسی وتمدنهای ماقبل تاریخ ومردم‌شناسی سرزمینهای مربوط همراه‌است .

قسمت « واژه‌شناسی شرق باستانی » در ایـن انستیتو دارای شعبه مخصوصی بنام « تتبـعات دربـاره خطوط میخی Keilinschriftenforschung است .

شعبه مطالعات اسلامی انستیتوی علوم مذهبی

Islamkundliche Sektion des Religionswissenschaftlichen Instituts

انستیتوی علوم مذهبی دانشگاه آزاد برلین در سال ۱۹٤۸ بمنظور « مطالعات علمی درباره کلیه‌مذاهب» بوجود آمده است ، ودر شعبه « مطالعات اسلامی » که یکی از مهمترین شعب آنست تتبعات مربوط به آئین اسلام وفرقه‌های مختلف آن منجمله فرقه شیعه و شعب‌آن انجام میگیرد .

دراین شعبه زبانهای فارسی و عربی و ترکی بعنوان زبانهای اصلی تعلیم داده میشود . حداقل دوره مطالعات در این رشته‌ها ده « زمستر » است . تدریس این زبانها با تعلیمات مربوط بتاریخ وهنرهای هریك از کشورهای مربوط همراه است .

دانشگاه بن Universität Bonn

سمینار خاورشناسی Orientalisches Seminar.

این سمینار در سال ۱۹۱٤ توسط پروفسور هاینریش‌بکر Heinrich Becker که دوسال بعد ازآن وزیر امور فرهنگی پروس شد تأسیس گردید . ریاست سمینار را از آن تاریخ ببعد بترتیب خاورشناسان برجسته ذیل عهده‌دار بوده‌اند :

لیتمان E. Littmann (از ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۱) –

کاهله P. Kahle (از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸) ـ کیرفلد W. Kirfeld (از ۱۹۳۹ تا ۱۹٤۹) ـ پارتR. Paret (از ۱۹٤۹ تا ۱۹۵۱) ـ از سال ۱۹۵۲ ببعد ریاست این سمینار با پروفسور اوتوشپیس Otto Spiess است.

برنامه علمی سمینار «زبانشناسی سامی ومطالعات اسلامی » است واین مطالعات در مورد ایران و ترکیه وسرزمینهای عربی در زمینه مذهب وتاریخ و فرهنگ اسلامی این ملل انجام میگیرد .

کتابخانه سمینار دارای ۱۰۰۰۰ جلد کتاب است . از طرف سمینار نشریه وزینی بنام دنیای اسلام Die Welt des Islams که از مجلات مهم خاورشناسی اروپا است و نیز سلسله مونوگرافهائی بنام « مطالعات شرق‌شناسی بن » Bonner Orientalische Studien و مونوگرافهای دیگری بنام «کمك بشناسائی تاریخ زبان و فرهنگ شرق » Beiträge zur Sprach — und Kulturgeschichte des Orients بچاپ میرسد .

سمینار زبانهای شرقی

Seminar für Orientalische Sprachen

این سمینار در سال ۱۸۸۷ در برلین تأسیس شد، ولی درسال۱۹٤۵ منحل گردید ودر ۱۹۵۹ مجددا دائر شد واین‌بار درشهر «بن» بکار پرداخت .

رئیس کنونی سمینار پروفسور اوتوشپیس ـ Otto Spiess است . وظیفه اين‌سمینار تدریس زبانهای

کنونی شرقی منجمله زبان و ادبیات فارسی است و تعداد اعضای ثابت آن ۱۱۰ تا ۱۲۰ نفر است .

دانشگاه ارلانگن

Friedrich - Alexander - Universität
Erlangen - Nürnberg

سمینار واژه شناسی زبانهای شرقی و

سمینار مطالعات تطبیقی زبانهای هند وژرمنی

Seminar für Orientalische Philologie und Seminar Für vergleichende Sprachwissenschaft

این مرکز علمی که از کهنسالترین مراکز نوع خود در آلمان است جانشین سمینار « زبانهای شرقی» دانشگاه ارلانگن است که درسال ۱۷٤۳ همزمان باخود این دانشگاه تأسیس گردید . از جمله نخستین استادان این‌سمینارمیبایدازفریدریش‌رو کرتFriedrich Rückert ایران‌شناس و شاعر و نویسنده نامی قرن نوزدهم آلمان و فریدریش اشپیگلFriedrich Spiegel ایران‌شناس نامی دیگر نام برد که درمقدمه این فصل از هردوی آنها سخن رفته است .

درسال ۱۸۹۱ این‌سمینار به‌دوسمینارمستقل« واژه‌شناسی شرقی »Orientalische Philologie (عهده‌دار مطالعه در زبانها و ادبیات اسلامی) و زبانشناسی تطبیقی زبانهای هند و اروپائی Vergleichende indogermanische Sprachwissenschaft (عهده‌دار مطالعات مربوط به

زبانهای آریائی ایرانی ،هندی ، ارمنی ، و گویش‌های هند و ایرانی) تقسیم‌شد . قریب سی‌سال (۱۸۹۱ تا ۱۹۲۰) استادرشتهٔ اخیر ویلهلم گایگر Wilhelm Geiger بود که از بزرگترین متخصصین جهانی زبانهای ایرانی قدیم‌وزبانهای‌هندی‌بشمارمیرفت‌ودر۱۹٤۳در گذشت.استاد کنونی این کرسی کارل هوفمان Karl Hoffmann رئیس سمیناراست که‌متخصص‌زبانشناسی‌ایرانی وهندی‌وناشر متن انتقادی تازه‌ای از اوستا است‌وتاکنون مقالات و گزارش های تحقیقی متعددی درباره زبان اوستائی و زبان فارسی باستانی در مجلات مختلف خاورشناسی انتشار داده است .

از مهمترین دروس این سمینار زبانهای فرس قدیم واوستائی است . زبان فارسی امروزی در سمینار دیگر این دانشگاه بنام « واژه‌شناسی شرقی » که فوقاً بدان اشاره شد تدریس میشود . از استادان برجسته‌ای که درین رشته تدریس کردند یورگ کریمر J. Krämer بود که اخیراً درگذشت .

برنامه کلی کار این دو سمینار مطالعات مربوط به زبانهای هند و اروپائی و تدریس این زبانها است ، و عادتا برحسب نوع تخصص و علاقـه شخصـی رئیس انستیتو و استاد آن بیکی ازاین زبانها اهمیت بیشتر داده میشود .

در حال‌حاضر گروهی از دانشمندان ایران‌شناس بشرح ذیل در این سمینار کار میکنند :

پروفسور کارل هوفمن K. Hoffmann رئیس « سمینـار زبانشناسی تطبیقی زبانهای هند واروپائی » که

از سال ۱۹۵۵ مطالعات مربوط به زبانهای باستانی ایران مخصوصاً زبان اوستائی و فرس قدیم را دراین باره بخصوص در زمینهٔ ارتباط زبانهای باستانی ایران با زبان ودائی هند وادبیات «ودیك» اداره میکند و منظما حاصل این مطالعات را بمنظور تشریح و تفسیر کاملتری از زبان اوستائی و فرس باستانی منتشر ودر اختیار دانشجویان این رشته میگذارد . در حال حاضر این استاد بمطالعات تازه‌ای در زمینه سیر تحول متون انتقادی اوستا» اشتغال دارد که کار تدوین آن تقریبا پایان یافته است .

دکتر گرت کلینگن اشمیت Gert Klingenschmitt دستیار علمی پروفسور هوفمن وهمکار اودرتمام مطالعات مربوط بزبانهای‌هندواروپائی‌بخصوص زبان ودائی‌است و اکنون کار تألیف کتابی را درباره « متون انتقادی اوستا » بپایان رسانیده است . علاوه برآن شخصا بمطالعه در زبان و ادبیات پهلوی اشتغال دارد و در این زمینه رساله‌ای بنام لغتنامه پهلوی اوستا (فرهنگ اویم) تألیف کرده که هنوز بچاپ نرسیده است . وی با فارسی امروزی نیز بخوبی آشنا است و در این رشته اکنون باتفاق دکتر میرحمید مدنی متصدی تدریس زبان و ادبیات فارسی در « سمینار واژه‌شناسی شرقی » دانشگاه ، مشغول گردآوری و تألیف کتابی دربارهٔ زبان محلی گیلان (گیلکی) است .

دکتر حمید مدنی در سال ۱۹۶۷ با تألیف رساله‌ای بنام « مناسبات اجتماعی در ایران باستان بر

اساس متون داستانهای حماسی ایرانی » از دانشگاه توبینگن درجهٔ دکترا گرفت ، واکنون در دانشگاه ارلانگن نورنبرگ ، ضمن تدریس زبان فارسی کنونی ، به‌مطالعات علمی دربارهٔ تاریخ سیاسی واقتصادی ایران از عصر صفویه تا بامروز اشتغال دارد .

دکتر یوهانا نارتن Johanna Narten دستیار علمی پروفسور هوفمان مانند استاد خود در رشتهٔ «وداشناسی» و ارتباط آن با زبان فرس بلستانی واوستا کار میکند و رسالهٔ دکترای خود را در سال ۱۹٦٤ در همین‌باره نوشته است . این بانو در حال حاضر مشغول ترجمهٔ یسنای هفت‌هات Haptang Haiti از مهمترین فصول یسنا است ، که در نظر دارد آنرا با شرح وتفسیرهای مفصل منتشر کند .

پروفسور بورکهارت کیناست Burkhart Kienast که تخصص او رشتهٔ « آشورشناسی » است در حال‌حاضر به تحقیقات مشترکی با پروفسور کارل هوفمان در زمینهٔ تحقیق در متون اکدی سنگنوشته‌های هخامنشی بمنظور استفاده از آنها در مطالعات آشورشناسی اشتغال دارد .

کتابخانه دوسمینار واژه‌شناسی شرقی وزبانشناسی تطبیقی هند واروپائی انشگاه ارلانگن نورنبرگ دارای ۸۰۰۰ کتاب است که در حدود ۲۰۰ جلد از آنها بایران اختصاص دارد . قسمت اعظم این مجموعهٔ ایرانی کتب مربوط به‌زبانهای اوستائی ، فرس باستانی، پهلوی،

سغدی ، ختنی ، پارتی ، فارسی جدید و گویش‌های مختلف ایرانی است .

دانشگاه فرانکفورت

Johann Wolfgang Goethe-Universität Frankfurt

سمینار خاورشناسی Orientalisches Seminar

این سمینار در سال ۱۹۱۵ تأسیس شده است و مطالعات آن در دورشتهٔ « مطالعات اسلامی » و « مطالعات سامی » انجام میگیرد . قسمت مهمی از مطالعات اسلامی سمینار مربوط به تمدن و فرهنگ اسلامی ایران است ورشته‌های زبان ، ادبیات ، فلسفه ، هنر و تحولات اجتماعی را شامل میشود .

رئیس کرسی خاورشناسی و استاد « علوم‌اسلامی » این سمینار پروفسور رودلف زلهایم Rudolf Sellheim است که‌رشته تخصصی اومطالعات عربی است و درعین‌حال از سالها پیش تدریس تاریخ ادبیات ایران و تاریخ مذاهب ایرانی را عهده‌دار است . در زمینه ادبیات فارسی از وی سخنرانیهای متعددی دربارهٔ فردوسی ، خیام ، نظامی ، مولوی ، سعدی ، حافظ، ادبیات عرفانی ایران، وچند نوشته تحقیقی بنام « سال تولد ابن‌سینا » ، « مجموعه‌ای‌ازضرب‌المثلهای نامشهور ابوالحسن بیهقی »، « بررسیهای تازه‌ای در شرح زندگی یاقوت » انتشار یافته است . در حال حاضر پروفسور زلهایم مشغول تألیف جلد اول کتاب « تاریخ ادبیات عرب » است که

قسمت مهمی از آن مربوط به سهم ایرانیان در ادبیات عربی‌است . درعین‌حال وی سردبیر مجله بین‌المللی‌شرق Oriens (چاپ‌لایدن‌هلند) ورئیس‌انجمن‌بین‌المللی‌مطالعات خاورشناسی Gesellschaft für Orientforschung است که مرکز آن در استانبول است .

مطالعات مربوط به زبان و فرهنگ باستانی ایران در این سمینار از سال ۱۹٦٤ توسط پروفسور برنفرید اشلرات Bernfried Schlerath انجام میگیرد که تخصص او زبانشناسی تطبیقی زبانهای هند و اروپائی است و رشته تدریسی او فارسی باستانی و اوستا و واژه‌شناسی زبانهای ایرانی و تاریخ مذاهب باستانی ایران است . وی از چند سال قبل در تألیف فرهنگ‌کلمات فارسی باستانی‌کار میکند وتاکنون برای این‌کار ۲۰۰٫۰۰۰ فیش تهیه کرده است . در سال ۱۹٦٨ دو اثر از این استاد بعنوان مقدمه‌ای بر این فرهنگ دربارهٔ مطالعات اوستاشناسی در « ویسبادن » بچاپ رسیده که هرکدام شامل چندصد صفحه است .

سمینار زبانهای هند و ژرمنی

Indogermanisches Seminar.

این سمینار در سال ۱۹۱٤ تأسیس شده است و مطالعات علمی آن تمام زبانهای هند و ایرانی واروپائی (از خانواده آریائی) را شامل میشود . در رشته زبانهای ایرانی مطالعات این سمینار شامل زبان اوستائی و گویش‌های فرس میانه است .

رئیس سمینار پروفسور والتر تماس Walter Thomas متخصص زبانهای ایرانی ، هندی ، تخاری و کلتی است . استاد دیگر سمینار بنام پروفسور برنفرید شلرات B. Schlerath از چندی پیش مشغول تألیف کتابی بنام « فرهنگ اوستائی » Awestisches Wörterbuch است .

سمینار دارای کتابخانه مهمی است که مخصوصاً قسمت ایران‌شناسی (Iranistik) آن غنی است .

دانشگاه فرایبورگ

Albert-Ludwigs-Universität Freiburg

سمینار خاورشناسی Orientalisches Seminar

این مرکز خاورشناسی در سال ۱۹۰۳ بتوصیهٔ پروفسور کندروف Reckendorff وزیر فرهنگ ایالت بادن در دانشکده فلسفه دانشگاه فرایبورگ تأسیس شد ، و مطالعات آن مسائل مربوط به‌تمدن و فرهنگ خاور نزدیك و میانه وافریقای شمالی و بطورکلی دنیای اسلامی را شامل میشود . سمینار دارای چهار شعبه است که عبارتند از : شرق باستانی ، اسلام‌شناسی ، یهودشناسی. تمدن سرزمینهای آسیای جنوبی وشرقی .

مطالعات ایرانشناسی سمینار در شعبه اسلامی آن انجام میگیرد . سرپرستی این مطالعات با رئیس سمینار خاورشناسی ، پروفسور هانس روبرت رویمر Hans R. Roemer است که رشته تخصص

او در زمینه ایرانشناسی ، تاریخ دوران تیموریان و صفویه است . وی دارای تألیفات متعددی در مسائل مربوط بایران بخصوص تاریخ اسلامی ایران‌است وازسال ۱۹۶۳ شخصا استادی کرسی تاریخ و تمدن ایران‌را دراین سمینار دارد . سایر کسانیکه در این سمینار در مطالعات ایران‌شناسی کار میکنند عبارتند از :

دکتر هانس مولر Hans Müller که رشتهٔ تخصصی او ادبیات کلاسیك وادبیات‌عامیانه (فولکلوری) فارسی است و کتابی نیز درباره شاه‌عباس اول تألیف کرده است .

دکتر یوزف ماتوسJozsef Matuz که اصلا مجارستانی است و زمینه تخصصی او روابط تاریخی و فرهنگی ایران با ترکیه است .

بانو دکتر اریکا گلاسن Erika Glassen که در رشته تاریخ صفویه کار میکند وکتابی بنام تاریخ ایران در قرن شانزدهم (قرن اول حکومت صفوی) تألیف کرده است .

دکتر داریوش بیات سرمدی متصدی تدریس فارسی این سمینار نیز در مطالعات ایران‌شناسی با دانشمندان نامبرده همکاری دارد .

در سمینار خاورشناسی دانشگاه فرایبورگ تاکنون مطالعاتی در زمینه ایران پیش از اسلام صورت نگرفته است ، ولی سمینار در نظر دارد در کرسی « زبانهای هندو اروپائی » که توسط پروفسور اسوالد شمرینی Oswald Szemerenyi مجارستانی اداره میشود

محلی برای تدریس زبانهای باستانی ایران و مطالعات مربوط بدین زبانها باز کند.

دانشگاه گوتینگن

Georg-August-Universität zu Göttingen

سمینار ایران‌شناسی Seminar für Iranistik

این سمینار که از مهمترین مراکز مطالعات ایرانشناسی در آلمان است، تا سال ۱۹۵۹ قسمتی از سمینار خاورنزدیك Seminar für den Nahen Osten دانشگاه گوتینگن بود، ولی در آن سال سمینار خاور نزدیك به دو مرکز مستقل بنام سمینار ایرانشناسی Seminar für Iranistik و سمینار عرب شناسی Seminar für Arabistik تقسیم شد.

سمینار ایران‌شناسی توسط پروفسور والترهینتس Walther Hinz که یکی از فعالترین ایران‌شناسان کنونی آلمان است اداره میشود. وی که تاکنون بیش از هفتاد کتاب و رساله تحقیقی دربارهٔ زبان وتاریخ و ادبیات ایران تألیف کرده است، شخصاً کار تدریس زبان و ادبیات فارسی را در سه مرحله مقدماتی، متوسط، عالی عهده‌دار است و در عین حال مطالعات تحقیقی مربوط به‌تاریخ و تمدن ایران باستانی و ایران اسلامی را سرپرستی میکند.

دو دانشمند ایرانشناس دیگر این سمینار که تحت‌نظر پروفسور هینتس کار میکنند عبارتند از دکتر گوتفرید هرمان Gottfried Hermann که رشته تخصصی او تاریخ و ادبیات اسلامی ایران است، ودکتر کلاوس شیپمان Klaus Schippmann که در رشتهٔ باستان‌شناسی ایران در دوران پیش از اسلام کار میکند. مطالعات مربوط بدین رشته دربخش خاصی بنام باستانشناسی ایران انجام میگیرد.

سمینار خطوط میخی

Seminar für Keilinschriftforschung.

این سمینار که رشته اختصاصی آن مطالعات سامی است از سال ۱۹۵۹ ببعد به‌دو شعبه «مطالعات عربی و اسلامی» و «مطالعات مربوط به‌خطوط ونوشته های میخی» تقسیم شده است. شعبه اخیر تمام زبانهائیرا که از آنها نوشته‌هائی بخطوط میخی باقیمانده است (زبانهای ایرانی، سومری، اکدی، اوگاری، هیتی، کلدانی وغیره) را شامل میشود.

بخش مطالعات کلدانی سمینار دارای کتابخانه تخصصی ممتازی است.

مطالعات اختصاصی درباره نوشته‌های میخی پارسی در بخش مستقل «سمینار ایران‌شناسی» که قبلا شرح آن داده شد انجام میگیرد. متصدی این مطالعات پروفسور بورگر R. Borger است. کتابخانه سمینار دارای ۳۰۰۰ کتاب است که تقریباً همه آنها بزبانها و

تاریخ و فرهنگ کشورهائیکه بدانها اشاره شد اختصاص دارد .

از طرف سمینار سلسله نشریات مستقلی بصورت مونوگراف بچاپ میرسد .

دانشگاه هامبورگ

Universität Hamburg

سمینار تاریخ و فرهنگ شرق مقدم

Seminar für Geschichte und Kultur des Vorderen Orients.

این مرکز نخستین‌بار در سال ۱۹۰۷ بنام انستیتوی مستعمراتی Kolonial Institut von Hamburg تأسیس شد ، ودر همانموقع توسط پروفسور کارل ـ هاینریش‌بکر K. H. Becker که استاد انستیتوبود سمینار مخصوصی بنام « سمینار تاریخ وفرهنگ شرق » دراین انستیتو ایجاد گردید که بعداً کلمه «شرق» در عنوان آن به « خاور مقدم » تبدیل شد . پروفسور « بکر » بعدها وزیر روابط فرهنگی دولت پروس شد ، واز اولین کارهائیکه درین سمت انجام داد تأسیس یك انستیتوی بزرگ علمی برای مطالعات و تعلیمات شرق‌شناسی بود .

در « سمینار تاریخ و فرهنگ شرق » پروفسور بکر دو دانشیار داشت که یکی از آنها بنام اریك‌گریف E. Graefe در ۳۰ سالگی در جنگ بین‌المللی اول کشته شد ، ولی دیگری‌که هلموت ریتر H. Ritter (متولد در ۱۸۹۲) بود هنوز زنده است و ازخاور ـ

شناسان برجسته معاصر بشمار میرود . وی در سال ۱۹۱۹ که سمینار فوق‌الذکر ضمیمه دانشگـاه جدیدالتـأسیس هامبورگ شد بریاست این سمینار تعیین گردید و تـا سال ۱۹۲۷ در این سمت باقی ماند در آنسال همـکار دیگر او پروفسور آرتـور شاده A. Schaade باتفـاق رودلف اشتروتمان R. Strothmann بجانشینی وی در این سمینار برگزیده شدند ، واین هردو تا آخر جنگ جهانی دوم دراین سمت باقی ماندند . ازآن تاریخ هلموت ریتر در استانبول بسرمیبرد .

در بمبارانهای هوائی جنگ دوم ساختمان ایـن سمینار مخصوصا کتابخانه نفیس آن بکلی ویران شد واز میـان رفت . پس از جنگ این بنا تحت‌نظر پروفسور برتولد اشپولر B. Spuler استاد شرق شناسی کنونی دانشگاه هامبورگ مجددا ساخته شد و کتابخانه تازه‌ای نیز با همت این استاد برای آن فراهم گردید . اشپولر خود از سال ۱۹٤۸ ریاست این سمینار را عهده‌دار است. در ۱۹٦٤ سمینار وسعت زیادتری یافت و به‌سه شعبه مجزا تقسیم گردید کـه یکی از آنهـا شعبه ایران نـام دارد (Abteilung Iranistik) . دو شعبه دیگـر عبارتند از «مطالعات اسلامی وسامی» و «شرق‌باستانی ومصرشناسی» .

استاد شعبه مطالعات ایرانی این سمینار تا سال ۱۹٦۷ پروفسورولفگانگ‌لنتس Wolfgang Lentz یکی از مبرزترین و باسابقه‌ترین ایران شناسان کنونی آلمان بود. پس از بازنشسته شدن این استاد ، کرسی او برای مدت یکسال (۱۹٦۸) به‌پروفسور ریچاردفرای Richard Frye

استاد کرسی فارسی دانشگاه هاروارد امـریکا واگذار شد ، وچون بعداً پروفسور فرای ریـاست « انستیتوی آسیائی » دانشگاه پهلوی شیراز را بجانشینی پروفسور ارتراپهام پـوپ عهـده‌دار شد ، دانشگـاه هـامبورگ تصدی این کرسی را برای سال تحصیلی ۱۹٦۹ ـ۱۹۷۰ و بعداز آن به پروفسور ذبیح‌الله صفا استاد و رئیس سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که قبلا نیز در سال تحصیلی ۱۹٦۲ ـ ۱۹٦۳ بدعوت دانشگاه هامبورگ در آنجا تدریس کرده بود محول کرده است .

قسمت دیگری از مطالعات ایرانشناسی در این سمینار توسط بخش « اسلام‌شناسی و مطالعات اسلامی » که توسط پروفسور برتلد اشپولر Berthold Spuler اداره میشود انجام میگیرد . « اشپولر » که ازدانشمندان خاورشناس درجه اول کنونی دنیای غرب است مطالعات وسیعی در رشته تاریخ اسلامی ایـران دارد و تاکنون چندین کتاب تحقیقی مفصل که‌ازبهترین‌آثار ایران‌شناسی محسوب میشود دربارهٔ تاریخ ایران بخصوص در دوران مغول تألیف ومنتشر کرده‌است . علاوه بر آن درمجموعهٔ پرارزش : « راهنمای خاورشناسی » که در سالهـای ۱۹۵۲ تا ۱۹٦۵ با همکاری عده زیادی از خاورشناسان جهان تحت سرپرستی واداره وی انتشار یافته ، شخصا فصول متعددی درباره تاریخ و مـذاهب ایران نگاشته است [۱] .

در این سمینار ، تاسال ۱۹٦٤ رشته‌ای اختصاصی

(به شرح مربوط به این مجموعه در صفحات ۱۱۷ تا ۱۲۰ مراجعه شود) .

بنام « هنر اسلامی ایران» توسط پروفسور کورت‌اردمان Kurt Erdmann که او نیز از ایران شناسان برجسته بود و در آن سال درگذشت تعلیم داده می‌شد . همچنین مطالعات مربوط به علوم ریاضی و طبیعی وسایر رشته‌های علمی فرهنگ اسلامی ایران توسط پروفسور ریکاردوالتسر Ricard Walzer و دکتر کارل گاربرس Karl Garbers انجام میگرفت .

گروه فعلی ایرانشناسان جوانی که در بخش ایران‌شناسی « سمینار تاریخ و فرهنگ شرق مقدم »کار میکنند عبارتند از :

دکتر گئورگ هینکاGeorg Hincha که رشته تخصصی او مذاهب باستانی ایران است وضمنا در رشته زبان فارسی معاصر کار میکند .

یوهان میراینگورسنJohann Meyer-Ingwersen که رشتهٔ تخصصی او زبان فارسی باستان ، زبان پهلوی ، گویشهای پشتو و کردی است ، ورسالهٔ دکترای خود را دربارهٔ زبان پشتو نوشته است .

دکتر هلموت براونH. Braun که رشته تخصصی او خطوط تاریخی فارسی و تاریخ ایران است و تصدی بخش فارسی کتابخانه هامبورگ را عهده‌دار است . وی با زبان فارسی بخوبی آشنا است و تاکنون چندین اثر مربوط به تاریخ ایران تألیف کرده است .

دکتر عبدالکریم گلشنی همکار ایرانی پروفسور فرای ، که همراه وی در سال ۱۹۶۹ به‌انستیتوی‌آسیائی دانشگاه پهلوی شیراز انتقال یافته است ، درمدت اشتغال

خود در دانشگاه هامبورگ با « مـیراینگورسن » در تحقیقات مربوط به زبانهای و گویشهای ایرانی همکاری داشت .

یکی از دانشجویان شعبه ایرانی اسن سمـینار بنام دکتر گردگروپ Gerd Gropp که اکنون مطالعات خود را در دانشگاه تهران تکمیل میکند رسالهٔ دکترای خویش را دربارهٔ مطالعات اوستائی نوشته است .

کتابخانه «سمینارشرق مقدم» دانشگاه‌هامبورگ، بطوریکه گفته شد بهمت پروفسور « برتلد اشپولـر » ایجاد شده است و اساس آنرا کتابخانه شخصی پروفسور فریتس‌کرنکوو Fritz Krenkow استاد متوفی دانشگاه کمبریج تشکیل میدهد که پس از اطلاع بر انهـدام کتابخانه دانشگاه هامبورگ براثرحملات هوائی کتابخانه بزرگ شخصی خود را کلا بدین مؤسسه اهداء کـرد . وی در سال ۱۹۵۳ درگذشت این کتابخـانه اکنون در حدود ۱۰٫۰۰۰ کتاب دارد .

از زمرهٔ نشریات این سمینار ، مجله معـروف اسلام Der Islam است که از بدو تأسیس سمینار توسط پروفسور « بکر » انتشار یافت واکنون بیش از نیم قرن از عمر آن میگذرد .

دانشگاه هایدلبرگ

Ruprecht - Karl - Universität Heidelberg

Orientalisches Seminar. سمینار خاورشناسی

این سمینار دراواخر قرن گذشته توسط پروفسور کارل بتسولد K. Bezold تأسیس‌شد.رشته‌های مطالعات آن از بدو تأسیس عبارت بوده است از : مطالعات اسلامی، باستان‌شناسی خاور نزدیك و میانــه ، سومــر شناسی ، مطالعات سامی .

تتبعات ایرانشناسی این سمینار درشعبه مطالعات اسلامی Lehrstuhl für Semistik und Islamwissenschaft آن انجام میگیرد، و سرپرستی آنها باپروفسورآنتون‌شال Anton Schall است که شخصا در رشته ایرانشناسی در زبان فارسی میانه (پهلوی) تخصص دارد ، ولی این رشته جزو دروس رسمی دانشگاه نیست .

انستیتوی‌باستان‌شناسی Archäologisches Institut این دانشگاه در حال حاضر مشغول تهیه اثری بنام فهرست مهرهای سنگی ایرانی و یونانی موجود در برلین غربی است که توسط بانو دکتر اریکادیل Erika Diehl دردست تالیف است .

دانشگاه کیل

Christian - Albrechts - Universität Kiel

Orientalisches Seminar. سمینار خاورشناسی

این سمینار بمنظور مطالعات مربوط بزبانها و هنرهای سرزمینهای خاورنزدیك و خاورمیانــه تأسیس

شده است ، ودر آن علاوه برمطالعاتی که دربارهٔ فرهنگ اسلامی صورت میگیرد زبانهای فارسی و عربی وترکی نیز تدریس میشود .

رئیس و استاد فارسی این سمینار پروفسور و . هوینرباخ است که رشته رسمی تدریسی او واژه‌شناسی عربی است . در رشته‌مطالعات اسلامی که توسط این استاد اداره میشود ، قرائت متون فارسی کلاسیك و فارسی امروزی الزامی است ، و داوطلبان درجهٔ دکترا درسایر رشته‌ها نیز میتوانند زبان فارسی رابعنوان درس اختیاری امتحان بدهند . در دورهٔ تحصیلی زمستان ۱۹۶۸ـ۱۹۶۹ زبان فارسی بصورت وسیعتری تدریس گردید .

دستیار پروفسور هوینر باخ در رشتهٔ فارسی تا سال گذشته دکتر گرنوت ویندفور G. Windfuhr بود که دورهٔ تکمیلی تحصیلات خود را در رشتهٔ زبان وادبیات فارسی در دانشگاه تهران گذرانیده و رسالهٔ دکترای خویش را دربارهٔ ساختمان فعل درگویش سنگسری نوشته است . وی اکنون زبان فارسی را در امریکا تدریس میکند و کتابی که باتفاق عظیمی همکار ایرانی خود بنام لغتنامه سنگسری » تألیف کرده در تهران زیرچاپ است .

سمینار زبانشناسی عمومی و زبانشناسی هند و ژرمنی

Seminar für Allgemeine und Indogermanische Sprachwissenschaft

این سمینار نیز وابسته به‌دانشکده فلسفهٔ دانشگاه کیل است ، و وظیفه آن مطالعات زبانشناسی بخصوص

در زبانهای هند و اروپائی و هند وایرانی است . این مطالعات تحت نظر رئیس سمینـار پروفسور ورنر وینتر Werner Winter انجام میگیرد که گذشته از زبانهای باستانی ایرانی ، متخصص زبانهای اسلاو و ارمنـی و تخاری و زبانهای سرخپوستان امریکائی است .

دستیار پروفسور وینتر در رشتهٔ مطالعات ایران شناسی دکتر مایر اینگورسن J. Meyer Ingwersen است که در دانشگاه هامبورگ نیز تدریس میکند . وی در حال حاضر مشغول تألیف کتابی بنام « مسائل و مشکـلات مربوط به تدوین لغتنامهٔ فارسی جدید » است که میبایـد توسط دانشگاه کیل بچاپ برسد .

انستیتوی باستانشناسی Archäologisches Institut.

این انستیتو در سال ۱۸٤۳ تأسیس شده است ، و مطالعات آن بطور کلی درمورد باستانشناسی « کلاسیك » (یونان و رم) انجام میگیرد . در کاوشهای معروف « هاینریش شلیمان » که منجر بکشف بقایای شهر باستانی « ترویا » شد ودر کاوشهای « سرآرترایوانس » در جـزیره کرت این انستیتو سهم مؤثری داشت . باآنکه اساس کـار انستیتو مطالعـات مـربوط به باستانشناسی یـونـانـی و رومـی است ، قسمتـی از کـار علمـی آن نیز به شرق نزدیك ومیانه (مصر ، بین‌النهریـن ، ایران ، کرت) اختصاص دارد . دوره کـامل ایـن مطالعات ۸ تـا ۱۰ « زمستر » است و تحـت عنـوان « فرهنگهای بزرگ عصر باستان » صورت میگیرد .

کتابخانه انستیتو دارای ۱۰۰۰۰ کتاب است که قسمت اعظم آنها آثار تخصصی باستانشناسی است . آرشیو انستیتو نیز دارای مجموعه‌ای از ۱۷۰۰۰ عکس است .

سمینار تاریخ .Historisches Seminar

این مرکز علمی درسال ۱۸۷۲ تأسیس شده‌است و هدف آن در درجه اول تربیت معلم و استاد تاریخ متخصص دوران قرون وسطی و دوران معاصر برای دبیرستانها و دانشگاه‌های آلمان است .

از سال ۱۹٦٤ این سمینار دوره مطالعاتی بنام تاریخ اسلامی Geschichte des Islam ترتیب داده است که با فرهنگ و تاریخ اسلامی ایران ارتباط دارد . استاد این دوره دکتر صبحی لبیب است .

انستیتو دارای کتابخانه‌ای تخصصی با ۳۰۰۰۰ کتاب است و نشریه آن « مطالعات تاریخی کیل » Kieler Historische Studien نام دارد .

دانشگاه کلن

Universität zu Köln

سمینار خاورشناسی .Orientalisches Seminar

این سمینار وابسته بدانشکده فلسفه دانشگاه کلن است ومطالعات علمی آن رشته های مختلف تمدن و فرهنگ شرق نزدیك ومیانه (تاریخ ، زبان ، ادبیات ، فلسفه ، هنر ، تاریخ علوم ، علوم اجتماعی واقتصادی) را شامل میشود . مطالعات سمینار «هندشناسی » دانشگاه

نیز در آن قسمت که مربوط به‌زبانهای هند واروپائی است بااین سمینار ارتباط دارد.

مطالعات مربوط به‌تمدن و فرهنگ ایران دراین سمینار تحت‌نظر پروفسور ورنر کاسکل Werner Caskell باهمکاری دکتر جواد فلاطوری که زمینهٔ تخصصی وی مطالعات اسلامی بخصوص دراصول تشیع است انجام میگیرد.

انستیتوی تاریخ هنر Kunsthistorisches Institut.

این انستیتو در سال ۱۹۲۱ توسط دکتر برینکمن A.E. Brinckmann بمنظور «تتبعات مربوط بتاریخ هنر وتاریخ روابط هنرهای اروپائی وغیر اروپائی» تأسیس شده است و از زمرهٔ برنامه های مطالعاتی آن رشته باستانشناسی شرقی Orientalische Archäologie ورشته‌تاریخ‌هنراسلامی Islamische Kunstgeschichte است که هردو باایران ارتباط دارند.

انستیتو درین زمینه سمینارها ومجالس مناظره و سخنرانیهای مختلف ترتیب میدهد. کتابخانه انستیتو دارای ۲٤۰۰۰ کتاب هنری و درحدود ۲۰۰۰۰ اسلاید و عکس است.

انستیتوی تتبعات باستانی

Institut für Altertumskunde.

این انستیتو در سال ۱۹۲۲ تأسیس شده است و برنامه کارآن در درجه اول مطالعات مربوط به یونان و

روم قدیم است . مطالعات مربوط به تاریخ ایران ومذاهب ایرانی دراین انستیتو فقط در زمینه هائی انجام میگیرد که از نزدیك باتاریخ یونان وروم ارتباط دارند . ایـن مطالعات مربوط به دوره‌های هخامنشی ، سلوکی، اشکانی، ساسانی ومذاهب مهری ومانوی‌است. متصدی این‌مطالعات پروفسور مرکلباخ R. Merkelbach است .

دانشگاه ماینتس

Johannes-Gutenberg-Universität Mainz

سمینار فرهنگ شرقی Seminar für Orientkunde.

این سمینار در سال ۱۹٤٦ پس از تجدید فعالیت دانشگاه ماینتس (که در دوره جنگ جهانی دوم تعطیل شده بود) تأسیس گردید . برنامه کار سمینار مطالعـات مربوط به زبانها وتاریخ و تمدن ملل مختلف آسیائی و افریقائی است .

در سال ۱۹٦٤ سمینار مستقلی بنام «سمینار هنـد شناسی» در دانشگاه ماینتس تأسیس شد که کلیه مطالعات مربوط بهند وجنوب شرقی آسیا را که تاآنوقت قسمتی از وظایف سمینارفرهنگ شرقی بود بعهده گرفت ، وبدین ـ ترتیب این رشته از مطالعات اکنون از برنامه کار سمینار فرهنگ شرقی جدا شده است .

مطالعات این سمینار در رشته فرهنگ و تمدن ایران جنبه های مختلف : تاریخ ، زبان‌شناسی ، فلسفه ، ادبیات قدیم و جدید ایران را شامل میشود . رئیس سمینار

و استاد مطالعات اسلامی آن (که مطالعات ایران شناسی این سمینـار قسمتی از آن است) پـروفسور بنتسینگ S. Benzing است .

سمینار علم زبانشناسی هند و ژرمنی

Seminar für Indogermanische Sprachwissenschaft.

این سمینار پیش از جنگ دوم ایجاد شد ، ولی بصـورت کنونـی خـود از سال ۱۹٤٦ یعنـی پس از تجدید سازمان دانشگاه ماینتس بوجود آمـد . برنامـه سمینار مطالعات مربوط به زبانهای‌هند و اروپائی ، تتبعات در زبانهای قدیم ایرانی و زبان فارسی‌میانه ، ادبیات و تاریخ و مذاهب باستانی ایران است . مطالعات مربوط به ایران کنونی وبطور وسیعتر دنیای فارسی زبان معاصر نیز تا آنجا که با فرهنگ و زبان قدیم ایران ارتبـاط پیدا میکنـد در همین سمینار انجام میگیرد . رئیس این سمینار واستاد مطالعات ایرانی‌آن پروفسورهلموت‌هومباخ Hellmut Humbach است .

جلسات سمینار در ماه های نوامبر تا فوریه و در ژوئیه هرسال بصورت منظم هفتگی‌تشکیل میشود . کتابخانه سمینار دارای ۳۵۰۰ کتاب و نشریه است کـه عمـومـا بموضوعات تخصصی مطالعات سمینار ارتباط دارند .

دانشگاه ماربورگ

Philipps-Universität Marburg

سمینار خاورشناسی Orientalisches Seminar.

مطالعات این سمینار کلیه تمدنها و فرهنگهای آسیائی (خاور نزدیك و میانه ، هند ، خاور دور) را شامل میشود ، و شعبه‌ای ازآن که با مطالعات ایران ـ شناسی ارتباط دارد موسوم است به «سمینار مطالعات سامی و عـربـی » Seminar für Semistik und Arabistik که اخیراً تأسیس شده است .

فعـالیت ایـن سمینار فـرهنگ هـای خاور نزدیك و میانه را در دوران باستانی ودورهٔ جدید شامل میشود و مطالعات مربوط بایران دراین سمینار بیشتر در زمینه فرهنگ و هنر اسلامی ایران و زبان وادبیات فارسی صورت میگیرد. استاداین‌مطالعات پروفسورهاینریش‌اوتن Heinrich Otten است .

دانشگاه مونیخ

Ludwig-Maximilians-Universität München

سمینار هند شناسی و ایرانشناسی

Seminar für Indologie und Iranistik.

این سمینار وارث کرسی «زبانهای شرقی غیر انجیلی» Nichtbiblische orientalische Sprachen

است که در سال ۱۸۴۰ در دانشگاه مونیخ تأسیس شد ، و استاد آن مارکوس یوزف مولر M. Josef Müller خاورشناس معروف بود که در زبان پهلوی تخصص کامل داشت و مقالات تحقیقی متعددی درباره این زبان انتشار داد . در سال ۱۸٦۷ تعلیم واقعی ایران‌شناسی در این دانشگاه با تأسیس کرسی خاصی برای زبان سنسکریت آغاز شد که استاد آن پروفسور مارتین هاوگ M. Haug بود .

در ۱۸۷٦ تصدی این کرسی را ارنست کون E. Kuhn ایران‌شناس برجسته قرن نوزدهم آلمان عهده‌دار شد که با همکاری «ویلهلم گایگر» و «کارل‌فریدریش‌آندرآس» کتاب معروف «اصول واژه‌شناسی ایرانی» را تألیف کرد. (Grundriss des iranischen Philologie)

در ۱۹۲۰ پروفسور ویلهلم گایگر W. Geiger پس از درگذشت ارنست‌کون ، استاد زبانهای فارسی و هندی دانشگاه مونیخ شد و فعالیت اصلی خود را در این رشته مصروف زبانشناسی ایرانی مخصوصا گویشهای زندهٔ ایران کرد . چندین اثرمهم این محقق بخصوص کتاب «فرهنگ Die ostrianische Kultur im Altertum باستانی ایران‌خاوری» (چاپ۱۸۸۲) درهمین دوره‌تألیف شد . دردوران اورتل Ortel جانشین‌گایگرفعالیتهای ایرانشناسی این سمینار کاهش یافت و در سالهای ۱۹۳۵ تا ۱۹٤۸ این فعالیتها تقریباً بکلی متوقف گردید ، ولی از ۱۹٤۸ ببعد تتبعات ایرانشناسی این سمینار در دانشگاه مونیخ با همت پروفسور هلموت هوفمان H. Hoffmann مجدداً رونق زیادی یافته است . این دانشمند برجسته

ایرانشناس تاکنون شخصاً کتب ورسالات متعددی دربارهٔ زبانهای ایرانی تألیف کرده است .

رشته‌ای از مطالعات ایرانی که اختصاصاً در این سمینار مور دتوجه قراردارد ارتباط زبانهای ایرانی بـا زبانهای هندی و تأثیر فرهنگ ایران درآئین وفلسفـه بودائی است .

کتابخانه سمینار دارای شعبه خاص کتب ایران‌شناسی است که بخصوص کتابها ومتون اوستائی وپهلوی آن جالب است .

انستیتوی تاریخ وفرهنگ خاور نزدیك و مطالعات ترك‌شناسی

Institut für Geschichte und Kultur des Nahen Orients sowie für Turkologie.

این انستیتو در سال ۱۹٤۸ تأسیس شده است ، و وظیفه آن تتبع د رتاریخ و فرهنگ خاورنزدیك و زبانها و ادبیات فارسی وعربی وترکی است . در این انستیتـو مطالعات مربوط بفرهنگ وتمدن ایران در رشته هـای تاریخ ، زبان ، ادبیات ، فلسفه وهنر ایران بمقیاس وسیعی انجام میگیرد .

رئیس انستیتو واستاد ایرانشناسی آن پروفسور هانس کیسلینگ است Hans J. Kissling که تخصص اصلی او فرهنگ ترکی است . کتابخانه انستیتو ۱۰،۰۰۰ جلد کتاب دارد که قسمت اعظم آنها مربوط بزبانها وفرهنگ خاورمیانه ونزدیك بخصوص ایران وترکیه است .

سمینار مطالعات سامی و مطالعات فرهنگ باستانی شرق مقدم و مطالعات اسلامی

Seminar für Semitistik, Vorderasiatische Altertumskunde und Islamwissenschaft.

این سمینار وابسته بدانشگاه فلسفه دانشگاه مونیخ است ومطالعات آن‌که دردرجه اول بزبانها و فرهنگهای سامی باستانی اختصاص دارد تحت نظر پروفسور آنتون اشپیتالن Anton Spitalen متخصص زبانشناسی سامی اداره میشود . قسمتی دیگر از فعالیت‌علمی سمینارمطالعات اسلامی آن است که رشته های زبان وتاریخ وادبیات ملل اسلامی منجمله ایران را شامل میشود .

دانشگاه مونستر

Westfälische Wilhelms - Universität Münster

سمینار شرق باستانی .Altorientalisches Seminar

این سمینار در سال ۱۹٦٤ با تجزیه سمینار شرق‌شناسی (Orientalisches Seminar) دانشگاه مونستر به چهار سمینار مستقل : «شرق باستانی» ، «مطالعات اسلامی وعربی» ، «هندشناسی» ، «مصرشناسی» ایجاد گردید .

مطالعات سمینار شرق باستانی در زمینه تمدنهای قدیم خاورمیانه ونزدیك تمدن های بین‌النهرین (سومر ، اکد ، کلده ، آشور ، بابل) ونیز تمدنهای باستانی ایران را شامل میشود .

رشته های درسی و تحقیقی سمینار در این مورد عبارتند از: تاریخ شرق باستانی، تاریخ فرهنگ کهن شرقی، تاریخ مذاهب شرقی ، باستانشناسی خاورنزدیك ، مطالعات سامی ، مطالعات مربوط بایران بیشتر در رشته تاریخ ایران وزبانهای قدیم ایرانی انجام میگیرد . دو دانشمند مبـرز ایرانشناس پروفسور فرانتس آلتهایم Franz Altheim و بانو پروفسور روت اشتیل Ruth Stiehl دراین رشته کار میکنند .

رئیس کنونی سمینار پروفسور ولفرام فرایهرفن‌سودن Wolfram F. von Soden است که متخصص مطالعات «اکدی» و مؤلف فرهنگ معتبری ازلغات این زبان است. مطالعات باستانشناسی سمینار تخت تحت نظر بانو دکتـر روت اپیفیسیوس Ruth Opificius انجام میگیرد کـه تخصص او رشته آشورشناسی است .

کتابخانه سمینارمخصوصاً ازلحاظ آثار وخطوط باستانی منجمله کتب وآثار مربوط به تمدن «اکد» بسیار غنی است وبخش خاصی نیز بنام «بخش باستان شناسی» دارد . این کتابخانه دارای چند نشریه منظم ومونوگراف ـ های مستقل است ، ومجموعه های حاوی متون میخـی کتابخانه نیز بطور مرتب بچاپ میرسد .

سمینار مطالعات اسلامی وعربی

Seminar für Arabistik und Islamwissenschaft.

این سمینار درسال ۱۹٦٤ با تجزیه سمینار شرقی (Orientalisches Seminar) دانشگاه مونستر تأسیس

شد . رشته های درسی وتحقیقی سمینارعبارتند از تاریخ زبانهای سامی وادبیات کلاسیك اسلامی (فارسی ، عربی ترکی) . تتبعات این سمینار در زمینه ایران فقط مربوط به زبان وادبیات دوران اسلامی ایران است .

رئیس کنونی سمینار پروفسور دکتر هانس وهر Hans Wehr است. کتابخانه سمینار دارای مجموعه جالبی از آثار مربوط به زبانهای ملل اسلامی بخصوص کلکسیون نفیسی ازمتون اسلامی است . بخش ایرانی کتابخانه در حدود ۳۵۰ کتاب دارد .

دانشگاه سارلندس

Universität des Saarlandes

انستیتوی خاورشناسی Institut für Orientalistik.

این انستیتودرسال۱۹۶۳ در«ساربروکن» تأسیس شده استومطالعاتآن اختصاص بهفرهنگ وتمدن ممالك خاورنزدیكومیانهدارد. ازطرف انستیتودردورشته تحقیقی «مطالعات اسلامی» و «زبانهای سامی» درجه دکترا داده میشود . رشته اخیر فقط شامل مسائلزبانشناسی است ، ولی در رشته مطالعات اسلامی علاوهبر زبانهای فارسی وعربی و ترکی اصول مذهب وتاریخ وفرهنگ اسلامی نیز تدریس میشود .

انستیتوی تطبیق علمی زبانشناسی هندوژرمنی وهندشناسی وایرانشناسی

Institut für Vergleichende Indogermanische Sprachwissenschaft und Indo-Iranistik

این انستیتو در سال ۱۹۵٤ تأسیس شده ووابسته بدانشکده فلسفه این‌دانشگاه‌است. برنامهٔ‌کار انستیتو تحقیقات علمی تطبیقی در زبان های هند واروپائی منجمله اوستائی ، پهلوی ، فارسی میانه ، ونیز مطالعات هندی ، عربی ، عبری ، سریانی ، قبطی ، حبشی ، سیلانی است .

متصدی مطالعات زبانهای ایرانی دکتر کلاوس اشترونك Klaus Strunk است که متخصص زبانشناسی تطبیقی هند و ژرمنی است .

کتابخانه انستیتو ٦،٥۰۰ کتاب مربوط به زبانهای هند و ژرمنی دارد که از جمله آنها ۵۰۰ کتاب مربوط به ایران باستان مخصوصاً رشته اوستاشناسی است .

دانشگاه توبینگن

Eberhard - Karls - Universität Tübingen

سمینار خاورشناسی Orientalisches Seminar

دانشگاه کهنسال توبینگن از بدو تأسیس خود در سال ۱٤۷۷ دارای کرسی زبانهای‌شرقی (شرق اسلامی) بود . در سال ۱۹۲۲ برمبنای همین کرسی ، « سمینار

خاورشناسی» این دانشگاه تأسیس شد و ازهمان هنگام مطالعات ایران‌شناسی یکی از اصول کار این سمینار قرار گرفت. این مطالعات زبان های ایرانی، اوستاشناسی، اصول زرتشتی، تشیع، تاریخ تطور زبان فارسی وفارسی جدید را شامل میشود.

رئیس کنونی این‌سمینار پروفسور یوهان فان‌اس J. Van Ess است که شخصاً متخصص تاریخ و مذاهب ایرانی است. ایران‌شناس کهنسال معاصر کریستیان رمپیس Christian Rempis نیز که پیش از جنگ جهانی دوم «انجمن عمر خیام» را در توبینگن تأسیس کرد و قریب چهل سال است که درمعرفی ادبیات فارسی درآلمان کار میکند سهم مهمی درمطالعات این سمینار در رشتهٔ زبان اوستائی، فارسی باستانی، فارسی میانه، فارسی کلاسیك و جدید دارد و رشتهٔ تخصصی تتبعات او در این مورد «تاریخ تحول زبان فارسی» است.

سمینار خاورشناسی دانشگاه توبینگن هرسال دو سلسله کنفرانسهای تحقیقی در زمینه های مختلف مربوط به مطالعات خود منجمله درمورد مطالعات ایران شناسی در دوره های شش ماهه زمستانی وتابستانی دانشگاه ترتیب میدهد.

سمینار تاریخ Historisches Seminar.

این سمینار دارای سه بخش: تاریخ باستانی، تاریخ قرون وسطی، تاریخ معاصر است. هریك ازاین سه

بخش از نظر علمی مستقـل هستند و کتاب‌خانه‌ای نیـز مخصوص خود دارند.

مطالعات‌بخش Abteilung für Alte Geschichte (تاریخ باستانی) سمینار بصورت محـدودی با ایـران ارتباط دارد. دراین مطالعات تاکنون بخصوص‌به دودوره ساسانی و سلجوقی توجه شده است.

رئیس این بخش دکتر یوهان زایبرت J. Seibert است.

انستیتوی جغرافیائی Geographisches Institut.

این انستیتو در سال ۱۸۹۷ بمنظـور مطالـعات جغرافیائی تأسیس شده است و دارای سه شعبه مستقل: «امریکای شمالی وجنوبی»، «سرزمینهای مدیترانه‌ای»، «خاور نزدیك و میانه» است که مطالعات شعبه اخیر ایران، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین واردن را شامل میشود. رئیس انستیتوپروفسورهاینریش‌ویلهلمی H. Wilhelmy است. انستیتو دارای کتابخانه‌ای شامل آثار و نشریات جغرافیائی بزبانهای مختلف جهان است ونشریه‌ای بنام «مطالعات جغرافیائی توبینگن» دارد که تاکنون ۲۲ دوره از آن بچاپ رسیده است.

دانشگاه وورتسبورگ

Julius-Maximilians-Universität Würzburg

سمینار خاورشناسی Orientalisches Seminar

این سمینار پیش از جنگ جهانی‌دوم تأسیس شد ، ولی بنای آن در پایان جنگ همراه با خود دانشگاه وورتسبورگ بکلی ویران گردید . در سال ۱۹۴۷ سمینار از نوایجاد شد ونخستین رئیس‌آن دردوره جدید پروفسور تئودورباور Theodor Bauer متخصص‌آشورشناسی‌بود. درسال۱۹۵۸پس ازمرگ وی« پروفسورویلهلم‌آیلرس » Wilhelm Eilersرئیس واستاد کنونی این سمینار که از بهترین آشنایان زبان وادبیات فارسی درآلمان کنونی است جانشین او گردید ، واز اواخر سال ۱۹٦٤ سمینار بهمت او توسعه بسیار یافت ، بطوریکه وی را باید بانی سمینار کنونی خاورشناسی این دانشگاه دانست .

مطالعات سمینار بطورکلی شامل تتبعات مربوط به تمدن ها و فرهنگهای خاورنزدیك و میانه (باستشنای مصر) ، هند اسلامی ، سرزمینهای اسلامی روسیه، افریقای شمالی (مغرب) است .

در رشته ایران شناسی ، این مطالعات زمینه‌های وسیع و متعددی را شامل میشود که مهمترین آنها عبارتند از : زبانهای باستانی ایران (فارسی قدیم و اوستائی ، پهلوی و پازند) ، نوشته های مانوی در تورفان ، خطوط میخی ، ادبیات فارسی کلاسیك و فارسی جدید ، تاریخ ایران اسلامی ، گویشهای مختلف فارسی ، ادبیات عامیانه

(فولکلور) ایران ، تحقیق دررشته‌ها وعلم‌الاشتقاق کلمات و اسامی فارسی .

گروه ایران شناسان جوانی کـه در این سمینار تحت نظر پروفسور آیلرس کار میکنند عبارتند از :

بانو پروفسور دیوالد Diwald دررشته زبانهای باستانی ایران .

دکتر ویلهلم هاینتس Wilhelm Heinz مؤلف کتاب دستنویس‌های فارسی (چاپ ویسبادن، سال ۱۹۴۸) که اکنون مشغول تألیف رساله‌ای بنام تأثیر سبک‌هندی در ادبیات فارسی » است .

دکتر گرنوت‌ویسنر Gernot Wiessner مؤلف کتابهای اسناد مربوط بمسیحیان ایران در دوران شاپور اول (چاپ آکادمی علوم گوتینگن در سال ۱۹۶۷) .

اولریش‌شاپکه Ulrich Schapke که در رشته کلمات فارسی کار میکند و در حال حاضر مشغول تألیف رساله‌ای دربارهٔ اسامی پرندگان ایران است .

رجبعلی هروی متصدی تدریس فارسی سمینار .

پروفسور آیلرس رئیس سمینار واستاد مطالعات ایرانشناسی آن ، مؤلف آثار متعددی دربارهٔ زبان وادبیات ایران‌است که‌مهمترین‌آنها «فرهنگ‌مفصل‌آلمانی‌به‌فارسی» است . جلد اول این‌فرهنگ که بهترین اثر نوع خود در زبان آلمانی است در سال ۱۹۶۷ در ویسبادن انتشار یافته است و بقیه مجلد است آن در زیر چاپ است . کار ارزنده دیگر این استاد ، تنظیم فهرست نسخه‌های خطی فارسی در تمام کتابخانه‌های آلمان است که جلد اول آن در سال

۱۹٦۸ بچاپ رسیده‌است .

در پائیز سال ۱۹٦۸ باتبکار پروفسور آیلرس و باهمکاری پروفسور کورس دانشمند ایرانی‌مقیم‌اشتوتگارت « کانون ایران شناسان آلمانی زبان» در وورتسبوگ تأسیس شد که شرح آن در صفحات بعد داده شده است .

سمینار خاور شناسی وورتسبورگ دارای شعبه‌ای بنام Deutsche Forschungsgemeinschaft «مجمع تحقیقی آلمانی » است که از جملهٔ وظائف آن چـپ متون کتابهای خطی فارسی‌است .

کتابخانه سمینار دارای شعبه‌ای خاص نوشته‌های میخی ، متون اوستائی ، کتیبه‌های هخامنشی و پهلوی ، اسناد مانوی مکشوفه در تورفان ، کتب مربوط به‌گویشهای مختلف ایرانی وآثار نویسندگان و شعرای کلاسیك و جدید ایران است ، وبخشی نیز بنام بخش «مجلات‌شرقی» دارد .

انجمنها و مراکز فرهنگی مستقل

برلین Berlin

انستیتوی باستانشناسی آلمان

Deutsche Archäologisches Institut

این انستیتو در سال ۱۸۲۹ با عنوان ایتالیـائی Instituto di Corrispondenza Archaeologica (انستیتوی‌روابط باستان‌شناسی) توسط‌دانشمند خاورشناس

آلمانی ادوارد گرهارد Edward Gerhard بمنظور تتبعات باستانشناسی مربوط به‌حوزه مدیترانه وخاور نزدیك و میانه در شهر رم تأسیس شد ، ولی در سال ۱۸۷۱ مرکز آن از ایتالیا بآلمان منتقل گردید ونام آن نیز به‌انستیتوی باستانشناسی دولت آلمان
Archäologische Institut des Deutschen Reiches
تغییر یافت . از بعد جنگ جهانی دوم این مرکز بنام «انستیتوی باستانشناسی آلمان» خوانده میشود .

برنامه کار این انستیتو تحقیقات خاورشناسی ، مطالعات اسلامی ، تتبعات باستانشناسی مربوط بخاورمیانه، تحقیق در فرهنگ وباستانشناسی هیتی ویونانی ورومی است . سرپرستی انستیتو همواره باوزیر کشور وقت آلمان است .

انستیتوی باستانشناسی آلمان در شهرهای تهران واستانبول و قاهره و بغداد ، و همچنین در آتن و رم ومادرید شعبه دارد . کتابخانه این‌انستیتو در رم با۷۰،۰۰۰ کتاب‌دررشته باستان شناسی‌یکی‌از بزرگترین کتابخانه‌های نوع خود در تمام جهان‌است . در تهران این انستیتو دارای مرکز فعال و مجهزی است که تاکنون از راه کنفرانسهای علمی ونشریات وهمکاری در تتبعات باستانشناسی ایران اقدامات مؤثری انجام داده‌است .

از طرف انستیتو نشریه‌ای بنام Jahrbuch des Deutschen Archäologischen Instituts «سالنامه انستیتوی باستان‌شناسی آلمان» دربرلین منتشر

میشود . شعبه انستیتو در تهران نیز نشریه‌ای بنام «تتبعات تهران Teheraner Forschungen» دارد .

انجمن جغرافیائی برلین

Gesellschaft für Erdkunde zu Berlin

این انجمن در سال ۱۸۲۸ تأسیس شده است ودر حال حاضر ۱۳۵۰ عضو دارد . هدف انجمن مطالعات جغرافیائی وانتشار آنها بصورت کتب ورسالات و مقالاتی است که در نشریهٔ مخصوص انجمن بنام زمین Die Erde بچاپ میرسد .

قسمتی از کار علمی این انجمن از آغاز باایران ارتباط داشته‌است . درحال حاضر این‌رشته مطالعات بتصدی پروفسور یورگن هویورمان Jürgen Hövermann انجام میگیرد که در عین‌حال رئیس «انستیتوی دوم جغرافیائی دانشگاه آزاد برلین» است. وی از بعداز جنگ جهانی دوم چندین سفر علمی بمنظور مطالعات جغرافیائی در سلسله جبال البرز و سلسله جبال زاگروس انجام داده که نتایج آنها را در سلسلهٔ سخنرانیهائی بنام تحولات اقلیمی مناطق البرز وزاگرس از پایان دوره سوم معرفة‌الارضی و پیدایش برجستگیهای ارضی دراین سرزمینها تشریح کرده‌است . سلسله مقالاتی تحقیقی نیز در این زمینه باعنوان « وضع ساختمانی زمین در سلسلهٔ البرز» در سال ۱۹۶۰ انتشار داده است .

انجمن آلمان وشرق

Deutsche Orient - Gesellschaft

این انجمن درسال ۱۸۹۸ دربرلین تأسیس شده است ودر حال حاضر ۳۰۰ عضو ثابت دارد . از لحاظ علمی این انجمن با همکاری «دانشگاه آزاد برلین» اداره میشود و هدف آن توسعه روابط فرهنگی آلمان با کشورهای شرقی وانجام مطالعات علمی درموردفرهنگها وتمدنهای شرقی بطور کلی، وبخصوص نشر آثار تحقیقی دراین زمینه بصورت مجلات منظم یا مونو گراف هاست .

رئیس کنونی انجمن پروفسور ارنست هاینریش Ernst Heinrich ودبیر کل آن پروفسور اینارفن شولر Einar von Schuler هستند .

انجمن دارای نشریات معتبری بنام «گزارشها» Mitteilungen و «رسالات» Abhandlungen وانتشارات علمی Wissenschaftliche Veröffentichungen است .

انستیتوی بین‌المللی موسیقی شناسی تطبیقی

Internationales Institut der Vergleichenden Musikwissenschaft

این انستیتو بعداز جنگ جهانی دوم بمنظور مطالعات مربوط به موسیقی ملل وسرزمینهای مختلف شرق و غرب توسط عده‌ای از متخصصین برجسته موسیقی در برلین تشکیل شده ، ویکی از وظایف آن ترویج اشکال کلاسیک موسیقی های قدیم غیر اروپائی است. انستیتو در زمینه کار خود سخنرانیها و اجتماعات متعددی ترتیب

میدهد و گاه بگاه آثار تحقیقی وعلمی جالبی درین‌باره منتشر میکند.

در سال ۱۹٦٤ از طرف این‌انستیتو یك‌کنگره موسیقی آسیائی وافریقائی تشکیل شد که موسیقیدانان برجسته‌ای از پنج کشور اروپائی آلمان، فرانسه، امریکا، ایتالیا، یوگوسلاوی و چهار کشور آسیائی ایران، هند، ژاپن، اسرائیل و کشور افریقائی غنا درآن شرکت‌جستند. از لحاظ علمی این انستیتو با سازمان یونسکو همکاری نزدیك دارد.

بن Bonn

انجمن بین‌المللی مطالعات خاورشناسی

Internationale Gesellschaft für Orientforschung

این انجمن‌در سال۱۹٤٦ توسط گروهی ازاستادان خاورشناس کشورهای مختلف جهان‌که در درجه اول متخصص رشته ترك شناسی هستند در شهر بن تشکیل شده و از همانوقت مرکز دومی نیز در شهر استانبول بنام Milletlerarsi Sark Tetkikleri Cemiyeti (جمعیت تدقیقات ملل شرق) ایجادکرده است. وظیفه‌این انجمن مطالعات‌مربوط بفرهنگها وتمدنهای ملل‌خاورمیانه وخاور دور است.

انجمن‌وابسته به «اتحادیه‌بین‌المللی مجامع‌علمی» Union internationale des Sociétés Scientifiques است وکنگره‌های عمومی آن هرشش سال یکبار تشکیل میشود. تعداد اعضای انجمن در حال حاضر ۲۵۰ نفراست.

« انجمن بین‌المللی مطالعات خاورشناسی» دارای نشریه‌ای بنام شرق Oriens است که به چهار زبان آلمانی، انگلیسی ، فرانسه ، ترکی ، در شهر «لایدن» هلند منتشر میشود .

درباره این انجمن و نشریهٔ آن در فصل «مراکز بین‌المللی خاور شناسی » وفصول مربوط به‌ترکیه وهلند توضیح بیشتر داده خواهد شد .

فرانکفورت Frankfurt a. M.

انستیتوی شرقی فرانکفورت

Orient - Institut Frankfurt a. M.

این‌انستیتوکه نام تکمیلی آن «انستیتوی علمی برای مطالعات مربوط به فرهنگ و شرق نو » Wissenschaftliches Institut für die Kultur und Wirtschaft des modernen Orients است یك مرکز علمی مستقل و غیر دانشگاهی است، که بمنظور مطالعه در مسائل فرهنگی واجتماعی واقتصادی کنونی خاور میانه و نزدیك تأسیس شده است و مطالعات مربوط به گذشته در حدود وظائف آن نیست .

ازطرف انستیتو بدین منظور چندین‌بار درهرسال جلسات سخنرانی تشکیل میشود که در آن کارشناسان و دیپلماتها و استادان خاورشناس آلمانی و غیر آلمانی در زمینه تخصصی خود بحث میکنند .

زبان فارسی امروزی نیز بصورت مکالمه‌ای در این انستیتو تدریس میشود . کتابخانه انستیتو در حدود ۱۰،۰۰۰ کتاب دارد که غالباً باشرق ارتباط دارند. بطوریکه انستیتو اطلاع داده ، بزودی نشریهٔ منظمی نیز از طرف این مرکز انتشار خواهد یافت .

رئیس انستیتو دکتر ویلفرید براندس H. Wilfrid Brands که در عین حال مشاور آکادمیك انستیتو است در حال حاضر مشغول تألیف کتابشناسی ترجمه‌های آلمانی آثار ادبیات جدید ایران و سایر کشورهای خاور میانه و نزدیك است .

هامبورگ Hamburg

بنیاد آلمان وشرق Deutsche Orient - Stiftung

این بنیاد از سال ۱۹۶۰ بمنظور «توسعه روابط فرهنگی واجتماعی آلمان وکشورهای خاور میانه وخاور نزدیك مخصوصاً در زمینه هنرها ، علوم و تاریخ معاصر» در هامبورگ تأسیس شده است . «بنیاد آلمان و شرق» جانشین سازمانی است بنام «اتحادیه خاور نزدیك ومیانه Nah - und Mittelost - Verein که درسال ۱۹۵۰ در هامبورگ ایجاد شده بود ، وخود این مؤسسه نیز وارث سازمان دیگری بنام «اتحادیه آلمان و شرق» Deutscher Orient-Verein بود که در سال ۱۹۳٤ در برلین تأسیس شده بود .

بنیاد آلمان و شرق وابسته به‌انستیتوی بزرگتری بنام انستیتوی آلمان وشرق است که هدف آن طبق اساسنامه « مطالعه دائم و تحلیلی در توسعه اقتصادی واجتماعی و فرهنگی کنونی انستیتوی آلمانی ماوراء بحاراست که دامنهٔ مطالعات آن خاور میانه و نزدیك وافریقا و آسیا و امریکای لاتین‌را شامل میشود . »

برنامهٔعملی کار انستیتوی آلمان وشرق عبارتست ازایجاد و توسعه مرکزی برای تمرکز اطلاعات و مدارك مربوط بکشورهای شرقی بخصوص گردآوری آثاری که به زبانهای خود این کشورها (فارسی ، عربی ، ترکی ، اردو ، پشتو وغیره) چاپ میشود ، توزیع آمارها و اطلاعات مربوط به شرق بین سازمانهای علمی واشخاصی که‌بدین رشته علاقمندند ، تدوین و چاپ یك کتابشناسی کامل دربارهٔ شرق معاصر که بچندین زبان شرقی ترجمه و چاپ میشود . بایگانی مربوط باین کتابشناسی شامل دوشعبه اقتصادی وغیر اقتصادی است که هردو درسال ۱۹۵۸ ایجاد شده‌است .

«انستیتوی آلمان و شرق» کتابخانه‌ای شامل تقریباً ۲۰۰۰ کتاب دارد که قسمت کوچکی از آن کتابهای فارسی است . کتابخانه شعبه خاصی برای مجلات شرقی بخصـوص اسناد و مدارك رسمی که توسط دولتهای این کشورها منتشر میشوند تأسیس کرده‌است . از طرف این انستیتو نشریهٔمنظمی بنام‌شرق Orient وسلسلهٔ مونوگراف هائی بصورت کتب مستقل دربارهٔ مسائل مختلف مربوط به آسیا بچاپ میرسد . فهرست کتابشناسی کتابهای شرقی و

غربی مربوط بخاور زمین که توسط این انستیتو در دست تدوین است تاکنون ۱۲،۰۰۰ کتاب را شامل شده‌است که اسامی آن‌ها تدریجا در نشریهٔ ارگان انستیتو (شرق) چاپ میشود .

انجمن آلمانی موسیقی شرق

Deutsche Gesellschaft für Musik des Orients

این انجمن مؤسسه علمی وهنری مستقلی است که بمنظور مطالعات مربوط بموسیقی های شرقی و شناسانیدن بیشتر آنها به مردم آلمان در هامبورگ تأسیس شده است. برنامه انجمن تشکیل کنسرتهای موسیقی شرقی در آلمان‌و کنسرتهای موسیقی آلمانی در کشور های شرق وتشکیل سخنرانیهای علمی برای شرح وتفسیر موسیقیهای مشرق زمین وانتشار کتب ورسالات مختلف درین زمینه‌است .

این مطالعات‌منحصر بموسیقی‌های کلاسیك‌شرقی نیست ، بلکه موسیقیهای محلی و عامیانه را نیز شامل میشود . انجمن باشعبه آلمانی یونسکو همکاری نزدیك دارد و دارای کتابخانه‌ای از آثار مربوط به موسیقی شرقی است .

رئیس انجمن در حال حاضر دکتر هانس‌هیکمن Hans Hickmann است .

کلن Köln

انجمن فرهنگی آلمان و ایران

Deutsche Iranische - Gesellschaft

این انجمن در سال ۱۹۶۱ بجای انجمن دیگری بنام Deutsche Persische- Gesellschaft (که درسال ۱۹۲۹ در برلین تأسیس‌شد وتااوائل جنگ جهانی دوم مشغول کار بود) در «کلن» تشکیل شد، ودر حال‌حاضر عده زیادی از دانشمندان خاور شناس آلمانی وعده دیگر از شخصیتهای سیاسی و مطبوعاتی این کشور عضویت آنرا دارند. این انجمن یك مرکز «علمی» ایران شناسی‌نیست، بلکه فقط یك سازمان روابط فرهنگی است.

اعضای‌مؤسس‌انجمن‌عبارتنداز: پروفسور کارلواشمید C.Schmid، دکترماکس‌آدنائر M. Adenauer، پروفسور کارل هوندهاوزن K. Hundhausen، دکتر والتر وینرت W. Wienert، دکتر برتلد مارتین B. Martin، پروفسور هانس شولتن H. Schulten، پروفسور والتر شوخ هارت W. Schuchhardt، پروفسور هاینریش‌ـ اشتارك H. Stark، پروفسور ولفگانگ‌لافس W. Laves پروفسور والتر اربه W. Erbe، پروفسور کارل ترول K. Troll، ونیز عده‌ای‌از ایران شناسان برجسته‌معاصر آلمان: پروفسور ویلهلم آیلرس W. Eilers (رئیس سمینار خاورشناسی دانشگاه وورتسبورگ)، پروفسور والترهینتس W. Hinz (رئیس سمینارخاور شناسی دانشگاه

گوتینگن) ، پروفسور کریستیان رمپیس Ch. Rempis (استاد ایران شناسی دانشگاه توبینگن) ، پروفسور اواتوشپیس O. Spiess (رئیس سمینار خاور شناسی دانشگاه بن) ، پروفسور برتولد شپولر B. Spuler (رئیس سمینار تاریخ وفرهنگ آسیای مقدم در دانشگاه هامبورگ) ، پروفسور عزیزی رایزن فرهنگی سابق ایران درآلمان واتریش. دوتن ازاعضای مؤسس انجمن، پروفسور یورگ کریمر J. Krämer (رئیس سمینار زبانشناسی، دانشگاه ارلانگن) وپروفسور کورت اردمان K. Erdmann (رئیس بخش اسلامی و ایرانی موزه برلن غربی) در سالهای ۱۹۲۶۱ و ۱۹٦٤ درگذشتند . مدیر عامل انجمن دکتر اشپیگل Dr. Spiegel است که قریب سی‌سال ساکن ایران بوده‌است وبازبان فارسی آشنائی کامل دارد .

ماربورگ Marburg

انجمن خاورشناسی آلمان

Deutsche Morgenländische Gesellschaft

این انجمن در سال ۱۸٤٥ توسط عده‌ای از دانشمندان خاورشناس برجسته آلمانی تأسیس شد . مرکز انجمن پیش از جنگ جهانی دوم «هاله» (درآلمان شرقی) بود واز بعد از جنگ این مرکز به ویسبادن و ماربورگ انتقال یافته است . وظیفه انجمن طبق اساسنامه آن « کمك به شناسائی بیشتر شرق وانجام تتبعات علمی

درباره زبانها و فرهنگها و تاریخ و مذاهب و سایر شئون کشورهای شرقی واقیانوسیه و افریقا » است . انجمن در حال حاضر دارای ٤٠٠ عضو ثابت است و هرسه سال‌یکبار یك کنگره عمومی‌از کلیه خاورشناسان آلمانی ترتیب میدهد . دبیر کل‌انجمن دکترولفگانگ‌فویگتW. Voigt است . انجمن خاور شناسی آلمان که از لحاظ قدمت سومین مرکز نوع خود در اروپا (بعداز انجمنهای آسیـائی اننگلستان وفرانسه) است دارای‌کتابخانه نفیسی‌با ۵۰،۰۰۰ کتابست که کماکان در « هاله » نگاهداری میشود نشریه کتابست که کماکان در « هاله » نگاهداری میشود .

نشریه انجمن «مجله انجمن خاورشناسی آلمان »
Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft
نام دارد که از معتبرترین نشریات خاور شناسی جهانست واز سال ۱۸٤۷ تاکنون منظماً انتشار یافته است .

علاوه براین مجله ، « مونوگـراف » هائی بنام « گزارشهای مربوط به تتبعات شرقی »
Abhandlungen zur Kunde des Morgenlandes
و « کتاب خانـه اسلامی » Bibliotheca Islamica
و « فهـرست نسخه‌هـای خطـی شرقی در آلمـان »
Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland

توسط این انجمن بچاپ میرسد .

اشتوتگارت Stuttgart

انستیتوی آلمانی روابط فرهنگی خارجی

Deutsche Institut für Auslandsbeziehungen

این انستیتو در سال ۱۹۱۷ بمنظور توسعه روابط فرهنگی آلمان با سایر کشورها بنام «انستیتوی آلمان و کشورهای‌خارجی» Deutsche Ausland-Institut درشهر اشتوتگارت تأسیس شد ، وپس از جنگ جهانی دوم بنام کنونی خود موسوم گردید . انستیتوی روابط فرهنگی خارجی آلمان یك مرکز تحقیقی خاورشناسی بمفهوم واقعی نیست ، بلکه یك سازمان فعال روابط فرهنگی‌است. معهذا نشریه این انستیتو از نظر تحقیقات علمی بخصوص از لحاظ معرفی کتب ونشریات خاورشناسی نشریه‌ای غنی است .

ریاست انستیتو در حال حاضر باپروفسور دکتر والتر اربهW. Erbeاست ونشریه‌آن «گزارشهای‌انستیتوی روابط فرهنگی خارجی آلمان»

Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen

نام دارد که بهترین نشریه مخصوص روابط فرهنگی در آلمان کنونی است .

وورتسبورگ Würzburg

کانون ایران شناسان آلمانی زبان

Deutscher Iranistenkreis

این کانون که مرکب از دانشمندان ایران شناس آلمانی زبان (در اتریش وسویس) و وابسته به « انجمن خاورشناسی آلمان » است در ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۸ (٤ مرداد ۱۳٤۷) در شهر وورتسبورگ تأسیس یافت . تشکیل این کانون قسمتی از برنامه کار کنگره خاور شناسان آلمان Deutscher Orientalistentag بود که از ۲۲ تا ۲۶ ژویه بسرپرستی دانشگاه‌وورتسبورگ دراین شهر باشرکت خاورشناسان آلمانی وعده‌ای از خاورشناسان‌کشور ـ های دیگر برگزار گردید . هدف از تشکیل « کانون ایران شناسان آلمانی زبان » تأمین همکاری وهم‌آهنگی نزدیکتری میان ایشان در امر مطالعات وفعالیتهای مربوط به تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و توسعهٔ این مطالعات در دانشگاههای کشورهای آلمانی زبان است . پروفسور ویلهلم آیلرسW. Eilers رئیس کرسی‌ایران شناسی‌دانشگاه وورتسبورگ وپروفسور کورس دانشمند ایرانی مقیم اشتوتگارت دبیران این کانون هستند .

هیئت مؤسس کانون ایران شناسان آلمانی زبان عبارتند از : پروفسور کورس استاد مقیم اشتوتگارت ، پروفسور ویلهلم آیلرس W. Eilers استاد ایران شناسی دانشگاه ووتسبورگ ، پروفسور والتر هینتس W. Hinz

استادایران‌شناسی دانشگاه گوتینگن، پروفسورهانس‌روبرت رویمر H. Römer استاد ایران شناسی دانشگاه فرایبورگ، پروفسور اولاف‌هانسن O. Hansen استاد ایران شناسی دانشگاه آزاد برلین که اخیراً درگذشت، پروفسورهومل Hummel استاد ایران شناسی دانشگاه توبینگن، پروفسور فرانکه Franke استاد دانشگاه مونیخ ورئیس انجمن خاورشناسان آلمان، پروفسورولفگانگ‌لنتس W. Lentz استاد ایران شناسی دانشگاه هامبورگ، پروفسور کارل‌هوفمان K. Hoffmann استادایران‌شناسی دانشگاه ارلانگن، پروفسور کارستن کلپه C. Colpe ایران شناس گوتینگن، پرفسور کریستیان رمپیس Ch. Rempis استادایران‌شناسی دانشگاه‌توبینگن، هلموت‌براون Braun ایران شناس کتابخانهٔ هامبورگ، دکترفویگت Voigt از دانشگاه ماربوگ، دکتر اشتاینر Steiner از دانشگاه ویسبادن، دکتر ویسنر Wiessner از دانشگاه گوتینگن، دکتر کلینگن‌اشمیت Klingenschmitt ازدانشگاه‌ارلانگن، دکتر هاینتس Heinz از دانشگاه و رتسبورگ، دکتر فورسمن Forsmann ازدانشگاه ارلانگن، بانودکترنارتن Narten از دانشگاه ارلانگن، پروفسور فریتس میر F. Meier از دانشگاه بال (سویس)، پروفسور عابدین ایتیل A. Itil استاد ایران‌شناس دانشگاه‌آنکارا (ترکیه)، پروفسور توفل Teufel استاد ایران شناس بروکسل (بلژیک)، بانو کتردودا Duda ایران شناس اتریشی (دختر پروفسور والتر دودا استاد ایران شناس برجسته

اتریش) ، دکتر اشمیت دوموند Schmidt-Dumond عضو انستیتوی باستانشناسی آلمانی در ایران .

مجمع خاورشناسی آلمان

Deutsche Orientalische Tagung

این مجمع که مرکز خاصی ندارد بعداز جنگ جهانی دوم تشکیل شده است و تقریباً همه خاورشناسان آلمان غربی و شرقی در آن عضویت دارند . از خاور-شناسان سایر کشورها نیز غالبا افرادی برای شرکت در جلسات مجمع دعوت میشوند . جلسات عمومی مجمع هر چهار سال یکبار بتناوب در آلمان فدرال و آلمان شرقی تشکیل میشود . نخستین دوره این مجمع در سال ۱۹۵۷ در «هاله» مرکز قدیمی انجمن خاور شناسی آلمان ، دوره دوم آن در سال ۱۹۶۱ در «گوتینگن» ، سومین دوره آن در سال ۱۹۶۵ در هایدلبرگ ودورهٔ چهارم آن در سال ۱۹۶۸ در وورتسبورگ تشکیل گردید . مذاکرات ومطالعات این‌مجمع عموما درباره‌امور خاورشناسی آلمان ومبادله آخرین تحقیقات دانشمندان خاورشناس آلمانی در زمینه های تخصصی آنها وتعیین برنامه فعالیتهای آینده ایشان صورت میگیرد .

مراکز تدریس فارسی

دانشگاه آزاد برلین Freie Universität Berlin

این دانشگاه در سال ۱۹۴۸ بجای دانشگاه سابق برلین که اینك درقسمت‌شرقی این‌شهر قراردارد ، دربرلین غربی تأسیس شده‌است است ودر حال حاضر دارای شش دانشکده ، ۸۲٤ استاد ودر حدود ۱٦،۰۰۰ دانشجواست .

کرسی مربوط به تدریس زبان فارسی وزبانهای باستانی ایران وابسته به سمینار زبان شناسی دانشکدهٔفلسفه این دانشگاه است ، و متصدیان کنونی آن بدین قرارند : زبان فارسی باستانی ومتون فارسی میانه : دکتر گوبرشتGobrecht . زبان‌فارسی امروزی‌درچهار مرحلهٔ ابتدائی ، متوسط و عالی : دکتر سبحانی . ادبیات کلاسیك و ادبیات معاصر ایران : دکتر فلور Flower بعلاوه دراین کرسی در سال جاری تحصیلی دروس تاریخ مذهب ایران از آغاز تا پایان عصر هخامنشی ، وقرائت متن‌های اوستائی ویشتها به‌گرامر زبان اوستائی ، وقرائت

متن های پهلوی باگرامر این زبان توسط پرفسور کلپه Colpe رئیس سمینار زبان شناسی ایرانی ، وقرائت متون حقوقی زبان پهلوی توسط دکتـر گـوبرشتGobrecht تدریس میشود . یك مجلس بحث ومنـاظـره نیز بنام « کلوکیوم »تاریخ مذاهب مرتبا تشکیل میشود که در آن مسائل مربوط به‌تاریخ مذاهب ایرانی مخصوصا منابع مانوی توسط سه استاد دانشگاه برلین : کولپه Colpe ، ماکوخ Macuch وتاوبس Taubes با حضور دانشجویان رشته ایران شناسی مورد بحث قرار میگیرد .

گذشته از سمینار زبان شناسی ایرانی ، درسمینار « تاریخ مذهب » وابسته به دانشکدهٔ فلسفهٔ دانشگاه برلین نیز درس خاصی دربارهٔ تطبیق مذاهب باستانی ویونانی وجود دارد که استاد آن پروفسور کلپه Colpe است .

دروس چند کرسی دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه نیز بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد : باستان شناسی خاور نزدیك (توسط پروفسور ب . هـرودا B. Hrouda) ، واژه شناسی شرقی (توسط پروفسور و. براونW. Braune وپروفسور ا . شولر E. Schuler) .

تاریخ‌باستانی (توسطپروفسور. ورنر R. Werner) ، تاریخ‌هنر (توسطپروفسورا.فن‌سیمسون E. Von Simson) ادبیات عمومی و تطبیقی (توسط پرفسور پ . شوندی P. Szondi) ، مطالعات هند وژرمنی (توسط پروفسور فن کینله R. von Kienle) .

دانشگاه بن

Rheinische Friedrich-Wilhelm - Universität Bonn

این دانشگاه در سال ۱۷۸٦ بجای مدرسهٔ عالی بن تأسیس شد واز سال ۱۸۱۸ بصورت یك دانشگاه رسمی درآمد و در حال حاضر دارای هفت دانشکده و ۷۸٤ استاد و دانشیار ودر حدود ۱۵،۰۰۰ دانشجواست .

دانشگاه بن دارای کرسی خاصی برای دروس ایران‌شناسی و تدریس زبان فارسی نیست ، ولی این‌زبان دربرنامه‌های علوم اسلامی دانشکده فلسفه این دانشگاه تدریس میشود و حدود این تدریس فقط فارسی جدید یعنی فارسی دورهٔ اسلامی ایران است وزبانهای باستانی ایرانی‌را شامل نمیشود ، هدف ازاین تدریس این است که دانشجویان رشته علوم اسلامی بتوانند زبان‌فارسی کلاسیك وجدید را فراگیرند تا ازاین راه امکان قرائت کتب ومدارکی را که در زمینه تمدن وفرهنگ‌اسلامی در ایران و هند و سایر کشورها نوشته شده داشته باشند .

دربین دروس تدریسی تاریخ‌ادبیات فارسی درجه اول اهمیت‌را دارد . در دوسال گذشته بعنوان‌کتب درسی دراین رشته سه‌کتاب تاریخ بیهقی و جهانگشای جوینی و تاریخ رشیدی ودر دوره تابستانی ۱۹٦۹ ظفرنامه تیموری تدریس شد . تدریس شاهنامه و سعدی و حافظ بمنظور آشنائی دانشجویان با ادبیات منظوم فارسی جزو دروس برنامه‌های هرساله این کرسی است . در دوره تابستانی سال جاری چهار مقاله نظامی نیز جزو کتب تدریسی منظور شد .

از سال ۱۹٦۸ متصدی تدریس کلیه رشته‌های فوق دکتر تیلمان ناگل T. Nagel است.

دروس چند کرسی دیگر دانشکده فلسفه این دانشگاه نیز بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد:

مطالعات مربوط به آسیای مرکزی (توسط پروفسور و.هایسیگ W. Heissig)، زبانشناسی تطبیقی (توسط پروفسور ی. کنوبلوخ J. Knobloch) تاریخ باستانی (توسط پروفسور هـ. اشمیت H. Schmitt وپروفسور ی. اشتراوب J. Straub)، تاریخ‌هنر (توسط پروفسور فن آینم H. von Einem).

دانشگاه ارلانگن نورنبرگ

Friedrich-Alexander-Universität zu Erlangen-Nürnberg

این دانشگاه در سال ۱۷۴۳ بنام دانشگاه ارلانگن تأسیس شده واز سال ۱۹٦۱ که مدرسه عالی مطالعات اجتماعی نورنبرگ ضمیمه آن شده دانشگاه «ارلانگن - نورنبرگ» نام گرفته است. در حال حاضر این دانشگاه هفت دانشکده و ۵۰۵ استاد ودانشیار و در حدود ۸،۵۰۰ دانشجو دارد.

در دانشگاه «ارلانگن نورنبرگ» کرسی خاص ایرانشناسی وجود ندارد، ولی تدریس زبان فارسی و زبانهای باستانی ایران بمقیاس وسیعی در «سمینار واژه‌شناسی شرقی» و «سمینار زبانشناسی تطبیقی زبانهای هند

واروپائی » انجام میگیرد .
در Seminar für Orientalische Philologie
(سمینار واژه‌شناسی شرقی) فارسی جدید Neupersisch
توسط اشخاص ذیل تدریس میشود :
پروفسور ولف دیتریش فیشر Wolfdietrich Fischer
که کارتدریس زبان فارسی دراین دانشگاه توسط او بنیانگزاری شده است و شخصاً متخصص زبانهای سامی و مطالعات اسلامی است وظیفه تدریس زبان فارسی را عهده‌دار است .
دکتر میرحمید مدنی ، معلم زبان فارسی جدید متصدی تدریس آثار نویسندگان کلاسیك و معاصر ایران است و در حال حاضر مشغول تألیف لغتنامه زبان فارسی برای آلمانیهااست .
دکتر گونترلولینگ Günter Lüling دانشیار علمی سمینار در رشته مطالعات ایران شناسی‌است ومستقیماً درتدریس فارسی دخالت ندارد ، ولی با دو متصدی فوق‌الذکر همکاری میکنند .
درسمینار زبانشناسی‌تطبیقی زبانهای هند واروپائی
Seminar für Vergleichende indo-germanische Sprachwissenschaft
زبان های باستانی ایران توسط پروفسور کارل هوفمان Karl Hoffmann باهمکاری‌دواستادیاربانودکتر یوهانانارتن Johanna Narten ودکتر گرت کلینگن‌اشمیت Gert Klingenschmitt تدریس‌میشود. پروفسورهوفمان از سال ۱۹۵۵ به‌کارتدریس زبان اوستائی وفارسی باستانی

در دانشگاه ارلانگن اشتغال دارد . این تدریس درکادر تدریس « زبان‌شناسی هند وایرانی » و مقایسه تطبیقی زبانهای هند واروپائی انجام‌میگیرد .

در کرسی تاریخ و هنر دانشکده فلسفه دانشگاه ارلانگن نورنبرگ نیز کلیات مربوط به تاریخ هنر ایران توسط پروفسور ك . اوتینگر K. Ottinger تدریس‌میشود.

دانشگاه فرایبورگ

Albert - Ludwigs - Universität Freiburg in Breisgau.

این دانشگاه کهنسال در سال ۱٤٥۷ توسط آرشیدوك آلبرشت‌ششم شاهزادهٔ اتریشی تأسیس شد واز بدو تأسیس تحت سرپرستی مشترك پاپ اعظم وامپراتور آلمان قرارگرفت. درحال‌حاضر دانشگاه‌فرایبورگ‌دارای پنج دانشکده و ٤۹۳ استاد ودانشیار وبیش از ۱۱،۰۰۰ دانشجو است .

زبان فارسی ودروس مربوط به‌تاریخ وادبیات اسلامی ایران در دانشگدهٔ فلسفه این دانشگاه بوسیلهٔ‌سمینار خاورشناسی تدریس میشود . متصدیان این دروس عبارتند از :

پروفسور هانس روبرت رویمر Hans R. Roemer رئیس سمینار خاورشناسی واستاد کرسی زبان فارسی و تاریخ وادبیات ایران .

داریوش بیات سرمدی متصدی تدریس فارسی امروزی و مکالمات روزمرهٔ فارسی .

دکتر یوزف ماتوس József Matuz متصدی تدریس دوره ابتدائی زبان فارسی .

دکتر هانس مولر Hans Müller متصدی تدریس تاریخ و ادبیات ایران .

دانشجویان زبان فارسی این دانشگاه برای نیل بدرجهٔ دکترای فلسفه میباید مطالعات جامعی درزمینه‌های فارسی کلاسیك ، فارسی جدید ، تاریخ و فرهنگ اسلامی ایران داشته باشند . این مطالعات در برنامه چهار ساله‌ای بصورت مراحل مختلف : دوره‌های مقدماتی و متوسط و عالی زبان فارسی جدید ، قرائت متون فارسی ، ترجمه متون فارسی گنجانیده شده است . رساله دکترای این دانشجویان میبایددر طول دوتا چهار سال درزمینه تاریخ ایران ا زبدو اسلام تا دوران صفویه نوشته شود .

بغیرازکرسی « مطالعات اسلامی » که دروس‌فوق مربوط بدان است ، دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه فرایبورگ بشرح‌ذیل با ایران ارتباط دارد :

زبان شناسی هند واروپائی (توسط ا . شمرنیی O. Szemerényi) ، تاریخ باستانی (توسط پروفسور ه . اشتراسبورگر H. Strasburger) ، تاریخ هنر (توسط پروفسور ك . باوخ K. Bauch وپروفسور و. زاورلویندر (W. Sauerläunder

دانشگاه فرانکفورت

Johann Wolfgang Goethe - Universität Frankfurt a. M.

این دانشگاه در سال ۱۹۱٤ بجای « مدرسهٔ عالی فرانکفورت » بنام « دانشگاه سلطنتی فرانکفورت » تأسیس شد ، ودر سال ۱۹۳۲ بمناسبت برگزاری یادبود یکصدمین سال درگذشت گوته که این شهر زادگاه او بود باسم وی نامگزاری گردید . در حال‌حاضر دانشگاه فرانکفورت دارای پنج دانشکده و ۸٤۰ استاد و دانشیار ودر حدود ۱۱،۰۰۰ دانشجو است .

در دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه زبان وادبیات فارسی و زبانهای باستانی ایران در سمینار خاورشناسی تدریس میشود ، واصولا برای نیل به درجهٔ دکترای فلسفه شرقی دانشگاه شناسائی سه زبان شرقی از میان زبانهای فارسی ، عربی ، ترکی ، عبری وسریانی الزامی شناخته شده است .

استاد تاریخ ادبیات کلاسیك و ادبیات جدید ایران پروفسور رودلف زلهایم Rudolf Sellheim است ، ولی تدریس عملی زبان فارسی توسط رضا بنکدارپور دانشیار ایرانی پروفسور زلهایم انجام میگیرد که رشتهٔ تدریسی او مراحل مقدماتی و پیشرفته تعلیم زبان فارسی وقرائت آثار کلاسیك و جدید ادبیات پارسی و مطبوعات ایران وتمرین‌های کتبی و محاوره‌ای فارسی است .

تدریس زبانهای باستانی ایران توسط پروفسور برنفرید اشلرات Bernfried Schlerath صورت‌میگیرد که رشتهٔ تدریسی اختصاصی او زبان اوستائی است ، ولی دروس وی واژه‌شناسی ایرانی وتاریخ مذهب وفرهنگ ماقبل اسلامی ایران را نیز شامل میشود .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه فرانکفورت بشرح زیر باایران ارتباط دارد :

تاریخ باستانی (توسط پروفسور . ی. بلایکن J. Bleicken ، پروفسورك. کرافت K. Kraft وپروفسور هـ . مولر کارپه H. Müller-Karpe).) .

تاریخ هنر (توسط پروفسور هـ . کلر H. Keller).

واژه‌شناسی هند و ژرمنی (توسط پروفسور ورنر تماس W. Thomas) و پروفسور هرمان لومل H. Lommel).

دانشگاه گوتینگن

Georg - August - Universität Göttingen.

این دانشگاه در سال ۱۷۳۶ توسط جرج دوم پادشاه انگلستان که اصلا از اشراف ایالت هانوورآلمان بود تأسیس شد ، وبهمین مناسبت هنوز باسم او نامیده میشود . دانشگاه گوتینگن نخستین دانشگاه آلمانی است که بصورت یك دانشگاه امروزی ایجاد شده است . در حال حاضر این دانشگاه دارای هشت دانشکده ، ٤٦٠ استاد و دانشیار و ۱۰،۵۰۰ دانشجو است .

دانشگاه گوتینگن ازقدیمی‌ترین مراکز تدریس زبان و ادبیات فارسی در آلمان است ، زیرا تعلیم زبان فارسی درآن درحدود یك قرن پیش (سال ۱۸۷۰) آغاز شده است . استادان زبان فارسی این دانشگاه از بدو تأسیس کرسی فارسی بترتیب عبارت بودند از : پل‌دولاگارد P. de Lagarde ، فریدریش کارل‌آندرآس

F.C. Andreas ، ریشارد هـارتمـن R. Hartmann، هانس هاینریش شدر H.H. Schaeder ـ درحال‌حاضر این کرسی توسط پروفسور والتـر هینتس W. Hinz اداره میشود که یکی از ایران‌شناسان درجه اول کنونی آلمان است .

زبان فارسی در دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه ، تحت نظرسمینار ایران شناسی Seminar für Iranistik در سه مرحلهٔ مقدماتی ، متوسط و عالی تدریس میشود . در تدریس دو مرحله اخیر ، تکـیه اصلی بر ادبیـات منظوم ایران اعـم از شعر کلاسیك و شعر جدید فارسی است .

وظیـفهٔ اساسی تدریس کـلیه ایـن دروس را پروفسور والتر هینتس شخصاً عهده‌دار است ، و دریـن مورد استادیار او دکتر گوتفرید هرمان G. Hermann که همکار علمی پروفسور هینتس و مسئول تـدریس تاریخ و ادبیات اسلامی ایران است با وی همکـاری دارد .

برای زبانهای باستانی ایران ومطالعات اوستائی هنوز برنامه خاصی در این دانشگاه در نظر گرفته نشده است ، و این مطالعات بطور نامنظم و اتفاقی صـورت میگیرد .

دروس چند کرسی دیگر این دانشگاه بشرح ذیل با ایران مربوط است :

باستان‌شناسی ایران (توسط دکتر کلاوس‌شیپمان K. Schippmann) .

تاریخ باستانی (توسط پروفسور آ . هویس A. Heuss) . تاریخ هنر (توسط پروفسور ه . ر.روزمان H. R. Rosemann) . واژه شناسی تـطبیقی (توسط پروفسور و. اشمید W. Schmid) .

دانشگاه هامبورگ Universität Hamburg

این دانشگاه دراصل درسال ۱۸۸۱ تأسیس شد ، ولی فقط ازسال ۱۹۱۹ بصورت فعلی خود درآمد . در زمان جنگ جهانی دوم بنای این دانشگاه بکلی ویران گردید وکتابخانه عالی آن نیز کاملا از میـان رفت . ساختمان کنونی دانشگاه مربوط به بعد از جنگ است و کتابهای آن نیز در بیست ساله اخیر گردآوری شده است . دانشگاه هامبورگ در حال حاضـر دارای شش دانشکده و ۸٦۵ استاد دانشیار و بیش از ۲۰،۰۰۰ دانشجو است .

دروس مربوط به زبان و تاریخ وفرهنگ ایران دراین دانشگاه توسط سمینار شرق مقدم دانشکدهٔ فلسفه تدریس میشود . متصدیان کنونی این دروس‌عبارتند از :

پروفسور ذبیح‌اله صفا : زبان وادبیات فارسی

دکتر گزورگ هینچا G. Hincha : بررسی زبان فارسی معاصر و مذاهب باستانی ایران .

دکتر میراینگورسن J. Meyer - Ingwersen: فارسی باستانی ، ترکیبات اوستائی و پهلوی، زبان کردی .

مطالب قسمتی از دروس بصورت کنفرانسهای تحقیقی توسط استادان ایران‌شناس ایراد میشود که‌سایر دانشجویان نیز حق شرکت در آنها را دارند . در سالهای اخیر در این باره مسائل ذیل مورد بحث وتدریس قرار گرفته است :

فارسی باستانی برای مبتدیان ، تاریخ شناسی ایران ، فردوسی و شاهنامه ، حافظ توسط پروفسوربرتلد اشپولر B. Spuler ـ زبان اوستائی ، تمرینات لهجه‌های ایرانی ، گویش‌های نواحی مرز شرقی ایـران ، زبان سکائی : توسط پروفسور ولفگانگ لنتس W. Lentz (در دو موضوع اخیر ، با همکاری پروفسور برنارد Bernhard ودکتر میراینگورسن Meyer - Ingwersen).
ـ تاریخ ایران در قرن هفدهم ، قـرائت نوشته‌هـای تاریخی فارسی ، توسط دکتر هلموت براون H. Braun
تاریخ ایران در قرن هفدهم ، قرائت نوشته‌های تاریخی تاریخی فارسی ، تـوسط هـلموت بـراون H. Braun
ـ تاریخ اشکال و سبکهای ادبیات ایران در یکصد سالهٔ اخیر ، وضع فرهنگی ایران امروز،تمرینات لهجه‌شناسی در ایران معاصر ، لهجه‌شناسی ایران‌امروز : توسط دکتر ذبیح‌اله صفا (موضوع اخـیر با هـمکاری پروفسور ولفگانگ لنتس) .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه هامبورگ نیز بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد :

مطالعات اسلامی (توسط پروفسور برتلداشپولر B. Spuler).

تاریخ باستانی (توسط پروفسور پ . هرمان P. Herrmann و پروفسور هـ . رودلف H.Rudolph)

زبانشناسی تطبیقی (توسط پروفسور هـ . هارتمان (H. Hartmann

فرهنگ و تاریخ هند (توسط پروفسور ف . برنارد . F. Bernard)

دانشگاه هایدلبرگ

Ruprecht-Karl Universität Heidelberg

این دانشگاه که کهنسالترین دارالعلم آلمان است در سال ۱۳۸۶ توسط روپرشت اول تأسیس شد و در ۱۸۰۳ توسط گراندوك فریدریش فرمانروای ایالت بادن به سازمان کنونی خود درآمد . در حال حاضر دانشگاه هایدلبرگ دارای پنج دانشکده و ۵۵۰ استاد ودانشیار و در حدود ۱۱۵۰۰ دانشجو است .

تدریس زبان فارسی دراین دانشگاه دردانشکده فلسفه توسط سمینار خاورشناسی انجام میگیرد و استادآن پروفسور آنتون شال A. Schall است . این درس علاوه بر دستور زبان فارسی جدید،شامل متون ادبیات کلاسیك و تفسیر آنها نیز هست که براساس سه کتاب شاهنامه ، گلستان وسفرنامه ناصرخسرو صورت میگیرد .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد :

تاریخ باستانی (توسط پروفسور ف . گشنیتسر .(F. Gschnitzer

تاریخ هنر (توسط پروفسور و. پاآتس ـ (W. Paatz).

زبانشناسی تطبیقی (توسط پروفسور آ. شرر (A. Scherer).

دانشگاه کیل Christian-Albrecht-Universität Kiel

این دانشگاه درسال ۱۶۶۵ توسط کریستیان آلبرشت دوك‌ایالت «هولشتاین گوتورپ» بنام مدرسه عالی استان مستقل هولشتاین گوتورپ تأسیس شد و در سال ۱۷۷۳ « دانشگاه ایالتی اشلسویگ هولشتاین » نام گرفت. نام کنونی آن در سال ۱۹٤٥ بدان داده شده است. دانشگاه کیل در حال حاضر دارای پنج دانشکده ویك « آکادمی پزشکی » در بندر لوبك است و ٥٠٥ استاد و دانشیار و درحدود ۷٥۰۰ دانشجو دارد.

این دانشگاه تا پیش از جنگ جهانی دوم دارای کرسی خاص زبان و ادبیات فارسی بود که توسط ایران شناس فقیدآلمانی هانس‌ینسن Hans Jensen اداره میشد. در حال حاضر تدریس زبان فارسی در این دانشگاه در سمینار خاورشناسی دانشکدهٔ فلسفه توسط پروفسور هوینرباخ W. Hoenerbach صورت میگیرد، و برای دانشجویان رشتهٔ مطالعات اسلامی آموختن فارسی جنبهٔ الزامی دارد. تدریس زبانهای باستانی ایران در سمینار « زبانشناسی عمومی و زبانشناسی تطبیقی هند وژرمنی » توسط پروفسور ورنر وینتر W. Winter وپروفسوراریك هوفمن E. Hoffmann انجام میگیرد. استاد اخیر درعین

حال در کلاسهای شبانه‌این دانشگاه زبان فارسی رابصورت خصوصی تدریس میکند .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه کیل نیز بشرح ذیل باایران مربوط است :

تاریخ باستانی (توسط پروفسور هـ . براونرت (H. Braunert).

تاریخ هنر (تـوسط پروفسور هـ . تینتلنوت ـ (H. Tintelnot).

مطالعات هند وژرمنی (توسط‌پروفسورد. شلینگلوف (D. Schlingloff).

همچنین دروس کرسی « تورات و علم مذهبی شرق‌باستانی» (توسط‌پروفسورهـ.اشموکل H. Schmökel) در دانشکدهٔ الهیات ، وکرسی « حقوق شرقی » (توسط پروفسور د . لوبر D. Loeber) در دانشکده حقوق وعلم سیاسی دانشگاه کیل از نظر کلی باایران ارتباط دارد .

دانشگاه کلن Universität zu Köln

این دانشگاه کهنسال تقریبا همزمان با دانشگاه هایدلبرگ یعنـی در سال ۱۳۸۸ تأسیس شده ، ولـی فقط از سال ۱۹۱۹ ببعد بصورت امروزی خود درآمده است . در حال حاضر این دانشگاه پنج دانشکده و۶۶۰ استاد و دانشیار ، و در حدود ۱۹۰۰۰ دانشجو دارد .

تدریس زبان فارسی در دانشکـده فلسفه ایـن دانشگاه در سمینار خاورشناسی صورت میگیرد و متصدی

کنونی آن دکتر عبدالجواد فلاطوری است که فارسی امروزی و تاریخ ادبیات کلاسیك و جدید ایران را تدریس میکند . علاوه براین وی در رشتهٔ تحقیقی خاص خود یعنی فلسفه اسلامی و اصول تشیع سخنرانیهای منظمی برای دانشجویان رشته فارسی ایراد میکند .

استاد واژه شناسی شرقی این سمینار پروفسور ورنر کاسکل Werner Caskel است .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه کلن نیز بشرح ذیل باایران ارتباط دارد :

مطالعات اسلامی (توسط پروفسور ا . گرف ـ E. Gräf).

واژه‌شناسی تطبیقی (توسط پروفسور هـ . زایلر H. Seiler)

تاریخ باستانی (توسط پروفسور ی . فولکمان J. Volkmann و پروفسور ل . ویکرت L. Wickert)

تاریخ هنر (توسط پروفسور هـ . لادندورف ـ H. Ladendorf).

دانشگاه ماینتس

Johannes - Gutenberg - Universität zu Mainz

این دانشگاه در سال ۱۴۷۶ تأسیس شد ودر سال ۱۸۱۶ تعطیل گردید ، ولی پس‌از یکصد و سی سال در ۱۹۴۶ یعنی تقریبا بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم مجدداً بنام دانشگاه « گوتنبرگ » (مخترع چاپ که اهل این شهر بود) گشایش یافت . دانشگاه ماینتس

در حال حاضر شش دانشکده و یك انستیتوی خـاص تربیت مترجم و ۶۵۰ استاد و دانشیار ودرحدود ۱۰۰۰۰ دانشجو دارد .

از بدو تأسیس مجدد این دانشگاه یعنی از سال ۱۹۴۶ زبان و تاریخ و مذاهب ایران در کرسی « زبان شناسی اسلامی و مطالعات اسلامی » دانشکده فلسفه آن تدریس میشود . استاد کنونی این رشته پروفسور یوهانس بنتسینگ J. Benzing است و استاد قبلی آن کـه از متخصصین برجسته فرهنگ اسلامی است و اکنون عنوان استاد افتخاری دارد پروفسور هلموت شل H. Scheel بود . تعلیم فارسی بصورت جزئی از « تعلیمات اسلامی » انجام میگیرد وجنبه یك درس مستقل ندارد .

کلیات زبانهای باستانی ایران درهمین دانشکده در کرسی « زبانشناسی تطبیقی هند و ژرمنی » توسط پروفسور هلموت هومباخ H. Humbach تدریس میشود . این دروس شامل زبانهای فارسی باستانی وفارسی میانه است . در این کرسی تعلیمات مربوط به زبانشناسی هند وایرانی تا درجهٔ دکترا را شامل میشود ، ولی برای زبانهای باستانی ایران بطور مستقل گواهینامه داده نمیشود .

در دورهٔ تابستانی ۱۹۶۹ دورهٔ اختصاصی آموزش فارسی توسط پروفسور هورست Horst (متون سادهٔ فارسی) ودکتر هلگا فنتسلاف Helga Venzlaff دانشیار علمی او (تمرین فارسی) در ایـن دانشگاه ترتیـب داده شد .

دانشگاه ماربورگ

Philipps - Universität Marburg - Lahn

این دانشگاه در سال ۱۵۲۷ توسط « فیلیپ‌فن‌ـ هسن » بصورت دانشگاه دولتی پرتستان ایالت مستقل « هسه » تأسیس شدودر دوران امپراتوری « دانشگاه پروسی ماربورگ » نام گرفت و پس‌از اعلام حکومت جمهوری در آلمان بنام بانی اصلی آن دانشگاه فیلیپ نامیده شد . در حال حاضر دانشگاه ماربورگ پنج دانشکده و ۳۹۳ استاد و دانشیار و ۸۰۰۰ دانشجو دارد .

زبان فارسی در این دانشگاه بصورت مستقل تدریس نمیشود ، و تدریس آن فقط درچهارچوب دروس کرسی واژه‌شناسی شرقی که وابسته به سمینار خاورشناسی دانشکده فلسفه دانشگاه است صورت میگیرد . استاد این کرسی پروفسور هاینریش اوتن H. Otten است .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه بشرح ذیل با ایران مربوط است :

واژه‌شناسی تطبیقی (توسط پروفسور ی . وایس وایلر J. Weisweiler)

تاریخ باستانی (توسط پروفسور ك . کریست K. Christ و پروفسور د . کیناست D. Kienast).

تاریخ هنر (توسط پروفسورك. اوزنر K. Usener).

در دانشکدهٔ الهیات این دانشگاه در کرسی « تاریخ کلیسای شرق » (توسط پروفسور پ . کاوراو P. Kawerau) دربارهٔ تاریخ مسیحیت در ایران مطالعه میشود .

دروس چندکرسی دیگر دانشگاه فلسفه این دانشگاه نیز بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد :

ادبیات تطبیقی (توسط پروفسور ف . هل ـ V. Hell).

تاریخ باستانی (توسط پروفسور هـ . اینستینسکی H. Instinsky)

تاریخ هنر (توسط پروفسور ر . هامان ـ R.Hamann).

دانشگاه مونیخ

Ludwig - Maximilians - Universität München

این دانشگاه که از نظر تعداد دانشجو دانشگاه اول آلمان است ، در سال ۱۴۷۱ توسط « لودویگ » دوك باواریا در « اینگولشتاد » تأسیس شد و در سال ۱۸۲۶ از طرف لودویگ اول پادشاه باواریا دانشگاه رسمی این کشور اعلام گردید . در حال حاضر این دانشگاه ۱۱۵۷ استاد و دانشیار وبیش از ۲۳۰۰۰ دانشجو دارد .

تدریس زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه در دانشکده فلسفه توسط انستیتوی تاریخ و فرهنگ خاورنزدیك صورت میگیرد ، واستاد آن پروفسور هانس یوآخیم کیسلینگ Hans J. Kissling رئیس این انستیتو است که رشتهٔ تخصصی او ترك‌شناسی است و کرسی وی « تاریخ شرق » نام دارد .

تدریس زبان‌های ایرانی (اوستائی و پهلوی)

توسط مرکز خاورشناسی دیگر دانشکده فلسفه‌این دانشگاه (سمینار هندشناسی وایران‌شناسی) صورت میگیرد که استاد آن پروفسورهلموت هوفمان Helmut Hoffman است . رشته تدریسی این استاد « فرهنگ و علم زبان شناسی ایران پیش از اسلام » نام دارد ، واساس این دروس مطالعات اوستاشناسی است .

در سمینار دیگر دانشکده فلسفه دانشگاه مونیخ که سمینار مطالعات سامی واسلامی و فرهنگ باستانی شرق مقدم نام دارد و توسط پروفسور آ. اشپیتالن A. Spitalen اداره میشود ، قسمتی ازدروس به‌فرهنگ اسلامی ایران مربوط است .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد :

تاریخ باستانی (توسط پروفسور هـ . بنگتسون H. Bengtson و پروفسور ز . لاوفر S. Lauffer)

تاریخ هنرقدیم و جدید (توسط پروفسور و . براون‌فلس W. Braunfels).

دروس دو کرسی دانشکده « الهیات کاتولیکی» بنام مبلغین مذهبی (توسط پروفسور ل . برشتر L. Brechter) و تاریخ قدیم کلیسا (توسط پروفسور ا . تسیگلر A. Ziegler) نیز از نظر کلی با ایران مربوط است .

دانشگاه مونستر

Westfälische Wilhelms - Universität Münster

این دانشگاه در سال ۱۷۷۳ تأسیس شد ومدتی نیز « آکادمی سلطنتی الهیات و فلسفه » نام داشت . در حال حاضر دانشگاه مونستر دارای شش دانشکده و ۶۱۶ استاد و دانشیار ودر حدود ۱۸۰۰۰ دانشجو است .

زبان فارسی از سال ۱۹۲۲ در دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه تدریس میشود . استاد این کرسی تا سال ۱۹۶۱ پروفسور فرانتش‌تشنر F. Taechner بود واز آن سال ببعدسرپرستی این درس باپروفسورهانس‌وهر H. Wehr رئیس و استاد خاورشناسی سمینار مطالعات اسلامی این دانشکده است ، که رشته درسی او ادبیات کلاسیك ایران بخصوص آثار خیام و سعدی و حافظ است . زبان‌فارسی جدید وادبیات فارسی توسط خانم دکتر مریم برگر Marjam Berger تدریس میشود .

دروس کرسی‌های دیگری که در دانشکدهٔ فلسفه این دانشگاه باایران ارتباط دارند بدین قراراست :

تاریخ شرق باستانی و واژه شناسی کهن (توسط پروفسور و . فن‌زودن W. von Soden)

تاریخ باستانی (توسط بانو پروفسور روت‌اشتیل R. Stiehl و پروفسور ه . ا . اشتیر H. E. Stier).

تاریخ هنر (توسط پروفسور گ . کاوفمان G. Kaufmann)

واژه‌شناسی عمومی وتطبیقی (توسط پروفسور پ . هارتمان P. Hartmann).

در دانشکدهٔ الهیات کاتولیکی این دانشگاه نیز دروس کرسی « تاریخ کلیساهــای شرق » (تــوسط پروفسور ی. رمرس J. Remmers) با تاریخ دوران ساسانی ارتباط دارد.

دانشگاه سارلندس Universität des Saarlandes

این دانشگاه که از تازه‌ترین دانشگاههای آلمان است در سال ۱۹۴۷ بنام « انستیتوی مطالعات عالیــه سارلندس » تأسیس شد وسال بعداز آن بصورت دانشگاه درآمد. در حال حاضر این دانشگاه چهار دانشکده و ۴۶۲ استاد و دانشیار و در حدود ۷۰۰۰ دانشجو دارد.

در « انستیتوی زبانشناسی هند و ژرمنی و هند شناسی وایران‌شناسی » انشکدهٔ فلسفــهٔ این انشگــاه هم زبانهای ایرانی وهم زبان فارسی امروزی تدریس میشود. استاد زبان فارسی دکتر هلموت گتیه Helmut Gätje است که رشته درسی او « دستور زبان فارسی » و «متون فارسی » است.

زبان فارسی باستانــی و اوستائی توسط دکتــر کلاوس اشترونك Klaus Strunk تدریس‌میشود،وهمکار اودراین رشته دکتر رودیگراشمیت Rüdiger Schmitt است که متصدی تدریس خصوصی زبان‌های ایرانی است، ودر دورهٔ تابستانی ۱۹۶۸ در دورهٔ خاص « زبان فارسی میانه » را تدریس میکرد.

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه

سارلندس نیز بشرح ذیل با ایران مربوط است :

تاریخ باستانی (توسط پروفسور پ . ر . فرانکه (P. R. Franke

تاریخ هنر(توسط پروفسور و. مسرر Messerer)

تاریخ باستانشناسی (توسط پروفسور ف . کیلر (F. Killer).

دانشگاه توبینگن

Eberhard-Karls-Universität Tübingen.

این دانشگاه در سال ۱٤۷۷ تأسیس شد و پاپ سپکتوس ششم آنرا طبق منشوری « دانشگـاه ممتـاز » اعلام کرد . سازمان کنونی این دانشگاه درسال ۱۹۵۷ بوجود آمده است . در حال حاضر دانشگـاه توبنیگـن دارای شش دانشکده و ٦٦۸ استاد ودانشیار ودر حدود ۱۱۵۰۰ دانشجو است .

تدریس دروس مربوط به ایران در دانشکـدهٔ فلسفه این دانشگاه توسط سمینار خـاورشناسی صورت میگیرد . متصدیان این‌دروس در سال جاری عبارتند از:

پروفسور یوهان فان‌اس J. Van Ess رئیس‌سمینار: استاد فارسی جدید ، تاریخ ایران ، آئین شیعه .

کریستیان رمپیس Ch. Rempis استاد اوستائی ، فارسی باستانی ، مطالعات زرتشتی ، فارسی میانه ، فارسی کلاسیك ، تاریخ تطور زبان فارسی .

درحال حاضر این دانشگاه دارای معلم ایرانی

نیست ، ولی در نظر است ازسال تحصیلی ۱۹۷۰ برنامه درسی خاصی توسط یك استاد ایرانی برای تدریس زبان و محاورهٔ فارسی ترتیب داده شود .

دروس چند کرسی دیگر دانشکده فلسفه دانشگاه توبینگن نیز بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد :

مطالعات مربوط به‌شرق باستانی ، توسط پروفسور رولیگ (Röllig

تاریخ باستانی (توسط پروفسور و . هوفمان (W. Hoffmann و پروفسور ك . ف . اشتروکر (K.F. Stroheker).

تاریخ هنر (توسط پروفسور گ . باندمان ـ (G. Bandmann

زبان‌شناسی تطبیقی (توسط پروفسور آ . توفار (A. Tovar

ادبیات تطبیقی (توسط پروفسور ك . وایس (K. Wais

درس کرسی « تاریخ باستانی کلیسا وباستانشناسی مسیحی » دانشکده الهیات کاتولیکی دانشگاه توبینگن نیز که استاد آن پروفسور اشتوك‌میر P. Stockmeier است تاحدودی باایران ارتباط دارد .

دانشگاه وورتسبورگ

Bayerische Julius - Maximilians - Universität Würzburg.

این دانشگاه درسال ۱۵۸۲ توسط « دوك ـ فرانکونیا » دوك باواریا تأسیس شد ودر ۱۸۰۳ بصورت

یك دارالعلم مذهبی درآمد ، و از سال ۱۹٤٥ با سازمان کنونی خود بکار پرداخت . در حال حاضر دانشگاه وورتسبورگ دارای پنج دانشکده و ٤۱۹ استاد ودانشیار و اندکی بیش‌از ۷۰۰۰ دانشجو است .

تدریس زبان فارسی وزبانهای ایرانی ومطالعات ایران‌شناسی در « سمینار خاورشناسی » دانشکده فلسفه این دانشگاه صورت میگیرد . رئیس این سمینار واستاد زبان و ادبیات فارسی و زبانهای ایرانی آن پروفسور ویلهلم آیلرسW. Eilers ومتصدی تدریس زبان فارسی امروزی رجبعلی هروی است . همکاران دیگر پروفسور آیلرس عبارتند از دکتر ویلهلم هاینتس ـ W. Heinz ، گرنوت ویسر G. Wiessner وبانو دیوالد Diwald که مقام استادی دارد . دوره‌های دروس عبارتند از : زبان فارسی باستانی ، اوستاشناسی، زبانهای پهلوی و پازند ، متون پهلوی مانوی از روی اسناد مکشوفه از تورفا ن، تاریخ و ادبیات ایران اسلامی ، گویشهای مختلف ایرانی .

دروس چند کرسی دیگر دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه وورتسبورگ نیز بشرح ذیل باایران ارتباط دارد :

واژه شناسی شرقی (توسط پروفسور ه . شتاینیگر H. Steiniger)

واژه‌شناسی تطبیقی (توسط پروفسور‌ه . کروناسر H. Kronasser) .

تاریخ باستانی (توسط پروفسورد. تیمپه D. Timpe)

همچنین درس کرسی « مسیحیت شرقـی » در دانشکده الهیات این دانشگاه (توسط پـروفسور ه . بیدرمان H. Biedermann) و کرسی دیگر این دانشکده بنام « زبانهای شرقی انجیلی » (توسط پروفسور ی . تسیگلر J. Ziegler) ازنظر کلی باایران مربوط است .

***

بغیراز دانشگاههای نامبرده ، مراکز آموزشی دیگر برای زبان فارسی در آلمان هست که از جمله آنها میباید از قصر لیندیخ Lindich در نزدیکی توبینگن نام برد که در آن یك کانون ایرانی برای دانشجویان توسط پروفسور کارل هومـل Karl Hummel استاد بازنشسته دانشگاه توبینگن تأسیس شده است . در اوت ۱۹٦۸ در این کاخ سمیناری برای این دانشجویان ترتیب یافت که متن سخنرانیهای آن باکمـك مالـی وزارت فرهنگ بچاپ رسید .

در شهر هامبورگ نیز در کلاسهای شبانه کـه توسط دولت آلمان تأسیس شده است زبان فارسی تدریس میشود . معلم فارسی این کلاسها بانو اختر حبیبی است که قبلا مدیره مدرسه نخستین در ایران بوده است .

همچنین در شهر مونیخ از سال ۱۳٤۱ ازطرف مجله فارسی « کاوه » کلاسهای خصوصی برای تدریس زبان فارسی دائر شده است . این کلاسها هفته‌ای پنج‌نوبت در روز ها و ساعات مختلف تشکیل میشود ، و قرائتخانه و کتابخانه‌ای نیز برای استفادهٔ محصلین این دروس و سایر علاقمندان زبان فارسی توسط مجله کاوه ایجاد شده است .

مراکز کُتب و اسناد خطّی فارسی

برلین Berlin

(به شرح مربوط به کتابخانهٔ دانشگاه توبینگن وکتابخانه عمومی ماربورگ و نیـز به‌فصل « آلمـان شرقی » رجوع شود) .

ارلانگن Erlangen

کتابخانه دانشگاه ارلانگن

Universitätsbibliothek Erlangen

این کتابخانه در سال ۱۷۴۳ تأسیس‌شده ودارای ۶۵۰،۰۰۰ کتاب چاپی ، ۵۲۶،۰۰۰ دانشنامـه و ۲۵۰۰ نسخه خطی منجمله مجموعه‌ای از کتب خطی فارسی‌است. ازجمله این کتب میتوان ازنسخه زیبائی از گلستان سعدی، دو جنگ اشعار فارسی ، آلبومی ازخطوط خوش‌فارسی

قرن یازدهم هجری و کتابی بنام « عمودالاسلام » که مؤلف آن معلوم نیست نام برد .

شرح این نسخ در فهرست کتاب‌های خطی این کتابخانه توسط « یوهان کنراد » درسال ۱۸۵۲ بنام « فهرست کتب خطی کتابخانه دانشگاه سلطنتی ارلانگن» در فرانکفورت بچاپ رسیده است :

Johann Conrad: Handschriften - Katalog der Königlichen Universitätsbibliothek zu Erlangen. - Frankfurt am Main und Erlangen, 1852.

علاوه برنسخ خطی فارسی ، این کتابخانه صاحب مجموعه نفیسی از مهرهای ایرانی است که مشخصات آنها تحت شماره ٥٤ فهرست کتابخانه ضبط است .

فهرست دیگری از کتب خطی این کتابخانه توسط « ایرمیشر » درسال ۱۸۵۲ بنام کاتالوگ نسخه‌های خطی عربی و ترکی و فارسی کتابخانه دانشگاه سلطنتی ارلانگن (جلد پنجم ازفهرست کتب خطی این کتابخانه) در فرانکفورت چاپ شده است :

J. C. Irmischer: Handschriften - Katalog der Königlichen Universitätsbibliothek Erlangen. T. 5. : Arabische, türkische und persische Manuscripte — Frankfurt, 1852.

فرانکفورت Frankfurt a. M.

کتابخانه ملی ودانشگاهی فرانکفورت

Sadt-und Universitätsbibliothek Frankfurt a.M.

این کتابخانه در سال ۱۵۲۹ تأسیس شده است و درحدود ۱٫۰۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۱٫۵۰۰ نسخه خطی شرقی وغربی دارد . قسمت کتب چاپی کتابخانه دارای شعبه مخصوص کتب شرقی است که‌شامل مجموعه‌کوچکی از کتب خطی فارسی منجمله چند دیوان و جنگ اشعار است . ازین نسخ فهرست خاصی تهیه نشده‌است .

فرایبورگ Freiburg

کتابخانه دانشگاه فرایبورگ

Universitätsbibliothek Freiburg

این کتابخانه در سال ۱٤۵۷ تأسیس شده و از قدیمی‌ترین کتابخانه‌های آلمانی است ، و در حال حاضر ۱٫۳۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۲٫۲۵۵ نسخه خطی دارد . قسمت کتب چاپی کتابخانه دارای شعبه‌ای بنام « کتب شرقی » است و قسمت نسخ خطی آن نیز دارای شعبه کتب شرقی است که شامل تعداد کمی نسخ خطی فارسی است . ازاین نسخ فهرست خاصی تهیه نشده‌است .

گوتینگن Göttingen

کتابخانه دولتی ودانشگاهی ساکس سفلی

Niedersächsische Staats - und Universitäts-bibliothek

این کتابخانه در سال ۱۷۳۷ تأسیس شده است و دارای ۱٫۸۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۹٫۳۸۴ نسخه خطی منجمله مجموعه‌ای از نسخ خطی فارسی است که از جمله آنها نسخه نفیس ولی ناقصی از شاهنامه‌است. فهرست خاصی از این نسخ خطی تهیه نشده است .

هامبورگ Hamburg

کتابخانه ملی و دانشگاهی هامبورگ

Staats-und Universitätsbibliothek Hamburg

این کتابخانه درسال ۱۴۷۹ تأسیس شد ، ولی در بمبارانهای جنگ دوم جهانی ازمیان رفت وقسمت اعظم از ذخائر کتب چاپی وخطی آن دستخوش آتش شد . کتابهای کنونی کتابخانه پس از جنگ تدریجاً خریداری یا گردآوری شده است .

در حال حاضر این کتابخانه دارای ۱،۰۰۰،۰۰۰ کتاب چاپی و ۱۱،۸۰۰ نسخه خطی و مجموعه‌ای از ۹۵۰ نوشته قدیمی (پاپیروس) است .

مجموعه نسخ خطی فارسی این کتابخانه شامل متجاوز از یکصد نسخه است که مشخصات ۸۷ نسخه از آنها

درکاتالوگ «بروکلمان» بنام «فهرست مخطوطات‌شرقی کتابخانه ملی هامبورگ» در سال ۱۹۰۸ بچاپ رسیده است :

Carl Brockelmann: Katalog der orientalischen Handschriften der Stadtbibliothek zu Hamburg. - Hamburg, 1908.

مشخصات ۱۳ نسخه دیگر فارسی کتابخانه هامبورگ که اهمیت زیادی هم ندارند دراین فهرست چاپ نشده است .

از مهمترین کتب خطی فارسی کتابخانه ملی و دانشگاهی هامبورگ نسخه‌کاملی از شاهنامه بخط نستعلیق با دو مقدمه معروف به «مقدمهٔ قدیم» شاهنامه است .

Hannover هانوور

کتابخانه ایالتی هانوور

Niedersächsische Landesbibliothek Hannover

این کتابخانه‌که قبلا «کتابخانه سلطنتی وایالتی هانوور»
Königliche und Provinzialbibliothek Hannover
نامیده میشد در سال ۱۶۵۰ تأسیس شده و درحال حاضر دارای ۵۰۰،۰۰۰ کتاب چاپی و۴،۲۳۶نسخه خطی منجمله ۱۵ نسخه خطی فارسی است که مهمترین آنها نسخه کاملی از شاهنامه فردوسی است .

فهرست نسخ خطی این کتابخانه که شامل مشخصات نسخه های فارسی آن نیز هست ، در سال ۱۸۶۷ توسط «بودمان» بنام «نسخه های خطی کتابخانه سلطنتی

هانوور» بچاپ رسیده است :
E. Bodemann: Die Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Hannover. - Hannover, 1867.

Heidelberg هایدلبرگ

کتابخانه دانشگاه هایدلبرگ

Universitätbibliothek Heidelberg

این کتابخانه که قدیمی ترین کتابخانه آلمان است درسال ۱۳۹۰ تأسیس شده ، ودارای ۱٫۱۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۵٫۵۹۰ نسخه خطی منجمله ٦٨ نسخه خطی فارسی است که قسمتی از آنها متعلق به کلکسیون خطی شرقی نفیس گوستاف‌ویل Gustav Weil خاورشناس نامی آلمانی است که بعد از مرگ او توسط فرزندانش بدین کتابخانه اهداء شده است . از نسخ فارسی کتابخانه دانشگاه هایدلبرگ فهرست مستقلی بچاپ نرسیده است و فهرست‌آنها را فقط بصورت خطی درخود کتابخانه میتوان یافت .

Karlsruhe کارلسروهه

کتابخانه ایالتی باویر Badisches Landesbibliothek

این کتابخانه در سال ۱۵۰۰ بنام «کتابخانه سلطنتی وایالتی کارلسروهه Hof-und Landesbibliothek Karlsruhe تأسیس شده و در ۱۹۱۹ پس از ترکیب باموزه کارلسروهه بصورت فعلی خود درآمده است . در حال حاضر دارای

۴۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۱۰٫۰۰۰ نسخه خطی است .

کتابخانه باویر دارای مجموعه خوبی از نسخ خطی فارسی است که فهرست آنها درسال ۱۸۹۲ توسط «لنداور» بنام «نسخ خطی کتابخانه سلطنتی و ایالتی کارلسروهه ، دائره کتب خطی شرقی» بچاپ رسیده است :

S. Landauer: Die Handschriften der Hof-und Landesbibliothek in Karlsruhe; Orientalische Handschriften. - Karlsruhe, 1892.

علاوه برمجموعه کتب فارسی ، این کتابخانه صاحب چند نامه‌دان ابریشمی زیبای کار ایران است . دربارهٔ آثار ایرانی موزه کارلسروهه در قسمت مربوط به موزه‌ها جداگانه توضیح داده شده است .

ماربورگ Marburg

کتابخانه عمومی ماربورگ

Staatsbibliothek Preussischer Kulturbesitz

این کتابخانه در ۱۹٤٦ بنام کتابخانه آلمان غربی Westdeutsche Bibliothek تأسیس شده و در حال حاضر دارای ۲٫۲۰۰٫۰۰۰ جلد کتاب چاپی و ۳۵٫۲۳۷ نسخه خطی منجمله ٤٫٤۷۷ کتاب خطی شرقیست که در حدود یکصد جلد از آنها نسخ فارسی است . قسمتی از نسخ خطی فارسی نیز که قبلا متعلق به «کتابخانه سلطنتی برلین» بوده اکنون در اختیار این کتابخانه است .

فهرستی ازنسخ خطی‌شرقی این کتابخانه (منجمله کتب فارسی آن) در فهرست کلی نسخ خطی شرقی در

آلمان که با همکاری انجمن خاورشناسی آلمان تنظیم شده در سال ۱۹۶۳ در ویسبادن با عنوان ذیل بچاپ رسیده است :
Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland— im Einvernehmen mit der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft — Wiesbaden, 1963.

مونیخ München

کتابخانه ملی مونیخ

Beyerische Staatliche Bibliotheken

این کتابخانه درسال ۱۵۵۸ تأسیس شده است و بیش از ۲٫۵۰۰٫۰۰۰ جلدکتاب چاپی ودرحدود ۵۰٫۰۰۰ نسخه خطی دارد . مجموعه کتب خطی فارسی این کتابخانه شامل ۳۱۰ نسخه است که قدیمی‌ترین آنها نسخه‌ای است از مثنوی مولانا جلال‌الدین که در سال ۷۰۶ هجری در شهر دمشق بخط نسخ توسط «موسی‌بن یحیی‌بن حمزه» نوشته شده ، و نسخه دیگری از مثنوی مولانا که در سال ۷۴۴ هجری بخط نسخ توسط «محمدبن‌الحاج» دولتشاه‌بن یوسف الشیرازی» تحریر شده است .

مهمترین نسخه های خطی فارسی دیگر این کتابخانه عبارتند از :

شاهنامه‌ای از قرن نهم هجری با ۲۱۵ مینیاتور، خمسه نظامی (کتابت قرن نهم هجری) بخط نستعلیق با ۱۸ مینیاتور ، دیوان حسن دهلوی (کتابت‌شیرازسال۹۴۱

هجری) ، خمسه جامی بخط محمدبن حسین‌الکاتبی (کتابت در سال ۹٤٦ هجری) ، تفسیری بر کتاب‌الحاوی رازی توسط محمدبن مسعودبن‌المظفر (کتابت دمشق سال ٦٧٨ هجری) ، مطلع‌السعدین کمال‌الدین عبدالرزاق‌ابن جلال‌الدین اسحق سمرقندی (کتابت قرن نهم هجری) ، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (کتابت قرن‌هشتم هجری) ، دیوان حافظ (کتابت قرن نهم هجری) ، ترجمه فارسی ارداویراف‌نامه «آرتای ویرافنامك» (کتابت اواسط قرن دهم هجری) ، نسخه های مختلف از شاهنامه فردوسی ، پندنامه عطار ، گلشن راز شبستری ، دیوان کمال خجندی ، تذکره سام میرزا و غیره . فهرست نسخ خطی فارسی این کتابخانه درسال ۱۸٦٦ توسط یوزف آومر بنام «نسخه های خطی فارسی کتابخانه سلطنتی و دولتی مونیخ » بچاپ رسیده است :

Joseph Aumer: Die Persischen Handschriften der Königlichen Hof - und Staatsbibliothek in München. — München, 1866

این فهرست قسمتی از کاتالوك کلی کتب خطی کتابخانه سلطنتی مونیخ است که باعنوان لاتینی
Catalogus codicum Manuscriptorum Bibliothecae Regiae Monacensis

چاپ شده است .

فهرست دیگری از کتب خطی فارسی کتابخانه مونیخ درسال ۱۸۱٤ توسط «اوتمارفرانك» تحت عنوان

«درباره نسخ خطی شرقی کتابخانه سلطنتی و مرکـزی مونیخ» .

Othmar Frank: Ueber die Morgenländischen Handschriften der Königlichen Hof - und Zentral-bibliothek in München. - München, 1814

انتشار یافته است که قدیمی‌ترین فهرست چاپی کتب خطی فارسی درآلمان است .

فهرستی نیز از نسخ خطی اوستائی این کتابخانه در سال ۱۹۱۵ توسط کریستیان‌بارتولومه بنام «نوشته های زند کتابخانه سلطنتی و دولتی مونیخ»

Christian Bartholomae: Die Zendhandschriften der Königlichen Hof - und Staatsbibliothek in München - München, 1915.

در مونیخ بچاپ رسیده است . این فهرست قسمتی دیگـر از کاتالوك کلی کتابهای خطی کتابخانه سلطنتی باویـر است که در بالا بدان اشاره شد .

در فهرست دیگری بنام «کاتـولوك نمایشگاه کتابهای خطی مربوط به فرهنگ اسلامی در تالار سلطنتی کتابخانه مونیخ» (چاپ مونیخ ، سال ۱۹۱۰) :

Katalog der Ausstellung von Handschriften aus dem islamischen Kulturkreis im Fürstensaal der Königlichen Hof - und Staatsbibliothek München. — München, 1910.

مشخصات کتب خطی فارسی کتابخانه مونیخ نقل شده است.

اشتوتگارت Stuttgart

کتابخانه ایالتی وورتمبرگ

Würtembergische Landesbibliothek

این کتابخانه در سال ۱۷۶۵ تأسیس شده است و دارای ۱٫۰۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و بیش از ۱۱٫۰۰۰ نسخه خطی منجمله مجموعه کوچکی از نسخ خطی فارسی است که مشخصات آنها در فهرست کلی کتب خطی این کتابخانه توسط «آوتن‌ریت» درسال ۱۹۶۳ تحت عنوان «نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی سابق اشتوتگارت»

J. Autenrieth: Die Handschriften der ehemaligen Hofbibliothek Stuttgart, 1963

بچاپ رسیده است .

توبینگن Tübingen

کتابخانه دانشگاه توبینگن

Universitätsbibliothek Tübingen

این کتابخانه در نیمه دوم قرن پانزدهم تأسیس شده است و دارای ۸۵۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۴٫۴۵۵ نسخه خطی است . مجموعه نسخ خطی فارسی این کتابخانه به دو قسمت تقسیم میشود که یك قسمت متعلق بخود کتابخانه است ، و قسمت دیگر کتبی است که از طرف کتابخانه برلین Deutsche Staatsbibliothek Berlin در زمان جنگ دوم جهانی برسم امانت بدین کتابخانه سپرده شده ، ولی چون کتابخانه دولتی برلین اکنون در برلین شرقی قراردارد

کتابخانه دانشگاه توبینگن تـا کنون از استرداد آنـها خودداری کرده است.

مجموعهٔ نسخ خطی فارسی متعلق بخود دانشگاه توبینگن شامل ۵۷ نسخه است که مشخصات قسمتی از آنها در فهرست «هاینریش اوالد» بنام «فهرست نسخ خطـی شرقی کتابخانه دانشگاه توبینگن» در سال ۱۸۳۹ چاپ شده است:

G. Heinrich A. Ewald: Verzeichnis der orientalischen Handschriften der Universitätsbibliothek zu Tübingen. — Tübingen, 1839

مجموعه نسخ خطی فارسی امانتـی کتابخانـه دولتی برلین که از بزرگترین ذخایر کتب خطی فارسی در اروپا است، شامل ۱٫۸۰۰ نسخه است که تعداد زیادی از نسخ بسیار نفیس شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، مثنوی مولانا جلال‌الدین، دیوان حافظ، یوسف وزلیخای جامی، دیوانهای سلمان ساوجی، انوری، باباطاهر، عطار، سعدی، ابن‌یمین، شمس مغربی، خواجو، عرفی، شوکت، شاهی، قاسم‌انوار، باباافضل کاشانی، ظهیر فاریابی، سنائی، صائب، بیدل، نسیمی، نشاط و نیز نخستین ترجمه شاهنامه (ترجمه عربی البنداری که در سال ۶۷۵ هجری کتابت شده)، همچنین شاهنامه شمشیرخانی، تنکسوق نامـه ایلخانی، ظفرنامه تیموری، فرهنگ پهلوی بازیرنویس فارسی، متون متعدد پازند و پهلوی، کتب فراوان از نقشبندیه و شیخیه ورساله شیخ بهاءالدین محمد نقشبند از جمله آنهاست. فهرست برخی از این نسخه هـا تـوسط «سعیدالدین نجم‌آبادی» تحت عنوان «نسخه های خطی

فارسی کتابخانه سلطنتی سابق برلین» در شماره چهارم سال هفتم مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (سال ۱۳۳۹) بچاپ رسیده است .

فهرست کامل این نسخ در کاتالوك «ویلهلم پرچ» که یکی از بهترین فهرستهای نسخ خطی فارسی در تمام جهانست ، در سال ۱۸۸۸ تحت عنوان «فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه سلطنتی برلین»

Wilhelm Pertsch: Verzeichnis der persischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin. — Berlin, 1888

در ۱٫۲۹۹ صفحه چاپ شده است . این فهرست شامل مشخصات ۱٫۰۹۸ نسخه فارسی این کتابخانه است . ۳۱۹ نسخه خطی فارسی دیگر بعد از انتشار این فهرست بدین مجموعه اضافه شده است که مشخصات آنها در فهرست «پرچ» نقل نشده است . همهٔ این نسخ اکنون در اختیار کتابخانه توبینگن قراردارد .

علاوه براین دو مجموعهٔ نسخه های فارسی ، مجموعه نفیسی از مینیاتورهای ایرانی نیز در کتابخانه توبینگن نگاهداری میشود که فهرستی ازآنها در سال ۱۹۵٦ توسط پروفسور یورگ کریمر تحت عنوان «مینیاتورهای ایرانی کتابخانه دانشگاه توبینگن» بچاپ رسیده است :

Jorg Krämer: Persische Miniaturen der Universitätsbibliothek Tübingen. — 1956

وورتسبورگ Würzburg

کتابخانه دانشگاه وورتسبورگ

Universitätsbibliothek Würzburg

این کتابخانه در سال ۱٦۱۹ تأسیس شده است و دارای بیش از ۳۰۰،۰۰۰ کتاب چاپی و ۱،۸۸۲ نسخه خطی است. نسخه های خطی فارسی این کتابخانه قسمتی از مجموعه‌ای را تشکیل میدهد که تحت عنوان کلی مخطوطات عربی Manuscripta arabica نگاهداری میشود. از جملهٔ این نسخ دیوان قاسم انوار وچندین جنگ شامل اشعار ابوسعید ابوالخیر، اوحدی، خلیل‌بن میرانشاه بسطامی، جامی، نسیمی، جنید، سلمان ساوجی، حسن دهلوی، امیر خسرو، همام تبریزی، خواجو، داعی، سابقی، ناصر بخاری، سودائی، شاهی، عصمت، کمال خجندی، عماد، محمد مغربی، و غیره است.

مشخصات این نسخه ها در کاتالوك کلی کتابهای خطی فارسی آلمان توسط ویلهلم پرچWilhelm Pertsch بچاپ رسیده است.

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

برلین Berlin

موزه های دولتی موقوفهٔ اموال فرهنگی پروس

Staatliche Museen der Stiftung Preussischer Kulturbesitz

این موزه (یا مجموعه موزه‌ها) درسال ۱۹۵۷ بجای «موزهٔ دولتی» معروف برلین که براثر تقسیم این شهربدو قسمت در منطقهٔ شرقی برلین قرارگرفته بود در برلین غربی تأسیس شد، و تقریباً کلیه شعبه‌هائی که در موزهٔ اصلی وجود داشت در آن ایجاد گردید. این موزه اکنون مهمترین موزهٔ آلمان فدرال است و تعداد اشیاء تاریخی و هنری ومردم شناسی آن از چند صد هزار تجاوز میکند.

« موزه های دولتی موقوفه اموال فرهنگی پروس » که بطور ساده « موزه دولتی سابق برلین » Ehemals Staatliche Museen zu Berlin خوانده میشود، دارای ۱۵ شعبه مختلف ویك کتابخانه‌است، وآثار

ایرانی بخصوص در دو شعبه آن بنام موزهٔ هنرهای دستی
Kunstgewerbemuseum و IslamischeAbteilung
(بخش اسلامی) نگاهداری میشود . چند شعبه دیگر این
موزه، مخصوصاً «موزهٔ مردم‌شناسی» نیزدارای کلکسیون‌-
های متعددی از آثار ایرانی است .

«بخش اسلامی» موزه که در آن آثار هنری
اسلامی متعلق به سرزمین های وسیعی از هندوستان تـا
اسپانیا مربوط به حدود پانزده قرن از اواخر دورهٔ ماقبل
اسلام (قرن چهارم میلادی) تـا پایان قـرن هیجدهـم
نگاهداری میشود ، دارای گنجینه هائی از آثار تاریخی
و هنری ایران است که مشتملند بر : آثار مکشوفه در
کاوشهای تیسفون ، آثار حجاری و گچکاری ساسانی و
سلجوقی ، نقاشی های برجسته دیواری ، مهر های دورهٔ
ساسانی ، جواهرات زرین اواخر ساسانی ، ظروف سیمین
ساسانی با نقوش صحنه های شکار ، مجسمه های مفرغی
از دورهٔ اشکانی ، عطر پاشهای ساسانی ، سلاحهای آهنین ،
سرامیك‌های سفالین ایران وآسیای صغیر و بین‌النهرین ،
محراب لعابی مسجد کاشان ، ظروف لعابی از دوره های
اشکانی وساسانی ، ظروف مینای کار کاشان و نیشابور و
مراغه و ری و سلطان‌آباد و سمرقـند و دمشق ، ظـروف
بلورین ماقبل اسلامی ایرانی ، پارچه های طراز از قرن
چهارم هجری ، پارچه های زری وابریشمی ، فرش های
ایران و ترکیه و مصر ازقرون شانزدهم و هفدهم .

تعداد این آثار ، دقیقاً عبارتست از :

۴۰ظرف فلزی (ظروف‌منقش، شمعدان ، پیه‌سوز،

عطردان ، آئینه ، سبو ، مجسمه) ، ۸ قطعه آثار زرین و سیمین (ظروف ، گوشواره ، آبخوری) ، قطعه آثار آهنی (کلاه خود ، زره ، عصای درویشی) ، ۱۶ قطعه سرامیك (ظرف ، سبو، کاشی ، روغندان) ، ۱٤قطعه چینی (مجسمه، سبو ، بشقاب ، نوشت‌افزار) ، ۱۸ قطعه آثار سفالی از سلطان‌آباد ، ۱۲ سرامیك معروف به «گبری» ، ۲ سرامیك نیشابوری ، ۸ بدل چینی ، ٥ ظرف شیشه‌ای وبلوری ، ۲ قطعه شبه مرمر ، یك قطعه مینا ، ۱۲ قطعه از آثار هنری دوره ساسانی .

علاوه‌بر این آثار هنری ، چندین اثر خطی و مینیاتور ایرانی نیز درین موزه هست که بهترین آنها «جنگ بای سنغری» است که در «کارگاه ابراهیم» در شیراز در اوائل قرن نهم هجری نقاشی شده است .

شرح جامعی درباره آثار هنر اسلامی موزه در سال ۱۹٥٤ در نشریه‌ای از طرف خود موزه بنام «هنر اسلامی درموزه برلین» بچاپ رسیده است :

Islamische Kunst aus den Berliner Museen. — Berlin, 1954.

فهرستی از آثار مکشوفه توسط هیئت اعزامی باستانشناسی آلمانی به تیسفون درسالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ در سال ۱۹۲۹ توسط اسکار رویترفن نیدرمایر بنام «کاوشهای هیئت اعزامی آلمانی به تیسفون د رزمستان ۱۹۲۸-۱۹۲۹» از طرف شعبه هنر اسلامی این موزه بچاپ رسیده است :

O. R. von Niedermayer: Die Ausgrabungen der Deutschen Ktesiphon - Expedition im Winter 1928-29. — Berlin, 1929.

فهرست دیگری از آثار مکشوفه همین هیئت در ایران و افغانستان که دراین موزه نگاهداری میشود در سال ۱۹۳۶ توسط اسکار فن‌نیدرمایر نامبرده درهامبورگ منتشر شده است :

O. R. von Nidermayer: Im Weltkrieg vor Indiens Toren. Der Wüstenzug der deutschen Expedition nach Persien und Afghanistan. — Hamburg, 1936

موزه صنایع دستی Kunstgewerbemuseum

این شعبه از «موزه های دولتی موقوفه اموال فرهنگی پروس» دارای کلکسیونهای متعددی از انواع آثار هنرهای دستی سراسر جهان (ظروف فلزی وشیشه‌ای و بلورین ــ کارهای زرگری وجواهرکاری ــ مبل و اثاثه ــ منسوجات ــ سرامیك ــ چینی و غیره) از دوران باستانی تا بامروز است که از سرزمینهای مختلف گردآوری شده است . قسمت آثار ایرانی این موزه شامل مجموعهٔ نفیسی از ظروف قلمزده فلزی ایرانی کار قرون نهم تا دوازدهم هجری و مجموعه‌ای از کاشیهای ایرانی کار قرون هفتم تا دوازدهم هجری و پارچه های دستدوزی و زربفت ایران از عصر صفوی است . عالیترین اثر هنری ایرانی موزه یك قالی موسوم به «شاه عباسی» است که شهرت جهانی دارد . این قالی که ۵٫۴۰ متر طول و ۲٫۳۰ متر عرض دارد در اواخر قرن دهم هجری درجوشقان یا اصفهان بافته شده و از نظر تنوع فوق‌العاده رنگهائی که درآن بکار رفته (در حدود پنجاه رنگ مختلف) درتمام

جهان بی‌نظیر است . همچنین قطعه‌ای از پارچه متعلق بـه کلیسای «سنت اورسولا» در شهر کلن دراین موزه است که از بهترین نمونه های پارچه های طرح ساسانی است . مشخصات مجموعه‌ای از جلد های نفیس کتاب با نقشی ـ های کار استادان ایرانی که در این موزه نگاهداری میشود در سال ۱۹۱۰ تـوسط خـود مـوزه در فـهرستـی بنام
Königliche Museen Berlin: Kunstgewerbe - Museum. Katalog der Soenderausstellung orientalische Buchkunst. — Berlin, 1910

بچاپ رسیده است .

فهرست دیگری ازین آثار درسال ۱۹۵۳ توسط خود موزه باعنوان :
Kunstgewerbe der Antike und des Mittelalters—Kunstgewesbemuseum. Berlin, 1953

بچاپ رسیده است .

برمن Bremen

موزه ماوراء بحار Uebersee-Museum

این موزه در سال ۱۸۹۶ تأسیس شده و قسمت اعظم اشیاء آن آثار هنری وعامیانه مختلفی است که از سرزمینهای غیر آلمانی گردآوری شده است ، و آثار هنرهای دستی ، ظروف ، ابزارکار ، سرامیکها ، مجسمه‌ها، پارچه ، فرش ، لباس وغیره و نیز آثار حیوان شناسی مناطق مختلف جهان را شامل میشود . آثار ایرانی این موزه شامل نمونه های متعددی از پارچه های دست‌باف ،

کارهای فخاری و ظروف نواحی مختلف ایران است .

دوسلدرف Düsseldorf

موزهٔ هنر Kunstmuseum

این موزه درسال ۱۹۱۳ تأسیس شده است ، و مخصوصاً مجموعهٔ نفیس آثار نقاشی ومجسمه سازی و هنرهای دستی اروپائی آن که درقسمت اصلی موزه بنام «موزهٔ بلدی هنر دوسلدرف» نگاهداری میشود مشهور است .

قسمت ظروف وسرامیك این موزه که ازلحاظ تعداد آثار واهمیت هنری بسیار غنی است و شمارهٔ اشیاء آن به ۸،۰۰۰ بالغ میشود ، دربخش مجزائی بنام موزهٔ هتینس Hetjens - Museum نگاهداری میشود که مشتمل برآثار سرامیك اروپائی وشرقی است. اززمره اشیاء قسمت اخیر ، مجموعهٔ نفیسی از ظروف لعابی منقش ومیناهای بلوری ایرانی است که نمونه هائی ازآنها درسال ۱۹۶۲ در نمایشگاه هفت هزار سال هنر درایران درشهر اسن بنمایش گذاشته شد .

موزه گوته Goethemuseum

این موزه درسال۱۹۵۳ بیادگار گوته دردوسلدرف تأسیس شده ، وتمام اشیائی که درآن وجود دارد (وتعداد آنها به ۳۰،۰۰۰ بالغ میشود) مربوط به زندگانی شخصی و ادبی گوته وعصر اواست . چند اثر مربوط به ایران در

این موزه (که درنمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در شهر اسن بنمایش گذاشته شد) شامل نوشته‌هائی از گوته به خط و زبان فارسی است که یادگار سالهائی است که او بخاطر ارادت به حافظ درصدد آموختن این زبان برآمده بود. همچنین نقاشی مذهب زیبائی که گوته آنرا صفحه اول نسخه خطی «دیوان شرقی» خود قرارداده بود.

اسن Essen

موزهٔ فولکوانگ Museum Folkwang

این موزه در سال ۱۹۲۲ از ترکیب موزهٔ دولتی اسن Städtisches Museum Essen (تأسیس در ۱۹۰۵) و موزه فلکوانگ هاگن Museum Folkwang Hagen (تأسیس در ۱۹۰۲) بوجود آمده است و از مراکز مهم آثار باستانی و آثار حجاری و نقاشی آلمان است. قسمت آثار ایرانی این موزه، بخصوص شامل مجموعهٔ نفیسی از سرامیکهای نواحی مختلف ایران از قرون اولیه اسلامی تا قرن نوزدهم است.

فرانکناوهسن Frankenau/Hessen

انستیتوی آسیا Asien-Institut

این انستیتو و موزه وابسته بدان در سال ۱۹۵۶ در «تالار فرهنگ ایالت فرانکناو» تأسیس شده و اصولا مربوط به مطالعات و آثار هنری خاور دور (چین، ژاپن،

تبت ، هند و غیره) است ، ولی مجموعه‌ای از آثار خاور- میانه منجمله ایران نیز دارد که بخصوص شامل آثار ایرانی است که درآسیای مرکزی بدست آمده است . در بخش آسیای مرکزی که مجموعهٔ Exner نامیده میشود درحدود ۲٫۰۰۰ قطعهٔ مختلف نگاهداری میشود ، که شامل ظروف ، پارچه ، سرامیك و ابزارهای دستی است .

فرانکفورت Frankfurt a. M.

موزه مردم شناسی Museum für Völkerkunde

این موزه در سال ۱۹۰٤ تأسیس شده و تقریباً از تمام سرزمینهای جهان آثار مختلف مردم شناسی درآن گردآوری شده است ، که مهمترین آنها مربوط به‌صحرای افریقا ، کنگو وکامرون ، اتیوپی ، اندونزی ، اقیانوسیه وامریکای جنوبی بخصوص سرخ پوستان آن است . قسمت آثار ایرانی این موزه شامل اشیاء برنزی ، ابزار دستی ، ظروف گلی و لعابی و پارچه های دست باف عشائری است.

موزه هنرهای دستی Museum für Kunsthandwerk

این موزه درسال ۱۸۷۷ تأسیس شده و یکی از پنج بخش موزه‌های بلدی فرانکفورت Städtische Museen است .

بهترین اثر ایرانی این‌موزه ظرفی منقش با زمینهٔ عاجی رنگ و دارای نوشته است که در قرن سوم یا چهارم هجری در نیشابور ساخته شده و همچنین کاسه‌ای با زمینهٔ

عاجی منقش که در همان زمان در نیشابور یا درسمرقند (افراسیاب) تهیه شده است .

موزه آثار دوران ماقبل تاریخی و آغاز تاریخ

Museum für Vor - und Frühgeschichte

این موزه که در سال ۱۹۳۷ بعنوان « شعبه باستانشناسی موزه تاریخ فرانکفورت» تأسیس شده ، شعبه دیگری از موزه های بلدی فرانکفورت است و دارای کلکسیونهای جالبی از آثار باستانی شرقی است . مجموعه آثار ایرانی این موزه شامل تعدادی از برنز های لرستان متعلق به هزاره های دوم و اول قبل ازمیلاد ، ومجموعه‌ای از ظروف و سرامیك های نواحی شمالی ایران است .

فهرستی ازین آثار در سال ۱۹۵۸ در نشریه موزه بنام «معرفی آثاری که در موزهٔ دوران ماقبل تاریخی و آغاز تاریخ بمعرض نمایش گذاشته شده»
Einführung in die Ausstellung des Museum für Vor - und Frühgeschichte. - Frankfurt, 1958
بچاپ رسیده است .

هامبورگ Hamburg

موزه هنر و پیشه Museum für Kunst - und Gewerbe

این موزه درسال ۱۸۶۸ تأسیس شده است و دارای مجموعه بزرگی ازآثار هنری قدیم وجدید ایران مشتمل برظروف سفالین ماقبل تاریخی تپه سیلك ، ظروف ماقبل تاریخی مکشوفه در نهاوند و املش ، برنزهای لرستان ،

ظروف شیشه‌ای ساسانی، سینی‌های نقره ساسانی، سرامیک‌ های نیشابور و گرگان و ری و سلطان‌آباد و کاشان ، ظروف لعابی قرون نهم تاپانزدهم هجری ،آثار فلزی دوره سلجوقی ، مجموعه‌ای از قالیها وقالیچه ها و پارچه های زری و ترمه های ایرانی است .

مجموعه ایرانی این موزه بدو قسمت « کلکسیون قدیم» و « کلکسیون جدید» تقسیم میشود که قسمت اول آن از قبل ازجنگ جهانی دوم وجود داشته و قسمت دوم بعد از آن تهیه شده است . مشخصات آثاری که در قسمت اول نگاهداری میشود توسط هاینریش کلهاوسن در نشریه موسوم به « آثار هنرهای کوچك اسلامی در موزه هنر و پیشه هامبورگ »

Heinrich Kohlhaussen: Islamische Kleinkunst Hamburgische Museen für Kunst und Gewerbe

ومشخصات کلکسیون جدید درسالنامهٔ موزه بنام «سالنامه هنر و پیشه هامبورگ»

Jahrbuch der Hamburger Kunstsammlung

و نیز درنشریه « گزارش هدایائی که برای نگاهداری کلکسیونهای هنری هامبورگ داده شده »

Bericht der Stiftung zur Förderung der Hamburgischen Kuntsammlung

نقل شده است .

فهرستی نیز بنام «برنز های لرستان در موزه هنر و صنعت هامبورگ» توسط هاینریش پوتراتس در مجله «آشورشناسی» (سال ۱۹۵۵ ، جلد ۵۱ ، شماره۱۷ از دوره جدید مجله) بچاپ رسیده است :

H. Potratz: Die Luristanbronzen des Museums für Kunst-und Gewerbe im Hamburg (Zeitschrift für Assyriologie, 1955)

نشریه موسوم به «سرامیك های اسلامی موزه هنر و صنعت‌هامبورگ» تألیف کارل یاکوبسن چاپ هامبورگ سال ۱۹۵۹ حاوی مشخصات سرامیك های ایـن هر دو مجموعه است :

K. Jakobsen: Islamische Keramik des Museums für Kunst und Gewerbe. - Hamburg, 1959

بهترین آثار ایرانی این موزه یك قالی دوپود خراسانی از قرن یازدهم هجری ، ومجموعه‌ای ازظروف متعلق بقرون هشتم تا یازدهم هجری ، و جلدهای مطلای کتاب با نقاشی های زیبا از قرن دهم هجری است .

هانور Hannover

موزه کستنر پایتخت هانور

Hauptstadt Hannover - Kestner-Museum

این موزه درسال ۱۸۸۹ تأسیس شده و دارای مجموعه جالبی از آثار تاریخی مصر قدیم ، یونان ، قبرس، سوریه ، اتروسك ، رم و کلکسیونی ازآثار ایرانی است که مشتمل است بر : ۱٤ قطعه برنز لرستان از هزاره های دوم و اول قبل از میلاد ، ۲ ظرف سفالین کار لرستان از هزاره اول قبل از میلاد ، ۱۵ ظرف لعابی ازقرون چهارم تادهم هجری ، چند قطعه کاشی ، یك سبوی فلزی مزین به شعری از حافظ کار قرن نهم هجری ، یك ساغر میناکار گرگان ،

و مجموعه‌ای از سکه های ادوار مختلف ایران .
مشخصات این آثار در نشریه راهنمای موزه «کستنر Führer durch das Kestner-Museum, 1955» درسال ۱۹۵۵ بچاپ رسیده است .

هایدلبرگ Heidelberg

موزهٔ مردم شناسی

Völkerkunde-Museum der J. und E. von Portheim-Stiftung

این موزه درسال ۱۹۲۱ در کاخ معروف وایمار Palais Weimar تأسیس شده است و صاحب‌مجموعه های نفیسی از آثار مردم‌شناسی تقریباً تمام سرزمینهای جهان ، بخصوص آسیا و افریقا منجمله کلکسیونی از ابزار و ظروف وپارچه های ایرانی است . علاوه براین ، این موزه بخشی بنام Orientalische Bücher und Manuscripte کتابها ومخطوطات شرقی دارد که در آن مجموعه‌ای از کتب خطی فارسی نگاهداری میشود .

موزه کورپفلتسی Kurpfälzisches Museum

این موزه درسال ۱۸۷۹ تأسیس شده و قبلا «مجموعهٔ بلدی» Städtische Sammlungen نام داشته است . مهمترین آثار این موزه قالب اسکلت معروف انسان هایدلبرگ Homo Heidelbergensis است که از قدیمی‌ترین اسکلتهائی است که تاکنون بدست آمده است .

بخشهای مختلف موزه دارای کلکسیونهای عالی از آثـار روم باستانی است.

قسمت مربوط بایران دراین موزه، شامل آثـار حجاری وبرنزی و نقوشی است که از مهرابه (پرستشگاه مهر) نوین‌هایم Neuenheim Mithräum یکی‌ازمهمترین معابد باستانی مهر در اروپا بدست آمده است.

کارلسروهه Karlsruhe

موزه ایالتی بادن Badisches Landesmuseum

این موزه در۱۹۱۹ تأسیس‌شده و دارای کلکسیون های متعددی از آثار باستانی و آثار هنری شرق و غرب است. مجموعه ایرانی این موزه شامل ۱۶ قطعه مختلف است که عبارتند از: یك دستبند زرین دوره هخامنشی (که د رنمایشگاه هفت‌هزار سال هنر درایران بمعرض نمایش گذاشته شد)، دومجسمه سرشیر ازدوره هخامنشی، چهار ظرف لعابی کار قرون پنجم و ششم هجری، سه بشقاب مینای کار ری یا ساوه از قرن ششم هجری، چهار ظرف لعابی کار ری از قرن ششم هجری، یك فـرش ابریشمی نفیس کار کاشان از قرن دهم هجری، یك پارچه مخملی کاشان از قرن دهم هجری (که شرح آن در کتاب هنر ایران پوپ داده شده است).

شرح قسمتی از این آثار درنشریه این موزه بنام «ظروف قدیمی موزه ایالتی بادن (۱۹۵۱–۱۹۵۲)»
Corpus Vasorum Antiquorum, Badisches Landesmuseum (1951-1952)

ودرنشریه دیگر این موزه بنام «پارچه های قدیمی موزه ایالتی بادن» (تألیف ا. تسیمرمن چاپ ۱۹۵۷) :
E. Zimmermann: Alte Textilien, Badisches Landesmuseum - 1957
و همچنین درنشریه «ظروف پخته قدیمی» (تألیف ی. تیمه چاپ۱۹۰۶) J. Thimme: Antike Terrakotten - 1960
بچاپ رسیده است .

کلن Köln

موزه جلاکاری هربیگ هاارهاوس

Herbig-Haarhaus-Lackmuseum

این موزه که بهترین موزه نوع خود در آلمان است ، در اواخر قرن نوزدهم تأسیس شده و دارای مجموعه های نفیسی از آثار نقاشی روی جلد و کارهای قلمزنی اروپا و آسیا است که در بخش آسیائی آن بخصوص آثار ایرانی وچینی و ژاپنی وسیامی گردآوری شده است . مجموعه ایرانی این موزه شامل تعدادی زیادی قلمدان و جلدهای نقاشی شده کتاب و مینیاتورهای روی ظروف مربوط به قرون دوازدهم و سیزدهم هجری است که غالباً متعلق به کلکسیونهای خصوصی اشراف آلمانی بوده است .

موزه هنر و پیشه Kunstgewerbemuseum

این موزه درسال ۱۸۸۸ تأسیس شده و شامل مجموعه های متعددی از آثار هنرهای دستی ، پارچه‌ها ، مبلها ، ظروف ، چینی ها ، کارهای نقاشی و سایر آثار

هنری آلمان ازقرون دوازدهم تا بامروز است ، ودرعین حال صاحب کلکسیونهای نفیسی ازآثار هنرهای دستی برخی از سرزمینهای غیر آلمانی است که مهمترین آنهـا مجموعهٔ فرشهای عالی ایـران وتـرکیه و قفـقاز است . نفیس‌ترین قسمت این مجموعه را فرش های ایـرانـی کاشای و خراسان و تبریز و فرشهای ترکمنی تشکیـل میدهد که مربوط به قرون نهم تا دوازدهم هجری است .

موزه مردم شناسی راوتن اشتراخ یوست

Rautenstrauch-Joest-Museum für Völkerkunde

این موزه درسال ۱۹۰۱ تأسیس شده و صاحب بیش از ۵۰،۰۰۰ شیئی مختلف مردم شناسی مربوط بـه سرزمینهای مختلف بخصوص اقیانوسیه وامریکای جنوبی و افریقا است . مجموعه ایرانی‌این موزه شامل ابزار دستی، سلاحها ، ظروف سفالین و لباسهای عشائری است .

موزه مطرانی Erzbischöfliches Diözesanmuseum

این موزه که مخصوص آثار مذهبی است درسال ۱۸۵۸ درکلن تأسیس شده است و صاحب یك اثر هنـری بسیار مهم ایرانی متعلق به دوران ساسانی‌است که از طرف روحانیان سن کونیبرت Pfarrgemeinde St. Kunibert بـرسـم امـانت بـــدان داده شده است . ایـن اثـر پارچه ابریشمین دست‌بافتی با زمینهٔ آبی بابعاد ۹۹×۸۵ سانتیمتر است که برآن تصویر سواران کماندار ساسانی هنگام شکار شیر بافته شده و تقریباً ازهمان دوران در

آرامگاه «کونیبرت مقدس» در شهر کلن نگاهـداری میشده است .

مانهایم Mannheim

موزهٔ رایس Reiss-Museum

این موزه در سال ۱۹۵۷ از ترکیب مجموعه های آثار هنری در Schloss-Museum و موزه مـردم شناسی Museum für Völkerkunde مانهایم بوجود آمده است وصاحب کلکسیون‌های نفیسی ازظروف باستانی یونانی ، آثار هنری و تاریخی ناحیه «مانهایم» شامل آثار حجاری و ظروف و مبل و مخصوصاً چینی های ساخت این منطقه است . یك بخش خاص از موزه مربوط به سرزمینهـای اسلامی است که درآن مجموعه‌ای از ظروف و پارچه های ایرانی نگاهداری میشود .

ماربورگ Marburg

مجموعهٔ آثارمربوط به مطالعات مذهبی دانشگاه ماربورگ

Religionskundliche Sammlung der Universität

این «مجموعه» نام مرکزی است که در سال ۱۹۲۷ در یك کاخ قدیمی و مجلل ایالت هسن تأسیس شده ودرآن آثار ومدارك مختلف (سنگنوشته هـا ، اوراق مذهبی ، کتابها ، آثار هنری مذهبی ، اشیاء مربوط بـه عبادات) متعلق به مذاهب غیر مسیحی گردآوری شده

است ، و از مهمترین اشیاءآن اشیاء مکشوفه درمعبدآشوری تل حلف و مقابر مصر کهن ومعابد باستانی مکزیك است . کلکسیونهای مهم دیگر موزه مربوط است به چین ، ژاپن، تبت ، هند ، سیلان ، جاوه ، وبخصوص کلکسیون اسلامی که خیلی وسیع است . دراین مجموعه اخیر ، اسناد وآثار متعدد مذهبی ازایران جمع آوری شده است .

مونیخ München

موزه دولتی مردم شناسی

Staatliches Museum für Völkerkunde

این موزه بصورت اولیه خـود در سال ۱۸۵۸ تأسیس شده ، ولی ازسال ۱۹۲۶ بشکل و نام فعلی درآمده است . موزه دولتی مردشناسی مونیخ دارای کلکسیون ـ های جالبی از آثار هنری شرقی (خاورمیانه و نزدیك ، هند ، اندونزی ، چین) و آثار اسلامی منجمله مجموعه‌ای از آثار هنرایرانی شامل مینیاتورهای نفیس و ظروف شیشه‌ای و بلورین است که فهرستی از آنها درنشریه رسمی موزه بنام «هنر شرق» Kunst des Ostens در سال ۱۹۵۸ چاپ شده است .

فهرست جامعی نیز ازاین آثار بنام «نمایشگاه شاهکارهای هنر اسلامی درمونیخ» توسط «فریدریش‌زاره و دکتر مارتین» در سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲ در سه جلد در

مونیخ بچاپ رسیده است :
F. Sarre & F.R. Martin: Die Ausstellung von Meisterwerken muhammedanischer Kunst in München - 3 Bde, München 1910-1012

موزه رزیدنتس Residenzmuseum

این موزه درسال ۱۹۱۸ بعنوان «موزهٔ خاندان ویتلسباخ» Wittelsbach در مونیخ تأسیس شده و از ۱۹۲۰ بنام فعلی خود درآمده است ، و ازموزه های مهم آلمان است .

از عالیترین آثار هنری این‌موزه چهار تخته قالی ایرانی کار دورهٔ صفوی است که از کاشان به لهستان واز آنجا به آلمان انتقال یافته است . این قالی ها جزء مجموعهٔ قالی‌هائی بوده که در سال ۱۶۰۵ میلادی « زیگیسموند و ازای سوم» پادشاه لهستان یك بازرگان ارمنی بنام صفر مرادویچ Safar Muratovitz را برای تهیه آنها از ورشو به ایران فرستاده بود . این بازرگان از راه دریای سیاه وطرابوزان و ارضروم و قارص به تبریز و قزوین و ازآنجا به کاشان رفت و درآن شهر قالیهای مورد نظر پادشاه لهستان را سفارش داد و خود نظارت بر بافت آنها را بعهده گرفت و علائم سلطنتی لهستان را در نقشه های آنها گنجانید ، وپس از اتمام کار قالی ها را باخود به لهستان برد . اندکی بعد پادشاه لهستان دخترش آنا کاترینا کنستانتسه را به فیلیپ ویلهلم دوك ایالت آنهالت درآلمان شوهر داد و چهار تخته ازاین قالیها را که بردو تا ازآنها

نقش عقاب سلطنتی لهستان بافته شده بعنوان جهیزیه همراه او کرد . این چهار قالی اکنون در اختیار «زریدنتس موزئوم» مونیخ است .

موزهٔ ارتشی باویر Bayerisches Armeemuseum

بهترین اثر ایرانی این موزه یك طبل مطلا از چرم سبز مزین به فیروزه با نقوش زیبای قلمزده است که در زمان صفویه درایران ساخته شده و ظاهراً جزو غنائمی بوده که در سال ۱۶۸۳ توسط ماکس امانوئل فرمانروای باواریا از قشون عثمانی گرفته شده است .

موزه ملی باویر Bayerisches Nationalmuseum

این موزه در سال ۱۸۵۵ تأسیس شده و بخصوص ازلحاظ مجموعه های مجسمه‌ها و هنرهای تزئینی مربوط به جنوب آلمان بسیار غنی است . آثار موزه در دوشعبهٔ «جدید» و «ماقبل تاریخی» نگاهداری میشود .

بهترین اثر ایرانی این موزه یك قالی ابریشمی دوپود معروف به قالی شاه عباسی یا قالی لهستانی ازقرن یازدهم هجری کارکاشان است که هنگام زناشوئی امیرزاده خاندان «ویتلس‌باخ» باواریا با دختر پادشاه لهستان ، بعنوان جهیزیه عروس از ورشو به ایالت باویر آورده شده است .

مجموعهٔ دولتی آثار باستانی

Staatliche Antikensammlung

این موزه که اکنون بخشی از موزه ملی باویر را تشکیل میدهد ، در سال ۱۸۳۰ بنام

Glyptothek und Museum antiker Kleinkunst

ایجاد شده است که بخش هنرهای کوچك آن شامل مجموعه‌ای ازسبوهاپارچه‌ها، شالها، وظروف ایرانی است.

مجموعهٔ عروسکی مونیخ

Puppentheatersammlung der Stadt München

این موزه درسال ۱۹٤۰ در محل موزه بلدی مونیخ تأسیس شده و صاحب تقریباً ٤۰،۰۰۰ عروسك و ابزار تئاتر عروسکی از آلمان وتمام کشور های جهان است ، و ظاهراً کاملترین نمایشگاه خیمه شب‌بازی وتئاتر-های عروسکی است که وجود دارد .

یك بخش از این مجموعه مربوط به سرزمینهای خاورمیانه است و دراین قسمت کلکسیونی از عروسکهای ایرانی ومدارك مربوط به اصول وجزئیات خیمه شب‌بازی در ایران نگاهداری میشود .

نورنبرگ Nürnberg

موزه هنرهای دستی انجمن هنرهای محلی باویر

Gewerbemuseum der Bayerischen Landesgewerbeanstalt

این موزه در سال ۱۸٦۹ تأسیس شده و صاحب

بیش از ۱۰،۰۰۰ قطعه آثار هنر های دستی مربوط بـه دوران باستانی تا بامروز است که قسمت باستانی آن آثار مصر کهن ، یونان ، روم ، اتروسك وقسمت آثار جدید آن کشورهای مختلف اروپائی و غیر اروپائی را از قرون وسطی تاکنون شامل میشود .

مجموعه آثار ایرانی این موزه شامل کارهای هنری دستی (منسوجات ، ظروف ، آثار زرگری ، بلور و چینی) و همچنین مجموعه‌ای از مینیاتور های «ایرانی و هندی» است .

موزهٔ ملی آلمانی Germanisches Nationalmuseum

این موزه درسال ۱۸۵۲ تأسیس شده و صاحب یکی ازبهترین مجموعه های آثارمربوط به تمدن وفرهنگ آلمانی از دوران باستانی تا بامروز است ، که در بخشهای مختلف آن آثار دوران رومی ، حجاری ، نقاشی ، چاپ ، مبل ، کارهای فلزی ، منسوجات ، شیشه و بلور ، هنرهای دستی وغیره گردآوری شده است . کتابخانه بزرگ موزه دارای ۲۵۰،۰۰۰ کتاب است و آرشیو موزه نیز جداگانه بیش از ۷۰،۰۰۰ سند و مهر وامضاء و مدارك مختلف دارد.

بخش پارچه ها و منسوجات موزه شامل مجموعه کوچکی از پارچه های دست‌باف ایرانی منجمله پارچه های زری و گلابتون است .

Offenbach am Main افن باخ

موزه چرم و موزهٔ کفش آلمان

Deutsches Landesmuseum/Deutsches Schuh-museum

این موزه که درسال ۱۹۱۷ تأسیس شده مهمترین موزه نوع خود در اروپا است ، و درآن مجموعه های بزرگی از آثار چرمی کلیه ادوار و کلیه سرزمینها گرد- آوری شده است ، که بسیاری ازآنها نه تنها ازنظر علمی بلکه ازلحاظ هنری باتوجه به کارهای ظریفی که در روی آنها صورت گرفته ارزش بسیار دارد . کارهای چرمی ایرانی (جلد کتاب ، غلاف شمشیر و خنجر ، کمربند ، کفش ، خورجین ، جامه و غیره) از بهترین قسمتهای آثار این موزه است . بهترین اثر ایرانی این موزه یك جلد قرآن چرمی مطلا با نقش های ترنجی به رنگ های سبز و آبی است که درقرن یازدهم هجری ساخته شده است .

Osnabrück اسنابروك

Museum der Stadt Osnabrück موزه شهر اسنابروك

این موزه درسال ۱۸۹۰ تأسیس شده و صاحب آثار

تاریخی وهنری مختلف مربوط باین ناحیه از دوران کارولنژین ها تا بامروز است و مخصوصاً بخش مربوط به دوران رنسانس آن اهمیت دارد .

قسمت مهمی از آثار موزه مربوط به تمدنهای بزرگ غیر اروپائی مخصوصاً ایران ، مصر ، چین ، ژاپن، هند و تمدن اینکا است و دراین قسمت آثار ایرانی متعدد و نفیس ، شامل ظروف سرامیك ایران (بخصوص کلکسیونی از ظروف معروف به راغه) ، مینیاتور ها ، کار های هنری دستی و پارچه های زری و مصنوعات مختلف ایرانی نگاهداری میشود .

شلسویگ Schleswig

موزه بلدی شلسویگ هولشتاین

Schleswig - Holsteinisches Landesmuseum

این موزه در سال ۱۸۷۵ در شهر کیل Kiel بنام موزهٔ تاولوو Thaulow - Museum تأسیس شد و بعداً به اشلسویگ انتقال یافت . دراین موزه آثار مختلف هنری آلمان واروپا ، کارهای هنردستی اروپائی ، ومجموعهٔ محدودی از آثار مختلف هنری شرقی منجمله ایرانی نگاهداری میشود . چند نمونه ازاین آثار هنری این موزه در نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در شهر اسن بنمایش گذاشته شد .

سولینگن Solingen

موزه آلمانی شمشیر در سولینگن

Deutsches Klingenmuseum Solingen

این موزه در سال ۱۹۰۵ تأسیس شده و محل آن یکی از کاخهای قدیمی سولینگن است. در این موزه انواع سلاح های سرد ازقبیل شمشیر وخنجر و کارد وغیره از دوره های مختلف و کشور های مختلف نگاهداری میشود که از آن جمله خنجری با امضای یکی از ملکه‌های فراعنه مصر است.

از زمره اشیاء این موزه مجموعه‌ای از سلاحهای مفرغی لرستان متعلق به قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد است که قسمتی ازآنها درنمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در «اسن» و «میلان» بمعرض نمایش گذاشته شد.

اشتوتگارت لاین‌فلدن Stuttgart-Leinfelden

موزه «ورق بازی» آلتنبورگ اشترالزوند

Altenburg-Stralsunder Spielkarten-Museum

این موزه درسال ۱۹۲۲ تأسیس شده است و درآن نمونه های ورق بازی ازکلیه کشورهای جهان درشش قرن اخیر نگاهداری میشود. از زمره این آثار یکصد ورق‌آس و گنجفه قدیمی ساخت ایران است که برپنجاه تا ازآنها

صحنه های مختلف شاهنامه نقاشی شده است .

دریك دست ورق دیگر بازی که بجای شکل مستطیل معمولی بصورت اوراق مدور ساخته شده ، صحنه‌هائی از داستانهای هفت‌پیکر نظامی ترسیم شده است .

ویسبادن Wiesbaden

موزه بلدی Städtisches Museum

این موزه در سال ۱۸۲۲ تأسیس شده است و در آن آثار مختلف هنری بخصوص اشیاء سرامیك و آثار حجاری و ظروف شیشه‌ای وبلورین نگاهداری میشود که قسمت مهمی از آنها متعلق بدوران ماقبل تاریخ و دوران باستانی رم و دوران سلسله مرونژین فرانسه است .

بخش اصلی این موزه بنام مجموعه اشیاء تاریخی خاندان ناسائو Sammlung Nassauischer Altertümer دارای مجموعه جالبی ازآثار متعددی است که از معابد Mithraeum Heddernheim و Mithraeum Wiesbaden (مهرابه ویسبادن ومهرابه هدرن‌هایم) بدست‌آمده است .

فهرست توصیفی این آثار در نشریه‌ای بنام «مهرابه» توسط شوپا درسال ۱۹۵۹ در ویسبادن چاپ شده است :

H. Schoppa: Das Mithraeum. - Wiesbaden, 1959

جالب‌ترین اثر ایرانی این موزه یك‌سینه‌بند مربع جعبه‌ای شکل با آویزه‌ای بشکل قلب است که در پشت آن کلمه «اردشیر» به خط پهلوی حکاکی شده است . این

سینه‌بند که از طلای ناب با لایه‌های عقیق و کهربا ساخته شده ، در مقبره‌ای در «ولفس‌هایم» واقع در ایالت راین هسن آلمان که متعلق به قرن چهارم میلادی یعنی اواسط دوران ساسانی است بدست آمده است .

وورتسبورگ Würzburg

موزه دانشگاهی مارتین فن‌واگنر

Martin-von-Wagner-Museum der Universität

این موزه درسال ۱۸۵۸ تأسیس شده و وابسته بدانشگاه وورتسبورگ است . بخش آثار باستانی موزه شامل مجموعهٔ جالبی از ظروف سفالین ماقبل تاریخ ایران و کلکسیونی از برنزهای لرستان است که اخیراً آثار تازه‌ای بدانها اضافه شده است .

***

علاوه برآثار موجود در موزه ها ، کلکسیونهای خصوصی متعددی از آثار هنری و باستانی ایران در آلمان وجود دارد که از زمره مهمترین‌آنها میتوان از مجموعه‌های ذیل نام برد :

کلکسیون‌خانم‌ماریاهوندهاوزن Maria Hundhausen در اسن بردنی Essen-Bredney شامل مجموعه‌ای از برنز های لرستان .

کلکسیون دکتر ورنرلاوبر Warner Lauber در دوسلدورف Düsseldorf شامل مجموعه‌ای ازآثار هنری وباستانی ایران که بهترین آنها یکظرف زرین دوران

هخامنشی بصورت سر شیر است .

کلکسیون سعیـد معتمـد Saeed Motamed در فرانکفورت .Frankfurt a.M شامل مجموعه نفیسی از ظروف برنز لرستان .

کلکسیون دکتر برنارد اشپرنگل Bernhard Sprengel در هـانـور Hannover ، دارای مجمـوعـه‌ای از ظروف برنز لرستان از قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد و آثار قدیمی تر از آن که مهمترین آنها یك مجسمه‌برنزی گوزن از هزاره سوم پیش از میلاد است .

کلکسیون دکتر ماکس مایرهوف Max Mayerhof که بهترین اثر آن نسخه خطی کتاب «کیمیای منصور» است که در قرن هشتم هجری در ایران کتابت شده است .

کلکسیون مونهایم F. Monheim در آخن Aachen (اکس لاشاپل) که شامل مجموعه‌ای از آثار ساسانی است.

کلکسیون خانم فوس Frau A. Voss در دوسلدورف Düsseldorf

کلکسیون دکتر اشمیت R. Schmidt در Solothurn که مجموعه‌ای بسیار غنی است و نمونه های متعددی از آثار آن در نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در «اسن» بنمایش گذاشته شد .

نشریات مربوط به خاورشناسی

برلین Berlin

مجله آشورشناسی و باستانشناسی آسیای مقدم

Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie

این مجله از سال ۱۸۸٦ در برلین منتشر شد وبعداً مرکز انتشار آن به لایپتسیك انتقال یافت ، و با احتساب دوره های تعطیل تا سال ۱۹٦۹ رویهم ٦۲ دوره سالانه از آن بچاپ رسیده است . هیئت مدیره مجله سه نفر از دانشمندان متخصص آشورشناسی (پروفسور فالکنشتاین Falkenstein و پروفسور فریدریش J. Friedrich و پروفسور مورتگارت A. Moortgat) هستند . این مجله اکنون توسط مؤسسه مطبوعاتی والتر دوگرویتر Walter de Gruyter & Co. در برلین منتشر میشود و غالباً حاوی مطالعات جالب ایران شناسی است .

تتبعات هند وژرمنی Indogermanische Forschungen

این مجله از سال ۱۸۹٤ تاکنون در برلین چاپ میشود و تا سال ۱۹٦۹ هفتاد و پنج دوره از آن انتشار یافته است. سمینار زبانهای هندوژرمنی دانشگاه برلین واستادان این رشته در سایر دانشگاهها و مراکز علمی در تدوین مقالات آن شرکت دارند. بسیاری از تتبعات مربوط به هنرهای قدیم ایران تاکنون دراین نشریه بچاپ رسیده است.

گزارشهای انجمن آلمان و شرق

Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft

این نشریه که ارگان «انجمن آلمان و شرق» است از سال ۱۸۹۹ در برلین انتشار یافته است و در حال حاضر نشر آن بطور نامنظم صورت میگیرد.

مجموعه «گزارشهای انجمن آلمان وشرق» از نظرعلمی وابسته بدانشگاه برلین‌است واستادان این‌دانشگاه در تدوین مقالات آن شرکت دارند.

سالنامه انستیتوی باستانشناسی آلمان

Jahrbuch des Deutschen Archäologischen Instituts

نشریه سالانه انستیتوی باستانشناسی آلمان است که بصورت ارگان این انستیتو در برلین منتشر میشود و گزارشهائیکه ازطرف این انستیتو از تهران، استانبول، بغداد، قاهره و نیز آتن ورم ومادرید درباره کارهای

باستانشناسی آلمانی دراین ممالك بانستیتو میرسد درآن انعکاس مییابد .

سالنامه موسیقی آسیائی وافریقائی وامریکای لاتین

Jahrbuch der Musik Asiens, Afrikas und Latein-Amerikas

این نشریه از سال ۱۹۶۳ ببعد از طرف مؤسسه مطبوعاتی والتر گرویتر Walter de Gruyter & Co. دربرلین منتشر میشود و مخصوص مطالعه درموسیقیهای شرق و افریقا و امریکای لاتین بخصوص موسیقی های محلی و عامیانه (فولکلوری) و تفسیر های مربوط به اختصاصات موسیقی هریك از ملل شرقی است . باهرشماره ازین نشریه یك صفحه گرامفون حاوی اصل این قطعات موسیقی نیز همراه است .

بن Bonn

شرق Oriens

نشریه جالب و مهم خاورشناسی است که از سال ۱۹٤۸ بصورت ارگان «انجمن بین‌المللی تتبعات شرقی » با چهار عنوان آلمانی و انگلیسی و فرانسه و ترکی از طرف این انجمن که مرکز آن در شهر «بن» است با همکاری عده‌ای از دانشمندان خاور شناسی کشور های مختلف منتشر میشود ، و هردوره سالانه آن در دوشماره و در حدود ۵۰۰ صفحه باکاغذ و چاپ بسیار خوب بچاپ

میرسد . مرکز چاپ این مجله لایدن (هلند) است و تاسال ۱۹۶۹ بیست و یك دوره سالانه از آن انتشار یافته است . برای توضیح بیشتر بشرح مربوط بدین نشریه در فصل «هلند» و فصل «ترکیه» مراجعه شود .

هسن Hessen

کتابشناسی آسیا Asien-Bibliographie

این نشریه که مخصوص معرفی کتابهای منتشره مربوط بکشور های شرق و کتابهای منتشره در خود آسیا است از سال ۱۹۴۹ ببعد توسط کتابفروشی آسیائی Asian Bücherei در فرانکناو Frankenau/Hessen هرسه ماه یك شماره وهرشماره در ۳۶ صفحه بقطع بزرگ منتشر میشود . همین مؤسسه از سال۱۹۵۳ نشریه‌ای بزبان‌فرانسه وانگلیسی‌وآلمانی بنام Bibliografia Asiatica سالی چهار شماره در «فرانکناو» چاپ میکند . این دو نشریه علی‌الاصول مربوط به خاور دور (چین ، ژاپن ، تبت ، آسیای جنوب شرقی) است .

کمك به شناسائی تاریخ زبان و فرهنگ شرق

Beiträge zur Sprach- und Kulturgeschichte des Orients

سلسله نشریات مخصوص‌زبانهای شرقی ومطالعات مربوط بتاریخ فرهنگ شرق است که از سال ۱۹۵۳ در شهر والدورف Waldorf-Hessen بصورت مونوگراف بچاپ میرسد .

Göttingen گوتینگن

Die Welt des Orient دنیای شرق

باعنوان تکمیلی «مقالات علمی‌درباره‌شناسائی‌شرق»
Wissenschaftliche Beiträge zur Kunde des Morgenlands

از سال ۱۹٤۹ ببعد هردوماه یك شماره تحت نظر سه تن از دانشمندان خاورشناس (پــروفسور میشل E. Michel و پروفسور رونسدرف Ronsdorf وپروفسور ووپرتال (Wuppertal در « گوتینگن » منتشر میشود . قبلا این مجله در اشتوتگارت انتشار میبافت . هردوره سالانه مجله درحدود ٦۰۰ صفحه است .

Hamburg هامبورگ

Orient شرق (آلمانیا)

از سال ۱۹٦۰ ببعد توسط «بنیاد آلمان و شرق» Deutsche Orient-Striftung سالی ۹ شمــاره هر شماره در ٤۸ صفحه در هامبورگ منتشر میشود و مدیر آن دکتر ارنست مسراشمیت E. Messerschmidt است . مقالات مجله به چهار زبان آلمانی ، فارسی ، ترکی ، عربی چاپ میشود . جنبه علمی این مجله زیاد نیست .

اسلام Der Islam

با عنوان تکمیلی «نشریه تاریخ وفرهنگ شرق اسلامی »
Zeitschrift für die Geschichte und Kulutr des Islamischen Orients

از سال ۱۹۱۰ ببعد منتشر میشود . مرکز انتشار آن نخست «شتراسبورگ» بود و پس از جنگ جهانی اول که ایـن شهر بتصرف فرانسه درآمد دربرلین بچاپ رسید . او بعداز جنگ جهانی دوم مرکز انتشار مجله به هامبورگ انتقال یافته است و سالی سه شماره ازآن منتشر میشود . این مجله در حال حاضر توسط «سمینار تاریخ و فرهنگ‌شرق مقدم» دانشگاه هامبورگ منتشر میشود ، و ناشرین آن پروفسور بکر C.H. Becker و پروفسور اشپولر B. Spuler و پروفسور اشتروتمان R. Strottmann هستند . قبلا این مجله را در هامبورگ پروفسور ریتر H. Ritter اداره میکرد .

مجله «اسلام» از نشریات مهم خاورشناسی اروپا است .

مونستر Münster

دنیای اسلام Die Welt des Islams

این مجله معروف خاور شناسی نخستین‌بار درسال ۱۹۱۳ بصورت ارگان « انجمن آلمانی مطالعات اسلامی»
Zeitschrift der Deutschen Gesellschaft für Islamkunde

توسط پروفسرور « کـامفـمیر » G. Kampfmeyer در برلین منتشر شد و تا سال ۱۹۴۲ منظمـاً سالی چهار شماره از آن (رویهـم در ۲۵ دوره سالانه) در این شهر انتشار یافت که هردوره شامل ۲۶۰ صفحه بود . در سال ۱۹۴۳ این مجله تعطیل شد ودوره جدید آن از سال ۱۹۵۱ ببعد منتشر میشود . دراین دوره تازه مجله « دنیای اسلام » باسه عنـوان : آلمـانی 'Die Welt des Islams و انگلیسی The World of Islam و فرانسه Le Monde de l'Islam بچاپ میرسید ، و هردوره سالانه آن که شامل چهار شماره است در حدود ۳۲۰ صفحه دارد . مطالب این مجله در دانشگاه «مونستر » تنظیم ودر شهر لایدن (هلند) چاپ میشود . از دوره تازه این مجله تا سال ۱۹۶۹ پانزده دوره سالانه منتشر شده است .

اشتوتگارت Stuttgart

گزارشهای انستیتوی روابط فرهنگی خارجی

Mitteilungen des Instituts für Auslandsbeziehungen

این مجله از سال ۱۹۵۰ ببعد هرسه ماه یك شماره در شهر «اشتوتگارت» منتشر میشود وهردوره سالانه آن دارای ۳۳۶ صفحه است . هرشماره این مجله شامل فهرست آخرین کتب ومجلات منتشره مربوط به شرق و گزارشی از فعالیتهای فرهنگی وهنری آلمان در کشورهای مختلف منجمله خاورمیانه است ، ولی جنبه علمی و تحقیقی این

نشریه چندان زیاد نیست .

در سال ۱۹۶۱ بافتخار دو هزار و پانصدمین سال بنیاد شاهنشاهی ایران بدست کورش بزرگ ، شماره مخصوصی ازین مجله در ۱۶۸ صفحه مصور منتشر شد که در تدوین مطالب آن عده‌ای از ایرانشناسان برجسته آلمانی واتریشی شرکت جسته بودند .

ویسبادن Wiesbaden

مجله انجمن آلمانی خاورشناسی

Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft

این مجله که از معتبرترین و کهنسالترین نشریات خاور شناسی جهان است ، از سال ۱۸۴۷ ببعد توسط انجمن خاورشناسی آلمان که دو سال پیش از آن تأسیس‌شده بود بطور منظم در لایپتسیك بچاپ میرسید ، ولی از بعداز جنگ که انجمن خاور شناسی آلمان به شهر «مونستر» انتقال یافت مرکز انتشار این مجله نیز بآلمان غربی منتقل شد واز سال ۱۹۵۲ ببعد در شهر « ویسبادن» منتشرمیشود. در لایپتسیگ برروی‌هم ۱۰۱ دوره سالانه ازاین مجله منتشر شد ، ودر ویسبادن تا سال ۱۹۶۹ هفده دوره سالانه دیگر از آن انتشار یافته‌است .

هرده سال یکبار فهرست مستقلی از مقالات ده ساله این مجله بضمیمه آن منتشر میشود .

تتبعات آسیائی Asiatische Forschungen

این مجله از سال ۱۹۵۹ ببعد بجای «مجله تتبعات آسیائی گوتینگن» Göttinger asiatische Forschungen که‌از سال ۱۹۵٤ تا ۱۹۵۸ در ده دوره در شهر فرانکفورت منتشر شد در شهر ویسبادن بچاپ میرسد . از نظر علمی این نشریه وابسته به سمینار خاور شناسی دانشگاه « بن» است ، ومطالب آن بیشتر بخاور دور اختصاص دارد .

هنر شرق Kunst des Orients

از سال ۱۹۵۰ با عنوان تکمیلی « نشریه جدیدی درمورد تجسسات باستانشناسی ومطالعات مربوط به روابط تاریخی و هنری دنیای شرق »
Veröffentlichungen über die archäologische Forschung und Studien über die geschichtlichen und kunstlerischen Beziehungen zum Osten
تحت نظـر پروفسور ارنست کـونل K. Kühnel در ویسبادن منتشر میشود . نشر این مجله بطور نامنظم‌صورت میگیرد ، بطوریکه تا سال ۱۹٦۹ فقط شش دوره از آن‌چاپ شده است . هرشماره ازین مجله ۱۲۰ صفحه دارد و باکاغذ وچاپ بسیار خوب منتشر میشود .

ادبیات شرقی Litterae Orientales

نشریه کتابشناسی مربوط به‌کشورهای شرقی‌است که هرسه ماه یك‌شماره توسط‌مؤسسه مطبوعاتی اوتوهارا- سویتس Otto Harrassowitz در شهر ویسبادن منتشر

میشود ، وهرشماره حاوی نام و مشخصات کتب ورسالات و قسمتی از مقالات تحقیقی است که درباره شرق در آلمان و سایر کشورها چاپ شده‌است . تا سال ۱۹۶۹ پنجاه‌وهشت شماره ازاین نشریه بچاپ رسیده است .

شرق مسیحی Orients Christianus

این‌مجله که‌مخصوص تتبع درباره‌فرهنگ وتمدن جوامع مسیحی شرق است (و ازاین نظر برخی از مقالات آن با جوامع مسیحی ایران در دوره‌های قبل وبعداز اسلام ارتباط دارد) از سال ۱۹۱٦ باعنوان « نشریه‌ای برای شناسائی شرق مسیحی »
Hefte für die Kunde des Christlichen Orients
از طرف مؤسسه مطبوعاتی اوتوهاراسوویتس Otto Harrassowitz سالی سه شماره در شهر ویسبادن بچاپ میرسد . تا سال ۱۹٦۹ پنجاه دوره از این مجله منتشر شده است .

کراتیلو س Kratylos

نشریه علمی و تحقیقی مربوط به‌زبانهای قدیم آریائی (منجمله زبانهای ایرانی) ومطالعات زبانشناسی است که با عنوان تکمیلی « مطالعات انتقادی درباره زبانشناسی هند وژرمنی وزبانشناسی عمومی »
Kritisches Berichts-und Rezensionsorgan für Indogermanische und allgemeine Sprachwissenschaft

از سال ۱۹۵٦ ببعد سالی دو شماره هر کدام در ۵٦ صفحه توسط مؤسسه مطبوعاتی Otto Harrassowitz در شهر «ویسبادن منتشر میشود، و عموماً مقالات تحقیقی جالب دربارهٔ زبانهای ایرانی در آن بچاپ میرسد.

نشریات فارسی

کاوه

مجله‌ای فارسی بنام «کاوه» Kaveh در حال حاضر در شهر مونیخ آلمان منتشر میشود. این مجله که یك نشریهٔ ادبی، فرهنگی، هنری وعلمی است، از سال ۱۳٤۲ نخست بطور ماهانه و بعداً هردو ماه یك‌بار به مدیریت «محمد عاصمی» با همکاری عده‌ای از نویسندگان و محققین ایرانی و خارجی در مونیخ بچاپ رسیده است. هرشماره مجله دارای یکصد صفحه است. از طرف این مجله علاوه برشماره‌های منظم آن کتابی بنام «اصطلاحات زبان آلمانی» تألیف هرمز انصاری وهربرت کوستر شامل یکهزار ودویست اصطلاح فارسی به آلمانی بچاپ رسیده است.

پیوند

نشریه فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی‌است که از سال ۱۳۳۸ بصورت یك نشریه فرهنگی و دانشجوئی منتشر شد، ولی نشر آن در حال حاضر متوقف مانده‌است.

اخبار ایران

نشریه«اخبارایران» **Neues aus Iran** از طرف دفتر مطبوعاتی سفارتی شاهنشاهی ایـران در کلن و مارین‌بورگ منتشر میشود وشامل اخبار سیاسی واجتماعی و فرهنگی جاری ایران است .

مراکز مطالعات ایران شناسی

مراکز تدریس فارسی و زبانهای ایرانی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری وباستانی ایران

نشریات خاورشناسی

در

آلمان شرقی

(جمهوری دمکراتیک آلمان)

Title A first course in educ.

Author Reeder, W. G.

Accession No. 7877

Call No. 370.2 R 257 F

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

Attazeela Fee Ahmad Alimutsadika 23

9622522401

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

فرهنگستان علوم آلمان در برلین

Deutsche Akademie der Wissenschaften zu Berlin

این آکادمی، که کهنسالترین فرهنگستان آلمان است، درسال ۱۷۰۰ تأسیس شد و از بدو تأسیس از مهمترین آکادمی‌های اروپا بود. در طول دو قرن ونیم آکادمی علوم آلمان مرکز اساسی مطالعات این‌کشور در رشته‌های مختلف علمی واجتماعی، منجمله در مطالعات خاورشناسی بوده است.

تقریباً عموم دانشمندان ایران‌شناس آلمانی قرن گذشته و ثلث اول قرن حاضر، دراین‌آکادمی عضویت وبا آن همکاری داشته‌اند.

از پایان جنگ جهانی دوم، با تقسیم آلمان بدو قسمت مجزا، این فرهنگستان-که در برلین شرقی واقع شده است وضعی تازه پیدا کرده و مرکزیت قبلی خود را از دست داده است، ولی سازمان کلی و تقسیمات علمی و اداری آن تقریباً بهمان صورت و وسعت سابق باقی مانده است. در حال حاضر این آکادمی دارای ۶۳ انستیتو باضافه ۳۲ مرکز علمی دیگر است که

« کمیسیون » و « دائره » وغیره نامیده میشوند. آکادمی دارای شش نشریه منظم است و قسمت مهمی از انستیتوها نیز هر کدام نشریه های خاص خود دارند. کتابخانه آکادمی دارای ۱۵۰٫۰۰۰ کتاب است.

یکی از انستیتوهای این آکادمی، « انستیتوی مطالعات چاورشناسی » است که از قرن گذشته وجود داشته است و تقریباً همه مطالعات شرقی آکادمی درآن تمرکز دارد. در عین‌حال مطالعات چند انستیتوی‌دیگر، مانند « انستیتوی تاریخ » ، « انستیتوی تاریخ هنر » ، « انستیتوی مطالعات ماقبل تاریخ و آغاز تاریخ » ، « انستیتوی فلسفه » ، و «دائرهٔ تئوری ادبیات» بصورت کلی بافرهنگ وتاریخ شرق ارتباط دارد.

انستیتوی مطالعات خاورشناسی

Institut für Orientforschung Deutsche Akademie der Wissenschaften

این انستیتو در حال حاضر دارای چهل و پنج عضو است که هفت نفر آنها در رشتهٔ مطالعات ایرانی کار میکنند. ریاست انستیتو با پروفسور والتر روبن ـ Walter Ruben است که شخصاً متخصص رشتهٔ هندشناسی است. مطالعات این انستیتو در رشته‌های مختلف تاریخ، ادبیات، علوم اجتماعی و بخصوص زبان‌شناسی ایرانی انجام میگیرد، و گزارش این مطالعات در دو نشریهٔ منظم انستیتو بنام « بولتن مطالعات شرقی » و

« مجله آلمانی ادبیات » که بعداً درباره آنها توضیح داده خواهد شد بچاپ میرسد . انستیتو دارای کتابخانه‌ای اختصاصی است .

از زمرهٔ اسناد مهم مربوط به‌ایران‌که دراختیار این انستیتو قراردارد ، نوشته‌های معروف مانوی مکشوفه در تورفان (آسیای مرکزی) است‌که مهمترین اسناد تاریخی مربوط بآئین مانی بشمار میرود . فهرست‌جامعی ازاین اسناد در سال ۱۹۶۰ توسط بانو مری‌بویس — Mary Boyce ایران شناس انگلیسی و استاد زبان های ایرانی دانشگاه لندن بنام « فهرستی از نوشته های خطی مانوی در کلکسیون آلمانی تورفان » در مجله گزارشهای انستیتوی مطالعات شرقی « آکادمی علوم آلمان » در ۱۹۲ صفحه با عنوان ذیل بچاپ رسیده‌است:

Marq Boyce: A Catalogue of the Iranian manuscripts in Manichean script in the German Turfan collection (Veröffentlichung des Instituts für Orientforschung, 45. - Berlin, 1960)

درمیان نسخی‌که از ترکستان چین بدست آمده و دراین آکادمی نگاهداری میشود آثار نفیس و منحصر بفردی از مسیحیان نستوری وجود دارد که مهمترین آنها قطعه‌ای از ترجمه فارسی مزامیر داود است که در قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) بخط سریانی نوشته شده است . این اثر در اوائل قرن حاضر توسط مولر F.W.K. Müller دانشمند خاورشناس آلمانی بچاپ رسیده است .

انستیتو دارای دونشریه منظم بنام «گزارشهای

انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم آلمان در برلین »
Mitteilungen des Instituts für Orientforschung der Deutschen Akademie der Wissenschaften zu Berlin.
و «مجله ادبیات شرقی» Orientalische Literaturzeitung
است و مونوگرافهای مختلفی نیز انتشار میدهد.

آکادمی ساکسی علوم در لایپتسیگ

Sächsische Akademie der Wissenschaften zu Leipzig

این آکادمی در سال ۱۸٤٦ تأسیس شده است و درحال حاضر دارای ۹۸ عضو ثابت و ۳۸ عضو وابسته است و چند نشریه منظم بنام Jahrbuch و Abhandlungen و Sitzungsberichte از طرف آن بچاپ میرسد.

آکادمی ساکسونی از مراکز علمی معتبر آلمان است و بخصوص سابقهٔ ممتدی در مطالعات خاورشناسی دارد. در قرن گذشته و اوائل قرن حاضر لایپتسیگ مهمترین مرکز نشر کتب مربوط به ایران‌شناسی بود، که با مراجعه به فهرست کتابشناسی آخر این فصل، میتوان اهمیت تعداد آنها را دریافت. قسمت زیادی از این کتب توسط این آکادمی یا با سرپرستی آن بچاپ رسید. درحال حاضر نیز در شعبه‌ای از این آکادمی که «زبان‌شناسی و تاریخ» Philologisch - historischen Klasse نام دارد سنت دیرینهٔ مطالعات خاورشناسی و ایران‌شناسی

حفظ میشود . ریاست این بخش در حال‌حاضر باپروفسور یوهانس یاهن Johannes Jahn است و گزارشهای مربوط باین مطالعات در نشریهٔ مخصوص این‌بخش بنام Abhandlungen der Philologisch - historischen Klasse

بچاپ میرسد .

انستیتوی آسیای مقدم دانشگاه برلین

Vorderasiatisches Institut der Alexander - Humboldt Universität zu Berlin.

این انستیتو وابسته‌بدانشکده فلسفه دانشگاه‌برلین است و توسط پروفسور هاینریش یونکر اداره میشود . مطالعات علمی انستیتو شامل رشته‌های مختلف : زبان ، ادبیات ، تاریخ ، فلسفه ، مذاهب ، هنرها وباستانشناسی شرقی است . انستیتودارای شعبه مخصوص مطالعات ایران‌شناسی است (Abteilung für Iranistik) که‌تصدی‌آن با بزرگ علوی است . درین شعبه زبانهای ایرانی قدیم و میانه و زبان و ادبیات جدید فارسی و نیز تاریخ و جغرافیای ایران و زبانهای کردی و تاجیکی تدریس میشود .

از طرف این انستیتو تاکنون کتابهای متعددی درباره ایران و ترجمه‌های مختلفی از آثار ادبیات معاصر ایران در سلسلهٔ انتشاراتی بنام « متون ایرانی و کتابهای راهنما » Iranische Texte und Hilfsbücher بچاپ رسیده است .

انستیتوی مطالعات سامی دانشگاه لایپتسیگ

Institut für Semistik der Karl-Marx-Universität Leipzig

این انستیتو از اواخر قرن نوزدهم بهمین نـام « انستیتوی مطالعات سامی » وجود داشت ، ولی همواره در آن توجه خاصی به‌مطالعات ایران‌شناسی مبذول‌میشد. در زمان حکومت نازی‌ها نام این انستیتو به انستیتوی مطالعات شرقی Institut für Orientalistik تغییر یافت ، ولی بعداز جنگ جهانی دوم مجدداً بنام قبلـی خود خوانده شد . از زمره دانشمندان برجسته‌ای که در این‌انستیتو کار کردندپروفسوروایسباخ F.H. Weissbach از بزرگترین زبانشناسان ایرانی آلمان بود که مخصوصاً در قرائت کتیبه‌های باستانی ایران تخصص داشت . وی در زمان جنگ براثر بمباران کشته شد .

« انستیتوی مطالعات سامی » دارای دائره‌های « زبان‌شناسی شرق » ، « باستان‌شناسی شرقی» ، «تاریخ شرق » است که توسط دکتر پتشف Petschof اداره میشود . تدریس زبان فارسی در «دانشکده خاورشناسی» دانشگاه لایپتسیگ نیز توسط این انستیتو انجام‌میگیرد .

مراکز تدریس فارسی

دانشگاه برلین Humboldt-Universität zu Berlin

این دانشگاه در سال ۱۸۰۹ تأسیس شده است و در حال حاضر نه دانشکده و ۱۹۰۰ استاد و دانشیار و در حدود ۱۵۰۰۰ دانشجو دارد. تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشکده فلسفه دانشگاه برلین توسط پروفسور بزرگ علوی و کتر مانفردلورنتس M. Lorenz و دکتر اکهارت فیشتنك E. Fichtnec صورت میگیرد که مؤلف اثری درباره عروض فارسی و ادبیات معاصر ایران است. کتاب درسی ادبیات فارسی این دانشگاه « تاریخ ادبیات جدید فارسی و تکامل آن » Geschichte und Entwicklung der modernen persischen Literatur نام دارد که شامل متون فارسی وراهنمای آنها باآلمانی است.

کتاب درسی خاصی نیز برای تعلیم فارسی بدانشجویان آلمانی توسط بزرگ علوی و « مانفرد ـ لورنتس » تألیف شده است.

دانشگاه هاله ویتن‌برگ

Martin Luther-Universität Halle-Wittenberg

این دانشگاه در سال ۱۶۹۴ بنام « دانشگاه هاله » تأسیس شده ودر ۱۸۱۷ پس‌از ترکیب بادانشگاه ویتن‌برگ که در ۱۵۰۲ تأسیس شده بود بصورت فعلی خود درآمده است . در حال حاضر این دانشگاه دارای هشت دانشکده و ۲۳۷ استاد و ۶۵۰۰ دانشجو است .

تدریس زبان فارسی در دانشکده فلسفه این دانشگاه توسط پروفسور کارل آمر K. Ammer که اصلا اتریشی و استاد زبانشناسی عمومی ومطالعات هندشناسی است انجام میگیرد . متخصص و استاد باستان‌شناسی ایران پروفسور هاینتس موده H. Mode است که کرسی باستانشناسی شرقی را اداره‌میکند . دروس مربوط بتاریخ اسلامی ایران درکرسی مطالعات اسلامی توسط پروفسور فوك H. Fuck تدریس میشود .

دروس کرسی « دوره ماقبل و آغاز تاریخ » (توسط پروفسور ف . اشلته F. Schlette) و کرسی «تاریخ دنیا » (توسط پروفسور ه. تیلمان H. Tillmann) نیز ازنظر کلی باایران ارتباط دارد .

دانشگاه لایپتسیگ Karl-Marx-Universität Leipzig

این دانشگاه در سال ۱۴۰۹ تأسیس شده است وبیش از پنج قرن ونیم از عمر آن میگذرد ، ودرحال حاضر دارای ده دانشکده و ۲۱۸۹ استاد و دانشیار و

دبیر و درحدود ۱٤۰۰۰ دانشجو است . کتابخانه ایـن دانشگاه که از کتابخانه‌های قدیمی ومعتبر آلمان است ۲،۰۰۰،۰۰۰ جلد کتاب دارد .

در دانشگاه فلسـفه دانشگاه لایپتسیگ زبـان فارسی توسط « مرتضوی » ، تاریخ باستانی ایـران در کرسی « تاریخ عمومی دوران قدیم » توسط پروفسور گونتر R. Günther و تاریخ ایران در کرسی « تاریخ خاور نزدیك و افریقای شمالی » توسط پروفسور راتمان L. Rathmann تدریس میشود . دو دانشمند خاور شناس جوان بنام رویشل Reuchel و فلایش هامـر Fleischhammer در رشتهٔ مطالعات مربوط بفرهنگ اسلامی ایران کار میکنند .

با همکاری علمی این دانشگاه یك فرهنگ‌فارسی آلمانی شامل ۵۰،۰۰۰ لغت درچاپخانه شرقی لایپتسیگ که دارای حروف فارسی و عربی است بچاپ میرسد .

دروس کرسی « زبانشناسی » (توسط پروفسور ر . روتسیکا R. Ruzicka) و « مطالعات فرهنگی » (توسط پروفسور ا . یوهن E. John) کـه هر دو وابسته به دانشکده زبان‌شناسی این دانشگاه است نیز از نظر کلی با ایران ارتباط دارد .

دروس چند کرسی دیگردانشکده فلسفه بشرح ذیل با ایران ارتباط دارد :

دورهٔ کلی ادبیات (توسط پـروفسور والتـر گیرنوس W. Girnus)

ادوار ماقبل تاریخ‌وآغازتاریخ (توسط‌پروفسور کارل هاینریش اوتو K.H. Otto)

زبانشناسی تطبیقی (توسط پروفسور ا . زایدل E. Seidel)

جغرافیای سیاسی و اقتصادی (توسط پروفسور ه . کوهل H. Kohl و پروفسور ه . سانکه H. Sanke)

مطالعات هندی (توسط پروفسور والتر روبن W. Ruben) .

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

کتابخانه دولتی آلمان (در برلین)

Deutsche Staatsbiblithek

این کتابخانه معروف در سال ۱۶۵۹ بنام کتابخانه سلطنتی Königliche Bibliothek تأسیس شد و بعداً نام آن به « کتابخانه دولتی پروس » Preussische Staatsbibliothek و کتابخانه علمی عمومی Oeffentliche Wissenschaftliche Biibliothek تبدیل یافت و از بعد ازجنگ جهانی دوم بنام کنونی خود خوانده شد . درحال‌حاضراین کتابخانه دارای ۳،۰۰۰،۰۰۰ جلو کتاب است ، و ۱،۸۰۰،۰۰۰ کتاب آن نیز در زمان جنگ به کتابخانه ماربورگ درآلمان غربی بامانت داده شده که مسترد نشده است .

کتابخانه دولتی برلین تا پیش از جنگ جهانی دوم دارای یکی از نفیس‌ترین ذخایر کتب و نسخ خطی فارسی در تمام اروپا بود که مجموعه آن به ۱،۸۰۰ نسخه بالغ میشد . در زمان جنگ از راه احتیاط نسخ خطی این کتابخانه به « توبینگن » و « ماربورگ » فرستاده شد تا ازآسیب بمباران‌های برلین محفوظ بماند ، ولی بعداز جنگ این دو کتابخانه حاضر نشدند ایـن

نسخ را بکتابخانه برلین بازگردانـند و فقـط قسمت محدودی از آنها مجدداً در اختیار این کتابخانه قرار گرفته است که از ۱۸ نسخه تجاوز نمیکند.

فهرست اسامی و مشخصات ۱۱۰۰ نسخه ازنسخ خطی فارسی این کتابخانه توسط « ویلهـلم پرچ » در سال ۱۸۸۸ در ۱۲۹۹ صفحه با عنوان ذیل در بـرلیـن بچاپ رسیده است :

Wilhelm Pertsch: Verzeichnis der persischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin. - Berlin, 1888

فهرست دیگری نیز درسال ۱۹۲۹ بنام« کاتالوگ کتب خطی دائره شرقی کتابخانه دولتی پروس » ازطرف خود این کتابخانه با عنوان ذیـل در لایپتسیگ منتشر شده است :

Preussische Staatsbibliothek: Katalog der Handbibliothek der Orientalischen Abteilung. - Leipzig, 1929

اطلاعات بیشتری درباره کتب خطی فارسی این کتابخانه که اکنون قسمت اعظم آن درکتابخانه دانشگاه توبینگن است قبلا در شرح مربوط به‌کتابخانه توبینگن داده شده است.

دساو Dessau

کتابخانه دانشگاهی ومحلی زاخسن آنهالت

Universität-und Landesbibliothek Sachsen - Anhalt

این کتابخانه درسال ۱۶۹۶ تأسیس شده ودارای ۱،۹۰۰،۰۰۰ جلد کتاب چاپی و مجموعه محدودی از کتب خطی است . در این کتابخانه کلکسیون جامعی از کتب چاپی درباره مطالعات مربوط بزبانهای ایرانی و ادبیات و هنرهای اسلامی ایران بزبانهای مختلف وجود دارد که فهرست مستقلی از آنها چاپ نشده‌است .

درسدن Dresden

کتابخانه ایالتی ساکس Sächsische Landesbibliothek

این کتابخانه در سال ۱۵۵۶ تأسیس شده وقبلا « کتابخانه سلطنتی درسدن » نام داشته است . « کتابخانه ایالتی ساکس » در درسدن دارای ۸۵۰،۰۰۰ کتاب چاپی و مجموعه‌ای از نسخ خطی شرقی منجمله کتاب‌های خطی فارسی است که مشخصات آنها در سال ۱۸۳۱ در فهرست لاتینی تألیف « اورتوبیوس فلایشر » تحت عنوان « کاتالوك نسخ خطی شرقی کتابخانه سلطنتی

درسدن » درشهر لایپتسیگ بچاپ رسیده است :
H. Orthobius Fleischer: Catalogus Codicum Manuscriptorum orientalium Bibliothecae Regiae Dresdensis. - Lipsiae, 1831

گوتا Gotha

کتابخانه ایالتی گوتا Landesbibliothek Gotha

این کتابخانه که سابقاً کتابخانه دوک‌نشین « ساکس کوبورگ گوتا » نام داشت درسال ۱۶۴۷ تأسیس شده وهمراه با « انستیتوی جغرافیائی » گوتا که درسال ۱۷۸۵ توسط یوستوس پرتس Justus Perthes تأسیس و ضمیمه آن گردید دارای کاملترین کلکسیون نقشه‌ها واسناد جغرافیائی در تمام دنیا بود ، و همین امتیاز شهرت جهانی این شهر کوچك را باعث شده بود . کتابخانه گوتا دارای مجموعه نفیسی از نسخ خطی فارسی است که فهرست کاملی از آنها در سال‌های ۱۸۵۹ تا ۱۸۹۳ توسط « ویلهلم پرچ » (مؤلف فهرست معروف نسخ خطی فارسی کتابخانه سلطنتی برلین) بنام « نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه دوك‌نشین گوتا » در هشت جلد در شهر وین با عنوان ذیل بچاپ رسیده‌است:
Dr. Wilhelm Pertsch: Die orientalischen Handschriften der Herzoglichen Bibliothek zu Gotha, 8 T. - Wien, 1859-1893.

Halle a.S. هاله

کتابخانه انجمن خاورشناسی آلمان

Bibliothek der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft.

این کتابخانه در سال ۱۸٤۵ از طرف انجمن خاورشناسی آلمان که در آن هنگام مرکز آن در این شهر بود تأسیس شد ، و در حال حاضر دارای ۵۱،۰۰۰ کتاب چاپی (غالباً مربوط بشرق) و ۳۵۱ نسخه خطی است که درحدود پنجاه نسخه آن بزبان فارسی است . این مجموعه باوجود انتقال مرکز انجمن خاورشناسی آلمان بشهر « ویسبادن » در دوره پس از جنگ جهانی دوم ، همچنان در «هاله» باقیمانده است .

فهرستی از این نسخ در سال ۱۹۱۱ توسط « میرمحمد مشرف‌الحق » بنام « فهرست نسخ خطی فارسی و هندوستانی کتابخانه انجمن خاورشناسی‌آلمان» در هاله با عنوان آلمانی ذیل بچاپ رسیده‌است :

Meer Mohammed Musharraf-ul-Hukk: Verzeichnis der persischen und hindustanischen Handschriften der Bibliothek der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft zu Halle a.S. - Halle, 1911

ینا Jena

کتابخانه دانشگاه ینا Universitätsbibliothek Jena

این کتابخانه در سال ۱۵۵۸ تأسیس شده ودارای قریب ۱٫۵۰۰٫۰۰۰ کتاب چاپی و ۶۶۱۵ نسخه خطی است . کلکسیون کتب خطی فارسی این کتابخانه شامل نسخ خطی نفیسی از مثنوی مولانا ، خمسه نظامی ، کلیات سعدی و نیز همایون نامه علی چلبی و نسخه‌ای حاوی شرح حال حضرت فاطمه‌زهرا و یك «مناجاتنامه» فارسی است . فهرست مستقلی ازین نسخ چاپ نشده است .

لایپتسیگ Leipzig

کتابخانه دانشگاه لایپتسیگ

Universitätsbibliothek Leipzig

این کتابخانه درسال ۱۵۴۳ تأسیس شده است و دارای قریب ۲،۰۰۰،۰۰۰ کتاب چاپی و ۲۵۰۰ نسخه خطی است . فهرستی از کتابهای خطی فارسی این کتابخانه در سال ۱۸۳۸ توسط «اورتوب فلایشر » به لاتینی بنام « فهرست کتابهای خطی عربی و فارسی و ترکی کتابخانه سنای لایپتسیگ » در شهر گریم بچاپ

رسیده است :

Orthobius Fleischer: Catalogus Librorum manuscriptorum qui in Bibliothecae Senatoriae Civitatis Lipsensis asservatur; Codices arabici, persici, turcici. - Grimma, 1838

فهرست دیگری شامل مشخصات کتب خطی‌شرقی این کتابخانه در سال ۱۹۰۶ توسط « کارل فولرس » ایران‌شناس معروف بنام « کاتالوك نسخ خطی اسلامی و شرق مسیحی و عبری و سامـری کتابخـانه دانشگاه لایپتسیگ » انتشار یافته است :

K. Vullers: Katalog der Islamischen, Christlich-orientalischen, Jüdischen und Samaritanischen Handschriften der Universitätsbibliothek Leipzig. - Leipzig, 1906

***

در دو موزه شهر لایپتسیگ نیز چند نسخه نفیس خطی فارسی بدین شرح وجود دارد :

موزه هنرهای دستی Kunstgewerbemuseum

نسخه‌ای از گلستان سعدی بخط سلطانعلی مشهدی خوشنویس معروف ونسخه دیوان امیر شاهی بخط همین کاتب .

موزه والتر شولتس Walter Schultz Museum

مرقعات سلطانعلی مشهدی ، شامل مجموعه‌ای از خطوط خوش این کاتب .

فیلیپ والتر شولتس بانی این موزه خود در سال ۱۹۱٤ کاتالوگی بنام نقاشیهای مینیاتوری اسلامی ایران در دو جلد درشهر لایپتسیگ انتشار داد :

P.W. Schultz: Die persich-islamische Miniaturmalerei. - Leipzig, 1914

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

موزه دولتی برلین Staatliche Museen zu Berlin

این موزه در سال ۱۸۳۰ بنام موزهٔسلطنتی برلین Königliche Museen zu Berlin تأسیس‌شد، وبعداز جنگ جهانی اول بصورت کنونی تغییر نام داد. موزه دولتی برلین از مهمترین و سابقه‌دارترین موزه‌های اروپا و دارای مجموعه‌های نفیسی از آثار هنر شرقی و ایرانی است.

این آثار در شعب مختلفی از این موزه نگاهداری میشوند که عبارتند از:

موزه اسلامی Islamisches Museum، موزه آسیای مقدم Vorderasiatisches Museum، موزه مصری Aegyptisches Museum، موزهٔ فرهنگ عامه Museum für Volkskunde، شعبه آثار باستانی Antiken - Sammlung، شعبه آسیای شرقی

Ostasiatische - Sammlung ، شعبه آثار ماقبل‌مسیحی Frühchristliche - Sammlung ، شعبـه آثار بیزانسی Byzantinische - Sammlung ، شعبـه آثـار حجاری و مجسمه‌سازی Skulpturen-Sammlung ، گالری ملی Nationalgalerie ، گالری تصاویر Gemälde Galerie خزانهٔ مسکوکات Münzkabinett ، موزه صنایع دستی Kunstgewerbe - Museum ، موزه آثار ماقبل تاریخ وآغازتاریخ Museum für Ur - und Frühgeschichte

در موزهٔ دولتی برلـین یکـی از نفیس‌تـرین مجموعه‌های هنری و باستانی مربوط به ایـران یـعنی نقاشی‌ها و مینیاتورهای مانوی تورفان (متعلق به‌قرون پنجم تا یازدهم میلادی) نگاهداری میشود .

فهرستی از ۲۰۰ نوشتهٔ کهـن مانوی کـه در موزه برلین شرقـی ضبط است در سال ۱۹۳۸ تـوسط «اولاف هانسن» استاد ایران شناس دانشگاه کنونی برلین غربی بنام « نوشته‌های باستانی فرس‌میانه از مجموعـه اوراق کهن موزه دولتی برلین » توسط آکادمی علوم آلمان درشهر لایپتسیگ انتشار یافته است :

O. Hansen: Die Mittelpersischen Papyri der Papyrus - Sammlung der Staatlichen Museen zu Berlin. — Leipzig, 1938

فهرست دیگری نیز بنام « آثار خطی مانوی در موزهٔ دولتی برلین » در سال ۱۹٤۰ توسط خود این موزه در شهر اشتوتگارت منتشر شده است :

Manischäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin. - Stuttgart, 1940

اطلاعات جامعی دربارهٔ این آثار در مجموعه‌ای بنام Turfan und Gandhara درسال ۱۹۵۷ توسط خود موزه بچاپ رسیده‌است.

در سالهای پیش از جنگ اول جهانی، این موزه دارای نشریه مهمی بنام «گزارشهای بخش آثار شرقی موزه سلطنتی برلین»
Mitteilungen aus den Orientalischen Sammlungen. Königliche Museen zu Berlin
بود که غالباً اطلاعات جالبی دربارهٔ آثار باستانی وهنری ایران درآن بچاپ میرسید.

موزه آثار ماقبل تاریخی ودوره آغاز تاریخ

Museum für Vor-und Frühgeschichte

درسال ۱۸۳۰ تأسیس شده استودارای مجموعه‌های آثار ماقبل تاریخی از عصر پالئولیتیك ببعد ازتمام نواحی اروپا و آسیا و شمال افریقا منجمله آثارمکشوفه در کاوشهای «ترویا» ودر مصر کهن است. از زمره آثار این موزه مجموعهٔ نفیسی‌از آثار مفرغی معروف لرستان است که فهرست کاملی از آنها درسال ۱۹۳۲ توسط «مورتگات» بنام «ابزارهای برنزی لرستان متعلق به شعبه آسیای مقدم موزه دولتی برلین» بچاپ رسیده است:

A. Moortgat: Staatliche Museen zu Berlin. Vorderasiatische Abteilung. Bronzegerät aus Luristan. - Berlin, 1932.

از زمرهٔ آثار ایرانی مهم این موزه لوحهٔ زرین « آریا رامنه » مکشوفه در تپه هگمتانه (همـدان) است که قدیمی‌ترین اثر تاریخی هخـامنشی است کـه تاکنون شناخته شده است .

لایپتسیگ Leipzig

موزه مردم شناسی لایپتسیگ

Museum für Völkerkunde

این موزه در سال ۱۸۶۹ تأسیس شده است ، و دارای کلکسیونهای جالبی از آثار مربوط به نژاد شناسی و مردم‌شناسی سراسر جهان منجمله ایران است . کتابخانه موزه دارای تقریباً چهل هزار کتاب است که قسمت مهمی از آنها جنبه تخصصی دارد .

مشخصات این کلکسیونها در نشریات منظم موزه بنام گزارشها Mitteilungen و راهنما Führer و انتشارات Veröffentlichungen بچاپ رسیده است .

فهرستی از کتابهای چاپی مربوط به ایران،
ترجمه های آثار ایرانی و متون فارسی که تا
کنون در آلمان بچاپ رسیده است.

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

9622522401

نشریات خاورشناسی

گزارشهای انستیتوی مطالعات خاورشناسی آکادمی علوم آلمان

Mitteilungen des Instituts für Orientforschung - Deutsche Akademie der Wissenschaften zu Berlin

این نشریه که مهمترین نشریه خاورشناسی آلمان شرقی است ازسال ۱۹۵٤ در برلین خاوری منتشر میشود ، ولی نشر آن بطور نامنظم صورت میگیرد . اداره علمی مجله را یك هیئت دوازده نفری از استادان خاورشناس بمدیریت والتر روبن W. Ruben بعهده دارند . هرشماره این مجله در حدود ۱٤٤ صفحه دارد .

نشریات انستیتوی مطالعات خاورشناسی آکادمی علوم آلمان

Veröffentlischung des Instituts für Orientforschung

سلسله انتشارات علمی و تحقیقی است که از سال ۱۹۵۳ از طرف آکادمی علوم آلمان در برلین شرقی بصورت مونوگراف منتشر میشود و تاسال ۱۹۶۹ هجده شماره از آن انتشار یافته است.

مجله ادبیات شرقی Orientalische Literaturzeitung

این مجله در سال ۱۸۹۸ با عنوان تکمیلی «ماهنامه مربوط به فرهنگ شرق قدیم و تأثیرات آن در فرهنگهای مختلف کشور های مجاور»
Monatsschrift für die Wissenschaft vom ganzen Orient und seine Beziehungen zu den angrenzenden Kulturkreisen

از طرف «آکادمی سلطنتی علوم آلمان» در برلین انتشار یافته و تا سال ۱۹۶۹ شصت و سه دوره از آن بچاپ رسیده است.

در حال حاضر این مجله هر دوماه یك شماره توسط آکادمی علوم آلمان در شهر لایپتسیگ منتشر میشود و هر شماره از آن ۵۶ تا ۸۸ صفحه دارد. هیئت تحریریه این مجله را جمعی از خاور شناسان معاصر اروپائی و آسیائی تشکیل میدهند و سردبیر آن دکتر گئورگ خزائی Georg Hazai است.

این مجله از نشریات معتبر خاورشناسی است.

۱۵۱۴ ـ شرح آنچه بدست صوفی بزرگ (پادشاه صفوی) در کالیمانیا ناحیهٔ نزدیك لپوی کاستل ، در سال ۱۵۱۴ روز هفدهم ژوئن برسر سلطان عثمانی آمد ـ تألیف پاول ورنهر ؛ چاپ نورنبرگ .

P. Wernher: Von der Schlacht geschehen dem Türken von dem grossen Sophi in Calimania der Provintz nahe bei Lepo dem Castel. In dem Jahre 1514 an dem XVII Tag Junii. Nuremberg, 1514.

۱۵۵٤ ـ سفری بجانب آسیا و افریقا ـ تألیف هانس شیلتبرگر ؛ چاپ فرانکفورت .

Hans Schildtberger: Reise nach Asien und Africa; — Frankfurt, 1554.

۱۵۸۳ ـ شرح‌واقعی اینکه چه‌تعدادی‌ازلشکریان‌ایرانی و گرجی عساکر ترك را موقع گذشتن از رود فرات تارومار کردند . ـ چاپ فرانکفورت .

Wahrhafte Beschreibung welcher Massen der Persianer und Georgianer Heer das türkische Kriegsheer, als sie über den Fluss Euphratum gewollt, zersträut und geschlagen. — Frankfurt, 1583.

۱۵۸۳ ـ تاریخچه جنگ سلطان مراد سوم پادشاه ترکیه و محمد خدابنده پادشاه ایران ـ تألیف هـ . پرسیوس ؛ چاپ فرانکفورت .

H. Porsius: Historia belli Persici gesti inter Murathem III Turcarum et Mehemetem Hoda-bende Persarum regem. — Francoforti, 1583.

۱۵۸۶ ـ شرح جامع عملیاتی که توسط وزیر پاشا وژنرال فرمانده قوای عثمانی و عساکر تحت فرمان اودر پیشروی از ارضروم بجانب تبریز علیه ایرانیان صورت گرفت ؛ چاپ مونیخ .

Ausführliche Ralazion was der türkische Wizir Passa und General Obrister Ossmann mit seinem untergebenen Kriegsvolk auf dem Zug von Erzrum nach Tabris wieder die Persianer fürgenommen.— Munich, 1586.

۱۵۸۸ ـ تفسیری دربارهٔ پادشاهان ایران . تألیف راینروس راینکیوس (بزبان لاتین) ؛ چاپ هلمشتت .

Reinerus Reineckius: Commentariums de regibus persicis. — Helmstädt, 1588.

ترجمهٔ آلمانی این کتاب درسال ۱۵۹۰ توسط خود مؤلف بنام **Chronica** von den Königen in Persia کارنامهٔ شاهان درایران درهلمشتت بچاپ رسید .

۱۵۸۹ ـ توصیفی از وضع مذهب و جامعهٔ روحانی در شاهنشاهی ایران (به لاتینی) ـ تألیف م . درسری ؛ چاپ ویتنبرگ .

M. Dresseri: Narratio de statu ecclesiae et religionis in Persico regno. — Wittenberg, 1589.

۱۵۹۳ ـ سحر فلسفی ، عبارت از گفتگوهای فرانسیس پاتریسی زرتشتی و اسکولاپ و فلسفه اعظم هرمت ترسمجسطی ، که برای نخستین بار به زبان لاتینی منتشر میشود . چاپ هامبورگ .

Magia philosophica, hoc est Fransisci Patricii Zoroaster, Asclepii Dialogus& philosophia magna Hermetis Trismegisti, poemander. Jam nunc primum e tenebris eruta & latine reddita. — Hamburgi, 1093.

۱۵۹۶ ـ زندگی سلاطین ترکیه و ایران و تمایزات آنها ـ تألیف بویساردوس ؛ چاپ فرانکفورت .

Boyssardus: Leben und contrafecten der Türkischen und Persischen Sultanen. — Frankfurt, 1596.

۱۶۰۱ ـ تاریخ ایران . تألیف پ . بیزاروس . چاپ فرانکفورت .

P. Bizarus: Rerum Persicarum historia. — Frankfurt, 1601.

۱۶۰۹ و ۱۶۱۰ ـ سفرنامه ایرانی ؛ شرح کوتاه ولی جامع و واقعی از سفر استفان کاکاش زالکمنی بایران در سال ۱۶۰۲ ، که همسفر وی گئورگ تکتاندرفن در یابل آنرا بپایان رسانید ـ چاپ آلتن‌بورگ .

Iter Persicum; kurtze, doch aussführliche und warhaftige Beschreibung der persianischen Reise welche...im Jahre 1602...Stephano Kaksch von Zal a Koemeny ... von seinem Reisegefaehrten Georgio Tectandro von der Jabel vollends contenuiret und verrichtet worden. — Altenburg, 1609-1610.

۱۶۱۶ ـ زرتشت باختری (اهل باکتریا) . تألیف یوهان هاینریش اورسین . چاپ نورنبرگ .

J. Henrici Ursinus: De Zoroastre Bactriano. — Norimbergae, 1616.

۱۶۲۲ ـ شرح شهادت پنج شهید تازه عیسوی که درایران جان سپردند . ترجمه لاتینی از متن ایتالیائی گزارشی که دراین باره بتاریخ یازدهم آوریل ۱۶۲۲ از اصفهان پایتخت ایران برای عالیجناب رئیس فرقه «کارم» های برهنه پا فرستاده شده است (به لاتینی) ؛ چاپ کلنی .

Breviarium novi martyrii quinque Persarum in Perside, latine redditum ex italicis literis quas Haspahanjo, urbe Persidis, ad Excalceatorum Romae praepositum generalem dedit eorundem ibi superior anno 1622, Aprilis II. — Cologne, 1622.

۱۶۲۸ ـ «تاریخ» یعنی شرح ماجراهای پادشاهان ایران ، از اردشیر بابکان تا یزدگرد و خلفا شامل وقایع دوره‌ای در حدود ۴۰۰ سال (به لاتینی) ـ تألیف و . شیکارد ؛ چاپ توبینگن .

Persae, ab Ardeschir Babekan unque ad Jasdegardem a Chaliphis expressum per annos fere 400. — Tubingae, 1628.

۱۶۵۴ ـ گلستان ایرانی ... که ۴۰۰ سال پیش توسط شیخ سعدی به فارسی تألیف و اکنون بوسیلهٔ ا. اولئاریو (آدام الئاریوس) با کمك یك ایرانی سالخورده بنام حق‌وردی ترجمه شده است ـ چاپ شلسویگ .

Persianischer Rosenthal ... vor 400 Jahren von Schich Saadi in persischer Sprache beschrieben. Jetzo aber von A. Oleario, mit Zuziehung eines alten Persianers namens Hakwirdi übersetzet. — Schlesswig, 1654.

۱۶۵۶ ـ ملحقاتی به سفرنامه روسیه وایران .. تألیف آدام اولئاریوس ، چاپ شلسویگ .

Adam Olearius: Vermehrte neue Beschreibung der muscovitischen und persischen Reyse. — Schlesswig, 1656.

۱۶۶۰ ـ گلستان ایرانی ... که توسط ا. اولئاریو برای باردیگر بزبان فصیح آلمانی ترجمه شده وبا بخشی ازتاریخ و تعداد زیادی یادداشت و تصویر وحواشی انتشار مییابد ؛ چاپ اشلسویگ .

Persianischer Rosenthal ... von A. Oleario in hochdeutscher Sprache zum andern Mahle mit etlichen Historien, vielen Notizen und Figuren vermehret und verbessert. — Schlesswig, 1660.

۱۶۶۳ ـ شرح تاریخی دربارهٔ داریوش ماد (به لاتینی) تألیف پ . شولتت ؛ چاپ ویتن‌برگ .

P. Schultet: Exercitatio historicis de Dario Medo. — Wittenberg, 1663.

۱۶۷۰ ـ شرح تاریخی دربارهٔ طرقی که ایرانیان باستان برای تحصیل آب از زمین های مفتوحه بکار می‌بستند ـ تألیف ی. مولر ؛ چاپ ینا .

J. Muller: Disputatio historica de nore, que Persae alim ... aquam et terram poscedant, quem sibi erant subjugaturi — Jena, 1670.

۱۶۷۵ ـ تاریخ زندگی و مرگ آقای هاینریش فن پوزر ، شامل یادداشتهای او که درآنها مسافرت وی از قسطنطنیه به بلغارستان و ارمنستان و ایران وهند شرح داده شده است . این اثر که به فرمانروای شاهزاده نشین موروثی اشوایدنیتس ویاور اهداء شده توسط فرزند حقشناس وی گردآوری شده است . چاپ ینا .

Der beiden Erb-Fürstenthümer Schweidnitz und Jauer Landes-Bestelltens, des Herrn Heinrich von Poser Lebens - und Todes-Geschichte, worinnen das Tagebuch seiner Reise von Constantinopel aus durch die Bulgarey, Armenien, Persien und Indien, ans Liecht gestellt von dessen dankbahrem Sohne. — Jena, 1675.

۱۶۷۶ ـ نکاتی جالب و ناگفته دربارهٔ شخصیت های ایران (به لاتینی) ـ تألیف یوهان گافارل ؛ چاپ هامبورگ .

J. Gaffarel: Curiositates inauditae de figuris Persarum. — Hamburg, 1676.

۱۶۸۱ ـ وصف کشور پادشاهی ایران ـ تألیف ا. داپر ، ترجمه ی. ك. برن ؛ چاپ نورنبرگ .

O. Dapper: Beschreibung des Königreichs Persien ... übersetzet von J. C. Beern. — Nürnberg, 1681.

۱۶۸۷ ـ نه سال مأموریت درخدمت ارتش ومسافرت در هند شرقی و ایران . سفرنامه‌ای ازسالهای ۱۶۷۷تا۱۶۸۵ـ تألیف د. پارتی ؛ چاپ نورنبرگ .

D. Parthey: Ostindianische und Persianische neunjaehrige Kriegsdienste und Reisen; und Reisebeschreibungen was sich von 1677 bis 1685 zugetragen. — Nürnberg. 1687.

۱۶۸۹ ـ بحث و انتقاد تاریخی دربارهٔ خشایارشا وبخت ـ النصر وکورش صغیر ـ تألیف ی. ك. ارتوپائوس (به لاتینی) ؛ چاپ اشتراسبورگ .

J. Ch. Artopaeus: Diatribehistorica de Xerxe, Nabucadnezare ac Cyro minor. — Strassburg, 1689.

۱۶۹۶ بـوستان ایرانـی ، شامـل داستانهای بـر گزیده فراوانی با حوادث آموزنده و ضرب‌المثل های جالب که بزبان فارسی توسط شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی نوشته شده و از فارسی به هلندی و ازهلندی به آلمانی فصیح ترجمه شده است . همراه با سفرنامه مترجـم ـ اثر ا. اولئاریوس ؛ چاپ شسلویگ .

A. Olearius: Der persianische Baumgarten, mit auserlesenen Propfreisern vieler Geschichten, seltsamen Begebenheiten, lehrreichen Historien und merkwürdigen Sprüchen bepflanzt. In persi scher Sprache beschrieben durch Schich Musladi Saadi von Schiraz; und aus persianischer in niederländische und aus derselben in die hochdeutsche Sprache gebracht. — Reisebeschreibungen. — Schlesswig, 1696.

۱۷۰۱ ـ خطابه‌ای در هواداری از ایران وسایر همسایگان شرقی توسط آدریانوس رلاندوس (به لاتینی) ؛ چـاپ تاریکت آدرنوم .

Adrianus Relandus: Oratio pro Persica et cognatis orientalibus ... Tarjecti ad Rhenum, 1701.

۱۷۰۵ ـ سفر تازه‌ای به هند شرقی ... توأم با شرح ایالت گمرون (بندرعباس) در خلیج فـارس ـ تألیف پاول دوروی ؛ چاپ لایپتسیگ

P. de Roy: Neue Ost-Indische Reise ... ingleichen die Stadt Gameron am Golfo in Persian. — Leipzig, 1705.

۱۷۰۷ ، ۱۷۰۹ ، ۱۷۱۶ ـ سفر بایران و هند شرقی از سال ۱۶۹۹ تا سال ۱۷۰۲ ، درسه جلد ـ تألیف فرانتس کاسپار شیلینگر؛ چاپ نورنبرگ .

F.C. Schillinger: Persianische und Ost-Indianische Reise vom Jahre 1699 bis 1702. 3 Bdes. — Nürnberg 1707, 1709, 1716.

۱۷۱۲ ـ پنج مجلد جالب دربارهٔ مباحث سیاسی و ارضی و پزشکی مربوط به سرزمینهای خارجی ؛ مشهودات و توصیفاتی از مردم ایران و بقیه آسیا ـ تألیف انگلبرت کمپفر ؛ چاپ لمگو .

E. Kämpfer: Amoenitatum exoticarum politico - physico - medicarum fasciculi, quibus continentur variae relationes, observationes et descriptiones rerum Persicarum et Ulterioris Asiae. — Lemgo, 1712.

۱۷۱۶ ـسفر بایران وهند شرقی از ۱۶۹۹ تا ۱۷۰۲ ـ تألیف ویلهلم‌وبر و ویلهلم مایر ؛ چاپ نورنبرگ .

W. Weber & W. Hayer: Persianischen und öst-Indianische Reise 1699-1702. — Nürnberg, 1716.

۱۷۲۰ ـ کهن‌ترین آثار زبان فـارسی که امکان گرد ـ آوری آنها در نوشته های قدیمی ترین نویسندگان یونانی ورومی بدست آمده است . به این‌شرح نامه‌ای نیزاز مارکو زوئروی بوسهورنی به نیکل بلانکارد دربارهٔ کلمات‌فارسی و قرابت آنها با کلمات زبان آلمانی افزوده شده است . همچنین دارای مقدمه ، حواشی و توضیحاتی است کـه به همت یوهان هنری وان زلن تدوین شده است . تألیف ویلیام برتن . چاپ لوبك .

W. Burton: Veteris linguae Persicae quae apud pirscoscriptores Graecos et Latinos reperiri potuerunt. Accedit Marci Zuerii Boxhornii epistola ad Nicol Blancardum de Persicis curtio memoratis vocabulis eorumque cum Germanicis cognatione. Praefatione, notis et additamentis instructa a Joh. Henr. van Seelen. Lubecae, 1720.

۱۷۲۳ ـ میرویس شاهزاده قندهار، سردار برجسته و فرمانده یاغیان کنونی ایران، که شرح عملیات او براساس گفتگوئی با دوتن از طلاب پرتستان که اخیراً از سفر خود در ایران به آلمان بازگشته‌اند تدوین و منتشر میشود (نام مؤلف و محل چاپ نامعلوم).

Mirweis, Printz von Candahar und vornehmstes Haupt de ritzigen Rebellen in Persien vorgesellt in einer Unterredung zweyer reformisten Studenten deren neulich aus Persien wieder in Deutschland angelangt. — 1723.

۱۷۲۵ ـ سه کتاب کامل و قسمتی از کتاب چهارم تیتوی بوسترنی در رد مانویت، که برای نخستین‌بار بزبان یونانی همراه با تفسیری از فرانچسکو توتیانی بچاپ میرسد. چاپ گوتینگن.

Titus Bostreni: Libri tres una cum argemento libri quarti adversus Manichaeos, Graece primum in luce editi cum interpretation Fransisci Tuttiani. Gottingae, 1725.

۱۷۳۱ ـ خاطرات مربوط به‌آخرین لشکرکشی‌تزار روسیه به ایران در سال ۱۷۲۲ ـ تألیف‌هـ . برنر ؛ چاپ لایپتسیگ.

H. Brenner: Memorial betreffend die letate Kriegs-Expedition der Czaren wider Persien. Anno 1722. — Leipzig, 1725.

۱۷۳۱ ـ کارنامه یك‌مسافر ، یا تاریخچه جنگ‌اخیر ایران با افاغنه ـ تألیف یوهان س . کلدیاس (به‌لاتینی) ؛ چاپ لایپتسیگ .

J.S. Clodias: Chronicon perigrinantis seu historia ultimi belli Persarum cum Aghuanis gesti. — Leipzig, 1731.

۱۷۳۷ ـ شرح یك سفر ده ساله به‌هند شرقی وایران که بعون حضرت مسیح برشته تحریر درآمده ـ تألیف یوهان گوتلیب ورمس ؛ چاپ در سدن و لایپتسیگ .

J.G. Worms: Zehnjaehrige Ost - Indien - und Persianische Reisen, ans Licht gestellt durch Christ. — Dresden & Leipzig, 1727.

۱۷۳۹ ـ تاریخ معاصر ایران ، براساس منابع انگلیسی و هلندی ـ تألیف هـ . سالمون و هـ . گوخ ؛ چاپ فلنسبورگ وآلتونا .

H. Salmon & H. Goch: Heutige Historie ... von Persien, nach dem Englischen und Holländischen. — Flensburg & Altona, 1739.

۱۷٤۰ ـ تاریخ طهماسبقلی‌خان ، صوفی (پادشاه) ایران (به‌فرانسه) ـ چاپ لایپتسیگ .

Histoire de Thamas Kouli-Kan, Sofi de Perse. — Leipzig, 1740.

۱۷٤٦ ـ جاسوس طهماسبقلی خان در دربارهای اروپا . ترجمه از فارسی توسط آبه دوروش برون (به‌فرانسه) . ـ چاپ کلنی .

Abbé de Rochebrune: L'espion de Thamas Kouli-Kan dans les Cours de l'Europe. Traduit du Persan. — Cologne, 1746.

۱۷٥۱ ـ زرتشت ، تاریخ ترجمه از کلدانی براساس متن باربیه (به‌فرانسه) . چاپ‌باهتمام شوالیه دومیگان دربرلین.

Zoroastre: Histoire traduite du Chaldéen, d'après Barbier; édité par le Chavalier de Mehigan. — Berlin, 1751.

۱۷٦۰ ـ تاریخ کلی شاهان ایران وسلاطین هرمز . تألیف یوهان زملر ؛ چاپ هاله .

J.S. Seminar: Allgemeine Historie der Schahe von Persien und Könige von Hormuz. — Halle, 1760.

۱۷۷٦ ـ وصف ایالاتی که از گیلان تا حاجی طرخان در کنار دریای خزر واقع شده‌اند ـ تألیف ایوان ولف ، چـاپ هاله .

I. Wolf: Beschreibung der an der Caspischen See von Gilan bis Astrachan liegenden Provinzen. — Halle, 1776.

۱۷۸۰ و ۱۷۸۱ ـ سفرهائی‌به‌ایران و توصیفی ازجالبترین نکات مربوط بدین کشور (دردوجلد)؛ چاپ فرانکفورت.

Reisen nach Persien, nebst einer Beschreibung der wichtigsten Merkwürdigkeiten dieses Reichs. 2 Bde. — Frankfurt, 1780-1781.

۱۷۸۲ ـ حکایاتی از زندگانی انوشیروان ـ تألیف ا. گ. مایسنر ؛ چاپ فرانکفورت .

A.G. Meissner: Anekdoten zu Nuschirvans Leben. — Frankfurt, 1782.

۱۷۸۶ ـ کوششی برای تدوین یك تاریخ ادبیات هند شرقی ، بانضمام یك قضاوت انتقادی دربارهٔ اصالت‌کتاب زند . تألیف اوگوست هنینگ . چاپ هامبورگ .

A. Henning: Versuch einer Ostindischen Literaturgeschichte nebst einer kritischen Beurtheilung der Echtheit der Zend-Bücher. Hamburg, 1786.

۱۷۸۷ ـ یادداشت تاریخی درباره زرتشت وکنفوسیوس ـ تألیف بارون دوبوك (بەفرانسه) ؛ چاپ هاله .

Baron de Bock: Mémoire historique sur Zoroastre et Confucius. — Halle, 1787.

۱۷۸۹ ـ وحی اورمزد به‌زرتشت یا ملخص زنداوستا . تألیف ا . د . اکارد . چاپ گرایفسوالده .

E.D. Eckard: Ormuzd's lebendes Wort an Zoroaster, oder Zend-Awesta im Auszuge. Greifswalde, 1789.

۱۷۹۱ ــ آثار مذاهب زرتشتی در نزد ملل بیگانه .تفسیرها وملاحظاتی از نظر تاریخی وانتقادی دربارهٔ زرتشت و پندهای نوشته او تألیف ت . ك . تیشسن . چاپ گوتینگن .

T.C. Tychsen: De Religionum Zoroastricarum apud extras gentes vestigiis. — Commentation prior observationes historico-criticas de Zoroastre ejusque scriptis placitis exhibes. Gottingae, 1791.

۱۷۹۱ ــ تاریخ ایران وتحلیلی از آن ــ تألیف گونتر وال ، چاپ لایپتسیگ .

S.F.G. Wahl: Geschichte und Beschreibung von Persien. — Leipzig, 1791.

۱۷۹۵ ــ آسیای صغیر و آسیای میانه در دوران قدیم و جدید یاتوصیف عملی جغرافیائی وآماری وتاریخ مملکت ایران از عهد باستان تا بامروز ــ تألیف گونتروال ، چاپ لایپتسیگ .

S.F.G. Wahl: Altes und Neues Vorder- und Mittelasien oder pragmatisch-geographische und statistische Schilderung und Geschichte des Persischen Reichs von den ältesten Zeiten bis auf diesen Tag. — Leipzig, 1795.

۱۷۹۵ ــ فلسفه عامیانه عربها وایرانیان وترکان ــ تألیف فریدریش دومبی ، چاپ آگرام .

F.L. Dombay: Popular-Philosophie der Araber, Perser und Türken. — Agram, 1795.

۱۷۹۵ ـ قدیمترین تاریخ ایـران ـ تـألیف کـارل فریدریش ریشتر (به لاتینی) ؛ چاپ لایپتسیگ .

K.F. Richter: Historiae Persarum antiquissimae — Leipzig, 1795.

۱۷۹۶ ـ آئین آتش پـرستـان در هند و ایران . تألیف ۱ . د . اکارد . چاپ آلتونا .

F.D. Eckard: Die Religion der Feueranbeter in Indien und Persien. Altona, 1796.

۱۷۹۶ ـ سفر به‌ایران ـ تألیف یوهان ا . برگ ؛ چاپ لایپتسیگ .

J.A. Bergk: Reise nach Persien. — Leipzig, 1796.

۱۷۹۹ ـ دربارهٔ ایجاد زبان کتابت میخی و ریشهٔ کتیبه‌های خط میخی تخت جـمشید . تألیف س. س ویته . چـاپ رستوك .

S.S. Witte: Ueber die Bildung der Schriftsprache und den Ursprung der keilförmigen Inschriften zu Persepolis. Rostock, 1799.

۱۸۰۱ ـ بناهای تخت جمشید وداستان حماسی فردوسی شاعر دربارهٔ ایرانیان ـ تألیف گ . ا . هاگمن ؛ چـاپ گوتینگن .

G.E. Hagemann: Monumenti Persepolitani e Firdusio poeta Persarum heroica illustration. — Gottingae, 1801.

۱۸۰۲ ـ میوه‌های ذوق آسیائیان (ادبیات شرقی) تألیف تئودورهارتمن ؛ چاپ لایپتسیگ .

A.T. Hartmann: Früchte asiatischen Geistes. — Leipzig, 1802.

۱۸۰۲ تا ۱۸۰۸ ـ شرح سفر به‌کشورهای ترکیه و مصر وایران در دوران شش‌سالهٔ اول جمهوری فرانسه ، از ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۸ (در سه جلد) ـ تألیف گ . ا . الیویه ؛ چاپ وایمار .

G.A. Oliviers Reise durch das Türkische Reich, Aegypten und Persien, während der ersten sechs Jahre der französischen Republik, oder von 1792 bis 1798. 3 Bde. — Weimar, 1802-1808.

۱۸۰۲ ـ گلچینی شرقی ـ تألیف تئودور هارتمن ، چاپ برلین .

A. Th. Hartmann: Morgenländische Blumenlese. — Berlin, 1802.

۱۸۰٤ ـ تاریخ تحلیلی سلسله های اشکانیان و سامانیان برمبنای روایات ایرانی ویونانی ورومی ـ تألیف کارل فریدریش ریشتر ، چاپ لایپتسیگ .

K.F. Richter: Historisch-kritischer Versuch über die Arsaciden und Sassaniden Dynastie nach den Berichten der Perser, Griechen und Römer bearbeitet. — Leipzig, 1804.

۱۸۰۵ ـ سفرهائی به‌ایران، اقتباس‌از سفرنامه‌های‌شاردن، فورستر، فرانکلین، گاملن و سایر سفرنامه‌ها ـ تألیف یوهان ا. برگ، چاپ لایپتسیگ.

J.A. Bergk: Reisen in Persien nach Chardin, Forster, Franklin, Gamelin, und anderen Reisebeschreibungen. — Leipzig, 1805.

۱۸۰۵ ـ مطالعه دربارهٔ قرائت و توضیح کتیبه‌های موسوم به میخی تخت‌جمشید. تألیف گ. ف. گروتفند. چاپ گوتینگن.

G.F. Grotefend: Praevia de cuneatis quas vocant inscriptionibus Persepolitanis legendis aut explicandis relatio. Gottingae, 1805.

۱۸۰۷ ـ ترجمه لیلی و مجنون جامی، توسط تئودور هارتمن، چاپ لایپتسیگ.

Dschami: Leila und Medjnun; übers. von A.T. Hartmann. — Leipzig, 1807.

۱۸۰۸ ـ تاریخ سامانیان ایران تألیف میرخوند، براساس نسخهٔ خطی کتابخانهٔ سلطنتی هانوور که برای اولین‌بار باهتمام فریدریش ویلکن بچاپ میرسد؛ چاپ گوتینگن.

Mirkhondi historia Samanidarum persice e codice bibliothecae regie Hannoveranae, nunc primum edidit Fr. Wilken. — Gottingae, 1808.

۱۸۰۸ ـ مسافرت به‌ایران و آسیای صغیر . تألیف گ . ا . الیویه ، در دوجلد ؛ چاپ لایپتسیگ .

G.A. Olivier: Reise durch Persien und Klein-Asien ...; 2 Bde. — Leipzig, 1808.

۱۸۰۹ ـ زبان ونبوغ ایران ـ تألیف اوتمار فرانك؛ چاپ نورنبرگ .

O. Frank: De Persidis Lingua et Genio. — Norimbergae, 1809.

۱۸۰۹ ـ شیرین ، یك منظومهٔ شرقی از منابع فارسی و ترکی ـ ترجمهٔ یوزف هامرپورگستال ، چاپ لایپتسیگ.

J. v. Hammer-Purgstall: Schirin, ein morgenländisches Gedicht nach persischen und türkischen Quellen. — Leipzig, 1809.

۱۸۱۰ ـ وصف شاهنشاهی ایران که باامانتداری بسیار براساس نوشته‌های استرابن و تطبیق آنها با آثار نویسندگان دیگر توسط یوهان شابو تدوین شده است ؛ چاپ هایدلبرگ .

Descriptio Persici Imperii ex Strabonis tum ex-aliorum auctorum cum illo comparatorum fide composita auctore Ioan Szabo. — Heidelberg, 1810.

۱۸۱۱ ـ قابوس‌نامه یا تعالیم کیکاوس شاه به‌پسرش گیلانشاه ـ ترجمه هانس فریدریش دیتس ؛ چاپ برلن .

H. Fr. Diez: Buch des Kabus oder Lehren des persischen Königs Kejkjawus für seinen Sohn Gilan Schah. — Berlin, 1811.

۱۸۱۱ ـ فارس‌نامه ابن‌بلخی ـ ترجمه هانس فریدریش دیتس ؛ چاپ برلن .

H. Fr. Diez: Fars-Nameh aus Ibn-Balchi. — Berlin, 1811.

۱۸۱۲ ـ تاریخ غوریان قلمرو ایران و هند و سلاطین تاتار قره‌ختائی ، تألیف میرخوند ـ چاپ متن فارسی و ترجمه لاتینی باشرح و حواشی ، باهتمام د . ا . میتشرلیش؛ چاپ فرانکفورت .

Mirkhondi historia Ghuridarum regiae Persiae, Indiaeque atque Carachitajorum imperatorum Tatariae; persice et latine edidit et annotavit D.E. Mitscherlich. — Francoforti ad Maenum, 1812.

۱۸۱۲ ـ دیوان محمد شمس‌الدین حافظ ـ ترجمه هامرپورگستال ، دردوجلد . چاپ اشتوتگارت وتوبینگن .

J. v. Hammer-Purgstall: Der Diwan von Mohammed Schamsed-din Hafis. — Stuttgart und Tübingen, 1812.

۱۸۱۳ ـ تاریخ طاهریان ، تألیف میرخوند ـ متن‌فارسی و ترجمه لاتینی ، چاپ گوتینگن .

Mirkhondi historia Taheridarum, persice et latine. — Gottingae, 1813.

۱۸۱۳ ـ شیرهٔ گل (گلاب) یا حماسه و هنر مشرق زمین ؛ نقل از آثار عربی و فارسی وترکی ـ تدوین و ترجمهٔ یوزف هامر پورگستال ، در دو جلد ؛ چاپ اشتوتگارت و توبینگن .

J. v. Hammer-Purgstall: Rosenöl oder Sagen und Kunden des Morgenlandes aus arabischen, persischen und türkischen Quellen gesammelt. 2 Bde. — Stuttgart & Tübingen, 1813.

۱۸۱۴ ـ دیوان غربی و شرقی ، اثر یوهان ولفگانگ گوته ، چاپ و ایمار .

J. W. Goethe: West-östlicher Diwan. — Weimar 1814.

۱۸۱۶ ـ شرح سفری به‌ایران در سال ۱۸۱۲ ـ تألیف فریگانگ کودریاوسکی ـ چاپ هامبورگ .

F. Freygang-Koudriavski: Relation d'un voyage en Perse en 1812. — Hamburg, 1816.

۱۸۱۸ ـ توصیف وتوضیح ابنیهٔ ماد وپارس باستانی . تألیف کارل فریدریش کریستیان هوك . چاپ گوتینگن .

Carolus Fridericus Christianus Hoeck: Veteris Mediae et Persiae monumenta, descripsit et explicit. Gottingae, 1818.

۱۸۱۹ ـ سفر به‌ایران در معیت هیئت نمایندگی سیاسی امپراتوری روسیه در سال ۱۸۱۷ ـ تألیف م . کوتسبو ؛ چاپ وایمار .

M. Kotzebue: Reise nach Persien mit der Kaiserlich Russischen Gesandtschaft im Jahre 1817. — Weimar, 1819.

۱۸۲۰ ـ کتاب دلاوران ایران ، مستخرج از شاهنامه فردوسی ـ ترجمه یوهان گورس ، در دو جلد ؛ چاپ برلین .

J. Görres: Das Heldenbuch von Iran aus dem Schah Nameh des Firdusi. 2 Bde. — Berlin, 1820.

۱۸۲۰ ـ روایات مقدس مذهبی ملل باستانی باختر ومادو پارس ، بعبارت دیگر ملل زند . تألیف یوهان‌گوتلیب روده . چاپ فرانکفورت .

J.G. Rhode:Die heilige Sage und das gesammte Religionssystem der alten Baktrer, Meder, und Perser. oder des Zendvolks. Frankfurt, 1820.

۱۸۲۱ ـ تصوف یا مکتب ایرانی وحدت وجود ـ تألیف ف . ا . تلوك ؛ چاپ برلین .

F. A. D. Tholuck: Sufismus, sive Theosophia Persarum Pantheistica. — Berlin, 1821.

۱۸۲۲ ـ گلهای شرقی ـ اثر منظوم فریدریش روکرت ؛ چاپ ارلانگن .

F. Rückert: östliche Rosen. — Erlangen, 1822.

۱۸۲۲ ـ طوطی‌نامه ضیاءالدین نخشبی ، مجموعه‌ای از قصه‌های فارسی . چاپ‌متن‌فارسی باهتمام م قادری ، ترجمه آلمانی توسط کارل‌ایکن. با منضمه‌ای ازیوهان کسگارتن. چاپ اشتوتگارت .

Diya' adDin Nachsabi: Touti Nameh. Eine Sammlung persischer Märchen (in der Bearbeitung des M. Qadiri). Deutsche Uebersetzung von J.G.L. Kosegarten. Stuttgart, 1822.

۱۸۲۲ـ تغییر و توضیح دربارهٔ نوشته‌های خطی فارسی . تألیف پ . بوهلن (به لاتینی) . چاپ لایپتسیگ .

P.A. Bohlen: Symbolae ad interpretationem s. Codicis ex lingua Persica. Lipsiae, 1822.

۱۸۲۳ ـ ایران ـ تألیف فریدریش گرفر ؛ چاپ پست .

F. Gräffer: Persien. — Pesth, 1823.

۱۸۲۳ ـ سفر یوهـان اتر به ایـران ؛ چاپ هاله .

Reisen des J. Otter nach Persien. 2 Bde., — Halle, 1823.

۱۸۲٤ ـ دربارهٔ منشاء تاریخ باستانی ایـران برمبنای روایات نویسندگان شرقی ـ تألیف ت . ك . تیشن ؛ چاپ گوتینگن .

T. C. Tychsen: De origine ac fide antiquae Persarum historiae, qualis a scriptoribus orientalibus traditur. — Gottingae, 1824.

۱۸۲۵ ـ گلچینی از آثار عرفانی مشرق‌زمین ـ تدوین و ترجمه ف . ا . تلوك ؛ چاپ برلین .

F. A. Tholuck: Blüthensammlung aus der morgenländischen Mystik. — Berlin, 1825.

۱۸۲۵ ـ تفسیری درباره تاریخ سامانیان ـ تألیف و . کردنر ؛ چاپ گوتینگن .

W. Credner: Commentatio exhibens historiam Samanidarum. — Göttingen, 1825.

۱۸۲۶ ـ درباره قدمت واصالت زبان زند و زنداوستا و پیدایش الفبای زند . بانضمام یك بررسی کلی در مورد ریشهٔ این‌زبان . تألیف ، . راسك . ترجمه بآلمانی توسط فریدریش . فن در هاگن . چاپ برلین .

R. Rask: Ueber das Alter und Echtheit der Zendsprache und des Zend-Awesta und Herstellung des gesammten Sprachstammes, übersetzt von F. A. von der Hagen. Berlin, 1826.

۱۸۲۷ ـ اغماض مذهبی مانویان . تألیف آ . . وگنر . چاپ لایپتسیگ .

A. V. Wegner: Manichaeorum indulgentia. Lipsiae, 1827.

۱۸۲۷ ـ وضع کنونی روابط ایران وروسیه (نام مؤلف نامعلوم) ـ چاپ ینا .

Stand der Angelegenheiten zwischen Russland und Persien. — Jena, 1827.

۱۸۲۷ ـ مناسبات روسیه وایران از زمـان سلطنت تزار ایوان واسیلیویچ تا زمان جنگ‌حاضر ـ تألیف ف .اشتیلر؛ لایپتسیگ .

F. Stiller: Verhältnisse Russlands und Persiens seit der Regierung des Czaaren Iwan Wassiljewitsch bis zum Ausbruch des gegenwärtigen Krieges. — Leipzig, 1827.

۱۸۲۷ ـ سه نغمه از گلستان سعدی ـ ترجمه از فارسی توسط برنارد دورن ؛ چاپ هامبورك .

B. Dorn: Drei Lustgänge aus Sadi's Rosenhain. Aus dem Persischen übersetzt. — Hamburg, 1827.

۱۸۲۸ ـ زندگی ورسوم ایرانیان ـ تألیف و . ا . لینداو (در دو جلد) ؛ چاپ درسدن .

W. A. Lindau: Leben und Sitten in Persien. 2 Bde. — Dresden, 1828.

۱۸۲۸ ـ طرحهای ایرانی ـ تألیف فریدریش هلـدمن (در دوجلد) ؛ چاپ دارمشتات .

F. Heldmann: Persische Skizzen. 2 Bde. — Darmstadt, 1928.

۱۸۲۹ ـ ایران ـ تألیف ا . اهرنشتاین (در سه جلد) ؛ چاپ لایپتسیگ .

A. Ehrenstein: Persien. 3 Bde. — Leipzig, 1829.

۱۸۲۹ ـ بیستمین قسمت از وندیداد زنداوستا که هنوز باقی مانده و از روی نسخه خطی پاریس تحت توجهات عالیه فردریك ششم پادشاه دانمارك همراه با تعبیر های مختلف مطالب که توسط یوستوس اولسهاوزن هولساتوس تشریح شده بچاپ رسیده است. چاپ هامبورگ.

Vendidad Zend-Avestae pars XX adhuc superstes... sub auspicio Frederici VI Daniae Regis e codd. MSS Parisinis primium edidit, varietatem lectionis adjecit Justus Olshausen Holsatus. Hamburgi, 1829.

۱۸۲۹ ـ جمشید، فریدون، گشتاسپ، زرتشت. تحلیلی تاریخی وانتقادی از دو فصل اول وندیداد. همراه با مقدمه‌ای از ریتر هئرن. تألیف آرنلدهولستی. چاپ هانوور.

A. Hölty: Djemschid, Feridun, Gustasp, Zoroaster. Ein kritisch-historische Untersuchung über die beiden ersten Capitel des Vendidad. Mit einem Vorwort vom Ritter Heeren. Hannover, 1829.

۱۸۳۱ ـ نکاتی چند دربارهٔ آئین زرتشتی، ترجمه از فارسی با شرحها و حواشی مبسوط، بانضمام شرحی دربارهٔ زندگانی فردوسی نقل از تذکرةالشعرای دولتشاه. ترجمه و تألیف یوهان فولرس؛ چاپ بن.

J. A. Vullers: Fragmente über die Religion des Zoroaster aus dem Persischen übersetzt und mit einem ausführlichen Kommentar versehen, nebst dem Leben des Firdusi aus Dauletscha's Biographien der Dichter. — Bonn, 1831.

۱۸۳۱ ـ آئین‌مانی ـ تألیف فریدریش کارل باور ؛ چاپ توبینگن .

F. C. Bauer: Das Manichäische Religionssystem. — Tübingen, 1831.

۱۸۳۲ ـ تاریخ ایران . تألیف یوهان گ . ا . گالتی ؛ چاپ گوتا .

J. G. A. Galetti: Geschichte von Persien. — Gotha, 1832 .

۱۸۳۲ ـ تاریخ غزنویان ، تألیف میرخوند بزبان فـارسی که توسط فریدریش (فدریکوس) ویلکنس به‌لاتینی ترجمه شده‌است ـ چاپ برلین .

Mirkhondi historia Gasnevidarum, persice edidit, latin vertit Fredericus Wilkens. — Berolini, 1832.

۱۸۳۳ ـ منتخباتی از شاهنامه برای استفاده در مدارس ، بانضمام حواشی و لغتنامهٔ مبسوط . تدوین و چاپ باهتمام یوهان اوگوست فولرس ؛ چاپ بن .

Chrestomathia Schahnamiana; in usum scholarum edidit annotationibus et glossario locupleti instruxit Johann August Vullers. — Bonnae, 1833.

۱۸۳۳ ـ جنگ ایران ، ترجمه از پروکوپیوس ـ چاپ بن .

Procopios: De bello Persico. — Bonn, 1833.

(متنی که دراین سال ازاین کتاب دربارهٔ تاریخ جنگ ایران وروم منتشر شد ، متن اصلی یونانی پروکوپیوس همراه با ترجمه لاتینی آن بود که توسط دیندرف Dindorf چاپ شد . متن یونانی این کتاب جداگـانه در همان سال در لایپتسیگ توسط تروبنر Trübner و ترجمه آلمانی آن در «گرایفوالد» توسط کانگیسر Kannegiesser بچاپ رسید.)

۱۸۳۳ ـ راهنمای سفر : سفری بسوی ایران تا تهران ؛ چاپ نورنبرگ .

Reisen Routes: Eine Reise durch Persien bis Teheran. — Nürnberg, 1833.

۱۸۳٤ ـ مواعظ (جملات قصار) علی‌بن ابوطالب ، کـه بمنظور استفاده در مدارس برای نخستین‌بار برمبنای نسخه خطی عربی و فارسی موجود وایمار ، همراه با حواشی صرف و نحوی و شرح وتفسیر منتشر میشود ـ تدوین وچاپ ی . گ . اشتیگل ؛ چاپ ینا .

J. G. Stickel: Aliben Abu Taleb Sententiae; Arabice et persice codice manuscripto Wimariensi primus edidit atque in usum scholarum. Annott maximam partem grammaticis nec non glossariis instrunit. — Jena, 1834.

۱۸۳۵ تا ۱۸۵۷ ـ « کشف‌الظنون » تألیف حاجی خلیفـه کاتب‌چلبی . چاپ متن در لایپتسیگ .

۱۸۳۵ـ معتقدات اساطیری ایرانیان باستان بعنوان سرچشمهٔ اصول و آداب مذهبی مسیحی . تألیف ق . نورك . چاپ لایپتسیگ .

F. Nork: Mythen der Alten Perser als Quellen christlicher Glaubenslehren und Ritualien. Leipzig, 1835.

۱۸۳۶ ـ خطوط میخی فارسی باستانی تخت جمشید . قرائت الفبا وتوضیح مطالب آنها . باضافهٔ تحلیل جغرافیائی دربارهٔ محل ساتراپیهای باستانی که هرودت از آنها نام برده ، و کتیبه دربارهٔ ملل ایران باستان . تألیف کریستیان لاسن . چاپ بن .

Ch. Lassen: Die altpersischen Keilinschriften. von Persepolis. Entzifferung des Alphabets und Erklärung des Inhalts. Nebst geographischen Untersuchungen über die Lage der in dem Herodotischen Satrapien - Verzeichnis und einer Inschrift erwähnten altpersischen Völker. Bonn, 1836.

۱۸۳۶ ـ زرتشت و عصر او . تألیف آرنلد هولتی . چاپ لونبورگ .

A. Holty: Zoroaster und sein Zeitalter. Lüneburg, 1836.

۱۸۳۶ ـ نغمه‌های عطرآگین ، یا برگزیده آثار شاعران ایران ـ تدوین و ترجمه یوزف فن هامر پورگستال : چاپ اشتوتگارت .

J. v. Hammer-Purgstall: Duftkörner. Aus persischen Dichtern gesammelt. — Stuttgart, 1836.

۱۸۳۷ ـ صد سخن از علی ، جملات قصار عربی با ترجمه فارسی آنها توسط رشیدالدین وطواط ـ ترجمه آلمانی ه . ل . فلایشر ؛ چاپ لایپتسیگ.

H. L. Fleischer: Ali's hundert Sprüche, arabisch und persisch paraphrasiert von Raschideddin Watwat. — Leipzig, 1837.

۱۸۳۷ ـ بررسیهای تازه‌ای در توضیح کتیبه‌های میخی تخت جمشید . تألیف فریدریش گروتفند . چاپ هانوور .

G. F. Grotefend: Neue Beiträge zur Erklärung der Persepolitanischen Keilinschrift Hannover, 1837.

۱۸۳۷ ـ تاریخ سلاجقه ، تألیف میرخوند . متن فارسی ، باهتمام یوهان فولرس ؛ چاپ گیسن .

Mirkhondi Historiae Seldschukidarum, Persice edidit J. A. Vullers. — Giessen, 1837.

۱۸۳۸ ـ تاریخ سلاجقه ، تألیف میرخوند . ترجمه ازمتن فارسی برای نخستین‌بار ، همراه با توضیحات و حواشی ، توسط یوهان ا . فولرس ؛ چاپ گیسن .

Mirkhonds Geschichte der Seldschuken aus dem Persischen zum ersten Mal übersetzt und mit Anmerkungen erläutert von J. A. Vullers. — Giessen, 1838.

۱۸۳۸ ـ گلشن راز محمود شبستری . متن فارسی و ترجمه آلمانی ، بانضمام دو تصویر از قریه شبستر و مزار شبستری در تبریز ـ ترجمه و چاپ یوزف فن‌هامر پورگستال ، چاپ پست .

J. v. Hammer-Purgstall: Mahmud Schebisteri's Rosenflor des Geheimnisses. Mit zwei Ansichten des Dorfes Schebister und der Grabstätte von Tebris. — Pesth, 1838.

۱۸۳۸ ـ رستم و سهراب ، حماسه‌ای در دوازده کتاب . اثر منظوم فریدریش روکرت ؛ چاپ ارلانگن .

F. Rückert: Rostem und Suhrab; eine Heldengeschichte in zwölf Büchern.— Erlangen, 1838.

۱۸۳۸ (و ۱۸٤۰) ـ دنیای ایرانی ـ تألیف کارل ریتر ، در دو جلد ؛ چاپ برلین .

K. Ritter: Iranische Welt. 2 Bdes. — Berlin, 1838 & 1840.

۱۸۳۹ ـ تراجم احوال شعرای ایران . نقل از تذکرة ـ الشعرای دولتشاهی ، بانضمام شرح زندگی حافظ شیرازی. تألیف یوهان فولرس ؛ چاپ گیسن .

J. A. Vullers: Vitae poetarum Persicorum ex Dauletschahi historia poetarum excerptae: Hafizi Schirazensis vitam tenens.— Gissae, 1839.

۱۸٤۱ ـ دو فصل کوتاه از شاهنامه . ترجمه ا . آمتور ؛ چاپ لایپتسیگ .

E. Amthor: Zwei kleine Episoden aus dem Schahnameh. — Leipzig, 1841.

۱۸٤۱ ـ گلستان سعدی . ترجمه‌از فارسی‌توسط ف . ولف. چاپ اشتوتگارت .

Ph. Wolff: Sadi's (Moslicheddin) Rosengarten. Aus dem Persischen. — Stuttgart, 1841.

۱۸٤۲ و ۱۸٤۳ـ تاریخ ایلخانیان یا شرح احوال مغولان در ایران ، در دوجلد ـ باهتمام یوزف فن‌هامر پورگستال؛ چاپ دارمشتات .

J. v. Hammer - Purgstall: Geschichte der Ilkhanen, das heisst der Mongolen in Persien: 2 Bd. - Darmstadt, 1842 - 1843.

۱۸٤۳ ـ هفت درویش ، از نخشبی ـ ترجمهٔ هرمان بروکهاوس ؛ چاپ لایپتسیگ .

H. Brockhaus: Die sieben weisen Meister, von Nachschabî. — Leipzig, 1843.

۱۸٤٤ ـ کتاب تاریخ حمزهٔ اصفهانی ـ چاپ متن فارسی باهتمام فریدریش گوتوالد ؛ لایپتسیگ .

F. Gottwalt: Hamza al-Isfahani: Kitab-e Tarikh. — Leipzig, 1844.

۱۸٤٥ـ توضیح خطوط میخی ایرانی . تألیف آدلف ـ هولتسمان . چاپ کارولسروهه .

A. Holzmann: Beiträge zur Erklärung der Persischen Keilinschriften. Carlsruhe, 1845.

۱۸۴۵ ـ اصول طب عربی حسین بن عبدالله ابوعلی ابن سینا، استخراج از کتاب پنجم قانون ابن سینا ـ ترجمه زونتهایمر؛ چاپ فرایبورگ .

Sontheimer: Avicenna, Huusain Ibn 'Abd - Allah Abu Ali Sina, zusammengestellte Heilmittel der Araber. Nach dem fünften Buch des Canons von Ibn Sina. - Freiburg, 1845.

۱۸۴۶ ـ معتقدات مذهبی مصری وزرتشتی بعنوان قدیمی‌ترین منبع اندیشه‌ها واعتقادات ما . تألیف ا . م . روت . چاپ مانهایم .

E. M. Röth: Die Aegyptische und die Zroastrische Glaubenslehre als die älteste Quelle unserer spekulativen Ideen. Mannheim, 1846.

۱۸۴۶ ـ حافظ . مجموعه‌ای از اشعار فارسی ـ تدوین و ترجمهٔ گ . ف . داومر ؛ چاپ هامبورگ .

G. F. Daumer: Hafis. Eine Sammlung persischer Gedichte. — Hamburg, 1846.

۱۸۴۶ ـ منتخب ادبیات فارسی ـ تدوین و ترجمه فریدریش اشپیگل ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Chrestomathia Persica. — Lipsiae, 1846.

۱۸۴۷ ـ علم الاصوات زبان فارسی باستانی . تألیف یولیوس اوپرت . چاپ برلین .

J. Oppert: Das Lautsystem des Altpersischen. Berlin, 1847.

۱۸٤۹ ـ مثنوی یاابیات شیخ مولانا جلال‌الدین رومی . ترجمه از اصل فارسی توسط گ . روزن ؛ چاپ‌لایپتسیگ.

G. Rosen: Mesnewi oder Doppelverse des Scheich Mewlânâ Dschelâl-ed-din Rûmî. Aus dem Persischen übertragen. — Leipzig, 1849.

۱۸۵۰ ـ اوستا ، وندیداد . کتاب مقدس زرتشت ، یسنا ، ویسپرد ووندیداد برمبنای‌چاپ‌های‌سنگی پاریس وبمبئی، با فهرست و لغتنامه ـ تألیف و ترجمه هرمان بروکهاوس؛ چاپ لایپتسیگ .

H. Brockhaus: Avesta, Vendidad: Die heiligen Schriften Zoroasters, Yacna, Visperd und Vendidad. Nach den lithographierten Ausgaben von Paris und Bombay, mit Index und Glossar. — Leipzig, 1850.

۱۸۵۰ ـ بوستان مصلح الدین سعدی ـ ترجمه کارل هاینریش گرف ؛ چاپ ینا .

K. H. Gräfe: Masliheddin Sadi's Lustgarten (Bostan) ;2 Bde. — Jena, 1850.

۱۸۵۰ تا ۱۸۵٤ ـ زنداوستا ، فصل نوزدهم وندیداد (در سه جلد) ـ ترجمه فریدریش اشپیگل ؛ چاپ‌مونیخ.

F. Spiegel: Awesta, Zend. Der neunzehnte Fargard des Vendidad. 3 Bde. München, 1850-1854.

۱۸۵۰ ـ سفرنامه هانس شیلتبرگر به‌آسیا وافریقا از ۱۳۹۴ تا ۱۴۲۷ ، که برای اولین‌بار از روی نسخه خطی این سفرنامه موجود در هایدلبرگ باهتمام گ.ف نویمان بچاپ میرسد ـ چاپ مونیخ .

Hans Schildtberger: Reisen nach Asien und Afrika 1394-1427. Zum ersten Male nach der Heidelberger Handschrift hrsg. von C. F. Neumann. — München, 1850.

۱۸۵۰ و ۱۸۵۳ ـ شرحی در توضیح کتاب زند . تألیف تئودور بنفی . در دوجلد . چاپ گوتینگن .

Th. Benfey: Beiträge zur Erklärung des Zend. 2 Bde. Göttingen, 1850, 1853.

۱۸۵۱ ـ دربارهٔ چند نوشته الحاقی در وندیداد ، فرگرد نوزدهم . تألیف فریدریش فن‌اشپیگل . چاپ ارلانگن .

F. v. Spiegel: Ueber einige eingeschobene Stellen im Vendidad. Der 19. Fargard. Erlangen, 1851.

۱۸۵۱ ـ دستور زبان پارسی با نمونه‌هائی از نوشته‌های آن. تألیف فریدریش اشپیگل . چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Grammatik der Pârsisprache nebst Sprachproben. Leipzig, 1851.

۱۸۵۱ ـ سرودهای میرزا شفیع ـ اثر منظوم فریدریش بودنشتت ؛ چاپ برلین .

F. Bodenstedt: Die Lieder des Mirza Schaffy. — Berlin, 1851.

۱۸۵۱ ـ حماسه فردوسی . نخستین ترجمه منظوم شاهنامه از فارسی، همراه با مقدمه‌ای دربارهٔ حماسه سرائی در ایران ـ ترجمه فریدریش شاك ؛ چاپ برلین .

A. F. Schack: Heldensagen von Firdusi. Zum ersten Male metrisch aus dem Persischen übersetzt, nebst einer Einleitung über das iranische Epos. — Berlin, 1851.

۱۸۵۱ ـ حماسه اسکندر در مشرق‌زمین ـ تألیف فریدریش اشپیگل ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Die Alexandersage bei den Orientalen. — Leipzig, 1851.

۱۸۵۱ ـ سفـر من به تفلیس و تبریز ـ تألیف پ . م . ورنتسوو ؛ چاپ برون .

P. M. Woronzow: Meine Reise nach Tiflis und Täbris. — Brünn, 1851.

۱۸۵۱ ـ زنداوستا ، یا نکاتی دربارهٔ امور آسمانی و جهان دیگر ـ تألیف گوستاف تئودور فشنر ؛ چاپ فرانکفورت .

G. T. Fechner: Zend-Avesta, oder über die Dinge des Himmels und des Jenseits. — Frankfurt. 1851.

۱۸۵۲ ـ مجموعه تازه‌ای از اشعار حافظ ـ تدوین و ترجمه فریدریش داومر ؛ چاپ نورنبرگ .

G. F. Daumer: Hafis. Neue Sammlung. — Nürnberg, 1852.

۱۸۵۲ (و ۱۸۶۳) ـ اوستا . کتاب مقدس پارسیان. ترجمه از متن اصلی با توجه به تفسیر ها وروایات مختلف ، توسط فریدریش اشپیگل (در دو جلد) ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Awesta, die heilige Schrift der Parsen, aus seinem Grundtext übersetzt mit Rücksicht auf die Tradition. 2 Bde. Leipzig, 1852 & 1863.

۱۸۵۲ ـ زندگی و خصائص مردم هند وایران ، نقل از پانماخاندا ـ تألیف فریدریش شونبرگ ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Schönberg: Patmakhanda: Lebens — und Charakterbilder aus Indien und Persien. — Leipzig, 1852.

۱۸۵۲ ـ سفر بهایران و سرزمین کردها ـ تألیف م . واگنر، چاپ لایپتسیگ .

M. Wagner: Reise nach Persien und dem Lande der Kurden. 2 Bde. Leipzig, 1852.

۱۸۵۲ ـ تاریخ سلاطین آل بویه ، نقل از میرخوند ـ ترجمه کارل ویلکن ؛ چاپ برلین .

K. Wilken: Geschichte der Sultane aus dem Gedichte Bujeh, nach Mirchond. — Berlin 1852.

۱۸۵۳ ـ اشعار حماسی از متن فارسی کتاب فردوسی ، در دو جلد ـ توسط فریدریش شاك ؛ چاپ برلین .

A. F. Schack: Epische Dichtungen aus dem Persischen des Firdusi. 2 Bde. — Berlin. 1853.

۱۸۵۳ـ دربارهٔ طرز تعبیر وندیداد . تألیف فـریدریش اشپیگل . چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Zur Interpretation des Vendidad. Leipzig, 1853.

۱۸۵۳ ـ چاپ متن «احکام السلطانیه» ماوردی ، دربن .

۱۸۵٤ ـ دربارهٔ زبان پهلوی و بوندهش . تألیف مارتین هاوگ . چاپ گوتینگن .

M. Haug: Ueber die Pehlevi-Sprache und den Bundehesch. Göttingen, 1854.

۱۸۵٤ ـ فلات ایران (ایران ، افغانستان و بلوچستان) ـ تألیف فریدریش وایلند ؛ چاپ وایمار .

C. F. Weiland: Das Hochland von Iran. (Persien, Afghanistan und Belutschistan). — Weimar, 1854.

۱۸۵٤ (تا ۱۸۶۰) ـ غزلیات حافظ ؛ متن فارسی همراه باشرح سودی (شارح ترك) بر دیوان حافظ ، در سه جلد ـ باهتمام هرمان بروکهاوس ؛ چاپ لایپتسیگ .

Die Lieder des Hafiz. Persisch mit dem Kommentare des Sudi. hrsg. von H. Brockhaus. 3 Bde. — Leipzig, 1854-1860.

۱۸۵۵ ـ ایران بعداز انقراض صفویه ـ تألیف کـارل فریدریش نویمان ؛ چاپ لایپتسیگ .

K. F. Neumann: Persien seit dem Niedergang der Sefi. — Leipzig, 1855.

۱۸۵۵ ـ دربارهٔ ریشه نژاد ایرانی ـ تألیف فریدریش اشپیگل ؛ چاپ مونیخ .

F. Spiegel: Ueber die iranische Stammverfassung — München, 1855.

۱۸۵۵ (تا ۱۸۶۷) ـ قاموس فارسی لاتینی ، در دوجلد باضافه یك متمم . تألیف یوهان فولرس ؛ چاپ بن .

J. A. Vullers: Lexicon Persico-latinum. 2 Bde. mit einem Supplement. — Bonn, 1855, 1864, 1867.

۱۸۵۵ ـ سکه‌های هخامنشی آرامی وایـرانی ـ تألیف فریدریش بلاو ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. H. Blau: De nummis achemenidarum aramaeo-persicis. Leipzig, 1855.

۱۸۵۵ ـ عشق وشراب وغیره . غزلیات فارسی از اشعار جامی که برای اولین‌بار به‌آلمـانی منتشر میشود ـ ترجمه م . ویکرهاوزر ؛ چاپ لایپتسیگ .

M. Wickerhauser: Liebe, Wein und Mancherlei. Persische Lieder nach Dschami's Text zum ersten Mal deutsch gegeben. — Leipzig, 1855.

۱۸۵۵ ـ سفرهائی درایران ـ تألیف ف . هولیندا ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Holinda: Reisen in Persien. — Leipzig, 1855.

۱۸۵۵ ـ سفرهائی در ایران و هردوهند . تألیف فریدریش هاینتسلمن . چاپ لایپتسیگ .

F. Heinzelmann: Reisen in Persien und die beiden Indien. Leipzig, 1855.

۱۸۵۶ ـ آناهیتای ایرانی یا آنائیتیس (ناهید) ـ تألیف فریدریش ویندیشمن ؛ چاپ مونیخ .

F. Windischmann: Die persische Anahita oder Anaitis. — München, 1856.

۱۸۵۶ ـ توضیحاتی دربارهٔ علم زبان ایرانی . تألیف فریدریش فن‌اشپیگل . چاپ ارلانگن .

F. v. Spiegel: Beiträge zur iranischen Sprachkunde. Erlangen, 1856.

۱۸۵۷ ـ سیر تکامل طریقهٔ مذهبی مانوی . یك تحقیق تاریخی وانتقادی . تألیف فریدریش کلدیتس . چاپ لایپتسیگ .

F. E. Colditz: Die Entstehung des Manichäischen Religionssystems; historischkritisch untersucht. Leipzig, 1857.

۱۸۵۷ تا ۱۸۶۱ ـ گرامر تطبیقی زبانهای سنسکریت، زند، ارمنی ، لاتینی ، اسلاوی باستانی ، گتی و آلمانی . تألیف فرانتس بوپ ، درسه جلد . چاپ برلین .

F. Bopp: Vergleichende, Grammatik des Sanskrit, Send Armenischen, Griechischen, Lateinischen, Altslawischen, Gotischen und Deutschen. 3 Bde. Berlin, 1857-1861.

۱۸۵۷ـ سفر به‌موصل‌وادامهٔ آن‌از راه کردستان به‌ارومیه‌ـ تألیف گ . ساندرتسکی ؛ چاپ اشتوتگارت .

G. Sandreczki: Reise nach Mosul und durch Kurdistan nach Urumia. — Stuttgart, 1857.

۱۸۵۷ ـ میترا (مهر) . بررسی در تاریخ اساطیر مشرق زمین ـ تألیف فریدریش ویندیشمن ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Windischmann: Mithra. Ein Beitrag zur Mythengeschichte des Orients. — Leipzig, 1857.

۱۸۵۷ ـ نتایج یك‌سفر گیاه شناسی به ماوراء قفقاز شرقی و آذربایجان ـ تألیف ن . ك . زایدلیتس ؛ چاپ درپات .

N. K. Seidlitz: Botanische Ergebnisse einer Reise durch das östliche Transkaukasien und Asserbeidschan. — Dorpat, 1857.

۱۸۵۸ ـ فصول سوم و چهارم کتاب مصلح‌الدین سعدی ، که برای نخستین‌بار از روی نسخه خطی براتیسلاوا با تطبیق باگلستان چاپ‌کلکته همراه با حواشی و توضیحات ومقدمه منتشر میشود . به‌فارسی ولاتینی . ترجمه وتألیف م . گودمان . چاپ لایپتسیگ .

M. Guedemann: Moslih-ed-dini Sa'dii Concessuum tertius et quartus ad fidem codicis Vratislaviensis primum edidit, cum editione Calcutt. collati, adnotationibus criticis et exegeticis instructi. Dissertatio inauguralis. (Persisch und lateinisch). — Leipzig, 1858.

۱۸۵۸ـ وضع بازرگانی ایران ـ تألیف ا . بلاو ؛ چاپ برلین .

O. Blau: Commerzielle Zustände Persiens. — Berlin, 1858.

۱۸۵۸ ـ هشت سال در آسیا وافریقا ، از ۱۸٤۵ تا ۱۸۵۳ . بامقدمه‌ای بقلم برتولد زئمان ، با تطبیق با یادداشتهای بنیامین‌دتودلا ، ر.پتاکیا ، پدروتیخیراو ریترزا اردکونده‌ـ تألیف ای . ی . بنیامین ؛ چاپ هانوور .

I. J. Benjamin: Acht Jahre in Asien und Afrika, von 1845 bis 1853. Nebst einem Vorworte von Berthold Seeman. Mit vergleichenden Notizen aus Benjamin de Tudela, R. Pethachia, Pedro Teixeira und Ritters Erdkunde. — Hannover, 1858.

۱۸۸ (و ۱۸٦۰) ـ گاتهای پنجگانه یا مجموعه‌ای از سرودها وسخنان زرتشت واصحاب و پیروان او (در دوجلد) ـ ترجمه وتدوین وتحشیه م . هاو گ؛ چاپ لایپتسیگ .

M. Haung: Die 5 Gâthâs oder Sammlung von Liedern und Sprüchen Zarathustras, seiner Jünger und Nachfolger, herausgegeben, übersetzt und erklärt. 2 Bde. — Leipzig, 1858 & 1860.

۱۸۵۸ ـ شرحی دربارهٔ شعر فلسفی ومذهبی در نزدایرانیان برمبنای منطق‌الطیر فریدالدین عطار . تألیف ر. کرل ؛ چاپ گوتینگن .

R. Krehl: Compte-rendu de la poésie philosophique et religieuse chez les Persans d'après le Mantic — Uttair ... de Farid-Uddin Attar. — Göttingen, 1858.

۱۸۵۸ تا ۱۸۶۲ ـ توضیح زند اوستا براساسی کاملاجدید تألیف ایگناسیوس پیتراشوسکی . در سه جلد . چاپ برلین.

I. Pietraszewski: Zend-Avesta, expliquée d'apres un principe tout à fait nouveau. 3 vol. Berlin, 1858-1862.

۱۸۵۹ ـ غزلیات حافظ ـ ترجمه فریدریش داومر ؛ چاپ نورنبرگ .

C. F. Daumer: Die Hafisischen Lieder. — Nürnberg, 1859.

۱۸۵۹ ـ ارقلیطوس وزرتشت ، یك بررسی تاریخی . تألیف اوگوست گلادیش . چاپ لایپتسیگ .

A. Gladisch: Herakleitos und Zoroaster, eine historische Untersuchung. Leipzig, 1859.

۱۸۵۹ ـ قسمتی از نوشته های تیتوی بوسترنی در رد مانویت که‌در مجموعهٔ مخطوطات هامبورگ نگاهداری میشود ومتن یونانی آن توسط پل دولاگارد شناخته شده است . چاپ برلین .

Titi Bostreni quae ex opere contra Manichaeos edito in Codisce Hamburgensi Servata Sunt, Graece e recognitione P. A. de Lagarde. Berolini, 1859.

۱۸۵۹ ـ کتابهای‌چهارگانه تیتوی بوسترنی به‌زبان‌سریانی در رد مانویان‌که باهتمان پل آنتون‌د ولاگاردبچاپ‌رسیده است . چاپ برلین .

Titi Bostreni contra Manichaeos libri quatuor Syriace, Paulus Antonius de Lagarde edidit. Berolini, 1859.

۱۸۵۹ـ عقاید ومباحثات‌اسکندر لیکوپولی‌در ردمانویان. تألیف اوگوست برینکمان . چاپ لایپتسیگ .

A. Brinkmann: Alexandri Lycopolitani contra Manichaei opiniones disputation. Lipsiae, 1859.

۱۸۶۱ ـ خلاصهٔ دستور زبان زند . تألیف ایگناسیوس پیتراشوسکی . چاپ برلین .

I. Pietraszewki: Abrégé de la grammaire Zend. Berlin, 1861.

۱۸۶۱ ـ چاپ ترجمه سنسکریتی نریوسنگ ازیسنا باهتمام فریدریش اشپیگل ، باشرح و توضیح . چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Neriosangh's Sanskirt-Uebersetzung des Yaçcna, herausgegeben und erläutert. Leipzig, 1861.

۱۸۶۲ ـ مانی ، تعالیم و نوشته های او ـ تألیف گوستاف فلوگل ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Flügel: Mani, seine Lehre und seine Schriften. — Leipzig, 1862.

۱۸۶۲ (و ۱۸۶۳) ـ شرح سفر هیئت سفـارت سلطنتی پروس بایران در سالهای ۱۸۶۰ و ۱۸۶۱ (در دوجلد) تألیف هاینریش بروگش ؛ چاپ لایپتسیگ .

H. C. Brugsch: Reise der Kgl. Preussischen Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861. 2 Bde. — Leipzig 1862, 1863.

۱۸۶۲ ـ متون اساسی کتیبه‌های خطمیخی فارسی‌باستانی و ترجمه آنها ، همراه با دستور زبان ولغتنامـه . تألیف فریدریش اشپیگل . چا پ‌لایپتسیگ .

F. Spiegel: Die altpersischen Keilinschriften im Grundtexte mit Uebersetzung, Grammatik und Glossar. Leiuzig, 1862.

۱۸۶۳ ـ مطالعات اوستائی : ترجمـه بوندهش . توسط فریدریش ویندیشمان . چاپ برلین .

F. Windischmann: Bundehesch. Uebersetzt. Zoroastrische Studien. Berlin, 1863.

۱۸۶۳ ـ خود آموز زبان فارسی . صرف ونحو ومنتخبات قرائتی ولغتنامه ـ تألیف مارتین شولتسه ؛ چاپ البینگ .

M. Schultze: Handbuch der persischen Sprache. Grammatik, Chrestomathie, Glossar. — Elbing, 1863.

۱۸۶۳ ـ ایران ، سرزمین بین‌سند ودجله ـ تألیف فریدریش اشپیگل ؛ چاپ برلین .

F. Spiegel: Eran, das Land zwischen dem Indus und Tigris. — Berlin, 1863.

۱۸۶۳ ـ مطالعات زرتشتی . بررسیهائی دربارهٔ تاریخ اساطیری و حماسی ایران باستان . تـألیف فریدریش ویندیشمان ، که پس از مرگ او باهتمام فریدریش اشپیگل بچاپ رسیده است . چاپ برلین .

F. Windishmann: Zoroastrische Studien Abhandlungen zur Mythologie und Sagengeschichte des alten Iran. Nach dem Tode des Verfassers hrsg. von Fr. Spiegel. Berlin, 1863.

۱۸۶۳ ـ خرده اوستا ـ ترجمه فریدریش اشپیگل ؛ چاپ لایپتسیگ.

F. Spiegel: Khorda-Awesta. — Leipzig, 1863.

۱۸۶۳ ـ فرهنگ فارسی به فرانسه ، بایك فهرست الفبائی بمنظور استفاده فرانسه به فارسی ازاین فرهنگ ـ تألیف آدلف برژه . چاپ لایپتسیگ .

A. Berger: Dictionnaire Persan-français avec une table alphabétique pour servir de dictionnaire français-persan. — Leipzig, 1863.

۱۸۶۳ ـ غزلیات حافظ ، متن فارسی با شرح سودی ـ چاپ جدید توسط هرمان بروکهاوس ؛ لایپتسیگ .

H. Brockhaus: Die Lieder des Hafis. Persisch mit dem Kommentar des Sudi. — Leipzig, 1863.

۱۸٦٤ ـ ترجمه کامل شدهٔ آلمانی کتابهای زرتشت .. جلد اول ؛ زنداوستا ، اثر ایگناسیوس پیتراشوِسکی . چــاپ برلین .

Ignatius Pietraszewki: Deutsche verbesserte übersetzung der Bücher des Zoroaster....Erster Theil: Zend-Awesta. Berlin, 1864.

۱۸٦٤ ـ کتاب راهنمای زبان زند . فرهنگ و گرامر و منتخبی از متون زبان باختری باستانی تألیف فردیناند یوستی . چاپ لایپتسیگ .

F. Justi: Handbuch der Zendsprache. Altbactriches Wörterbuch, Grammatik, Chrestomathie. 1864.

۱۸٦٥ (و ۱۸٦۹) ـ تفسیری براوستا ـ تألیف فریدریش اشپیگل ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Commentar über das Awesta. — 2 Bde. Leipzig, 1865 & 1869.

۱۸٦٥ ـ ترجمه قطعاتی ازدیوان شمس‌الدین محمد حافظ ، توسط هاینریش فردیناند نسلمن . چاپ برلین .

Shemseddin Muhammad Hafis: Der Diwan. Im Auszuge übers. v. G.H.F. Nesselmann. Berlin, 1865.

۱۸٦٥ ـ سرزمین ایران واهالی آن . شرح مردم شناسی . تألیف یاکوب ادوارد پلاك ، در دوجلد . چاپ‌لایپتسیگ .

J. E. Polak: Persien. Das Land und seine Bewohner. Ethnographische Schilderungen. 2 Bde. Leipzig, 1865.

۱۸٦۵ ـ حماسه فردوسی . ترجمه به آلمانی با مقدمه‌ای دربارهٔ حماسه سرائی درایران ـ اثر فریدریش شاك؛ چاپ برلین .

A. F. Schack: Heldensagen von Firdusi; in deutscher Nachbildung nebst einer Einleitung über das iranische Epos. — Berlin, 1865.

۱۸٦٦ (تا ۱۸۷۳) ـ معجم البلدان یاقوت . چاپ متن در شش جلد ، باهتمام فردیناندووستنفلد ؛ چاپ لایپتسیگ .

Jacut's geographisches Wörterbuch ... herausgegeben von Ferdinand Wüstenfeld; 6 Bde. — Leipzig, 1866-1873.

۱۸٦٦ ـ دربارهٔ شناسائی ابن‌سینا وآلبرتوس کبیر ـ تألیف ب . هانبرگ ؛ چاپ مونیخ .

B. Haneberg: Zur Erkenntnislehre von Ibn Sina und Albertus Magnus. — München, 1866.

۱۸٦٦ ـ فرهنگ ترکی ـ عربی ـ فارسی . تألیف تئودور تسنکر ؛ چا پ‌لایپتسیگ .

J. T. Zenker: Dictionnaire turc-arabe-persan. — Leipzig, 1866.

۱۸٦٦ ـ دربارهٔ معتقدات یهودی در مورد فرشتگان و شیاطین ، و وابستگی این معتقدات به آئین پارسی . تألیف آلکساندر کوهوت . چاپ لایپتسیگ .

A. Kohut: Ueber die Jüdische Angelologie und Daemonologie in ihrer Abhängigkeit vom Parsismus. Leipzig, 1866.

۱۸۶۷ ـ دربارهٔ ارتباط تورات باآئین زرتشت . تألیف ا . هاوپت . چاپ برلین .

E. Haupt: Ueber die Berührungen des Alten Testaments mit der Religion Zarathustras. Berlin, 1867.

۱۸۶۷ ـ گرامر زبان باختری باستانی ، بانضمام متممی دربارهٔ گویش گاتها . تألیف فریدریش اشپیگل . چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Grammatik der altbaktrischen Sprache, nebst einem Anhang über den Gâthädialekt. Leipzig, 1867.

۱۸۶۸ ـ بوندهش . نخستین‌چاپ واستنساخ بخط آلمانی و ترجمه همراه بالغتنامه ، توسط فردیناند یوستی . چاپ لایپتسیگ .

F. Justi: Der Bundehesch, zum ersten Male herausgegeben, transcribirt, übersetzt und mit Glossar versehen. Leipzig, 1868.

۱۸۶۸ ـ مقالاتی دربارهٔ لغت شناسی زبان باختری . تألیف پل‌دولاگارد . چاپ لایپتسیگ .

P. de Lagarde: Beiträge zur baktrischen Lexikographie. Leipzig, 1868.

۱۸۶۸ ـ دربارهٔ وضع کنونی زبان شناسی زند ، باتوجه خاص به کتاب فردیناند یوستی که وی آنرا فرهنگ زبان باختری باستانی نامیده است . بررسی دربارهٔ توضیح زند اوستا . تألیف م . هاوگ . چاپ اشتوتگارت .

M. Haug: Ueber den gegenwärtigen Stand der Zendphilologie mit besonderer Rücksicht auf Ferdinand Justi's sogenanntes altbaktrisches Wörterbuch, ein Beitrag zur Erklärung Zend-Awsta. Stuttgart, 1868.

۱۸۶۸ ـ «شبستان خیال» فتاحی نیشابوری . ترجمه فصل اول درباره ایمان واسلام ، همراه با تفسیر ترکی سروری بانضمام حواشی و توضیحات ـ ترجمه و نگارش هرمان اته ؛ لایپتسیگ .

H. Ethé: Das Schlafgemach der Phantasie von Fettahi aus Nisâbûr. 1. Kapitel. Vom Glaube und Islam. Zum ersten Mal mit Benutzung des türkischen Commentars von Sururi übersetzt und mit Anmerkungen versehen. — Leipzig, 1868.

۱۸۶۸ ـ آثارالبلاد زکریای قزوینی ـ ترجمه هرمان‌اته؛ چاپ لایپتسیگ .

H. Ethé: Zakariya Gazuini: Kosmographie. — Leipzig, 1968.

۱۸۶۸ـ سیاحت‌هـا و مشاهـدات‌من در ایران ـ تألیف آرمینیوس وامبری ؛ ترجمه ازمجارستانی . چاپ پست .

Arminius Vámbery: Meine Wanderungen und Erlebnisse in Persien. Nach der ungarischen Original-Ausgabe. Pesth, 1868.

۱۸٦۸ ـ کرانه جنوبی دریای خزر ، یاوصف استان‌های شمالی ایران ـ تألیف گ . ملگونوف . ترجمه به آلمانی (از روسی) توسط تئودور تسنکر ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Melgunov: Das südliche Ufer des Kaspischen Meeres, oder die Nord-Provinzen Persiens. Deutsche Uebersetzung von J. Th. Zenker. Leipzig. 1868.

۱۸٦۹ ـ فصل هجدهم وندیداد ـ ترجمه و تفسیر مارتین هاوگ ؛ چاپ مونیخ .

M. Haug: Das achzehnte Kapitel des Wendidad. — München ,1869.

۱۸٦۹ ـ پیرامون مختصات زبان پهلوی مخصوصاً برمبنای کتیبه‌های این زبان ـ تألیف مارتین هاوگ ؛ چاپ مونیخ .

M. Haug: Ueber den Charakter der Pehlevisprache mit besonderer Rücksicht auf die Inschriften. — München, 1869.

۱۸٦۹ (و۱۸۷۰) ـ توضیحاتی دربارۀ جغرافیای باستانی ایران ـ تألیف فردیناند یوستی ؛ چاپ ماربورگ .

F. Justi: Beiträge zur alten Geographie Persiens. Teil 1 and 2. Marburg, 1869 & 1870.

۱۸۷۰ ـ دربارهٔ اردای‌ویراف نامه وارتباط آن بامعتقدات مسیحی در مورد معراج یسوع ـ تألیف مارتین هاوگ ؛ چاپ مونیخ .

M. Haug: Ueber das Ardai Viraf nâmeh und seinem angeblichen Zusammenhang mit dem christlichen Apochrypten "die Himmelfahrt des Jesaja". — München, 1870.

۱۸۷۰ ـ مطالعات خاورشناسی ـ تألیف هرمان اته ؛ چاپ لایپتسیگ .

H. Ethé: Morgenländische Studien. — Leipzig, 1870.

۱۸۷۰ ـ مطالعاتی درباره تعزیه‌های ایـرانی ـ تألیف هرمان اته ؛ چاپ لایپتسیگ .

H. Ethé: Die persischen Passionsspiele. Studien. — Leipzig, 1870.

۱۸۷۱ ـ زندگی نظامی و آثار او ، بانضمام ترجمه قسمت دوم اسکندرنامه نظامی . بررسی هائی دربارهٔ تاریخ ادبیات ایران و حماسهٔ اسکندر ـ تألیف وترجمه ویلهلم باخر ؛ چاپ لایپتسیگ و گوتینگن .

W. Bacher: Nizâmis Leben und Werke und der zweite Teil des Nizâmischen Alexanderbuches... Beiträge zur Geschichte der Persischen Literatur und der Alexandersage. — Leipzig & Göttingen, 1871.

۱۸۷۱ (تا ۱۸۷۸) ـ اطلاعاتی دربارهٔ ایران باستان . تألیف فریدریش اشپیگل ، در سه جلد ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegle: Eranische Alterumskunde; 3 Bde. — Leipzig, 1871; 1877, 1878.

۱۸۷۱ ـ پندنامه فریدالدین عطار ، یعنی کتاب اندرزهای نیکو ؛ ترجمه از اصل فارسی توسط هاینریش فردیناند نسلمن ؛ چاپ کونیگسبرگ .

G. H. F. Nesselmann: Pendnâmeh, das ist das Buch des guten Rates, von Ferîd-eddîn 'Attâr, aus dem Persischen übersetzt. Königsberg, 1871.

۱۸۷۱ ـ حماسه ملی ایران (شاهنامه) از فردوسی ، متن تهیه شده برای جوانان ـ تدوین لاوکهارد ؛ چاپ لایپتسیگ .

D. Lauckhard: Persische Heldensagen des Firdusi, für die Jugend bearbeitet. — Leipzig, 1871.

۱۸۷۱ ـ تفسیر انتقادی ترجمهٔ فارسی تورات توسط آ . کهوت ؛ چاپ لایپتسیگ .

Kritische Beleuchtung der Persischen Pentateuch Uebersetzung von A. Kohut. — Leipzig. 1871.

۱۸۷۱ ـ کتاب مینوی خرد ، متن پازند و متن سنسکریت باحروف لاتینی ، براساس متنی که در قرن پانزدهم توسط نریوسنگ دهاوال تنظیم شده . با ترجمه انگلیسی ولغتنامه متن پازند همراه با مرادفات کلمات در زبانهای سنسکریت وفارسی و پهلوی ودستور زبان پازند (به‌انگلیسی) ـ توسط ای . و . وست ؛ چاپ اشتوتگارت .

The Book of the Mainyo-i-Khard; The Pazand and Sanskrit texts (in Roman characters) as arranged by Neriosengh Dhaval in the 15th century. With an English translation, a glossary of the Pazand text containing the Sanskrit, Persian and Pahlavi equivalents and a sketch of Pazand Grammar etc. by E. W. West. — Stuttgart, 1871.

۱۸۷۲ ـ ترجمه سرود سی‌ام یسنا با تفسیر آن براساس روایات مختلف ـ توسط هاینریش هوبشمن ؛ چاپ مونیخ .

H. Hübschmann: Das dreissigste Kapitel des Jasna mit Rücksicht auf die Tradition übersetzt und erklärt. — München, 1872.

۱۸۷۲ ـ یك سرود زرتشتی ـ ترجمه هاینریش هوبشمن . چاپ مونیخ .

H. Hübschmann: Ein zoroastrianisches Lied. — München, 1872.

۱۸۷۲ ـ آریا ، زیباترین حماسه‌های هند وایران ـ تألیف کارل‌بیر ؛ چاپ لایپتسیگ .

C. Beyer: Arja; die schönsten Sagen aus Indien und Iran. Leipzig, 1872.

۱۸۷۲ ـ فصلی دربارهٔ نحو تطبیقی ، ادات موصولی و رجائی و جملات فرعی در زبان زند وفارسی باستانی و مقایسه بازبانهای سنسکریت ویونانی. تألیف یولیوس یولی. چاپ مونیخ .

J. Jully: Ein Kapitel vergleichender Syntax. Der Conjunctiv und Optativ und die Nebensätze im. Zend und Altpersischen im Vergleich mit dem Sanskrit und Griechischen. München, 1872.

۱۸۷۲ ـ نیایش اهوناوایریا مقدسترین دعای زرتشتیان ، بانضمام تفسیر قدیمی زند (یسنای نوزدهم) ـ ترجمه وتفسیر مارتین هاوگ ؛ چاپ مونیخ .

M. H. Haug: Die Ahuna-vairya-Formel, das heiligste Gebet der Zoroastrier mit dem alten Zend Commentar (Jasna 19) übersetzt und erklärt. — München, 1872.

۱۸۷۳ ـ مطالعات اوستائی ـ تألیف هاینریش هوبشمن ؛ چاپ مونیخ .

H. Hübschmann: Awesta Studien. — München, 1873.

۱۸۷۳ ـ سفر ازتهران به‌آسیای مرکزی ـ تألیف آرمینوس وامبری (مجارستانی) ؛ چاپ لایپتسیگ .

A. Vámbery: Reise in Mittelasien von Téhran. — Leipzig, 1873.

۱۸۷۳ ـ شاه و پادشاه، ایرانی و ترک در گذشته و حال ـ تألیف کارل اشمایدلر؛ چاپ هایدلبرگ.

K. Schmeidler: Schah und Padischah; Perser und Türken, sonst und jetzt. — Heidelberg, 1873.

۱۸۷۳ ـ تاریخ خوارزم و وقایع آن ـ تألیف ادوارد زاخائو؛ چاپ لایپتسیگ.

E. Sachau: Zur Geschichte und Chronologie von Khwarizm. — Leipzig, 1873.

۱۸۷۳ ـ بررسیهای در بارهٔ وضع تطبیقی ادات سببی زبانهای زند وسنسکریت. تألیف ویلهلم اورتر. چاپ مونیخ.

W. Ortere: Beiträge zur vergleichenden Kasuslehre des Zend und Sanskrit. München, 1873.

۱۸۷۳ ـ شناسائی ایران کهن. آئین ایران باستان. تألیف فریدریش اشپیگل. چاپ لایپتسیگ.

F. Spiegel: Eranische Altertumskunde. Die Religion des alten Iran. Leipzig, 1873.

۱۸۷٤ ـ خطوط میخی پارسی. ترجمه آنها همراه بالغتنامه تألیف تئودور بنفی. چاپ لایپتسیگ.

Th. Benfey: Die persischen Keilschriften mit Uebersetzung und Glossar. Leipzig, 1847.

۱۸۷٤ ـ بخشهای عروضی زنداوستا. تألیف هرمان تورپل. چاپ هاله.

H. Toerpel: De metricis partibus Zend-Avestae. Halle, 1874.

۱۸۷٤ ـ مطالعات آریایی . ۱ : بررسی دربارهٔ گرامر زبان باختری باستانی . ۲ : تأثیر عناصر سامی در اوستا . ۳ : دربارهٔ تاریخ ثنویت . ٤ : فصل سی‌ام یسنا با ترجمه هزوارشی . ۵ : اوستا وشاهنامه . ٦ : درباره ادات ابهامی وادات قطعی درزبانهای آریائی . تألیف‌فریدریش اشپیگل. چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Arische Studien. I: Beiträge zur Altbaktrischen Grammatik. II: Der Einfluss des Semitismus auf das Awesta. III: Zur Geschichte des Dualismus. IV: Das dreissigste Capitel des Yaçna in Huzvaresh-Uebersetzung. V: Awesta und Schahname. VI: Zur Lehre von Infinitiv und Absolutiv in den Arischen Sprachen. Leipzig, 1874.

۱۸۷٤ ـ دستور زبان زند . همراه با توضیحاتی درپایان کتاب تألیف کارل‌لانمان . چاپ برلین .

Ch. R. Lanman: Zendgrammatik. Abgeschrieben und mit Nachträgen versehen. Berlin, 1874.

۱۸۷٤ ـ فصلی از یك « مطالعه تشریحی وانتقادی از منابع تاریخ مانوی» . تألیف ا . ابلازینسکی . چاپ لایپتسیگ .

A. Oblasinski: Ein Abschnitt aus einer "Darstellung und Kritik der Quellen zur Geschichte des Manichäismus". Leipzig, 1874.

۱۸۷۴ ــ صرف و نحو ، شعر و معانی بیان در نزد ایرانیان، نقل از جلد هفتم هفت قلزم . ــ تألیف فریدریش روکرت. چاپ باهتمام ویلهلم پرچ درگوتا .

F. Rückert: Grammatik, Poetik und Rhetorik der Perser. Nach dem siebenten Bande des Hefts Kolzum. Neu herausgegeben von W. Pertsch. Gotha, 1874.

۱۸۷۴ ــ پارت‌ها ، یا تجدید شاهنشاهی ایران بفرماندهی اشکانیان ــ تألیف یوهان ه . اشنایدر ویرت ، چاپ ــ هایلیگنشتات .

J. H. Schneiderwirth: Die Parther oder das Neupersische Reich unter den Arsaciden. — Heiligenstadt, 1874.

۱۸۷۵ ــ رباعیات ابوسعید ابوالخیر ــ ترجمه هرمان‌اته، چاپ لایپتسیک .

Abu-Said Abul-Cheir: Aus dem Persischen Uebersetzung v. H. Ethé. Leipzig, 1875.

۱۸۷۵ ــ دستور زبان ماندائی . تألیف تئودور نلدکه . چاپ هاله .

Th. Nöldeke: Mandäische Grammatik. — Halle, 1875.

۱۸۷۵ ــ سیاحتی درقفقاز وایران وقسمت آسیائی ترکیه‌ــ تألیف م . تیلسمن ؛ چاپ برلن .

M. Thielsmann: Streifzüge im Kaukasus, in Persien und in der asiatischen Türkei. — Berlin 1875.

۱۸۷۵ ـ طریقت مانوی وارتباط آن باآئین بودائی . تألیف آلکسیس گایلر . چاپ ینا .

A. Geyler: Das System des Manichäismus und sein Verhältnis zum Buddhismus. Jena, 1875.

۱۸۷۶ ـ تتبع درباره سیستم مذهبی مانوی . تألیف کارل کسلر . چاپ ماربورگ .

K. Kessler: Untersuchungen zur Genesis des Manichäischen Religionssystems. Marburg, 1876.

۱۸۷۶ ـ زند اوستا ، مجموعه‌ای که بمناسبت اجتماع خاورشناسان در توبینگن بچاپ رسیده است. چاپ توبینگن.

R. Roth: Awesta, Zend; Zur Begrüssung der Versammlung der Orientalisten in Tübingen. — Tübingen, 1876.

۱۸۷۶ (و ۱۸۷۸) ـ آثار الباقیه ابوریحان بیرونی ـ ترجمه ادوارد زاخائو ، در دوجلد . چاپ لایپتسیگ .

Biruni: Athar al--Baqiya. Deutsche Uebers. v. E. Sachau. Chronologie orientalischer Völker. 2 Bde. Leipzig, 1876, & 1878.

۱۸۷۶ ـ اوستا ، بانضمام رساله‌ای دربارهٔ یسنا ـ تألیف و ترجمهٔ ر . روت ؛ چاپ توبینگن .

R. Roth: Awesta; ... Nebst einer Abhandlung über Yacna. — Tübingen, 1876.

۱۸۷۷ ـ دربارهٔ عروض اوستای نو ـ تألیف کارل گلدنر ؛ چاپ توبینگن .

K. Geldner: Ueber die Metrik des jüngeren Awesta. - Tübingen, 1877.

۱۸۷۷ ـ نغمه پرداز شیراز یا غزلیات حافظ ـ ترجمه فریدریش بدنشتت ؛ چاپ برلین .

F. Bodenstedt: Der Sänger von Schiras. Hafisische Lieder. — Berlin, 1877.

۱۸۷۷ـ ترجمهٔ پهلوی نخستین فصل وندیداد . باهتمام ویلهلم گایگر ، همراه بانخستین ترجمه وتوضیح آن بزبان آلمانی . چاپ ارلانگن .

W. Geiger: Die Pahlawiversion des ersten Kapitels des Vendidâd. Hrsg. nebst einer ersten Uebersetzung und Erklärung. — Erlangen, 1877.

۱۸۷۷ ـ «الدرةالفاخره» اثر غزالی . متن اصلی وترجمهٔ فرانسه آن توسط ل . گوتیه . چاپ لایپتسیگ .

Al-Ghazali: Ad-Dourra al-Fakhira (la perle précieuse). Texte arabe et traduction française, par L. Gauthier. Leipzig, 1877.

۱۸۷۸ ـ فعل درزبان ایران باستان از جنبه صرف ونحوی. تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ مونیخ .

Ch. Bartholomae: Das altiranische Verbum in Formenlehre und Syntax. München, 1878.

۱۸۷۸ ـ ائوگمدئچا یك رسالهٔ پارسی بزبانهای پازند و باختری وسنسکریت . ترجمه و توضیح وچاپ همراه با لغتنامه ، توسط ویلهلم گایگر . چاپ ارلانگن .

W. Geiger: Aogemadaêcâ, ein Parsentractat in Pazend, altbaktrisch und Sanskrit, herausgegeben, übersetzt, erklärt und mit Glossar versehen. Erlangen, 1878.

۱۸۷۸ ـ سه لوحهٔ الفبای پهلوی و زند . چاپ وتوضیح توسط یولیوس اوتینگ . چاپ اشتوتگارت .

J. Euting: Drei Tafeln des Pehlewi-und Zendalphabets. Stuttgart, 1878.

۱۸۷۸ ـ درباره فعل امر در زبان باختری (باکتریائی) . تألیف اوگن ویلهلم . چاپ ینا .

E. Wilhelm: De verbis dominativis linguae bactriae. Iena, 1878.

۱۸۷۸ ـ فعل در اوستا . تألیف کریستیان بار تولومه . چاپ مونیخ .

Ch. Bartholomae: Das Verbum im Awesta. München, 1878.

۱۸۷۸ ـ رباعیات عمر خیام . ترجمه آلمانی توسط ا . فن شاك . چاپ اشتوتگارت .

Strophen des Omar Chijjam. Deutsch von A.F. von Schack. Stuttgart, 1878.

۱۸۷۸ ـ چاپ متن « آثار الباقیه عن‌القرون الخالیه » ابوریحان بیرونی ، باهتمام ادوارد زاخائو، درلایپتسیگ .

۱۸۷۸ـ کارنامك اردشیر بابکان ـ ترجمهٔ تئودور نولد که؛ چاپ گوتینگن .

Th. Nöldeke: Karnamak-i Artakhshir-i Papakan. — Göttingen, 1878.

۱۸۷۹ ـ گاتها و نیایشهای مقدس ملل ایرانی عهد باستان متن و عروض اوستائی و دستور زبان و فهرست ، تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ هاله .

Ch. Bartholomae: Die Gathas und die heiligen Gebete des altiranischen Volkes. Metrum, Text, Grammatik und Wortverzeichnis. Halle, 1879.

۱۸۷۹ ـ تاریخ ایران باستان ـتألیف فردیناند یوستی ؛ چاپ برلین .

F. Justi: Geschichte des alten Persien. — Berlin, 1879.

۱۸۷۹ ـ خود آموز زبان اوستائی ـ تألیف ویلهلم گایگر؛ چاپ ارلانگن .

W. Geiger: Handbuch der Awestasprache. — Erlangen, 1879.

۱۸۷۹ ـ پندنامه و مطایبات سعدی . نخستین ترجمه و چاپ آلمانی ، همراه باکتابشناسی آثار سعدی ـ ترجمه و تألیف ویلهلم باخر ؛ چاپ اشتراسبورگ .

W. Bacher: Sa'di's Aphorismen und Sinngedichte. Muslicheddîn zum ersten Male hrsg. und übersetzt mit Beiträgen zur Bibliographie Sa'dî's. — Strassburg, 1879.

۱۸۷۹ ـ روشنائی نامه ناصرخسرو ـ چاپ متن فارسی باهتمام هرمان اته ؛ چاپ لایپتسیگ .

۱۸۷۹ ـ اسامی خاص ایرانی در کتیبه‌های هخامنشی ـ تألیف گ . هوزینگ ؛ چاپ کونیگسبرگ.

G. Hüsing: Die iranischen Eigennamen in den Achämenideninschriften. — Königsberg, 1879.

۱۸۸۰ ـ استخراج از گزارشهای کلیسای سوریه دربارهٔ شهدای مسیحی در ایران (اعمال شهدای ایران) ـ تألیف گ . هوفمن ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Haffmann: Auszüge aus syrischen Akten persischer Märtyrer. — Leipzig, 1880.

۱۸۸۰ ـ سعادتنامه ناصرالدین ابن‌خسرو (ناصرخسرو) ؛ متن فارسی وترجمه فرانسه آن توسط ادموند فانیان (به فرانسه) ـ چاپ لایپتسیگ .

E. Fagnan: Nassir ed Edin ben Khosrou: Le livre de la Félicité. — Poème persan avec traduction française. — Leipzig, 1880.

۱۸۸۱ ـ ترانه‌های عمر خیام ـ ترجمه فریدریش بودنشتت؛ چاپ برسلاو .

F. Bodenstedt: Die Lieder und Sprüche des Omar Chajjâm. — Breslau, 1881.

۱۸۸۱ ـ قطعات (رباعیات) عمر خیام ـ ترجمه گراف فن شاك ؛ چاپ اشتوتگارت .

Graf von Schack: Strophen des Omar Chajam. — Stuttgart, 1881.

۱۸۸۱ ـ عصر آریائی ـ تألیف فریدریش اشپیگل ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Die arische Periode. — Leipzig, 1881.

۱۸۸۱ ـ کورش وهرودت ـ تألیف گوستاف فلوگل ؛ چاپ لایپتسیگ .

G.L. Flügel: Cyrus und Herodotus. — Leipzig, 1881.

۱۸۸۱ـ مانی ومانویان.تألیف کارل کسلر.چاپ لایپتسیگ.

K. Kessler: Mani und die Manichäer. Leipzig, 1881.

۱۸۸۱ ـ نقاشی سوزنی سوسنجرد . وصفی از تاریخ‌تکامل فرشهای ریزباف ـ تألیف ی . کاراباچك ؛ چاپ‌لایپتسیگ.

J. Karabacek: Die persische Nadelmalerei Susandschird. Ein Beitrag zur Entwicklungsgeschite der Tapisserie "de Haute Lisse". — Leipzig, 1881.

۱۸۸۲ ـ بوستان سعدی ـ ترجمه از متن فارسی توسط فریدریش روکرت ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Rückert: Saadi's Bostan. Aus dem Persischen übersetzt. — Leipzig, 1882.

۱۸۸۲ ـ تخت جمشید ـ تألیف فریدریش اشتـولتسه و فریدریش کارل آندرآس ؛ چاپ برلین .

F. Stolze & F.C. Andreas: Persepolis. 2 Bde. — Berlin, 1882.

۱۸۸۲ ـ فرهنگ ایران خاوری در دوران باستانی ـ تألیف ویلهلم گایگر ؛ چاپ ارلانگن .

W. Geiger: Ostiranische Kultur im Altertum. — Erlangen, 1882.

۱۸۸۲ ـ مطالعاتی دربارهٔ اوستا ـ تألیف کارل گلدنر ؛ چاپ اشتراسبورگ .

K. Geldner: Studien zum Awesta. — Strassburg, 1882.

۱۸۸۲ ـ کتاب « مینـوی خرد » وبخشی قدیمـی از بوندهش ، هردو بزبان اصلی پهلوی ، که از روی یك نسخه خطی خریداری مرحوم پـروفسور وسترگورد از ایران که اکنون درکتابخانه دانشگاه کپنهاگ نگاهداری میشود عکس‌برداری شده است . تألیف فریدریش کارل آندرآس . چاپ کیل .

F. C. Andreas: The book of Mainyo-i Khard, also an old fragment of the Bundahesh, both in the original Pahlavi, being facsimile of a Manuscript brought from Persia by the late Prof. Westergaard and now preserved in the University Library of Copenhagen. Kiel, 1882.

۱۸۸۲ تا ۱۸۸۷ ــ مطالعات آریائی . جلد اول : یشتهای ۱ تا ۱۹ . جلد دوم : یسناهای ۲۸ و ۳۰ و ٤٤ . جلد سوم : یسنای ۲۹ . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ هاله .

Ch. Bartholomae: Arische Forschungen. Heft I: Yascht 1 & 19. Heft II: Yasna 30,28,44. Heft III: Yasna 29. Halle, 1882-1887.

۱۸۸۲ ــ نقوش حجاری شده و کتیبه‌های هخامنشی و ساسانی تخت جمشید ، استخر ، پاسارگاد ، شاهپور که توسط هیئت اعزامی خطشناسی و باستان شناسی آلمانی در ایران برای نخستین‌بار عکس‌برداری شده است ، وبه توصیه پنجمین کنگره بین‌المللی خاورشناسی در برلین ، همراه با بحثی از تئودور نلدکه دربارهٔ این نوشته‌ها بچاپ میرسد . تألیف فریدریش کارل آندرآس . در دو مجلد . چاپ برلین .

F. C. Andreas:Die achaemenidischen und sasanidischen Denkmäler und Inschriften von Persepolis, Istakhr, Pasargadae, Shahpur zum ersten Mal photographisch aufgenommen im Anschlusse an die epigraphisch-archaeologoische Expedition in Persien. Hrsg. auf Veranlassung des fünften internationalen Orientalisten Congress zu Berlin; mit einer Besprechung der Inschriften von Th. Nöldeke, von F. Stolze. 2 Bde. Berlin, 1882.

۱۸۸۲ ــ کتیبه‌های هخامنشی ، تألیف کارل بتسولد . چاپ لایپتسیگ .

C. Bezold: Die Achämenideninschriften. Leipzig, 1882.

۱۸۸۲ ـ دستور تطبیقی زبانهای ایران باستانی . تألیف فریدریش اشپیگل . چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Vergleichende Grammatik der altiranischen Sprachen. Leipzig, 1882.

۱۸۸۲ ـ استنساخ زبانهای ایرانی وارمنی بخط لاتین . تألیف هاینریش هوبشمن . چاپ لایپتسیگ .

H. Hübschmann: Umschreibung der iranischen Sprache und des Armenischen. Leipzig, 1882.

۱۸۸۲ ـ دربارهٔ ارزش لغتنامه‌های پهلوی و تفسیرهای آنها که توسط پارسیان تدوین شده ـ تألیف یوهان السهاوزن ؛ چاپ لایپتسیگ .

J. Olshausen: Zur Würdigung der Pahlavi-Glossare und ihre Erklärung durch die Parsen. — Leipzig, 1882.

۱۸۸۳ (و ۱۸۸۵) ـ ماد وپارس ـ تألیف فریدریش اشپیگل ، در دوجلد . چاپ لایپتسیگ .

F. Spiegel: Medien und Persien. — 2 Bde. — Leipzig, 1883 & 1894.

۱۸۸۳ (و۱۸۸۵) ـ دربارهٔ نقشه‌برداری تاریخی ایران تألیف توماشك ، در دو جلد ـ چاپ برلین .

Tomaschek: Zur historischen Topographie von Persien. 2 Bde. — Berlin, 1883 & 1885.

۱۸۸۳ ـ در تعبیر و اصلاح متون اوستائی ـ تألیف شارل دوهارلز ؛ چاپ لایپتسیگ .

Ch. de Harlez: De l'Exégèse et de la Correction des textes Avestiques. — Leipzig, 1883.

۱۸۸۳ ـ کتاب راهنمای گویشهای باستانی ایران ، گرامر تطبیقی مختصر آنها بانضمام منتخبی از متون باستانی و لغتنامه آنها . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ لایپتسیگ .

Ch. Bartholomae: Handbuch der altiranischen Dialekte. Kurzgefasste vergleichende Grammatik. Lesestücke und Glossar. Leipzig, 1883.

۱۸۸٤ ـ اهورامزدا واسورا . بحثی دربارهٔ شناسائی تاریخ مذهبی هند و ژرمنی‌های باستانی . تألیف پاول‌ـ فن‌برادکه . چاپ گیسن .

P. von Bradke: Ahura Mazda und die Asuras; ein Beitrag zur Kenntnis der Altindogermanischen Religionsgeschichte. Giessen, 1884.

۱۸۸٤ ـ سه‌یشت از زند اوستا . ترجمه و توضیح توسط کارل فریدریش گلدنر . چاپ اشتوتگارت .

K. F. Geldner: Drei Yascht aus dem Zend-Awesta, übersetzt und erklärt. Stuttgart, 1884.

۱۸۸٤ ـ مطالعات ایرانی ـ تألیف پل‌دولاگارد ؛ چاپ گوتینگن .

P. de Lagarde: Persische Studien. Göttingen, 1884.

۱۸۸٤ (و ۱۸۸۹) ـ شرح سفرها وماجراها در تبریز و سلطان‌آباد ـ تألیف ف . ت . اشتراوس ، در دو جلد ؛ چاپ پلاون .

F. T. Strauss: Reisen und Erlebnisse in Tauris und Sultanabad. 2 Bde. — Plauen, 1884 & 1889.

۱۸۸۵ ـ چاپ جدید سفرنامه هانس شیلتبرگر ، از روی نسخه خطی نورنبرگ . توسط والنتین لانگمانتل ؛ چاپ توبینگن .

Hans Schildtberger: Neue Ausgabe nach der Nürnberger Handschrift von Valentin Langmantel. — Tübingen, 1885.

۱۸۸۵ ـ الهه شعر در تهران . ترجمه منتخبی از اشعار شعرای قدیم و جدید ایران بزبان آلمانی ، توسط هرمان بروگش ؛ چاپ فرانکفورت .

H. Brugsch: Die Muse in Tehran. (Eine Auswahl persischer Dichterstimmen älterer und jüngerer Zeit in deutscher Uebertragung). — Frankfurt a. M.; 1855.

۱۸۸۵ ـ توضیح دربارهٔ اوستا . تألیف کارل فریدریش گلدنر . چاپ توبینگن .

K. F. Geldner: Zur Erklärung des Awesta. Tübingen, 1885.

۱۸۸۵ ـ تصریف نام‌ها دراوستا و درخطوط میخی فارسی باستانی. تألیف پاول‌هرن.

P. Horn: Die Nominaflexion im Awesta und den altpersischen Keilinschriften. Halle, 1885.

۱۸۸۶ ـ سلطنت وروحانیت در ایران باستان ـ تألیف ا. ویلهلم؛ چاپ لایپتسیگ.

E. Wilhelm: Königtum und Priestertum im alten Erân. — Leipzig, 1886.

۱۸۸۶ ـ زرتشت، نام وعصر او ـ تألیف پاول کاسل؛ چاپ برلن.

P. Cassell: Zoroaster, sein Name und seine Zeit. — Berlin, 1886.

۱۸۸۶ ـ درکشورخورشید. سیاحتهائی درایران. تألیف هرمان‌بروگش، در دو جلد؛ چاپ برلین.

H. Brugsch: Im Lande der Sonne. Wanderungen in Persien. 2 Bde — Berlin, 1886.

۱۸۸۶ (تا ۱۸۹۵) ـ اوستا، کتاب‌های مقدس پارسیان، که از طرف فرهنگستان سلطنتی علوم اتریش بچاپ میرسد. باهتمام کارل فریدریش گلدنر، در سه جلد. چاپ اشتوتگارت.

K. F. Geldner: Awesta, die heiligen Bücher der Parsen im Auftrag der Kaiserlichen Akademie der Wissenschaften in Wien. 3 Bde. — Stuttgart, 1886-1895.

۱۸۸۶ ـ تصاویری از ایران و ارمنستان ترکیه . تألیف رافی ، به ارمنی . ترجمه به آلمانی توسط لئوروبنلی . چاپ لایپتسیگ .

Raffi: Bilder aus Persien und Türkisch-Armenien. Deutsch aus dem Armenischen übersetzt von Leo Rubenli. Leipzig, 1886.

۱۸۸۶ ـ در کشور آفتاب . سیاحت‌هائی در ایران . تألیف هاینریش‌بروگش . چاپ برلین .

H. Brugsch: Im Lande der Sonne. Wanderungen in Persien. Berlin, 1886.

۱۸۸۶ ـ حیوانات و نباتات ناحیهٔ جنوب غربی دریای مازندران ـ تألیف گوستاف راده ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Radde: Die Fauna und Flora des südwestlichen Kaspien-Gebietes. — Leipzig, 1886.

۱۸۸۶ ـ سفر در مرز ایران وروسیه . طالش و اهالی آن ـ تألیف گوستاف‌راده ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Radde: Reisen an der persischen-russischen Grenze. Talysch und seine Bewohner. — Leipzig, 1886.

۱۸۸۷ ـ نتایج علمی سفر اکتشافی به ماوراء دریای مازندران وشمال خراسان ، درسال ۱۸۸۶ ـ تألیف گ . راده ، چاپ لایپتسیگ .

G. Radde: Wisenschaftliche Ergebnisse der im Jahre 1886 allerhöchst befohlenen Expedition nach Transkaspien und Nord-Chorassan. — Leipzig, 1887.

۱۸۸۷ ـ دربارهٔ سنگهای تازهٔ آتشفشانی ایران ـ تألیف ف . اشتاینکه ؛ چاپ هاله .

V. Steinecke: Ueber einige jüngere Eruptivsteine aus Persien. — Halle a.S., 1887.

۱۸۸۷ ـ ترجمه وتوضیح یسنای بیست ونهم ، بعنوان کوششی برای ترجمهٔ کامل سرودهای مقدس ایران باستان . ترجمه و نگارش کریستیان بارتولومه . چاپ هاله .

Ch. Bartholomae: Jasna XXIX übersetzt und erklärt, als Probe einer vollständigen Uebersetzung der altiranischen Hymnen. Halle, 1887.

۱۸۸۷ ـ دربارهٔ منظومهٔ مذهبی و رمانتیك فردوسی ، یوسف وزلیخا ـ تألیف اشلشتاوسرد ؛ چاپ لایپتسیگ .

O. Schlechta-Wssehrd: Aus Firdusi's religiös-romantischen Epos, Jussef und Suleicha. — Leipzig, 1887.

۱۸۸۷ ـ مقالاتی دربارهٔ تاریخ ایران ـ تألیف تئودور نولدکه ؛ چاپ لایپستیگ .

Th. Nöldeke: Aufsätze zur Persischen Geschichte. — Leipzig, 1887.

۱۸۸۷ ـ شعر درباری وشعر رمانتیك ایرانیان ـ تألیف هرمان اته ؛ چاپ هامبورگ .

H. Ethé: Die höfische und romantische Poesie der Perser. — Hamburg, 1887.

۱۸۸۷ ـ جنگهای ایرانیان و جنگهـای بورگوندهـا . مطالعه تطبیقی در تاریخ دو جنگ ـ تألیف هـ . دلبروك؛ چاپ برلین .

H. Delbrück: Die Perserkriege und die Burgunderkriege. Zwei combinierte kriegsgeschichtliche Studien. — Berlin, 1887.

۱۸۸۸ ـ تاریخ ایران و سرزمینهای مجاور آن ـ تألیف ا . فن گوتشمید ؛ چاپ توبینگن .

A. von Gutschmid: Geschichte Irans und seiner Nachbarländer. — Tübingen, 1888.

۱۸۸۸ ـ نظم عرفانی و تربیتی و تغزلی و نوشته‌های متأخر ایرانیان ـ تألیف هرمان اته ؛ چاپ هامبورگ .

H. Ethé: Die mystische, didaktische und lyrische Poesie und das spätere Schriftthum der Perser. — Hamburg, 1888.

۱۸۸۸ ـ ایران ـ تألیف ا . ی . سیپ ؛ چاپ برلین .

A. J. Ceyp: Persien. — Berlin 1888.

۱۸۸۸ ـ سه سرود مقدس از مهمترین سرودهای پارسیان با تفسیر آنها ، و سرود هفتم (یسنای هفت‌هـات) . ترجمه ونگارش پاول تئودور باوناك . چاپ لایپتسیگ .

P. Th. Baunack: Die drei wichtigsten Gebete der Parsen mit ihren Commentaren und das siebentheilige Gebet (Yasna Haptanhaiti). Leipzig, 1888.

۱۸۸۸ ـ یسنای ۳۱ ، یك سرود مقدس زرتشت . ترجمه وتفسیر توسط ا . ویلیام جکسن . چاپ شتوتگارت .

A. V. W. Jackson: A Hymn of Zoroaster, Yasna, 31, translated with comments. Stuttgart, 1888.

۱۸۸۹ تا ۱۸۹۶ ـ اوستا ، کتاب مقدس پارسیان،باهتمام کارل فریدریش گلدنر ، در سه جلد . چاپ اشتوتگارت .

K. F. Geldner: Avesta, the sacred books of Parsis. 3 vol. Stuttgart, 1889-1896.

۱۸۸۹ ـ مانی . تتبعاتــی دربارهٔ آئین مانــوی . تــألیف کارل کسلر . چاپ برلین .

K. Kessler: Mani. Forschungen über die manichäische Religion. Berlin, 1889.

۱۸۸۹ ـ در تاریخ نخستین سالهای شاهنشاهی داریوش هیشتاسپ. تألیف ماکس کیسلینگ. چاپ لایپتسیگ.

M. Kiessling: Zur Geschichte der ersten Regierungsjahre des Darius Hystaspes. Leipzig, 1889.

۱۸۸۹ ـ دستور زبان فارسی، همراه با منتخبات متون ادبی این زبان و لغتنامه آنها. تألیف کارل زالمان و والنتین ژوکفسکی. چاپ برلین.

C. Salemann & V. Zhukovski: Persische Grammatik mit Literatur, Chrestomathie und Glossar. — Berlin, 1889.

۱۸۸۹ ـ مطالعاتی دربارهٔ آب وهوای ایران ـ تألیف و. گوتهارت؛ چاپ ماربورگ.

W. Gotthardt: Studien über das Klima von Iran. — Marburg, 1889.

۱۸۸۹ ـ ایران و مصر در سدهٔ چهارم قبل از میلاد ـ تألیف ویلهلم یودایش؛ چاپ ماربورگ.

W. Judeich: Persien und Aegypten im IV Jahrhundert vor Christ. — Marburg, 1889.

۱۸۸۹ ـ سفر به ایران ـ تألیف گ. ت. گابل؛ چاپ رایشن‌برگ.

G. T. Gabel: Reise nach Perisen. — Reichenberg, 1889.

۱۸۸۹ ـ ایران وتوران. مطالعات تاریخی وجغرافیائی و نژادشناسی دربارهٔ کهن‌ترین جلوه‌گاه تاریخ ایرانی ـ تألیف هرمان برونهوفر ؛ چاپ لایپتسیگ.

H. Brunnhofer: Iran und Turan. Historisch-geographische und ethnologische Untersuchungen über den ältesten Schauplatz der iranischen Geschichte. — Leipzig, 1889.

۱۸۸۹ ـ سفر تکناندر به‌ایران، با توضیحات ر. ولکان ؛ چاپ رایشن‌برگ.

Tectander's Reise nach Persien, besorgt durch R. Wolkan. — Reichenberg, 1889.

۱۸۸۹ ـ ناصرالدین‌شاه و ایران جدید ـ تألیف ك. مورگان و ف. بورگر ؛ چاپ درسدن.

C. Morgan & F. Burger: Nassreddin Schah und das moderne Persien. — Dresden, 1889,

۱۸۹۰ ـ یادگار زریران ـ ترجمه و تفسیر ویلهلم گایگر ؛ چاپ مونیخ.

W. Geiger: Das Yatkar-i-Zariran. — München, 1890.

۱۸۹۰ ـ اصول علم‌الاشتقاق زبان فارسی جدید ـ تألیف پاول هرن؛ چاپ اشتوتگارت.

P. Horn:: Grundriss der neupersischen Etymologie. — Stuttgart, 1890.

۱۸۹۰ ـ تاریخ فرقهٔ عرفانی مانوی ـ تألیف ای. دولینگر؛ چاپ مونیخ.

I. Döllinger: Geschichte der Gnostisch-Manichäischen Sekten. — München, 1890.

۱۸۹۰ ـ بشقابهای چینی ایرانی و ترکی ـ تألیف یوهان لسینگ؛ چاپ برلین.

J. Lessing: Persisch-türkische Fayencenteller. — Berlin, 1890.

۱۸۹۰ ـ علم‌الاشتقاق زبان بلوچی ـ تألیف ویلهلم گایگر، چاپ مونیخ.

W. Geiger: Etymologie des Baluci. — München, 1890.

۱۸۹۰ ـ اورمزد و اهریمن، نغمه‌هائی از چنگ فردوسی. مجموعه‌ای از قطعات حماسی و ترانه‌ها و افسانه‌های منظوم ـ ترجمه و تدوین ا. تایشرت؛ چاپ برلین.

A. Teichert: Ormus und Ahriman. Nachklänge von der Harfe Firdusis. Eine Sammlung von Baladen, Romanzen und poetischen Erzählungen. Berlin, 1890.

۱۸۹۰ ـ وضع سالانهٔ نباتات و کشت زمین در ایــران ـ تألیف و . گوتهارت ؛ چاپ وایلبورگ .

W. Gotthardt: Das jahreszeitliche Verhalten der Vegetation und die Bodenkultur Irans. — Weilburg, 1890.

۱۸۹۰ـ «شمافارسی حرف میزنید ؟» راهنمای زبان‌شناسی فارسی امروزی ، برای استفاده در مسافــرت و خــود آموزی ، شامل‌یك دستور مختصر زبان‌فارسی ومجموعه‌ای از کلمات و جملات محاوره‌ای و متون قرائتی . تألیف فریدریش روزن . چاپ لایپتسیگ .

F. Rosen:: "Shuma farsi härf mizänid?" Sprechen Sie Persich? Neupersischer Sprachführer für die Reise und zum Selbstunterricht, enthaltend eine kurze Grammatik, Wörtersammlung, Gespräche und Lesestücke. Leipzig, 1890.

۱۸۹۰ ـ الفبای اوستائی و رسم‌الخط لاتینی آن . تألیف ویلیام . جکسن ، باضمائم ؛ چاپ اشتوتگارت .

A. V. W. Jackson: The Avestan Alphabet and its transcription, with appendices. Stuttgart, 1890.

۱۸۹۰ ، ۱۸۹۳ ، ۱۸۹۵ ـ شاهنامه فــردوسی ، ترجمــه فریدریش روکرت ، که بعداز مرگ مترجم توسط ا . آ . بایر بچاپ رسیده است (درسه جلد) ؛ چاپ برلین .

F. Rückert: Firdosi's Königsbuch (Schahname). Aus dem Nachlass hrsg. von E. A. Bayer. 3 Bde. — Berlin 1890-1893-1895

۱۸۹۱ ـ خاطرات شاه طهماسب اول پادشاه ایران (۱۵۱۵ ـ ۱۵۷۶) . ترجمه ازفارسی ، با تعلیقات و حواشی پاول هرن ؛ چاپ اشتراسبورگ .

Die Denkwürdigheiten Schah Tahmasp's des Ersten von Persien. (1515-1576) aus dem Originaltext ... übersetzt und mit Erläuterungen versehen von P. Horn. — Strassburg, 1891.

۱۸۹۱ ـ مهرهای ساسانی . با شش لوحه و یك نمونهٔ چاپی از خطوط آنهاکه توسط یولیوس اوتینگ تهیه شده . تألیف پاول هرن و گئورگ شتایندرف . چاپ برلین .

P. Horn & G. Steindorff: Sassanidische Siegelsteine. Mit 6 Tafeln, und einer Schrifttafel von Julius Euting. Berlin, 1891.

۱۸۹۱ ـ اصوات زبان بلوچی ـ تألیف ویلهلم گایگر ؛ چاپ مونیخ .

W. Geiger: Lautlehre des Baluci. — München, 1891.

۱۸۹۱ ـ ایران ، یك سرزمین تاریخی ـ تألیف کارل پرلبرگ ؛ چاپ لایپتسیگ .

K. Prellberg: Persien. Eine historische Landschaft. — Leipzig, 1891.

۱۸۹۱ ـ درکرانهٔ شرقی دریاچه ارومیه ـ تألیف گ . بورنه ، چاپ هاله .

G. Borne: am Ostufer des Urmiasees. — Halle a.d. S., 1891.

۱۸۹۱ ـ کتیبه‌های انزانی و کوشش‌هائی درزمینه خواندن آنها ـ تألیف ف . ه . وایسباخ . چاپ لایپتسیگ .

F. H. Weissbach: Anzanische Inschriften und Vorarbeiten zu ihrer Entzifferung. Leipzig, 1891.

۱۸۹۲ ـ فلسفه اخلاقی شرق ، آنطور که شاعران ایران بیان کرده‌اند ـ تألیف ف . فن اشلشتا وسرد ؛ چاپ لایپتسیگ .

O. F. v. Schlechta-Wssehrd: Moral-Philosphie des Morgenlandes aus persischen Dichtern erläutert. — Leipzig, 1892.

۱۸۹۲ ـ مطالعات مربوط به آسیای صغیر ، بر مبنای بررسی تاریخ روابط یونان و ایران در سدهٔ چهارم پیش از میلاد ـ تألیف ویلهلم یودایش ؛ چاپ ماربورگ .

W. Judeich: Kleinasiatische Studien. Untersuchungen zur Griechisch-Persischen Geschichte des IV. Jahhrunderts v. Chr. — Marburg, 1892.

۱۸۹۲ ـ یك دستور زبان اوستائی ـ تألیف ویلیام جکسن ؛ چاپ اشتوتگارت .

A. V. W. Jackson: An Avesta Grammar. Stuttgart, 1892.

۱۸۹۲ ـ « زرتشت چنین گفت » اثر فریدریش ویلهلم نیچه .

F. W. Nietzsche: Also sprach Zarathustra. — 1892.

۱۸۹۲ تا ۱۹۱۳ ـ مطالعه‌ای دربارهٔ گاتهـای پنجگانه زرتشتی ، همراه با متن اصلی وترجمه (انگلیسی) آنها، همچنین ترجمه پهلوی آن‌که برای اولین‌بار با مطابقه تمام نسخه‌های خطی شناخته شده کهن تنظیم و بـرای بار نخستین بطور کامل بیکی‌از زبانهای اروپائی ترجمـه شده و همراه با متن سنسکریتی « نریوسنگ » ایـن اثر با مطابقه با پنج نسخه خطی مختلف بچاپ میرسد . در این مجموعه متن فارسی باستانی نیز با تفسیری درج شده که خود مبنائی ادبی و علمی دربارهٔ ترجمه گاتها درجلد سی‌ام دورهٔ « کتابهای مقدس شرق »است . تألیف لارنس هـ . میلز . چاپ لایپتسیگ .

L.H. Mills: A study of the five Zarathushtrian (Zoroastrian) Gâthâs, with text and translation, also with the Pahlavi translation for the first time edited with collation of manuscripts, and now prepared from all the known codices, also deciphered, and for the first time translated in its entirely into a European language, with Neryosangh's Sanskrit text edited ... with the collation of five MSS. and with a first translation also with the Persian text contained in together with a commentary being the literary appratus and argument to the translation of the Gâthâs in the XXXst vol. of the Sacred Books of the East. Leipzig, 1892-1913.

۱۸۹۲ ـ معرفی دستور زبان اوستائی . تألیف ویلیام جکسن . چاپ اشتوتگارت .

A. V. W. Jackson: Introduction to the Avesta-Grammar. Stuttgart, 1892.

۱۸۹۲ تا ۱۸۹۵ ـ گاتهای پنجگانه زرتشت ، متن وترجمه زند وپهلوی و سنسکریت وفارسی آنها . تألیف وترجمه لارنس هـ . میلز . چاپ لایپتسیگ .

L. H. Mills: The five Zoroastrian Gâthâs with the Zend, Pahlavi, Sanskrit and Persian texts and translation. Leipzig, 1892-1895.

۱۸۹۲ ـ یك دستور زبان اوستائی ، در مقایسه با زبان سنسکریت . تألیف ویلیام جکسن . چاپ اشتوتگارت .

A. V. W. Jackson: An Avesta grammar in comparison with Sanskrit. Stuttgart, 1892.

۱۸۹۳ ـ ریشه تاریخ آریائیها در آسیای مقدم وآسیای میانه . بررسی تاریخی و جغرافیائی دربارهٔ قدیمی‌ترین های ریگ ودا و اوستا . تألیف هرمان برونهوفر ، در سه جلد ـ ۱ : ایران وتوران . ۲ : از پونتوس تاسند . ۳ : از آرال تا گنگ . چاپ لایپتسیگ .

H. Brunnhofer: Urgeschichte der Arier in Vorder-und Centralasien. Historich-geographische Untersuchungen über den ältesten Schauplatz des Rigveda und Awesta. 3 Bde. I: Iran und Turan. II: Vom Pontus bis zum Indus. III: Vom Aral bis zur Ganga. Leipzig, 1893.

۱۸۹۲ ـ زرتشت . شرحی دربارهٔ تاریخ تطبیقی اصول مذاهب و فلسفه شرق و غرب . تألیف آدلف برودبك[۳] . چاپ لایپتسیگ .

A. Brodbeck: Zoroaster, ein Beitrag zur vergleichenden Geschichte der Religionen und Philosophischen-Systeme des Morgen-und Abendlandes. Leipzig, 1893.

۱۸۹۳ ـ کتاب قرائتی اوستا . سری‌های اول : متون آسانتر ، همراه با حواشی و لغتنامه . تألیف ویلیام جکسن . چاپ اشتوتگارت .

A. V. W. Jackson: Avesta reader, first series: Easier texts, notes and vocabulary. Stuttgart, 1893.

۱۸۹۳ـ تصریف اسمی در گویش گاتها. تألیف کارل لیشتربك. چاپ گوترسلوه .

K. Lichterbeck: Die Nominalflexion im Gathadialekt. Güttersloh, 1893.

۱۸۹۳ ـ استنساخ خطوط میخی فارسی باستانی و ترجمه آنها ، توسط فریدریش وایسباخ . چاپ لایپتسیگ .

F. H. Weissbach: Die altpersischen Keilinschriften in Umschrift und Uebersetzung. Leipzig, 1893.

۱۸۹۳ ـ پولیسین‌ها (نومانویان) در امپراتوری بیزانس. تألیف قاراپط تر مکردیچیان. چاپ لایپتسیگ.
Karapet Ter-Mkrtitschian: Die Paulicianer im Byzantinischen Kaiserreich. Leipzig, 1893.

۱۸۹۳ ـ از دیوان سعدی. ترجمه فریدریش روکرت؛ چاپ برلین.
F. Rückert: Aus Saadis Diwan. — Berlin, 1893.

۱۸۹۳ ـ الابنیه عن حقائق الادویه؛ تألیف ابومنصور موفق ـ ترجمه ا. آخوندوف؛ چاپ هاله.
A. Achundov: Die pharmakologischen Grundsätze des Abu Mansur Muwaffak. — Halle a. S., 1893.

۱۸۹۳ ـ شاهنامه فردوسی، ترجمه آلمانی همراه با مقدمه از فریدریش فن‌شاك (در سه جلد)؛ چاپ اشتوتگارت.
A. F. G. v. Schack: Heldensagen des Firdusi. In deutscher Nachbildung nebst einer Einleitung. Bd. 1-3. — Stuttgart, 1893.

۱۸۹۳ ـ اصول علم‌الاشتقاق فارسی جدید ـ تألیف پاول هرن؛ چاپ اشتراسبورگ.
P. Horn: Grundriss der neupersischen Etymologie. — Strassburg, 1893.

۱۸۹٤ ـ بررسیهای تازه‌ای دربارهٔ شناسائی کتیبه‌هـای شوش . تألیف فریدریش وایسباخ ، چاپ لایپتسیگ .

F. H. Weissbach: Neue Beiträge zur Kunde der susischen Inschriften. Leipzig, 1894.

۱۸۹٤ـ مطالعات دربارهٔ ساتراپ‌ها وساتراپی‌های ایران ـ تألیف آدلف بوخ هولتس ؛ چاپ لایپتسیگ .

A. Buchholz: Quaestiones de Persarum Satrapis Satrapiisque. — Lipsiae 1894.

۱۸۹٤ ـ اشعار سیاسی سعدی ، با مقدمـه‌ای دربـاره زندگی و آثار سعدی ـ ترجمه و تـألیف فـریدریش روکرت ؛ چاپ باهتمام ا. آ. بایر ؛ برلین .

F. Rückert: Saadis politische Gedichte übersetzt. Mit ausführlicher Einleitung über Saadis Leben und Werke, versehen v. E. A. Bayer. — Berlin, 1894.

۱۸۹٤ ـ درباره فرگرد دوازدهم وندیداد . تألیف اوگن ویلهلم . چاپ گوتینگن .

E. Wilhelm: Zum XII Fargard des Vendidad. Göttingen, 1894.

۱۸۹۴ ـ از وقایع نامه‌های شرقی . بحثهای مذهبی در دربارساسانیان .تألیف آلبرشت ویرت .چاپ فرانکفورت .

A. Wirth: Aus Orientalischen Chroniken. Religionsgespräch am Hof der Sassaniden. Frankfurt, 1894.

۱۸۹۴ ـ ایـران ، کشور شیروخورشید . یادداشتهـای یك مسافر . تألیف ی . بلایبتروی . چاپ فرایبورگ .

J. Bleibtreu: Persien. Das Land der Sonne und des Löwen. Aus den Papieren eines Reisenden. Freiburg, 1894.

۱۸۹۴ ـ گسترش سیاست روسیه و انگلستان در ایران و افغانستان تا سال ۱۸۳۸ ـ تألیف هوسوکه ناگاسه ؛ چاپ هاله .

HosukeNagase: Die Entwicklung der russischen und englischen Politik in Persien und Afghanistan bis. 1838. — Halle, 1894.

۱۸۹۴ ـ تاریخ ایران درعصر سلوکی‌ها و اشکانیان ـ تألیف ا . گوتشمید ؛ چاپ لایپتسیگ .

A. Gutschmid: Geschichte Persiens zur Zeit der Seleuciden und Arsaciden. — Leipzig, 1894.

۱۸۹۴ ـ سیاحت در روسیه و در ماوراء مرزهای ایران ـ تألیف گ . اشوایتسر ؛ چاپ برلین .

G. Schweitzer: Streifzüge durch Russland und über die persische Grenze. — Berlin, 1894.

۱۸۹۵ ـ ایـرانیـان و شاهنامه آنـان ـ تـألیف ا . باومگارتن ؛ چاپ لایپتسیگ .

A. Baumgarten: Die Perser und ihr Königsbuch Schahname. — Leipzig, 1895.

۱۸۹۵ ـ زیباترین حماسه‌های شاهنامه. جلد اول: رستم .ـ ترجمهٔ ه . شاوپهرن ؛ چاپ هاله .

H. Schaupp-Horn: Die schönsten Heldensagen aus dem persischen Königsbuche. Bde. 1, Rustem. — Halle, 1895.

۱۸۹۵ ـ درباره مطالعات ایرانی ـ تألیف ه . هوبشمن ؛ چاپ اشتراسبورگ .

H. Hübschmann: Ueber die persischen Studien Strassburg, 1895.

۱۸۹۵ ـ اوستا ـ ترجمهٔ کارل فریدریش گلدنر ، در سه جلد ؛ چاپ اشتوتگارت .

K. F. Geldner: Awesta. 3 T. — Stuttgart, 1895.

۱۸۹۵ ـ نامنامه ایرانی ـ تألیف فردیناند یوستی ؛ چاپ ماربورگ .

F. Justi: Iranisches Namenbuch. — Marburg, 1895.

۱۸۹۵ (و ۱۹۰۴) ـ اصول واژه‌شناسی ایرانی . تألیف ویلهلم گایگر وارنست‌کون ، در دو جلد ؛ چاپ اشتراسبورگ .

W. Geiger, & E. Kuhn: Grundriss der Iranischen Philologie. 2 Bde. — Strassburg, 1895 & 1904.

۱۸۹۵ ـ ردبرمانویت . اثر لاتینی الکسندر لیکوپولیس . چاپ لایپتسیگ .

A. v. Lycopolis: Contra Manichaei Opiniones. Leipzig, 1895.

۱۸۹۵ ـ دستور زبان ارمنی . جلد اول : کلمات فارسی و عربی در زبان ارمنی باستانی . تألیف هاینریش هوبشمن . چاپ لایپتسیگ .

H. Hübschmann: Armenische Grammatik. I: Die persischen und arabischen Lehnwörter im Altarmenischen. Leipzig, 1895.

۱۸۹۵ ـ گزارش شهادت‌استفانوس عسکر مسلمان. اخراج مبلغین آلمانی از ایران و وضع کنونی هیئت مبلغین مذهبی در این کشور . تألیف یولیوس‌لم . چاپ لایپتسیگ .

J. Lemm: Berichte über den Märtyrertod des Mohammedaners Stephanus Askjar. Die Ausweisung der deutschen Missionare aus Persien und der gegenwärtige Stand der Mission daselbst. Leipzig, 1895.

۱۸۹۵ (و ۱۹۰۴) حماسه ملی ایران ـ تألیف تئودور نولد که (در دو جلد) ؛ چاپ اشتراسبورگ .

Th. Nöldeke: Das Iranische Nationalepos. 2 Bde. — Strassburg, 1895 & 1904.

۱۸۹۶ (تا ۱۹۲۶) ـ ایران در قرون وسطی ، برمبنای نوشته‌های جغرافیادانان عرب ـ تألیف پاول شوارتس ، در ۲۲ جلد . چاپ لایپتسیگ .

P. Scshwarz: Iran im Mittelalter. Nach den arabischen Geographen. 22 Bde. — Leipzig, 1896-1926.

۱۸۹۶ (و ۱۹۰۴) ـ تاریخ ایران در دوران اسلامی (دردو جلد) ـ تألیف پاول‌هرن ؛ چاپ اشتراسبورگ .

P. Horn: Geschichte Irans in islamischer Zeit. 2 Bde. — Strassburg, 1896 & 1904.

۱۸۹۶ ـ بررسیهائی دربارهٔ شناسائی خط میخی فارسی باستانی . تألیف ویلی‌فوی . چاپ درسدن .

W. Foy: Beiträge zur Erklärung der altpersischen Keilinschriften. Dresden, 1896.

۱۸۹۶ ـ ناصرالدین شاه و دوران سلطنت او ـ تألیف یوهان‌آلبو ؛ چاپ مونیخ .

J. Albu: Schah Nasser-ed-din und seine Regierungszeit. — München, 1896.

۱۸۹۶ (و ۱۹۰۴) ـ جغرافیای ایران (در دوجلد) ـ تألیف ویلهلم گایگر ؛ چاپ اشتراسبورگ .

W. Geiger: Geographie des Iran. 2 Bde. — Strassburg 1896-1904.

۱۸۹۶ ـ بابی‌ها در ایران . تاریخ آنها وتعالیمشان ـ تألیف فریدریش کارل آندرآس ؛ چاپ لایپتسیگ .

F.C. Andreas: Die Babis in Persien. Ihre Geschichte und Lehre. — Leipzig, 1896.

۱۸۹۶ (و ۱۹۰۵) ـ تتبعاتی درباره تاریخ ایران (در دوجلد) ـ تألیف یوزف مارکوارت ؛ چاپ برلین .

J. Markwart: Untersuchungen zur Geschichte von Erân. 2 Bde. — Berlin, 1896 & 1905.

۱۸۹۷ ـ تاریخ ایران باستان ـ تألیف فردیناندیوستی ؛ چاپ برلین .

F. Justi: Geschichte des alten Persiens. — Berlin, 1897.

۱۸۹۷ ـ نامهای خاص ایرانی در کتیبه‌های هخامنشی . تألیف گئورگ هوزینگ . چاپ کونیگسبرگ .

G. Hüsing: Die iranischen Eigennamen in den Achämenideninschriften. Königsberg, 1897.

۱۸۹۷ ـ ایرانیان . تألیف ا . لهمان . چاپ فرایبورگ .

E. Lehmann: Die Perser. Freiburg, 1897.

۱۸۹۷ ــ زرتشت درگاتها ودر آثار کلاسیکهای یونان و روم . ترجمه از اثر آلمانی دکتر ویلهلم گایگر ودکتر ویندیشمان توسط داراب دستورپشوتن سنجانا (به انگلیسی) . با یادداشتهائی دربارهٔ فرضیه آقای دارمستتر در مورد تاریخ اوستا ، همراه با یك منضمه . چاپ لایپتسیگ .

W. Geiger & Windischmann: Zarathustra in the Gathas, and in the Greek and Roman Classics. Translated from the German of Drs. Geiger and Windischmann. With notes on Mr. J. Darmesteter's theory regarding the date of the Avesta, and an Appendix. By darab Dastur Peshotan Sanjana. Leipzig, 1897.

۱۸۹۷ ــ آئین زرتشت . تألیف ریندترف .چاپ وایمار.

E. Rindtorff: Die Religion des Zarasthustra. Weimar, 1897.

۱۸۹۷ (و ۱۸۹۸) قدیمی‌ترین مذهب ایرانی وبانی آن زرتشت ــ تألیف فردیناند یوستی ؛ چاپ برلین .

F. Justi: Die älteste iranische Religion und ihr Stifter Zarathustra. — Berlin, 1897 & 1898.

۱۸۹۷ ــ لغتنامه فارسی جدید اسدی : لغات فرس ــ اثر پاول هرن ؛ چاپ برلین .

P. Horn: Asadi's neupersisches Wörterbuch Lughat-i Furs. — Berlin, 1897.

۱۸۹۸ ـ منابع تاریخی وجغرافیائی لغتنامه معجم‌البلدان یاقوت حموی.تألیف ف . گ . هئر ؛ چاپ اشتراسبورگ.

F. G. Heer: Die historischen und geographischen Quellen Jaqut's geographische Wörterbücher. — Strassburg, 1898.

۱۸۹۸ ـ سنجاق (ایالت) سلیمانیه ومناطق ایرانی مجاور آن در زمان بابلیها و آشوریان ـ تألیف . بلیربك[۲] ، چاپ لایپتسیگ .

A. Billerbeck: Das Sandschak Suleimania und dessen persische Nachbarlandschaften zur babylonier und assyrier Zeit. — Leipzig, 1898.

۱۸۹۸ ـ گلهائی از شیراز ، نقل از حافظ بزرگترین غزلسرای شرق.ترجمه فریدریش فیشباخ . چاپ‌ویسبادن.

F. Fischbach: Rosen aus Schiras. Hafis, der grösste Lyriker des Orients. — Wiesbaden, 1898.

۱۸۹۸ ـ مطالب مربوط به ارمنستان و کردستان وایران باختری درکتیبه‌های میخی بابلی و آشوری ـ تألیف ماکزیمیلین اشترك ؛ چاپ مونیخ .

M. Streck: Armenien, Kurden und Westpersien nach den babylonischassyrischen Keilschriften. — München, 1898.

۱۸۹۸ (و ۱۹۰۳) ـ مذهب در نزد ملل ایرانی ـ تألیف پاول تیله ، در دوجلد ، چاپ گوتا .

C. P. Tiele: Die Religion bei den iranischen Völkern. 2 T. — Gotha, 1898 & 1903.

۱۸۹۸ ـ اشاره به گائوتمان در اوستا . متن سخنرانی داراب دستور پشوتن سنجانا . چاپ لایپتسیگ .

D.D.P. Sanjana: The reference to Gaotema in the Avesta. A discourse. Leipzig, 1898.

۱۸۹۸ ـ اظهارنظرهائی دربارهٔ فرضیه آقای دارمستتر در مورد نامهٔ تنسر به‌پادشاه طبرستان وتاریخ اوستا . تألیف داراب دستور پشوتن سنجانا . چاپ لایپتسیگ .

D.D.P. Sanjana: Observations on M.J. Darmesteter's theory regarding Tansar's letter to the King of Tabarestan and the date of the Avesta. Leipzig, 1898.

۱۸۹۹ ـ یسنای اول ، براساس معادل سنسکریتی آن درتطبیق با معادلهای یسنای بیست و هفتم . منتشره در یادنامهٔ پروفسور ر . فن‌روت در ۱۸۹۳ ، ونیز تحقیق مشابهی درموردیسنای‌چهل‌وچهارم، منتشره درگزارشهای کنگره یازدهم خاورشناسان در پاریس در سال ۱۸۹۷ . اثر لارنس هـ . میلز . چاپ لایپتسیگ .

L.H. Mills: Yasna I, in its Sanskrit equivalent in sequence to those of Yasna XXVII, published in the Festgruss of the Prof. R. von Roth 1893; as also to those of Yasna XLIV in the Actes of the eleventh Congress of the Orientalists held in Paris in 1897. Leipzig, 1899.

۱۸۹۹ ـ مجموعهٔ مقالات درباره هند وایران . اثـر . اولدنبرگ . چاپ برلین .

H. Oldenberg: Aus Indien und Iran. Gesammelte Aufsätze. Berlin, 1899.

۱۸۹۹ ـ سرزمینهای ماوراءقفقاز ، ایران ، بین‌النهرین، ماوراءالنهر و مردم آنها ـ تألیف فـریدریش زاره ؛ چاپ برلین .

F. Sarre: Transkaukasien, Persien, Mesopotamien, Transkaspien; Land und Leute. — Berlin, 1899.

۱۸۹۹ (و ۱۹۰۰) ـ گزارش موقتی دربارهٔ نتایج علمی و هنری مسافرت به ایران ، در دوجلـد ـ تـألیف فریدریش زاره ؛ چاپ برلین .

F. Sarre: Vorläufiger Bericht über die kunstwissenschaftlichen Ergebnisse einer Reise nach Persien. — Berlin, 1899 & 1900.

۱۹۰۰ ـ تحقیقاتی دربارهٔ چشمه‌های شفابخش ایـران ، و شرایط زندگی در آن کشور ـ تألیف ا . ر . باومن ؛ چاپ ماربورگ .

O. R. Baumann: Untersuchungen über die Hilfsquellen und Bevölkerungsverhältnisse von Persien. — Marburg, 1900.

۱۹۰۰ ـ گاتهای زرتشت در قالب موزون و عروضی . این کتاب چاپ دوم ترجمهٔ موزون این کتاب در سالهای ۱۸۹۲ تا ۱۸۹٤ است که چاپ دوم (که اکنون به انگلیسی آورده شده) ازنسخه ترجمه لاتینی مصحح ونیز نسخه سالهای ۱۸۹۲ ـ ۱۸۹٤ در گاتهای پنجگانه زرتشت بدان افزوده شده است . تألیف لارنس هـ . میلز . چاپ لایپتسیگ .

L. H. Mills: The Gathas of Zarathustra (Zoroaster) in metre and rythm; being the second edition of the metrical version in author's edition of 1892-94. To which is added a 2nd ed. (now in English) of the author's Latin version, also of 1892-94, in the five Zarathushtrian Gathas. Leipzig, 1900.

۱۹۰۰ ـ دو بخش از وچرکرت دینیك . ترجمه و نگارش کریستیان بارتولومه . چاپ اشتراسبورگ .

Ch. Bartholomae: Zwei Stücke aus Viçarkart i Dinik. Strassburg, 1900.

۱۹۰۰ ـ شرح سفری به‌ایران وترکستان و ترکیه ـ تألیف ا . کاودر ؛ چاپ برسلاو .

E. Kauder: Reisebilder aus Persien, Turkestan und der Türkei. — Breslau, 1900.

۱۹۰۰ ـ مطالعات کردی ـ تألیف هاینریش ماکاس ؛ چاپ هایدلبرگ .

H. Makas: Kurdische Studien. — Heidelberg, 1900.

۱۹۰۰ ـ روابط سیاسی و حقوقی بین‌المللی بیزانس و ایران در عصر امپراتور یوستینین ـ تألیف کـارل گوتر بوك ؛ چاپ برلین .

K. Güterbock: Byzanz und Persien in ihren diplomatisch-völkerrechtlichen Beziehungen im Zeitalter Justinians. — Berlin, 1900.

۱۹۰۰ ـ سه سخنرانی دربارهٔ درام در هند ، فردوسی و حماسه ایرانی . سفر داستانها از سرزمینی به سرزمین دیگر ـ تألیف ویلهم پرچ ، چاپ گوتا .

W. Pertsch: Drei Vorträge über das indische Drama, Firdosi und das persische Epos. Wanderung der Märchen. — Gotha, 1900.

۱۹۰۰ ـ یك قاموس عبری به‌فارسی از قرن چهاردهم ـ تألیف ویلهلم باخر ؛ چاپ اشتراسبورگ .

W. Bacher: Ein Hebräisch-Persisches Wörterbuch aus dem vierzehnten Jahrhundert. — Strassburg, 1900.

۱۹۰۰ ـ عکس‌برداری از ابنیه آجری آسیای صغیر و ایران ـ تألیف فریدریش زاره ؛ چاپ درسدن .

F. Sarre: Aufnahmen von Backsteinbauten in Vorderasien und Persien. — Dresden, 1900.

۱۹۰۱ ـ متـن اوستائـی وچرکـرت دینیك . تـألیف کریستیان بارتولومه . چاپ اشتراسبورگ .

Ch. Bartholomae: Die Awestischen Texte des Viçarkart-i Dinik. Strassburg, 1901.

۱۹۰۱ ـ سه کمدی ایرانی جدید . ترجمه‌لوئی پاسارگه ، همراه با مقدمه‌ای از ناشر . چاپ هاله .

L. Passarge. Drei neupersische Lustpiele. Uebertragen und bearbeitet mit einem Vorwort des Herausgbers. Halle, 1901.

۱۹۰۱ ـ تاریخ ادبیات ایران ـ تألیف پاول‌هرن ؛ چاپ لایپتسیگ .

P. Horn: Geschichte der Persischen Literatur. — Leipzig, 1901.

۱۹۰۱ ـ کمك به شناسائی طرز زندگی ایرانیان ، بـر اساس نوشته‌های مصلح‌الدین سعدی ـ تألیف کارل‌فیلیپ؛ چاپ هاله .

C. Philipp: Beiträge zur Darstellung des Persischen Lebens nach Muslihuddin Sa'di. — Halle a.S., 1901.

۱۹۰۱ ـ زری‌های نفیس ایرانی در کـاخ روزنبرگ کپنهاگ ـ تألیف ف. ر. مارتین ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. R. Martin: Die persischen Prachtstoffe im Schlosse Rosenberg in Kopenhagen. — Leipzig, 1901.

۱۹۰۱ ـ ایرانشهر ، نقل از جغرافیای موسی خوره‌نی ، همراه با تفسیر تاریخی و انتقادی و نقشه جغرافیائی ـ تألیف یوزف مارکوارت ؛ چاپ برلین .

J. Markwart: Eranschahr, nach der Geographie des Moses Xorenacii. — Berlin, 1901.

۱۹۰۱ (تا ۱۹۱۰) ـ آثار باستانی هنر معماری ایرانی . تتبعات تاریخی همراه با تصاویر بناهای آجری دوران اسلامی در آسیای صغیر و ایران ، با همکاری دکتر شولتس و گ . کرچف (در ۷ جلد) ـ تألیف فریدریش زاره ؛ چاپ برلن .

F. Sarre: Denkmäler persischer Baukunst. Geschichtliche Untersuchung und Aufnahmen mohammedanischer Backsteinbauten in Vorderasien und Persien, unter Mitwirkung von Dr. Schultz und G. Krechev herausgegeben. 7 Bde. — Berlin, 1901-1910.

۱۹۰۲ ـ در دنیای هلال (سرزمینهای اسلامی) . سفرها و مطالعات درایران ، ارمنستان ، کردستان ، بین‌النهرین و مصر ـ تألیف کارل زهر ؛ چاپ المس هرن .

C. Seher: In der Welt des Halbmondes. Reisen und Studien in Persien, Armenien, Kurdistan, Mesopotamien und Aegypten. — Elmshorn, 1902.

۱۹۰۲ ـ دربارهٔ مشخصات اوستای جدید . تألیف ارنست لهمان . چاپ توبینگن و لایپتسیگ .

E. Lehmann: Zur Charakteristik des jüngeren Awesta. Tübingen & Leipzig, 1902.

۱۹۰۲ ـ قرابت معتقدات یهودی و مسیحی با معتقدات زرتشتی دربارهٔ آخرت . تألیف ارنست بوکلن . چـاپ گوتینگن .

E. Böklen: Die Verwandschaft der jüdisch-christlichen mit der parsischen Eschatologie. Göttingen, 1902.

۱۹۰۲ ـ ادبیات اساسی شرق . تألیف میکائیل هابرلنت ، در دو جلد . جلد دوم : ادبیات ایرانیان ، سامی‌ها و ترکان . چاپ لایپتسیگ .

M. Haberlandt: Die Hauptliteraturen des Orientes. 2 Bde. T.II: Die Literaturen der Perser. Semiten und Türken. Leipzig, 1902.

۱۹۰۲ ـ دیوان شیرین مغربی . متن فارسی . چاپ شومن .

۱۹۰۲ـ از بلغارستان تاایران درمعیت هیئت باستانشناسی آلمان و شرق ـ تألیف آوطارانیان ؛ چاپ برلین .

J. Awetaranian: Von Bulgarien nach Persien. — Deutsche Orient-Mission. — Berlin, 1902.

۱۹۰۲ ـ کتاب قانون حسین‌بن عبداله بن سینا ، ترجمه رساله‌های اول تا چهارم از کتاب سوم ، توسط هیرشبرگ و لیپرت ؛ چاپ لایپتسیگ .

J. Hirschberg und Lippert: Avicenna, Husain Ibn 'Abd-Allah des Ibn Sina's Kanon, Buch III, Tractat I-IV. Leipzig, 1902.

۱۹۰۳ ـ زرتشت و یونانیـان . بحثی دربارهٔ رابطـه امشاسپنت ایرانی و لوگـوس یونانی . ـ تألیف لارنس میلز . چاپ لایپتسیگ .

L. H. Mills: Zarathustra and the Greeks. A discussion of the relation existing between the Ameshaspentas and the Logos. Leipzig, 1903.

۱۹۰۳ ـ آخرین روزهای هرمز ، و تحقیقـی دربـارهٔ وضع کنونی خلیج فارس ـ تألیف ل . کنتسن ؛چاپ بن .

L. Contzen: Die letzten Tage von Ormuz, mit Ausblicken auf die gegenwärtigen Verhältnisse am Persischen Golf. — Bonn, 1903.

۱۹۰۳ ـ قرائت خطوط میخی . تألیف لئوپلد مسرشمیت . چاپ لایپتسیگ .

L. Messerschmidt: Die Entzifferung der Keilinschrift. Leipzig, 1903.

۱۹۰۳ ـ تاریخ مذهب در عصر باستانی تا زمان اسکندر کبیر . آئین مذهبی مردم ایرانی نژاد . تألیف کرنلیس پتروس تیله . چاپ گوتا .

C.P. Tiele: Geschichte der Religion im Altertum bis auf Alexander den Grossen. Die Religion bei den Iranischen Völkern. Gotha, 1903.

۱۹۰۳ ـ مناسبات روسیه و ایران ـ تـألیف گوستاف کرامر ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Krahmer: Die Beziehungen Russlands zu Persien. Leipzig, 1903.

۱۹۰۳ ـ متون کردی ـ تألیف ا . فن لوکوك ؛ چـاپ اشتوتگارت .

A. von Le Coq: Kurdische Texte. — Stuttgart, 1903.

۱۹۰۳ ـ وضع ایران کنونی ، آنطور که در سفرنامـه ابراهیم بیگ توصیف شده است ـ تألیف ویلهلم شولتس باومگارتنر ؛ چاپ لایپتسیگ .

W. Schulz-Baumgartner: Zustände im heutigen Persien wie sie das Reisebuch Ibrahim Begs enthüllt. — Leipzig, 1903.

۱۹۰٤ ـ فرهنگ زبانهای باستانـی ایـران ـ تألیـف کریستیان بارتولومه ؛ چاپ اشتراسبورگ .

Ch. Bartholomae: Altiranisches Wörterbuch. — Strassburg, 1904.

۱۹۰٤ ـ زندگی وافسانه زرتشت ـ تألیف فردیناندیوستی ـ چاپ اشتراسبورگ .

F. Justi: The life and legend of Zarathustra. — Strassburg, 1904.

۱۹۰۴ ـ ترجمه پهلوی یسنای نهم ، با متون نسخه‌های خطی واستنساخ کامل به خط انگلیسی ، همراه باحواشی مختلف از نظر توضیح مطالب واز نظر لغت‌شناسی ، با یك مقدمه در معرفی این اثر . تألیف م. ب داور . چاپ لایپتسیگ .

M. B. Davar: The Pahlavi version of Yasna IX, edited with the collation of MSS., a literal translation into English. Explanatory and philological notes and an introduction. Leipzig, 1904.

۱۹۰۴ ـ مطالعات مربوط به اوستا و پهلوی و ایـران باستانی ، بافتخار مرحوم شمس‌العلما دستور پشوتن جی بهرام جی سنجانا . گردآوری وچاپ توسط ا. و. وست . چاپ شتراسبورگ .

E.W. West (ed.): Avesta, Pahlavi and ancient Persian studies, in honour of the late Shams-ul-Ulama Dastur Peshotanji Behramji Sanjana. Strassburg 1904.

۱۹۰۴ و ۱۹۰۶ ـ زرتشت وفیلو ،هخامنشیان واسرائیل. رساله‌ای درباره قدمت اوستا و تأثیر آن در سایر ادیان . تألیف لارنس میلز ، در دوجلد . چاپ لایپتسیگ .

L.H. Mills: Zarathustra and Philo, the Achaemenids and Israel, being a treatise upon the antiquity and influence of the Avesta. 2 pts., Leipzig, 1904, 1906.

۱۹۰٤ ـ فرشهای قدیمی ایرانی ـ تألیف ویلهلم بوده ؛ چاپ برلین .

W. Bode: Altpersische Knüpfteppiche. Berlin, 1904.

۱۹۰٤ ـ قانون اساسی ایران ، با ضمیمه‌ای دربارهٔ قوانین و تشکیلات و وضع بهداشتی و اقتصادی امروزه ایران ـ تألیف ی. گرینفیلد ؛ چاپ برلین .

J. Greenfield: Die Verfassung des persischen Staates; nebst einem Anhang über Gesetze, Bildungswesen, sanitäre und wirtschaftliche Zu-Stände im heutigen Persien. — Berlin, 1904.

۱۹۰٤ ـ بقعه شیخ صفی در اردبیل ـ تألیف فریدریش زاره ؛ چاپ برلین .

F. Sarre: Ardabil; Grabmoschee des Scheich Safis. — Berlin, 1904.

۱۹۰۵ ـ گاتهای اوستا : نیایشهای زرتشتی . ترجمه کریستیان بارتولومه . چاپ اشتراسبورگ .

Die Gathas des Awesta: Zarathuschtras Verspredigten, übersetzt Ch. Bartholomae. Strassburg, 1905.

۱۹۰۵ ـ تتبعاتی دربارهٔ رباعیات عمر خیام ـ تألیف آرتور کریستن‌سن ؛ چاپ هایدلبرگ .

A. Christensen: Recherches sur les Ruba'iyat de Omar Khayyam. Heidelberg, 1905.

۱۹۰۶ (و ۱۹۱۰) ـ تاریخ مادها و پارس‌هاتا استیلای مقدونیان ـ تألیف یوستین واچسلاو پراشك ، در دوجلد ؛ چاپ گوتا .

Justín V. Prásek: Geschichte der Meder und Perser bis zur makedonischen Eroberung. 2 T. — Gotha, 1906 & 1910.

۱۹۰۶ ـ بررسی دربارهٔ حماسه کورش ـ تألیف گئورگ هوزینگ ؛ چاپ برلین .

G. Hüsing: Beiträge zur Kyrossage. — Berlin, 1906.

۱۹۰۶ ـ مطالعات شرقی ـ تألیف تئودور نلدکه (در دو جلد) ؛ چاپ گیسن .

Th. Nöldeke: Orientalische Studien. 2 Bde. — Giessen, 1906.

۱۹۰۶ ـ زرتشت و اصول زرتشتی در اوستا ـ تألیف رستم‌جی سنجانیا ؛ چاپ لایپتسیگ .

Rostamji E. D. P. Sanjania: Zarathustra and Zarathustrianism in the Avesta. — Leipzig, 1906.

۱۹۰۶ ـ دربارهٔ فرهنگ لغات ایران باستان . با مقدمه و شرح پایان کتاب . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ اشتراسبورگ .

Ch. Bartholomae: Zum altiranischen Wörterbuch. Nacharbeiten und Vorarbeiten. Strassburg, 1906.

۱۹۰۶ ـ ادبیات زبان فارسی میانه . تألیف پاول هرن . چاپ برلین .

P. Horn: Die mittelpersische Literatur. Berlin, 1906.

۱۹۰۶ (تا ۱۹۲۶) ـ تتبعات کردی و فارسی ، در چهار جلد) ـ تألیف اسکارمان (جلد چهارم این مجموعه بعلت مـرگ مؤلف تـوسط کارل هادانك K. Hadank انتشار یافت) .

O. Mann: Kurdisch-persische Forschungen. 4 Bde. — 1906-1926.

۱۹۰۷ ـ پاسارگاد . تصاویر و تتبعاتی دربارهٔ باستان‌شناسی ایران ـ تألیف ارنست هرتسفلد ؛ چاپ برلین .

E. Herzfeld: Pasargadae. Aufnahmen und Untersuchungen zur persischen Archäologie. — 4 Bde. — 1906-1926.

۱۹۰۷ (و ۱۹۰۸) ـ شاهین وعمرانی ، دوشاعر یهودی ایرانی ـ تألیف ویلهلم باخـر ، در دو جلد ؛ چـاپ اشتراسبورگ .

W. Bacher: Zwei jüdich-persische Dichter: Schahin und Imrani. 2 T. — Strassburg, 1907 & 1908.

۱۹۰۷ ـ اقتباس گراف پلاتن از دیوان حافظ همراه با متن فارسی دیوان ـ به اهتمام فریـدریش فایت . چاپ فرانکفورت .

F. Veit: Graf Platens Nachbildungen aus dem Diwan des Hafiz und ihr persisches Original. — Frankfurt, 1907.

۱۹۰۷ ـ رباعیات عمرخیام ـ ترجمه گ. د . گریبله ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. D. Gribble: Ruba'ijat des Omar Chajjam ... — Leipzig, 1907.

۱۹۰۸ ـ سفر مطالعاتی‌من در خاور مقدم (آسیای صغیر ، بین‌النهرین وایران) . درسالهای ۱۹۰۶ و۱۹۰۷ . تألیف هوگو گروته . چاپ هاله .

H. Grothe: Meine Studienreise durch Vorderasien (Kleinasien, Mesopotamien und Persien) 1906-1907. Halle, 1908.

۱۹۰۸ ـ آئین مانی ـ تألیف کارل زالمان ؛ چاپ لایپتسیگ .

C. Salemann: Manichäismus. — Leipzig, 1908.

۱۹۰۸ ـ کتیبه هـای میخی فارسی باستـانی شاهنشاه داریاووش اول درکوه بیستون . تألیف آرتور هوفمان کوچکه . چاپ اشتوتگارت .

A. Hoffman-Kutschke: Die altpersische Keilinschriften des Grosskönigs Darajawausch des Ersten am Berge Bagistan. Stuttgart, 1908.

۱۹۰۸ ـ نوشته‌های میخی فارسی باستانی . استنساخ بـه خط آلمانی و ترجمه توسط فرانتس هاینریش وایسباخ و ویلهلم بانگ . چاپ لایپتسیگ .

F.H. Weissbach & W. Bang: Die altpersischen Keilinschriften in Umschrift und Uebersetzung hrsg. — Leipzig, 1908.

۱۹۰۸ ـ آئین زرتشتی . تألیف کارل فریدریش گلدنر. چاپ توبینگن .

K.F. Geldner: Die Zoroastrische Religion. Tübingen, 1908.

۱۹۰۸ ـ کتاب مقدماتی زبان اوستائی ـ تألیف هانس رایشلت ؛ چاپ هایدلبرگ .

H. Reichelt: Awestisches Elementarbuch. — Heidelberg, 1908.

۱۹۰۸ ـ کتاب زاجها واملاح ، تألیف محمد بن زکریـا ابوبکر رازی ـ ترجمه یولیوس روسکا ؛ چاپ برلین .

J. Ruska: Abu Bakr - Razi (Muhammad Ibn Zakariya): Das Buch der Alaune und Salze. Berlin, 1908.

۱۹۰۸ ـ کمیت نمك درخلیج فارس وآبهای مجاور آن ـ تألیف گ . شوت ؛ چاپ برلین .

G. Schott: Der Salzgehalt des Persischen Golfes und der angrenzenden Gewässer. — Berlin, 1908.

۱۹۰۹ ـ زبانهای محلی تاجیکی در استان فارس . سلسلهٔ مطالعات کردی وایرانی . تألیف اسکارمان ؛ چاپ برلین.

O. Mann: Die Tajik-Mundarten der Provinz Fars. (Kurdisch-persische Forschungen). Berlin, 1909.

۱۹۰۹ ـ از سرزمین افسانه‌های هزارویکشب . مشاهدات و ماجراهای یك زمین‌شناس در شمال ایران ـ تألیف هـ . پولیگ ؛ چاپ مونیخ .

H. Pohlig: Aus dem Märchenlande der 1001 Nacht. Beobachtungen und Abenteuer eines Geologen im nördlichen Persien. — München, 1909.

۱۹۰۹ ـ مختصات جغرافیائی ترکیه آسیا وناحیه پشت کوه در جنوب بین‌النهرین و ایران ـ تألیف هـ . گروته؛ چاپ لایپتسیگ .

H. Grothe: Geographische Charakterbilder aus der asiatischen Türkei und dem südlichen mesopotamisch-iranischen Randgebirge (Puscht-i-Kuh). — Leipzig, 1909.

۱۹۰۹ ـ سیستم آریائی و آنچه توسط ایرانیان از آن بما انتقال یافته است . تألیف گئورگ هوزینگ . چاپ برلین .

G. Hüsing: Die iranische Ueberlieferung und das arische System. Berlin, 1909.

۱۹۰۹ ـ کفرهای عمر خیام در رباعیات خیام خیمه‌دوز ـ ترجمه از فارسی توسط فریدریش روزن ؛ چاپ اشتوتگارت ولایپتسیگ .

Fr. Rosen: Die Sinnsprüche Omars des Zeltmachers Rubaijat-i-Omar-i-Khayyam. Aus dem Persischen übertragen. — Stuttgart & Leipzig, 1909.

۱۹۰۹ (تا ۱۹۳۱) ـ گاتهای زرتشت ـ ترجمه وتفسیر فریدریش کارل آندرآس ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. C. Andreas: Die Gathas des Zarathustra. — Leipzig, 1909-1931.

۱۹۱۰ ـ اوستا ، کتابهای مقدس پارسیان ـ ترجمه فریتس ولف ؛ چاپ اشتراسبورگ .

F. Wolff: Awesta, die heiligen Bücher der Parsen. — Strassburg, 1910.

۱۹۱۰ ـ سیاحت در ایران ـ تألیف ه . گروته ؛ چاپ برلین .

H. Grothe: Wanderungen in Persien. — Berlin, 1910.

۱۹۱۰ ـ درباره یك کتاب حقوق ساسانی ـ تألیف کریستیان بارتولومه ؛ چاپ هایدلبرگ .

Ch. Bartholomae: Ueber ein Sassanidisches Rechtsbuch. — Heidelberg, 1910.

۱۹۱۰ ـ سفری از راه زمین به هند ازطریق ایران و سیستان و بلوچستان ، در دو جلـد ـ تألیف سون هدین ؛ چاپ لایپتسیگ .

S.A. Heddin: Zu Land nach Indien durch Persien, Seistan, Belutschistan; 2 Bde. — Leipzig, 1910.

۱۹۱۰ ـ دربارهٔ منابع علمی طب ایرانی ـ تألیف ا . م . فونان ؛ چاپ لایپتسیگ .

A.M. Fonahn: Zur Quellenkunde der persischen Medizin. — Leipzig, 1910.

۱۹۱۰ ـ رباعیات خیام ، ترجمه به آلمانی ازروی نسخه فارسی ، با حواشی و تصاویر ـ ترجمه وتدوین آرتور آلتشول ؛ چاپ درسدن .

A. Altschul: Ruba'ijat von Omar Khayyam. Bearbeitung des persischen Originals, verdeutscht mit Anmerkungen und Bildschmuck verschen. — Dresden, 1910.

۱۹۱۰ ـ سیاحت در مشرق زمین در ترکستان و شمـال باختری ایران ـ تألیف هاینریش اشواینیتس ؛ چـاپ برلین .

H.H. Schweinitz: Orientalische Wanderungen in Turkestan und im nordöstlichen Persien. — Berlin, 1910.

۱۹۱۰ ــ یسنای اوستا بصورت یکجا ، همراه با متون اوستائی ، پهلوی ، سنسکریت و فارسی . تلخیص بر اساس آنچه در مورد پنج گاتای زرتشتی و چهار متن تفسیری عمل شده بود (سالهای ۱۸۹۲ ، ۱۸۹٤ ، ۱۹۰۲) . مطالعه‌ای در یسنای اول . تألیف لارنس‌میلز. چاپ لایپتسیگ .

L.H. Mills: The Yasna of the Avesta in continuous treatment, with the Avesta, Pahlavi, Sanskrit und Persian texts; resumed upon the plan initiated in the five Zarathustrian Gathas, with the four texts commentary (1892, 1894, 1902). A study of Yasna I. Leipzig, 1910.

۱۹۱۰ ــ واقعیت تاریخی دربارهٔ کوروش و داریوش و زرتشت . بررسی در تتبعات مربوط به باستانی‌ترین تاریخ آریائیها . ایرانیان در دوران داریوش اول ، پس از زرتشت اسپنتمان ، و نقش آنان در تاریخ جهان تألیف تألیف آرتور هوفمان کوچکه . چاپ برلین .

A. Hoffmann-Kutschke: Die Wahrheit über Kyros, Darius und Zarathuuschtra: Beiträge zur Erforschung der älteren arischen Geschichte. Der Perser zur Zeit des Darius I, nach Zarathuschtra Spitama, und ihre Bedeutung für die Weltgeschichte. Berling, 1910.

۱۹۱۰ ـ مطالعه‌ای دربارهٔ یسنای اول ، با توضیح مقدماتی ، متون پهلوی و فارسی و معادل تقریبی سنسکریتی آن . بضمیمهٔ بخشی از گاتها که در قالب وزن آزاد و بصورت تحت‌اللفظ بانگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۰۰ منتشر شده است . ترجمه فوق‌الذکر به چاپ دوم رسیده ، ودراین ترجمه انگلیسی کلمه بکلمه جایگزین متن لاتین شده است . تألیف لارنس هـ . میلز . چاپ لایپتسیگ .

L.H. Mills: A study of Yasna I, with introduction, Pahlavi and Persian texts and with the closer Sanskrit equivalents. Also herewith included, the Gathas in English free metrical and verbatim translations as issued in 1900, having then been a second edition of the author's free metrical and verbatim renderings, the English in the verbatim being substitutedfor the Latin. Leipzig, 1910.

۱۹۱۰ ـ متون اوستائی ، پهلوی ، سنسکریتی وفارسی یسنای اول . تألیف لارنس میلز . چاپ لایپتسیگ .

L.H. Mills: Avesta, Pahlavi Sanskrit and Persian Texts of Yasna I. Leipzig, 1910.

۱۹۱۰ ـ سیاحت شرقی درترکستان و شمال شرقی ایران. تألیف هانس هرمان گراف فن شواینیتس . چاپ برلین .

H.H. Graf v. Schweinitz: Orientalische Wanderungen in Turkestan und im nordöstlichen Persien. Berlin, 1910.

۱۹۱۰ ـ سیاحت‌هائی در ایران . وقایع و مشهودات . تألیف هوگو گروته . چاپ برلین .

H. Grothe: Wanderungen in Persien. Erlebtes und Erschautes. Berlin, 1910.

۱۹۱۰ ـ سفر دومین هیئت علمی اعزامی به‌تورفان و نتایج آن . تألیف ا. فن‌لوکوك . چاپ مونیخ .

A. von Le Coq: Reise und Ergebnisse der zweiten Deutschen Turfan-Expedition. München, 1910.

۱۹۱۰ ـ اشعاری به‌تقلید از غزلیات حافظ . اثر هانس بتگه . چاپ لایپتسیگ .

H. Bethge: Nachdichtungen der Lieder des Hafis. Leipzig, 1910.

۱۹۱۰ ـ گویش‌های محلی ایل‌لر درجنوب غربی ایران . سلسلهٔ مطالعات کردی و فارسی ـ تألیف ا. مان ؛ چاپ برلین .

O. Mann: Die Mundarten der Lur-Stämme im Südwestlichen Persien. (Kurdisch-persische Forschungen). Berlin, 1910.

۱۹۱۰ ـ نقوش برجسته درصخره‌های ایران . عکسهای این نقوش و مطالعاتی دربارهٔ آثار ادوار باستانی و دورهٔ میانه تاریخ ایران ـ تألیف فریدریش زاره و ارنست هرتسفلد ، در دوجلد . چاپ برلین .

F. Sarre & E. Herzfeld: Iranische Felsreliefs. Aufnahmen und Untersuchungen von Denkmälern aus alt-und mittelpersischer Zeit. 2 Bde. — Berlin, 1910.

۱۹۱۰ ـ سنگنوشته آرامگاه داریوش هیشتاسپ ـ تألیف فریدریش وایسباخ ؛ چاپ لایپتسیگ .

F.H. Weissbach: Die Inschriften am Grabe des Darius Hystaspes. — Leipzig, 1911.

۱۹۱۱ ـ کتیبه‌های میخی هخامنشیان ـ تألیف ویلهلم بانگ و فریدریش وایسباخ ؛ چاپ لایپتسیگ .

W. Bang & F.H. Weissbach: Die Keilinschriften der Achämeniden. — Leipzig, 1911.

۱۹۱۱ ـ سفر باستانشناسی به ناحیه فرات و دجله ـ تألیف فریدریش زاره وارنست هرتسفلد . چاپ برلین .

F. Sarre und E. Herzfeld: Archäologische Reise Im Euphrate und Tigris Gebiet.— Berlin, 1911.

۱۹۱۱ ـ دربارهٔ وضع طبیعی واقتصادی آسیای مقدم . جلد اول : ایران ـ تألیف هـ . گروته ؛ چاپ فرانکفورت.

H. Grothe: Zur Natur und Wirtschaft von Vorderasien. I. Persien. — Frankfurt, 1911.

۱۹۱۱ ـ مهرپرستی . تاریخ پیدایش و تکامل و آثـار آن ـ تألیف تئودور کلوگه . چاپ لایپتسیگ .

Th. Kluge: Der Mithra Kult. Seine Anfänge, Entwicklungsgeschichte und seine Denkmäler. — Leipzig, 1911.

۱۹۱۱ـ دستور عملی زبان فارسی جدید برای خودآموزی این زبان. همراه با متون قرائتی و فرهنگ . تألیف او گوست زایدل . چاپ لایپتسیگ و وین .

A. Seidel: Praktische Grammatik der neupersischen Sprache für den Selbstunterricht. Mit Lesestücken und einem systematischen Wörterbuch. Leipzig & Wien, 1911.

۱۹۱۱ ـ گرشاسپ مارتن و ملحقاتی براین متن براساس روایات ایرانی . تألیف گئـورگ هوزینگ . چـاپ لایپتسیگ .

G. Husing: Krsaspa im Schlangenleibe und andere Nachträge zur iranischen Ueberlieferung. — Leipzig, 1911.

۱۹۱۲ ـ مقدمه برزو بر کتاب کلیله و دمنه ـ ترجمه و تفسیر تئودور نلدکه ؛ چاپ گیسن .

Th. Nöldeke: Burzoe's Einleitung zu dem Buch Kalila wa Dimna. — Giessen, 1912.

۱۹۱۲ ـ بابی‌بهائی‌ها . تألیف رومر . چاپ پتسدام .
Roemer: Die Babi-Behais. — Potsdam, 1912.

۱۹۱۲ ـ یك دستور مکالمه‌ای زبان فارسی میانه برای مدارس . تألیف هاینریش ف . یونکر . چاپ هایدلبرگ .
H.F.J. Junker: Ein mittelpersisches Schulgespräch. Heidelberg, 1912.

۱۹۱۲ ـ فرهنگ پهلویك ـ تألیف فریدریش یونکر ؛ چاپ هایدلبرگ .
H.F.J. Junker: The Farhang-i Pahlavik.-Heidelberg, 1912.

۱۹۱۲ ـ صحنه‌های جنگهای باستانی . جنگ ایران ـ تألیف . کرونایر . چاپ برلین .
L. Kronayer: Antike Schlachtfelder - Perserkrieg. — Berlin, 1912.

۱۹۱۳ ـ کمبوجیه ـ تألیف یوستین واچسلا وپراشك . چاپ لایپتسیگ .
J. V. Prásek: Kambyse. — Leipzig, 1913.

۱۹۱۳ ـ مقامات بدیع‌الزمان همدانی . ترجمه از متن عربی توسط ا . رشر . چاپ لئونبورگ .
Badi az-Zaman al-Hamadani: Die Maqamen. Aus dem Arabischen übers. v. O. Rescher. Leonburg, 1913.

۱۹۱۳ـ بررسی حماسه رستم ـ تألیف گئورگه‌هوزینگ؛ چاپ لایپتسیگ .

G. Hüsing: Beiträge zur Rostamsage. — Leipzig, 1913.

۱۹۱۳ ـ خط سیر هیئت علمی آلـمانی به تورفـان و نتایج سفر آنان . تألیف خوراس زاتورپانوکی . چاپ لایپتسیگ .

Ch. Zaturpanoky: Reisewege und Ergebnisse der deutschen Turfan-Expeditionen. Leipzig, 1913.

۱۹۱۳ ـ چاپ عکسی مهمترین آثاری که در نخـستین سفر هیئت علمی سلطنتی پروس در تورفان واقـع در ترکستان شرقی بدست آمده است (آثار مانوی) . تألیف ا . فن‌لوکوك . چاپ برلین .

A. von Le Coq: Facsimile-Wiedergaben der wichtigeren Funde der ersten Königlich-preussischen Expedition nach Turfan in Ost-Turkistan. Berlin, 1913.

۱۹۱۳ ـ مطالعه در علم اخلاق زرتشت بعنوان قسمتی از تاریخ علم اخـلاق . تألیف ولـفگانگ شولتس . چاپ لایپتسیگ .

W. Schultz: Die Sittenlehre des Zarathustra im Rahmen der Geschichte der Sittlichkeit. — Leipzig, 1913.

۱۹۱۳ ـ یك فرهنگ زبان گاتائی زند اوستا. سومین جلد اثری تحقیقی دربارهٔ گاتهای پنج گانه زرتشت ودومین جلد تفسیر. این فرهنگ بصورت فهرست لغوی باتوضیحات کامل صرف و نحوی تکمیل شده و بصورت متمم جلد سی ویکم مجموعهٔ «کتابهای مقدس مشرق زمین» بچاپ رسیده است. تألیف لارنس میلز. چاپ لایپتسیگ.

L.H. Mills: A dictionary of the Gathic language of Zend-Avesta, being vol. III of a study of the five Zarathustrian Gathas, the commentary vol. II. Completed in Lexicographical form with full grammatical details as the sequel to the XXXIst vol. of the Sacred Books of the East. Leipzig, 1913.

۱۹۱۳ ـ ریشهٔ دین مسیحی در ایران باستان. مجموعهٔ سخنرانیهای لارنس ه. میلز در دانشگاه آکسفرد دربارهٔ معرفی زنداوستا و ارتباط آن با اصول فریسی ماقبل مسیحی (یهود). طرح مسئله ایران بعنوان یك عامل اساسی در تتبعات انجیلی. چاپ لایپتسیگ وشیکاگو.

L.H. Mills: Our own religion in ancient Persia, being lectures delivered in Oxford presenting the Zend-Avesta as collected with the Pre-christian exilic Pharisiasm, advancing the Persian question to the foremost position in our Biblical research. Leipzig & Chicago, 1913.

۱۹۱۳ ـ قالی‌های قدیمی ایران و تحقیقی دربارهٔ ارزش زیبائی آنها ـ تألیف ك. هوپف؛ چاپ مونیخ.

C. Hopf: Die altpersischen Teppiche. Eine Studie über ihre Schönheitswerte. — München, 1913.

۱۹۱۳ ـ چاپ عکسی اسنادمکشوفه توسط نخستین هیئت اعزامی سلطنتی پروس به تورفان واقع در ترکستان شرقی، که باماموریت محوله‌ازطرف اداره‌کل موزه‌های سلطنتی و باکمك مالی انستیتوی بسلر انجام یافته است. شرح نتایج سفر علمی هیئت اعزامی سلطنتی پروس به تورفان ـ تألیف ا. فن لوکوك. چاپ برلین.

A. von Le Coq: Facsimile Wiedergabe der Ersten Königlich Preussischen Expedition nach Turfan in Ost-Turkestan. Im Auftrage der Generalverwaltung der Königlichen Museen aus Mitteln des Baessler-Institutes. Ergebnisse der Königlich Preussischen Turfan-Expeditionen. — Berlin 1913.

۱۹۱۳ ـ در زیر هلال وخورشید. شرح سفری براسب بین ترکیه آسیا و ایران ـ تألیف ا. ی. وستارپ؛ چاپ برلین.

E.J. Westarp: Unter Halbmond und Sonne; im Sattel durch die asiatische Türkei und Persien. — Berlin. 1913.

۱۹۱۳ ـ پژوهشهای تاریخی و جغرافیائی درباره سرزمین های شرق برمبنای مطالعات دانشمندان روسیه. تألیف ویلهلم بارتلد. ترجمه از روسی به‌آلمانی توسط ا. رامبرگ فیگولا. با مقدمه‌ای از مارتین هارتمان. چاپ لایپتسیگ.

W. Barthold: Die geographische und historische Erforschung des Orients mit besonderer Berücksichtigung der Russischen Arbeiten. Deutsch, aus dem Russischen übersetzt von E. Ramberg-Figulla. Mit einem Geleitwort von Martin Hartmann. Leipzig, 1913.

۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۵ ـ دستور مکالمه‌ای زبان فارسی امروزی، با توجه خاص به کتابت این زبان همراه با مفتاح (لغتنامه) تألیف سباستین بك، دردوجلد. چاپ هایدلبرگ.

S. Beck: Neupersische Konversations-Grammatik mit besonderer Berücksichtigung der Schriftsprache. Mit Schlüssel. 2 Bde. Heidelberg, 1914-15.

۱۹۱۴ـ مینیاتورهای اسلامی ایران ـ تألیف والترشولتس، در دوجلد؛ چاپ لایپتسیگ.

W. P. Schulz: Die persisch-islamische Miniaturmalerei. 2 Bde. — Leipzig, 1914.

۱۹۱۴ ـ نقاشی های رضا عباسی ـ تألیف فریدریش زاره و ا. میتوخ؛ چاپ مونیخ.

F. Sarre & E. Mitwoch: Zeichnungen von Riza Abbasi. — München, 1914.

۱۹۱۴ ـ دربارهٔ اصطلاح اهورا ودیو دراوستا ـ تألیف ه. گوبرت؛ چاپ هایدلبرگ.

H. Gübert: Ueber die ahurischen und. daevischen Ausdrück im Awesta.— Heidelberg, 1914.

۱۹۱٤ ـ سه داستان یغنابی به خط لاتینی . ترجمه و تفسیر فریدریش یونکر ؛ چاپ هایدلبرگ .

H. F. J. Junker: Drei Erzählungen auf Yaghnabi. In Lateinschrift. Hersg., übers. und erläutert. Heidelberg, 1914.

۱۹۱۵ ـ دربارهٔ شناسائی نوشته های ادبی مزدیسنائـی . رونوشتهای نوشته های خطی زبان زند در مونیخ . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ مونیخ .

Ch. Bartholomae: Zur Schriftkunde der mazdayasnischen Literaturwerke. Abbildungen aus den Münchener Zendhandschriften. München, 1915.

۱۹۱۵ ـ نوشته های خطی زند در کتابخانه سلطنتی ودولتی در مونیخ . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ مونیخ .

Ch. Bartholomae: Die Zendhandschriften der Königlichen Hof-und Staatsbibliothek in München, Catalogus codicum manuscriptorum bibliothecae regia Monacensis. München, 1915.

۱۹۱٦ ـ ایران و مسئله ایران ـ تألیف ت . یگر ؛ چاپ وایمار .

T. Jaeger: Persien und die Persische Frage. — Weimar, 1916.

۱۹۱٦ـ دربارهٔ مسیحیت درایران ـ تألیف ادوارد زاخائو؛ چاپ لایپتسیگ .

E. Sachau: Vom Christentum in Persien. — Leipzig, 1916.

۱۹۱۶ تا ۱۹۲۵ ـ دربارهٔ شناسائی گویش‌های فارسی میانه ـ تألیف کریستیان بارتولومه، درشش‌جلد؛ چاپ هایدلبرگ .

Ch. Bartholomae: Zur Kenntnis der Mitteliranischen Mundarten. 6 Bde. — Heidelberg, 1916-1925.

۱۹۱۷ ـ تاریخ کاخهای پله‌دار بابل وآشور، مصر، ایران و یونان . ـ تألیف آلفرد گرسباخ؛ چاپ اشتراسبورگ .

A. Gersbach: Geschichte des Treppenhauses der Babylonier und Assyrier, Aegypter, Perser und Griechen. — Strassburg, 1917.

۱۹۱۷ ـ آلتائی، ایران و کوچ ایلات ـ تألیف ی . استرژیگوسکی . چاپ لایپتسیگ .

J. Strzygowski: Altai, Iran and Völkerwanderung. — Leipzig, 1917.

۱۹۱۷ ـ دنیای اسلام، از مراکش تا ایران ـ تألیف والتر شولتس؛ چاپ مونیخ .

W.P. Schulz: Die Welt des Islam; von Marokko bis Persien. — München, 1917.

۱۹۱۷ ـ مدارك انگلیسی دربارهٔ اختناق ایران . چاپ مجله «شرق نو» . برلین .

Englische Dokumente zur Erdrosslung Persiens. "Neuer Orient". Berlin, 1917.

۱۹۱۸ ـ آثار معماری خراسان . تألیف ارنست دیتس . چاپ برلین .

E. Diez: Churasanische Baudenkmäler. — Berlin, 1918.

۱۹۱۸ ـ آئین زرتشتی . اوستا . ـ ترجمه و تألیف کارل فریدریش گلدنر ؛ چاپ توبینگن .

K.F. Geldner: Die zoroastrische Religion; das Awesta. — Tübingen, 1918.

۱۹۱۸ ـ اقیانوس نگاری و وضع اقلیمی خلیج فارس و خلیج عمان ـ تألیف گ . شوت . چاپ برلین .

G. Schott: Ozeanographie und Klimatologie des Persischen Golfes und des Golfes von Oman. — Berlin, 1918.

۱۹۱۸ ـ جرم انگلیس و روس در ایران ـ تألیف گ . براندس . چاپ برلین .

G. Brandes: Das Verbrechen Englands und Russlands in Persien. — Berlin, 1918.

۱۹۱۸ ـ فرار من در لباس گدای ایرانی . ماجرای زمان جنگ . تألیف هاینریش ساکس . چاپ برلین .

H. Sachs: Meine Flucht als persischer Bettler. Kriegserlebnisse. — Berlin, 1918.

۱۹۱۸ تا ۱۹۲۳ ـ دربارهٔ حقوق ساسانی ـ تألیف کریستیان بارتولومه ، در پنج مجلد ؛ چاپ هایدلبرگ .

Ch. Bartholomae: Zum Sassanidischen Recht. — 5 Bdes — Heidelberg, 1918-1923.

۱۹۱۹ ـ سیاوش ، از حماسه های ایرانی ـ ترجمه ا . اسیمگمن ؛ چاپ برلین .

A. Essigmann: Sijawusch; Persische Sagen. — Berlin, 1919.

۱۹۱۹ ـ تحقیقی دربارهٔ رسوخ کلمات بیگانه فارسی در زبان کلاسیك عرب ـ تألیف ع . صدیقی ؛ چاپ گوتینگن .

A. Siddiqi: Studien über die Persischen Fremdwörter im Klassischen Arabisch. — Göttingen, 1919.

۱۹۱۹ ـ کشت زمین در ایران و محصولات آن ـ تألیف ه . بویك ؛ چاپ هامبورگ .

H.H. Beuck: Die Bodenkultur in Persien und ihre Ausführerzeugnisse. — Hamburg, 1919.

۱۹۱۹ ـ دربارهٔ اشتقاق کلمات و ساختمان آنها در زبانهای هند و ژرمنی . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ هایدلبرگ .

Ch. Bartholomae: Zur Etymologie und Wortbildung der indogermanischen Sprachen. Heidelberg, 1919.

۱۹۱۹ ـ زندگی و تعالیم زرتشت . تألیف کریستیان بارتولومه . چاپ هایدلبرگ .

Ch. Bartholomae: Zarathustras Leben und Lehre. Heidelberg, 1919.

۱۹۱۹ ـ مختصر تاریخ مجلس ایران . بزبان فارسی ، از انتشارات مجله کاوه . چاپ برلین .

۱۹۱۹ ـ منابع نفتی «ترکی ـ ایرانی» . تألیف والترشوئر. چاپ هامبورگ .

W. Schweer: Die türkisch-persischen Erdölvorkommen. Hambur, 1919.

۱۹۱۹ ـ تحقیقات هنری در زمان جنگ بین‌المللی در بین‌النهرین ، آناتولی شرقی ، ایران و افغانستان ـ تألیف فریدریش زاره ؛ چاپ لایپتسیگ .

F. Sarre: Kunstwissenschaftliche Arbeit während des Weltkrieges in Mesopotamien, Ost-Anatolien, Persien und Afghanistan — Leipzig, 1919.

۱۹۲۰ ـ ایران ، از «نفوذ مسالمت‌آمیز» تا « تحت ـ الحمایگی» . اسناد و حقایق مربوط به سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۹۱۹ ـ تألیف و. لیتن . چاپ برلین و لایپتسیگ .

W. Litten: Persien, von der "pénétration pacifique" zum Protektorat; Urkunden und Tatsachen 1860-1919. — Berlin, Leipzig, 1920.

۱۹۲۰ ــ چه کسی بیطرفی ایران را نقض کــرده است ؟ چهارده نکته دربارهٔ مسئله بیطرفی ایران و لیست سیاه این کشور . تألیف ویلهلم لیتن . چاپ برلین ولایپتسیگ .

W. Litten: Wer hat die persische Neutralität verletzt? 14 Punkte zur Frage der persischen Neutralität und zur persichen schwarzen Liste. Berlin & Leipzig, 1920.

۱۹۲۰ ــ منابع تاریخ آئین ایران . گردآوری کارل کلمن، (در مجموعه منابع تاریخی مذاهب برمبنای نوشته های مؤلفان لاتینی و یونانی) . چاپ بن .

Carolus Clemen: Fontes historiae religionis persicae (Fontes historiae religionum ex auctoribus graecis et latinis). Bonnae, 1920.

۱۹۲۰ ــ پیام زرتشت . گاتهای اوستا و کوششی درتوضیح مفاهیم آنها . تألیف پاول ابرهارت . چاپ ینا .

P. Eberhardt: Des Rufen des Zarathustra. Die Gathas des Awesta; ein Versuch ihren Sinn zu geben. Jena, 1920.

۱۹۲۰ ــ اطلاعاتی که از منابع یونانی و لاتینی درباره آئین مذهبی ایرانی به ما رسیده است . تألیف کارل کلمن. چاپ گیسن .

C. Clemen: Die Griechischen und lateinischen Nachrichten über die Persische Religion. Giessen, 1920.

۱۹۲۰ – ۱۹۲۲ ـ زند اوستا ، یا مسائل مربوط به تقدیر ودنیای بعد از مرگ از نظر توجه به طبیعت . تألیف گوستاف تئودور فشنر . در دوجلد . چاپ لایپتسیگ .

G. Th. Fechner: Zend-Awesta oder über die Dinge des Himmels und des Jenseits vom Standpunkt der Naturbetrachtung. 2 Bde. — Leipzig, 1920, 1922.

۱۹۲۰ ـ کتابشناسی ایرانی . گردآوری هیئت تحریریه مجله فارسی کاوه . چاپ برلین .

Persische Bibliographie. Zusammengestellt von dem Redaktions komitee der persischen Zeitung Kaveh. Berlin, 1920.

۱۹۲۰ ـ رباعیات عمر خیام با شرح مقدماتی درباره آنها . تألیف فریدریش روزن . چاپ برلین .

Omar Khayyam: Ruba'iyat. Eingeleitet und hrsg. von F. Rosen. Berlin, 1920.

۱۹۲۰ ـ دریاچه های داخلی فلات ایران ـ تألیف اسکار فن نیدرمایر ؛ چاپ مونیخ .

O. v. Niedermayer: Die Binnenbecken des iranischen Hochlandes. — München, 1920.

۱۹۲۰ ـ در دروازه آسیا . نقوش حجاری شده در کوههای ایران . تألیف ارنست هرتسفلد . چاپ برلین .

E. Herzfeld: Am Tor von Asien. Felsdenkmäler aus Iran. Berlin, 1920.

۱۹۲۰ ـ مذاهب باستانی ایران و آئین یهودی ـ تألیف ی. شفتلوویتس؛ چاپ گیسن.

I. Scheftelowitz: Die alten persischen Religionen und das Judentum. — Giessen, 1920.

۱۹۲۱ ـ ایران سرزمین فرهنگ ـ تألیف والتر ایفن. چاپ برلین.

W. Iven: Das Kulturland Persien. — Berlin, 1921.

۱۹۲۱ـ رازرستاخیزمعنوی ایرانـ تألیف ر. رایتسنشتاین. چاپ بن.

R. Reitzenstein: Das iranische Erlösungsmysterium. — Bonn, 1921.

۱۹۲۱ ـ تذکرهٔ شاه طهماسب. شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه طهماسب صفوی بقلم خود او (به فارسی) باهتمام عبدالشکور. چاپ برلین، ۱۳۴۳ هجری.

۱۹۲۱ ـ رشد اقتصادی و مسئله کشاورزی در ایران در قرن بیستم ـ تألیف میخائیل پاولویچ. چاپ لایپتسیگ.

M. Pavlovic: Die ökonomische Entwicklung und die Agrarfrage in Persien im 20. Jahrhundert. — Leipzig, 1921.

۱۹۲۱ ـ حافظ : مستی عرفانی عشق و باده . ترجمه از نسخه‌خطی فارسی توسط گ . ل. لشچینسکی . چاپ مونیخ.

Hafiz: Von der Liebe und des Weines Gottes-Trunkenheit. Aus dem persischen übers. von G.L. Lesczynski. München, 1921.

۱۹۲۱ ـ بناهای تاریخی‌سلجوقیان ـ تألیف‌فریدریش‌زاره. چاپ برلین .

F. Sarre: Seldschukische Denkmäler. — Berlin, 1921.

۱۹۲۱ـ زادالمسافرین ناصرخسرو، چاپ متن فارسی توسط محمد بذل‌الرحمن . برلین .

۱۹۲۲ ـ انوار سهیلی کاشفی . متن فارسی ، چاپ برلین .

۱۹۲۲ ـ سیاوش ، یك حماسه باستانی ایـرانی نقـل از شاهنامهٔ فردوسی ـ ترجمهٔ گ . ل. لشچینسکی ، چاپ مونیخ .

G.L. Leszcynski: Siyawuch; eine alte persische Sage aus dem Shahnameh (Königsbuch) des Firdusi. — München, 1922.

۱۹۲۲ ـ نقاشی مینیاتور در شرق اسلامی ـ تألیف ارنست کونل . چاپ برلین .

E. Kühnel: Miniaturmalerei im islamischen Orient. — Berlin, 1922.

۱۹۲۲ ـ هنر درایران باستان ـ تألیف فریدریش‌زاره . چاپ برلین .

F. Sarre: Die Kunst des alten Persien. — Berlin, 1922.

۱۹۲۲ ـ آئین مانی . تألیف ا. گ. فن وزندونك . چاپ لایپتسیگ .

O.G. vonWesendonk: Die Lehre des Mani. Leipzig, 1922.

۱۹۲۲ ـ سفرنامه ، روشنائی نامه و سعادتنامه حکیم ناصرخسرو . چاپ متن فارسی باهتمام محمود غنی‌زاده در چاپخانه ایرانشهر . برلین .

۱۹۲۲ ـ مانی نامه . تألیف ا. فن‌لوکوك. چاپ برلین .

A. von Le Coq: Manichaica. Berlin, 1922.

۱۹۲۲ ـ رباعیات باباطاهر عریان یا اشکهای آسمانی دل شاعر . نخستین ترجمه بزبان آلمانی با توضیح توسط گ. ل. لشچینسکی . چاپ مونیخ .

Baba Tahir Uryan: Rubai'yat oder Gottestränen des Herzens. Zum ersten Male in deutscher Uebertragung hrsg. von G.L. Leszczynski. München, 1922.

۱۹۲۲ ـ دربارهٔ ریشه ایرانی نظریه یونانی «آیون» . تألیف هـ . یونکر چاپ لایپتسیگ .

H. Junker: Ueber den iranischen Ursprung der helenistischen Aionvorstellung. — Leipzig, 1922.

۱۹۲۲ـ همراه فلدمارشال فن در گولتس پاشا در بین‌النهرین و ایران . تألیف هانس فن کیسلینگ . چاپ لایپتسیگ .

H. v. Kiesling: Mit Feldmarschall von der Goltz Pascha in Mesopotamien und Persien. Leipzig, 1922.

۱۹۲۲ ـ پیدایش آئین مانی ـ تألیف ای . شفتلویتس . چاپ گیسن .

I. Scheftelowitz: Die Entstehung der Manichäischen Religion. — Giessen, 1922.

۱۹۲۲ ـ منتخباتی از حکایات گلستان شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی ـ ترجمه ی. برتلس با مقدمه س . ف الدنبورگ (به روسی) . چاپ برلین .

Saadi, Sheikh Muslikh-ed-din Schirazskyi: Gulistan. Izbrannie rasskazy. Per. E. Bertelsa. Predisl. S.F. Oldenburga. — Berlin, 1922.

۱۹۲۳ ـ ایران و بین‌النهرین ، دو مسئلهٔ آسیائی ـ تألیف سون هدین . چاپ لایپتسیگ .

S.A. Hedin: Persien und Mesopotamien. Zwei asiatische Probleme. — Leipzig, 1923.

۱۹۲۳ ـ چاپ تجدید نظرشده متن «آثار الباقیه عن‌القرون الخالیه» ابوریحان بیرونی بر اساس تتبعات ادوارد زاخائو . ـ لایپتسیگ .

۱۹۲۳ ـ چاپ متن «الملل‌والنحل» شهرستانی (ابوالفتح محمدبن عبدالکریم) . ـ لایپتسیگ .

۱۹۲۳ ـ مینیاتورهای مانوی . تألیف ا. فن لوکوك . چاپ برلین .

A. von Le Coq: Die Manischäischen Miniaturen. Berlin, 1923.

۱۹۲۳ ـ دین آریائی . تألیف لئوپلدفن شرودر ، در دو جلد . چاپ لایپتسیگ .

L. von Schroeder: Arische Religion. 2 Bde. Leipzig, 1923.

۱۹۲۳ ـ رد پاهای گم شده . سفرهای بنگت ودیگرسیاحان به مشرق زمین در قرن هفدهم ـ تألیف سون هدین . چاپ لایپتسیگ .

S. A. Hedin: Verwehte Spuren. Orientfahrten der Reise-Bengt und anderer Reisenden im 17. Jahrhundert. — Leipzig, 1923.

۱۹۲۳ ـ مکالمه زبان فارسی ایران امروزی . دستور زبان و لغتنامه و مفتاح آن . تألیف و. س. تیسدال ، بزبان انگلیسی . چاپ هایدلبرگ .

W. S. Tisdall: Modern Persia Conversation. Grammar, glossary and key. — Heidelberg, 1923.

۱۹۲۳ ـ وضع مالیه ایران ـ تألیف عباس‌خان قاجار علامیر . چاپ برلین .

A. Kh. Kadjar Alamir: Das Finanzwesen Persien. Berlin, 1923.

۱۹۲۳ ـ تلخیص و ترجمه منتخباتی از کیمیای سعادت امام محمد غزالی توسط هلموت ریتر . چاپ ینا .

Mohammad Ghasali: Das Elixier der Glückseligkeit. In Auswahl übertragen von Hellmut Ritter. — Jena, 1923.

۱۹۲۳ ـ متن فارسی دیوان عارف قزوینی . چاپ برلین .

۱۹۲۳ ـ سرآمدان هنر ، تألیف کریم طاهرزادهٔ بهزاد ، بزبان فارسی . چاپ برلین .

۱۹۲۳ ـ جبهه ایران . تألیف ا. گ. یملیانف (به روسی) . چاپ برلین .

A.G. Emelianov: Persidskii front (1915 - 1918). Berlin, 1923.

۱۹۲۳ ـ سفر به ایران و بخارا و ترکستان ـ تألیف ك. رس. چاپ لایپتسیگ .

C. Ross: Reise durch Persien, Bucharat und Turkestan. — Leipzig, 1923.

۱۹۲۳ ـ داستان یوسف (وزلیخا) ، ترجمه از شعرای ایران فردوسی و جامی ، توسط ا. رنان . چاپ لایپتسیگ .

E. Renan: Josephslegende. Den Persischen Dichtern Firdusi und Dschami. — Leipzig, 1923.

۱۹۲۳ ـ ایران . معماری اسلامی درخـراسان ـ تألیف ارنست دیتس . چاپ دارمشتاد و گوتا .

E. Diez: Persien. Islamische Baukunst in Churâsân.— Darmstadt & Gotha, 1923.

۱۹۲۳ ـ تحقیقاتی دربارهٔ موطن نژاد اسلاو در قدیم . ایرانیان جنوب روسیه ـ تألیف م. واسمر. چاپ لایپتسیگ.

M. Vasmer: Untersuchungen über die ältesten Wohnsitze der Slaven. Die Iraner in Süd-Russland. — Leipzig, 1923.

۱۹۲٤ ـ اوستا ، کتاب های مقدس پارسها ، ترجمه براساس «فرهنگ زبان های باستانی ایران» کریستیان بارتولومه، توسط فریتس ولف . چاپ برلین ولایپتسیگ .

F. Wolff: Awesta. Die heiligen Bücher der Parsen, übersetzt auf der Grundlage von Chr. Bartholomae's altiranischen Wörterbuch. — Berlin & Leipzig, 1924.

۱۹۲٤ ـ کتیبه محلی شوش ـ تألیف فریدریش بارك . چاپ کونیگسبرگ .

F. Bark: Die Strichinschriften von Susa. — Königsberg, 1924.

۱۹۲٤ ـ پایکولی (پرکولی) . بنا وکتیبه‌ای از تاریخ نخستین ادوار شاهنشاهی ساسانی . تألیف ارنست هرتسفلد، به انگلیسی . چاپ برلین .

E. Herzfeld: Paikuli, monument and inscription of the early history of Sassanian empire. Berlin, 1924.

۱۹۲٤ ـ پزشکی در اوستا ، بررسی براساس ترجمه فریتس ولف از کتابهای مقدس پارسیان ـ تألیف ه . فیشتنر . چاپ لایپتسیگ .

H. Fichtner: Die Medizin im Awesta, untersucht auf Grund der von F. Wolff besorgten über - setzung der heiligen Bücher der Parsen. Leipzig, 19244.

۱۹۲٤ ـ مسیر ربی (روحانی یهودی) بنیامین اهل تودلا و ربی پتاخیا اهل رگنسبورگ در سفر آنها به بین‌النهرین وایران ـ تألیف پاول برخارت . چاپ فرانکفورت .

P. Borchardt: Der Reiseweg des Rabbi Benjamin von Tudela und des Rabbi Petachia aus Regensburg in Mesopotamien und Persien. — Frankfurt a.M., 1924.

۱۹۲٤ ـ رستم و سهراب ، درام در پنج پرده ، اقتباس از شاهنامه فردوسی ـ تألیف حسین کاظم‌زاده ، بزبان فرانسه. چاپ برلین .

H. Kazemzadeh: Rostam wa Suhrab, drame en cinq actes. Tiré du Livre des Rois de Firdovsi. — Berlin, 1924.

۱۹۲۴ـ زن درحقوق ساسانی ـ تألیف کریستیان بارتولومه. چاپ هایدلبرگ.

Ch. Bartholomae: Die Frau im sassanidischen Recht. — Heidelberg, 19244.

۱۹۲۴ ـ هخامنشیان و کیانیان ـ تألیف یوهانس هرتل. چاپ لایپتسیگ.

J. Hertel: Achämeniden und Kayaniden. — Leipzig, 1924.

۱۹۲۴ ـ دروازهٔ بهشت در ودا واوستا ـ تألیف یوهانس هرتل. چاپ لایپتسیگ.

J. Hertel: Die Himmelstore im Veda und im Awesta. — Leipzig, 1924.

۱۹۲۴ ـ منابع و بررسی های هند وایرانی: عصرزرتشت ـ تألیف یوهانس هرتل. چاپ لایپتسیگ.

J. H. Hertel: Indo-Iranische Quellen und Forschungen. Die Zeit Zoroasters. — Leipzig, 1924.

۱۹۲۴ ـ انسان نخستین وروح در معتقدات ایرانی. تألیف ا. گ. فن وزندونك. چاپ هانور.

O.G. von Wesendonk: Urmensch und Seele in der Iranischen Ueberlieferung. Hanover, 1924.

۱۹۲٤ ـ یك نوشته قبطی دربارهٔ بنیانگزار آئین مانوی . تألیف فریدریش بیلابل . چاپ هایدلبرگ .

F. Bilabel: Ein Koptischer Fragment über die Begründer des Manichäismus. Heidelberg, 1924.

۱۹۲٤ ـ سلسلةالنسب صفویه . تألیف شیخ حسن‌بن شیخ ابدال پیرزادهٔ زاهدی . متن فارسی. نشریهٔ مجله ایرانشهر. چاپ برلین .

۱۹۲٤ ـ با اتومبیل و شتر بجانب تخت طاوس . تألیف الکسندر پوول . ترجمه با تصحیح و تجدید نظر بآلمانی توسط ماکس هسه . چاپ برلین .

E.A. Powell: Mit Auto und Kamel zum Pfauenthron. Deutsche, berichtigte Uebertragung von Max Hesse. Berlin, 1924.

۱۹۲٤ ـ هنر شرق ـ تألیف ارنست کونل . چاپ پتسدام .

E. Kühnel: Kunst des Orients. — Wildpart-Potsdam, 1924.

۱۹۲۵ ـ متن فارسی «وجه دین ناصر خسرو » نشریه مجله کاوه ، چاپ برلین .

۱۹۲۵ ـ چاپ متن «تحقیق ماللهند» ابوریحان بیرونی ، ـ لایپتسیگ .

۱۹۲۵ ـ غزلسرائی شرق . انتخاب وترجمه آن‌ماری شیمل . چاپ مونیخ .

A. Schimmel: Lyrik des Ostens. — München, 1925.

۱۹۲۵ ـ ایرانی ـ تألیف هانس رایشلت . چاپ برلین و لایپتسیگ .

H. Reichelt: Iranisch. — Berlin & Leipzig, 1925.

۱۹۲۵ ـ ماه عسل ایرانی ـ تألیف ویلهلم لیتن . چاپ برلین .

W. Litten: Persische Flitterwochen. — Berlin, 1925.

۱۹۲۵ ـ اوستا . ترجمه براساس فرهنگ زبان فارسی باستانی . توسط فریتس ولف . چاپ برلین .

F. Wolf: Das Awesta nach dem Altiranischen Wörterbuch übersetzt. Berlin, 1925.

۱۹۲۵ ـ معتقدات آریائی دربارهٔ آتش . تألیف یوهانس هرتل . چاپ لایپتسیگ .

J. Hertel: Die arische Feuerlehre — Leipzig. 1925.

۱۹۲۵ ـ درزیر آفتاب سوزان ایران . خاطرات جنگی هیئت اعزامی آلمان به ایران‌وافغانستان . تألیف ا. فن‌نیدر مایر . چاپ داخائو .

O. von Nidermayer: Unter der Glutsonne Irans Kriegserlebnisse der deutschen Expedition nach Persien und Afghanistan. Dachau, 1925.

۱۹۲۵ ـ سفر با اتومبیل در ایران . تألیف و. براوناگل . چاپ نویشتات .

W. Braunagel: Autofahrten in Persien. Neustadt a.d. Haardt, 1925.

۱۹۲۵ ـ اعداد سیزده ودوازده در رسالهٔ پلیو (اصول مربوط به اعداد) . بررسیهائی‌دربارهٔ اصول مانوی . تألیف ل. ترویه . چاپ لایپتسیگ .

L. Troje: Die Dreizehn und die Zwölf im Traktat Pelliot (Dogmen in Zahlenformeln). Beitrag zu den Grundlagen des Manichäismus. Leipzig, 1925.

۱۹۲۵ ـ راه ده هزار نفر (اشاره به کتاب کزنفون) در معیت هیئت علمی «شونده» درایران ـ تألیف ك. کلوتسل. چاپ هامبورگ .

C. Z. Klötzel: Die Strasse der Zehn Tausend mit der Schunde-Expedition nach Persien. — Hamburg 1925.

۱۹۲۵ ـ سکه های اسپهبدان وامیران طبرستان ـ تألیف ر . ر . واسمر . چاپ برلین .

R.R. Vasmer: Die Münzen der Ispehbede und Statthalter von Tabaristan. — Berlin, 1925.

۱۹۲۵ ـ تحقیقی دربارهٔ تاریخ شیوه های جنگی ایرانی ـ تألیف هاینریش فزل ؛ چاپ هایدلبرگ . (این کتاب قبلا بصورت خلاصه درسالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ در برلین چاپ شده بود) .

H. Fesel: Beiträge zur Geschichte des persischen Kriegswesens. — Berlin, 1921 - 22. — Heidelberg, 1925.

۱۹۲۵ ـ مطالعات هندی و ایرانی . مقالات یادبودی که توسط دانشمندان اروپائی و امریکائی و هندی بافتخار شمس‌العلما دستور داراب پشوتن سنجانا تهیه شده است (به انگلیسی) ـ چاپ لایپتسیگ و لندن .

Indo-Iranian Studies. Commemorative papers contributed by European, American and Indian Scholars in honour of Shams-ul-ulema Dastur Peshotan Sanjana. — Leipzig & London, 1925.

۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ ـ بدایع شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی . ترجمه و چاپ باهتمام سرلوکال وایت کینگ ، بامقدمه‌ای از ر. ا .نیکلسن ، بانگلیسی ؛ چاپ برلین .

Badaye; the odes of Sheikh Muslihud-din Sa'di Shirazi; ed. and trans. by Sir Lucal White King, with an introduction by R.A. Nicholson. 2 vol. — Berlin, 1925-1926.

۱۹۲٦ ـ سفر با اتومبیل در ایـران . تـألیف آن‌ماری ناتوسیوس . چاپ درسدن .

A. v. Nathusius: Im Auto durch Persien. Dresden, 1926.

۱۹۲٦ ـ تحقیقی دربارهٔ دامپزشکی در نـزد بابلی ها ، آشوریها و ایرانیان قدیم ـ تألیف اردین شونیك . چاپ برلین .

E. Schönig: Beitrag zur Geschichte der Veterinärhygienie bei den alten Babyloniern, Assyriern und Persien. — Berlin, 1926.

۱۹۲٦ ـ وضع زمین ومقدار نمك در قسمت های جنوبی خلیج فارس ـ تألیف ریشارد ریشاردسن . چاپ هایدلبرگ .

R. Richardson: Die Geologie und die Salzdome in südwestlichen Teilen des persischen Golfes. — Heidelberg, 1926.

۱۹۲٦ ـ مایه‌های ایرانی شمالی در زبان ادبی فارسی‌جدید که توسط فردوسی پایه‌گزاری شده ـ تألیف ولفگانگ لنتس . چاپ لایپتسیگ .

W. Lentz: Die nordiranischen Elemente in der neupersischen Literatursprache bei Firdosi. — Leipzig, 1926.

۱۹۲۶ ـ ایران با شرح و عکس ـ تألیف فـریدریش روزن. چاپ برلین.

F. Rosen: Persien in Wort und Bild. — Berlin, 1926.

۱۹۲۶ ـ آئین زرتشتی ـ تألیف کارل فریدریش گلدنر. چاپ توبینگن.

K.F. Geldner: Die zoroastrische Religion. — Tübingen, 1926.

۱۹۲۶ ـ شرح مختصر زندگی و فعالیت محمد خیابانی. بزبان فارسی. نشریه مجله کاوه. چاپ برلین.

۱۹۲۶ ـ مطالعه در تاریخ تطبیقی ایران و یونان باستان ـ تألیف ر. رایتسنشتاین و شدر. چاپ برلین ولایپتسیگ.

R. Reitsenstein & Schaeder: Studien zum antiken Synkretismus aus Iran und Griechenland. — Berlin & Leipzig, 1926.

۱۹۲۶ ـ طریقه اثنی عشری ـ تألیف رودلف اشتروتمن. چاپ لایپتسیگ.

R. Strothmann: Ithna-achariyya. — Leipzig, 1926.

۱۹۲۷ ـ اولین سفر هیئت آلمانی بایران در سالهـای ۱٦۳۵ ـ ۱٦۳۹ . تألیف آدام اولئاریوس ، که از روی نسخه اصلی باهتمام دکترهرمان شتادن بچاپ رسیده است . چاپ لایپتسیگ .

A. Olearius: Die erste deutsche Expedition nach Persien, 1635-1639. Nach der Originalausgabe bearbeitet von Dr. Hermann Staden. — Leipzig, 1927.

۱۹۲۷ ـ یشتهای اوستا . ترجمه وتوضیح توسط هرمان لومل . چاپ گوتینگن .

H. Lommel: Die Yasts des Awesta, übersetzt und eingeleited. — Göttingen, 1927.

۱۹۲۷ ـ الفبای اوستا و ریشه خط ارمنی و گرجی . تألیف هاینریش یونکر . چاپ لایپتسیگ .

H. Junker: Das Awestaalphabet und der Ursprung der armenischen und georgischen Schrift. — Leipzig, 1927.

۱۹۲۷ ـ خورشید و مهر در اوستا ، برمبنای معتقدات اوستائی درباره آتش . تألیف یوهانس هـرتل . چاپ لایپتسیگ .

J. Hertel: Die Sonne und Mithra im Awesta auf Grund der awestischen Feuerlehre. — Leipzig, 1927.

۱۹۲۷ ـ دربارهٔ تجسم شاعرانه در اشعار نظامی . تألیف هلموت ریتر . چاپ برلین .

H. Ritter: Ueber die Bildersprache Nisamis. — Berlin, 1927.

۱۹۲۷ ـ فتح‌طبرستان بدست اعراب درزمان خلیفه‌المنصور تألیف ر . واسمر . چاپ لایپتسیگ .

R. Vasmer: Die Eroberung Tabaristans durch die Araber zur Zeit des Chalifen al-Mansur. — Leipzig, 1927.

۱۹۲۷ ـ طریقه تعالیم زرتشتی . یك بررسی از نظر تاریخ مذهبی. تألیف اتو گونتر فن وزندونك . چاپ لایپتسیگ .

O.G. v. Wesendonk: Das Wesen der Lehre Zarathustras; eine religionsgeschichtliche Untersuchung. — Leipzig, 1927.

۱۹۲۷ ـ کاشیکاری ایران مخصوصاً در قرون ۱۳ و ۱٤ میلادی . تألیف ارنست کونل . چاپ برلین .

E. Kühnel: Persische Keramik, vornehmlich 13 - 14. Jahrhundert. — Berlin, 1927.

۱۹۲۷ ـ رباعیات عمر خیام ، ترجمه از متن نسخهٔ خطی کتابخانهٔ بادلیان ، توسط والترفن در پورتن . چاپ هامبورگ .

Die Vierzeiler Omar Chajjams. Uebersetzt nach der Bodleyschen Handschrift von Walter von der Porten. — Hamburg, 1927.

۱۹۲۷ ـ شیوه وروش هنر ایرانی ـ تـألیف فریدریش بیسینگ . چاپ مونیخ .

F.W. Bissing: Ursprung und Wesen der Persischen Kunst. — München, 1927.

۱۹۲۷ ـ تفسیر یوهان فریدریش کلویکر برتاریخ مذهب ایران ـ تألیف ورنرشوتس . چاپ بن .

W.L. Schütz: Die Bedeutung Johann Friedrich Kleukers für die persische Religionsgeschichte. —Bonn, 1927.

۱۹۲۷ ـ تعلیمات مربوط به علم مثلثات ، از منجم ایرانی ابوالریحان البیرونی ـ اثر ك. شوی ، باهتمام روسکا و ویلایتنر ، چاپ لایپتسیگ .

C. Schoy: Die trigonometrischen Lehren des persischen Astronomen Abu'l Raihan-al Biruni. Herausgegeben von Ruska und Wieleitner. — Leipzig. 1927.

۱۹۲۷ ـ اصول زبانها و هنرهای باستانی هند و ژرمنی بألیف هانس رایشلت . چاپ برلین .

H. Reichelt: Grundriss der indogermanischen Sprach - und Altertumskunde. — Berlin, 1927.

۱۹۲۷ ـ فوائد گیاهخواری ، اثر صادق هدایت . متن فارسی . چاپ برلین .

۱۹۲۷ ـ شرح حال محمدتقی‌خان . به‌زبان فارسی . نشریه مجله کاوه . چاپ برلین .

۱۹۲۸ ـ دربارهٔ مسافرتهای حشره‌شناسی من درآسیای صغیر و ایران و دامنه های البرز در سال ۱۹۱٤ ـ تألیف ب . بندمایر . چاپ اشتوتگارت .

B. Bondemeyer' Ueber meine entomologischen Reisen nach Kleinasien...und Iran, das Elbursgebirge (1914). — Stuttgart, 1928.

۱۹۲۸ ـ اعتقاد به «مسیح» در هند و ایران . تألیف امیل آبگ . چاپ برلین و لایپتسیگ .

E. Abegg: Der Messiasglaube in Indien und Iran. Berlin & Leipzig, 1928.

۱۹۲۸ ـ در جاده های کاروان‌رو ایران . تألیف برنارد کلرمن . چاپ برلین .

B. Kellermann: Auf Persiens Karawanenstrassen. — Berlin, 1928.

۱۹۲۸ ـ کتاب « زین الاخبار عبدالحی گردیزی » متن فارسی باهتمام محمد ناظم . ـ چاپ برلین .

Abd-al-Haiy Gardizi: Kitab Zainul-akhbar. ed. by M. Nazim. — Berlin, 1928.

۱۹۲۸ و۱۹۳۱ ـ تفسیر وترجمه مجموعهٔ نسخ خطی سغدی موزه بریتانیا . توسط هانس رایشلت ، در دوجلد . چاپ هایدلبرگ .

H. Reichelt: Die soghdischen Handschriftenreste des Britischen Museums in Umschrift und Uebersetzung. 2 Teile. — Heidelberg, 1928, 1931.

۱۹۲۹ ـ تعزیه در ایران ـ تألیف و. لیتن. چاپ برلین.

W. Litten: Das Drama in Persien. — Berlin, 1929.

۱۹۲۹ ـ مقالاتی دربارهٔ تشریح اوستا و ودا ـ تألیف ی. هرتل. چاپ لایپتسیگ.

J. Hertel: Beiträge zur Erklärung des Awestas und des Vedas. — Leipzig, 1929.

۱۹۲۹ ـ زمان بعنوان مشیت ربانی در مذاهب هندی و ایرانی ـ تألیف ای. شفتلویتس. چاپ اشتوتگارت.

I. Scheftelowitz: Die Zeit als Schicksalsgottheit in der indischen und iranischen Religion. — Stuttgart, 1929.

۱۹۲۹ ـ ایران آنطور که هست وآنطور که بود. سفری با کاروان، اتومبیل وهواپیما درکشور رضا شاه. ترجمه از نوشتهٔ خطی انگلیسی هرمان نوردن بزبان آلمانی توسط کورت پفانکوخ. چاپ لایپتسیگ.

H. Norden: Persien wie es ist und war. Mit Karawane, Auto und Flugzeug durch Risas Königreich. Das englische MSS. wurde von K. Pfannkuch übersetzt. Leipzig, 1929.

۱۹۲۹ تا ۱۹۳۸ ـ گزارشهای باستان‌شناسی درایران، در نه جلد ـ تحت نظر ارنست هرتسفلد. چاپ برلین.

E. Herzfelt: Archäologische Mitteilungen aus Iran. 9 Bde. — Berlin, 1929-1938.

۱۹۳۰ ـ گاتهای زرتشت ، ترجمه از فارسی توسط حسین کاظمزاده ایرانشهر . چاپ برلین .

H. Kazemzadeh-Iranschahr: Die Gathas von Zarathustra. Aus dem Persischen übersetzt. — Berlin, 1930.

۱۹۳۰ ـ کشت وزرع در مناطق پیرامون خلیج فارس ، و دامنهٔ آن ـ تألیف ا. هرتس . چاپ هاله .

A. Hertz: Die Kultur um den Persischen Golf und ihre Ausbreitung. — Halle a.S., 1930.

۱۹۳۰ ـ بررسی های ایرانی . تألیف هانس هاینریش شدر. چاپ هاله .

H.H. Schaeder: Iranische Beiträge. — Halle, 1930.

۱۹۳۰ ـ آئین زرتشت برمبنای اوستا . تألیف هرمان لومل. چاپ توبینگن .

H. Lommel: Die Religion Zarathustras nach dem Awesta dargestellt. — Tübingen, 1930.

۱۹۳۰ ـ «شایست نشایست» . یك اثر پهلوی دربارهٔ آداب مذهبی . استنساخ به خط لاتینی ، ترجمه و چاپ ، با مقدمه و حواشی (به‌انگلیسی) توسط ج . تاوادیا . چاپ هامبورگ .

J.C. Tavadia: Shayast-ne-Shayast, a Pahlavi text on religious customs edited, transliterated and translated with introduction and notes. — Hamburg, 1930.

۱۹۳۰ـ تأثیر اصول مانوی درمسائل تفسیرانجیلی که توسط سنت اوگوستن . مطرح شده‌است . تألیف‌آرتور آلگایر . چاپ کلن .

A. Allgeier: Der Einfluss des Manichäismus auf die exegetische Fragestellung bei Augustin. — Köln, 1930.

۱۹۳۰ ـ اطلاعاتی درباره کاخ شوش براساس گزارش ساختمان آن توسط داریوش شاه اول . تألیف فریدریش وایسباخ و فریدریش ویلهلم کونیگ . چاپ لایپستیگ .

F.H. Weissbach & F.W. König: Der Burgbau zu Susa nach dem Bauberichte des Königs Dareios I. — Leipzig, 1930.

۱۹۳۰ ـ مقالات ایران شناسی . تألیف هانس هاینریش‌شدر. چاپ هاله .

H.H. Schaeder: Iranische Beiträge. — Halle, 1930.

۱۹۳۰ ـ جغرافیای قالی شرقی . تألیف هاینتس اولمان . چاپ لایپتسیگ .

H. Uhlemann: Geographie des Orientteppichs. — Leipzig, 1930.

۱۹۳۱ ـ بحث مربوط به آتش برتری وپیروزی دراوستا ، با متن آن . ترجمه یشتهای ۱۸و۱۹ . توضیح ، ترجمه و نگارش یوهانس هرتل . چاپ لایپتسیگ .

J. Hertel: Die awestischen Herrschafts-und Siegesfeuer. Mit Text, Uebersetzung und Erklürung von Yascht 18 and 19. — Leipzig, 1931.

۱۹۳۱ ـ یشتهای ١٤ و١٦ و١٧ اوستا . چاپ متن وترجمه‌و توضیح توسط یوهانس هرتل . چاپ لایپتسیگ .

J. Hertel: Awesta: Yascht 14.16.17. Text, Uebersetzung und Erläuterung. — Leipzig, 1931.

۱۹۳۱ ـ دستور زبان فارسی ، باتوجه خاص به تحولات تاریخی این‌زبان ـ تألیف هانس ینسن . چاپ هایدلبرگ .

H. Jensen: Neupersische Grammatik. Mit Berücksichtigung der historischen Entwicklung. — Heidelberg, 1931.

۱۹۳۱ ـ اهمیت یسنای هفت هات از نظر تاریخ مذهبی . تألیف ا. گ. فن وزندونك . چاپ بن و کلن .

O.G. v. Wesendonk: Die religionsgeschichtliche Bedeutung des Yasna Haptanhaiti. — Bonn & Köln, 1931.

۱۹۳۱ ـ مدارك فـارسی میانه در مورد نظریه اوستائی مربوط به‌آتش . تألیف ج. تاوادیا . چاپ لایپتسیگ .

J.C. Tavadia: Middle Persian evidence for the Avestan conception of fire. — Leipzig, 1931.

۱۹۳۱ــ دستورزبان تخاری . تألیف‌ا. زیگ ، و.زیگلینگ، و. شولتسه . چاپ گوتینگن .

E. Sieg, W. Siegling und W. Schultze: Tocharische Grammatik. Göttingen, 1931.

۱۹۳۱ ــ تتبعات هند و ایرانی ، بافتخار هفتاد و پنجمین سال تولد ویلهلم گایگر (۱۸۵۶ ــ ۱۹۳۱) ــ گردآوری والتر ووست . چاپ لایپتسیگ .

W. Wüst: Studia Indo-Iranica. Ehrengabe für Wilhelm Geiger zur Vollendung des 75 Lebensjahres (1856-1931). — Leipzig, 1931.

۱۹۳۲ ــ کوههای سفید و چادرهای سیاه . شرح سفر به ایران ــ تألیف کارل شوستر . چاپ مونیخ .

K. Schuster: Weisse Berge, Schwarze Zelte. Persienfahrt. — München, 1932.

۱۹۳۲ ــ اسناد مانوی بزبان فارسی میانه در ترکستان چین ــ تألیف فریدریش کارل آندرآس ووالتر هنینگ . چاپ برلن .

F.C. Andreas & W.B. Henning: Mitteliranische Manichäica aus Chinesisch-Turkestan. — Berlin, 1932.

۱۹۳۲ ــ ایران . پیشرفت و وضع کنونی آن . تألیف فریتس هسه . چاپ برلین .

F. Hessen: Persien. Entwicklung und Gegenwart. Berlin, 1932.

۱۹۳۲ ـ تجسم ایرانیان در آثار هنر یونانی تا ظهـور هلنیسم ـ تألیف هلموت شوپا . چاپ کبورگ .

H. Schoppa: Die Darstellung der Perser in der griechischen Kunst bis zum Beginn des Hellenismus. — Koburg, 1932.

۱۹۳۲ ـ بخش مجزائی از آفرینگان گاهن‌بار ـ تـرجمه م. یونکر . چاپ لایپتسیگ .

M. Junker: Ein Bruchstück der Afrinagan-i Gahanbar. — Leipzig, 1932.

۱۹۳۲ ـ باکوله پشتی درایران ـ تألیف کورت فابر . چاپ برلین .

K. Faber: Mit dem Rucksack durch Persien. — Berlin, 1932.

۱۹۳۲ ـ لهجه های زازا مخصوصاً در سیورك و کور تألیف کارل هادانك . چاپ برلین .

K. Hadank: Mundarten der Zaza, hauptsächlich aus Siwerek und Kor. — Berlin, 1932.

۱۹۳۲ ـ سیاره ناهید دراوستا ـ تألیف یوهانس هرتل . چاپ لایپتسیگ .

J. Hertel: Der Planet Venus im Awesta. —Leipzig, 1932.

۱۹۳۲ ـ سفر آنتونی شرلی به سمت سفیر ایران (۱۵۹۹ ـ ۱۶۰۱) ـ تألیف ف. بابینگر. چاپ برلین.

F. Babinger: Sir Anthony Sherleys Persische Botschaftsreise (1599-1601). — Berlin, 1932.

۱۹۳۲ تا ۱۹۳۶ ـ ایران در قرون وسطی، برمبنای آثار جغرافیانویسان عرب، در ۲۲ مجلد ـ تألیف پاول شوارتس. تجدید چاپ کامل برمبنای چاپ قبلی لایپتسیگ. چاپ اشتوتگارت.

P. Schwarz: Iran im Mittelalter. Nach den arabichen Geographen. Bd. 22. — Stuttgart, 1932-1936.

۱۹۳۳ ـ عصاره تعالیم ابوعلی سینا توسط تماس آکوینوس که شخصاً آنرا از نسخه لاتینی ترجمه کرده است ـ اثر و. کلاینه. چاپ لایپتسیگ.

W. Kleine: Die Substanzlehre Avecennas bei Thomas von Aquine auf Grund der ihm zugänglichen lateinischen Uebersetzungen. — Leipzig, 1933.

۱۹۳۳ ـ رباعیات عمر خیام برمبنای انتخاب و تدوین ادوارد فیتزجرالد. ترجمه ازمتن فارسی، توسط کریستیان رمپیس. چاپ توبینگن.

Ch. Rempis: Die Vierzeiler Omar Chajjams in der Auswahl und Anordnung Edward Fitzgeralds aus dem Persischen verdeutscht. — Tübingen, 1933.

۱۹۳۳ ـ روابط اقتصادی خارجی ایران ـ تألیف هانس دوفل . چاپ هامبورگ .

H. Dövel: Persiens auswärtige Wirtschaftsbeziehungen. — Hamburg, 1933.

۱۹۳۳ ـ معتقدات مانوی ، براساس‌متون چینی وایرانی ـ تألیف ارنست والدشمیت و ولفگانگ لنتس . چاپ برلین .

E. Waldschmidt und W. Lentz: Manichäische Dogmatik aus chinesischen und iranischen Texten. — Berlin, 1933.

۱۹۳۳ ـ آسیای شگفت‌انگیز ، اثر انگلبرت کمپفر ـ باهتمام کارل مایر . چاپ دتملد .

K. Meier: Engelbert Kämpfer: Seltsames Asien (Amoenitates exoticae). — Detmold, 1933.

۱۹۳۳ ـ منابع تازه ودست اول مانوی در مصر . متن سخنرانی کارل اشمیت در اجتماع سالانه انجمن تاریخ کلیسا در برلین ، در نهم نوامبر ۱۹۳۲ . چاپ اشتوتگارت.

C. Schmidt: Neue original Quellen des Manichäismus aus Aegypten. Vortrag gehalten auf der Jahresversammlung der Gesellschaft für Kirchengeschichte in Berlin am 9. Nov. 1932. Stuttgart, 1933.

۱۹۳۳ ـ افسانه «ناروپا» نمایندهٔ اساسی سحر و جادو. برمبنای یك نوشته خطی کهن تبتی که نماینده تأثیر معتقدات بودائی شمالی از خلال عقاید مکتب مانوی در تبت است. استنساخ بخط لاتینی وترجمه و چاپ توسط ا. گرون ودل، همراه با یك لغتنامه. چاپ لایپتسیگ.

A. Grunwedel: Die Legenden des Na-ro-pa, des Hauptvertreters des Nekromanten - und Hexentums; nach einer alten tibetischen Handschrift als Beweis für die Beeinflussung des nördlichen Buddhismus durch die Gemeinlehre des Manichäer übersetzt in Umschrift herausgegeben und mit einem Glossar versehen. — Leipzig, 1933.

۱۹۳۳ ـ جهان بینی ایرانیان. همراه با نقشهٔ نمودار قلمرو فرهنگی ایرانی. تألیف اوتو گونترفن‌وزندونك. چاپ مونیخ.

O. G. v. Wesendonk: Das Weltbild der Iranier. Mit einer Kartenskizze des Iranischen Kulturgebietes. München, 1933.

۱۹۳۳ ـ بناهای یادگار در ایران ـ تألیف ارنست هرتسفلد. چاپ برلین.

E. Herzfeld: Denkmäler Iran. — Berlin, 1933.

۱۹۳۳ ـ تحقیقی دربارهٔ مسئلهٔ کلی بهداشت درایـران ، بخصوص موضوع مالاریا ـ تألیف گرگور گرئنفیلد . چاپ برلین .

G. Greenfield: Beitrag zur Frage der allgemeinen Hygienie in Persien mit spezieller Berücksichtigung der Malaria. — Berlin, 1933.

۱۹۳۳ ـ رباعیات عمر خیام ـ ترجمه ا . آندره ، چاپ توبینگن .

E. Andere: Die Vierzeiler Omar Chajjams. — Tübingen, 1933.

۱۹۳۳ ـ رد غزالی براباهیه ، متن فارسی همراه با ترجمه اوتوپرتسل . چاپ مونیخ .

O. Pretzel: Die Streitschrift des Gazali gegen die Ibahija. Im persischen Text hrsg, und übersetzt. — München, 1933.

۱۹۳۳ ـ گویش های پامیر . تألیف ولفگانگ لنتس .چاپ گوتینگن .

W. Lentz: Pamir-Dialekte. Göttingen, 1933.

۱۹۳۳ ـ ایرانیان ـ تألیف آرتور کریستن‌سن . چـاپ مونیخ .

A. Christensen: Die Iranier. München, 1933.

۱۹۳۳ ـ کشف یك مجموعهٔ مانوی درمصر . نوشته های اصیل مانوی و مکتب مانی تألیف کارل اشمیت و هانس یاکوب پلوتسکی . همراه با تفسیراتی از ه . ایبشر . چاپ برلین .

C. Schmidt und H.J. Polotsky: Ein Mani - Fund in Aegypten. Originalschriften des Mani und seiner Schüler. Mit Beiträgen von H. Ibscher. Beriin, 1933.

۱۹۳٤ ـ شرح احوال وسخنان مشایخ صوفیه در اسلام . ترجمه از فارسی ، توسط حسین کاظمزاده ایرانشهر . چاپ برلین .

H. Kazemzadeh-Iranschähr: Leben und Sprüche der Sufi-Meister des Islams. Aus dem Persischen übersetzt. — Berlin, 1934.

۱۹۳٤ ـ هفت پیکر ، حماسه‌ای عاشقانه از نظامی گنجه‌ای ـ ترجمهٔ هلموت ریتر ویان ریپکا . چاپ لایپستیگ .

H. Ritter & J. Rypka: Heft Peiker. Ein romantisches Epos des Nizami Gengei. — Leipzig, 1934.

۱۹۳٤ ـ جشنهای سالانه اوستائی . آفرینگان سوم ـ تألیف یوهانس هرتل . چاپ لایپتسیگ .

H. J. Hertel: Die awestischen Jahreszeitenfeste. Afringan 3. — Leipzig, 1934.

۱۹۳۴ ـ یك حماسه قرون وسطائی ایرانی ، نقل از اسکندرنامهٔ نظامی ـ ترجمهٔ گئورگ یاکوب ، چاپ لایپتسیگ .

G. Jacob: Ein iranischer Heldensage des Mittelalters aus Nizamis Iskendernama. — Leipzig, 1934.

۱۹۳۴ ـ زبانهای باستانی ایران ـ اوستا . زبان مانوی فارسی میانه از منابع ترکستان چین ـ تألیف فریدریش کارل آندره‌آس . چاپ لایپتسیگ .

F. K. Andreas: Altiranische Sprachen. Awesta. Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkistan. — Leipzig, 1934.

۱۹۳۴ ـ ایران نامه ـ تألیف هانس هاینریش شدر . چاپ برلین .

H. H. Schaeder: Iranica. — Berlin, 1934.

۱۹۳۴ تا ۱۹۴۰ ـ کفالایا . قسمت اول ، بندهای اول تا دهم . تألیف هانس یاکوب پلوتسکی . چاپ اشتوتگارت .

H. J. Polotsky & A. Böhlig: Kephalaia. Erste Hälfte, Lieferung 1-10. Stuttgart, 1934-1940.

۱۹۳۴ ـ سرودهای مذهبی مانوی . ترجمه هانس‌یاکوب پلوتسکی . با یك بررسی تحقیقی توسط هوگوایبشر . چاپ اشتوتگارت .

H. J. Polotsky: Manichäische Homilien; hersg. mit einem Beitrag von Hugo Ibscher. Stuttgart, 1934.

۱۹۳٤ ـ ارواح شریر در اوستا ، و رابطه آنها با تجسم‌های حجاری و نقاشی معتقدات بودائی در آسیای میانه . تألیف آلبرت گرون‌ودل . چاپ برلین .

A. Grünwedel: Die Teufel des Awesta und ihre Beziehungen zur Ikonographie des Buddhismus Zentral-Asiens. Berlin, 1934.

۱۹۳٤ ـ «مونس‌العشاق» مقتول سهروردی . چاپ متن ، باهتمام اوتواشپیس . اشتوتگارت .

Maqtul Suhrawardi: Munis al-ussag (The lover's friend). Ed. by O. Spies. Stuttgart, 1934.

۱۹۳٤ ـ عبور از ایران ـ تألیف ر. رولینگ . چاپ هامبورگ .

R. Rühling: Quer durch Persien. — Hamburg, 1934.

۱۹۳٤ ـ قدیمترین تاریخ مادها و پارس ها ـ تألیف فریدریش ویلهلم کونیگ . چاپ لایپتسیگ .

F. W. König: Aelteste Geschichte der Meder und Perser. — Leipzig, 1934.

۱۹۳٤ ـ ظروف شیشه‌ای تیسفون ـ تألیف ا. س. پوتریش رینارد . چاپ کیل .

A. S. Puttrich-Reignard: Die Glasfunde von Ktesiphon. — Kiel, 1934.

۱۹۳۵ ـ نمودار جغرافیائی جنوب غربی ایران و مناطق نفتخیز ـ تألیف والتر نویمن، چاپ لایپتسیگ.

W. Neumann: Das geographische Bild der südwest persischen Erdöllagerstätten. Leipzig 1935.

۱۹۳۵ ـ لغتنامه شاهنامه فردوسی. نشریهٔ دولت آلمان بمناسبت هزارهٔ شاعر نامی ایران ـ تألیف فریتس‌ولف. چاپ برلین.

F. Wolff: Glossar zu Firdosis Schahname. Festausgabe des Deutschen Reichs zur Jahrtausendfeier für den persischen Dichterfürsten. — Berlin, 1935.

۱۹۳۵ ـ آریائیهای باستانی واصالت خدایان آنها. تألیف هرمان لومل. چاپ فرانکفورت.

H. Lommel: Die alten Arier. Von Art und Adel ihrer Götter. Frankfurt, 1935.

۱۹۳۵ ـ الغ‌بیگ ودوران او. تألیف و. و. بارتلد. چاپ لایپتسیگ.

V.V. Barthold: Uluq Beg und seine Zeit. Leipzig, 1935.

۱۹۳۵ ـ ارتباطات درایران. تـألیف گیزلافورستناو. چاپ ساگان.

G. Fürstenau: Das Verkehrswesen Irans. Sagan, 1935.

۱۹۳۵ ـ سه رساله‌درباره تصوف ازشهاب‌الدین سهروردی، با شرحی درباره زندگی او . باهتمام اوتواشپیس و خان خاتاك . چاپ اشتوتگارت .

Three treatises on mysticism by Shihabuddin Suhrawerdi, with an account of his life. Ed. by Otto Spies and S.K. Khatak. Stuttgart, 1935.

۱۹۳۶ ـ مطالبی درباره زبانهای ایرانی پامیر ـ تألیف هانه سکولد . چاپ لایپتسیگ .

H. Sköld: Materialen zu den Iranischen Pamirsprachen. — Leipzig, 1936.

۱۹۳۶ ـ در برابر دروازه های هند درجنگ بین‌المللی . کاروان صحرائی هیئت علمی آلمانی درایران وافغانستان ـ تألیف اسکارفن نیدرمایر . چاپ هامبورگ .

O. R. v. Niedermayer: Im Weltkrieg vor Indiens Toren. Der Wüstenzug der deutschen Expedition nach Persien und Afghanistan. — Hamburg, 1936.

۱۹۳۶ ـ قیام ایران در قرن پانزدهم ،در راه تشکیل یك دولت ملی ـ تألیف والترهینتس. چاپ لایپتسیگ وبرلین.

W. Hinz: Irans Aufstieg zum Nationalstaat im fünfzehnten Jahrhundert. — Leipzig & Berlin, 1936.

۱۹۳۶ ـ رضاشاه سردار ، امپراتور ، مصلح . تألیف لئو نوسیمباوم (اسد بیك) . چاپ لایپتسیگ و وین .

L. Noussimbaum (Essad-bey): Reza Schah. Feldherr, Kaiser, Reformator. Leipzig & Wien, 1936.

۱۹۳۷ ـ طرز تفکر آریائیهای قدیم دربارهٔ دولت وحقیقت. تألیف والتر ووست . چاپ مونیخ .

W. Wüst: Der Reichsgedanke und Wirklichkeit bei den alten Ariern. — München, 1937.

۱۹۳۷ ـ واسموس ، لاورنس آلمانی ـ تألیف داگوبرت فن‌میکوش . چاپ لایپتسیگ .

D. v. Mikusch: Wassmuss, der deutsche Lawrence. Leipzig, 1937.

۱۹۳۷ ـ ایران ، پرس جدید ـ تألیف آکسل‌فن گرفه . چاپ برلین .

A. v. Gräfe: Iran. Das neue Persien. — Berlin, 1937.

۱۹۳۷ـ مقالاتی دربارهٔ خیام شناسی، از کریستیان رمپیس. چاپ لایپتسیگ .

Ch. Rempis: Beiträge zur Chajjam-Forschung. — Leipzig, 1937 .

۱۹۳۷ ـ احترام به حیوانات دردین زرتشتی . تألیف ولفگانگ فویگت . چاپ مونیخ .

W. Voigt: Die Wertung des Tieres in der Zarathustrischen Religion. München, 1937.

۱۹۳۷ ـ مشهد . تألیف گوستاف اشتراتیل زاور . چاپ لایپتسیگ .

G. Stratil-Sauer: Mesched. Leipzig, 1937.

۱۹۳۷ ـ پلی بسوی اصفهان . رمان . تألیف و. ا. آسبك . چاپ لایپتسیگ .

W. E. Asbeck: Die Brücke nach Ispahan. Roman, Leipzig, 1937.

۱۹۳۷ـ هرات دردوران حسین‌بایقرا . تألیف و. و. بارتلد. چاپ لایپتسیگ .

V.V. Barthold: Herat unter Husein Baiqara. Leipzig, 1937.

۱۹۳۸ ـ آناهیتا . حماسه اصلی بـا عروض آریائی . یشت پنجم بطریق عروضی . ترجمه و توضیح وچاپ باهتمام هرمان ولر . چاپ اشتوتگارت و برلین .

H. Weller: Anahita. Grundlegende zur arischen Metrik, Yascht 5, metrisch herausgegeben, übersetzt und erklärt. Stuttgart & Berlin, 1938.

۱۹۳۸ـ تتبعاتی دربارۀ شیوه مناسب‌ترتیب و تنظیم نوشته‌های هخامنشی . تألیف اوتوروسلر . چاپ برلین .

O. Rössler: Untersuchungen über die akkordische Fassung der Achämenideninschriften. Berlin, 1938.

۱۹۳۸ ـ کتیبه‌های فارسی باستانی . تألیف ارنست هرتسفلد.
چاپ برلین .
E. Herzfeld: Altpersische Inschriften. Berlin, 1938.

۱۹۳۸ ـ آئین ایران باستان . تألیف هندریک سموئل نیبرگ.
ترجمه از سوئدی به آلمانی توسط هانس هاینریش شدر .
چاپ لایپتسیگ .
H. S. Nyberg: Die Religionen des alten Iran. Deutsch von H. H. Schaeder. Leipzig, 1938.

۱۹۳۸ ـ مسافرت به ایران . یك سفر تحقیقاتی در ایران
کنونی ـ تألیف والتر هینتس ، چاپ برلین .
W. Hinz: Iranische Reise. Eine Forschungsfahrt durch das heutige Persien. — Berlin, 1938.

۱۹۳۸ ـ سیاست و فرهنگ ایران از کورش تا رضاشاه ـ
تألیف والتر هینتس . چاپ لایپتسیگ .
W. Hinz: Iran; Politik und Kultur von Cyrus bis Reza Schah. — Leipzig, 1938.

۱۹۳۸ ـ آلمان و توسعه اقتصادی شرق مقدم (ایران ،
عراق، ترکیه ...) . تألیف راینهارد هوبر. چاپ اشتوتگارت
R. Hüber: Deutschland und der Wirtschaftsaufbau des Vorderen Orientes (Iran, Irak, Türke). — Stuttgart, 1938.

۱۹۳۸ ـ پاپیروسهای فارسی میانهٔ مجموعهٔ پاپیروس موزهٔ دولتی برلین ـ تألیف الاف‌هانسن . چاپ برلین .

O. Hansen: Die mittelpersisch papyrid der Papyrussammlung der Staatlichen Museen zu Berlin. — Berlin, 1938.

۱۹۳۸ ـ ایمان به خدای قادر در ایران باستان . یك پدیده مذهبی ـ تألیف گئوویدن‌گرن . چاپ لایپتسیگ .

G. Widengren: Hochgottglaube im alten Iran. Eine Religionsphänomenologie. — Leipzig, 1938.

۱۹۳۸ ـ ایران ، بازیچه دولتهای بزرگ در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۷ . یك بررسی درتاریخ مقدمات جنگ جهانی . تألیف ویلهلم هانکوم . چاپ برلین .

W. Hannekum: Persien im Spiel der Mächte 1900-1907. Ein Beitrag zur Vorgeschichte des Weltkrieges. Berlin, 1938.

۱۹۳۸ ـ یك کتاب نیایش مانوی . متن قبطی و ترجمه انگلیسی آن توسط چارلز آلبری ، باتفسیری از ه . ایبشر چاپ اشتوتگارت .

C. R. C. Allberry: A Manichaean Psalmbook. Coptic text and translation with a contribution by H. Ibscher. Stuttgart, 1938.

۱۹۳۹ ـ دو نوجوان درایران ، یك داستان تفریحی ـ تألیف ملیتاروت مایر . چاپ برلین .

M. Rutmeier: Zwei Buben in Persien. Eine lustige Geschichte. — Berlin, 1939.

۱۹۳۹ ـ مطالعات سکائی . اقصای شمال شرقی در دنیای کهن ـ تألیف ی. یونگه . چاپ لایپتسیگ .

J. Junge: Saka-Studien. Der ferne Nordosten im Weltbild der Antike. Leipzig, 1939.

۱۹۳۹ ـ بیست هزار کیلو متر دربالکان وایران ـ تألیف فریدریش فن بوهلن هگوالد . چاپ برلین .

F. v. Bohlen-Hegewald: 20,000 km durch den Balkan und quer durch Iran. — Berlin, 1939.

۱۹۳۹ ـ مغولها در ایران . سیاست ، حکومت و فرهنگ درزمان ایلخانیان (۱۲۲۰ـ۱۳۵۰) ـ تألیف برتلداشپولر. چاپ لایپتسیگ .

B. Spuler: Die Mongolen in Iran. Politik, Verwaltung und Kultur der Ilchanzeit. 1220-1350. — Leipzig, 1939.

۱۹۳۹ ـ انحطاط ایران بعد از مرگ اسماعیل شقی (شاه اسماعیل دوم) ۱۵۷۷ ـ ۱۵۸۱ . تـألیف هانس روبرت رویمر . چاپ وورتسبورگ .

H. R. Roemer: Der Niedergang Irans nach dem Tode Smail's des Grausamen 1577-1581. — Würzburg, 1939.

۱۹۳۹ ـ تنهائی (دشتهای خاموش) ایران . مسافـرت تحقیقی در کویر لوت و بلوچستان ایران و مسافرتی بـه افغانستان جنـوبی ـ تألیف آلفونس گابریـل . چاپ اشتوتگارت .

A. Gabriel: Aus den Einsamkeiten Irans. — Forschungsfahrt durch die Wüste Lut und Persisch-Balocistan mit einer Reise durch Süd-Afghanistan. — Stuttgart, 1939.

۱۹۳۹ ـ قصه های ایـرانی ـ تألیف و تـرجمه آرتور کریستن سن . چاپ ینا .

A. Christensen: Märchen aus Iran. — Jena, 1939.

۱۹۳۹ ـ نکاتی دربارهٔ گویش های محلی ایران ، نقل از نوشته های فریدریش کارل اندرآس که بعد از مرگ او منتشر میشود . گردآوری و تنظیم از : آرتور کریستن‌سن، کای‌بار ، والترهنینگ . چاپ برلین .

F. K. Andreas: Iranische Dialektaufzeichnungen aus dem Nachlass. Bearbeitung und hrsg. v. A. Christensen, K. Barr, W. B. Henning. — Berlin, 1939.

۱۹۳۹ ـ تاریخ ملل ودول اسلامی (شامل بخش مستقلی دربارهٔ تاریخ ایران) ـ تألیف کارل بـروکلمن . چاپ مونیخ و برلن .

C. Brockelmann: Geschichte der islamischen Völker und Staaten. München & Berlin, 1943.

۱۹۳۹ ـ عکسهائی از نباتات شمال ایران ـ تألیف کارل هاینتس رشینگر . چاپ برلین .

K. H. Rechinger: Vegetationsbilder aus dem nördlichen Iran. — Berlin, 1939.

۱۹۴۰ ـ ماجرای فرانك فابر . هفت رازدر ایران ـ تألیف کارل ریشارد . چاپ نیدرسدلیتس .

K. Richard: Frank Fabers Abenteuer. 7 Geheimnisse in Persien. — Niedersedlitz, 1940.

۱۹۴۰ ـ در دربار شاهنشاه ایران (۱۶۸۴ ـ ۱۶۸۵) ؛ کتاب اول «امونیتاتس اکزوتیکا» بقلم انگلبرت کمپفر ـ تحشیهٔ والتر هینتس ؛ چاپ لایپتسیگ .

W. Hinz: Engelbert Kämpfer: Am Hofe des persischen Grosskönigs (1684-1685). Das erste Buch der Amonitates exoticae. Leipzig, 1940.

۱۹۴۰ ـ کفالایا ، بندهای اول تا دهم . همراه با یك بررسی توضیحی . تألیف هوگوایبشر . چاپ اشتوتگارت .

H. Ibscher: Kephalaia. Lieferung 1-10, mit einem Beitrag. Stuttgart, 1940.

۱۹۴۰ ـ بررسیهائی دربارهٔ قضاوتهای کتابهای یونانی در مورد ایرانیان ـ تألیف هانس‌هابرکرن . چاپ گرایفسوالد.

H. Haberkorn: Beiträge zur Beurteilung der Perser in der griechischen Literatur. — Greifswald, 1940.

۱۹٤۰ ـ نوشته های خطی مانوی در موزه دولتی برلین ، که بدستور فرهنگستان علوم پروس باهتمام کارل اشمیت بچاپ میرسد . جلد اول : کفالایای اول . همراه با یـک بررسی بقلم هوگو ایبشر . چاپ لایپتسیگ .

C. Schmidt: Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin; hrsg. im Auftrage der Preussischen Akademie der Wissenschaften Bd. I: Kephalaia I. mit einem Beitrag von Hugo-Ibscher. Stuttgart, 1940.

۱۹٤۰ ـ اختلافات روس وانگلیس درایران . قرارداد ۳۱ اوت ۱۹۰۷ و شیوهٔ اجرای آن ـ تألیف هاینتس باور . چاپ توبینگن .

H. Bauer: Die englisch-russischen Gegensätze in Persien, das Abkommen vom 31. August 1907 und seine Auswirkung. Tübingen, 1940.

۱۹٤۰ ـ چاپ الهی نامه فریدالدین عطار ، باهتمام هلموت ریتر ، در لایپتسیگ .

H. Ritter: Farid al-Din Attar: Ilahi-name. — Leipzig, 1940.

۱۹٤۰ ـ سفرهای من در آسیا . ایران ، تبت صغری ، هند، سیام ، ژاپن . تألیف برنارد کلرمان . چاپ برلین .

B. Kellermann: Meine Reisen in Asien. Iran, Klein-Tibet, Indien, Siam, Japan. Berlin, 1940.

۱۹٤۰ ـ کتاب «عزیزابن‌اردشیراسترابادی» ، منبعی برای تاریخ ادوار مؤخر قرون وسطی در آسیای صغیر . تألیف هاینریش گیزکه . چاپ لایپتسیگ .

H. H. Giesecke: Das Werk des "Aziz ibn Ardasir Astrabadi," eine Quelle zur Geschichte des Spätmittelalters in Kleinasien. — Leipzig, 1940.

۱۹٤۰ ـ اسامی صاحبمنصبان ایرانی در نوشته های خط میخی که بدست ما رسیده است . تألیف ویلهلم‌آیلرس . چاپ لایپتسیگ .

W. Eilers: Iranische Beamtennamen in der Keilschriften-Ueberlieferung.— Leipzig, 1940.

۱۹٤۱ ـ تقدیس آتش در ایران ـ تألیف کورت اردمن . چاپ لایپتسیگ .

K. Erdmann: Das iranische Feuerheiligtum. — Leipzig, 1941.

۱۹٤۱ ـ متون سغدی برلین ـ تألیف الاف‌هانس ، در دو جلد . چاپ برلین .

O. Hansen: Berliner Sogdische Texte. 2 Bde. — Berlin, 1941.

۱۹٤۱ ـ خدای ایرانی زمان و معتقدات مربوط بدو . تألیف هانس هاینریش شدر . چاپ لایپتسیگ .

H. H. Schaeder: Der iranische Zeitgott und sein Mythos. Leipzig, 1941.

۱۹٤۱ ـ نیرنگستان ، رسالۀ اوستائی درباره دستور های سنتی . متن اوستائی بانضمام ترجمۀ پهلوی و آلمانی آن . ترجمه آناتول واگ . چاپ لایپتسیگ .

A. Waag: Nirangistan, der Awestatraktat über die rituellen Vorschriften. Text mit Pahlavi und Deutsche Uebersetzungen. — Leipzig, 1941.

۱۹٤۱ ـ لغتنامه آرامی وفارسی میانه . مطالعـه درباره فرهنگ پهلویك در پرتو مطالعات آشورشناسی . تألیف اریش ابلینگ . چاپ لایپتسیگ .

E. Ebeling: Das aramäisch-mittelpersische Glossar. Farhang-i Pahlavik im Licht der assyriologischen Forschung. — Leipzig, 1941.

۱۹٤۲ ـ باغهای ایرانی و عربی ـ تألیف ا . آمتور و تئودور فریچه . چاپ لایپتسیگ .

E. Amthor & A. T. Fritzsche: Horti Persici et Arabici. — Leipzig, 1942.

۱۹٤۲ـ دلاورنامۀ ایران ، نقل ازشاهنامه فردوسی ، ترجمه یوزف گورس ـ باهتمام ویلیبالدکیرفل ، چاپ کلن .

J. Görres: Das Heldenbuch von Iran. Aus dem Schah Nameh des Firdussi. Hrsg. Willibald Kirfel. — Köln, 1942.

۱۹٤۲ ـ فرهنگ فارسی باستانی . تألیف والتر هینتس . چاپ لایپتسیگ .

W. Hinz: Altpersischer Wortschatz. — Leipzig, 1942.

۱۹۴۲ ـ احکام غزالی درباره عشق . چاپ باهتمام هلموت ریتر ، همراه با متن فارسی . در ویسبادن .

Ahmad Ghazali's Aphorismen über die Liebe. Hrsg. von Hellmut Ritter, mit Text. Wiesbaden, 1942.

۱۹۴۲ ـ دربارهٔ خلیج فارس . تألیف آنتون هانتشل . چاپ برلین .

A. Hantschel: Ueber den Persischen Golf: Berlin, 1942.

۱۹۴۳ ـ مبارزه ایران برای آب . درسهای گذشته و وظائف آینده دربارهٔ اقتصاد آب درایران ـ تألیف غلامرضا کورس ، چاپ برلین .

G. R. Kuros: Irans Kampf um Wasser. Die Vergangenheit und ihre Lehren, die Zukunft und ihre Aufgaben in der iranischen Wasserwirtschaft. — Berlin, 1943.

۱۹۴۳ ـ هنر ایران در دوران ساسانیان ـ تألیف کورت اردمان . چاپ لایپتسیگ .

K. Erdmann: Die Kunst Irans zur Zeit der Sassaniden. — Leipzig, 1943.

۱۹۴۳ ـ مقالات تازه‌ای دربارهٔ خیام شناسی ـ ۱: گفتار دربارهٔ عمر خیام ـ ۲ : قدیمی‌ترین قطعات رباعیات عمر خیام . تألیف کریستیان رمپیس . چاپ لایپتسیگ .

Ch. Rempis: Neue Beiträge zur Chajjam-Forschung. 1. Sagen um Omar Chajjam. 2. Die ältesten Auszüge aus Omar-e Chajjams Rubaijjat. — Leipzig, 1943.

۱۹۴۳ ـ ایران ـ تألیف اسکندر تهرانی ، چاپ برلین .

E. Tehrani: Iran. - Berlin, 1943.

۱۹۴۴ ـ آثاری از زبان تخاری ، تألیف ا. زیگ . چاپ برلین .

E. Sieg: Tocharische Sprachreste. — Berlin, 1944.

۱۹۴۴ ـ وضع بهداشت درایران . تألیف اریکا توله . چاپ توبینگن .

E. Tölle: Ueber die gesundheitlichen Verhältnisse Irans. — Tübingen, 1944.

۱۹۴۵ ـ تعزیه ، نمایش مذهبی ایـرانی ـ تألیف داود منشی‌زاده . چاپ برلین .

D. Monchi-Zadeh: Die Tasiyeh, das persische Passionsspiel. — Berlin, 1945.

۱۹۴۵ ـ «مجموعهٔ مصنفات فلسفی و عرفانی شهاب‌الدین سهروردی » ـ تألیف هانری کربن ؛ چاپ لایپتسیگ (این کتاب بعداً توسط انستیتوی ایران شناسی فرانسه در تهران بفارسی نیز بچاپ رسید) .

H. Corbin: Shihab al-Din Suhravardi: Opera metaphysica et mystica. Edidit et prologomenis instruxit Henricus Corbin. Vol. I. Leipzig, 1915.

۱۹٤٥ (تا ۱۹۵۳) ـ آثاری از زبان تخاری . تألیف و تدوین ا. زیگ و و.زیگلینگ . چاپ گوتینگن .

E. Sieg und W. Siegling: Tocharische Sprachreste. Göttingen, 1945-1953.

۱۹٤۷ ـ قصه‌های ایرانی درکتاب طوطی نامه ، براساس ترجمه کارل‌لودویگ‌ایکن ـ باهتمام هلموت‌مولر ، چاپ فرانکفورت .

H. Müller: Persische Märchen aus dem persischen Papageienbuch (Tuti-nameh); nach der Uebersetzung des Carl Ludwig Iken. — Frankfurt a/M., 1947.

۱۹٤۸ ـ نوای نی . غزلها ـ گردآوری آن‌ماری شیمل ، چاپ هاملن .

A. Schimmel: Lied der Rohrflöte. Ghaselen. — Hameln, 1948.

۱۹٤۸ ـ سفر بایران . در مسیر فرهنگهای کهن در ایران و افغانستان وترکستان ـ تألیف ر. بایرن . چاپ برلین .

R. Byron: Persische Reise. Auf dem Wege zu den alten Kulturen in Persien, Afghanistan und Turkestan. Berlin, 1948.

۱۹٤۸ ـ زندگی شیخ ابواسحق کازرونی (فردوس ـ المرشدیه فی‌اسرارالصمـدیه) ، از روی نسخـه فارسی محمودبن عثمان ـ تألیف و ترجمه فـریتس میر چاپ لایپتسیگ .

Mahmud ben Osman: Die Vita des Scheich Abu Ishaq al-Kasarun in der persischen Bearbeitung. Hrsg. und eingeleitet von F. Meier. Leipzig, 1948.

۱۹٤۸ ـ ایران درمیان قدرتهای بزرگ ، در سالهـای ۱۹٤۱ ـ ۱۹٤۸ . یك مطالعه تـاریخی و سیاسی . تألیف فریتس اشتپات . چاپ مونیخ .

F. Steppat: Iran zwischen den Grossmächten 1941-1948. Eine historisch-politische Studie. München, 1948.

۱۹٤۹ ـ مناسبات روس و ایران از ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱ ـ تألیف کارل لیتاو . چاپ کیل .

C. Littau: Die russisch-persischen Beziehungen 1907-1911. — Kiel, 1949.

۱۹٤۹ ـ سفرنامه ایران ، اثر گرترودبل ـ ترجمه از انگلیسی توسط کارین فن‌شاب . چاپ هامبورگ .

G. Bell: Persische Reisebilder. Aus dem Englischen von Karin von Schab. — Hamburg, 1949.

۱۹٤۹ ـ تحول در ایران . تجارب و مشاهدات ـ تألیف ویپرت‌فن بلوشر . چاپ بیبراخ .

W. v. Blücher: Zeitenwende in Iran. Erlebnisse und Beobachtungen. — Biberach a. d. Reiss, 1949.

۱۹٤۹ ـ تاریخ متن اوستا ـ تألیف فرانتس آلتهایم ، چاپ هاله .

F. Altheim: Awestische Textgeschichte. — Halle a. d. S., 1949.

۱۹٥۹ ـ دره آدمکشان (الموت) . سفر های ایرانی ـ ترجمه از نوشتهٔ انگلیسی فریا استارك ، چاپ هامبورگ و اشتوتگارت وبادن‌بادن .

F. Stark: Das Tal der Mörder. Persische Reisen. — Hamburg, Stuttgart, Baden-Baden, 1949.

۱۹٤۹ ـ بهائیان . تألیف گ. روزن کرانتس . چاپ اشتوتگارت .

G. Rosenkranz: Die Bahai. Stuttgart, 1949.

۱۹٤۹ ـ دربارهٔ جنگهای شاپور ساسانی ـ تألیف ویلهلم انسلین . چاپ مونیخ .

W. Ensslin: Zu den Kriegen des Sassaniden Schapur. — München, 1949.

۱۹٤۹ ـ گفتار جلال‌الدین رومی ـ انتخاب و ترجمه آن‌ماری شیمل ، چاپ والدرف (هسن) .

A. Schimmel: Die Bildersprache Dschelâladdin Rûmîs. - Waldorf (Hessen), 1949.

۱۹۵۰ ـ مجنون ولیلی . داستان عاشقانه شرقی ، ازجامی ـ ترجمه آدولف فریدریش فن‌شاك . چاپ اشتوتگارت .

A. F. von Schack: Medschnun und Leila. Morgenländischer Liebersroman von Dschami. — Stuttgart, 1950.

۱۹۵۰ ـ سیاست ایران دربرابر یونان در فاصلهٔ پنجاه سالهٔ جنگهای ایران و یونان وجنگ پلوپونز ـ تألیف پاول کوبلر . چاپ هایدلبرگ .

P. Kübler: Die persianische Politik gegenüber dem Grieschentum in der Pentekontaetie. — Heidelberg, 1950.

۱۹۵۰ ـ ملانصرالدین درگفته های روزمرهٔ ایـرانی و ترکی ـ تألیف ایرن گالین (ایرن ویتسل) . چاپ توبینگن.

I. Gallien (Witzel): Der Hodscha Nasreddin in der persischen und türkischen Volksdichtung. — Tübingen, 1950.

۱۹۵۰ ـ «ایرانیان» اثر اسخیلوس (اشیل) . ترجمه و توضیح ارنست بوشر . چاپ مونیخ .

Aeschylos: Die Perser. Uebersetzt und erläutert von Ernst Buscher. — München, 1950.

۱۹۵۱ ـ اشعارایرانی . انتخاب وتدوین ا. برترام . چاپ ویسبادن .

E. Bertram: Persische Spruchgedichte. Auswahl und Fassung. —Wiesbaden, 1951.

۱۹۵۱ ـ «ایرانیان» اسخیلوس ، برمبنای متون قدیمی که توسط کورت ویته به آلمانی ترجمه شده است ـ چاپ اشتوتگارت .

Aeschylos: Die Perser. In den Versmassen der Urschrift ins Deutsche übertragen von Curt Woyte. — Stuttgart, 1951.

۱۹۵۱ ـ رساله ریاضی جمشیدبن مسعود کاشی ، با شرحی دربارهٔ قدیمی‌ترین آثارریاضی. تألیف پاول‌لوکی . چاپ ویسبادن .

P. Luckey: Die Rechenkunst bei Dschamsid ben Mas'ud al-Kaschi mit Rückblicken auf die ältere Geschichte des Rechnens. Wiesbaden, 1951

۱۹۵۱ ـ مسائل حافظ شناسی وراه حل‌آنها ـ تألیف هانس ربرت رومر . چاپ ویسبادن .

H. R. Römer: Probleme der Hafizforschung und der Stand ihrer Lösung. — Wiesbaden, 1951.

۱۹۵۱ ـ وضع «ی» و «و» که بعد از حروف بیصدا در متن عروضی اوستاآورده میشود ـ تألیف برنفرید اشلرات. چاپ فرانکفورت .

B. Schlerath: Die Behandlung von Y and V nach Konsonant in den metrischen Texten des Awesta. — Frankfurt, 1951.

۱۹۵۱ ـ در ایران نفت میسوزد . تألیف هانس مارشال . چاپ هامبورگ .

H. Marschall: Oel brennt in Persien. Hamburg, 1951.

۱۹۵۲ ـ ایران در نخستین سنوات اسلامی . سیاست و فرهنگ و حکومت وزندگی عامه ازفتح اعراب تا استیلای سلجوقیان (۶۳۳ـ۱۰۵۵) ـ تألیف برتلداشپولر . چاپ ویسبادن .

B. Spuler: Iran in frühislamischer Zeit. Politik, Kultur, Verwaltung und öffentliches Leben zwischen der Arabischen und der Seldschukischen Eroberung 633-1055. — Wiesbaden, 1952.

۱۹۵۲ ـ گزارشی دربارهٔ ابن‌سینا و فردوسی ـ تألیف ه . م. بوتچر . چاپ رودلفشتات .

H. M. Böttcher: Eine Erzählung um Avicenna und Firdusi. — Rudolfstadt, 1952.

۱۹۵۲ ـ مکاتیب دولتی دورهٔ تیموریان ، شرف‌نامهٔ عبداله مروارید از نظر انتقادی ـ چاپ عکس برداری شده از متن فارسی ـ تألیف هانس ربرت رومر ؛ چاپ ویسبادن .

H.-R. Roemer: Staatsschreiben der Timuriden-Zeit. Das Scharaf-Namä des Abdallah Marwarid in kritischer Auswertung. Persischer Text in Faksimile. — Wiesbaden, 1952.

۱۹۵۲ ـ «رساله فلکیه» عبداله‌بن محمدبن کیای مازندرانی . یك‌سیاههٔ ایرانی دربارهٔ وضع محاسبات در ایران در ۱۳۶۳ ـ باهتمام والتر هینتس ؛ چاپ ویسبادن

Abdollah ibn Mohammad ibn Kiya al-Mazandarani: Die Resalä-ye Falakiyyä. Ein persischer Leitfaden des staatlichen Rechnungswesens (um 1363). Hrsg. von Walther Hinz. — Wiesbaden, 1952.

۱۹۵۲ ـ تشریح تاریخ دینی در اسرائیل و ایران و یونان در دوران توسعه ایران ـ تألیف مانفرد فردرر ؛ چاپ توبینگن .

M. Forderer: Religiöse Geschichtsdeutung in Israel, Persien und Griechenland zur Zeit der persischen Expansion. — Tübingen, 1952.

۱۹۵۲ ـ ایران در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ ـ تألیف ولفگانگ لنتس ؛ چاپ هایدلبرگ .

W. Lentz: Iran 1951-1952. — Heidelberg, 1952.

۱۹۵۲ ـ آسیا ورم . مدارك تازه‌ای دربارهٔ دوران اولیه حکومت ساسانیان ـ تألیف فرانتس آلتهایم وروت‌اشتیل . چاپ توبینگن .

F. Altheim & R. Stiehl: Asien und Rom. Neue Urkunden aus sassanidischer Frühzeit. — Tübingen, 1952.

۱۹۵۲ ـ شرح سقوط سلطنت بیت‌المقدس (۵۳۸ـ۱۱۸۷) طبق نوشته عمادالدین‌الکاتب‌الاصفهانی . از ی. کرمر . چاپ ویسبادن .

J. Kraemer: Der Stur des Königreichs Jerusalem (583/1187) in der Darstellung des Imad ad-Din al-Katib al-Isfahani. Wiesbaden, 1952.

۱۹۵۲ ـ ایران دیگر . «پرس» از دیدگاه یك اروپائی، با مقدمه‌ای ازعلی اصغر عزیزی. تألیف ادموند یارولمیك. چاپ مونیخ .

E. Jarolmjek: Das andere Iran. Persien in den Augen eines Europäers. Mit einer Einleitung von Ali Asghar Azizi. München, 1952.

۱۹۵۲ ـ ایران در دوران اولیه اسلامی . تألیف برتلد اشپولر . چاپ ویسبادن .

B. Spuler: Iran in Früh-Islamischer Zeit. Wiesbaden, 1952.

۱۹۵۳ ـ در جای پای فرهنگ خوارزم باستانی . تألیف سرگئی پاولوویچ تولستوف . ترجمه از روسی به آلمانی توسط ا . مهلیتس . چاپ برلین .

S.P. Tolstov: Auf den Spuren der altchoresmischen Kultur. Ins Deutsche übertragen von O. Mehlitz. Berlin, 1953.

۱۹۵۳ ـ مسائل مربوط به تفهیم اصول مانوی . تألیف آلکساندر بولیگ . چاپ مونیخ .

A. Böhlig: Probleme des manichäischen Lehrvortrages. — München, 1953.

۱۹۵۳ ـ ایران . تألیف ارنست اوگوست مسراشمیت ؛ چاپ کلن .

E. A. Messerschmidt: Iran — Köln, 1953.

۱۹۵۳ ـ صفویان . تألیف هانس ربرت رومر ؛ چاپ مونیخ .

H. R. Römer: Die Safawiden. — München, 1953.

۱۹۵۳ ـ نام باستانی جشن سال نو درایران . تألیف ویلهلم آیلرس . چاپ ویسبادن .

W.W. Eilers: Der alte Name des persischen Neujahrfestes. Wiesbaden, 1953.

۱۹۵۳ ـ عمر خیمه‌دوز . زندگی پرماجرای شاعر و منجم ایرانی عمر خیام . ترجمه از متن انگلیسی هارولد لمب بزبان آلمانی توسط داگوبرت فن میکوش . چاپ برلین .

H. Lamb: Omar der Zeltmacher. Das abenteuerliche Leben des persischen Dichters und Astronomen Omar Chajjam. Aus dem Englischen von Dagobert von Mikusch. Berlin, 1953.

۱۹۵۳ ـ پایه‌های اقتصادی وامکانات بازرگانی صادراتی ایران . تألیف ارنست اوگوست مسرشمیت . چاپ کلن .

E.A. Messergschmidt: Iran (Persien). Wirtschaftsgrundlagen und Aussenhandelsmöglichkeiten. Köln, 1953.

۱۹۵۳ ـ سیر تکامل سیاست مذهبی مطبوعات ایران ، و پیدایش مطبوعات آزاد پس از انقلاب سال ۱۹۰۶ ـ تألیف مهرانگیز دولتشاهی ؛ چاپ هایدلبرگ .

M. Daulatschahi: Die religionspolitische Entwicklung der Publizistik in Iran und die Entstehung der freien Presse infolge der Revolution von 1906. — Heidelberg, 1953.

۱۹۵٤ ـ شاپور واردوی زرین ـ تألیف یوهان رویتر ، چاپ گوترسلوه .

J. Reuter: Sapor und die goldenen Hengste- Gütersloh, 1954.

۱۹۵٤ ـ تورفان و گندارا . هنر ادوار اولیه قرون وسطی در آسیای مرکزی ـ تألیف هربرت هرتل . چاپ برلین .

H. Härtel: Turfan und Gandhara. Frühmittelalterliche Kunst Zentralasiens. — Berlin, 1954.

۱۹۵٤ ـ یك کشور آسیائی . فئودالیسم در دوران ساسانیان ودر سرزمینهای همسایه آنها ـ تألیف فرانتس التهایم و روت‌اشتیل ؛ چاپ ویسبادن .

F. Altheim & R. Stiel: Ein asiatischer Staat. Feudalismus unter den Sasaniden und ihren Nachbarn. — Wiesbaden, 1954.

۱۹۵٤ ـ سفر در ایران . تألیف کیر اشترومبرگ . چاپ هامبورگ .

K. Stromberg: Reise durch Iran. — Hamburg, 1954.

۱۹۵٤ ـ متونی درباره آئین مانوی . تألیف آلفرد آدام . چاپ برلین .

A. Adam: Texte zum Manichäismus. — Berlin, 1954.

۱۹۵٤ ـ آئین مانوی براساس روایـات عربی . تألیف کارستن کلپه . چاپ گوتینگن .

C. Colpe: Der Manichäismus in der arabischen Ueberlieferung. — Göttingen, 1954.

۱۹۵٤ ـ کتاب شاهان ایران . اقتباس و تدوین ازشاهنامه فردوسی ـ ترجمه کورت هاینریش هانسن ؛ چاپ‌ویسبادن.

K. H. Hansen: Das iranische Königsbuch. Aufbau und Gestalt des Schahname von Firdosi. — Wiesbaden, 1954.

۱۹۵٤ ـ اشعار ایرانی ـ انتخاب و ترجمه ر . سومر ؛ چاپ برلین شرقی .

R. Sommer: Geschichte Irans. — Berlin (ost), 1954.

۱۹۵٤ ـ از بغداد تا بلوچستان ـ تألیف هاینتس هلفگن ؛ چاپ گوترسلوه .

H. Helfgen: Von Bagdad bis Belutchistan. — Gütersloh, 1954.

۱۹۵٤ ـ تمیستوکلس . مبارزه یـونان و ایران بـر سر مدیترانه ـ تألیف ارنست بیکل ؛ چاپ بن .

E. Bickel: Themistokles. Der Kampf um das Mittelmeer zwischen Griechenland und Persien. — Bonn, 1954.

۱۹۵٤ ـ رسالهٔ مروارید محمدعلی حزین . ترجمه و چاپ خان خاتاك و اتواشپیس . چاپ والدرف .

M. Ali Hazin: The treatise on the nature of pearls. Ed. and transl. by S. Khan Khatak and O. Spies. Walldorf, 1954.

۱۹۵٤ ـ ملکهٔ ثریا ـ تألیف هاینس کرمر . چاپ برلین ودوسلدرف .

H. Krämer: Kaiserin Soraya. — Berlin & Düsseldorf, 1954.

۱۹۵۵ ـ ماجرای من درایران ـ تألیف آن‌سینکلر مهدوی. چاپ برلین .

A. Sinclair Mehdevi: Mein persisches Abenteuer. — Berlin, 1955.

۱۹۵۵ ـ اتحاد شوروی و ایران . تحقیقی دربارهٔ سیاست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در خاور نزدیك از ۱۹۱۷ تا ۱۹۵٤ ـ تألیف دیتریش گایر . چاپ بولاو .

D. Geyer: Die Sowjetunion und Iran. Untersuchung zur Aussenpolitik der UdSSR im Nahen Osten. 1917-1954. — Böhlau, 1955.

۱۹۵۵ ـ فرهنگ پهلویك با ترتیب تقدم زمانی علائم و کلمات . تألیف هاینریش‌فریدریش‌یونکر. چاپ لایپتسیگ.

H.F.J. Junker: Das Farhang-i Pahlavik in zeichengemässer Anordnung. — Leipzig, 1955.

۱۹۵۵ ـ لغتنامهٔ فارسی به آلمانی ـ تألیف هاینریش فریدرش یونکر وبزرگ علوی . چاپ لایپتسیگ .

H. F. J. Junker und B. Alavi: Persisch-deutches Wörterbuch. — Leipzig, 1955.

۱۹۵۵ ـ یسنای۲۸ اوستا . ترجمه وتفسیر با تحلیلی دربارهٔ ترکیبات اوستائی ، همراه با متن‌اوستائی، توسط ولفگانگ لنتس ؛ چاپ ویسبادن .

W. Lentz: Awesta: Yasna 28. Kommentierte, Uebersetzung und Kompositions-Analyse (mit Text). — Wiesbaden, 1955.

۱۹۵۵ ـ رساله الواردات القلبیه فی‌معرفت الربوبیه ملاصدرا ، باهتمام شفیعیها ؛ چاپ کلن .

A. A. Schafiiha: Mulla Sadra's Risala al-Waridat al-galbiya fima'rifat al-rububiya. — Köln, 1955.

۱۹۵۵ ـ چنین گفت زرتشت ـ تألیف فریتس کراوس . چاپ مونیخ .

F. Kraus: So spricht Zarathustra — München, 1955.

۱۹۵۵ ـ چرا زرتشت افول کرد و چرا همچنان در افول ماند؟ ـ تألیف کنراد فلکس. چاپ ارلانگن.

K. Flex: Was bedeutet Zarathustra Untergang und warum unterblieb er? — Erlangen, 1955.

۱۹۵۵ ـ راهنمای عملی مکالمه فارسی ـ تألیف والتر هینتس؛ چاپ برلین.

W. Hintz: Persisch. — Praktischer Sprachführer. — Berlin, 1955.

۱۹۵۵ ـ بحارالانوار: بشر، دنیا وخداوند در حکایات فریدالدین عطار ـ تألیف هلموت ریتر؛ چاپ کلن.

H. Ritter: Das Meer der Seele: Mensch, Welt und Gott in den Geschichten des Fariduddin 'Attar. — Köln, 1955.

۱۹۵۵ ـ طوطی نامه‌ضیاءالدین نخشبی ـ ترجمه لئولازینسکی؛ چاپ مونیخ.

L. Lasinski: Siauddin Nachschabi: Das Papageienbuch. — München, 1955.

۱۹۵۵ ـ فرقهٔ دراویش‌شیعهٔ ایران. تألیف ریکارد گرانلیش چاپ ویسبادن.

R. Granlich: Die Schiitischen Derwischorden Persiens. — Wiesbaden, 1955.

۱۹۵٦ ـ زبان وادبیات فارسی میانه زرتشتیان . تألیف ج . تاوادیا . چاپ لایپتسیگ .

J. C. Tavadia: Die mittelpersische Sprache und Literatur der Zarathustrier. — Leipzig, 1956.

۱۹۵٦ ـ تحقیقی دربارهٔ روابط اصول مذهبی پارسی و یهودی . تألیف رودلف مایر . چاپ بن .

R. Mayer: Eine Untersuchung über die Beziehungen zwischen Parsismus und Tudentum. Bonn, 1956.

۱۹۵٦ ـ س و مفهوم کلمه دهاسی و وضع آن در متون ریگ ودا و اوستا . تألیف کلاوس لودویگ یانرت . چاپ ویسبادن .

K. L. Janert: Sinn und Bedeutung des Wortes Dhasi und seiner Belegstellen im Rigveda und Awesta. — Wiesbaden, 1956.

۱۹۵٦ ـ هزار و ششصد جمله فارسی . تألیف اوتوملتسر . چاپ ویسبادن .

U. Melzer: Sechszehnhundert Sätze Persisch. — Wiesbaden, 1956.

۱۹۵٦ ـ مینیاتورهای ایرانی . با مقدمه بازیل گری و توضیحات آندره گدار . چاپ مونیخ .

Persische Miniaturen, mit Vorwort von B. Gray. Einführung von A. Godard. — München, 1956.

۱۹۵۶ ـ تحقیق دربارهٔ اصوات دماغـی در طـرز تلفظ هند وایرانی ـ تألیف ولفگانگ اشمید ؛ چاپ توبینگن .

W. Schmid: Untersuchungen zur Stellung der Nasalpräsentien im indo-iranischen Verbalsystem. — Tübingen, 1956.

۱۹۵۶ ـ دنیای ایرانیان . فرهنگهای بزرگ ادوارباستانی ـ تألیف هانس هنینگ‌فن در اوستن ؛ چاپ اشتوتگارت .

H. H. von der Osten: Die Welt der Perser. Grosse Kulturen der Frühzeit. — Stuttgart, 1956.

۱۹۵۶ ـ رستم ، از حماسه‌های ایرانی ـ ترجمهٔ اگبرت ریشتر . چاپ لایپتسیگ .

E. Richter: Rustem. Persische Heldensagen. — Leipzig, 1956.

۱۹۵۶ ـ مینیاتورهای ایرانی . ترجمه از متن انگلیسی موریس دیماند ـ چاپ ویسبادن وبرلین .

M. Dimand: Persische Miniaturen. — Wiesbaden & Berlin, 1956.

۱۹۵۶ ـ توطئه نجبا در باختر (باکتریا) . ماجرائی از جنگهای اسکندر کبیر درایران ـ تألیف هربرت شونفلد . چاپ بیلفلد .

H. Schönfeld: Die Pagenverschwörung von Baktria. Erzählung aus Kriegen Alexanders des Grossen in Persien. — Bielefeld, 1956.

۱۹۵۶ ـ ماجرائی درایران ـ تألیف فریدریش سالتسمن ؛ چاپ فیرنهایم .

F. Salzmann: Abenteuer in Persien. — Viernheim, 1956.

۱۹۵۶ ـ «شمس‌الحسن» تاج‌السلمانی . وقایع نامه‌ای از مرگ تیمور تا سال ۱۴۰۹ ـ متن فارسی بصورت عکس‌برداری شده ، با ترجمه آلمانی و تفسیر از هانس ربرت رومر ؛ چاپ ویسبادن .

Tag as-Salmani: Schams al-Husn. Eine Chronik vom Tode Timurs bis zum Jahre 1409. Persischer Text in Faksimile. Ins Deutsche übertragen und kommentiert von Hans Robert Roemer. — Wiesbaden, 1956.

۱۹۵۶ ـ وصف جامعهٔ ایرانی در دورهٔ ناصرالدین‌شاه ـ تألیف ه . گ . میژو ؛ چاپ گوتینگن .

H. G. Migeot: Ueber die persische Gesellschaft unter Nasiru'd-Din Schah. — Göttingen, 1956.

۱۹۵۷ ـ « فواتح الجمال و فواتح‌الجلال» نجم‌الدین کبری . اثری دربارهٔ تجارب عرفانی در دنیای اسلامی در حوالی سال ۱۲۰۰ میلادی ـ تألیف فریتس مایر ؛ چاپ ویسبادن .

Die Fawa'ih al-gamal wa fawatih algalal des Nagm ad-din al-Kubra, Eine Darstellung mystischer Erfahrungen im Islam aus Der Zeit um 1200 n. Chr. Hrsg. und erläut. von Fritz Meier. — Wiesbaden, 1957.

۱۹۵۷ ـ در بیابانهای ایران ـ تألیف سون هدین ؛ چاپ پادربرن .

S. A. Hedin: Durch Persiens Wüsten. — Paderborn, 1957.

۱۹۵۷ ـ طرز استعمال زمان ماضی در زبان تخاری . تألیف و . تماس . چاپ ویسبادن .

W. Thomas:Der Gebrauch der Vergangenheitstempora im Tocharischen. Wiesbaden, 1957.

۱۹۵۷ ـ سرزمین گل و بلبل ـ تألیف بزرگ علوی ، چاپ برلین شرقی .

B. Alavi: Das Land der Rosen und der Nachtigallen. — Berlin (ost) 1957.

۱۹۵۷ ـ بررسی هائی دربارهٔ معانی افعال جدید ایرانی ـ تألیف هیلدترود لینگنفلد ؛ چاپ هامبورگ .

H. Lingenfeld: Beiträge zur Erforschung des neupersischen Verbums. — Hamburg, 1957.

۱۹۵۷ ـ مطالعات خط شناسی دربارهٔ شیوهٔ تحریر ایرانی ـ تألیف فرهاد سبحانی ؛ چاپ بن .

F. Sobhani: Graphologische Untersuchung über das persische Schriftsystem. — Bonn, 1957.

۱۹۵۷ ـ از تخت طاووس تابام دنیا (ایران تاتبت) ـ تألیف هرست الیزایت . چاپ برلین .

H. Eliseit: Vom Pfauenthron zum Dach der Welt. — Berlin, 1957.

۱۹۵۷ ـ ترجمه آلمانی کتاب «ایران» اثر ا . کوستا . مقدمه و شرحهای مربوط به‌تابلوها توسط لارنس‌لاکهارت. چاپ کلن .

A. Costa: Persien (deutsch). Einführung und Bildbeschreibung Laurence Lockhart. — Köln, 1957.

۱۹۵۷ ـ تکمله آرامی .آرامی های ایران . تألیف فرانتس آلتهایم وروت اشتیل . چاپ بادن بادن .

F. Altmein & R. Stiehl: Supplementum Aramaicum. Aramäisches aus Iran. — Baden/Baden, 1957.

۱۹۵۷ ـ اشعار دیوان حافظ . غزلها ، قطعات ، رباعیات ، ساقی نامه . ترجمه وتفسیر دیتریش کایل . چاپ کلن .

Rolf-Dietrich Keil: Gedichte aus dem Diwan des Hafis. Gaselen, Qit'a, Vierzeiler, Schenkenbuch, Uebertragen und kommentiert. — Köln, 1957.

۱۹۵۸ ـ جاوید نامهٔ اقبال لاهوری . ترجمه از متن فارسی توسط آن ماری شیمل . چاپ مونیخ .

Iqbal Lahuri: Das Buch der Ewigkeit (Dschawid Name.) Uebers. von A. Schimmel. München, 1958.

۱۹۵۸ ـ قصه‌های ایرانی ـ گردآوری و ترجمه آرتور کریستن‌سن؛ چاپ دوسلدرف و کلن. (برمبنای مجموعه‌ای که قبلا از همین محقق در سال ۱۹۳۹ در ینا بچاپ رسیده بود .)

A. Christensen: Persische Märchen. — Düsseldorf-Köln, 1958.

۱۹۵۸ ـ ایران بی‌نقاب ، گزارشی مصور با ۱۳۲ عکس ـ تألیف کارل و گرویان ترولر . چاپ برلین .

Ch. & G. Troellerf: Persien ohne Maske. Ein aktueller Bildericht mit 132 Original-Aufnahmen. Berlin, 1958.

۱۹۵۸ ـ مینیاتورهای ایرانی ـ تألیف امیل پرتوریوس ؛ چاپ مونیخ .

E. Pretorius: Persische Miniaturen. — München, 1958.

۱۹۵۸ ـ زندگی در دربار ایران ـ تألیف والترکراوزه ؛ چاپ مونیخ .

W.W. Krause: Leben am persischen Kaiserhof. —München, 1958.

۱۹۵۸ ـ شبهای ایران . ـ تألیف گ . سوونتس ؛ چاپ برلین .

G. Sewunz: Iranische Nächte. — Berlin, 1958.

۱۹۵۸ ـ «ورتا»ی ودائی و «اورواتا»ی اوستائی . تألیف هاینریش پ . شمیت . چاپ هامبورگ .

H.P. Schmidt: Vedisch vrtá und awestisch Urvata. Hamburg, 1958.

۱۹۵۸ ـ کلمات یونانی ولاتینی در متون مانوی قبطی . تألیف الکسندر بولیگ . چاپ مونیخ .

A. Böhlig: Die griechisch-lateinischen Lehnwörter in den koptischen Manichäischen Texten. München, 1958.

۱۹۵۸ ـ تیموروخوجه علی ، یك بررسی درتاریخ صفویان. همراه با متن عکس برداری شده فارسی . ترجمهٔ هربرت هورست . چاپ ویسبادن .

H. Horst: Timur und Hoga Ali. Ein Beitrag zur Geschichte der Safawiden; mit persische Text in Faksimile. — Wiesbaden, 1958.

۱۹۵۸ ـ عمر خیام ، خیمه‌های معرفت (ترجمه رباعیات) . چاپ رودلفشتات .

Umar Chajjam: Zelte der Weisheit. — Rudolfstadt, 1958.

۱۹۵۹ـ دنیای پرندگان جلگه‌های جنوبی دریای مازندران ـ تألیف ا . شوتس ؛ چاپ اشتوتگارت .

E. Schütz: Die Vogelwelt des südkaspischen Tieflandes — Stuttgart, 1959.

۱۹۵۹ ـ ایران ، کشوری در حال توسعه . نشریه انجمن مطالعات دربارهٔ توسعه اقتصادی ـ چاپ فرانگفورت .

Iran als Entwicklungsland. Hrsg. von der Studiengesellschaft für wirtschaftliche Entwicklung — Frankfurt a.M., 1959.

۱۹۵۹ ـ تاریخ ادبیات ایران . تألیف یان ریپکا . ترجمه از زبان چك به آلمانی ، با تجدید نظر و تکمیل در چاپ آلمانی باهتمام هاینریش فریدریش یونکر. چاپ لایپتسیگ.

J. Rypka: Iranische Literaturgeschichte. Deutsch. Die Herausgabe und Redaktion der erganzten und erweiterten deutschen Ausgabe besorgte Heinrich F. Junker. Leipzig, 1959.

۱۹۵۹ ـ «کیمیای سعادت» غزالی ـ نشریهٔ دیدریکس ؛ چاپ کلن .

Al Ghasali: Das Elixier der Glückseligkeit. Diederichs — Köln, 1959.

۱۹۵۹ ـ «چشمهایش» . رمان بزرگ علوی ، ترجمه از فارسی توسط هربرت ملتسیگ ؛ چاپ برلین شرقی .

B. Alavi: Ihre Augen. Roman. aus dem Persischen übersetzt von Herbert Melzig. — Berlin, (ost) 1959.

۱۹۵۹ ـ نقاشیهای مینیاتوری ایرانی ـ تألیف ارنست کونل ؛ چاپ برلین .

E. Kuhnel: Persische Miniaturmalerei. — Berlin, 1959.

۱۹۵۹ ـ گاتهای زرتشت . ترجمه و تفسیر توسط هلموت هومباخ ، در دوجلد . چاپ هایدلبرگ .

H. Humbach: Die Gathas der Zarathustra. Uebersetzt und kommentiert. 2 Bde. — Heidelberg, 1959.

۱۹۵۹ ـ «اسرارالبلاغه» عبدالقادر جرجانی . ترجمه از عربی به آلمانی با حواشی وتوضیحات توسط هلموت‌ریتر. چاپ ویسبادن .

Die Geheimnisse der Wortkunst (Asrar al-Balaga) des Abdalqadir al-Curcani. Aus dem Arabischen übersetzt und mit Anmerkungen versehen von Hellmut Ritter. — Wiesbaden, 1959.

۱۹۵۹ ـ مینیاتورهای ایرانی کار مکتب بهزاد متعلق به مجموعه‌های قاهره . تألیف محمد مصطفی . چاپ بادن بادن .

Mohamed Mostafa: Persische Miniaturen. Werke der Behzad-Schule aus Sammulungen in Kairo. — Baden-Baden, 1959.

۱۹۵۹ ـ نشست وبرخاست . مجموعه اشعار . اثر سیروس آتابای . چاپ مونیخ .

C. Atabay: An- und Abflüge. Gedichte. — München, 1959.

۱۹۵۹ ـ لغتنامهٔ آلمانی به فارسی ـ تألیف ویلهلم آیلرس؛ چاپ ویسبادن .

W. Eilers: Deutsch-Persisches Wörterbuch. — Wiesbaden, 1959.

۱۹۵۹ ـ کتابشناسی زبان تخاری (آثار منتشره در سال های ۱۸۹۰ تا ۱۹۵۸) . تألیف ا. شونتنر . چاپ برلین .

E. Schwentner:Tocharische Bibliographie (1890-1958). — Berlin, 1959.

۱۹۵۹ ـ پوس دانش کامك . پسرك دانشجو . اثری به فارسی میانه دربارهٔ کوستیك (کمربند مذهبی زرتشت) . متن پازند وسنسکریت وترجمه آلمانی آن توسط هاینریش فریدریش یونکر . چاپ لایپتسیگ .

Pus i danisch-kamak. Der wissbegierige Sohn. Ein mittelpersischer Text über das Kustik. Hrsg. (Pazand und Sanskrit) und übers. Von H. F. Junker — Leipzig, 1959.

۱۹۶۰ ـ ترکیبات نسبی درزبان اوستائی ، باتوجه به زبانهای دیگر هند وژرمنی . تألیف هانس‌یاکوب زایلر . چاپ ویسبادن .

H. J. Seiler: Die Relativkonstruktion im Awestischen, mit Ausblick auf andere indogermanische Sprachen. — Wiesbaden, 1960.

۱۹۶۰ ـ زرتشت واسکندر . یك مواجههٔ شرق و غرب . تألیف فرانتس آلتهایم . چاپ فرانکفورت .

F. Altheim :Zarathustra und Alexander. Eine ostwestliche Begegnung. — Frankfurt, 1960.

۱۹۶۰ (و ۱۹۶٤) ـ کتاب مقدماتی تخاری . دستور زبان ومتون‌تخاری ولغتنامه. تألیف والترکراوزه‌و والتر تماس ، در دو جلد . چاپ هایدلبرگ .

W. Krause und W. Thomas: Tocharisches Elementarbuch. 2 Bde. Grammatik, Text und Glossar. — Heidelberg, 1960, 1964.

۱۹۶۰ ـ « مأموریت برای وطنم » . تألیف اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران . ترجمه هـ . هلتسهایمر و ك . رویس ؛ چاپ اشتوتگارت .

S.M. Mohammed Reza Pahlavi Schahinschah von Persien. Im Dienst meines Landes. — Uebertragen v. H. Holzheimer und K.H. Reuss. — Stuttgart, 1960.

۱۹۶۰ ـ سیاست نامهٔ نظام‌الملك . نخستین ترجمه مستقیم از فارسی به آلمانی ، با حواشی و توضیحات ، توسط کارل امیل شوینگن ؛ چاپ مونیخ وفرایبورگ .

Nizam-al-Mulk: Siyasatname; Zum ersten Male aus dem Persischen ins Deutsche übertragen und eingeleitet von Karl Emil Schowingen. — München & Freiburg, 1960.

۱۹۶۰ ـ بیست‌و یك داستان از شاهنامه ؛ انتخاب و ترجمه اوتافن ویتس‌لبن ؛ چاپ دوسلدرف .

Einundzwanzig Geschichten aus dem Schahname. Ausgewählt und übersetzt Uta von Witzleben. — Düsseldorf, 1960.

۱۹۶۰ ـ مقابله فرهنگهای ایـرانی وسامی در دوران اشکانیان ـ تألیف گئوویدن‌گرن ؛ چاپ دوسلدرف .

G. Widengren: Iranisch-Semitische Kulturbegegung in der Partischen Zeiut. — Düsseldorf, 1960.

۱۹۶۰ ـ حکومت آل مظفر در ایران . یك بررسی در حافظ شناسی ـ تألیف نبی‌بخش قاضی ؛ چاپ گوتینگن .

Nabibakhsh Qazi: Die Mozaffariden in Iran. Ein Beitrag zur Hafiz-Forschung. — Göttingen, 1960.

۱۹۶۰ ـ ایران . تألیف الیزابت ماله ؛ چاپ بن .

E. Male: Iran. — Bonn, 1960.

۱۹۶۰ ـ تحقیقات برمبنای آماری درباره گسترش زبان فارسی ـ تألیف و ولیسخ اسکاوموسکی . چاپ برلین .

W. Skalmowski: Sprachstatistische Untersuchungen zur persischen Sprachentwicklung. — **Berlin, 1960.**

۱۹۶۰ ـ کتیبهٔ کانیشکا در سرخ کتل . مدرکی از دوران مقدم مهرپرستی در ایران ـ تألیف هلموت هومباخ ؛ چاپ ویسبادن .

H. Humbach: Die Kaniska-Inschrift von Surkh-Kotal. Ein Zeugnis des Jüngeren Mithraismus aus Iran. — Wiesbaden, 1960.

۱۹۶۰ ـ هزار و دوازده مسئله . یك متن ماندائی . نقل به خط لاتینی و ترجمه و چاپ توسط ا. س. دروور . چاپ برلین .

E. S. Drower: The thousand and twelve questions. A Mandaean text edited in transliteration and translation. — Berlin, 1960.

۱۹۶۰ ـ ماندائی ها . تألیف ك. رودلف ، در دوجلد . چاپ گوتینگن .

K. Rudolpf: Die Mandäer. 2 Bde., Göttingen, 1960.

۱۹۶۰ ـ تاریخ هون ها . هفتالیت‌ها در ایران ـ تألیف فرانتس آلتهایم وروت اشتیل . چاپ برلین .

F. Altheim & R. R. Stiehl: Geschichte der Hunnen. Die Hephthaliten in Iran. — Berlin, 1960.

۱۹۶۰ ـ «بوف کور» صادق هدایت . ترجمهٔ مجاز از متن فارسی توسط حشمت مؤید ؛ چاپ هامبورگ .

S. Hedajat: Die blinde Eule. Berechtigte Uebersetzung aus dem Persischen von Heschmat Moayyad. — Hamburg, 1960.

۱۹۶۰ ـ حصیرهای اصفهان ـ تألیف هانا ورلف هاینش . چاپ واین‌هایم .

H. & R. Hanisch: Matten aus Isfahan. — Weinheim, 1960.

۱۹۶۰ ـ بازگانی خارجی‌و سیاست اقتصادی‌خارجی‌ایران. تألیف ا . عدلی . چاپ برلین .

A. Adli: Aussenhandel und Aussenwirtschaftspolitik des Iran. — Berlin, 1960.

۱۹۶۰ ـ سفر به‌مسکو وایران . توصیف تازه و تکمیل شده سفرنامه سابق مسکو وایران . استخراج از نوشته آدام ـ اولئاریوس ، باهتمام ابرهارد مایسنر، باگراورهای‌فولادی جدید . چاپ دارمشتات .

Moskowitische und persische Reise. Vermehrte neue Beschreibung der moscowitischen und persischen Reyse. Ausz. Adam Olearius. Bearbeitet von Eberhard Meissner. Mit zeitgenössischen Stahlstichen. Darmstadt, 1960.

۱۹۶۰ ـ ایران در سیاست خاوری آلمان در دوران جنگ اول جهانی. تألیف اولریش گرکه. چاپ اشتوتگارت.

U. Gehrke: Persien in der deutschen Orientpolitik während des Ersten Weltkrieges. — Stuttgart, 1960.

۱۹۶۰ ـ متوطن در ایران ـ تألیف الفریدو دیش. چاپ هامبورگ.

E. Diesch: Verheimatet in Persien. — Hamburg, 1960.

۱۹۶۰ ـ دیوارهای سفید، مجموعه داستان. تألیف بزرگ علوی، چاپ برلین شرقی.

B. Alavi: Die weisse Mauer. Novellen. — Berlin (ost), 1960.

۱۹۶۰ ـ دختر پیغمبر، ترجمه از صادق هدایت. چاپ برلین شرقی.

S. Hedayat: Die Prophetentochter. — Berlin (ost), 1960.

۱۹۶۰ ـ افسانه آفرینش، اثر صادق هدایت؛ چاپ‌برلین شرقی.

S. Hedayat: Die Legende von der Schöpfung. — Berlin (ost), 1960.

۱۹۶۱ ـ خان ودیگران. تألیف عبدالحسین نوشین؛ چاپ برلین شرقی.

A.H. Nuschin: Der Chan und die anderen. — Berlin (ost), 1961.

۱۹۶۱ ـ شاهنامه فردوسی ـ ترجمه اوتافن ویتس‌لبن ؛ چاپ دوسلدرف و کلن .

Firdausi: Das Buch der Könige (Schahnama). Uebertragen von Uta von Witzleben. — Düsseldorf & Köln, 1961.

۱۹۶۱ـ ترکها ، کردها و ایرانیان از منهٔ قدیم ـ تألیف اگون‌فن آیش‌شتت ؛ چاپ اشتوتگارت .

E. von Eichstedt: Türken, Kurden und Iraner seit dem Altertum. — Stuttgart, 1961.

۱۹۶۱ ـ سمبولیسم آئین پارسی . تألیف ژاك دوشن گیمن . چاپ اشتوتگارت .

J. Duchesne-Guillemin: Symbolik des Parsismus. Stuttgart, 1961.

۱۹۶۱ ـ زرتشت . تألیف والترهینتس . چاپ اشتوتگارت .

W. Hinz: Zarathustra. — Stuttgart, 1961.

۱۹۱ ـ مانی‌ومانویت . تألیف گئوویدنگرن . چاپ اشتوتگارت .

G. Widengren: Mani und der Manichäismus. — Stuttgart, 1961.

۱۹۶۱ ـ دنیای ماورالطبیعه ایرانی ، از آغاز تا دوران اسلامی . تألیف گئوویدنگرن . چاپ بادن‌بادن .

G. Widengren: Iranische Geisteswelt, von den Anfängen bis zum Islam. — Baden-Baden, 1961.

۱۹۶۱ ـ رسالات ابن‌سینا درباره منطق، الهیات، ارض و سما، روح ، حیوانات ، ذوی‌العقول ؛ کتاب «فارابی» دربارهٔ عقل ؛ کتاب ابن‌سینا دربارهٔ فلسفه اولی یا ماوراءالطبیعه . چاپ عکس برداری شده از روی نسخه چاپی سال ۱۵۰۸ ونیز (ایتالیا) . چاپ فرانکفورت .

Avicenna logica, sufficentia, de coelo et mundo, de anima, de animalibus, de intelligentiis; Alfarabi liber de intelligentiis; Avicennae liber de philosophia prima (S. metaphysica). Venetiis 1508. Photomechanischer Neudrunk: Frankfurt, 1961.

۱۹۶۱ ـ کتب سبعهٔ ابن‌الرشد قرطبه‌ای . اشعار ابن‌سینا با تفسیرهای آنها توسط ابن الرشد فوق‌الذکر . توضیح دربارهٔ تناقض‌های این‌نظریات ، توسط م . ا . تسیمارآ ، که سلسلهٔ تذکرات او واختلافات مورد بحث در پشت صفحه مشخص شده است . عکس‌برداری شده از نسخه چاپی سال ۱۵۶۲ ونیز . چاپ فرانکفورت .

Averrois Cordubensis colliget libri VII. Cantica item Avicennae cum eiusdem Averrois commentariis, M. A. Zimarea contradictionum solutiones, quorum series et additamentum versa pagina manifestat. Venetiis, 1562. Photomechanischer Neudruck: Frankfurt, 1961.

۱۹۶۱ ـ «بوف کور» صادق هدایت . ترجمه گرد هنینگر ، با همکاری بزرگ علوی . چاپ برلین شرقی .

S. Hedajat: Die blinde Eule. Uebersetzt von Gerd Henninger, bearbeitet von Bosorg Alavi. — Berlin (ost), 1961.

۱۹۶۱ ـ تخت سلیمان . گزارش موقت دربارهٔ کاوشهای سال ۱۹۵۹ ـ تألیف ه . هنینگ‌فن در اوستن‌و ر . نویمان؛ چاپ برلین .

H. Henning von der Osten und R. Neumann: Takht-i-Suleiman. Vorläufiger Bericht über die Ausgrabungen 1959. — Berlin, 1961.

۱۹۶۱ ـ ایرانیها ـ تألیف ماتیاس‌براون؛ چاپ‌فرانکفورت.

M. Braun: Die Perser. — Frankfurt a.M., 1961.

۱۹۶۱ ـ تحقیقی دربارهٔ اختلاف طرز ترکیب جملات در زبان های تاجیکی وفارسی ـ تألیف مانفردلورنتس ؛ چاپ برلین شرقی .

M. Lorenz: Untersuchung über Verschiedenheiten im tagikischen und persischen Satzbau. — Berlin (ost), 1961.

۱۹۶۱ ـ هنر شرق باستانی : بابل وآشور ، سوریه قدیم ، آناتولی قدیم وایران باستان . تألیف ی . ا . ه . پوتراتس . چاپ اشتوتگارت .

J. A. H. Potratz: Die Kunst des alten Orients. Babylonien und Assyrien, Alt-Syrien, Alt-Anatolien und das alte Persien. — Stuttgart, 1961.

۱۹۶۱ ـ پنج‌هزار سال هنر ایران در نمایشگاه موزهٔ بلدی مونیخ ـ چاپ نورنبرگ .

5000 Jahre Persische Kunst. München Stadtmuseum. — Nürnberg, 1961.

۱۹۶۱ ـ نمودار مقایسه نقاشیهای اسلامی وایرانی از نظر زمانی ، همراه با جدول های تطبیقی سالنماهای فارسی و عربی با جداول تبدیل‌تاریخ ادوارمسیحی‌شرقی. تألیف ف. ووستنفلد و ا . مهلر ، با همکاری یواخیم مایر و نظارت برتولداشپولر . چاپ ویسبادن .

F. Wüstenfeld und E. Mehler: Vergleichungstabellen zur muslimischen und iranischen Zeitrechnung. Mit Tafeln zur Umrechnung orientchristlicher Aren. Unter Mitarbeit von Joachim Mayer neu bearbeitet von Bertold Spuler. — Wiesbaden, 1961.

۱۹۶۱ ـ ایران وما . تاریخ بازرگانی و روابط اقتصادی آلمان وایران ـ تألیف فریدریش کوخ واسر ؛ چـاپ بادن .

F. Kochwasser: Iran und wir. Geschichte der deusch-iranischen Handels-und Wirtschaftsbeziehungen. — Baden, 1961.

۱۹۶۱ ـ بین مکه و تهران . تألیف یورگن پشل . چاپ شوارتسوالد .

J. Pechel: Zwischen Mekka und Teheran. Schwarzwald, 1961.

۱۹۶۲ ـ دربارهٔ تفسیر اصول اخلاق ایرانی از نظر مقام معنوی آن . تألیف عبدالجواد فلاطوری . چاپ بن .

A. Falaturi: Zur Interpretation der iranischen Ethik im Lichte der Achtung. — Bonn, 1962.

۱۹۶۲ ـ مطایبات ملانصرالدین ـ تألیف عبدالحسین نوشین ؛ چاپ برلین شرقی .

A. H. Nuschin: Schwänke des Hodschas Nasreddin — Berlin (Ost), 1962.

۱۹۶۲ ـ ایران . ترجمه از اثر انگلیسی ریچارد فرای . چاپ ویسبادن .

Richard Frye: Persien. — Wiesbaden, 1962.

۱۹۶۲ ـ «سراکبر» . ترجمه فارسی اوپانیشادها توسط شاهزاده دارا شکوه . متن فارسی و ترجمه آلمانی توسط ارهارد گوبل گروس ؛ چاپ ماربورگ .

E. Göbel-Gross: Sirr-i-akbar. Die Persische Upanischadenübersetzung des Mogulprinzen Dara Schukoh, Persisch - Deutsch. — Marburg, 1962.

۱۹۶۲ ـ شرایط اجتماعی و اقتصادی در یك روستای ایرانی ـ تألیف اولریش پلانك ؛ چاپ کلن .

U. Planck: Die sozialen und ökonomischen Verhältnisse in einem iranischen Dorf. — Köln, 1962.

۱۹۶۲ ـ «هفت هزارسال هنر درایران» . نشریهٔ نمایشگاه هنر ایران دراسن . چاپ اسن بردنی .

Siebentausend Jahre Kunst in Iran. — Essen-Bredeney, 1962.

۱۹۶۲ ـ اشکانیان و ساسانیان . تألیف ر . گیرشمن . چاپ مونیخ .

R. Ghirshman: Parther und Sassaniden. München, 1962.

۱۹۶۲ ـ کورش . سال هخامنشیان . تألیف رنه کنستانتین. چاپ فرانکفورت .

R. Constantine: Kyros. Das Jahr der Achämeniden. — Frankfurt, 1962.

۱۹۶۲ ـ اشعاری از حافظ که توسط ه . بتگه به شعر آلمانی ترجمه شده است . چاپ اشتوتگارت .

Hafiz. Nachdichtungen seiner Lieder von H. Bethge. — Stuttgart, 1962.

۱۹۶۲ ـ متون فارسی جدید . انتخاب و مقدمه ولغتنامه از رودلف گلپکه . چاپ ویسبادن .

R. Gelpke: Modern Persian texts. Selections, introduction and glossary. — Wiesbaden, 1962.

۱۹۶۲ ـ فقه ماندائی . ترجمه وتفسیر م. لیجبارسکی . چاپ جدید ، هایدلسهایم .

M. Lidzbarski: Mandäische Liturgien. Hrsg., übers. und erklärt. — Neudruck: Heidelsheim, 1962.

۱۹۶۲ ـ ادبیات منثور ایران در قرن بیستم ـ گردآوری وترجمهٔ رودلف گلپکه . چاپ ویسبادن .

R. Gelpke: Die iranische Prosaliteratur im 20. Jahrhundert. — Wiesbaden, 1962.

۱۹۶۲ـ تغییرات سازمان اقتصادی ایران ، بخصوص از لحاظ کشاورزی ، صنعت و حمل و نقـل . تألیف حسین رضوی . چاپ کلن .

H. Razawi: Die Strukturveränderungen der iranischen Wirtschaft unter bes. Berücksichtigung von Landwirtschaft, Industrie und Verkehr. Köln, 1962.

۱۹۶۲ ـ هنر باستانی ایران در دوران پیش از اسلام ـ تألیف ادیت پرادا و ر. دایسن (ترجمه از انگـلیسی) . چاپ بادن بادن .

E. Porada und R.H. Dyson: Alt-Iran. Die Kunst in vorislamischer Zeit. — Baden-Baden, 1962.

۱۹۶۲ ـ مطالعاتی دربارهٔ موسیقی جدید ایران ـ تألیف خطاطچی ؛ چاپ رگنسبورگ .

Khatatschi: Studien zur neuen persischen Musik. — Regensburg, 1962.

۱۹۶۲ ـ ازگلزار فارسی ـ ترجمه و تدوین نادر وفروغ کرانکه ؛ چاپ رکلینگها وزن .

N. Kranke & F. Kranke: Im persischen Rosengarten. Uebertragen und hrsg. — Recklinghausen, 1962.

۱۹۶۲ ـ بنیاد وتوسعه کلیسای عیسوی پرتستان در ایران وموجودیت آن . ـ تألیف د. لیکو . چاپ ماربورگ .

D. Lyko: Gründung, Wachstum und Leben der evangelischen Christlichen in Iran. — Marburg, 1962.

۱۹۶۲ ـ «دستگاه» . مطالعاتی دربارهٔ موسیقی جدید ایرانی ـ تألیف خ . خطاطچی ؛ چاپ کلن .

K. Khatatschi: Der Dastgah. Studien zur neuen persischen Musik. — Köln, 1962.

۱۹۶۲ ـ کتاب درسی وقرائتی زبان عامیانه فارسی ـ تألیف فرهاد سبحانی . چاپ برلین .

F. Sobhani: Persisches Lehr-und Lesebuch für die Umgangssprache. — Berlin, 1962.

۱۹۶۳ ـ مهستی زیبا . یك بررسی دربارهٔ تاریخ رباعیات فارسی ـ تألیف فریتس مایر . چاپ . ویسبادن .

F. Meier: Die Schöne Mahsati. Ein Beitrag zur Geschichte des Persischen Vierzeilers. — Wiesbaden, 1963.

۱۹۶۳ ـ «حاجی آقا» اثر صادق هدایت . باهتمام بزرگ علوی . چاپ برلین شرقی .

S. Hedayat: Hadschi Agha. Hrsg. von B. Alavi. — Berlin (ost), 1963.

۱۹۶۳ ـ اشعار شرقی ، ترجمه فریدریش روکرت ؛ تنظیم و توضیح آن ماری شیمل ؛ چاپ برمن .

Orientalische Dischtung in der Uebersetzung Friedrich Rückert. Hrsg. und eingeleitet von Annemarie Schimmel. — Bremen, 1963.

۱۹۶۳ ـ لوگاریتم خوارزمی . نخستین کتاب آموزشی دربارهٔ فن محاسبه با اعداد هندی . از روی نوشته خطی منحصر بفرد لاتینی متعلق به‌کتابخانه دانشگاه کمبریج ، چاپ عکس برداری شده ، با استنساخ به خط لاتینی وشرح وتفسیر توسط ك . فوگل . چاپ آلن .

Al-Hwarizmi: Algorismus. Das früheste Lehrbuch zum Rechnen mit indischen Ziffern. Nach der einzigen lateinischen Handschrift (Cambridge Univerity Library) in Faksimile mit Transkription und Kommentar hrsg. von K. Vogel. Aalen, 1963.

۱۹۶۳ ـ کتاب قرائتی زبان فارسی میانه ـ تألیف الاف هانسن . چاپ برلین .

O. Hansen: Mittelpersisches Lesebuch. — Berlin, 1963.

۱۹۶۳ ـ لیلی ومجنون جامی . ترجمه به نظم آلمانی‌توسط گئورگ فیشر ؛ چاپ کارولسروهه .

Dschami: Leila und Madschnun. Nachdichtungen aus dem Persischen von George Fischer. — Karlsruhe, 1963.

۱۹۶۳ (و ۱۹۶۵) ـ عناصر ترکی و مغولی در فارسی جدید ، با توجه خاص به منابع تاریخی زبان جدید فارسی بخصوص منابع دوره‌های مغولی و تیموری ـ تألیف گرهارد دورفر ، در سه جلد ؛ چاپ ویسبادن .

G. Doerfer: Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen. Unter besonderer Berücksichtigung neupersischer Geschichtsquellen, vor allem der Mongolen- und Timuridenzeit, 3 Bde. — Wiesbaden, 1963-65.

۱۹۶۴ ـ لغت‌نامهٔ آلمانی به فارسی دررشته های اختصاصی تاریخ طبیعی ، پزشکی و کشاورزی ـ تألیف بهرام حبیبی . چاپ ویسبادن .

B. Habibi: Deutsch-persisches Fachwörterbuch für Naturwissenschaft, Medizin und Landwirtschaft. — Wiesbaden, 1964.

۱۹۶۴ ـ وضع حکومت در دوران سلاجقه بزرگ و خوارزمشاهیان (۱۰۳۸ ـ ۱۲۳۱) . تحقیقی برمبنای مدارکی که از آن زمان دردست است ـ تألیف هربرت هرست . چاپ ویسبادن .

H. Horst: Die Staatsverwaltung der Grosseldschuqen und Chorazmschahs (1038-1231). Eine Untersuchung nach Urkundenformularen der Zeit. — Wiesbaden, 1964.

۱۹٦٤ ـ کتاب راهنمای زبان‌فارسی باستانی. تألیف‌ویلهلم براندنشتاین و مانفرد مایرهوفر . چاپ ویسبادن .

W. Brandenstein & M. Mayerhofer: Handbuch des Altpersischen. — Wiesbaden, 1964.

۱۹٦٤ ـ هنر ایران . تألیف آندره گدار . ترجمه از فرانسه بآلمانی توسط گردکوچر و تئودور روخل ، با همکاری علمی الاف‌هانسن . بایك مقدمه بقلم الاف هانسن . چاپ برلین .

A. Godard: Die Kunst des Iran. Deutsch von Gerd Kutscher und Theodor Rocholl, unter fachwissenschaftlicher Mitarbeit von Olaf Hansen. Mit einem Geleitwort von Olaf Hansen. — Berlin, 1964.

۱۹٦٤ ـ ایندوایرانیکا . مجموعهٔ مقالاتی‌که بافتخار هفتادمین سالگرد تولد گئورگ‌مورگن استیرنه نوشته شده است ـ چاپ ویسبادن .

Indo-Iranica: Mélanges présentés à Georg Morgenstierne à l'occasion de son 70ème anniversaire. — Wiesbaden, 1964.

۱۹٦٤ ـ منتخباتی از دیوان اشعار مولانا جلاالدین رومی. ترجمه از متن فارسی باشرح و تفسیر ، توسط آن ماری شیمل ؛ چاپ اشتوتگارت .

Maulana Dschelaladdin Rumi: Aus dem Diwan (Gedichte). Aus dem Persischen übertragen und eingeleitet von Annemarie Schimmel. — Stuttgart, 1964.

۱۹۶۴ ـ یك خودآموز زبان پهلوی . شامل متون پهلوی ، الفبا ، فهرست ، حواشی و مقدمه . تألیف سمـوئل‌هندریك نیبرگ . چاپ ویسبادن .

H. S. A. Nyberg: A manual of Pahlavi. Texts, alphabets, index, notes, and introduction. Wiesbaden, 1964.

۱۹۶۴ ـ آثار مفرغی ایران باستان درمجموعه بروکلشن . تألیف پ . کالمایر . چاپ برلین .

P. Calmeyer: Altiranische Bronzen der Sammlung Bröckelschen. — Berlin, 1964.

۱۹۶۴ ـ ترجمه احوال حکیم ابـوعبیداله المرزبانی ، براساس نظریات حافظ‌الیغموری . باهتمام رودولف‌زلهایم. جلد اول : متن ـ چاپ ویسبادن .

Al-Marzubani: Die Gelehrtenbiographien des Abu Ubaidallah al-Marzubani in der Rezension des Hafiz al-Yaghmuri. Hrsg. von R. Sellheim. Teil I: Text. Wiesbaden, 1964.

۱۹۶۴ ـ تاریخ ادبیات زبان فارسی جدید و سیر تکامل آن . تألیف بزرگ علوی. چاپ برلین شرقی .

B. Alavi: Geschichte und Entwicklung der modernen persischen Literatur. — Berlin (ost), 1964.

۱۹۶٤ ـ اشعار حماسی و عشقی قدیم کردی . گردآوری واقتباس عباس حلمی . چاپ اسلینگن .

Abbas Hilmi: Altkurdische Kampf-und Liebeslieder. Gesammelt und übertragen. — Esslingen, 1964.

۱۹۶٤ ـ ایران در دوران ما قبل تاریخ ودورهٔ مادها و هخامنشیان . تألیف ر. گیرشمن . ترجمه از فرانسه تـوسط ر . ادسارد . چاپ مونیخ .

R. Ghirshman: Iran. Protoiranier, Meder, Achämeniden. Uebers. von S. Edzard. München, 1964.

۱۹۶٤ ـ روابط رم‌و شاهنشاهی اشکانی . یك بررسی دربارهٔ تاریخ حقوق بین‌المللی عمومی ـ تألیف کارل هاینتس تسیگلر ؛ چاپ ویسبادن .

K. H. Ziegler: Die Beziehungen zwischen Rom und dem Partherreich. Ein Beitrag zur Geschichte des Völkerrechts. — Wiesbaden, 1964.

۱۹۶٤ ـ دولت عیلام ـ تألیف والتـر هینتس ؛ چـاپ اشتوتگارت .

W. Hinz: Das Reich Elam. — Stuttgart, 1964.

۱۹۶٤ ـ «خلاصة‌التواریخ» قاضی احمد ابراهیم ابن میرمنشی قمی . فصل مربوط به‌شاه عباس اول ـ تنظیم و ترجمهٔ هانس‌مولر ؛ چاپ ویسبادن .

Die Chronik Chulasat at tawàrih des Qàzi Ahmad Ibrahim b. Mir- Munschi Qumi. Der Abschnitt über Schah Abbas I. — Hrsg. und über. von Hans Müller. Wiesbaden, 1964.

۱۹۶۴ ـ نقاشی و عروض ایرانی ، براساس مینیاتور های هند و ایرانی ـ مستخرج از یك کتاب فردوسی ویك نسخهٔ خطی نظامی . نقل از متن فارسی ، توسط رودلف گلپکه ؛ چاپ اشتوتگارت وبرن .

Iranische Bild-und Verskunst. Indopersische Miniaturen aus einer Ferdousi-und einer Nesami-Handschrift. Aus dem Persischen verdeutscht von Rudolf Gelpke. — Stuttgart (& Bern), 1964.

۱۹۶۵ ـ اصطلاحات ولهجه‌های سنگسری . یك بررسی دربارهٔ گویش‌های جدیدایرانی ـ تألیف گرنوت ویندفور؛ چاپ هامبورگ .

G. Windfuhr: Verbalmorpheme im Sangsari. Ein Beitrag zur neuiranischen Dialektkunde. — Hamburg, 1965

۱۹۶۵ ـ دربارهٔ آداب خوردن و نوشیدن ؛ ترجمه کتاب یازدهم از اثر اصلی غزالی ، توسط هـ . کیندرمن . چاپ ویسبادن .

H. Kindermann: Ueber die guten Sitten beim Essen und Trinken. Das ist das 11. Buch von al-Ghazzali's Hauptwerk. — Wiesbaden, 1965.

۱۹۶۵ ـ ایران (در مجموعه دنیای باستان شناسی) ـ تألیف ژان‌لوئی هوست ؛ چاپ مونیخ .

J.-L. Hust: Persien (Archäologia Mundi) — München, 1965.

۱۹۶۵ ـ مکاتبات درباری عضدالدوله و ارتباط آن باسایر منابع تاریخی آل بویه ـ تألیف کریستف بورگل ؛ چاپ ویسبادن .

Ch. Bürgel: Die Hofkorrespondenz "Asud al-Daulas" und ihr Verhältnis zu anderen historischen Quellen der frühen Buyiden. — Wiesbaden, 1965.

۱۹۶۵ ـ راهنمای مکالمهٔ آلمانی به فارسی ـ تألیف عیسی شهابی ؛ چاپ ویسبادن .

I. Schahabi: Deutsch-persischer Sprachführer. —Wiesbaden, 1965.

۱۹۶۵ ـ ایرانیان . ترجمه از متن ایتالیائی آلساندرو باوسانی . چاپ اشتوتگارت .

A. Bausani: Die Perser. — Stuttgart, 1965.

۱۹۶۵ ـ ادیان ایران . تألیف گئو ویدن گرن . چاپ اشتوتگارت .

G. Widengren: Die Reliogionen Irans. — Stuttgart, 1965.

۱۹۶۵ ـ معتقدات مربوط به‌الهیات ، کائنات وانسان در نوشته‌های ماندائی . بررسیهای ادبی وانتقادی و تحقیق دربارهٔ تاریخچه این سنت‌ها . تألیف ك. رودولف . چاپ گوتینگن .

K. Rudolph: Theogonie, Kosmogonie und Anthropogonie den mandäischen Schriften. Literarkritische und traditionsgeschichtliche Untersuchung. Göttingen, 1965.

۱۹٦۵ ــ مطالعه در تاریخ مذهبی شرق ، با شرحی در پایان کتاب توسط کارستن کلپکه . شامل : ۱ : مبنای فکری تاریخ مذهبی شرق ــ ۲ : عزرای کاتب ــ ۳ : بردسان ادسائی ــ ٤ : شکل اصلی سیستم مانوی وتکامل آن ــ ۵ : کاتارها . تألیف هانس هاینریش شدر . چاپ دارمشتات .

H.H. Schaeder: Studien zur Orientalischen Religionsgeschichte. Mit einem Nachwort von C. Colpe. Enthält, 1: Die Idee der orientalischen Religionsgeschichte. 2: Esra der Schreiber. 3: Bardesanes von Edessa. 4: Urform und Fortbildungen des Manichäischen Systems. 5: Die Katärer. — Darmstadt, 1965.

۱۹٦۵ ــ زندگی با ایرانیان . تألیف کارل هاینتس تسیروت. چاپ نورنبرگ .

K. H. Zierott: Umgang mit Iranern. Nürnberg, 1965.

۱۹٦۵ــ لغات‌جغتائی درتاریخ فارسی میرزا مهدی‌خان . تألیف کارل هاینریش منگس . چاپ ویسبادن .

K. H. Menges: Das Cagatajische in der persischen Darstellung von Mirza Mahdi Chan. — Wiesbaden, 1956.

۱۹۶۵ ــ دو سیداهل بم در قرن پانزدهم . اطلاعی دربارهٔ تاریخ ایران در دوران تیموری . تألیف ژان اوبن . چاپ ویسبادن .

Jean Aubin: Deux sayyids de Bam au XVe siècle. Contribution à l'histoire de l'Iran timouride. Wiesbaden, 1965.

۱۹۶۵ ــ ایران ، از آغاز تاهخامنشیان . تألیف ژ . ل . هوئو . ترجمه از فرانسه بآلمانی توسط ا. ه . فیشر . چاپ مونیخ .

J. L. Huot: Persien, von seinen Ursprüngen bis zu den Achämeniden. Deutsche Bearbeitung von E. H. Fischer. — München, 1965.

۱۹۶۵ ــ میترا (مهر) . تاریخچه یك آئین . تألیف م. ی .. ورمازرن . ترجمه از هلندی به آلمانی توسط ا. کارتلیری شروتر . چاپ اشتوتگارت .

M. J. Vermaseren: Mithras. Geschichte eines Kultes. Aus dem Holländischen von E. Cartellieri Schröter. Stuttgart, 1965.

۱۹۶۵ ــ وضع زنان درایران ــ تألیف مهین محلوجی ، چاپ کلن .

M. Mahludjii: Die Frauenbildung in Iran. — Köln, 1965.

۱۹۶۵ ـ شهر تبریز و مناطق بعداز آن ـ تألیف سیروس شفقی ؛ چاپ کلن .

S. Schafaghi: Die Stadt Tabriz und ihr Hinterland. — Köln, 1965.

۱۹۶۵ ـ متون عرفانی فارسی . جلد اول : آثار منثور . انتخاب متن ها ونگارش مقدمه و لغتنامه توسط محمدجعفر معین‌فر . چاپ ویسبادن .

M. Dj. Moïnfar: Textes persans mystiques. Vol. 1: Prose. Choix, introduction et glossaire. Wiesbaden, 1965.

۱۹۶۵ ـ اشعار عاشقانه (غزلیات) حافظ . ترجمه ازفارسی توسط سیروس آتابای ؛ چاپ هامبورگ .

Hafis: Liebesgedischte. Uebertragen aus dem Persischen von Cyrus Atabay. — Hamburg, 1965.

۱۹۶۶ ـ قصه ها و مطایبات فارسی ـتنظیم و ترجمهٔ لورل‌الرس ؛ چاپ کلن.

L. Ehlers: Persische Märchen und Schwänke. — Köln, 1966.

۱۹۶۶ ـ کفایالا . جلد اول ، قسمت دوم . بندهای ۱۱ و۱۲ اثر الکسندربولیگ . چاپ اشتوتگارت .

A. Böhlig: Kephalaia. Band I. Zweite Hälfte, (Lieferung 11-12). — Stuttgart, 1966.

۱۹۶۶ ـ چاپ متن پهلوی « دینکرد » بصورت عکس ـ برداری شده از روی نسخه خطی «ب» انستیتوی شرقی خورشید رستم کاما در بمبئی ، باهتمام م . ی . در سدن ـ چاپ ویسبادن .

Denkart. A Pahlavi Text Facsimile edition of the Manuscript B of the K. R. Cama Oriental Institute Bombay. edited by M. J. Dresden. — Wiesbaden, 1966.

۱۹۶۶ ـ رسالهٔ ماوراءالطبیعه ابن سینا . تجدید چاپ بصورت عکس برداری شده از نسخه چاپی سال ۱٤۹٥ ونیز ـ چاپ فرانکفورت .

Avicenna: Metaphysica sive prima philosophia Reimpression en fac-similé de l'édition de 1495 à Venise. Frankfurt, 1966.

۱۹۶۶ ـ وضع ایالات و قدرت مرکزی ایران در قرون شانزدهم و هفدهم . تألیف ك. م. روربورن . چاپ اشتوتگارت .

K.-M. Röhrborn: Provinzen und Zentralgewalt Persiens im 16. und 17. Jahrhundert. — Stuttgart, 1966.

۱۹۶۶ ـ مطالعات درباره فارسی باستانی. بررسی زبانشناسی وتاریخی در مورد لغاتی که در کتیبه های هخامنشی بکار رفته است. تألیف و. ووست. چاپ مونیخ.

W. Wüst: Altpersische Studien. Sprach-und Kulturgeschichtliche Beiträge zum Glossar der Achämeniden-Inschriften. — München, 1966.

۱۹۶۶ ـ کتاب یوحنای ماندائی. باهتمام م. لیجبارسکی. چاپ جدید، برلین.

Johannesbuch der Mandäer. Hrsg. von M. Lidzbarski. Neudruck: Berlin, 1966.

۱۹۶۶ ـ ترجمه‌هائی از اشعار فارسی توسط فریدریش روکرت. انتخاب و نگارش آن‌ماری شیمل به فارسی و آلمانی. چاپ ویسبادن.

F. Rückert: Uebersetzungen persischer Poesie. Ausgewählt und eingeleitet. Persisch und Deutch von A. Schimmel. — Wiesbaden, 1966.

۱۹۶۶ ـ تجسم ملیتها در نقوش برجستهٔ تخت‌جمشید. مطالعات تاریخی دربارهٔ صف خراجگزاران در روی پله آپادانا. تألیف گ. والسر. چاپ برلین.

G. Walser: Die Völkerschaften auf den Reliefs von Persepolis. His torische Studien über den sogenannten Tributzug an der Apadanatreppe. — Berlin, 1966.

۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ ـ آثـاری از زبان باختری ، تـألیف هلموت هومباخ . متن نوشته‌ها ، همراه بـا تصاویـر و بررسیها توسط ا. گروهمان ، دردوجلد . چاپ ویسبادن .

H. Humbach: Baktrische Sprachdenkmäler. 2 Bde. Text. Abbildungen. Mit Beiträgen von A. Grohmann. — Wiesbaden, 1966 & 1967.

۱۹۶۶ ـ توسعه شهر تهران . یك بررسی از نظر شهر سازی دروضع تهران در سالهای‌آینده . تألیف پتر گئورگ آرنس . چاپ اوپالدن .

P.G. Ahrens: Die Entwicklung der Stadt Teheran. Eine städtebauliche Untersuchung ihrer zukünftigen Gestaltung. Opalden, 1966.

۱۹۶۶ ـ گنجینه لغات پارسی باستانـی . تألیف والتـر هینتس . چاپ نندلن .

W. Hinz: Altpersischer Wortschatz. — Nendeln, 1966.

۱۹۶۶ ـ امام القاسم بن ابراهیـم و تعالیم مـذهبـی زیدی‌ها . تألیف و . مادلونگ . چاپ برلین .

W. Madelung: Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubensleher der Zaiditen. — Berlin, 1966.

۱۹۶۶ ـ مذاهب ایران باستان . تألیف هندریك سموئل نیبرگ . ترجمه از سوئدی به‌آلمانی توسط هانس هاینریش شدر . چاپ اوسنابروك .

H. S. Nyberg: Die Religionen des alten Iran. Uebers. von H. H. Schaeder. Osnabrück, 1966.

۱۹۶۶ ـ زرتشت . تألیف ب . شلرات . چاپ دارمشتات .

B. Schlerath: Zarathustra. — Darmstadt, 1966.

۱۹۶۶ ـ در قلمرو شاهان . سفرهائی در ایران . تألیف ه . شفر . چاپ دوسلدرف .

H. Schaefer: Im Lande der Könige. Streifzüge durch Persien. — Düsseldorf, 196.

۱۹۶۶ ـ گنجینه‌های زرین اسکیت‌ها . تألیف و . فرمن و م. ی. آرتامانف . چاپ هاناو .

W. Forman und M. I. Artamanov: Goldschätze der Skythen. — Hanau, 1966.

۱۹۶۶ ـ یك‌دستور زبان فارسی جدید . تألیف ج. ا. بویل (به‌انگلیسی) . چاپ ویسبادن .

J. A. Boyle: A grammar of modern Persian. Wiesbaden, 1966.

۱۹۶۶ ـ متون خط میخی متعلق به کتابخانه دانشگاه گیسن، براساس نوشته‌های ج . لوی در این زمینه . متن اصلی و استنساخ لاتینی . ترجمه و تفسیر ك . هکر . چاپ گیسن .

K. Hecker: Die Keilschrifttexte der Universitätsbibliothek Giessen. Unter Benutzung nachgelassener Vorarbeiten von J. Lewy (in Original und Latein-Schrift) hrsg., bearb. und übers. Giessen. 1966.

۱۹٦۷ ـ آثار هنر ایران در موزه‌های آلمان. تنظیم و تهیه هانا اردمن، با مقدمه‌ای از آن ماری شیمل؛ چاپ ویسبادن.

Iranische Kunst in deutschen Museen. Hrsg. von Hanna Erdmann mit einem Vorwort von Annemarie Schimmel. — Wiesbaden, 1967.

۱۹٦۷ ـ انقلاب سفید (انقلاب اجتماعی ایران) ـ تألیف اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران ـ ترجمه از فارسی توسط دکتر عیسی شهابی با همکاری دکتر حسنعلی شیبانی و هرمن شفر؛ چاپ دوسلدرف و کلن.

Mohammad Reza Pahlavi, Kaiser von Iran: Die Soziale Revolution Irans. — Uebersetzung aus dem Persischen von Dr. Issa Chehabi unter Mitarbeit von Dr. Hassan-Ali Sheybani und Hermann Schaefer. — Düsseldorf, Köln, 1967.

۱۹٦۷ ـ آئین مانی. تألیف گئو ویدن‌گرن. چاپ دارمشتات.

G. Widengren: Der Manichäismus. — Darmstadt, 1967.

۱۹٦۷ ـ آئین و تاریخ ماندائی‌ها. تألیف و. براندت. چاپ ویسبادن.

W. Brandt: Die Mandaeer. Ihre Religion und ihre Geschichte. — Wiesbaden, 1967.

۱۹۶۷ ـ کشف اوستا . تألیف ای. گرشویچ . چاپ دارمشتات .

I. Gershevitch: Die Erforschung des Awesta. Darmstadt, 1967.

۱۹۶۷ ـ لغتنامهٔ اوستا . تألیف ب . شلرات . چاپ ویسبادن .

B. Schlerath: Awesta-Wörterbuch. Wiesbaden, 1967.

۱۹۶۷ ـ کتاب درسی زبان فارسی . تألیف بزرگ علوی ومانفرد لورنتس . چاپ مونیخ .

B. Alavi und M. Lorenz: Lehrbuch der persischen Sprache. — München, 1967.

۱۹۶۷ ـ ترجمه آلمانی شاهنامه فردوسی توسط ه . کانوس کرده . چاپ کلوگشتات .

Firdausi: Das Königsbuch, Deutsch von H. Kanus-Credé. Glückstadt, 1967.

۱۹۶۷ ـ ایران ، از زمان سلوکی‌ها تا دوران ساسانیان . تألیف و. لوکونین . چاپ به آلمانی باهتمام والترهینتس . چاپ مونیخ .

W. Lukonin: Persien, von den Seleukiden bis zu den Sassaniden. Deutsche Bearbeitung von W. Hinz. München, 1967.

۱۹۶۷ ـ مطالعاتی دربارهٔ تاریخ ادیان شرق . تـألیف هانس هاینریش شدر . گردآوری وچاپ باهتمام کارستن کولپه . چاپ دارمشتات .

H. H. Schaeder: Studien zur orientalischen Religionsgeschichte. Zusammengestellt und hrsg. von C. Colpe. — Darmstadt, 1967.

۱۹۶۷ ـ اشکال تکراری درخرده اوستا . تحلیل هائی از فره‌وشی‌یشت . جلداول : یشت سیزدهم ، بندهای ۱ تا ۱۹ . تألیف گ . گروپ . چاپ هامبورگ .

G. Gropp: Wiederholungsformen im Jung-Awesta. Kompositions-Analyse von Fravashi-Yasht, Teil I (Yt. 13,1-19). — Hamburg, 1967.

۱۹۶۷ ـ هزار ویکروز (الف‌النهار) . داستانهـای شرقی . انتخاب و توضیحات وحواشی توسط پاول‌ارنست. اقتباس از ف . پ . گروه و پ . هانسمان ، در دو جلد ، چاپ جدید ، لایپتسیگ .

Tausend und ein Tag. Orientalische Erzählungen. Auswahl und Nachwort von P. Ernst. Uebertragen von F. P. Greve und P. Hansmann. 2 Bde. Neudruck. — Leipzig, 1967.

۱۹۶۷ ـ یونانیان و ایرانیان . دنیای مدیترانه در عصر باستانی . تألیف هـ . بنگتسن . چاپ فرانکفورت .

H. Bengtson: Griechen und Perser. Die Mittelmerwelt im Altertum. — Frankfurt, 1967.

۱۹۶۷ ـ مدارکی درباره تاریخ هون‌هـای ایرانی در باختر و هند . تألیف ر. گوبل ، درچهار مجلد . چـاپ ویسبادن .

R. Göbl: Dokumente zur Geschichte der iranischen Hunnen in Baktrien und Indien. 4 Bde. — Wiesbaden, 1967.

۱۹۶۷ ـ فلکنامهٔ زکریای قزوینی براساس نسخهٔ خطـی متعلق به دکتر لئه ونسخه های کتابخانه های برلین و گوتا و درسدن و هامبورگ ولایدن . باهتمام ف . ووستنفلد. چاپ ویسبادن .

Zakariya al-Qazwini: Kosmographie. Aus den Handschriften des Dr. Lee und der Bibliotheken zu Berlin, Gotha, Dresden, Hamburg und Leyden hrsg. von F. Wüstenfeld. — Wiesbaden, 1967.

۱۹۶۷ ـ آشور شهر پارت‌ها . تألیف و . آنـدره و هـ . لنتسن (از روی چاپ اصلی سال ۱۹۳۳ در لایپتسیگ) . چاپ اسنابروك .

W. Andrae und H. Lenzen: Die Partherstadt Assur. Leipzig, 1933. Neudruck: Osnabrück, 1967.

۱۹۶۷ ــ جشن نامه ویلهلم آیلرس بمناسبت شصتمین سال تولد او (مجموعهٔ مقالات ایران شناسی) . سندی از مجمع علمی بین‌المللی دانشمندان در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۶ . چاپ ویسبادن .

Festschrift für Wilhelm Eilers. Ein Dokument der internationalen Forschung zum 27. September 1966. — Wiesbaden, 1967.

۱۹۶۷ ــ کتاب مقدماتی اوستائی . تألیف هانس رایشلت . چاپ هایدلبرگ .

H. Reichelt: Awestisches Elementarbuch. — Heidelberg, 1967.

۱۹۶۷ ــ دنیای ایرانی در دوران پیش از محمد . تألیف ب . برنتیس . چاپ هایدلبرگ .

B. Brentjes: Die iranische Welt vor Mohammed. — Heidelberg, 1967.

۱۹۶۷ ــ مجملی از اصول تطبیقی زبانهای هند و ژرمنی . تفسیر مختصری از تاریخ زبانهای هند باستانی وایران باستانی (اوستا و فارسی باستان) ، وغیره . تألیف ك . بروگمن و ب . دلبروك . چاپ برلین .

K. Brugmann und B. Debrück: Grundriss der vergleichenden Grammatik der indogermanischen Sprachen. Kurzgefasste Darstellung der Geschichte des Altindischen, Altiranischen (Awestischen und Altpersischen), etc. Berlin, 1967.

۱۹۶۸ ـ هنر ایران در دوران ساسانیان . تألیف کورت اردمان . چاپ ماینتس .

K. Erdmann: Die Kunst Irans zur Zeit der Sassaniden. — Mainz, 1968.

۱۹۶۸ ـ اشیاء مفرغی لرستان و کرمانشاه که زمان آنها مشخص است . تألیف پ . کالمایر . چاپ برلین .

P. Calmeyer: Datierbare Bronzen aus Luristan und Kirmanshah. — Berlin, 1968.

۱۹۶۸ ـ کتابشناسی دربارهٔ پارسی‌ها . یك اقلیت هندی. تألیف ا . کولکه . چاپ فرایبورگ .

E. Kulke: Die Parsen. Bibliographie über eine indische Minorität. — Freiburg, 1968.

۱۹۶۸ ـ کتاب قرائتی اوستا . متون، حواشی ، لغتنامه و فهرست . تألیف هانس رایشلت . تجدید چاپ در برلین (براساس چاپ سال ۱۹۱۱ در اشتراسبورگ) .

H. Reichelt: Avesta reader. Textes, notes, glossary and index. Strassburg, 1911. — Berlin, 1968.

۱۹۶۸ ـ شاهنشاهی ایران . مطالعاتی دربارهٔ جغرافیا و تاریخ و نژاد شناسی خاور نزدیك باستانی . گردآوری از روی نوشته‌های چاپ نشده مرحوم ارنست هرتسفلد . باهتمام گ . والسر . چاپ ویسبادن .

E. Herzfelt: The Persian empire. Studies in geography, history and ethnography of the Ancient Near East. From the posthumous papers, edited by G. Walser. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ــ فهرست نسخه‌های خطی شرقی در آلمان . نسخه های خطی فارسی . قسمت اول . باتفسیر وتوضیح از ویلهلم هاینتس . باهتمام ویلهلم آیلرس . چاپ ویسبادن .

Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland. Persische Handschriften, Teil I. Beschrieben von W. Heinz, hrsg. von W. Eilers. Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ــ مواد مربوط به زبان خوارزمی ، از یك‌نسخه خطی «مقدمة‌الادب» زمخشری . باهتمام یوهان بنتسینگ. جلد اول : متن کتاب . چاپ ویسبادن .

J. Benzing: Das chwaresmische Sprachmaterial einer Handschrift der "Muqaddimat al-adab" von Zamaxari. Bd. I: Text. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ــ فرهنگ زبان اوستائی . پژوهش مقدماتی . جلد اول : فهرست امکنه در ادبیات فرعی اوستائی . تألیف برنفرید شلرات . چاپ ویسبادن .

B. Schlerath: Awesta-Wörterbuch. Vorarbeiten. I: Index locarum zur Sekundärliteratur des Awesta. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ـ تلاش ممالك غربی برای جلب همکاری ایران در سالهای ۱۴۵۳ تا ۱۶۰۰ میلادی . تألیف باربارا فن‌پالومبینی . جلد اول . چاپ ویسبادن .

B. von Palombini: Bündniswerben Abendländischer Mächte um Persien (1453-1600). Bd. I. Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ـ زمین شناسی زندان سلیمان و نواحی پیرامون آن ، در جنوب شرقی کوه بالکاش واقع در شمال غربی ایران . بررسی از نظر باستان‌شناسی وزمین‌شناسی دربارهٔ زندان سلیمان . تألیف برنارد دام . چاپ ویسبادن .

B. Damm: Geologie des Zendan-i-Suleiman. und seiner Umgebung, südöstliches Balqash-Gebirge Nordewest-Iran. Beiträge zur Archäologie und Geologie des Zendan-i-Suleiman. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ـ مبارزه با بیسوادی در ایران . تألیف ب . هانا. چاپ اوپالدن .

B. Hanna: Der Kampf gegen das Analphabetentum im Iran. — Opalden, 1968.

۱۹۶۸ ـ تقسیم اراضی در ورامین ، آغاز اصلاحات ارضی درایران .تألیف ك . قراچه داغی . چاپ اوپالدن.

C. Gharatchedaghi: Landverteilung in Warâmîn. Auftakt zur Agrarreform im Iran. — Opalden, 1968.

۱۹۶۸ ــ خودآموز عملی زبان فارسی . تألیف والتــر هینتس . چاپ برلین .

W. Hinz: Persisch. Praktischer Sprachführer. Berlin, 1968.

۱۹۶۸ ــ نغمه‌های بامدادی . نمونه‌هائی از ادبیات جدید ایران . ترجمه سیروس آتابای . چاپ دوسلدرف .

C. Atabay (übers): Gesänge von morgen. Neue iranische Lyrik. Düsseldorf, 1968.

۱۹۶۸ ــ ایران در قرون وسطی . تألیف پاول شوارتس . چاپ هیلدسهایم .

P. Schwarz: Iran im Mittelalter. — Hildesheim, 1968.

۱۹۶۸ ــ خلیفه و شاهنشاه . سلطنت آل بویه در بغداد (از ۹٤۵ تا ۱۰۵۵) . تألیف هرمان‌بوسه . چاپ ویسبادن.

H. Busse: Chalif und Gross König. Die Buyiden in Bagdad 945-1055. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ــ راهنمای گویشهای باستانی ایران . تطبیــق مختصر مطالب گرامری ، متون قرائتی و لغتنامه . تألیف کریستیان بارتولومه . تجدید چاپ در ویسبادن .

C. Bartholomae: Handbuch der altiranischen Dialekte. Kurzgefasste vergleichende Grammatik Lesestücke und Glossar. Neudruck: Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ـ متون مشترك یهودی ـ فارسی . با مقدمه و لغتنامه . تألیف ی. پ. آسموسن . چاپ ویسبادن .

J. P. Asmussen: Jewish-Persian texts. With introduction and glossary. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۸ ـ «زبور عجم»، اثر منظوم و آینده‌گویانهٔ اقبال لاهوری . انتخاب و ترجمه از فارسی واردو و انگلیسی ، توسط آن‌ماری شیمل . چاپ کلن .

Iqbal Lahuri: Persischer Psalter. Poesie und Prophetie. Ausgewählt und v.d. Persischen, Urdu und Englischen übers. von A. Schimmel. Köln, 1968.

۱۹۶۸ ـ لیلی و مجنون‌مکتبی . با مقدمه ولغتنامه توسط محمد جعفر معین‌فر . چاپ ویسبادن .

Maktabi: Laili va Magnun. Publié avec introduction et glossaire par Mohammad Djafar Moïnfar. — Wiesbaden, 1968.

۱۹۶۹ ـ متون جدید کردی کرمانجی . انتخاب متن ها و مقدمه و لغتنامه وچاپ توسط ی. بلاو. چاپ ویسبادن .

J. Blau: Kurmandji modern texts. Selected and edited with introduction and glossary. — Wiesbaden, 1969.

۱۹۶۹ ـ فهرستی ازچند نسخه‌خطی‌فارسی قرون چهاردهم تا نوزدهم و قلمدانهای ایرانی متعلق به مؤسسهٔ اوتوهارا ـ سوویتس . چاپ همان مؤسسه ، در ویسبادن .

Persische Handschriften des XIV-XIX Jahrhunderts und Qalamdane. Katalog. Otto Harrassowitz. — Wiesbaden, 1969.

۱۹۶۹ ـ فهرست نسخه‌های خطی عربی و فارسی و ترکی کتابخانهٔ امپراتوری و سلطنتی وین . تألیف گوستاف فلوگل . چاپ کامل و جدید ، در هیلدلسهایم .

G. Flügel: Die arabischen, persischen, türkischen Handschriften der Kaiser- und Königl. Hofbibliothek zu Wien. Neudruck: Hildesheim, 1969.

۱۹۶۹ ـ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ سلطنتی برلین . تألیف ویلهلم پرچ . چاپ جدید و کامل در هیلدلسهایم .

W. Pertsch: Verzeichnis der persischen Handschriften. Neudruck: Hildesheim, 1969.

۱۹۶۹ ـ اصول زبان‌شناسی ایرانی . تألیف ویلهلم گایگر وارنست کون . تجدید چاپ در برلین .

W. Geiger und E. Kuhn: Grundriss der iranischen Philologie. Neudruck: Berlin, 1969.

۱۹۶۹ ـ وضع تاریخی «نامهٔ نامی» خواندمیر . ترجمه گوتفرید هرمان . چاپ ویسبادن .

G. Hermann: Der historische Gehalt des "Namaye nami" von Handamir. — Wiesbaden, 1969.

۱۹۶۹ ـ لغات تازی در شاهنامه فردوسی . تألیف محمد جعفر معین‌فر . چاپ ویسبادن .

M. Djafar Moïnfar: Le Vocabulaire arabe dans le Livre des Rois de Firdausi. — Wiesbaden, 1969.

۱۹۶۹ ـ غزلیات حافظ . متن فارسی همراه با شرح سودی (شارح ترک) . چاپ هرمان برکهاوس . تجدید چاپ در اوسنابروک .

Hafiz. Die Lieder. Persisch mit dem Commentar des Sudi herausgegeben von H. Brockhaus. Neudruck: Osnabrück, 1969.

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

9622522401

اتریش

Title A first course in educ

Author Reader, W. G.

Accession No. 7877

Call No. 370.2 R 25

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

9622522401

تاریخچه روابط فرهنگی ایران و اتریش
و مطالعات ایران‌شناسی دراتریش

رابطهٔ سیاسی و مقارن آن روابط هنری و فرهنگی ایران و اتریش از دوران صفویه آغاز شد. نخستین آثار هنر ایرانی که بدین کشور راه یافت قالیهای نفیس ایرانی بود که بعنوان هدیه از طرف سلاطین ایران باتریش فرستاده شد ومجموعه کم‌نظیری از آنها در کلکسیون سلطنتی خاندان «هابسبورك» ودر کلکسیونهای سلطنتی «ویتلسباخ» Wittelsbach گردآوری گردید. قالی‌معروف به «شکارگاه شاه‌عباسی» که اکنون در موزه هنرهای دستی وین نگاهداری میشود و برخی آنرا «نفیس‌ترین قالی جهان» دانسته‌اند، متعلق بهمین کلکسیون سلطنتی هابسبورك بوده است.

درقرن هیجدهم یکی از تالارهای کاخ سلطنتی «شون‌برون» بادست یك هنرمند ایرانی بامینیاتورهای ایرانی تزئین گردید. این تالار که در زمان مسافرت رسمی مظفرالدین شاه قاجار به اتریش اقامتگاه او بود هنوز هم از نظر هنری نفیس‌ترین اطاق این کاخ

بشمار میرود.

نخستین کارهای ادبی مربوط بایران در این کشور در آغاز قرن نوزدهم توسط ایرانشناس بزرگ اتریشی یوزف‌فن هامر پورگستال J. von Hammer-Purgstall انجام گرفت. این دانشمند که بحق باید او را یکی از پیش‌کسوتان ایران‌شناسی اروپا دانست از دوستداران پرشور ادب و فرهنگ ایران بود. وی‌چند سال عضو سفارت اتریش (نمسه) در باب عالی استانبول بود و در همان‌جا بود که زبانهای فارسی و ترکی و عربی را فرا گرفت و مسافرتی نیز بایران و سوریه ومصر کرد و در بازگشت به‌اتریش خویش را یکسره وقف کارهای ادبی و شرق‌شناسی نمود و آثار متعددی از ادبیات ایران را به‌آلمانی ترجمه کرد که از زمرهٔ مهمترین آنها دیوان حافظ، خسرو وشیرین نظامی، گلشن راز شبستری، تذکرةالشعرای دولتشاه سمرقندی و تاریخ وصاف است. خود وی مؤلف کتابی بنام «گلچینی از اشعار دویست شاعر ایرانی» است که درآن بسیاری از سخنسرایان ایران برای نخستین بار توسط وی به اروپائیان شناسانده شده‌اند.

هامرپورگستال در سالهای ۱۸۰۹ تا۱۸۱۸ مجله‌ای بنام «مخزن‌الکنوزالشرقیه» بمنظور ترجمه وچاپ مهمترین آثار ادبیات شرق دروین انتشار داد که حقا باید آنرا نخستین نشریه خاورشناسی دراروپا دانست. ترجمهٔ معروف این محقق از دیوان حافظ که‌منبع الهام

گوته در سرودن «دیوان شرقی و غربی» قرار گرفت نخستین بار درهمین نشریه بچاپ رسید. علاوه براین مجله، در طول سالها سلسلهٔ کتابهائی بنام «دائرة‌المعارف شرقی» توسط هامرپورگستال انتشار یافت که اطلاعات جامع مربوط به فرهنگهای مشرق‌زمین برای اولین باردرآن بچاپ رسید. درسال ۱۸۱۲ انجمنی بنام «تتبعات شرقی» توسط این‌دانشمند دروین تأسیس شد که هدف آن توسعه و ترویج مطالعات خاورشناسی در اتریش بود. این انجمن در واقع پیش‌آهنگ مؤسسات علمی بزرگی مانند «انجمن آسیائی فرانسه» و«انجمن پادشاهی آسیائی انگلستان» بود که اندکی بعد از آن تأسیس شدند.

هامرپورگستال تسلط کاملی به‌زبان فارسی داشت که نمونه آن مقدمه‌ای است که وی بر ترجمه خود از «گلشن راز شبستری» (چاپ وین، سال ۱۸۳۸) نوشته است. قسمتی از این مقدمه چنین است:« هذالکتاب المستطاب زین‌الفاظ یعنی گلشن راز..... اما بعداین بنده کمترین یوسف هامرپورغستال مستشار و ترجمان وخوانسالار و طرخان حضرت امپراطور پادشاه آلامان صاحب نشان عالمی شان اوسط شیر وخورشید بعرض شهنشاه ایران و توران و تخت‌نشین دارا و جمشید میرساند که چون مطامح انظار و مطارح افکار ارباب عرفان فطانت شعار دانایان کارآزموده کار در مداوله السنه خاور وباختر در مراوده ملل نیکو اثر اولا جذب

منفعت علم ودانش ومنع اسباب وحشمت و آلایش روی مینماید وچون بین قاطنان ایران و طوایف آلامـان از قدیم زمان علاقه عترت و ظهرت نسل واصل درکـار و یگانگی وهمدمی السنه نمسویه بازبـان دری از آثـار لغوی نمودار و آشکار وچون از مرابطه مشرق و مغرب مراوحه ایـران و آلمـان شیرین‌تر میوه‌هـا وبرین‌تر سرمایه استکمال علم و عرفان و.... نتیجه قریحه رجال غیب پرور ثمره دوحه قـریه شبستراعنی «گلشن راز» بکسوت لسان نمسه ابراز و بنـام غرای شاه فلك پنـاه ممتاز وباذن عالمی نمونه بندگی پرچاغ وچراغی بـا فراغ این بنده که‌هم مترجم وممثل وطابع و مزین ورق لامع است سرافراز شده، و چون درسال آینده تصـادف نوروز جلالی و هجـری قـرین میـآید این تحفه کمینه بمثابه هدیه عید وموهبه نوروزیه عرضه داشت بارگاه سلیمانی گشت و از هاتف عاطف این تاریخ ورد زبان گـذشت: تصادف نـوروزی این سال نیك فـال بـاد» (۱۲۵۴).

در پایان همین کتاب چنین نوشته است:«طبع‌شد این کتـاب درشهر وین در ۱۸۳۸ خـدا نگهدارش از چشم کـژبین، بسعی اضعف المتعلمین اصـدق المـریـدین یوسف هـامرپورغستـال مستشار و ترجمـان دولت و خانمان حضرت امپراطور آلامان در شهر آبـان خجسته هجریه ۱۲۵۲».

معروفترین ترجمه هامرپورگستال از آثار ادبیات

کلاسیك ایران ترجمه او از دیوان حافظ است که در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ در دوجلد در اشتوتگارت و توبینگن (آلمان) انتشار یافت. این‌اثر درتاریخ ادبیات اروپائی اهمیتی خاص دارد، زیرا همین ترجمه بود که منبع الهام گوته شاعر بزرگ آلمان در تدوین «دیوان شرقی و غربی» West-Östlicher Diwan قرار گرفت و نهضت «حافظ شناسی» را در آلمان ودر تمام اروپا بنیاد نهاد.

هامرپورگستال گذشته از شناسائی ادبیات کلاسیك ایران، در سایر رشته‌های ایران شناسی نیز مطالعات جالبی داشت که نمونه آنها کتابی بنام «یادداشتهائی دربارهٔ آئین پرستش مهر و ریشه و ماهیت و اسرار آن» است که در سال ۱۸۳۲ بزبان فرانسه در پاریس انتشار یافت:

J. Hammer-Purgstall: Mémoire sur le culte de Mithra, son origine, sa nature et son mystère ... - Paris, 1833.

در همان سال ۱۸۳۸ که ترجمه «گلشن راز» شبستری توسط هامرپورگستال بآلمانی انتشار یافت، کار ادبی ارزنده دیگری در اتریش در مورد ایران صورت گرفت، و آن چاپ متن و ترجمه «دیوان شمس تبریزی» توسط روزنتسوایگ شوانا Rosenzweig - Schwannau بود.

همین دانشمند در سالهای ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۸ متن و

ترجمه چند اثر جامی را در وین بچاپ رسانید. ولی مهمترین کار ادبی او چاپ متن و ترجمه دیوان حافظ درسه‌جلد وبیش‌از ۲۰۰۰ صفحه بودکه‌مفصلترین اثری است که تاکنون دربارهٔ حافظ در دنیای غرب منتشر شده است. این سه جلد در سالهای ۱۸۵۸ و ۱۸۶۳ و ۱۸۶۴ در وین بچاپ رسید.

در سالهای ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۳ ترجمه کاملی از «اوستا» توسط فریدریش اشپیگل F. Spiegel ایران‌ـ شناس معروف در وین منتشر شد.

در سالهای ۱۸۵۶ و ۱۸۶۰ اثرتحقیقی مهم دیگری از همین دانشمند درباره ادبیات قدیم ایرانی بنام: «ادبیات سنتی پارسیان Die traditionelle Literatur der Parsen در دوجلد در وین انتشار یافت و هم او در سالهای ۱۸۶۵ تا ۱۸۶۹ بهترین تفسیر اروپائی را برکتاب «اوستا» منتشر کرد. این سه کتاب از بدو انتشار مآخذ علمی مهمی در تتبعات ایرانشناسی اروپا محسوب شده‌اند و فرهنگ ایران ازین لحاظ بدین ایران‌شناس بزرگ مدیون است.

از اوائل قرن حاضر مکتب ایران‌شناسی در اتریش بارهبری واداره ویلهلم گایگر Wilhelm Geiger بصورت یك مکتب علمی پایه‌گزاری شد.

از آثار مهم گایگر دراین زمینه میتوان ازراهنمای زبان اوستائی Handbuch der Awestasprache (چاپ ارلانگن، سال ۱۸۷۹) و متن پهلوی قدیمترین فصول

وندیداد Die pehlevi Version des ersten Kapitels des Vendidad (چاپ ارلانگن، سال ۱۸۷۷)و«یادگار زریـران» Das Yatkar-i Zariran (چـاپ مونیخ، سال ۱۸۹۰)و مخصوصاً از اثر معروف «اصول واژه‌شناسی ایـرانـی Grundriss der Iranischen Philologie نـام بـرد کـه گـایگـر بـاهمکـاری ارنست کـون Ernst Kuhn تألیف کرد. قبل‌از گایگر نیز فعالیت‌های ایـران‌شناسی ـ هـرچند به اهمیت زمـان او نبود ـ قسمت‌مهمی ازفعالیتهای خاورشناسی اتریش‌را تشکیل میداد. این فعالیتهـا از نیمه اول قـرن نوزدهـم بـا تـأسیس «آکـادمی شرقی امپراتوری و سلطنتی وین» Kaiserlich-Königliche Orientalische Akademie zu Wien کـه از سال ۱۸۷۹ بـه Konsular-Akademie تبدیل‌نام یافت آغازشده بود. هدف‌این آکادمی«مطالعات فرهنگی و علمی درباره دوران گذشته و حاضر کشور-های شرق» بود.

ازسال ۱۸۸۷ این آکادمی مجله معروفی بنام مجله شرقی ویـن انتشار داد کـه در آغـاز عنوان انگلیسی Vienna Oriental Journal داشت و از ۱۹۱۶ ببعـد بنام آلمانی کنونی خود
Wiener Zeitschr. für die Kunde des Morgenlandes
انتشار یـافت. خود آکـادمی، بعد از جنگ جهـانی اول «انجمن خاورشناسی اتریشی» نام گرفت.

نشریهٔ خاورشناسی مهم دیگر اتریش کـه در این

زمان منتشر میشد ودرتمام اروپا شهرت داشت ماهنامه اتریشی خاورشناسی Österreichische Monatschrift für den Orient نام داشت.

در سالهای قبل‌از جنگ اول جهانی مرکز دیگری بنام: «انستیتوی شرق و خاورمیانه» Institut für Osten und Orient در وین تشکیل شد که نشریه‌ای بنام «اوراق انستیتوی‌علمی‌شرق وخاورمیانه» Bericht des Forschungs-Institute für Osten und Orient داشت. جلد اول این مجله در سال ۱۹۱۷، جلد دوم آن‌در ۱۹۱۸ و جلد سوم در ۱۹۲۳ انتشار یافت ولی بعدکار انستیتو متوقف گردید.

ازسال۱۹۲۵ نشریه وزینی‌بنام «بررسی‌هائی درباره تاریخ‌هنرها وفرهنگهای‌آسیائی» Wiener Beiträge zur Kunst-und Kulturgeschichte Asiens در وین منتشر شد. در سالهای ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰ نیز نشریه ماهانه‌ای بنام Bericht des Asien-Arbeitskreises در وین انتشار یافت که بعلت بروز جنگ جهانی‌دوم نشرآن‌متوقف‌گردید.

پس از پایان جنگ دوم جهانی اتریش نخستین کشور اروپائی بود که درآن «انجمن روابط فرهنگی باایران» تأسیس شد. نظیر این انجمن بعداً در کشورهای متعدد دیگر بوجود آمد. از سال ۱۹۵۰ عده‌ای از دانشمندان گیاه‌شناس اتریشی باکمك دانشمندان همکار خود در سایر کشورها مشغول تدوین مجموعه علمی بزرگی بنام گیاه‌شناسی ایران

Flora Iranica شدند. این مجموعه اثرتحقیقی وعلمی جامعی است که در آن اطلاعــات مربــوط به گیاه‌هــا و گلهای ایرانی جمع‌آوری میشود، وبرای تــألیف آن عده‌ای از بــرجسته‌ترین دانشمنــدان علــوم طبیعــی اتریشی، ایــرانی، امریکــائی، انگلیسی، سوئــدی و سویسی مشغول کارند. در این اثر پس‌ازاتمام‌کاملترین کتابــی ازیــن نوع در تمــام جهــان خــواهــد بــود مشخصات کامل ۸،۰۰۰ نوع گیــاه ایران که تــاکنون قسمت مهمی از آنها بکلی ناشناس بوده باتصاویر آنها گردآوری شده است. برای‌تهیه نمونه‌های این گیاهــان پروفسوررشینگر Rechinger رئیس موزه طبیعیات وین شخصاً به ایران مسافرت کرد و چندین هفته در کــویر لوت گذرانید و با کمك مالی مؤسسات و انستیتوهــای علمی اتریش، سوئد، سوئیس و انگلستان ده صندوق از نمونه‌های گیاهان شناخته نشده ایران را بــاخود به اتریش برد. در تــألیف این مجموعــه تمــام مــآخـذ علمی که تاکنون درباره گیاههای ایران در کشورهای مختلف جهان نوشته شده تــوسط هیئتی از دانشمندان مورد مطالعه قرار گرفته‌است. مجموعهٔ Flora Iranica اصلا بزبان لاتینی تهیه میشود و در نظر است پس از چاپ متن لاتین آن این‌کتاب بزبانهای آلمانی، انگلیسی و فرانسه نیز منتشر گردد.

از آخرین کــارهای فرهنگی بزرگی کــه در مورد ایران در اتریش صورت گرفته، تجدید چــاپ فرهنگ

عظیم فارسی لاتینی و فرهنگ تطبیقی لغات زبانهای زنده پهلوی و ریشه‌های آنها وریشه‌های کلمات فارسی جدید اثر فولرس J.A. Vullers محقق معروف آلمانی است که ازروی‌چاپ اصلی آن، درسال ۱۹۶۲ در ۲۶۹۰ صفحه باعنوان لاتینی ذیل درشهر گراتس بچاپ رسید:

Lexicon Persico-Latinum etymologicum, cum linguis maxime cognatis Sanscrita et Zendica et supplementum continens verborum linguae Persicae radicis. - Graz, 1962.

* * *

علاوه برفعالیتهای علمی ایران‌شناسی و فعالیتهای مختلف فرهنگی، از لحاظ هنری بخصوص از نظر موسیقی نیز کشور اتریش که از مراکز اصلی‌موسیقی اروپائی‌است باایران ارتباط نزدیك‌دارد. درقرن اخیر وقرن حاضر آثار موسیقی متعددی براساس مایه‌های ایرانی توسط‌استادان اتریشی ساخته‌شده است که معروفترین آنها «مارش ایرانی» یوهان اشتراوس Johann Strauss است. از زمره آخرین آثاری که درین باره ساخته شده میباید ازقطعه آرامگاه حافظ اثر «گوتفریدفن آینم» Gottfried von Einem و حافظ نغمه‌سرا اثر «رابکویچ» Rabchevitch نام برد.

از نظر ابنیه تاریخی، میتوان چند معبد «مهر» را که در نقاط مختلف اتریش وجود دارد یادگار نفوذ معنوی ایران دانست. شورای معروفی که در قرن

اول پیش‌از میلاد مسیح بنام «شورای اشراف» برای اعلام رسمیت آئین مهر در امپراتوری روم تشکیل گردید در محلی نزدیك شهر کنونی وین انعقاد یافت. بقایای مهرابهٔ تاریخی «دویچ آلتن بورگ» در اتریش نیز یکی از بهترین آثار معابد مهر است که تاکنون در اروپا باقی مانده است. این مهرابه در منطقه «کارنونتوم» قرار دارد که یکی از مراکز اصلی آئین مهر در امپراتوری روم بود.

* * *

از نشریات منظم خاورشناسی که در قرن گذشته و نیمه اول قرن حاضر در اتریش منتشر شد، بغیراز مجله معروف خاورشناسی وین Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlands که هنوز هم منتشر میشود، ومجله آرشیوتتبعات شرقی Archiv für Orientforschung که قبلا در آلمان بچاپ میرسید و اکنون در شهر «گراتس» اتریش منتشر میشود میتوان از نشریات ذیل نام برد که در حال حاضر چاپ آنها متوقف مانده است:

بررسی‌های مربوط به‌هنر و تاریخ فرهنگ آسیا

Wiener Beiträge zur Kunst - und Kulturgeschichte Asiens.

سالنامه انجمن دوستداران هنر و فرهنگ آسیائی

Jahrbuch des Vereins der Freunde asiatischer Kunst und Kultur in Wien.

این سالنامه از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۰ در وین انتشار یافت و ازنشریات درجهٔ اول‌اروپا دربارهٔ هنروفرهنگ آسیائی بود.

ماهنامه اتریشی مطالعات شرقی

Österreichische Monatsschrift für den Orient

این مجله از سال ۱۸۷۳ در وین منتشر شد و نشر آن تااوائل قرن حاضر ادامه داشت. بسیاری از مقالات تحقیقی دانشمندان خاورشناس اتریشی و آلمانی دربارهٔ ایران دراین مجله بچاپ رسید که از زمرهٔ آنها میتوان از سلسله مقالات «فیگل» H. Feigl درباره فرهنگ باستانی ایران و تاریخ اشکانی و ساسانی و مقالات تحقیقی او درباره تخت‌جمشید در سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۲، و نیز از مقالات تحقیقی متعدد تیتسه E. Tietze در سالهای ۱۸۷۵ تا ۱۸۸۶ ومقالات شتاپف O. Stapf در سالهای ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۸ که بخصوص مربوط به گیاه‌شناسی ایران بود نام برد.

تتبعات درباره هنرهای شرقی

Studien zur Kunst des Ostens

این مجله از سال ۱۹۲۳ دروین منتشر شد و نشر آن تا ۱۹۲۸ ادامه یافت.

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

مراکز تدریس فارسی

مراکز کتب و اسناد خطی فارسی

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

نشریات خاورشناسی

در

اتریش

Title A first course in educa...

Author Reeder, W. G.

Accession No. 7877

Call No. 370.2 R 257 F

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

9622522401

مراکز مطالعات ایران شناسی

فرهنگستان علوم اتریش

Österreichische Akademie der Wissenschaften

این آکادمی که مهمترین مرکز علمی اتریش است در سال ۱۸۴۷ در وین تأسیس شده است و در حال حاضر ۳۵۱ عضو دارد. فرهنگستان علوم اتریش دارای دو بخش اصلی است که عبارتند از «ریاضیات و علوم طبیعی» و «فلسفه و علوم تاریخی». مطالعات خاورشناسی آکادمی در بخش دوم-Die Philosophisch) historischen Klasse)انجام میگیرد، و از زمرهٔ دانشمندان عضو آکادمی که در این بخش در رشتهٔ ایرانشناسی کار میکنند میتوان از هانس بوبک Hans Bobek ، روبرت گوبل Robert Göbl ، مانفرد مایرهوفر Manfred Mayrhofer ، ویلهلم براندنشتاین Wilhelm Brandenstein ، کارل هاینریش رشینگر K.H. Rechinger ، ولفرام سودن Wolfram Soden ، ویکتور کریستیان Viktor Christian نام برد.

درحال‌حاضر، «ربرت گوبل» دربارهٔ تاریخ باستانی

ایرانی و کوشانی، «مانفرد مایرهوفر» دربارهٔ تاریخ زندگی شاهنشاهان ماد و هخامنشی، «هانس بوبك» دربارهٔ اقلیم‌شناسی ایران، و «رشینگر» دربارهٔ گیاه‌شناسی ایران کار میکنند. از «رشینگر» تاکنون بیست‌و شش اثر دربارهٔ گلها و گیاهان ایران بصورت مستقل یا در نشریات علمی مختلف آکادمی علوم بچاپ رسیده که در تألیف برخی از آنها «ریدل» H. Riedl دانشمند گیاه‌شناس دیگر که باتفاق او برای مطالعات گیاه‌شناسی ایران به کویر لوت سفر کرده بود همکاری داشته است. مجموعهٔ این مقالات مربوط به دورهٔ گیاه‌شناسی ایران Flora Iranica است که در فصل حاضر دربارهٔ آن توضیح بیشتر داده شده است.

گزارشهای تحقیقی این دانشمندان در نشریات مختلف آکادمی بچاپ میرسد که قسمتی از آنها که با مسائل خاورشناسی ارتباط دارند عبارتند از سالنامهٔ آکادمی (Almanach)، اطلاعات مختصر بخش فلسفه و تاریخ

Anzeiger der philosophisch-historischen Klasse

اخبار بخش فلسفه و تاریخ

Denkschriften der philosophisch-historischen Klasse

گزارش بخش فلسفه و تاریخ

Sitzungsberichte der philosophisch-historischen Klasse

فرهنگستان علوم اتریش که در دوران امپراتوری «آکادمی سلطنتی علوم وین» نام داشت، از آغاز مهمترین مرکز ایران‌شناسی این کشور بوده و بسیاری از دانشمندان برجسته این رشته در آن عضویت یا با آن همکاری داشته‌اند، و تقریباً قسمت اعظم از آثار تحقیقی مهم ایران‌شناسی در اتریش بصورت کتابها یا مقالات توسط این آکادمی بچاپ رسیده است. از زمرهٔ ایران‌شناسان برجستهٔ قرن گذشته که آثارشان توسط آکادمی علوم اتریش چاپ شده، میتوان از یوزف فن هامر پورگستال Josef von Hammer-Purgstall، کارل فریدریش گلدنر Karl F. Geldner، تئودور نلدکه Theodor Nöldeke، فریدریش مولر Friedrich Müller، ویلهلم توماشک Wilhelm Tomaschek، برنارد گایگر Bernhard Geiger، ارنست وایدنر Ernst Weidner، یوهان کیرسته Johann Kirste، اتواشتاپف Otto Stapf و اکهارداونگر Eckhard Unger نام برد. از «فریدریش مولر» بتنهائی بیست اثر مختلف دربارهٔ زبانشناسی ایرانی در نشریهٔ این آکادمی بنام «گزارش بخش فلسفه و تاریخ آکادمی علوم وین»
Sitzungsberichte der philosophisch-historischen Klasse der Österreichischen Akademie der Wissenschaften in Wien
بچاپ رسیده است. آثار هامر پورگستال مربوط به ادبیات و زبان فارسی، آثار گلدنر و گایگر و نولدکه

مربوط به‌اوستا و آئین زرتشتی، آثار توماشك مربوط به زمین‌شناسی و جغرافیای ایران و آثار اشتایف مربوط به گیاه‌شناسی ایران بوده است.

انستیتوی خاورشناسی دانشگاه وین

Universität Wien. Orientalisches Institut

این انستیتو که مهمترین مرکز دانشگاهی مطالعات شرق‌شناسی اتریش است در سال ۱۹۵۶ بجای «انجمن خاورشناسی اتریش» که درسال ۱۸۸۶ تأسیس شده بود تشکیل شده و از لحاظ علمی وابسته به دانشگاه وین است.

هدف این انستیتو طبق اساسنامه آن عبارت‌است از: «تحقیقات و تتبعات مربوط بخاورمیانه قدیم و جدید (باستثنای مصر) دربارهٔ زبانها و ادبیات و تاریخ و باستانشناسی شرق قدیم؛ مطالعات اسلامی؛ تدریس زبانهای فارسی وعربی وترکی». این انستیتو وابسته بدانشکده فلسفه دانشگاه است و ریاست آن در حال‌حاضر باپروفسور هربرت والتردودا H.W. Duda است. نشریه معروف خاورشناسی اتریش که‌سه ربع قرن از عمر آن میگذرد بنام «مجله وینی فرهنگ خاورزمین» Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlands توسط همین انستیتو منتشر میشود.

انستیتوی مطالعات زبانشناسی عمومی و زبانشناسی هند و ژرمنی دانشگاه وین

Institut für Allgemeine und Indogermanische Sprachwissenschaft - Universität Wien.

این انستیتو که یکی از وظائف آن مطالعات مربوط به‌زبانهای باستانی ایران است درسال ۱۹۰۰ تأسیس شده و دارای کلاسها ودوره‌های تدریسی زبانشناسی تطبیقی مخصوصاً زبانهای آریائی است، و نیز در رشته‌های صرفاً تحقیقی درباره این زبانها مطالعه میکند. انستیتو دارای کتابخانه‌ای با ۷،۰۰۰ جلدکتاب است و نشریه سالنامه‌ای بنام زبان Die Sprache دارد. ریاست انستیتو با پروفسور مایرهوفر M. Mayrhofer و پروفسور سولتا G. R. Solta است.

انستیتوی واژه‌شناسی هند وایرانی دانشگاه گراتس

Institut für indo-iranische Philologie. - Universität Graz.

این انستیتو در سال ۱۸۹۱ بنام «بخش آریائی انستیتوی خاورشناسی» دانشگاه گراتس Orientalisches Institut. Arische Abteilung تاسیس شد و در ۱۹۲۶ با انستیتوی هند و ژرمنی این‌دانشگاه ترکیب گردید و از مجموع آنها «انستیتوی علم

تطبیقی زبانها»
Institut für Vergleichende Sprachwissenschaft
بوجود آمد که اکنون «انستیتوی واژه‌شناسی هند و ایرانی» قسمتی از آن است.

مطالعات ایرانی این انستیتو در رشته زبان‌شناسی ایران باستان انجام میگیرد و رئیس آن ویلهلم براندنشتاین W. Brandenstein متخصص برجسته زبانهای قدیم ایرانی سکاها (اسکیتها) است. یکی از شاگردان این استاد بنام بانو گایسلر اهلرس E. Geisler-Ehlers اخیراً مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه نویسندگان جدید ایرانی‌را بآلمانی ترجمه کرده‌است.

کتابخانه انستیتو دارای تقریباً ۵،۰۰۰ کتاب است که ۱،۱۰۰ کتاب ازآن مربوط به‌زبان‌شناسی ایرانی و هندی است.

نشریه انستیتو «بولتن واژه شناسی هند وایرانی» نام دارد.

انستیتوی خاورشناسی دانشگاه اینسبروك.

Institut für Orientalistik. - Universität Innsbruck.

این انستیتو درسال ۱۸۹۳ تأسیس شد و در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ فعالیت آن متوقف ماند، ولی بعد از پایان جنگ دوم جهانی مجدداً مشغول کار شد.

مطالعات این انستیتو در رشتهٔ تاریخ و فرهنگ باستانی سرزمین‌های شرقی مخصوصاً زبان‌شناسی و

باستان‌شناسی و تاریخ فرهنگ ملل این سرزمین‌ها صورت میگیرد. مطالعات مربوط به ایران در این انستیتو دوران باستانی و پیش از اسلام ایران را شامل میشود و در این مطالعات خطوط میخی مورد توجه خاص قرار دارد.

انستیتوی افریقائی و آسیائی وین

Afro-Asiatisches Institut in Wien

این انستیتو در سال ۱۹۵۹ بمنظور توسعه روابط علمی و اجتماعی اتریش باکشورهای آسیائی و افریقائی و مطالعات اقتصادی و تشکیل سمینارهای فرهنگی تشکیل شده و ریاست شورای مرکزی آن همواره با وزیر فرهنگ اتریش است.

انستیتو دارای مرکزی برای گردآوری اطلاعات و تهیه اسناد ومدارك تحقیقی مربوط به‌ملل آسیا و افریقا است وبرای دانشجویان اتریشی که‌قصد آموختن زبانهای شرقی‌را داشته باشند کنفرانسها وسمینارهای خاص ترتیب میدهد. همچنین دارای سمینارهای جداگانه‌ای برای علوم و مذاهب شرقی و مراکز تتبعات علمی درین زمینه‌هاست، و از سال ۱۹۶۱ ببعد مجله‌ای بنام مواجهه Confrontation و مجله ماهانه‌ای بنام Treffpunkt چاپ میکند. درحال حاضر در حدود یکهزار دانشجو دراین انستیتو تحصیل میکنند. ریاست شورای آکادمیك انستیتو باپروفسور هربرت دودا

H. W. Duda استاد ایران‌شناسی دانشگاه وین است.

سازمان فرهنگی هامر پورگستال

Hammer-Purgstall-Gesellschaft

این مؤسسه که بنام ایران‌شناس برجستهٔ اتریشی (رجوع شود بمقدمه این فصل) نامگزاری شده درسال ۱۹۵۸ با کمك مالی وزارت فرهنگ اتریش تأسیس شده است و هدف آن توسعه روابط علمی و فرهنگی و اقتصادی اتریش با کشورهای اسلامی خاورمیانه و خاور نزدیك است. از فعالیتهای اساسی این مؤسسه تدریس زبانهای فارسی و عربی و ترکی به اتریشی‌ها و آلمانی زبان‌ها و تدریس زبان آلمانی بدانشجویان ایرانی و ترك و عرب است. تدریس این زبانها توسط «آکادمی شرق» (Orient-Akademie) این مؤسسه صورت میگیرد.

سازمان هامرپورگستال که رئیس آن درحال حاضر دکتر هوبرت اشمید Hubert Schmid است دارای کتابخانه‌ای از کتب مربوط به کشورهای شرقی است و مجله‌ای بنام فارسی بوستان Bustan منتشر میکند.

مرکز مطالعات تطبیقی تمدنها

Arbeitsstelle für Kulturwissenschaftliche Forschung

وظیفه این مرکز علمی مطالعه و تتبع در

جنبه های تطبیقی تمدنهای شرقی و غربی است وازاین نظر کار آن بافرهنگ ایران ارتباط دارد. این مؤسسه باسازمان یونسکو در زمینهٔ «طرح شناخت متقابل ارزشهای فرهنگی شرق و غرب» همکاری نزدیك دارد. مدیر مؤسسه پروفسور برگشتراسر Bergstrasser است. از طرف این مؤسسه در اکتبر ۱۹۶۱ کنگره‌ای درباره مسائل فرهنگی شرق‌وغرب درشهر سالتسبورگ تشکیل شد که ۱۲ کشور درآن شرکت جستند.

مراکز تدریس فارسی

دانشگاه وین Universität Wien

این دانشگاه که از قدیمی‌ترین دارالعلمهای اروپاست در سال ۱۳۶۵ تأسیس شده است و در حال حاضر ۲۰،۰۰۰ دانشجو دارد. «دانشکده فلسفه وعلوم طبیعی» این‌دانشگاه دارای کرسی مخصوص زبانشناسی شرقی است که وظیفه تدریس زبان وادبیات فارسی کلاسیك و ادبیات فارسی جدید آنرا پروفسور هربرت والتردودا H.W. Duda باتفاق دانشیار ایرانی خود خانم پروانه نراقی عهده‌دار است.

زبانهای باستانی ایران در دو انستیتوی دیگر این دانشگاه (انستیتوی مطالعات زبان‌شناسی عمومی و زبانشناسی‌هند وژرمنی، وانستیتوی هندشناسی‌وایران باستانی) توسط پروفسور مانفردمایرهوفر M. Mayrhofer تدریس میشود. دروس کرسی تاریخ خاور نزدیك (توسط پروفسور فریدریش‌ویلهلم کونیگ F.W. König) و کرسی جغرافیای خاور نزدیك (توسط پروفسور

اشتراتیل‌زاور (G. Stratil-Sauer) نیز باایران مربوط است.

آکادمی شرقی سازمان فرهنگی هامرپورگستال

Orient-Akademie der Hammer-Purgstall-Gesellschaft

در این سازمان فرهنگی که شرح کار آن قبلا داده شد کلاس زبان فارسی برای دانشجویان اتریشی وسایر علاقمندان وجود دارد که معلم آن هانس سالتسنر H. Salzner است. یکی از دروس دیگر آن که مربوط به‌ایران است نژاد شناسی وعلم‌الاجتماع ایران و افغانستان نام دارد و توسط الفردیاناتا A. Janata تدریس میشود.

مراکز کتب و اسناد خطّی فارسی

کتابخانه ملی اتریش

Österreichische Nationalbibliothek

این کتابخانه در سال ۱۵۲۶ تأسیس شده و قبلا کتابخانه سلطنتی وین Die Hof-Bibliothek zu Wien نام داشته‌است واز نظرکتابها ونسخ خطی ازغنی‌ترین کتابخانه‌های اروپا است.

کتابخانه ملی اتریش رویهم دارای ۲،۰۰۰،۰۰۰ کتاب چاپی و ۲۷،۰۰۰ کتاب خطی و بیش از یکصد هزار پاپیروس و نوشته قدیمی است ودر تالار مرکزی آن بتنهائی چهل هزار جلد کتب تاریخی وادبی نفیس اهدائی «پرینتس اویگن» نگاهداری میشود. کلکسیون کتب و نسخ خطی فارسی این کتابخانه از بهترین مجموعه‌های نوع خود در تمام اروپا است. فهرست بسیار خوبی از نسخه‌های خطی فارسی این کتابخانه درسه‌جلد توسط «گوستاف فلوگل» خاورشناس برجسته قرن گذشته در یکصد سال قبل باعنوان ذیل بچاپ رسیده است:

G. Flügel: Die arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hof-Bibliothek zu Wien. - Wien,1865-1867

این فهرست شامل مشخصات ۱،۳۲۱ نسخه خطی است.

چند فهرست دیگر از کتب خطی این کتابخانه نیز تاکنون بدین شرح منتشر شده است: قدیمی‌ترین فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه سلطنتی اتریش بزبان لاتینی چاپ سال ۱۶۹۰ تألیف دانیل ناسال، تحت عنوان:

Daniel Nassal: Catalogus sive recensis specialis omnium codicum Manuscriptorum ... linguarum orientalium Bibliothecae Caesareae Vindobonensis. - 1960.

«فهرستی ازکتابهای خطی‌یونانی وشرقی کتابخانه سلطنتی وین» در ۱۱ جلد، بزبان لاتینی، چاپ سالهای ۱۸۶۴ تا ۱۹۱۲، با عنوان:

Tabuale codicum manuscriptorum praeter Graecos et Orientales in bibliotheca Palatina Vindobonensis asservatorum. - Wien, 1864-1912.

فهرستی نیز ازنام و مشخصات ۳۱۲ نسخه خطی شرقی کتابخانه سلطنتی وین توسط آلبرشت‌کرافت Albrecht Krafft درسال ۱۸۴۲ دروین بچاپ‌رسیده‌است.

مهمترین کتاب خطی فارسی «کتابخانه ملی اتریش» کتابی است بنام «الابنیه عن حقائق الادویه» تألیف «ابومنصور موفق هروی» که در سال ۴۴۷ هجری بخط اسدی طوسی استنساخ شده و احتمالا قدیمی‌ترین نسخه فارسی موجود در تمام دنیا است. متن این کتاب درسال ۱۸۵۹ در وین ومتن عکسی آن در سال ۱۳۴۵ شمسی درتهران توسط بنیادفرهنگ ایران ایران بچاپ رسیده است. نظر باهمیت خاص این کتاب مقامات دولتی اتریشی وآلمانی دردوران جنگ جهانی دوم آنرا در صندوقچه مخصوصی تاپایان جنگ در یکی از کوهستانهای اتریش نگاهداری کردند.

از زمرهٔ مهمترین کتابهای خطی فارسی دیگر این کتابخانه میتوان از: «مرصادالعباد» نجم‌الدین رازی که در ربیع‌الاول سال ۶۸۵ هجری کتابت شده، و از نسخه خطی نفیسی از شاهنامه مکتوب درسال ۱۱۶۵ هجری بخط تعلیق، و از سه نسخه خطی ترجمه ترکی شاهنامه شریف بیگی بخط نسخ (مکتوب در ۱۰۷۸ هجری) و دوتای دیگر نخط نستعلیق نام برد. کتابخانه ملی اتریش علاوه بر مجموعهٔ نسخ خطی فارسی خود دارای مجموعهٔ نفیسی از مینیاتورهای ایرانی است که فهرست جامعی از آنها توسط یوهان‌هرمان در سال ۱۹۲۳ در کاتولوك مینیاتورها و مرقعات این کتابخانه در وین چاپ شده است:

J.H. Hermann: Die illuminierten Handschriften und Incunabeln der Nationalbibliothek zu Wien. - Wien, 1923.

کتابخانه دانشگاه وین

Universitätsbibliothek in Wien

این کتابخانه که در سال ۱۳۶۵ مقارن با تأسیس دانشگاه وین ایجاد شده واز ۱۷۷۷ تجدید سازمان یافته و بصورت کنونی خود درآمده است، دارای یک میلیون ونیم کتاب چاپی و مجموعه‌ای از کتب خطی منجمله ۴۰ نسخه خطی فارسی است که مهمترین آنها عبارتند از: شاهنامه فردوسی، گلشن راز شبستری، دیوانهای انوری، معزی، قاسم انوار، عرفی، قطران، هاتف، ادیب صابر و کتب دبستان‌المذاهب، حدیقه‌الحقیقه سنائی، کتاب‌الفتوح، شرح دیوان افضل‌الدین کاشانی، تاریخ حافظ ابرو، تاریخ ملك‌آزادبخت، نزهة القلوب، خلاصة التواریخ، مجالس المؤمنین، فرهنگ جهانگیری. غالب این نسخ در قرون یازدهم‌و دوازدهم هجری کتابت شده‌اند.

فهرست مستقلی از نسخه‌های شرقی این کتابخانه چاپ نشده است، ولی از نسخ خطی آکادمی شرقی سلطنتی اتریش که بعداً قسمتی از کتابهای آن بدین دانشگاه منتقل شده فهرستی بنام «نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی آکادمی شرقی امپراتوری و سلطنتی

وین» تألیف «آلبرشت کرافت» درسال ۱۸۴۲ در وین با این عنوان منتشر شده است:

A. Kraft: Die arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Orientalischen Akademie zu Wien. - Wien, 1842.

مراکز آثار هنری و باستانی ایران

موزه هنرهای دستی اتریش

Österreichisches Museum für angewandte Kunst

این موزه در سال ۱۸۶۴ تأسیس شده است و دارای مجموعه‌های کاملی از آثار هنری (منسوجات، البسه، ظروف، کارهای دستی) کشورهای شرق و غرب منجمله مجموعه نفیسی‌ازآثار هنردوران اسلامی ایران است. مهمترین این آثار قالی معروف «شکارگاه» شاه عباسی است که برخی از کارشناسان فن آنرا «نفیس‌ترین قالی جهان» دانسته‌اند، و بهرحال بطور مسلم یکی از چند قالی درجه اول دنیا است. این تنها قالی قدیمی ایران است که تاروپود آن همه از ابریشم است ودر هراینچ مربع ۲۷ گره از یکسو و ۲۹ گره از سوی دیگر دارد، و باین جهت از تمام قالیهای دیگر عصر صفوی ریزبافت‌تر است. این قالی که باحتمال قوی نقشه آن کار سلطان محمد نقاش معروف دربار شاه طهماسب است در نیمه دوم قرن دهم هجری در کاشان بافته شده و ۶/۸۰ مترطول و ۳/۲۰ متر عرض

دارد و در هر دسیمتر مربع آن ۱۲،۰۰۰ گره بکار رفته است، واز این نظر بافت آن بمخمل شباهت دارد.

رنگ متن‌قالی برحسب زاویهٔ‌تابش نور بر ابریشم آن از عنابی روشن تاخاکستری و نقره‌ای تغییر میکند. نقش متن قالی صحنهٔ شکار عده‌ای از سواران مسلح به نیــزه و شمشیر است. اهمیت این قــالی بخصوص در رنگ‌آمیزی آن است. ظاهراً این قالی توسط شاه‌عباس به‌تزار روسیه اهداء شده ووی بنوبــه خود آنــرا بــه امپراتور اتریش ارمغان داده است.

قالی ایرانی دیگری دراین موزه هست که آن نیز از آثار بسیار نفیس هنری است. این قالی در اواسط‌قرن دهم هجری در خراسان بافته شده و ۲/۵۰ متر طول و ۲/۲۰ متر عرض دارد، و نقوش آن تــرکیبی از گل و برگ و جانوران واقعی یاافسانــه‌ای است و چند شعر فارسی نیز در حاشیه آن نوشته شده است. بافت این‌قالی بسیار ریز است ودر آن تارو پودهای ابریشمین بکــار رفته است و هر اینچ مــربع آن ۱۹ در ۱۷ گــره دارد. لنگه دیگر این قــالی اکنــون در مــوزه متروپــولیتن آمریکا است.

از زمرهٔ آثار ایرانی دیگر این موزه مجموعه‌ای از جلدهای کتاب است کــه توسط هنــرمندان زبــردست ایرانی تذهیب و نقــاشی شده و قسمتــی از کلکسیون اهدائی دکتر مارتین F. Martin را بدین موزه تشکیل میدهد.

موزه تاریخ هنر (وین) Kunsthistorisches Museum

این موزه که عادتاً «موزه هنرهای زیبای وین» خوانده میشود در سال ۱۸۹۱ تأسیس شده است واساس آن کلکسیونهای نفیس آثار هنری خاندان سلطنتی هابسبورك است. قسمت آثار باستانی Antiken-sammlung این موزه دارای آثار متعددی از ادوار قدیم ایران و بین‌النهرین و مصر است. همچنین سکه‌ها، سلاحها، البسه، آلات موسیقی، آثار هنرهای دستی و غیره از ایران درین موزه نگاهداری میشود.

از زمرهٔ مهمترین آثار ایرانی این موزه قطعاتی از اصل حجاریهای تخت‌جمشید است که شرح جامع آنها در اولین شمارهٔ مجله Österreichische Lehrerzeitung توسط کومورژینسکی E. Komorzynski در سال ۱۹۶۲ بچاپ رسیده است. کتابخانه موزه ۷۵،۰۰۰ جلد کتاب دارد.

کاخ شون برون Schönbrunn Palast

این کاخ که در سالهای ۱۶۹۵ تا ۱۷۰۰ ساخته شده قبلا قصر سلطنتی تابستانی امپراتوران هابسبورك اتریش بوده، و تالارهای مجلل و زیبای آن هنوز از عالیترین آثار هنری و معماری اروپا بشمار میرود.

کاخ شون برون درای تالاری بنام «تالار میلیونی» است که مینیاتورها و نقاشی‌های ظریف دیواری آن

تماماً بدست یك استاد ایرانی که بدعوت دربار اتریش بوین رفته بود ترسیم شده است.

موزهٔ ایالتی تیرول

Tiroler Landes-Museum Ferdinandeum

این موزه در سال ۱۸۲۳ در شهر اینسبروك Innsbruck تأسیس شده است و دارای مجموعه‌های مختلف آثار باستان‌شناسی، تاریخ طبیعی و هنری است. کلکسیون ایرانی موزه شامل چند ظرف مینا و قلمزده است که جزو مجموعه‌ای از آثار عثمانی بدست این موزه رسیده است.

کلیسای پوئرگ در اشتیرمارك

Puergkirche in Steermark

این کلیسا که در نزدیکی وین ساخته شده دارای نقاشیهای دیواری‌جالبی‌است‌که در آنها داستان موش و گربه عبید زاکانی با تابلوهای مختلف نموده شده است. این نقاشیها محتملا کار یك هنرمند ایرانی است که بصورت اسیر جنگی یا داوطلبانه باتریش رفته بوده است.

* * *

چندین مجموعه خصوصی آثار هنری ایرانی در اتریش وجود دارد که مهمترین آنها کلکسیون دکتر روبرت‌گوبل R. Göbl استاد دانشگاه وین است. این

کلکسیون بزرگ شامل مجموعه‌ای از سکه‌های ساسانی و کوشانی و هند و یونانی و بخصوص مجسمه‌های متعددی از دوران اشکانی و ساسانی و نیز مجسمه‌ای از ظروف برنز لرستان است. در نمایشگاه «هفت هزار سال هنر ایران» درشهر میلان (سال ۱۹۶۳) بیش از پنجاه قطعه از آثار کلکسیون خصوصی دکتر گویل بمعرض نمایش گذاشته شد.

نشریات مربوط به خاورشناسی

مجله خاورشناسی وین

Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlands

این مجله که از بهترین نشریات خاورشناسی اروپاست از سال ۱۸۸۷ انتشار یافته و بطور منظم هرسال چهار شماره منتشر شده است. در تدوین مقالات این نشریه همواره علاوه بر دانشمندان خاورشناس اتریش بسیاری از خاورشناسان سایر کشورها نیز شرکت داشته‌اند. این مجله تا سال ۱۹۱۶ باعنوان انگلیسی Vienna Oriental Journal (روزنامه شرقی وین) انتشار میبافت و از آن پس به عنوان آلمانی فعلی خود نامیده شد. در سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۷ نشر این مجله متوقف ماند و ازآن‌ببعد هر سه ماه یک شماره از آن منتشر میشود. از سال ۱۹۵۶ این مجله توسط انستیتوی خاورشناسی دانشگاه وین تحت نظر سه‌تن از دانشمندان اتریشی Wilhelm Czermak و H.W. Duda و Paul Kretschmer

اداره میشود.

آرشیو تتبعات شرقی Archiv für Orientforschung

نشریه علمی وزینی است که از سال ۱۹۲۳ تا سال ۱۹۴۲ با عنوان «آرشیو تتبعات درباره خطوط میخی Archiv für Keilschriftforschung در آلمان انتشار یافت ولی از سال ۱۹۴۳ بنام کنونی خود در آمد و مرکز انتشار آن به‌شهر گراتس Graz در اتریش منتقل گردید و از آن‌پس هر سه ماه یك شماره در این شهر منتشر میشود.

بوستان Bustan

نشریه «سازمان فرهنگی» هامرپورگستال» است که از سال ۱۹۶۰ ببعد بمدیریت دکتر والتر دوستال Walter Dostal هر سه ماه یک‌شماره در ۴۸ صفحه با نام فارسی در وین منتشر میشود. مقالات این مجله مطالب علمی و ادبی و فرهنگی مربوط بکشورهای اسلامی است، ولی غالباً جنبه سنگین و تحقیقی ندارد و بیشتر برای استفاده عمومی است. عنوان کامل این نشریه چنین است:

Bustan: Österreichische Zeitschrift für Kultur, Politik und Wirtschaft der Islamischen Länder; herausgegeben von der Hammer-Purgstall-Gesellschaft, Wien.

در این مجله گاه بگاه متن فارسی برخی از آثار ایرانی نیز عیناً نقل میشود.

مواجهه Confrontation

مجله ارگان «انستیتوی افریقائی و آسیائی وین» است که از ژوئیه سال ۱۹۶۱ هر سه ماه یك شماره در ۳۶ صفحه منتشر میشود. این نشریه بیشتر جنبه عمومی دارد و یك مجله علمی و تحقیقی واقعی نیست.

صدای ایران Vox Persica – نشریه وزین و جالبی است که از سال ۱۹۶۸ توسط سفارت شاهنشاهی ایران در وین با چاپی بسیار زیبا شروع بانتشار کرده است.

در تدوین مقالات این مجله دانشمندان ایرانی و اتریشی و ایران شناسان کشورهای دیگر شرکت دارند. اولین شماره این مجله بمناسبت چهارم آبان ۱۳۴۶ سالروز تولد اعلیحضرت همایون شاهنشاه انتشار یافت.

فهرستی از کتب مربوط به ایران، ترجمه‌های آثار ایرانی و متون فارسی که تاکنون دراتریش بچاپ رسیده است

(بترتیب تاریخ انتشار)

Title A first course in educ...

Author Reader, W. G.

Accession No. 7877

Call No. 370.2 R257 F

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

9622522401

(عددی که قبل از عنوان هر کتاب آمده، سال انتشار آن کتاب است)

۱۶۷۸ ـ چهل ستون، توصیف دو کاخ بسیار مشهور و بسیار نفیس در ایــران ـ تــألیف پاول بدیك؛ چاپ وین
P. Bedik: Cehil Sutun, seu explicatio utriusque celeberrimi, ac pretiosissimi theatri quadraginta columnarum in Perside Orientis. - Wien, 1678.

۱۶۸۰ ـ رسالهٔ مصطفی فرزند حسین الجنابی بزبــان ترکی و عربی و فارسی دربارهٔ احوال تیمور لنگ؛ ترجمه به لاتینی توسط یوهان ب. پدستا؛ چاپ وین
J. B. Podesta: Mustaphae filii Husein Algenabii de gestis Timurlenskii seu Tamerlanis opusculum Turcum-Arabum-Persicum, latine redditum. - Wien, 1680.

۱۷۷۸ ـ جنگ ایرانی، یا مجموعه آثار برگزیده از نویسندگان مختلف فارسی که توسط ای. اشتورمر به لاتینی ترجمه شده است. چاپ وین.

I. Stuermer: Anthologia Persica, seu selecta e diversis Persis auctoribus in latinum translata ... - Wien, 1778.

۱۷۸۲ـ تاریخ نخستین پادشاهان ایران پس‌از استقرار اسلام، تألیف میرخوند ـ متن فارسی و ترجمه لاتینی توسط برناردوس دینیش؛ چاپ وین

Mir Khwand: Historia priorum regum Persarum post firmatum in regno islamismum, persice et latine. ed. Bernardus de Jenisch. - Wien, 1782.

۱۷۸۳ ـ آثاری از تاریخ ادبیات ایرانیان، برمبنای نوشته‌های لاتینی بارون فن رویتسکی ـ چاپ وین

Fragmente über die Literaturgeschichte der Perser nach dem Lateinischen des Baron C. E. A. von Rewitzki. - Wien, 1783.

۱۸۱۰ ـ تازه‌ترین اثر نقاشی از ایران ـ نوشتهٔ کارل رایشارد؛ چاپ وین.

K. Reichard: Neueste Gemälde von Persien. - Wien,1810.

۱۸۱۰ ـ شرحی دربارهٔ شاهنامه فردوسی و ترجمه چندین قطعه از این منظومه. این ترجمه که توسط آقای مستشار فن والنبورگ صورت گرفته پس‌از مرگ مترجم منتشر میشود و دارای مقدمه‌ای در شرح حال این دانشمند است‌که توسط ا. دبیانکی نوشته شده است؛ چاپ وین.

Notice sur le Chah Nameh de Firdoucy et traduction de plusieurs pièces relatives à ce poème. Ouvrage posthume de Mr le conseiller J. - R. von Wallenburg, précédé de la biographie de ce savant par A. de Bianchi. - Vienne, 1810.

۱۸۱۰ ـ نمونه‌ای از شاهنامه، تألیف و ترجمه گ. فن لودلف؛ چاپ وین.

G. von Ludolf: Probe aus dem Schahname. - Wien, 1811.

۱۸۱۳ ـ سفر میرزا ابوطالب‌خان به آسیا و آفریقا و اروپا در سالهای ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۳ ـ چاپ وین.

Reise des Mirza Abu Taleb Khan durch Asien, Afrika, und Europa, in den Jahren 1799, 1800, 1801 und 1803. - Wien, 1813.

۱۸۱۳ ـ نمونه‌ای از ترجمه شاهنامه ـ اثر هامر پورگستال ـ چاپ وین.

J.V. Hammer-Purgstall: Probe einer Übersetzung des Schahname. - Wien, 1813.

۱۸۱۵ ـ شواهدی از زندگی نادرشاه. ـ چاپ وین.

Züge aus dem Leben des Nadir Schah. - Wien, 1815.

۱۸۱۶ ـ نمونه‌ای از ترجمه شاهنامه ـ اثر گ. واهل؛ چاپ وین.

G. Wahl: Proben einer Übersetzung des Schahname. - Wien, 1816.

۱۸۱۸ ـ تاریخ هنر زیبای سخنسرائی درایران، همراه با گلچینی ازاشعار دویست شاعرفارسی ـ تألیف‌وترجمهٔ یوزف هامر پورگستال؛ چاپ وین.

J. Hammer-Purgstall: Geschichte der schönen Redekünste Persiens, mit einer Blüthenlese aus zweihundert persischen Dichtern. - Wien, 1818.

۱۸۱۹ ـ ایران و هنرهای عامیانه آن ـ تألیف فریدریش یوهان کوسترر؛ چاپ وین.

F. J. Küsterer: Land-und Volkskunde von Persien. - Wien, 1819.

۱۸۲۴ ـ یوسف و زلیخا، منظومهٔ تاریخی و غنائی ـ ترجمه از متن فارسی مولانا عبدالرحمن جامی، همراه باتوضیحات و حواشی. متن‌فارسی وترجمه آلمانی، توسط ف. فن روزنتسوایگ شواناو؛ چاپ وین.

V. von Rosenzweig-Schwannau: Joseph und Suleicha; historisch-romantische Gedichte aus dem Persischen des Mewlana Abdurrahman Dschami. Übersetzt und durch Anmerkungen erläutert. (Persisch und deutsch). - Wien, 1824.

۱۸۲۵ ـ سفر به ایران در سال ۱۸۱۷. تألیف م. کوتسبو؛ چاپ وین.

M. Kotzebue: Reise nach Persien, 1817. - Wien, 1825.

۱۸۲۵ ـ باغ میوه (بوستان) سعدی. برگزیده‌هائی از اصل‌فارسی. ترجمه‌به‌شعر آلمانی‌توسط ا.م. فن‌اشلشتا و سرد ـ چاپ وین.

O.M. von Schlechta-Wssehrd: Der Fruchtgarten von Saadi. Aus dem Persischen auszugsweise übertragen in deutsche Verse. - Wien, 1825.

۱۸۳۳ ـ وامق و عذرا. داستان مردی سوخته‌دل و زنی زیبـا. قدیمی‌ترین منظومه رمانتیك فارسی ـ ترجمـه یوزف هامر پورگستال؛ چاپ وین.

J. von Hammer-Purgstall: Wamik und Asra, das ist der Glühende und die Blühende. Das älteste persische romantische Gedicht. - Wien, 1833.

۱۸۳۸ ـ برگزیده ازدیوان بزرگترین سخنسرای عارف ایران مولانا جلال‌الدین رومی. متن فارسی و ترجمه آلمانی، همـراه بـا تفسیـر و حـواشی از ف. فـن روزنتسوایگ شواناو؛ چاپ وین.

Auswahl aus den Diwanen des grössten mystischen Dichters Persiens Mewlana Dschelaleddin Rumi. Aus dem Persischen mit beigefügtem Original-Texte und erläuternden Anmerkungen von V. von Rosenzweig - Schwannau. Wien, 1838.

۱۸۴۰ ـ سه‌منظومه تمثیلی ازمولانا جامی، متن فارسی وترجمه آلمانی، توسط ف. فن‌روزنتسوایگ شواناو؛ چاپ وین.

V. von Rosenzweig-Schwannau: Drei allegorische Gedichte Mollah Dschami's. Aus dem Persischen. (Persisch und deutsch). - Wien, 1840.

۱۸۴۰ ـ مطالبی در شرح حال مولانا عبدالرحمن جامی با نمونه‌ای از ترجمه دیوانهای او. متن فارسی و ترجمه آلمانی، توسط ف. فن روز نتسوایگ شوانا ـ چاپ وین.

V. von Rosenzweig-Schwannau: Biographische Notizen über Mewlana Abdurrahman Dschami nebst Übersetzungsproben aus seinen Diwanen. (Persisch und deutsch). - Wien, 1840.

۱۸۴۰ ـ زال و رودابه. منظومه حماسی و تغزلی، از متن فارسی کتاب ابولقاسم منصورالفردوسی (شاهنامه) ـ ترجمهٔ ف. وایس؛ چاپ وین.

V. Weiss: Sal und Rudabeh, episch-lyrisches Gedicht frei nach dem pesischen des Abulkasim Mansur el-Firdewsi. - Wien, 1840.

۱۸۴۱ ـ کیکاوس در مازندران. نقل از شاهنامه ابولقاسم منصورالفردوسی ـ ترجمهٔ ف. وایس؛ چاپ وین.

V. Weiss: Kej Kawus in Masenderan. Aus dem Schahname des Abulkasim Mansur el-Firdewsi. - Wien, 1841.

۱۸۴۹ ـ نوشته‌ای دربارهٔ مهرهای اعراب، ایرانیان و ترکان ـ تألیف یوزف هامر پورگستال؛ چاپ وین.

J. Hammer-Purgstall: Abhandlung über die Siegel der Araber, Perser und Türken. - Wien, 1849.

۱۸۵۱ ـ گزارشی در شش مجلد دربارهٔ تفسیر ترکی مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی که در سال ۱۲۵۱ هجری قمری (۱۸۳۵ میلادی) در قاهره بچاپ رسیده است. تألیف یوزف فن هامر پورگستال. چاپ وین.

J. von Hammer-Purgstall: Bericht über den zu Kario im Jahre d.H. 1251 (1835) in sechs Foliobänden erschienenen türkischen Commentar des Mesnewi Dschelaleddin Rumi's. Wien, 1851.

۱۸۵۲ ـ قطعات ابن‌یمین. ترجمه از اصل فارسی، توسط ا.ف. فن اشلشتاوسرد؛ چاپ وین.

O. F. von Schlehta-Wssehrd: Ibn Jemin's Bruchstücke. Aus dem Persischen. - Wien, 1852.

۱۸۵۳ ـ متن اصلی اوستا نوشته مقدس پارسیان. باهتمام فریدریش اشپیگل. چاپ وین

F. Spiegel: Awesta die heiligen Schriften der Parsen im Grundtexte. Wien, 1853.

۱۸۵۳ و ۱۸۵۸ ـ وندیداد، یسنا و ویسپرد، اثر فریدریش اشپیگل، در دو جلد. چاپ وین

F. Spiegel: Vendidad. Yasna und Vispered. Wien, 1853, 1858.

۱۸۵۶ ـ دستور زبان هزوارشی. تألیف فریدریش اشپیگل. چاپ وین.

F. Spiegel: Grammatik der Huzvâresch-Sprache. Wien, 1856.

۱۸۵۶ ـ دربارهٔ ترتیب جغرافیائی اسامی سرزمینهای آریائی در فرگرد اول وندیداد. تألیف ه . کیپرت. چاپ وین

H. Kiepert: Über die geographische Anordnung der Namen arischer Landschaften im ersten Fargard des Vendidad. Wien, 1856.

۱۸۵۶ ـ تاریخ وصاف. متن فارسی و ترجمه آلمانی، توسط هامر پورگستال؛ چاپ وین.

Wassaf's Geschichte. Persisch herausgegeben und deutsch übersetzt von Hammer-Purgstall. - Wien, 1856.

۱۸۵۶ (و ۱۸۶۰) ـ شرحی در معرفی نوشته‌های سنتی پارسیان (در دو جلـد) ـ تألیف فریـدریش اشپیگل؛ چاپ وین

F. Spiegel: Einleitung in die traditionellen Schriften der Parsen. 2 T. - Wien, 1856 & 1860.

۱۸۵۸ ـ تـرجمۀ پهلوی ویسپرد و یسنا نـوشته‌های مقدس پارسیان. باهتمام فریدریش اشپیگل. چاپ وین

F. Spiegel: Die heiligen Schriften der Parsen. Vispered und Yaçna. Pahlavi. Übersetzung. Wien, 1858.

۱۸۵۸ ـ بوستان سعدی. متن فارسی همراه با تفسیری بزبان فارسی ـ باهتمام ك. ه. گراف؛ چاپ وین

K. H. Graf: Le Boustân de Sa'dî. Texte persan avec un commentaire persan. - Vienne, 1858.

۱۸۵۸ (تا ۱۸۶۴) ـ دیوان حـافظ شاعر غـزلسرای بزرگ، متن فارسی؛ ترجمه عروضی به‌آلمـانی، بـا توضیحـات و حـواشی، درسه جلد ـ تـوسط ف. فن روزنتسوایگ شواناو؛ چاپ وین.

V. von Rosenzweig - Schwannau: Diwan des grossen lyrischen Dichters Hafis im persischen Original herausgegeben, ins Deutsche metrisch übersetzt und mit Anmerkungen versehen. Bd. 1-3. - Wien, 1858-64.

۱۸۵۸ ـ تاج گل. برگزیده از دومین دیوان جامی ـ تدوین و ترجمه م. ویکر هاوزر؛ چاپ وین.

M. Wickerhauser: Blütenkranz aus Dschamis zweitem Diwan. - Wien, 1858.

۱۸۵۸ (تا ۱۸۶۲) ـ اوستا، متون مقدس ایرانیان، که برای نخستین بار در متن اصلی و ترجمه با هزوارش بچاپ رسیده است ـ ترجمهٔ فریدریش‌اشپیگل (در دو جلد). چاپ وین.

F. Spiegel: Awesta; die heiligen Schriften der Perser. Zum ersten Mal im Grundtexte sammt der Huzvâresch - Übersetzung. 2 Bde - Wien, 1858-62.

۱۸۵۹ ـ الابنیه عن حقائق‌الادویه، یاکتاب اصول داروشناسی تألیف ابومنصور موفق‌ابن علی هروی ـ قسمت اول: مقدمه و متن اصلی ـ چاپ وین.

Codex Vindoben sive Medici Abu Mansur Muwaffak Bin Ali Heratensis liber Fundamentorum Pharmacologiae. Pars I, prolegomena et textum continens. - Wien, 1859.

۱۸۶۰ ـ ادبیـــات سنتی پارسیان ـ تألیف فریدریش اشپیگل؛ چاپ وین.

F. Spiegel: Die traditionelle Literature der Parsen. - Wien, 1860.

۱۸۶۴ ـ بهارستان مولانا عبدالرحمن جامی. ترجمه از متن فارسی توسط ا. ف. فـــن اشلشتاوسرد؛ چـــاپ وین.

O.F. von Schlechta-Wssehrd: Der Frühlingsgarten von Mewlana Abdurahman Dschami. Aus dem Persischen. - Wien, 1864.

۱۸۶۴ و ۱۸۶۸ ـ تفسیر براوستا. جلد اول: وندیداد. جلددوم: ویسپرد. یسنا و خرده‌اوستا. تألیف فریدریش اشپیگل، در دو جلد. چاپ وین.

F. Spiegel: Commentar über das Awesta. T. 1: Der Vendidad. T. 2: Vispered. Yasna und Khordah-Awesta. Wien, 1864, 1868.

۱۸۶۶ ـ گرامر زبـــان فارسی باخط لاتینی. ـ تألیف هـ. ا. باهر؛ چاپ وین.

H.A. Bahr: Transcriptions-Grammatik der Persischen Sprache. - Wien, 1866.

۱۸۷۰ ـ بررسیهای تازه‌ای درباره ادبیات زرتشتی ـ تألیف ادوارد زاخائو؛ چاپ وین.

E. Sachau: Neue Beiträge zur Kenntnis der Zoroastrischen Literatur. - Wien, 1870.

۱۸۷۳ ـ ایران. ـ تألیف یوهان پلاك؛ چاپ وین.

J. E. Polak: Persien. - Wien, 1873.

۱۸۷۳ ـ فهرست ویژهٔ نمایشگاه آثار کشور ایران ـ تألیف یوهان پلاك؛ چاپ وین.

J.E. Polak: Spezialkatalog der Ausstellung des Persischen Reiches. - Wien, 1873.

۱۸۷۴ ـ قرةالعین. نموداری از عصر جدید ایران ـ تألیف م. نجمه‌یر؛ چاپ وین.

M. Najmajer: Gurret ül-Eyn. Ein Bild aus Persiens Neuzeit. - Wien, 1874.

۱۸۷۶ ـ معلمین اتریشی در ایران ـ تألیف یوهان پلاك؛ چاپ وین.

J.E. Polak: Die österreichischen Lehrer in Persien. - Wien, 1876.

۱۸۸۰ـ نامهٔ خسروان. تألیف جلال‌الدین بن‌فتحعلیشاه قاجار. متن فارسی. چاپ وین

۱۸۸۱ ـ از تهران به بلوچستان ـ تألیف گاستایگر راونشتاین کوباخ؛ چاپ اینسبروك.

Gasteiger-Ravenstein-Kobach: Von Tehran nach Beludschistan. - Innsbruck, 1881.

۱۸۸۲ ـ ایران از نظر یك اتریشی که چهل ماه در کشور آفتاب زندگی و کار کرده است ـ تألیف گ. ریدرر؛ چاپ وین.

G. Riederer: Aus Persien. Aufzeichnungen eines Österreichers, der 40 Monate im Reiche der Sonne gelebt und gewirkt hat. - Wien, 1882.

۱۸۸۸ (و ۱۸۹۲) ـ مطالعات ایرانی ـ تألیف تئودور نلدکه، در دوجلد؛ چاپ وین.

Th. Nöldeke: Persische Studien. 2 Bde. - Wien, 1888 & 1892.

۱۸۸۹ ـ یوسف و زلیخا؛ حماسهٔ رمانتیك فردوسی که برای نخستین‌بار از فارسی بآلمانی ترجمه شده است ـ ترجمه ا. ف. اشلشتاوسرد؛ چاپ وین.

O. F. Schlechta-Wssehrd: Jussuf und Suleicha. Romantisches Heldengedicht von Firdussi . . . Aus der Persischen zum ersten Male übersetzt. - Wien, 1889.

۱۹۰۰ ـ فرهنگ آلمانی به فارسی ـ تألیف هانس رایشلت؛ چاپ وین.

H. Reichelt: Deutsch-Persisches Wörterbuch. - Wien, 1900.

۱۹۰۴ ـ سکه‌های اشکانی. تألیف ا. فن پتروویچ. چاپ وین.

A. von Petrowics: Arsaciden Münzen. Wien, 1904.

۱۹۰۴ ـ زنان شرق در صحنهٔ تاریخ، ادبیات وزندگی روزمره. تألیف ا. فن اشوایگر لرشنفلد. چاپ وین.

A. von Schweiger-Lerchenfeld: Die Frauen des Orients in der Geschichte, in der Dichtung und im Leben. Wien, 1904.

۱۹۰۶ ـ پندنامك زرتشت. متن پهلوی‌وترجمه‌آلمانی، با حواشی انتقادی و تفسیری توسط ا. فرایمان. چاپ وین.

Pand Nâmak Zarathustras. Pahlavi Text. Übersetzung, kritische und Erläuterungs-noten von A. Freiman. Wien, 1906.

۱۹۱۱ـ دستور خودآموز علمی زبان فارسی امروزی با مواد تمرینی و متون قرائتی و لغتنامه. تألیف اوگوست زایدل. چاپ وین.

A. Seidel: Praktische Grammatik der neupersischen Sprache für den Selbstunterricht. Mit Lesestücken und einem systematischen Wörterbuch. Wien, 1911.

۱۹۱۴ ـ وضع و شرایط گیاهان از بین‌النهرین تا کردستان. محصول مطالعات مسافرت علمی به بین‌النهرین در سال ۱۹۱۰ ـ تألیف ه. هندل ماتستی؛ چاپ وین.

H. Handel-Mazetti: Die Vegetationsverhältnisse von Mesopotamien und Kurdistan. Ergebnisse der Expedition nach Mesopotamien 1910. - Wien, 1914.

۱۹۱۶ ـ امشاسپندان ـ تألیف ویلهلم گایگر؛ چاپ وین.

W. Geiger: Die Amescha Spanta. - Wien, 1916.

۱۹۱۷ ـ متن پهلوی «خسرو شاه و پسرش» (داستان خسرو کواتان و ریدگی) چاپ و استنساخ به خط لاتینی و ترجمه و توضیح توسط ج.م. اونوالا؛ چاپ‌وین.

J.M. Unvala: Der Pahlavi Text König Husrav und sein Knabe. - hrsg., umschrieben, übersetzt und erläutert. Wien, 1917.

۱۹۲۴ ـ ترجمهٔ سنسکریتی نریوسنگ از هوم‌یشت (یسنای نهم و دهم و یازدهم) همراه با متن اصلی و ترجمه پهلوی اوستا. باهتمام جمشید جی مانکجی اونوالا باحواشی متعدد و لغتنامه و فهرست (به انگلیسی). چاپ وین.

Neryosangh's Sanskrit version of the Hom Yascht (Yasna IX-XI). With the original Avesta and its Pahlavi version, translated with copious notes and a glossarial index by J.M. Unvala. Vienna, 1924.

۱۹۲۶ ـ مینیاتورهای کتاب خطی «شاه و درویش» منظومه عرفانی هلالی. تألیف سرتماس و کرآرنلد. چاپ وین.

Sir Thomas Walker Arnold: The miniatures in Hilalis mystical poem, the King and the Dervish. Vienna, 1926.

۱۹۲۶ ـ مینیاتورهای دورهٔ تیموری دریك نسخهٔ خطی اشعار سلطان احمد جلایر. تألیف فردریش مارتین چاپ وین.

F.R. Martin: Miniatures from the period of Timur in a MS. of the Poems of Sultan Ahmad Jalair. Vienna, 1926.

۱۹۲۶ ـ نسخه خطی نظامی متعلق بـه موزه بریتانیا که توسط بهزاد و میرك و قاسم علی نقاشی و در سال ۱۴۹۵ بـرای سلطان علی میرزا برلاس فرمـانروای سمرقند کتابت شده است. تألیف فردریك ربرت مارتین و سر تامس آرنولد. چاپ وین.

F.R. Martin & Sir Thomas Arnold: The Nizami MS. illuminated by Bihzad, Mirak and Qasim Ali, written in 1495 for Sultan Ali Mirza Barlas, ruler of Samarqand in the British Museum. Vienna, 1926.

۱۹۲۷ ـ نسخه خطی خمسهٔ نظامی از کتابخانهٔ سلطنتی ایران. چاپ وین.

The Nizami MS. from the library of the Shah of Persia. Vienna, 1927.

۱۹۳۲ ـ کتیبه‌های تازهٔ هخـامنشیان ـ تألیف و. م. براندنشتاین؛ چاپ وین.

W. M. M. Brandenstein: Die neuen Achämeniden-inschriften. - Wien, 1932.

۱۹۳۵ ـ آئین مزدائی، با یك تحقیق تکمیلی. تصویر خدائی آناهیتا (نـاهید). تألیف گئورگ هـوزینگ. چاپ وین

G. Husing: Der Mazdaismus. Mit einem Anhang: Das Götterbild der Anahita. Wien, 1935.

۱۹۳۶ ـ رضاشاه، سردار سپه، شاه، مصلح ـ تألیف اسدبیك (نام مستعار لئو نوسیمباوم)؛ چاپ وین.
Essad Bey (Pseud. für Leo Noussimbaum): Reza Schah. Feldherr, Kaiser, Reformator. - Wien, 1936.

۱۹۳۵ ـ اعتقاد به خدای یگانه و خدایان دوگانه (خیر و شر) در هند و ایران و فلسطین، بعنوان مذهب ملل جوان و چادرنشینان سلحشور در قلمرو قدرت ملتهای دیگری بافرهنگهای کهن. مطالعه‌ای ازنظر روان‌شناسی و مذهبی و اساطیری. تألیف تئودور وایندل. چاپ وین
Th. Weindl: Monotheismus und Dualismus in Indien, Iran und Palästina als Religion junger kriegerisch nomadistischer Völker im Gravitationsbereich von Völkern alter Kultur; eine religionspsychologische und mythologische Studie. Wien, 1935.

۱۹۳۵ ـ در کویرهای ایران ـ تألیف آلفونس گابریل؛ چاپ وین.
A. Gabriel: Durch Persiens Wüsten. - Wien, 1935.

۱۹۳۷ ـ مشهد ـ تألیف گ. اشتراتیل زاور؛ چاپ‌وین.
G. Stratil-Sauer: Meschhed. - Wien, 1937.

۱۹۳۸ ـ کویرلوت جنوبی و بلوچستان ایران ـ تألیف آلفونس گابریل؛ چاپ وین.

A. Gabriel: The Southern Lut and Iranian Baluchistan. - Vienna, 1938.

۱۹۳۸ ـ بردیای دروغین. داریوش بزرگ و شاه غاصب ـ تألیف فریدریش ویلهلم کونیگ؛ چاپ وین.

F. W. König: Der falsche Bardija. Dareios der Grosse und der Lügenkönig. - Wien, 1938.

۱۹۳۸ ـ نقوش برجسته وکتیبه‌های داریوش بزرگ ـ تألیف فریدریش ویلهلم کونیگ؛ چاپ وین.

F. W. König: Relief und Inschrift des Königs Dareios des Grossen. - Wien, 1938.

۱۹۳۹ ـ ایران تنها (اشاره به خاموشی کویر مرکزی) ـ تألیف آلفونس گابریل؛ چاپ وین.

A. Gabriel: Aus den Einsamkeiten Irans. - Wien, 1939.

۱۹۴۰ ـ ایران پهناور وحشی (اشاره به کویرها و بیابانها). سه سال سفر علمی در کویر و دشت. تألیف آلفونس گابریل. چاپ وین

A. Gabriel: Weites wildes Iran. 3 Jahre Forschungsfahrten in Wüsten und Steppen. Wien, 1940.

۱۹۴۴ ـ هنر ایران ـ تألیف ارنست دیتس؛ چاپ وین.
E. Diez: Iranische Kunst. - Wien, 1944.

۱۹۴۷ ـ کتاب موش و گربه عبید زاکانی. ترجمه هربرت والتر دودا؛ چاپ سالتسبورگ.
H. W. Duda: 'Ubaid Zakani: Katze und Maus. (Kitab-i-musch wa gurba,) - Salzburg, 1947.

۱۹۴۷ ـ رمانی از ایران ـ تألیف ا. نیشر فالکنهوف؛ چاپ وین.
E. Nischer-Falkenhof: Ein Roman aus Persien.-Wien, 1947.

۱۹۵۱ ـ مینیاتورهای ایرانی. تألیف کورت هولتر. چاپ وین
K. Holter: Persische Miniaturen. Wien, 1951.

۱۹۵۲ ـ بررسی دربارهٔ ایران. توسعه‌و‌تکامل اطلاعات غربی درمورد جغرافیای‌ایران ـ تألیف آلفونس‌گابریل؛ چاپ وین.
A. Gabriel: Die Erforschung Persiens. Die Entwicklung der abendländischen Kenntnis der Geographie Persiens. - Wien, 1952.

۱۹۵۲ ـ آنجا که سون هدین گذر نکرد. یادداشتهای یك سفر علمی به‌ایران، براساس نوشته‌های ینس همسن ـ تألیف ماریا رودلف اشتوبیر؛ چاپ وین.

M.R. Stoiber: Wo Sven Hedin nicht war. Das Tagebuch einer Persienexpedition. Nach Aufzeichnungen von Jens Hemsen. - Wien, 1952.

۱۹۵۳ ـ شاهراه جنوبی شرق ایـران ـ تألیف گ. اشتراتیل زاوئر؛ چاپ وین.

G. Stratil-Sauer: Ostpersische Meridionalstrasse. Wien, 1953.

۱۹۵۳ ـ مطـالعـات جغرافیـائی در شرق ایـران ـ تألیف گ. اشتراتیل زاوئر (در دو جلد)؛ چاپ وین.

G. Stratil-Sauer: Geographische Forschungen in Ostpersien. - Bde. 1,2. - Wien, 1953.

۱۹۵۶ ـ دریای نمك و سرزمینهای بیدرخت. سفری دشوار بااتومبیل درایران وافغانستان ـ تألیف فردیناند اشتار مولنر؛ چاپ وین.

F. Starmühlner: Salzseen und Steppen. Eine hindernisreiche Autoreise durch Persien und Afghanistan. - Wien, 1956.

۱۹۵۶ ـ زندگی کاروان، شعر فارسی. ترجمه و تألیف ه. تیك؛ چاپ وین.

H. Tiek: Des Lebens Karawane. Persische Dichtungen. - Wien, 1956.

۱۹۶۱ ـ دربارهٔ فرهنگ زبان‌های باستانی ایران. تألیف ژاك دوشن گیمن. چاپ اینسبروك.

J. Duchesne-Guillemin: Zum altiranischen Wörterbuch. Innsbruck, 1961.

۱۹۶۵ ـ کتیبه‌های سلطنتی عیلام. تألیف فریدریش ویلهلم کونیگ. چاپ گراتس.

F.W. König: Die elamischen Königsinschriften. Graz, 1965.

۱۹۶۴ ـ تجسم جهان دیگر از نظر زرتشت، و دید تورات در این باره. تألیف فریدریش ویلهلم کونیگ. چاپ وین.

F.W. König: Zarathustras Jenseitsvorstellung und das Alte Testament. Wien, 1964.

۱۹۶۵ ــ سه ترجمه از کتیبه کانیشکا درسرخ‌کتل. چاپ جدیدی از متون این کتیبه‌ها بصورت تصحیح شده فنی و کتابی آنها. تألیف ر. گوبل. چاپ وین.

R. Göbl: Die drei Versionen der Kanischka Inschrift von Surkh Kotal. Neuedition der Texte auf verbesserter technisch-epigraphischer und paläographischer Grundlage. Wien, 1965.

۱۹۶۶ ــ واسیشکای دوم، از پادشاهان ناشناخته دوران متأخر کوشانیان. تألیف ر. گوبل. چاپ گراتس.

R. Göbl: Vasischka II., ein bisher unbekannter König der Späteren Kuschan. Graz, 1966.

۱۹۶۸ ــ تاریخ مجسم مادها. تألیف م. مایرهوفر. چاپ وین.

M. Mayrhofer: Rekonstruktion des Medischen. Wien, 1968.

۱۹۶۸ ــ نظریات مانی بنیانگزار آئین مانوی دربارهٔ ضرب سکه، و کوششی برای تفسیر وتشریح آن. تألیف ر. گوبل. چاپ وین.

R. Göbl: Der Bericht des Religionsstifters Mani über die Münzherstellung. Versuch einer Analyse. Wien, 1968.

اتّحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

9622522401

تاریخچه روابط فرهنگی ایران

با روسیه و سرزمینهای مختلف آسیای مرکزی و قفقاز: ازبکستان، تاجیکستان، تاتارستان، گازاخستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، داغستان، اوستی.

Title A first course in educ.

Author Reader, W. G.

Accession No. 7877

Call No. 370.2 R 257 F

BORROWER'S NO.	ISSUE DATE	BORROWER'S NO.	ISSUE DATE

Afroza Aktar
fee Ahmad
Almutsafika

9622522401

\- ۱ -

روسیه

مدتها پیش‌از آنکه قوم اسلاو درفاصلهٔ قرون سوم و پنجم میلادی دراستپ‌های روسیه قدم به‌میدان تاریخ گذارد، تاریخ در منطقه پهناوری از سرزمینهای کنونی شوروی بدست اقوام ایرانی نژاد سکا، اسکیث، سرمت، آلان و غیره آغاز شده بود، بطوریکه تقریباً در طول یکهزار سال فرمانروایان این سرزمینهای پهناور، از شرقی‌ترین حد آسیای میانه تادریای سیاه و حتی دریای مدیترانه این اقوام ایرانی بودند. در طول پانصدسال یعنی ازقرن سیزدهم تانیمهٔ دوم قرن هشتم پیش‌از میلاد ناحیه استپهای شمال دریای سیاه قلمرو «کیمری‌ها» بود که باحتمال قوی قومی ایرانی نژاد بودند، و بهرحال قطعی است که نامهائی که از پادشاهان آنها بدست آمده، نامهای ایرانی است.

در قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد اقوام «اسکیث» از آسیای میانه به سیبری غربی پیشروی کردند و کیمری‌ها را بجانب غرب و جنوب غربی

راندند. این قبائل را محققان اروپائی «ایرانیان شمالی» خوانده‌اند، و خاورشناس معروف روسی «راستوتسف» بدانان «برادران شمالی شاهنشاهی بزرگ هخامنشی» نام داده است.

در این قرون، طبق تحقیقاتی که مخصوصاً توسط دانشمندان شوروی بعمل آمده است، اسکیث‌ها برسراسر روسیه جنوبی بخصوص منطقه میان رودهای دن و دنیپر استیلا داشتند. در قرن سوم پیش‌از میلاد اقوام ایرانی نژاد دیگری بنام سرمت یا ساورروماتی که نخستین توصیف آنها را در نوشته‌های پولیب مورخ معروف قرن دوم پیش‌از میلاد میتوان‌یافت بنوبه خود از جانب شرق به سیبری غربی هجوم آوردند. این اقوام باگویش‌های مختلف ایرانی سخن میگفتند، و در دوران یونانیان صاحبان بلامنازع این‌سرزمینها بشمار میرفتند، چنانکه تازمان بطلمیوس همه روسیه جنوبی را «سارماتیا» (سرزمین سرمت‌ها) مینامیدند و قلمرو آنان را به‌دوقسمت سارماتیای اروپائی (در مغرب رود دن) و سارماتیای آسیائی (در شرق این رود) تقسیم کرده بودند. اندکی بعد مردم ایرانی‌نژاد دیگری بنام «آلان» به ناحیهٔ قفقاز (گرجستان و ارمنستان و آذربایجان کنونی) راه یافتند و در منطقه آلان یااران (آذربایجان کنونی شوروی) مستقر شدند، و بعداً عده‌ای از آنها همراه واندالها به‌رم و اسپانیا و حتی به‌شمال افریقا یورش بردند ودرآنجا استقرار یافتند.

«کورگان پنجم» است و این همان فرشی است که اکنون بنام فرش «پاسیریك» در موزه ارمیتاژ لنین‌گراد نگاهداری میشود.

دربارهٔ وضع مدنی این قبایل ایرانی در سرزمین آلتائی، تحقیق جامعی توسط «رودنکو» دانشمند شوروی در سال ۱۹۶۰ باعنوان ذیل در مسکو انتشار یافته است:

S. I. Rudenko: Kultura Naseleniya Tsentralnogo Altaya Skifskoie Vremya. Moskva, 1960.

بطوریکه «ریچاردفرای» در کتاب «میراث ایران» مینویسد براثر کاوشهائی که در این مناطق بعمل آمده، روشن شده است که‌درسراسر منطقه میان آلتائی و شمال چین از یکطرف و مناطق ترانسیلوانی و مجارستان در اروپا از طرف دیگر، در دوران کهن نوعی پیوند و وابستگی وجود داشته که دست کم در طول هزار سال یعنی تازمان تاخت‌وتاز و گسترش هون‌ها در نخستین قرون میلادی، عاملین آن مردم ایرانی‌نژاد بودند.

در «اوستا» موطن اصلی آریاها (در اصطلاح اوستائی آریانم وئیجو) «ایالات سردشمالی» تعیین شده است که طبعاً ذهن‌را متوجه نواحی سیبری میکند.

باپیدایش امپراتوریهای ماد و هخامنشی، قسمتی از این اقوام ایرانی‌نژاد استپ‌ها بفرمان دولتهای مرکزی ایران درآمدند و در نواحی قفقاز و آسیای

سرمت‌ها نیز در هجوم کلی اقوام شمالی گت و ویزیگوت باروپا شرکت داشتند و گروههائی از آنان در نواحی مختلف این قاره مسکن گزیدند.

بگفتهٔ «دیاکونوف» مورخ معاصر شوروی، سرزمینهای پهناور شمال شرقی کرانهٔ دریای سیاه، ولگای جنوبی، کنارهٔ اورال، کازاخستان وآسیای میانه از اواسط هزارهٔ اول پیش ازمیلاد توسط قبائل ایرانی نژادکوچ نشین یعنی اسکیث‌ها، سرمت‌ها، آلان‌ها، روکسلان‌ها و یازیگ‌ها مسکون شده بود. بطوریکه وی مینویسد دسته‌های تازه‌رسیده «سکاها» دامنهٔ پیشرفت خود را حتی در امپراتوری آشور تافلسطین توسعه دادند.

در قفقاز شمالی شعبهٔ خاصی از این اقوام میزیستند که اشکودا Škuda نام داشتند واز قرن هفتم پیش‌از میلاد درآنجا استقرار یافته‌بودند. برخی قبایل دیگر اسکیث‌در همان زمان قسمتهائی از سرزمین‌کنونی اوکراین را در قلمرو خود داشتند.

این اقوام ایرانی‌نژاد نه‌تنها در جنوب روسیه و شمال قفقاز مستقر بودند، بلکه در سیبری و آلتائی و ترکستان چین نیز فعالیت میکردند. جالبترین مدرک این دوران که در کاوشهای باستانشناسی سی‌سالهٔ اخیر در ناحیهٔ «گورنوآلتائی» در جنوب سیبری در گورهای کورگانهای سکائی بدست آمده کهن‌ترین فرش جهان بانقشها و گل و بوته‌های دوران هخامنشی‌در گور

میانه به‌ساتراپی‌های ایران پیوستند، که شرح دقیق آن توسط هرودوت و عده‌ای از مورخان دیگر یونان داده شده و درشرح مربوط بـه‌آسیای میـانه در این فصل نیـز باتفصیل بیشتری از آن سخن رفته است، ولـی قسمت دیگر از آنها استقلال خویش را حفظ کردند. این دسته‌های اخیر، بارها بابرادران خـود در آسیـای میـانه و قفقـاز به‌پیکـار برخـاستند وحتی بروایت هرودوت در دشتهـای پهنـاور اوکراین نیز بـاسپاه هخامنشی در دوران داریوش دست وپنجه نرم کردند. بنا بدین روایت، داریوش اول قوائی برای سرکوبی اسکیت‌هـا به‌آن‌سوی رود دانوب فرستاد و این سپـاه چندین ماه در دشتهای پایان ناپذیر اوکراین بتعقیب این جنگجویان پرداخت، ولی ایشان باشیوهٔ عقب‌نشینی و جنگ وگریز پیاپی که بعدها اساس تاکتیك جنگـی روس‌ها قرار گـرفت قوای داریوش را بستوه آوردند وناچار این سپاه بدون تحصیل پیروزی قاطع بمواضع اصلی خود درخاك رومانی باز گشت.

از قرن سوم میلادی تدریجاً اقوم اسلاو که احتمالا کانون اصلی آنان نواحی شمالی‌تر بود سرمت‌ها را به غرب راندند و خود جایگزین آنهاشدند. ازآن‌پس این اقوام پیوسته باایرانیان شعبهٔ «ایران خـارجی» یعنی قبایل ایرانی‌نژاد آسیای میانه، وبـاایرانیـان اصلی یعنی ساکنان فلات ایران تماس نزدیکی داشتند که تا بـامروز نیز ادامـه دارد. ایـن ارتبـاط در دوران

شاهنشاهی ساسانی بصورتی رسمی درآمد، زیرا دراین زمان اسلاوهای غربی تامرزهای امپراتوری روم شرقی (بیزانس) پیش رانده بودند، و چون این امپراتوری سدی در برابر پیشرفت بیشتر آنها بود اینان با حریف اصلی امپراتوری رم یعنی ایران ساسانی در پیکار بابیزانس متحد شدند و بدین ترتیب نه فقط بااقوام ایران خارجی، بلکه این‌بار باخود ایران ارتباط یافتند. درمنابع تاریخی مدارك متعددی دربارهٔ اتحاد اسلاوها باایرانیان در قرون ششم و هفتم میلادی در پیکار ممتد آنان باروم شرقی میتوان یافت. در این زمان هراکلیوس امپراتور بیزانس علیه ایران باخزرها، ساکنان کنارهٔ دریای خزر متحد شده بود ودر عوض خسروپرویز شاهنشاه ساسانی‌یك‌اتحاد سه‌جانبه را بین ایران و اسلاوها و آوارها برای تهدید قسطنطنیه از راه زمین و دریا پی‌ریزی کرده بود.

نفوذ فرهنگ کهن ایرانی را که بیشتر یادگار اقوام ایرانی‌نژاد سرمت و آلان است، بصورتهای مختلف در اصطلاحات خاص اسلاوها و در معتقدات و سنن دیرینه آنها میتوان یافت. مثلا نام دریای سیاه را که یونانیان بدان اوکسین Euxin میگفتند اسلاوها از اصطلاح ایرانی این دریا «آب سیاه» و نیز نام رود دن را از کلمهٔ ایرانی «داونا» (آب، رودخانه) گرفته‌بودند. شهری درکنار دریای‌سیاه ازهمان زمان اسلاوها «سروش» نام گرفته بود. به

فلزات گرانبها «مد» میگفتند، زیرا این فلزات از سرزمین ماد میآمد. «خدا» را بغ (اصطلاح قدیمی ایرانی) و روح شر را «دیو» مینامیدند*، و بعنوان خدای اعلی یاربالارباب خورشید را پرستش می‌کردند. آتش در نزد همه ایشان جنبهٔ تقدس داشت.

در تاریخ‌های قدیم روسی، در شرح حال ولادیمیر Vladimir پادشاه دولت کیف که درسالهای ۹۷۸ تا ۱۰۱۵ میلادی میزیست، نقل شده که وی چندین بت‌را که‌مورد پرستش اسلاوها بودند دربالای تپه مجاور کاخ خود نصب کرده بود. نام یکی از این بت‌ها «خورش» بود که شکل اسلاوی شدهٔ «خورشید» است، و یکی دیگر از آنها «سیمرغ» نام داشت که بهمین صورت تلفظ میشد. اسلاوهای غربی‌که بعداً در سرزمینهای بالکان و اروپای شرقی جای گرفتند، معتقد به دوخدای متضاد بنام‌سیاه‌بغ «چرنوبوگ» Černobog (خدای‌سیاه) وسپید بغ «بلوبوگ» Belobog (خدای سفید) بودند و این طبعاً یادگار معتقدات کهن ایرانی بود**

---

* دربارهٔ تأثیرزبانهای ایرانی در زبانهای اسلاوی‌ازنظرزبان‌شناسی و لغت‌شناسی وصرف ونحو، چندین اثرتحقیقی توسط دو دانشمند خاورشناس برجسته شوروی فریمان A. A. Freiman ومخصوصاً آبائف V. I. Abaev انتشاریافته است که برای اطلاع بیشتری در این زمینه میتوان بدانها مراجعه کرد.

**نقل از سخنرانی علمی مفصل ایوان‌دوژچف Ivan Dujcev استاد دانشگاه صوفیه در کنگره بین‌المللی «ایران و دنیای یونان و روم» در آکادمی ایتالیا، در آوریل ۱۹۶۵ بنام «دنیای اسلاو و ایران باستانی».

در زمـان خلافت عبـاسی «روسهـای» اسلاو بـا امپراتوری اسلامی از راه ایران آشنائی یافتند و این آشنائی مخصوصاً جنبه‌مبادلات بازرگانی داشت. اندکی بعد ویکینگهای اسکاندیناوی سرزمینهای پهناور میان نواحی خود و مناطق کریمه و قفقاز و دریای خـزر را مورد حمله و اشغال قرار دادند و از این راه نه تنهـا رابطهٔ بازرگانی ایران بـاسرزمینهای اسکـاندیناوی برقـرار شد (کـه یادگـار آن سکه‌هـا و مصنوعـات مختلف ایرانی است که در دانمارك وسوئد بدست آمده است)، بلکه در عین حال روابط تجـارتی ایرانیـان باروسها و اسلاوها بخصوص در مناطق پیرامون رود ولگـا منجمله «نوگورود» زیـادتر شد. بدین روابط تجارتی در بسیاری ازکتب مؤلفان اسلامی اشاره شده، و درقرن اخیر وقرن حاضر نیز عده‌ای از خاورشناسان برجستهٔ روسیه واتحاد شوروی از قبیل دورن، بارتلد، اسرزنفسکی، خولسون، یاکوبفسکی، زاخودر و غیره آثار تحقیقی متعددی دراین باره انتشار داده‌اند.

مآخذ مختلف اسلامی حاکی است که روسها یکبار در زمان حکومت حسن‌ابن زید علـوی برطبرستان در حدود ۲۶۵ هجری به آبسکون حمله بردند و بار دیـگر در حدود سال ۳۰۰ هجری به این منطقه تاختند و این بار تا شهر ساری پیش رفتند.

در ایـن مـورد بخصـوص «کـونیك» دانشمنـد قـرن نـوزدهـم روس تحقیقـات جـالبـی دربـاره

لشکرکشیهای روسها در نخستین قرون اسلامی به دریای مازندران و طبرستان دارد که از جمله آنها میتوان از آثار ذیل نام برد: «هجوم روسهای نرماند در سال ۹۴۴ میلادی (قرن چهارم هجری) به سرزمینهای واقع در کرانه‌های دریای مازندران براساس نوشته‌های نظامی و ابن‌الاثیر» (در بولتن تاریخ و زبانشناسی فرهنگستان علوم روسیه شماره‌های ۱۲ و ۱۳ سال ۱۸۴۷) و «منابع روسی درباره لشکرکشی روسها به‌طبرستان درسال ۱۰۴۳ میلادی (قرن پنجم هجری)» (در مجموعه «دریای مازندران» تحت نظر ب. دورن، چاپ فرهنگستان علوم روسیه، جلد بیست وششم) و «آیا روسها درزمان محمد بدریای سیاه و دریای مازندران لشکرکشی کردند؟» (در همان مجموعه، جلد بیست و ششم). بدین لشکرکشیها، نظامی گنجوی که باحتمال قوی برای نخستین بار در ادبیات پارسی از «روس»ها یاد کرده و یکی از فصول هفت‌پیکر خود را نیز بدانها اختصاص داده در چند مورد اشاره کرده است.

ارتباط سیاسی ایران باقوم روس، از زمانی که حکومت «مسکوی» بوجود آمد شروع شد. در قرن پانزدهم میلادی نیکیتین بازرگان روس بقصد سفر هند از ایران گذشت و مدتی درشهرهای مختلف ایران بسر برد که در یادداشتهای خود بتفصیل در بارهٔ آنها بحث کرده است. اندکی بعد آنتونی جنکینسن انگلیسی

که نماینده دولت انگلستان و کمپانی مسکوی در مسکو بود و قبلا از راه دریای شمال بقلمرو «ایوان مخوف» تزار روسیه رفته بود، باجازه تزار و تحت حمایت او بایران آمد و در سال ۹۶۹ هجری در قزوین نزد شاه طهماسب صفوی بار یافت. چندی پس از آن تزار روس نخستین هیئت سیاسی «مسکوی» را به سفارت بایران فرستاد. در زمان شاه‌عباس دوم هیئت مختلط سیاسی وبازرگانی بسیار بزرگی از روسیه در سال ۱۶۶۴ میلادی بایران آمد که تعداد اعضای آن به ۸۰۰ نفر بالغ میشد، و اززمرهٔ هدایائی که‌این هیئت همراه داشت مقدار زیادی ودکا بود که‌ایرانیان برای نخستین بار باآن آشنائی میبافتند.

در زمان پتر کبیر نیز هیئتی بریاست یکی از ارمنی‌های روسیه بنام «اورینئی» بایران آمد و در اصفهان بنزد شاه سلطان‌حسین صفوی بار یافت. اندکی پس‌از بازگشت این هیئت پتر کبیر نیروئی برای حمله بشمال ایران بسیج‌کرد ولی نتوانست کاری انجام دهد.

در همین اوان بود که استپان‌رازین قزاق شورشی معروف که علیه تزار و اشراف و مالکین عصیان کرده و بتصرف شهرها و نواحی پهناوری در منطقه ولگا پرداخته بود باقزاقهای خود در کرانه‌های جنوبی دریای خزر پیاده شد و آنجا را بتاراج داد، و وقتی که بارسیدن قوای مسلح ایران ناچار ببازگشت شد دختر

زیبای حاکم گیلان را که یکی از شاهزاده خانمهای صفوی بود باخویش همراه برد، ولی چندی بعد باآنکه سخت دلداده این دختر بود برای جلوگیری از عصیان نفرات خود او را بعنوان قربانی بدست امواج ولگا سپرد واین ماجرا مایه یکی از ترانه‌های معروف و شاعرانه‌ای شد که هنوز هم دراین نواحی برسر زبانها است. استپان‌رازین بعداً توسط قوای تزار آلکسئی اول دستگیر و درمیدان سرخ کنونی مسکو اعدام شد.

در دوران صفویه روابط سیاسی وبازرگانی ایران باروسیه بسیار زیادتر شد. یادگار گویائی از این روابط هدایای متعدد و نفیسی است که پادشاهان صفویه برای تزارهای روسیه فرستاده‌اند و اکنون غالب آنها در تالار اسلحه‌خانه کاخ معروف کرملین نگاهداری میشود (بشرح مربوط باین تالار مراجعه شود).

نشریه رسمی «موزه هنرهای شرق» در مسکو (چاپ مسکو، ۱۹۶۸) مینویسد که از آن زمان ببعد لباسهای رسمی تزارهای روسیه از پارچه‌های زری‌بافت ایران تهیه میشد، و نیز پارچه‌های تزئینی کلیساهای روس غالباً کار هنرمندان ایرانی بود.

شایان تذکر است که در اوائل قرن گذشته مجله‌ای درشهر حاجی‌طرخان (هشترخان) بنام «اطلاعات شرق» منتشر میشد که قسمتی از مطالب آن شرح مسافرتهای بازرگانان ایرانی به‌روسیه بود. در یکی

از شمـــاره‌هـــای سال ۱۸۱۵ این مجله بتفصیل تشریح شده است که چگونه «پـــارسیان» ایـــران از طریق این بازرگانی ثروت‌های هنگفتی اندوخته‌اند.

ایـــن تـــوسعه منظـــم روابط تجـــارتی بـــاعث شد کـــه حتی برخی از اصلاحـــات رایج زبانهای فـــارسی و روسی بیکدیگر راه یابند. درین مورد میتوان من‌باب مثال از کلمات انبار، خزانه، صندوق، سرای، میدان، مخارج و غیره که بصورت فـــارسی آنها یـــا باندکی تغییر در زبان روسی راه یافته است نام برد. تـــاریخ ایران و روسیه از آن پس بطور مستمر در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی بایکدیگر مربوط بوده‌است که‌درکتاب حاضر تنهاجنبهٔ اخیرمورد بحث قرار گرفته است.

* * *

ترجمه‌آثار ادبیات کلاسیك ایران درروسیه تزاری از اوائل قرن نوزدهم آغاز شد و تقریباً مقارن بـــاآن آثار تحقیقی و سفرنامه‌ها و مطالعات تاریخی مربوط بایران شروع به انتشار کرد. با این وصف باید گفت که اولین کارهـــای ادبی مربوط بایران در روسیه حتی قبل از قرن نوزدهم انجام گرفته است. در کتابخانه ملی لنین‌گراد (سالتیکوف شچدرین) دو نسخه خطی روسی متعلق باواخر قرن هفدهم مسیحی وجود دارد که شامل ترجمه چند باب ازگلستان وبوستان سعدی بزبان روسی است وظاهراً آنها راباید قدیمی‌ترین‌ترجمه‌های ادبیات

فارسی به‌روسی دانست. این ترجمه‌ها هیچکدام بچاپ نرسیده‌اند و نام مترجم آنها نیز معلوم نیست.

در سال ۱۷۹۶ ترجمه روسی قطعـاتی از گلستان سعدی در سنت پترزبورگ بچـاپ رسید. مترجم این قطعات کاتلینسکی شاعر معروف عهد ملکه کـاترین بود.

در سالهای ۱۸۱۰ و ۱۸۱۵ و ۱۸۱۸ چند تـرجمه ناقص روسی از سعدی و جـامی وانوری و حـافظ و فردوسی منتشر شد. قطعاتی از شاهنامه درسال ۱۸۱۵ به‌روسی ترجمه شد و ترجمه منظومی از بیژن ومنیژه درسال۱۸۱۸ در سنت پترزبورگ انتشار یافت.

در سال ۱۸۱۵ اولین مجله خاورشناسی روسیه بنام «پیام آسیا» در سنت پترزبورگ منتشر شد که سه‌سال عمر کرد، ودرین مدت ترجمه قطعات مختلفی ازادبیات فارسی درآن به‌چاپ رسید.

درهمین سال ترجمه‌ای از انجیل بزبان فارسی که توسط «هنری‌مارتین» کشیش مسیحی در شهر شیراز انجـام گرفته بود در سنت پترزبورگ منتشر شد، و ظاهراً این اولین کتابیست که در روسیه بفارسی چاپ شده است.

در سال ۱۸۲۱ قسمتی از پندنامه عطار که از متن فارسی ترجمه شده بـود در سنت پترزبـورگ انتشار یافت و از ۱۸۲۹ تـا ۱۸۴۵ بیش از سی تـرجمه از شعرای ایـران بخصوص از سعدی در مجـلات روسی

سنت پترزبورگ و مسکو و سایر شهرستانها بچاپ رسید. این ترجمه‌ها شامل شانزده ترجمه از سعدی، ده ترجمه ازحافظ و پنج ترجمه از جامی بود. در ۱۸۳۱ ترجمه قطعاتی از اسکندرنامه نظامی توسط شاعر روس «آرنوبیشین» منتشر شد. در سال ۱۸۴۸ ژوکوفسکی شاعر روس که دوست و معاصر پوشکین بود (باژوکوفسکی خاورشناس معروف اشتباه نشود) منظومهٔ «رستم و سهراب» را به‌نظم روسی ترجمه کرد. این اثر ترجمه دقیقی از فردوسی نبود، ولی در آن از شیوه کلاسیك فردوسی پیروی شده بود. در ۱۸۶۰ «فت» شاعر بزرگ روس ترجمه بیست وچهار غزل از حافظ‌را انتشار داد، واین‌کار یکی ازمهمترین وقایع ادبی آن زمان بشمار آمد. از ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۲ پنج ترجمه از گلستان بزبان روسی منتشر شد که آخرین آنها توسط «خولموگوروف» صورت گرفته بود. این ترجمه از بهترین ترجمه‌های روسی گلستان است. در ۱۸۸۳ ترجمه منتخبات دیوان انوری توسط والنتین ژوکوفسکی درسنت پترزبورگ انتشار یافت. در ۱۸۹۱ برای نخستین‌بار قسمتی از رباعیات خیام به‌روسی ترجمه شد، و درهمان سال ترجمه قسمتی از مثنوی بزبان روسی بچاپ رسید. در ۱۹۰۲ متن و ترجمه قطعات متعددی از ادبیات عامیانه فارسی توسط ژوکوفسکی منتشر شد. از ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۷ کتاب «تاریخ ایران و ادبیات وتصوف آن» توسط کریمسکی

دانشمند بزرگ اوکراینی ازطرف انستیتوی زبانهای شرقی لازارف درمسکو انتشاریافت، واین‌اولین تاریخ مدون و معتبر ادبیات کلاسیك ایران است که‌درروسیه بچاپ رسیده است. در ۱۹۱۰ قسمتی از رباعیات خیام توسط بالمونت به‌شعر روسی ترجمه شد. در ۱۹۱۵ کتاب عالی «تاریخ حماسه ایرانی» توسط بارتولد ایران‌شناس نامی انتشار یافت. در ۱۹۱۶ مجموعه‌ای بنام «غزلسرایان فارسی زبان قرون دهم تا پانزدهم» تألیف کرش خاورشناس نامی روس بعداز مرگ او انتشار یافت. این مجموعه شامل ترجمه‌هائی از اشعار خیام، خاقانی، سعدی، مولوی، حافظ، ابن‌سینا، و غیره بود. در سالهای ربع آخر قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم فرهنگ‌ها و دستورهای زبان فارسی و سفرنامه‌های متعددی درباره ایران در روسیه انتشار یافت که فهرستی از آنها در این فصل نقل شده است.

در تمام قرن نوزدهم و نیمه قرن بیستم، ادبیات و هنرهای ایران الهام‌بخش بسیاری از آثار بزرگ ادب و هنر روسیه بود. پوشکین بزرگترین شاعر روس به آثار سعدی علاقهٔ بسیار داشت و در چندین اثر خود از او با تجلیل یاد کرده است رادیو مسکو در یکی از برنامه‌های خود (دوم خرداد ۱۳۴۵) نقل کرد که چایکفسکی آهنگساز بزرگ روس زبان فارسی را آموخته بود و درکارهای هنری خود از مایه‌های پارسی

الهام میگرفت. آهنگساز بزرگ دیگر روس «ریمسکی کرساکف» سویت بسیار معروف «شهرزاد» خود را براساس مایه‌های‌ایرانی ساخت. «بورودین» و «گلینکا» «راخمانینوف» وعده‌ای دیگر از آهنگسازان روس از مایه‌های ایرانی الهام گرفتند. «درژاوین» و «لرمانتوف» و «فت» مترجم معروف حافظ و بسیاری دیگر از شعرای بزرگ روس اشعار مختلفی دربارهٔ ایران سرودند و درموارد متعدد نیز مستقیماً از ادبیات فارسی ملهم شدند.

خلبنیکوف و یسنین دوشاعر نامی‌انقلابی روس در آغاز قرن حاضر، ارتباط عمیقی باادبیات ایران داشتند. خلبنیکوف که در سال ۱۹۲۰ (دوسال پیش‌از مرگ خود) بایران آمد منظومه‌ای بنام لیلی ومجنون باالهام از نظامی ساخت و قطعات متعدد دیگر براساس مایه‌های ایرانی بنام «نوروز» و «کاوه‌آهنگر» و «ترانه فارسی» سرود و در اثر معروف خود بنام «پایه فرهنگ ما» نوشت: «فردوسی وحافظ کسانی هستند که درطول موجودیت یك ملت فقط یکبار ظهورآنها امکان دارد». یسنین شاعر معروف دیگر روس، اصولا یك دیوان اشعار خود را که موضوع همه آنها از ایران الهام گرفته است «مایه‌های ایرانی» نامید. ماکسیم‌گورکی به ادبیات ایران احترام و علاقه عمیقی داشت، چنانکه مجموعهٔ کتب کتابخانه شخصی او که در سال ۱۹۰۱ به‌کتابخانه نیژگورود اهداء شد شامل یك نسخهٔ

خطی نفیس از گلستان سعدی و ترجمه‌های مختلف از شاهنامه و خیام و حافظ و مجموعه‌ای از کتب مربوط به‌تاریخ و هنر وادبیات وعرفـان ایران بود. گورکی مخصوصاً در اصول آئین زرتشتی مطالعات زیاد کرده بود.

از بعداز انقلاب ۱۹۱۷، بـا افزایش توجه دولت مـرکـزی بـه مسائـل آسیائـی، ترجمه‌هـای آثـار کلاسیك ادبیات فارسی و نشر آثار تحقیقی مختلف در رشته‌های تاریخ و زبانشناسی ایران و نیز چاپ متون فارسی از روی نسخ خطی موجود درکتابخانه‌های اتحاد شوروی توسعه بیشتری یافت، چنانکه تنهـا در رشته ادبیات فـارسی از ۱۹۱۸ تـا ۱۹۶۸، ۱۶۸ اثـر از نویسندگان و شعرای ایـران مجموعـاً در بیش‌از سه میلیون نسخه به‌سیزده زبان از جمله روسی، گرجی، ارمنی، آذربایجانی، ازبکی، تاجیکی ترجمه وچاپ شده است. حداکثر «تیراژ» این آثار متعلق به خیام است‌که تاکنون از ۰۰۰ر۰۰۰ر۱ نسخه تجـاوز کـرده است. تیراژهای بزرگ دیگر در درجه اول متعلق به‌فردوسی نظامی، سعدی، حافظ، وجامی است. قصه‌های ایرانی و امثال و حکم فارسی نیز مـورد علاقه خـاص مردم شوروی است. مثلا اداره نشر آثـار ادبی در مسکو در سال ۱۹۵۶ ترجمه مجموعه‌ای از داستانهای ایرانی را در ۰۰۰ر۳۱۵ نسخه چاپ کرد، ولی استقبال عمومی از این مجموعه طوری بود که در سال بعد نـاگزیر به

چاپ تازه‌ای از آن اقدام شد.

نشر متون فارسی درسلسله «متون ادبی ملل شرق»
Pamyatniki literatury narodov vostoka. Teksty.
صورت میگیرد. این سلسله انتشارات، از طرف «مرکز انتشارات ادبیات شرقی آکادمی علوم»
Izdatelstvo vostochnoi literatury Akad. Nauk SSSR
بچاپ میرسد، که وظیفه آن نشر متون شاهکارهای ادب فارسی است. این قبیل متون، در سری اول از انتشارات این مجموعه که سری بزرگ Bolshaya seriya نام دارد بچاپ میرسد. دو سری دیگر این مجموعه عبارتنداز «سری کوچك»: Malaya seriya و «ترجمه متون» که اولی مخصوص چاپ متن‌های آثار جدید یامتون دارای اهمیت کمتر، و دومی مخصوص ترجمه روسی متون ادبیات کلاسیك شرقی است. از سال ۱۹۵۱ که این سه‌سری شروع به انتشار کرده، تاکنون قریب یکصد جلدمتن یاترجمه آثار فارسی درآن انتشار یافته است. مهمترین اثر ادبیات فارسی که تاکنون در این سلسله منتشر شده، متن منقح شاهنامه فردوسی است که‌درنه‌جلد بچاپ رسیده است، ودرتنظیم آن قدیمی‌ترین نسخ خطی معتبر شاهنامه متعلق به کتابخانه‌های مختلف جهان، منجمله نسخه‌خطی موزهٔ بریتانیا (سال ۶۷۵ هجری)، نسخه خطی کتابخانه عمومی «سالتیکوف شچدرین» لنین‌گراد (سال ۷۳۳

هجری)، نسخه خطی شاهنامه بای‌سنغری کتابخانه سلطنتی ایران (سال ۸۴۲ هجری)، نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی (سال ۸۴۹ هجری)، نسخه خطی دیگر انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی (در حدود سال ۸۵۰ هجری)، نسخه خطی کتابخانه قاهره، ترجمه عربی شاهنامه که در سالهای ۶۱۵ تا ۶۲۴ هجری توسط ابوالفتح‌ابن‌علی‌البنداری الاصفهانی انجام گرفته، مورد استفاده قرار گرفته است. کار تنظیم و چاپ این شاهنامه از سال ۱۹۵۵ تحت نظر برتلس E. E. Bertles ایرانشناس برجسته فقید شوروی آغاز شد و قسمتی از کتاب توسط خود او آماده چاپ گردید، ولی وی درسال ۱۹۵۷ درگذشت، وازآن پس از طرف آکادمی علوم اتحاد شوروی هیئتی مرکب از برتلس A.E. Bertels (فرزند برتلس‌فقید)، گوزالیان L.T. Giuzaliyan ، بانو اسمیرنوا O.I. Smirnova، عثمانوف M.N. Osmanov، طاهرجانف A.T. Tagirzhanov، عهده‌دار ادامه این کار شدند. بعداً دانشمندان ایران‌شناس دیگری چون براگینسکی I.S. Braginskiy و رستم‌علی‌یف R. Aliev و مخصوصاً باباجان‌غفوراوف B.B. Gafurov رئیس انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم شوروی بااین عده همکاری کردند. انستیتوی ملل آسیا درنظر دارد پس‌از پایان چاپ دورهٔ کامل شاهنامه، فرهنگ جامعی از اشعار فردوسی را نیز با همکاری

عده‌ای از دانشمندان ایران‌شناس تدوین و چاپ کند.
بسیاری از متون آثار کلاسیك ادبیات فارسی، بصورت عکس‌برداری شده از روی نسخه‌های خطی متعلق بکتابخانه‌های مختلف اتحاد شوروی تحت نظر «دائرۀ انتشار نسخه‌های خطی انستیتوی ملل آسیا»
Otdel publikatsii rukopisey Institut naradov Azii
بچاپ رسیده، که از زمره آنها میتوان از آثار ذیل نام برد: تاریخ عالم‌آرای نادری تألیف محمدکاظم وزیری مروزی از روی نسخه خطی کتابخانه انستیتوی ملل آسیا در لنین‌گراد، بدایع‌الوقایع تألیف زین‌الدین محمود واصفی هراتی در ۱۳۷۰ صفحه (متن فارسی و ترجمه روسی توسط بولدیرف)، «جهان‌نامه» اثر جغرافیائی قرن ششم هجری تألیف محمدبن‌نجیب بکران، تاریخ سلاطین مغنتیه دارالسلطنه بخارا تألیف میرزاعبدالعظیم دبیر، مجنون ولیلی امیرخسرو دهلوی از روی نسخه خطی عالی کتابخانه تاشکند با مقدمه فارسی و روسی، دستور الکاتب فی تعیین المراتب محمد بن هندوشاه نخجوانی دانشمند قرن هفتم هجری مربوط بتاریخ ممالك اسلامی شرق بامقدمه فارسی و روسی، «تصوف و ادبیات صوفیه» اثر برتلس حاوی متونی از: مرآت‌العشاق، نورالعلوم، رساله خواجه‌عبدالله انصاری، رباعیات شیخ نجم‌الدین کبری، رباعیات شیخ مجدالدین بغدادی، تفسیر غزلی ازعطار، قطعه‌ای از عشاق‌نامه عراقی، و تفسیر جامی درباره

رباعیات عراقی. قاموس هزار صفحه‌ای فارسی به روسی تألیف میرزاعبدالله عبدالغفار تبریزی، فرهنگ فارسی به روسی «میللر».

کار باارزش دیگری که اکنون در مورد ادبیات ایران در شوروی انجام میگیرد ترجمه متن کامل شاهنامه فردوسی به‌نظم روسی در شش جلد است. این ترجمه از سال ۱۹۵۵ تحت نظر آکادمی علوم اتحاد شوروی آغاز شده و نخستین جلد آن درسال ۱۹۵۷ و جلدهای دوم و سوم درسالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۵ انتشار یافته است که برروی هم آغاز شاهنامه را تاپادشاهی لهراسب شامل میشود. سه‌جلد دیگر این مجموعه در دست ترجمه و چاپ است. این کار ارزندهٔ فرهنگی در سال ۱۹۵۸ مورد تقدیر خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران قرار گرفت. ترجمه دیگری از شاهنامه توسط «درژاوین» و «لیپکین» بزبان روسی در سال ۱۹۶۴ در دو جلد از طرف آکادمی علوم شوروی در مسکوبچاپ رسید. ترجمه‌ای‌کامل وتفسیری از رباعیات خیام در دو جلد تحت نظر برتلس توسط علی‌یف و عثمانوف در سال ۱۹۵۹، و ترجمه دیگری از این کتاب توسط روزنفلد در سال ۱۹۶۱ در مسکو انتشار یافت. ترجمه‌ای از گلستان سعدی، همراه بامتن فارسی و شرح و حواشی جامع توسط علی‌یف در سال ۱۹۵۹، و ترجمه منتخبی از اشعار و آثار عبدالرحمن جامی توسط درژاوین ولیپکین درسال ۱۹۶۴ در مسکو

منتشر شد. اززمرهٔ سایر آثار منتشره مربوط به‌تاریخ وادب ایران، میباید اختصاصاً از کتب ذیل نام برد: متن تفسیر شدهٔ کشف المحجوب هجویری توسط دو دانشمند برجسته فقید ژوکوفسکی و راماسکویچ (چاپ لنین‌گراد، سال ۱۹۲۶) ـ ترجمه جامع‌التواریخ رشیدی توسط ختاگوروا، اسمیرنوا، در خفسکی، ارندس (دو جلد اول شامل چهار کتاب، چاپ مسکو و لنین‌گراد درسالهای ۱۹۴۶تا۱۹۶۰؛ جلدسوم چاپ‌باکو درسال ۱۹۵۷) ـ تاریخ اسماعیلیه فدائی باتفسیر انتقادی سمیونوف (چاپ مسکو، سال ۱۹۵۹) ـ تاریخ بدخشان بصورت چاپ عکسی باشرح و تفسیر انتقادی توسط بولدیرف (چاپ لنین‌گراد، سال ۱۹۵۹).

در سال ۱۹۶۳ کتاب «ادبیات شرق کهن Literatura drevnego vostoka شامل برگزیده آثار ادبیات قدیم ایران، مصر، بین‌النهرین، فلسطین، فینیقیه، چین و هندوستان تألیف دسته‌جمعی عده‌ای از خاورشناسان («نیکیتینا V. Nikitina، پایفسکایا E. Paevskaya، پوزدنه‌یوا L. Pozdneyeva، ردر D. Reder) انتشار یافت که قسمتی از بهترین آثار نظم فارسی درآنها ترجمه شده بود.

از سال ۱۹۶۲ مجموعه‌ای بنام ادبیات شرق Literatura Vostoka تحت‌نظر براگینسکی I. Braginsky و چلیشف، E. Chelishev و ایدلین L. Eidlin در مسکو منتشر میشود که هرساله چندین اثر از ادبیات کلاسیك

ایران درآن بچاپ میرسد.

متون فارسی این کتب در چاپخانه‌های دولتی مسکو و لنین‌گراد و جمهوریهای آسیائی شوروی، ودر چاپخانه «ایسکرارولوتسیا» در مسکو چاپ میشود. این چاپخانه که بیش از پنجاه سال از تأسیس آن میگذرد تاکنون کتابهای شاهنامه، رودکی، خیام، گلستان، وترجمه‌های فارسی پوشکین وگوگل وگورگی و غیره را چاپ کرده است.

درحال حاضر دومؤسسه مهم مطبوعاتی در مسکو مسئول چاپ آثار مربوط به ادبیات ایران یاآثار مختلف بزبان فارسی هستند، که عبارتند از نائوکا Nauka (دانش)، و پروگرس Progress (ترقی)

مؤسسه انتشارات «نائوکا» ناشر رسمی فرهنگستان علوم‌شوروی است. اززمره‌آخرین انتشارات‌ایرانشناسی «ادبیات شرق» است که‌متون فارسی وترجمه‌های روسی آنها و نیز ترکیب تحقیقی مربوط بدین آثار توسط آن‌بچاپ میرسد. اززمره آخرین انتشارات ایرانشناسی این مؤسسه در چند سال اخیر میتوان از کتب ذیل نام برد: حکومت نادرشاه افشار، تألیف آرونوا و اشرفیان_بختیاری، تألیف و. تروبتسکی_اشعارهجائی فارسی، تألیف دری _ شش قرن افتخار یا ادبیات فارسی ر قرون دهم یا پانزدهم، تألیف م. زند _ قابوس‌نامه _ بهار دانش _ ضرب‌المثلهای فارسی _ افسانه‌های فارسی، دخونامه، متون فارسی گلستان سعدی

ومجنون‌ولیلی امیرخسرو دهلوی. ــ ازدوسال پیش این مؤسسه به‌انتشارسری جدیدی‌بنام «فرهنگ ملل شرق، تحقیقات ومدارك» دست زده است‌که اولین اثرمنتشره در این سری «فــرهنگ ایــران در عصر ساسانیــان، یادداشتهائی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران در قرون سوم و چهارم و پنجم میلادی» نام دارد وتوسط و. گ. لوکونین تألیف شده است. چند اثر مهم دیگری که در نظر است درایــن سری منتشر شود عبــارت است از: «لغتنامه اشعار عنصری» تألیف ن. م. عثمانف که اولین اثــری از ایــن قبیل در نــوع خــود بشمــار میرود، «مهنام‌نــامه بخارا» اثــر فضل‌الله‌بــن روزبه‌بن خــان متن اصلی کتاب همراه باترجمه آن که توسط بانو ر. جلیلوا کارمند علمی‌انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علــوم ازبکستان صورت گــرفته بچاپ میرسد، آثــار نقره ساسانی» تألیف مارشاك کارمند علمی موزه دولتی ارمیتاژ لنین‌گراد، مسائل ارضی در ایــران معــاصر، تألیف آ. ای. دیومین، یادداشتهای «کاناکرتسی» مورخ اواخر قرن هجدهم که حاوی اطلاعات بسیطی دربــاره تاریخ ایران و قفقاز در دوران صفوی است.

درحال‌حاضر برنامه‌هــای این مؤسسه برای چــاپ کتابهای مربوط بایران شامل بیش از بیست کتــاب، منجمله «تاریخ جدید ایران» و «تاریخ ایران معاصر» است که باهمکــاری ایران‌شناسان مسکو و لنینگراد و

باکو و غیره از چند سال پیش در چندین جلد تألیف و از ۱۹۶۶ بچاپ آن شروع شده است، همچنین «فرهنگ جامع‌فارسی به‌روسی» و «لغتنامه بزرگ ادبیات فارسی قرون نهم تانوزدهم» که تألیف کتاب اخیر در دوشنبه (تاجیکستان) صورت گرفته است.

مؤسسه «نائوکا» سری انتشارات دیگری بنام «داستانهای معاصر شرق» دارد که ازجمله برنامه‌های آن نشر داستانهای کوتاه ایرانی است.

اخیراً مجموعه نفیسی بنام «آلبوم بزرگ مینیاتورهای‌ایران» توسط آ. ایوانف واو. آکیموشکین توسط این مؤسسه انتشار یافت که شامل بیش‌از چهل مینیاتور از استادان ایرانی قرون هشتم تا دهم هجری بود که برای نخستین‌بار منتشر میشد. از جمله آنها چندین مینیاتور کار یك هنرمند ناشناس یزدی نیمه‌قرن نهم هجری‌نقل ازیك‌نسخه خطی شاهنامه، مینیاتورهای سه نسخه خطی نظامی مکتب شیراز از قرن نهم هجری، چند مینیاتور ازنسخه خطی پنج‌گنج امیرخسرو دهلوی و «رقص در اویش» رضاعباسی بود که تاکنون منتشر نشده بود. درسال ۱۹۶۶ نیزمجموعه‌ای ازمینیاتورهای آثارجامی متعلق به‌قرن دهم هجری‌که توسط صدرالدین عینی وهمسرش گردآوری‌شده‌بود، باهتمام فرهنگستان علوم تاجیکستان بصورت رنگین و زیبائی توسط این مؤسسه بزبانهای روسی وانگلیسی بچاپ رسید. عینی درحال حاضر مشغول تدوین جلد دومی از این مجموعه

مشتمل برمینیاتورهائی است که اخیراً درسفر خود بایران از نسخه‌های خطی آثار جامی گردآوری کرده است.

مؤسسه انتشاراتی دولتی دیگر یعنی «پروگرس» مسئول چاپ کتبی است که بزبان فارسی منتشر میشود. این کتب شامل ترجمه‌های آثار بزرگ ادبیات روس و شوروی،کتابهای علمی، داستانهای مخصوص کودکان، و آثار شاعرانه معاصر ملل شوروی است. از جمله کتابهائی که در چندسال اخیر بزبان فارسی توسط این مؤسسه چاپ شده میتوان از کتب ذیل نام برد:

ترجمه‌های مختلفی از پوشکین، تولستوی، داستایوسکی، تورگنیف، چخوف. سرنوشت انسان اثر میخائیل شولوخف، داستانهای یوری‌ناگیبین، سرگذشت انسان حقیقی اثر باریس‌پالدودی، گل هفت‌رنگ اثر والنتین کاتایف، افسانه‌های ملی روسی و اوکراینی و ترکمنی، انسان زنده است اثر مشترک و. آکسنوف، و. ماکسیموف وا. شیم، «نامه‌ایکه هرگز فرستاده نشد» مجموعه داستان، مزرعه مادر و اولین معلم اثر چنگیز آتیمانوف نویسنده قرقیز، برکه‌های شفاف اثر یوری‌ناگیبین، ابن خطاب پشیز اثر لاگهین، ترجمه داستانهای آگینا بارتوشوئل، مارشاك، سرگی میخالکف، کارنی چوکوفسکی برای کودکان ایرانی، «پرواز به‌سیارات دیگر» و «پرده از رازها برکنار میشود» و «دوقلوی آسمانی» (کتابهای علمی عامیانه).

این بنگاه کتاب خاصی نیز بنام «خودآموز زبان روسی مخصوص ایرانیان، جملات محاوره روسی» تألیف بانو ناسیلووا و بانو کلوتسووا منتشر کرده است.

* * *

تاکنون نمایشگاههای متعدد مربوط بآثار هنری ایران و یادبودهای مختلفی از بزرگان علم و ادب ایرانی در جمهوریهای مختلف اتحاد شوروی تشکیل شده است.

در ۱۹۳۴ جشن هزاره فردوسی در مسکو، لنین‌گراد، تفلیس، ایروان، باکو، تاشکند، استالین‌آباد و عشق‌آباد برپا شد و بدین مناسبت ترجمه‌های متعددی از شاهنامه و آثار تحقیقی درباره این کتاب بزبانهای روسی، گرجی، ارمنی، آذربایجانی، ازبکی، و غیره انتشار یافت. گزارش کامل کار این یادبود در سال ۱۹۳۴ از طرف انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی و موزهٔ ارمیتاژ با عنوان «فردوسی، ۹۳۴ ـ ۱۹۳۴» در لنین‌گراد بچاپ رسید:

Ferdousi,934-1934. Institut Vostokovedeniya Akademii Nauk SSSR & Gosudarstvenniy Ermitazh. — Leningrad, 1934.

در ۱۹۳۵ سومین کنگره هنر و باستانشناسی ایران از ۱۱ تا ۱۶ سپتامبر در لنین‌گراد تشکیل شد. این نمایشگاه بزرگترین نمایشگاه جهانی ایران بود که تا آنوقت تشکیل شده بود و حتی آنرا «مهمترین

نمایشگـاه هنری قـرن» لقب دادند. درین نمایشگـاه ۲۴٬۰۰۰ قطعه از آثار مختلف مربوط بایران و سایر نواحی آسیای مرکزی که باهنر ایران ارتبـاط داشت در ۸۴ تالار موزه «ارمیتاژ» لنین‌گراد بمعرض نمایش گذاشته شده بود. قسمتی از این اشیاء از موزه ایران باستان، موزه سلطنتی گلستان، موقـوفات آستان قدس رضوی، مقبره‌شیخ‌صفی‌الدین در اردبیل، وقسمت‌دیگر از موزه‌های مختلف اتحاد شوروی (روسیه، ارمنستان، آذربایجـان، گرجستـان، ازبکستـان، ترکمنستـان، کـازاخستان، اوکـراین) و از مـوزه‌هـای لـوور و بـریتیش میوزیـوم و متروپـولیتن و کلکسیونهـای خصوصی اروپائی و امریکائی بدین نمایشگاه فرستاده شده بود. گزارش کامل این نمایشگاه و شرح آثار آن در نشریـه‌ای در ۳۰۲ صفحه بـاضافـه ۱۲۳ صفحه تصویر در سال ۱۹۳۹ تحت عنوان:

Tretiy mezhdunarodniy Kongress po izucheniya drevnevo Irana

انتشار یافت و بدین مناسبت چهار سری تمبر نیز که درآن‌ها نقش ظروف بـاستانی ایران در چهـار رنگ چاپ شده بود در مسکو منتشر گردید.

در ۱۹۵۳ مـراسم هـزاره ابن‌سینـا در مسکو و لنین‌گراد و چند شهر دیگـر شوروی برگـزار شد. در ۱۹۵۷ نیز تجلیل مشابهی در تاشکند صورت گرفت و بدین مناسبت تصمیم به ترجمه و چاپ دوه کـامل آثار

ابن‌سینا گرفته شد. این کار از سال ۱۹۵۷ ببعد با همکاری انستیتوی خاورشناسی آکادمی اتحاد شوروی در مسکو و آکادمی علوم جمهوری ازبکستان در تاشکند انجام گرفت. (به فصل ازبکستان مراجعه شود)

در ۱۹۵۸ هفتصدمین سال تألیف گلستان سعدی در مسکو و پایتختهای جمهوریهای قفقاز و آسیای‌مرکزی جشن‌گرفته شد و بدین‌مناسبت متن فارسی گلستان و ترجمه‌هائی از این کتاب بزبانهای مختلف شوروی انتشار یافت و دریاچه «کامسامولسکویه» و پارك آن در استالین‌آباد پایتخت تاجیکستان (دوشنبه کنونی) بنام سعدی نامگذاری شد.

در ۱۹۵۸ جشن هزار وصدمین سال تولد رودکی در مسکو و لنین‌گراد و استالین‌آباد (دوشنبه) و چند شهردیگرشوروی برگزارشد وبدین مناسبت‌آثار تحقیقی متعدد و ترجمه‌های مختلفی از اشعار رودکی بزبان روسی و زبانهای دیگر ملل شوروی انتشار یافت و چندین بنا و پارك و خیابان بنام رودکی نامگزاری شد.

در ۱۹۶۰ بیست و پنجمین کنگره بین‌المللی خاورشناسان از نهم تا نوزدهم اوت در مسکو تشکیل شد، در این کنگره که یك هیئت بیست نفری از دانشمندان ایرانی درآن شرکت داشتند برای اولین بار «ایران‌شناسی» که تا آن وقت قسمتی از کار شعبه «خاورمیانه» بودبصورت شعبه مستقلی ازکنگره درآمد

و زبان فارسی نیز یکی از زبانهای رسمی اعلام شد. در همین کنگره تصمیم بـه چاپ «فرهنگ بین‌المللی ادبیات کلاسیك زبان فارسی» و تشکیل کمیسیونی بین‌المللی بـرای مطالعه درباره تاریخ ادبیات ایـران بریاست پروفسور براگینسکی گرفته شد.

در ۱۹۶۲ کنفرانس «زبان‌فارسی» باشرکت قریب یکصدتـن از دانشمنـدان ایـران‌شناس شوروی در لنین‌گـراد گشایش یـافت. مذاکـرات کنفرانس بـه کارهای علمی مربوط به تألیف دستورهای زبان فارسی و تنظیم تاریخ علمی و انتقادی ادبیات فارسی وتدوین لغت‌نامه‌های کامل روسی بفارسی و فارسی بـه روسی اختصاص داشت.

در ۱۹۶۳ نمـایشگاهـی از مجمـوعـه‌ای شامـل ۳۰۰ ظرف ایرانی که بسیاری از آنهـا در نـوع خود منحصر بفرد بود در نمایشگاه «حفظ و احیـاء آثـار هنری» درمسکو ترتیب داده‌شد. درین نمایشگاه ظروف متعددی ازقرن هشتم هجری متعلق بنواحی دیگر ایران عرضه‌گردید. در دسامبرهمان‌سال نمایشگاه‌مینیاتورهای ایرانی در «موزه هنرهای ملل خـاورزمین» در مسکو گشایش یافت. در این نمایشگاه مینیاتورهائی از قرن پانزدهم مسیحی تا عصر حاضر ایران بمعرض نمایش گذاشته شده بود که از جالب‌ترین آنها آثار مختلفی از رضا عباسی و شاگردان او بود.

در ۱۹۶۵ نمایشگـاه بزرگ دیگری از هنرهـای

ایران در خانه دوستی مسکو تشکیل شد.

در سالهای جنگ جهانی دوم و بعداز آن تاکنون دسته‌های متعددی ازموسیقیدانان و هنرپیشگان گروه‌های هنری و دانشمندان و محققین اتحاد شوروی و جمهوریهای مختلف آن بایران آمده‌اند و دانشمندان و هنرمندان هنرپیشگان بسیاری نیز از ایران بدان سرزمین رفته‌اند که نظر بزیادی تعداد این مبادلات از ذکر جزئیات آنها صرفنظر میشود.

\- ۲ -

جمهوریهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، و جمهوری خودمختار تاتارستان

بین سرزمین‌های آسیای میانه و ایران، ارتباط تاریخی‌وفرهنگی چنان‌ریشه‌دار وکهنسالی‌وجود داردکه میتوان آنرا ازقدیمیترین مواردنوع خود درتاریخ‌جهان دانست. نخستین اشاره به سرزمین‌های مختلف آسیای میانه‌را در اوستا میتوان یافت، که طبق فرضیه‌ای که مورد تأیید دانشمندان خاورشناس اروپای غربی و اتحاد شوروی است، بخش‌های اولیه آن اصولا در سرزمین باختر نزدیك آمودریا (جیحون) تدوین شده است. دریشتها گفته شده که اهورامزدا متوالیاً شانزده سرزمین را آفرید، و بیشتر این سرزمینهائی که در اوستا ازآنهانام‌برده‌شده، مربوط به‌ایران شرقی و آسیای میانه است. در مهر یشت نیز به‌رودخانه‌های قابل کشتیرانی اشاره شده که آنها را فقط میتوان باسیردریا و آمودریا انطباق داد. در فرگرد اول وندیداد تصریح شده که دومین سرزمین عالی که آهورامزدا آفرید دشتی بودکه بعدهاسغدیان درآن‌جای گرفتند. از زمرهٔ سرزمین‌های دیگری که در اوستا از

آنها یاد شده مرغیانا (مرو)، تورا (توران در خوارزم) داهه (در ترکمنستان کنونی) است.

از تورانیان چند جا در اوستا بصورت Tura و از کشور آنها بصورت Turyana یاد شده، که کهن ترین این موارد در یسناهات ۴۶ و بند ۱۲ گاتها است. درفروردین یشت، بند ۱۴۳، از زمرهٔ اقوامی که پیروان زرتشت هستند از آئیریا، سی ئی رمینه، توئیریا، نام برده شده که طبق سنن تاریخی ایران، بازماندگان ایرج وسلم وتورسه فرزند فریدون هستندکه سرزمین پهناور فریدون میان آنها تقسیم شده بود. ازنظر تحقیقی، این سه قوم عبارتند از: آریائیهای ایرانی، سرمت هـای ساکن میان دریاچه آرال و جنوب روسیه، وسکاهای ساکن نواحی سیحون و خوارزم. داستان فریدون، همدر اوستا وهم در وداآمده است و از اینجا معلوم میشودکه این داستان مربوط به دورانی است که هنوز آریائی‌های ایرانی وهندی ازهم جدا نشده بودند.

محل قـوم ایرانی نژاد تورانی در اوستا حـوالی کنگ ‌هه Kangha (گنگ دژ) ذکر شده استکه محققین شورویآنرا درحدود خوارزمدانسته‌اند، و «مارکوارت» خاورشناس نـامی آلمانی آنرا با کهنگ Khang(نـام چینی سمرقند) مربـوط دانسته و گنگ دژ را محلی میداند که بعدها شهر بخارا در آنجا بنا گردید.

دربارهٔ ارتباط فرهنگی ایـن قبائل ایرانی نژاد آسیای میانه با تاریخ وفرهنگ ایران در دوران بسیار

کهن، تاکنون تحقیقات فراوانی شده‌است. مثلا «آرتور کریستن‌سن» ایران‌شناس برجسته دانمارکی، هوشنگ پادشاه پیشدادی شاهنـامه را همان Targiatos میداند که «سکاهای»آسیای میانه‌اورا نخستین‌بشری میشناسند که آفریده شد، و براین اساس معتقد است که ایرانیان ایـن اعتقاد را از هـم‌نژادان سکائـی آریائی خـود گرفته بودند. این‌دانشمند تهمورس دیوبند رانیزهمان Arpoxaisمیدانـد کـه طبق معتقـدات سکاهـا پسر «تارگیاتوس» بود و به گفته وی آرپوخا در افسانه‌های سکائی نام نخستین پادشاه ملتی بنامArpaبوده که از آن در اوستا با تلفظAripa یادشده است. مدارك متعددی‌از ارتباط ایران با سرزمینهای ایرانی‌نشین آسیای میانه از منابع ایرانی ویونانی در دست است. کتیبه معروف داریوش دربیستون دراین مورد از سرزمینهای مرگوو مرغیانـا (مرو)، پـارتیا (ترکمنستان و قسمتـی از خراسان)، سوغودا (سغد)، پاریکانی (احتمالا فرغانه) و نیز سه دسته از سکاها بنام «سکاهای آن سوی دریا» و «سکاهـای پرستندۀ هئوما» و «سکاهای تیزخود» نـام میبرد که طبق تحقیق دانشمندان شوروی، بترتیب در جنوب روسیه نزدیك دریاچه آرال، بخش شرقی آسیای مرکزی در میان فرغانه و ترکستان چین، و ترکستان غـربی تا مشرق دریای آرال و شاید تا دریای خـزر میزیسته‌اند. ـ هرودوت در شرح ساتراپی‌های ایـران ساتـراپی شانزدهم را شامل پـارتها، خوارزمی‌هـا،

سغدیها و آریائی‌ها میشمارد و مینویسد که این ساتراپی‌ها سالانه مبلغ گزافی برای خزانه شاهنشاه میفرستادند. خود داریوش درشرحی‌که دربارهٔساختمان کاخ شوش مینویسد، تذکر میدهد که برای ساختمان این کاخ سنگ مرمر ازسغد وسنگ فیروزه ازخوارزم به‌شوش آورده شد.

در آن زمان، و حتی از مدتها پیش از آن، روابط بازرگانی و مبادلات کالا میان نواحی آسیای میانه با نواحی مرکز و مغرب و جنوب ایران دائر بود، و بهترین دلیل آن آثارکاملا مشابهی است‌که درحفریات نمازگاه و قره‌تپه در آسیای میانه و کاوشهای سیلك کاشان و شوش بدست‌آمده است. برخی ازآثار هنرهای دستی مغرب ایران بخصوص لرستان حتی در مرزهای چین کشف شده است.

درسال ۱۸۷۷ در ناحیهٔ باختر (باکتریای شمالی) گنجینه نفیسی از آثار هنری آسیای میانه بدست آمد که به «خزانهٔ آمودریا» معروف است و اکنون در موزه بریتانیا (بریتیش میوزیوم) درلندن نگاهداری‌میشود. این گنجینه مربوط به قرون پنجم یا چهارم پیش‌از میلاد است و بصورتی بارز روابط هنری ایران را با مردم آسیای میانه نشان میدهد. از آثار درجه اول این مجموعه پانصد سکه طلا ونقره، مجسمه‌هائی ازفلزات گرانبها، ظروف و بخصوص دستبندها و سینه‌ریزهائی است که غالباً به شیوه هنر درباری هخامنشی ساخته

شده است.

به گفته هرودوت، کورش در سفر جنگی خود به آسیای میانه سرزمینهای بلخ و مرو و سغد را گشود و تا سیردریا (سیحون) پیش رفت، و در آنجا شهری مستحکم با برج و باروهای بسیار در سغدیان ساخت که مورخان یونانی آنرا کوروپولیس Cyropolis (کورش شهر) نامیده‌اند. بقایای این شهر در سال ۱۹۵۸ در اوراتپه (استروش) توسط هیئت اعزامی انستیتوی تاریخ و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی آکادمی علوم تاجیکستان مورد کاوش قرار گرفت و در سال ۱۹۵۹ این هیئت توانست آثار متعدد هخامنشی را در این محل کشف کند.

بطوریکه «کنت کورس» مورخ معروف مینویسد در قرون چهارم پیش از میلاد مرکنده (سمرقند) باروی مستحکمی داشت که بمقیاس امروزی سیزده کیلومتر محیط آن بود، و ظاهراً این بارو نیز توسط کورش ساخته شده بود.

در دوران هخامنشی، طبعاً روابط وسیعتری میان مردم استان‌های شمال شرقی شاهنشاهی ایران با سایر استانها حتی دورترین آنها برقرار شد. بهترین مدرک این روابط نوشته‌های مورخان یونانی است که بموجب آن در آن زمان در جزیره الفانتین واقع در ناحیهٔ نوبی افریقا و نیز در شهر ممفیس مصر که از متصرفات ایران بود، کارگزاران و کارگران

خوارزمی همراه کارگران ایرانی، مصری، بابلی، عبری، فینیقی و غیره کار میکردند. حتی طبق گفته هرودوت آمیناسپ فرماندار مصر که از طرف دولت هخامنشی در قرن چهارم پیش‌از میلاد بدین سمت برگزیده شده بود، از مردم آسیای میانه بود. شهر «باختر زرین اسب» (بلخ کنونی) در آن زمان در ایران از حیث شکوه و رونق همپایه شوش و تخت‌جمشید و همدان و بابل شمرده میشد.

مردم سرزمینهای آسیای میانه فن نوشتن را در دوران هخامنشی آموختند. خط ایشان نخست آرامی بود و بعد به صورتهای مختلف پارتی، سغدی، خوارزمی و غیره در آمد. در آن زمان افسانه‌های حماسی بسیاری نیز که یادگار تاریخ باستانی اقوام ایرانی‌نژاد این‌سرزمینها بود درنزدآنها رواج داشت. برخی ازاین افسانه‌ها توسط «کتزیاس» پزشک یونانی که در دربار ایران میزیست و پزشک مخصوص اردشیر دوم بود نقل شده است، که بعداً آنها را در شاهنامه میتوان یافت.

در دوران اشکانی، نظر به‌اینکه پارتها خود ازمردم ایران شرقی (خراسان و آسیای میانه) بودند روابط سیاسی وفرهنگی ایران بااین سرزمینها توسعه‌بیشتری یافت که بارزترین نمونه آنرا در آثار مکشوفه در «نسا» پایتخت اشکانیان در نزدیک عشق‌آباد کنونی میتوان یافت. این شهر دومین پایتخت پارتها پس از

شهر دارا Dara نزدیک ابیورد بود که ماسن M. E. Masson محقق روسی و رئیس هیئت باستانشناسی ترکمنستان جنوبی در سال ۱۹۵۰ موفق به کشف آن شد و نتیجهٔ کاوشهای خود را بنام «معلومات جدید در بارهٔ تاریخ پارتها» Novye dannye po istoriie parfii انتشار داد.

این شهر که در ۱۸ کیلومتری شمال‌غربی عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان شوروی (نزدیک دهکدهٔ باقر) قرار دارد و «ایزیدوروس» مورخ یونانی از آن بصورت پارتاونیسا Parthaunisa نام میبرد آرامگاه سلطنتی نخستین پادشاهان اشکانی و نام اصلی آن مهردادکرت Mithridatkirt (شهر مهرداد) بود، زیرا رونق آن از زمان مهرداد اول آغاز شد، هرچندکه قبل از مهرداد نیز باحتمال قوی این شهر پایتخت یا لااقل موطن ارشك اول بود.

اکتشافات باستان‌شناسی «نسا» یکی‌از ارزنده‌ترین گنجینه‌های تاریخی مربوط به هنر و فرهنگ ایران و آسیای میانه را در اختیار دانشمندان گذاشت، و بهمین سبب این کشف از همان آغاز از مهمترین اکتشافات باستان‌شناسی قرن حاضر بشمار آمد. حفاری این ناحیه نخستین بار در سالهای پیش از جنگ دوم جهانی توسط ماروشچنکو A.A. Marushchenko باستان‌شناس شوروی‌آغازشده‌بود، ولی‌کاوشهای اساسی از سال ۱۹۴۶ ببعد توسط «هیئت مختلط باستانشناسی ترکمنستان جنوبی» بریاست ماسن M. E. Massonصورت

گرفت، و ایـن کاوشها به کشف بیسابقهٔ ۲۵۰۰ سند و نـوشتهٔ آرشیو سلطنتی اشکانـی منجـر شد. ایـن عظیمترین مجموعهٔ اسناد شرقی استکه تاکنون بدست آمده است، و درعین‌حال مهمترین سندشناسائی دوران پارت بشمار میرود.

این‌کاوشها دربقایای دوشهر مجزای نسای قدیم و نسای‌جدید انجام‌گرفت. نسای قدیم تا اواخر قرن سوم پیش ازمیلاد مسیح (که ازآن پس متروك ماند و بحال خود رهاشد) اقامتگاه سلطنتی اشکانیان و شامل‌کاخها و پرستشگاهها و مقابر پادشاهان پارت بود. در نتیجـه کاوشهائی که در این ناحیه صورت گرفت، تالارهای وسیعی کشف شد که یکی از آنها بنام «تـالار مربع» بیست‌متر در بیست‌متر وسعت دارد، و تـالار دیگری بنام «تالار مدور» دارای هفده متر قطر است. در یك تالار بسیار بزرگ دیگر، که تنها یك ضلع آن شصت متر درازا دارد، گنجینه‌ای از آثار هنر اشکانی بدست آمد که قسمت اعظم آن اکنون در موزه دولتی هنرهای مشرق‌زمین در مسکـو و قسمتی نیـز در موزه‌هـای تاجیکستان وترکمنستان‌نگاهداری میشود. این‌مجموعه علاوه برساغرهای نفیس عاج که معروفترین آثار آن است، شامل مجموعـه بزرگی از ظروف، سرامیکهـا، مجسمه‌هائی از گل‌رس، چلیکهـای شراب و مخصوصاً نخستین مجسمه‌هـای مرمرین در تاریخ آسیای میانـه است. قسمتی از این آثـار نیز مجسمه‌های کـوچك و

زیبائی از سفال مجوف است که آنها را با لعاب طلا پوشانده‌اند.

کتیبه‌ها و الواح آرشیو سلطنتی نسا با هزوارش مخصوص پارتی نوشته شده است و از این نظر یک مدرک درجه اول علمی بشمار میرود. این نوشته‌ها که غالباً صورت حسابها واسناد خرید واحکام معاملات و باصطلاح اسناد کارپردازی سلاطین اشکانی است، ازچندین سال پیش توسط گروهی ازکارشناسان تحت نظر سه‌تن از دانشمندان متخصص این خط در دست قرائت است، و پس از انتشار ترجمه آنها وضع اداری اشکانیان‌که تاکنون تاریک بوده است ازبسیاری جهات روشن خواهد شد. براساس آن قسمت که تاکنون خوانده شده، معلوم میشود که بسیاری از نامهای آبادیهائی که در این اسناد از آنها سخن رفته با اسامی روستاها و شهرهای کنونی ایران تطبیق میکند (از قبیل آمل در کنار رود جیحون، کاشان در ماوراءالنهر و غیره).

درسال ۱۹۵۹ بانو «کرانشستی نیکووا» سرپرست گروه اول هیئت‌مختلط باستان‌شناسی ترکمنستان‌جنوبی درکاوشهای مجدد این محل سکه نقره سنگینی ازمهرداد اول اشکانی کشف کرد که برآن نیمرخ راست این پادشاه نقش شده بود. این سکه چهار درهمی که در نوع خود منحصر بفرد است اکنون از مهمترین مدارک سکه‌شناسی محسوب میشود.

دربارهٔ آثار هنری و اسناد خطـی مکشوفه در نسا فهرست‌های متعددی توسط دانشمندان شوروی انتشار یافته که مشخصات آنها در فصل ترکمنستان نقل شده است.

* * *

در دوران‌شاهنشاهی اشکانیان، یك‌قوم ایرانی‌نژاد دیگر نقش بزرگی در تاریخ آسیای میانه و هندوستان ایفاء کـرد، و آن قـوم «کـوشان» بود کـه اصلا از سرزمینهای خاوری آسیای میانه‌آمده بود و در قرن اول میلادی سلسله‌ای بنام «کوشانیان» در باختر تشکیل داد که پایتخت آن کابل کنونی بـود. این سلسله تدریجاً قلمرو نفوذ خود را وسعت داد و ناحیه پنجاب هند، را متصرف شد و تـا جنوب هندوستان نیز پیش رانـد. بزرگترین پادشاه این سلسله بنام کانیشکا در سدهٔ دوم میلادی تقریباً تمام آسیای میانه را که در بیرون از قلمرو حکومت اشکانی بود تصرف کرد و از آن پس نیز تا قرن پنجم میلادی نفوذ این سلسله کم و بیش در این نواحی باقی ماند.

اثـر فرهنگی پـایدار این حکومت، ترکیب هنـر ایرانی و هنر بـودائی بود که «ژوزف هـاکن» محقق معروف (کـه از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ در افغـانستان بکار حفاری باستان‌شناسی اشتغال داشت) آنرا «هنر ایرانی و بـودائی» مینامـد. ایـن هنر در طول چهار قـرن، یعنی از قرن چهارم تا قـرن هشتم میلادی در مناطق

پهناوری از آسیای میانه توسعه یافت و بدین ترتیب نفوذ فرهنگ ایران را در قالب هنر نقاشی آن تا مرزهای چین و تا داخل آن کشور توسعه داد.

هنر خاص پارت‌ها نیز رکن مهمی از این ترکیب هنری بشمار میرفت. برای این ترکیب دانشمند شوروی «راستوتسف» اصطلاح دیگری بنام «نوایرانی» بکار میبرد و مینویسد که این هنر در دوران پارتها تا چین و سیبری و روسیهٔ جنوبی نفوذ یافته بود، و بیگمان میتوان آنرا در پایان دورهٔ هلنی (یونانی) سرمشق هنر ایرانی و آسیائی و اروپائی دانست.

دربارهٔ نفوذ عنصر ایرانی در هنر آسیای میانه دانشمند برجستهٔ ایتالیائی «ماریو بوسالی» استاد هنر دانشگاه رم تحقیق مفصلی بنام «تأثیر هنر کلاسیك و ایرانی در هنر آسیای مرکزی» دارد که در چند شماره سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ مجله انستیتوی باستانشناسی و تاریخ هنر رم بچاپ رسیده است، و از نظر کمی جا از نقل مطالب آن خودداری میشود*

در دوران ساسانی تأثیر این هنرایرانی را بصورت بارزی حتی در مناطق دوردست آسیای میانه میتوان یافت. «رنه گروسه» مورخ و محقق معروف فرانسوی

---

* عنوان این مقاله چنین است:

Mario Bussagli: L'influsso classico ed iraniano sull'arte dell'Asia Centrale (Rivista dell'Istituto Nazionale d'Archeologia e Storia dell'Arte. Roma. N.S. II, 1953—1954).

در این باره مینویسد: «نقاشیهای قزل در شمال شرقی کاشغر، درست صفحه‌های مینیاتورایرانی است، نظیر آنچه‌دریکی ازصفحات شاهنامه‌کار تبریزیا هرات‌میتوان یافت. لباسهائی‌که دراین تصاویر دیده میشود لباسهای درباری یا جنگی ساسانیان است. با آنکه این منطقه صرفاً منطقه نفوذ چین محسوب میشود، در قرن هفتم نفوذهنری ایران‌را برآن‌کاملا حکمفرما میتوان‌یافت.»

دو دانشمند برجستهٔ فرانسوی انگلیسی و فرانسوی، «سر اورل استین» و «پل پلیو» در تحقیقات خود درنواحی کاشغر و ختن درترکستان چین امروزی، متونی بزبان متروك ایران شرقی که لهجه‌ای از زبانهای ایرانی است بدست آوردند، و بدین ترتیب معلوم شد که این زبان تا حدود سال هزار میلادی (قرن چهارم هجری) در ختن و کاشغر بکار میرفته است. «رنه گروسه» متذکر میشود که اصولا مردم کاشغرستان به شهادت مدارك نژادشناسی مردم ایرانی نژادی هستند که بعداً زبان ترکی را پذیرفته‌اند.

بارزترین تجلی این نفوذ هنری ایران را در هنر مانوی‌تورفان میتوان‌یافت. دراین شهرکه درمنتهی‌الیه شرقی کاشغرستان قدیم واقع بود (و اکنون متعلق به ترکستان چین است) در کاوشهائی که در اوائل قرن حاضر توسط دانشمندان روس، آلمانی، انگلیسی و غیره صورت گرفت، عالیترین مجموعه نقاشیها و اسناد مذهبی و هنری و تاریخی مربوط به آئین مانی بدست

آمد. این آثار اکنون در موزه‌های مختلف شوروی و موزه‌های کشورهای اروپا و امریکا نگاهداری میشود.

ناحیهٔ تورفان Turfan از نخستین قرن میلادی، یعنی از دوران حکومت اشکانی در ایران، یك مرکز بازرگانی و فرهنگی بود و این مرکزیت از هنگامیکه راه کاروان رو بازرگانی شرق و غرب ـ که بعداً راه ابریشم نامیده شد ـ از آن ناحیه گذشت بیشتر شد. مردم اصلی این سرزمین از نژاد آریائی بودند، ولی بعداً با عناصر چادرنشین درآمیختند و چندی نیز دست‌نشاندهٔ چین و تبت شدند و بالاخره بصورت هستهٔ مرکزی امپراتوری «اویغور» در آمدند، و در همین زمان بود که آئین مانی درآن سرزمین رواج یافت و هنر ایرانی نیز بصورت هنر مانوی در آنجا پایگاه استواری برای خویش پدید آورد.

نخستین بار در زمان خود مانی بازرگانان سغدی آئین مانوی را با خویش به‌سراسر آسیای مرکزی تا مرزهای‌چین بردند، وبعداً براثرآزار وتعقیب مانویان در ایران ساسانی، مانوی‌ها راه مهاجرت به آسیای میانه و کاشغرستان را در پیش گرفتند. موج بعدی نفوذ فرهنگی ایران وقتی بدین سرزمین روی آورد که شاهنشاهی ساسانی بدست اعراب سقوط کرد وبسیاری ازنجیب‌زادگان و دانشمندان‌ایرانی به‌نواحی دوردست شرق مهاجرت کردند. مدارك موجود نشان میدهد که در سال ۶۷۰ میلادی اینان حتی تا پایتخت چین نیز

رفتند. از جمله این مهاجران پیروز پسر یزدگرد سوم آخرین شاهنشاه ساسانی بود که مدتی با عنوان رسمی پادشاه ایران در چین بسر برد و نام او در تاریخ‌های چینی بصورت «پیلوسه» آمده است.

دسته دیگری از ایرانیان که در توسعه نفوذ هنری و فرهنگی ایران در این نواحی سهم مهمی داشتند نستوری‌های ایرانی بودند که با خود عناصر فرهنگ و هنر ایرانی و سریانی و بیزانسی را همراه بردند. از ترکیب این مایه‌های هنری ایران ساسانی و هنر چینی، در تورفان هنر نقاشی خاصی پدید آمد که بقول رنه گروسه «پیوندی بین ایران پیش از اسلام و آسیای شرقی بود». همین محقق مینویسید: «این محصول هنری ایرانی و چینی آثاری چنان بدیع پدید آورد که در هیچ جای دیگر نمونه آنرا بدین کمال نمیتوان یافت.»

مانی در دوران حیات خود سالها بمنظور تبلیغ آئین خویش در آسیای مرکزی بسر برد، و در همین زمان بود که الفبای سریانی رابا مختصات زبان ایرانی تطبیق داد و الفبای خاصی ساخت که الفبای رایج سغدیان و بعدها الفبای بسیاری از اقوام آسیای میانه شد. همراه با این الفبا شیوه نقاشی ابتکاری مانی نیز در این سرزمینها رواج یافت. شیوهٔ آراستن نسخه‌های خطی با مینیاتورهای زیبا که بعداً در ایران اسلامی معمول شد و بخصوص از دوران تیموری ببعد بحدکمال

خود رسید نخستین بار توسط مانی ابداع شد و تدریجاً به تمام سرزمینهای دوردست آسیای میانه راه یافت.

مانی شخصاً شش‌کتاب و بیش از۷۶ رساله ومنشور که صورتـــی از آنها در «فهرست ابن‌نـــدیم» نقل شده تألیف کرد. از جمله این آثار «انجیل مانی» است که از آن در زبـــان ساسانـــی بصورت ارتنگ و در اشکانـــی بصورت اردهنگ یاد شده و این همان اثری است کـــه در ادبیات فارسی ارژنگ نام گرفته است.

در کاوشهای تورفان و در غـــارهای توئن هوانگ Touen Huang قسمتهای‌مختلفی ازاین‌کتاب وازکتاب دیگر مانی بنام شاپورگان که به‌پهلوی ساسانی نوشته شده و تعدادی از سرودهای مـــانی به پهلوی اشکانی بدست آمده و در غار خوچو Khotscho نیز نقـــاشیهای متعدد مانوی کشف شده است.

مینیاتورها و نقاشیهائی که در «تورفان» بدست آمد وازهمانوقت موردتوجه خاص محافل علمی وهنری جهان‌قرارگرفت، فوق‌العاده اصیل وگویااست. محققان متعدد غربی و شورویکه در این باره مطالعه‌کرده‌اند، این آثـــار نقاشی راطرح‌هـــای اولیـــه مینیاتورهـــا و سرامیک‌هائی دانسته‌اندکه بعداً درایران واز راه‌ایران در تمام دنیای اسلام رایج شد، بدیـــن ترتیب که این مکتب نقاشی توسط اویغورها به چین رفت و از آنجا در دوران مغول با تغییراتی بار دیگر بایران بازگشت و سبک مینیاتور و تذهیب دوران مغـــول و تیموری و

صفوی را پدید آورد. «ماربوبوسالی» استاد هنر دانشگاه رم که قبلا از او یاد شد، درین باره مینویسد که: «هنر نیمه غربی آسیای میانه کاملا به هنر ایرانی وابسته است و ریشهٔ سنتهای پابرجای هنر اسلامی ایران را که بعداً بهشکل فعلی خود درآمده میباید در ایرآن خارجی جستجوکرد. درقلب همین ایران خارجی منجمله در نقاشیهای «پنجکند» است که پایههای هنر اسلامی بسیار بزرگ ایران پایهریزی شده است».

پنجکند Pendzikent که این دانشمند از آن نام میبرد، یکی دیگر از مهمترین مراکز باستانی آسیای میانه استکه ازنفوذ هنرایرانی حکایتمیکند. اینشهر که اکنون از مراکز درجه اول مطالعات باستانشناسی وهنری آسیای مرکزی بشمارمیرود، درشصتکیلومتری مشرق سمرقند واقع است و در زمان ساسانیان مرکز مهم بازرگانی و سوقالجیشی سرزمین سغدیان بود. در اواخر دوران ساسانی پنجکند اعلام استقلال کرد و شاهزادگانی بنام افشین برآن حکومت یافتند. در قرون پنجم تا هشتم میلادی این شهر رونق بسیار داشت، ولی پس از سقوط آن بدست اعراب در قرن دوم هجری تدریجاً بفراموشی سپرده شد، بطوریکه حتی نامی از آن در نوشتهها باقی نماند. دربهار سال ۱۹۳۲ تصادفاً چوپانی از اهالی دهکده حیدرآباد هنگامیکه گوسفندان خود را در دره زرافشان علیا بهچرا میبرد، از زیر خرابههای یك بنای کوچك در بالای کوهی قطعهپوستی

را که روی آن خطوطی ناشناس نوشته شده بود بدست آورد. این‌سند بیدرنگ توسط محافل‌علمی استالین‌آباد برای «فریمان» استاد ایـران‌شناس دانشگاه لنین‌گراد فرستاده شد، و بدین ترتیب نخستین نوشته زبان کهن ایرانـی سغدی در اختیار دنیای دانش قـرار گرفت. هیئتی که بعد از آن بـه محل کشف این سغد اعزام شد موفق به‌یافتن یك مجموعه کامل از اسناد خطی سغدی شد که اکنون بنام «آرشیو کوه مغ» معروف است. تمام ایـن اسناد بصورت عکس‌بـرداری شده بچـاپ رسیده است.

پس‌از کشف این اسناد، براساس اطلاعات مندرجه در آنها درباره تـاریخ آسیای میـانه در دوران اواخر ساسانی و زمـان استیلای اعـراب، دانشمندان به‌محل بـاستانی «پنج‌کند» پی بـردند و از سال ۱۹۴۶ یعنی تقریباً بلافـاصله پس‌از پایـان جنگ دوم جهـانی، کاوشهای باستانشناسی منظم دراین ناحیه توسط هیئت اعزامی انستیتوی باستانشناسی آکـادمی علوم اتحـاد شوروی و انستیتوی تاریخ آکادمی علوم تـاجیکستان و هیئت فنی و علمی موزهٔ ارمیتاژ لنین‌گراد تحت نظر پروفسور یاکوبوفسکی A. Iu. Yakubovsky آغاز شد. براثر این کاوشها یك شهر کامل بنام «شهرستـان پنج‌کند» و یك قریه و یك گورستان از قرون پنجم و ششم میلادی (قرن اول و دوم قبل‌از اسلام) از زیـر خـاك بیرون آمد و مخصوصاً کاخ سلطنتی پنج‌کند بصورتی تقریباً

دست نخورده پیدا شد که شرح دقیقی از آثـار و سبك معمـاری آنها تـوسط خانم وارونینـا V. I. Voronina کارشناس معمـاری این هیئت، در چندین جلد انتشار یافته است.

نقـاشیهـای دیـوارهـای قصور «پنج کند» کـه بصورتی کاملا سالـم بدست آمده، از عالیترین آثـار نقاشی است کـه از دوران باستان باقیمـانده است، و مانند نقاشیهای غارهای آجـانتای هند منبع پرارزشی برای مطالعه در تاریخ و فـرهنگ و هنـر بـاستانی بشمار میرود. شیوهٔ این نقاشیها مخصوصاً بانقاشیهای معبد فندقستان (در افغانستان) نزدیك است.

در این آثار نفوذ هنر ایرانی کاملا آشکار است، و مخصوصاً شایسته استکه بهمعروفترین اثراین نقاشیها، که درتالار چهلویکم قرار دارد اشاره شود. این نقاشی تجسم کامل هفتخوان رستم و جنگ او بادیو و اژدها و غیره است که چند قرن بعداز آن شرح مبسوط آنرا در شاهنامه فردوسی میتوان یافت. از تابلوهای جالب دیگر این کاخ، تجسم سمبولیك خورشید بصورت مهر (میترا) است کـه درآن مهر بصورت رانندهٔ ارابهای مجسم شده است.

«اسناد سغدی کوه مغ» کهقبلا از آنها سخن رفت از مهمترین مدارك دیگری استکه در قرن حاضر دربارهٔ تاریخ وفرهنگ این قوم ایرانینژاد بدست آمده است. این اسنادشامل نامههای سیاسی، گزارشها، اسنادقضائی،

صورت حسابهای مالیاتی، مکاتیب اداری و نیز متون مربوط به‌هیئت و اخترشناسی و گاه شماری است.

سغدیان که مرکزآن سمرقند بود روابط بازرگانی وسیعی بانواحی شرقی آسیای میانه تامغولستان داشت و گروههای متعددی از مردم آن بااین سرزمین‌ها در رفت و آمد بودند. فراوانی کلمات سغدی در ترکی باستانی و رواج آئین مانی در میان بیابانگردان آسیای مرکزی از نتایج این ارتباط است. حتی ترجمه سغدی قسمتهائی از «پنچاتانترا» اثر معروف هندی که در زمان انوشیروان بایران آورده شد و بنام افسانه‌های بیدپای موضوع کلیله‌ودمنه معروف قرار گرفت در این ناحیه بدست آمده است.

این مردم دارای فرهنگ اصیل ایرانی بودند و مدارك سغدی که در سال ۱۹۳۲ در «کوه‌مغ» تاجیکستان بدست آمد و نیز کاوشهای مختلف باستانشناسی در این نواحی نشان داد که در آسیای میانه بخصوص در نزد سغدیان فرمانروایان محلی متعددی وجود داشته‌اند که در دربارهای ایشان راه وسم زندگی و گرایشهای حماسی ایرانی و سنت پهلوانی حکمفرما بوده‌است. دراواخر دوران ساسانی‌و بعدها توسط اعراب بااین سنت مبارزه شد، ولی آئین پهلوانی که باسنن غیر مذهبی دوره‌های بسیار کهن ارتباط میيافت در این نواحی کماکان حفظ شد، و همین سنن بود که مایهٔ فصول حماسی مختلف شاهنامه

فردوسی قرار گرفت. دراین باره در نوشته‌های متعدد دانشمند ایـران‌شناس عالیقدر شوروی «فـریمـان» (A. A. Freimann: Vestink drevney Istoryi— Sovetskaya Etnografiya, 1960)

و در سخنـرانـی دانشمند دیگـر شوروی لیفشیتس V. Livshits در بیست و پنجمیـن کنگـره جهـانـی خاورشناسان در مسکو در سال ۱۹۶۰ اطلاعات بسیـار جالبی داده شده است.

بغیراز کاوشهائی که بدانها اشاره شد، کاوشهای باستانشناسی متعدد دیگری توسط دانشمندان روسیه و اتحاد شوروی در مناطق مختلف آسیای میانه صورت گرفته که بسیاری از آنها منجر به اکتشافات جـالبی دربارهٔ تاریخ مشترك باستانی ایران و آسیای مرکزی شده است.

در سال ۱۸۶۷، هیئت بـاستاشناسی امپراتـوری روسیه که‌ازسنت پترزبورگ بریاست لرخ P.S. Lerkh خاورشناس نامی قرن نوزدهم بآسیای مرکزی آمده بود در حفاریهای ناحیه سمرقندشهر «جان‌کند» را درحوزهٔ سفلای سیر دریـا کشف کـرد. هشت سال بعد از آن کاوشهای شهر «افراسیاب» در نزدیك سمرقند شروع شد وطی این‌کاوشهاکه هنوز ادامه دارد در بیست ساله اول قـرن کنونی توسط ویـاتکین V.I. Vyatkin آثار فراوانی از دوران ماقبل اسلامی که بسیاری از آنهـا باایران ارتباط دارد بدست آمد. قسمت اعظم این آثار

اکنون در موزهٔ سمرقند که در اواخر قرن گذشته تأسیس شده نگاهداری میشود.

در همین سالهای آخر قرن نوزدهم، حفاریهای جالبی در منطقه «مرو» صورت گرفت. از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸، هیئتی که از مسکو آمده بود، بریاست ماسون M.E. Masson درناحیهٔ «ترمذ» کاوشهای منظمی انجام داد. در ۱۹۳۲ بطوریکه گفته شد نخستین اسناد سغدی در بقایای «قلعه‌مغ» در کوهستانهای زرافشان بدوزبان سغدی و عربی توسط فریمان A. A. Freiman مطالعه شد و بعداً اسناد بیشتری در کاوشهای بعدی در سال ۱۹۳۴ توسط یاکوبفسکی A. Y. Yakubovski بدست آمد. درسال ۱۹۳۷ یك هیئت باستان‌شناسی بریاست تولستوف S. P. Tolstov حفاریهای خوارزم را شروع کرد و در این حفاریها بقایای چند دژ اشکانی که در مرزهای این شاهنشاهی ساخته شده بود در آسیای میانه کشف شد. همچنین بناهای مختلف تاریخی در «بالاحصار» از دوران هخامنشی و آثاری درفرغانه، و بقایای هخامنشی «قلعه‌میر» در تاجیکستان جنوبی بدست آمد. در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ در کاوشهائی که‌تحت سرپرستی گریگوریف G. V. Grigoryev در «تل برزو» واقع در شش کیلومتری جنوب سمرقند صورت گرفت مدارك بسیار جالبی از فرهنگ و هنر ایرانی سغدی متعلق بقرن اول تاچهارم میلادی بدست آمد. در «بالالیك‌تپه» واقع در پانزده کیلومتری شمال ترمذ

توسط «آلبائوم» L.I. Albaum وهیئت علمی او نقاشی‌ـ های دیواری متعددی کشف شد که یکی ازمهمترین آنها تابلوئی است که ظاهراً تجسم مغازله پسر فریدون بادختران پادشاه یمن است که بعداً داستان آن درشاهنامه آمده است. در سال ۱۹۳۷ کاوشهای جالبی تحت نظر شیشکین V. A. Shishkin درکاخ «بخارخدا» (کاخ امرای بخارا) صورت گرفت و منجر به کشف نقاشیهائی شد که موضوع تابلو اصلی آن، بنا باستنباط «شیشکین» پیکار اورمزد واهریمن است.

در آخرین سالهای پیش از جنگ دوم جهانی، بقایای «قصر ورخش» در نزدیکی بخارا توسط همین شیشکین کشف شد. درسالهای ۱۹۴۸و۱۹۴۹، بقایای «گورستان توپخانه» در نزدیك حصار در مغرب دوشنبه پایتخت تاجیکستان، توسط دیاکونف M. M. Dyakonov بدست آمد، ودر ۱۹۴۹ همین دانشمند بقایای شهر «کیقبادشاه» را در ۱۵ کیلومتری قبادیان در کرانهٔ راست «کافرنگان» کشف کرد. در سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ آثارشهری بنام «کهن قلعه» درساحل غربی رود ورخش بنام خیرآباد تپه و آثاری باستانی در نزدیکی دهکده «شهرنو» در تاجیکستان بدست آمد.

دانشمندان متعدد دیگر شوروی در سالهای اخیر کاوشهای باستانشناسی مختلفی در آسیای میانه انجام داده‌اند که در شناسائی آثار فرهنگ و هنر باستانی ایران و ارتباط آن بااین سرزمینها بسیار مؤثر بوده

است. از زمرهٔ ایـن دانشمندان، میبـاید از بوکینیچ D. D. Bukinich ، ماروشنکو A. A. Marushenko، تره‌نوژکین A. I. Terenozhkin، کـوفتین A. Kuftin، لیتوینسکی B. A. Litvinsky وغلام‌اف I. G. Ghulamov نام برد.

تـذکر این نکته بیمـورد نیست کـه بسیـاری از شهرهای این منطقه که بعدها در ادبیات ایران بکرات از آنها یادشده، اسامی ایرانی داشته‌اند که هنوز بهمان صورت زمان ساسانی یاباندك تغییری‌حفظ شده‌اند. در قـرن پنجم میلادی «مـوسس خـوره‌نی» مـورخ و جغرافیادان معروف ارمنی اسامی این شهرها را بدین ترتیب ذکر میکند: مرو، مروروت (مرورود)، نسای میانك (میانه)، سمنگان، پیروز نخجیر، آسان، چهـار یك، بهل بـامیك (بلخ بـامیان)، دز روئین (دژ روئین پی‌کند، محل اولیه بخارا)، پرکان یافرغان (فرغانه). تور (توران، نام ساسانی ایالت کوچك خوارزم).

شایان تذکراست که بموازات آثاری که جنبهٔ مسلم تاریخی دارد و بقایای آنها در کاوشهای باستانشناسی یافت شده، در تـآریخ داستـانـی ایـران و در آثـار نویسندگان معتبر ایرانی دوران اسلامی از آثار متعدد دیگر نیز بخصوص از آتشکده‌هـای کهن در نـواحی مختلف آسیای میانه یاد شده است. در این مورد بـاید گفت کـه ولو انتساب این آتشگاه‌هـا به کسانی کـه بنیانگزاران آنها معرفی شده‌اند صحیح نباشد در وجود

آنها کمتر تردید میتوان داشت، زیرا این منطقه چنانکه گفته شد از مراکز اصلی رواج آئین زرتشتی بوده است.

بگفته شاهنامه فردوسی و کتابهای معتبر تاریخ ایرانی، قسمت اعظم از این آتشگاهها در بخارا قرار داشته‌اند. طبق این روایات، نخستین بار جمشید پادشاه معروف پیشدادی، آتش سپنشت را که بدست تهمورس افروخته شده بود برفراز کوه خور هورمند در خوارزم جای داد. فریدون پس‌از پیروزی برضحاك پرستشگاهی بنام آذر خرداد برپا کرد که پس‌از وی به بخارا انتقال یافت. هم او آتشکده‌ای در کنگدژ ساخت و بعداز وی سیاوش آتشکده دیگری درهمین محل برپا کرد که در حمله افراسیاب بایران پس‌از کشته شدن پیران سردار ایرانی پاسداران این آتشکده اسناد دینی را درآن جای دادند تاازدستبرد بیگانگان در امان ماند. بگفته فردوسی از جمله ذخائر این آتشگاه نوشته‌ای ازاوستا بود که باآب زر نگارش یافته بود. تور پسر فریدون آتشکده‌ای دیگر در بخارا ساخت که کیخسرو پس‌از پیروزی برافراسیاب در راه بازگشت بایران در آنجا به‌نیایش پرداخت*. شهرستانی در جلد

* وزآنجا بشهر بخارا کشید | زلشکر زمین شد همه ناپدید
غمی شد از آن روزهای شده | بیامد خروشان به آتشکده
که پور فریدون برآورده بود | بدو اندرون کاخها کرده بود
(فردوسی)

اول ملل و نحل مینویسد: اولین آتشکده را آفریدون در شهر طوس ساخت ودیگر آتشکده در شهر بخارا که آنرا بردسون گویند و آتشکده دیگر در نواحی بخارا هست که آنرا قبادان خوانند.

در تاجیکستان، نزدیك کوهی بنام افراسیاب ویرانه‌های بنائی وجود دارد که مردم محل آنرا کاخ افراسیاب میدانند، و در آن بقایای آتشکده‌ای طی کاوشهای باستان‌شناسی توسط دانشمندان شوروی بدست آمده است.

بطوریکه بیرونی مینویسد زرتشتیان بخارا در روز بیست و هشتم ماه اول هرسال جشنی بنام «رامش آغام» میگرفتند و درآن عید در آتشکده‌ای که نزدیك قریهٔ رامش است جمع میشدند.

جهانگرد چینی «هی‌نانتسونگ» که در قرن هفتم میلادی (اواخر دوران ساسانی) میزیسته در سفرنامهٔ خود مینویسد که در آسیای میانه از شهری بنام «سو» بازدید کرده که مردم‌آن همه زرتشتی بودند وآتشگاهی فروزان داشتند.

در هجوم اعراب تقریباً تمام کتب ومدارك و اسناد نفیسی که در این مراکز نگاهداری میشد ازمیان رفت و بدین ترتیب قسمت مهمی از تاریخ کهن این نواحی بدست فراموشی سپرده شد. دراین باره نقل گفتهٔ ابوریحان بیرونی جالب است که: قتیبةبن مسلم پس‌از پیروزی برخوارزم جملهٔ نویسندگان و هیربدان را از

دم شمشیر گذرانید و آنچه را که از مکتوبات از کتاب و دفتر داشتند طعمه آتش کرد.

* * *

در دوران اسلامی، فصل تازه‌ای در رابطه فرهنگی و هنری ایران باسرزمینهای آسیای میانه آغاز شد که باید آنرا جزء لایتجزای تاریخ فرهنگ وادب ایران دانست. در قسمتی از این دوران اصولا نهضت ادب و فرهنگ ایران در آسیای میانه تمرکز یافته بود، و این همان دورانی است که شاهد پیدایش ادب پارسی است.

در این دوره نخستین شاعران پارسی‌گوی، شعر و ادب فارسی را در ماوراءالنهر در شهرهائی چون بخارا و سمرقند پایه‌گزاری کردند. سامانیان که نام خود را از شهر سامان در ایالت بلخ گرفته بودند و خویش را از اعقاب بهرام‌چوبینه میشمردند، درباری به‌شیوهٔ دربار ساسانی بنیاد نهادند که از همان آغاز بصورت کانون اصلی علم وادب پارسی درآمد.

نخستین شعرای پارسی زبان حتی قبل از سامانیان بدین زبان شعر سروده بودند، و مرکز همه آنها خراسان و سرزمینهای کنونی آسیای میانه بود. از زمرهٔ اینان، میباید از عباس مروزی شاعر اواخر قرن دوم، شفیق بلخی عارف که در ۱۷۴ هجری کشته شد، مسعودی مروزی که قسمتی از داستانهای باستانی ایران را به‌نظم درآورد، و از صانع بلخی معاصر رودکی نام برد. در اوائل دوران سامانی

نیز شعرائی مانند ابوالمثل بخارائی، رونقی بخارائی، سپهری بخارائی و مهمتر ازهمه ابوالمؤید بلخی شاعر و دبیر بزرگ و مؤلف کتاب «عجایب ـ البلدان» که صاحب کتاب منظومی شامل داستانهای ایران قدیم بود کار بنیانگزاری شعر پارسی را بعهده گرفتند.

با این‌همه، شعر پارسی بمفهوم واقعی خود بارودکی پابوجود نهاد که اهل‌قریهٔ پنج‌رودك از توابع سمرقند بود، و مزار او دراین قریه نه‌تنها در گذشته زیارتگاه ایرانیان بوده، بلکه هنوز نیز بصورت مکان مقدسی مورد زیارت است.

در قرن رودکی، شعرای بزرگ دیگری از نواحی مختلف این سرزمین برخاستند که از جملهٔ آنها میباید از ابوالعباس بخارائی، ابوحفص سغدی شاعر و موسیقیدان و مؤلف قدیمترین کتاب لغت فارسی و مخترع آلت موسیقی بنام شهرود، ابوشکور بلخی شاعر بزرگ و سراینده مثنوی آفرین‌نامه و سه مثنوی دیگر، شهید بلخی از مشاهیر شعرا و حکما و خطاطان عصر، مرادی بخارائی، معروفی بلخی و نوایحی مروزی نام برد.

درهمین‌زمان، در دربار سلسلهٔ دیگری بنام چغانیان که در ماوراءالنهر حکومت داشتند شعرای پارسی‌گوی دیگر بسر میبردند که از جملهٔ آنها دقیقی بلخی بزرگترین شاعر بعداز رودکی بود که درسال ۳۴۱

هجری کشته شد، و ۱۰۵۴ بیت شاهنامهٔ اورا فردوسی در شاهنامه خویش‌گنجانید. شاعر دیگراین دربار بدیع بلخی بود.

دوتن از بزرگترین مردان فرهنگ ایران که‌متعلق بهمین نواحی و همین دوران بودند، عبارتند از ابونصر فارابی متوفی ۳۳۹ که موسیقی ایران و عالم اسلامی و تاحد زیادی دنیای غرب موهون نبوغ اوست، و ابوسعید ابوالخیر عارف نامی متولد در دشت خاوران و مبدع شعر فارسی که در سال ۴۴۰ هجری درگذشت و مزار او اکنون در زادگاه اوست. در همین قرن میتوان از شعرائی چون شاکر بخارائی، جلاب بخارائی، مشفقی بلخی، میزبانی بخارائی، ابوالعباس بخارائی، منجیك ترمذی و بخصوص کسائی مروزی، واز نویسندگان و دانشمندانی چون ابوبکر اخوینی بخارائی (مؤلف هدایةالمتعلمین)، اسحق سمرقندی، اسمعیل آملی بخارائی، بهاءالدین ظهیری، کاتب سمرقندی نام برد. شخص اخیر ترجمه سندبادنامه را که بامر نوح‌بن منصور سامانی توسط قناوزی از زبان پهلوی به‌فارسی صورت گرفته بود تهذیب و کتابت کرد و همین کتاب بود که اساس کار رودکی قرار گرفت*.

* دربارهٔ توسعهٔ و تحول شعر پارسی در بخارا در قرن چهارم هجری، تحقیق فاضلانه‌ای توسط برتلس دانشمند فقید شوروی بنام «شعر پارسی در بخارا در سدهٔ دهم میلادی» در سال ۱۹۳۵

بقیه حاشیه در صفحه مقابل

دو تن بـزرگترین دانشمندان قـرن پنجم و اصولا بزرگترین دانشمندان تاریخ ایران، یعنی ابوریحـان بیرونی و ابوعلی سینا در همین قـرن چهارم هجری، یکی از بیرون خوارزم و دیگری از قریه افشین بخارا بـرخاستند. بنام‌این دواکنون دانشکده‌ها، انستیتوها، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، خیابانها، میدانها و مجسمه‌های متعدد در تاشکند و دوشنبه و خوارزم و شهرهای دیگر آسیای میانه نامگزاری شده است.

از بزرگان دیگر این زمان ناصرخسرو بود که در قبادیان در ناحیهٔ مرو متولد شد وبعداً به‌ایران وآسیای صغیر و ارمنستان وسوریه ومصر سفر کرد وبه‌ترویج آئین اسمعیلی همت گماشت، و در بـازگشت بموطن خود در دهکده یمگان منزوی شد ودرسال ۴۸۱ هجری در غاری درهمانجـا در گـذشت. پس‌از جنگ اخیر، مجموعه‌ای ازکتب خطی اوتوسط «برتلس» خاورشناس برجستهٔ شوروی در همین محل بدست آمد که بعداًدر بارهٔ آن توضیح بیشتر داده میشود.

از شعرا وادبای پارسی‌گوی دیگر قرن پنجم که از آسیای میانه کنونی برخاسته‌اند میباید از اشخاص ذیل نیز نام برده شود: بدایعی بلخی که‌پندنامهٔ انوشیروان

«بقیهٔ حاشیه از صفحهٔ قبل»
از طرف آکادمی علوم اتحاد شوروی در مسکو و لنین‌گراد تحت این عنوان منتشر شده است:
E.E. Bertels: Persidskaia Poeziya v Bukhare.-Akad Nauk S.S.S.R. Moskva & Leningrad, 1935.

را از متن پهلوی به‌نظم فارسی ترجمه کرد (و معروف است که ابن‌سینا نیز این اثـر را به‌نثر ترجمه کـرده است)، امین بلخی، کوکبی مروزی، معنوی بخارائی، عسجدی مروزی شاعـر معروف دربـار سلطان محمود، منشوری سمرقندی، منجیك چنگ‌زن شاعر بزرگ اهل ترمـذ، عنصری و کسائی دو شاعر درجـه اول عصر غزنـوی، ابوحنیفهٔ اسکافی مـروی دانشمند معروف، ابومحمد بلخی، دیباجی سمرقندی، ابوالعباس لـوکری دانشمند و شاعر اهل روستای لـوکر از توابع مرو که همکار برجستهٔ خیام در تنظیم زیج و تاریخ ملکشاهی بـود.

در قرن ششم هجـری، جمع کثیر دیگری از شعرا و نویسندگان و دانشمندان و عرفای پارسی زبان ازاین نواحی برخاستندکه مهمترین‌آنها عبارتند از: انوری ابیوردی اهل باورد در خاك خاوران (جمهوری کنونی تـرکمنستان شوری)، رشیدالـدین وطواط، نظامـی عـروضی سمرقندی، عمعق بخـارائی، شهاب‌الـدین ترمذی، کمال‌الدین بخارائی، فتوحـی مروی، سوزنی سمرقندی، ابـن بلخی (مـؤلف فـارس‌نامه)، قـاضی محمودی بلخی (مؤلف مقامات حمیدی)، عوفی بخارائی (مؤلف لباب‌الالباب، قدیمترین کتاب در شرح احوال و اشعارشعرای ایران، وجوامع‌الحکایات‌و لوامع‌الروایات از بهترین کتابهای نثر فارسی)، اثیرالدین اخسیکتی، بهاءالدین خوارزمی (از شهر بغدادك خوارزم، مؤلف

التوسل الی الترسل)، سیف‌الدین اسفرنگ از مبتکران سبك شعر عراقی، بهاءالدین ولد بلخی (پدر مولانا جلال‌الدین مولوی)، شیخ نجم‌الدین کبری بزرگترین عارف قرن ششم ایران که مزار او از هنگام‌مرگ وی بصورت زیارتگاهی در آمده است.

سایر شعرای پارسی‌گوی این قرن، که اهمیت کمتری دارند، بدینقرارند: روحانی سمرقندی شاعر دربار بهرامشاه، فضلی بخارائی، اوشی فرغانی، سمائی مروی، زرگر بخارائی، اشرف سمرقندی، رفیع مروی، طلحهٔ مروی، کافی بخارائی، غزالی مروی، فقیهی مروی، شاعره‌ای بنام عایشه، قصیریه سمرقندی، کریمی سمرقندی، دولتیار بخارائی، شمس بخارائی، سراج‌الدین بخارائی، خطاط ترمذی، کمال‌الدین ترمذی، فهیمی بخارائی، عجبی خجندی، حارثی مروی، تاج‌الدین سمرقندی، کوفی بخارائی، نجیب سمرقندی، اشرفی سمرقندی، ابوعلی مروی، رشیدی سمرقندی، نسفی سمرقندی، شطرنجی سمرقندی، تاج‌الدین مسعود بخارائی، غزالی خجندی، مسعودبخارائی، سعدالدین‌بخاری سمرقندی، بهاءالدین محمد ظهیری سمرقندی، سعدالدین اسعد بخارائی، روحی سمرقندی، حمیدالدین بخارائی، جغتی ماوراءالنهری، نجیبی فرغانی، ملیح بخارائی، عبدالخالق غجدوانی (از مشایخ بزرگ سلسله نقشبندیه)، ابوسعید خوارزمی، زنگی بخارائی.

از زمرهٔ دانشمندان این دوره نیز میتوان از نجم‌الدین نسفی سمرقندی فقیه معروف حنفی، حلمی بخارائی، شرف‌الدین مسعود مروی طبیعی‌دان و ریاضی‌دان و منجم، قطان مروی حکیم و پزشک برجسته مؤلف کتاب کیهان شناخت در علم هیئت نام برد.

در این دوره سلسله‌ای بنام «خاندان خانیه» یا «آل‌افراسیاب» در بخارا و سمرقند حکومت داشتند که خود را به‌افراسیاب افسانه‌ای نسبت میدادند ودردربار آنان نیز زبان پارسی رواج داشت.

در قرن هفتم هجری، بزرگترین شخصیت عرفان ایران ویکی از بزرگترین مردان تاریخ ادب پارسی، جلال‌الدین مولوی از بلخ برخاست، و طبعاً شخصیت خارق‌العاده وی بزرگان دیگر ادب آن عصر را تحت‌الشعاع قرار داد. معهذا در آن قرن نیز عده زیاد دیگری ازشعرا، نویسندگان، عرفا ودانشمندان پارسی زبان ازشهرهای مختلف‌آسیای میانه‌کنونی برخاستندکه ذیلا بنقل فهرست اسامی آنان اکتفا میشود: فخرالدین محمد بناکتی (تاشکندی)، سعید فرغانی، محبوبی بخارائی (فقیه‌حنفی)، مسعود سمرقندی (فقیه‌حنفی)، ضیاءالدین مسعود خجندی متخلص به فارسی، امیربهاءالدین مزغینانی (از فرغانه)، سیف‌الدین باخرزی، تاج‌الدین بخارائی، جمال خجندی، سعد سمرقندی، صدرخجندی، فرید خوارزمی، کمال‌الاسلام

خجندی، لؤلؤ سمرقندی، نجیب ترمذی، نظامی بخارائی، شاعره‌ای بنام فاضلهٔ سمرقندیه، واعظی بلخی، بهاءالدین خجندی، مجدالدین ترمذی، جمال‌الدین سمرقندی، جمالی سمرقندی، احمد بخارائی، سیف‌الدین سمرقندی، روحانی بخارائی، سیف‌الدین مجد عرفانی، شهاب‌الدین خجندی، شمس‌الدین سمرقندی، جمال‌الدین‌سمرقندی عروضی، سعیدالدین سمرقندی، شاه کریم سمرقندی.

در قرن هشتم هجری نیز عده‌ای دیگر از شعرا و نویسندگان و عرفای پارسی‌گوی از بخارا و سمرقند و سایر شهرهای آسیای میانه برخاستند که فهرست قسمتی از آنها بدینقرار است:

خواجه حسام‌الدین حافظ بخارائی (مؤلف انیس ـ الطالبین)، صوفی سمرقندی، بدرالدین چاچی، شاه‌ناصر بخارائی، کمال‌الدین مسعود خجندی شاعر و عارف نامی این قرن که از بزرگترین سرایندگان غزلهای عارفانه است، خواجه عبدالملك سمرقندی که بسفارت از سمرقند به‌فارس رفت و عصامی تخلص میکرد، حکیم ترمذی شاعر صوفی مشرب و مرید شاه نعمت‌الله ولی، خواجه محمد پارسای بخارائی (عارف نقشبندی)، اسمعیل بخارائی، خواجه شمال بخارائی، جمشید ترکستانی، اختیارالدین حسن سمرقندی مرید شاه‌نعمت‌الله‌ولی، مسعود بخارائی، محمدبن اسعد بخارائی (مؤلف منشآت)، علاءالدین محمد معروف به

علاءالدین عطار.

از زمرهٔ بزرگان این‌قرن میباید اختصاصاً ازعارف و شاعر ساکن خیوه پهلوان محمـود قتـالی خوارزمی معروف به پوریای‌ولی نام برد، که درسال ۷۲۲ هجری در گذشت و مزارش در شهر خیوه بصورت زیارتگاهی درآمد. وی درعین آنکه شاعر زبردستی بود (و مثنوی او بنام کنزالحقـایق شهرت بسیـار دارد)، پهلوانی نامدار نیز بود، وهمان کسی‌است که‌هنوز ورزشکاران مخصوصاً کشتی‌گیران ایران به هنگام زورآزمائی از یاد او مــدد میگیرند و اشعـارش را در زورخانه‌هـا میخوانند.

قرون نهم و دهم هجری، دو قرنی است که در آنها بیش از همــه ادوار دیگـر شاعـران و نویسندگـان پارسی‌گوی از نواحی مختلف‌آسیای میانه برخاسته‌اند، بطوریکه تعداد ایشان به صدها تن بالغ میشود.

از زمرهٔ بزرگان ادب پارسی و عرفای این منطقه در قرن نهم، باید بالاخص از کمال‌الدین محمود بلخی معروف بـه‌میرخواند (مؤلف تـاریخ روضة‌الصفـا)، دولتشاه سمرقندی (مؤلف تذکرة‌الشعرای دولتشاهی)، عبدالرزاق سمرقندی (مؤلف مطلع‌السعدین) نام‌برد که آثار آنها تقریباً بهمه زبانهـای بزرگ غربی ترجمه شده است. همچنین خـواجه‌عبیدالله احـرار سمرقندی معروف به‌خواجه احرار (مؤلف تحفة‌الاحرار) یکی از بزرگترین مشایخ نقشبندیه که آرامگاه او در روستای

کمانگران نزدیك سمرقند همواره زیارتگاهی بوده است. کمال‌الدین کاشانی خوارزمی (از کاشان ماوراءالنهر) عارف‌نامی و مؤلف جواهرالاسرار در شرح مثنوی مولوی.

فهرستی از اسامی سایر شعرا و نویسندگان پارسی گوی قرن نهم آسیای میانه بدین قرار است:

قاضی میبدی ترمذی (مؤلف شرح گلشن راز)، زین‌الدین علی قومچی (مؤلف شرح تجریدالعقاید خواجه نصیرالدین طوسی و شرح زیج الغ‌بیگی)، عمادالدین بخارائی دانشمند ریاضی معاصر الغ‌بیگ، شاه‌نظام‌الدین محمد خاموش (مؤلف مرآت‌الایمان) از مشایخ معروف نقشبندی، صلاح‌الدین مبارك بخارائی، مذکر فاروقی (مؤلف دانشنامهٔ قدرخانی در لغت فارسی)، علی‌کاتب (مترجم مسالك‌الممالك به‌فارسی)، سیفی عروضی بخارائی، بساطی سمرقندی، فخرالدین بخارائی، بهاءالدین بخارائی متخلص به‌ندیمی، مولانا بدخشی، مولانا خیالی بخارائی، مولانا سودائی ابیوردی معروف به باباسودائی، امیری بدخشانی، طاهر بخارائی، درویش حسامی قراکولی (از بخارا) خواجه ابوالوفا خوارزمی، مولانا محمدعالم سمرقندی، مولانا علاء چاچی تاشکندی (دانشمند زمان الغ‌بیك)، میراسلام غزالی بلخی، ابواللیثی سمرقندی (مؤلف بستان‌العارفین)، سیدکمال کجکولی، مولانا محمد بدخشی، شمس‌الدین محمد بخارائی، ریاضی

سمرقندی، حکیم ترمذی از اصحاب شاه نعمت‌الله‌ولی، محمد مدنی خجندی، لعلی‌شاه بدخشانی، ابوالبرکه سمرقندی، ابوالخیر سمرقندی، ابوطالب بدخشانی، ادائی بخارائی، نوری بخارائی، انیسی خوارزمی، بقائی سمرقندی، هلالی بخارائی، بیخودی سمرقندی، پیامی مروی، جوهری سمرقندی، حاجی سغدی، حریمی سمرقندی، حکیمی سمرقندی، حلوائی سمرقندی، حیرتی سمرقندی، خاوری سمرقندی، خزانی سمرقندی، خواجه خسرو سمرقندی، دیوانهٔ بلخی، روحی بخارائی، رهائی ماوراءالنهری، ریاضی سمرقندی، ساکن سمرقندی، سامانی بخارائی، نورسعیدبیك خوارزمی، سکاکی سمرقندی، شمسی بدخشانی، صبری خوارزمی، صفائی سمرقندی، طالبی سمرقندی، عبدالصمد بدخشانی، عبدالغفار تاشکندی، سلطان عبدالله بخارائی، عبدالوهاب سمرقندی، میرعلی‌اصغر سمرقندی، مولانا علی کلوی شوری بخارائی، غمزهٔ بخارائی، فرهادی ماوراءالنهری، قرشی سمرقندی، سید قطب سمرقندی، کوثری بخارائی، کوکبی بخارائی، لطفی تاشکندی، لقائی سمرقندی، محمد امین بلخی، فوطهٔ سمرقندی، مقیمی بخارائی، مؤمن سمرقندی، نادری بخارائی، نادری مروی، ناصرالدین سمرقندی، نرگسی مروی، والهی سمرقندی، وضعی‌سمرقندی، وصلی سمرقندی، هاشم بخارائی، همائی سمرقندی، یوسف مروی، و

شاعره‌ای بنام بی‌بی‌آرزوی سمرقندی.

در این قرن دوشاعر بزرگ مدتی در ماوراءالنهر زیستند، که یکی از آنها عبدالرحمن جامی است که نخست در سمرقند درس خواند و بعداز مدتی به ماوراءالنهر باز گشت و در مرو و سمرقند و فاراب و تاشکند بسر برد و قسمتی از آثار خودرا دراین منطقه تألیف کرد. دیگری امیرعلیشیرنوائی امیر معروف دربار سلطان حسین بایقرا و بزرگترین شاعر زبان جغتائی (زبان ازبکستان) که در زبان فارسی نیز شاعر و نویسندهٔ زبردستی بود ودر اشعار فارسی خود «فانی» تخلص می‌کرد. از امیر علیشیر نوائی، بغیر از دیوان اشعار جغتائی واشعار ترکی‌او دیوان شعری به‌فارسی و لغت‌نامه ترکی به فارسی باقی مانده است. نوائی معاصر و دوست جامی بود ومتن اصلی نامه‌های متعددی که‌میان‌این‌دو ردوبدل شده‌اکنون درکتابخانه‌ها و آرشیوهای مختلف جمهوریهای‌آسیای میانه نگاهداری میشود.

قرن دهم هجری، چنانکه قبلا گفته شد قرنی است که‌درآن بیشترین شمارهٔ‌شعرا ونویسندگان پارسی‌گوی را که از ماوراءالنهر و آسیای میانه برخاسته‌اند میتوان یافت. این قرن مصادف با تشکیل سلسلهٔ امپراتوری گورکانی (معروف به سلسلهٔ امپراتوری مغول) در هندوستان بود که در زمان آنها پارسی زبان رسمی دربار هند بود و بسبب ادب‌پروری امپراتوران

هندی، شعرا و ادبا و خطاطان و نقاشان و معماران و سایر هنرمندان از ایران ودیگر سرزمینهائی که زبان ایرانی در آنها رواج داشت، بدین سرزمین روی میآوردند. بدین جهت بسیاری از شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی ماوراءالنهر ازبخارا وسمرقند و مرو و خوارزم وغیره به‌هندوستان سفر کردند، ودر آنجا غالباً زندگانی مرفهی بدست آوردند و برخی از آنان تا آخر عمر نیز در آن دیار ماندند. از زمرهٔ این عده، میتوان از اشخاص ذیل نام برد:

حسین ترمذی، دردی سمرقندی، مشفقی بخارائی، ارسلان بخارائی و حصاری بخارائی (شعرای دربار اکبرشاه)، خنجربیك جغتائی شاعر و خوشنویس و موسیقی‌دان دربار اکبر، ابتری‌بدخشی، نادری وفهمی سمرقندی (پدر و پسر) ونیازی بخارائی (شعرای دربار همایون‌شاه)، لعلی بدخشی، باقی بخارائی، پاینده بخارائی، آدابی سمرقندی، قاری کوه‌برصبری (از شهر سبز ماوراءالنهر، مؤلف منظومه خسروشیرین بنام اکبر امپراتور هند)، عبدالله تاشکندی (مقیم دکن)، محترم سمرقندی (که چنانکه نوشته‌اند کتاب مهابهارات را تماماً از بر داشت).

فهرست طولانی اسامی سایر شعرا و نویسندگان و عرفای پارسی‌گوی آسیای میانه در این قرن بدین قرار است:

لقائی بدخشی (مؤلف مجمع‌الفصحا یا تذکره

شعرای فارسی زبان)، مخدوم اعظم نقشبندی، کمال‌الدین غجدوانی، نوانداکی، نثاری بخارائی (مؤلف مذکراحباب یاتذکره شعرای فارسی زبان)، اورسنجی بدخشی، جاهی بخارائی، درویش محمد بخارائی (مؤلف منتخب مثنوی مولانا)، عارف بقائی بخارائی، خواجه عوض بخارائی، قاضی نظام بدخشی، برهان‌الدین سمرقندی (مؤلف تذکرةالاولیاء و سلسلة العارفین)، ملااحمد ابیوردی، حلوائی‌سمرقندی، قندی ماوراءالنهری، کلامی جغتائی، محنتی حصاری، منظری سمرقندی، نیازی سمرقندی، جلال‌الدین فرغانی، واصفی تاشکندی (مؤلف بدایع‌الوقایع)، زیرکی تاشکندی، جانی بخارائی، فکری تاشکندی، ضیائی بخارائی، هروی سمرقندی، بیقیدی ماوراءالنهری، شهودی مروی، واصلی مروی، فغانی قراکولی، خوشی تاشکندی، عابد خیرآبادی، خواجه کلان ماوراءالنهری، وقاری حصاری، ماتمی میانکالی، قدری ماوراءالنهری، مشفقی بخارائی، محرمی بخارائی، خواجه یونس ختائی، نگاری سمرقندی، خواجه‌جان سمرقندی، فضلی نوشادی، میرفهیمی بدخشی، عهدی قراکولی، والهی بلخی، بهاءالدین بخارائی متخلص به نثاری، حقیری بخارائی، جنونی حصاری (از حصار ماوراءالنهر)، شهرتی ورغزی (از ورغز در روستای آهنگران تاشکند)، شاه‌فنائی بدخشی، نالی سمرقندی، دوستی بدخشی، طبعی

سمرقندی، خرد میانکالی، فقیری بخارائی، شیخ علاءالدوله خوارزمی، خواجه میرك خوارزمی، بیغمی محوی بخارائی، قاسم ساغرچی متخلص به‌منشی، خاکی بلخی، ابن‌یمین شبرغانی، صادق سمرقندی، حافظ ابراهیم بخارائی، عرضی بخارائی، غلامی ماوراءالنهری، صفائی سمرقندی، ذوالفقار بخارائی، ادهمی ماوراءالنهری، قندزی بدخشانی، ناظری بخارائی (وزیرعبادالله‌خان شیبانی)، مطلعی بدخشانی، مخلص بدخشانی، صدقی بدخشانی، طبیب فرغانی، نکوئی بخارائی، خواجه کلان پختهٔ سمرقندی، حامد تاشکندی، خلیلی سمرقندی، شریفی سمرقندی، اسمی بخارائی، مرجان سمرقندی، صبری میانکالی، وداعی حصاری، شهدی بدخشانی، محنتی میانکالی، باقی بخارائی، صابری تاشکندی، آدمی سمرقندی، مثالی بدخشی، وصالی بدخشی، وصولی بدخشی، انجمی بخارائی، نقدی حصاری، میرمحکم حصاری، فانی بخارائی، ندائی بخارائی، دوستی سمرقندی، کیفی بخارائی، رموزی سمرقندی، بیاضی سمرقندی، گرامی سمرقندی (وزیر سلطان اسفندیار)، کمالی شبرغانی، نظرشهر سبزی، رفیع بخارائی، ابوالقاسم حکیم، کمال مجردی، سروی خوشه‌ای (از قریهٔ خوشه بخارا)، کوکبی بخارائی، نظام‌الدین پارسا، عاشق بخارائی، شیخ‌مغفل مهنه‌ای، شیخ‌رکن‌الدین مهنه‌ای، کمال‌الدین تاشکندی، هلالی ماوراءالنهری، خاوری سمرقندی،

میرحسین بخارائی، شیدای بلخی، عبدی بلخی، میرك صدیقی بلخی، عبدالواسع نوری، روحی بخارائی، زینی بخارائی، کلامی بخارائی، سیدمعصوم خواجه، حامی ماوراءالنهری، عرفی ماوراءالنهری، سوزی بخارائی، میرجان، حسین ترکستانی سمرقندی، عبدالصمد تربتی تاشکندی، دوست‌محمد بخارائی، جلال‌الدین قاسم علوی، قاسم مفتی، میرمحمد منشی، شمس‌الدین ماوراءالنهری، نظام قاضی، میرکامی بخارائی، صالح مفتی، فهمی بخارائی، هادی نقشبندی، ابراهیم بخارائی، عبدالحکیم طبیب بخارائی، میرنقی بخارائی، خواجه مولانا بخارائی، خواجه عبدالسلام بخارائی، حبیب‌الله بخارائی، مولانا قاصری، مولانا محرمی ماوراءالنهری، محزونی سمرقندی، درویش‌علی ابی‌چنگی میانکالی، عمری سمرقندی، مدحی بدخشی، عبودی گندم‌دانی، فیضی بلخی، سوخی فرغانی، فروغی اندخوذی (ازاندخوذ بلخ)، وقاری بدخشی، کشمی بدخشی، ایوب تاشکندی، ظهیر سمرقندی، شمس خلف ماوراءالنهری، افضلی بخارائی، شوقی بخارائی، مجلسی بخارائی، روحی بخارائی، میرشادی بخارائی، قبولی بخارائی، ساکن بخارائی، حسامی خیوقی (خیوه‌ای)، کثیری بخارائی، قدسی بخارائی، علاءالدین بخارائی، مایلی سراج بخارائی، ابوالوفای سمرقندی، مولانازاده تاشکندی، حمیدالدین چاچی، برهان‌الدین کرمینی، میرگیسو،

صالحی ماوراءالنهری، همامی سمرقندی، هجری مروی، شوقی اندخوئی، واقعی مروی، مجدی ترمذی، طالبی ماوراءالنهری، هاشمی بخارائی، محمد امین زاهد (از مشایخ بخارا)، ناصری مهنه‌ای، خواجه عبدالله مهنه‌ای، خوش‌محمد عزیزان (از مشایخ بخارا که مزار او در خانقاه خودش در روستای عرشی نزدیك بخارا است)، نجاتی تاشکندی، دانشی بخارائی، سروری بخارائی، صوفی بخارائی، ملانیازی ماوراءالنهری، ملاقاسم بخارائی، عزمی بخارائی، مهرمیرزا نهانی ماوراءالنهری، قدسی فرغانی، فروغی سمرقندی، رونقی بدخشی، قاضی سعید خرازی، محمد عهدی، مولانا شکری، میرباقی کاشانی (از کاشان ماوراءالنهر)، میر بدخشی، یوسف ختائی، غزالی ماوراءالنهری، خواجه عبدالوهاب عارف (از مشایخ تصوف)، زلالی خوارزمی، شاعره‌ای غزلسرا بنام سمرقندی، شاه‌ناصرالدین ترمذی، صادق سمرقندی، ابوالخیر عاشق سمرقندی، میرزاعلی بدخشی، قتیلی بخارائی، میروی بدخشی (پسر میرزا سلیمان پادشاه تیموری)، الفتی بدخشی، بیقیدی بدخشی، حیرتی بخارائی (مقیم دربار شاه‌طهماسب)، دولت سمرقندی، کمال‌الدین فانی خوارزمی، عصمت سمرقندی، خواجه هاشم دیوان‌بیگی سمرقندی، قاضی پایندهٔ ضامنی، حضوری بخارائی، فتحی اندکانی تاشکندی، قاضی کسبی بخارائی، قاسم کاتبی

ماوراءالنهری، دیوانه ماوراءالنهری.

براین فهرست طولانی، بایدنام‌چندتن ازپادشاهان سلسلهٔ شیبانی ازبکان را که‌همه به‌پارسی شعر گفته‌اند افزود. نخستین آنان شیبك‌خان ازبك (ابوالفتح محمد شیبانی‌خان) پادشاه معروف سلسله ازبکان ماوراءالنهر است‌که بدست شاه اسماعیل صفوی درسال ۹۱۵ هجری کشته‌شد. وی باآنکه دشمن سرسخت ایران بود، به‌ادب پارسی علاقه داشت و عده‌ای از شاعران معروف پارسی‌گوی منجمله بنائی هروی در دربارش بسر میبردند، وخود نیزبفارسی شعر میگفت. ــ پس‌از او بترتیب عبیدالله‌خان شیبانی (متخلص به‌عبیدی)، سلطان سعیدخان‌شیبانی (متخلص به‌کوهکن)، جوانمرد علی‌خان شیبانی پسر سلطان سعیدخان (متخلص به دیری)، سلطان ابوالخیر شیبانی (متخلص به بزمی)، عبدالله‌خان سوم شیبانی، سلطان مظفر شیبانی، عبدالعزیزخان شیبانی (متخلص به عزیزی) که بنا بوصیت خود در جوار مرقد بهاءالدین نقشبند بخاك سپرده شد، همگی اشعاری بزبان فارسی گفته‌اند. از میرزا ابراهیم فرزند سلیمان شاه فرمانروای بدخشان (متخلص به وفائی) و از بهادرخان شیبانی حکمران بلخ (متخصص به‌رستم) نیز اشعاری به فارسی در دست است.

یکی از وزرای دربار عبدالله‌خان شیبانی میرعلی کاتب هروی خطاط‌معروف بودکه ازبزرگترین خطاطان

نستعلیق است و بهمین جهت در دربار شیبانی ملك‌الکتاب و کاتب‌السلطانی لقب داشت. مزار وی در فتح‌آباد بخارا است.

نمونه‌های جالبی از خطوط این کاتب و نوشته‌های سایر خوشنویسان ایرانی قرون نهم تاسیزدهم هجری در آسیای میانه، در سال ۱۹۶۳ بامقدمهٔ جامعی از «کوستیگوف» تحت نظر دو متخصص ایران‌شناس برجسته شوروی بالدیرف و ترویتسکو درمسکو توسط بنگاه نشریات ادبیات خاورزمین، بنام «نمونه‌های خط خوشنویسان ایران در آسیای میانه در قرون ۱۵ تا ۱۹ میلادی» بچاپ رسیده است:

Obraztsi kallygrafiy Irana i Srednei Azii XV — XIX vv. Vstupit. statya G.Y. Kostygovoi. Red A. N. Boldyreva i A. L. Tritskoi. Moskva, 1963

از شعرا و نویسندگان مشترك جغتائی و فارسی این عصر، میباید از «میرزاپاینده» مترجم قسمتی از بابرنامه نوائی، و از شاه علی‌بن‌عبدالله مترجم مجالس النفایس علیشیر نوائی نام برد که هر دو کتاب از جغتائی بفارسی ترجمه شده است.

از قرن یازدهم به‌بعد تعداد شعرا و نویسندگان پارسی‌گوی سرزمینهای آسیای میانه رو به‌کاهش نهاد. بااین همه از آن زمان تاکنون نیز همواره عده‌ای از اینان وجود داشته و آثار مختلفی از نظم و نثر پدید پدید آورده‌اند که از آن جمله میتوان از اشخاص ذیل

نام برد:

مخدوم اعظم فرغانه‌ای رئیس فرقه خواجگان و مؤلف بیست‌ونه‌رساله درباب‌تصوف، مشفقی شاعردربار شیبانی در بخارا، تردی، فرقت غزلسرا، مقیمی، عمرخان، حافظ تانیش بخارائی مؤلف شرفنامه شاهی و مثنوی معروفی در ۸۰۰۰ بیت که بنام عبیدالله‌نامه سروده شده است، بینائی، هلالی (که غزلیات او مایهٔ موسیقی ملی تاجیك بنام «شش مقام» شده است)، میر سعید شریف راقم سمرقندی، مشرب نمگانی، فطرت زردوزی سمرقندی (متخلص به‌سعیدا) سرایندهٔ مثنوی «کازرپسر یاطالب ومطلوب»، ملیحای سمرقندی (مؤلف تذکره شعرای مذاکرالاصحاب)، محمد امین سرفراز صاحب دیوان غزلیات فارسی، لطف‌الله شاکری که دراصفهان مقیم‌شد، میرآبادی نصفی مؤلف «داستان بهاریه» و مخمس‌های فارسی، سکاکی، لطفی، حمید علیجان، سیمرغ، زینب دامان، وفا، کمال‌الدین بینا (متخلص به‌حالی)، زین‌الدین محمودآصفی، عبدالرحمن مشفقی، میرعابد، سیدافضلی، میرسید راقم، میرمحمد یوسف‌منشی، آخوند ملامحمد بخارائی، محمد اسحق، شوکت، محمد حکیم، خان‌تورا، احمدکلا، فطرت، شاهین، محمد صدیق، حیرت، تاش خواجه، اسیری.

* * *

گذشته از رونق فراوان شعر وادب پارسی در مراکزی نظیر بخارا و سمرقند و مرو و غیره، این

شهرها از همان آغاز عصر اسلامی از کانونهای علمی درجهٔ اول ایران بشمار میرفتند. کتابخانهٔ معروف سامانیان که تاقرن چهارم هجری در بخارا دائر بود از بزرگترین کتابخانه‌های تمام دنیای اسلامی بود، بطوریکه تنها فهرست کتب آن به‌چند صد جلد بالغ میشد. متأسفانه این کتابخانه نفیس براثر جنگها و غارتهای پیاپی بکلی از میان رفت.

در دوران فرمانروائی ایلخانان مرکز علمی ماوراءالنهر از بخارا به سمرقند انتقال یافت. درین باره «بارتولد» دانشمند بزرگ روس مینویسد که در همه سفرنامه‌هائی که در قرون پنجم تا هفتم هجری در وصف سمرقند نوشته شده از کتابخانه‌های بزرگ آن سخن رفته است.

در قرن ششم، کتابخانه‌های مرو شهرت فراوان یافت. این کتابخانه‌ها تازمان ایلغار مغول دائر بود، ولی از آن پس تامدتی ازآنها و ازسایر کتابخانه‌های بزرگ آسیای میانه اثری نماند، تا وقتی که رشیدالدین فضل‌الله وزیر معروف هلاکوئیان کتابخانه شخصی بزرگی بنیاد نهاد، و بطوریکه نوشته‌اند کارگاه خاصی‌نیز تأسیس کردکه در آن بطور مستمر کاتبان و نقاشان متعدد از آثار علم و ادب نسخه برمیداشتند. لیکن پس از مرگ خوارجه رشیدالدین کتابخانه و کارگاه او کلا به‌غارت رفت.

در قرن نهم هجری، کتابخانه عمومی بزرگی در

بخارا ایجاد شد که بانی آن شیخ محمد پارسا بود. این کتابخانه دارای نسخ خطی نادر و گرانبهائی بود که بسیاری از آنها را مشارالیه از سفرهای خود به مکه و مدینه همراه آورده بود.

در دوران سلطنت امیر تیمور، کتابخانه مهمی بفرمان وی در سمرقند تأسیس شد و کتابهای خطی بسیاری رااز سرزمینهای تحت‌فرمان اوبدانجا آوردند. این‌همان کتابخانه‌ای بودکه‌بعدها مورد استفادهٔ فراوان الغ‌بیك و دانشمندانی که تحت سرپرستی‌او درسمرقند گرد آمده بودند قرار گرفت.

خاندان اشترخانی، بخصوص دوتن از امرای آن بنام عبدالعزیز وسبحانقلی‌خان (در قرن یازدهم هجری) بنوبهٔ خود کوشش فراوانی درگردآوری نسخ خطی فارسی دربخارامبذول داشتند ومخصوصاً سبحان‌قلی‌خان در جمع‌آوری کتابهای پزشکی در آنجا کوشش فراوان کرد. ابوالقاضی، خان خیوه (درقرن یازدهم‌هجری) که پیش‌از امارت خیوه مدتی دراز به‌سیر وسفر گذرانیده بود کتابخانه بزرگی از کتب و اسناد تاریخی گرد آورد. خان‌های خوقند نیز کتابخانه‌هائی داشتند که هرچند کوچکتر از کتابخانه‌های بخارا وخیوه بود، ولی درحد خود سهم مؤثری درترواج فرهنگ پارسی داشت.

طبق مدارك موجود، در اوائل قرن جاری کتابخانه‌های خصوصی متعددی از کتب فارسی و شرقی در بخارا فرغانه وجود داشته و در تاشکند نیز چند

کتابخانه از جمله کتابخانه‌های جورابیگ، باقی‌جان بیك، قاضی محی‌الدین وغیره دائر بوده است. درآن هنگام مخصوصاً مجموعهٔ کتابهای خطی شرف جان‌مخدوم ضیاء قاضی‌القضاه بخارا (متوفی در ۱۹۳۵ میلادی) که طی سالیان دراز باکوشش و علاقهٔ بسیار گردآوری شده بود شهرت داشت. این مجموعه که‌دارای نسخه‌های خطی کمیاب بود پس‌از مرگ صاحب آن از طرف کتابخانه دولتی جمهوری شوروی ازبکستان خریداری شد.

کتابخانه معروف دیگر این سرزمین کتابخانه شیخ الاسلام بخارا بود که در جریان شورشها و جنگهای داخلی این منطقه توسط خود او به‌استانبول انتقال یافت و بعداً از استانبول به مدینه برده شد، و اکنون این کتابخانه که دارای چند صد کتاب خطی نفیس فارسی است در مدینه دائر است (به فصل مربوط به عربستان سعودی مراجعه شود).

* * *

در تاریخ روابط فرهنگی ایرا ن و سرزمینهای آسیای میانه، شهرهای چندی همواره نقشی اساسی داشته‌اند که چنانکه فهرست اسامی شعرا و دانشمندان پارسی‌گوی این‌نواحی که‌نقل شدحکایت میکند نام آنها باادب و هنر ایران بصورتی جدائی ناپذیر در آمیخته است. امروزه نیز این شهرها گنجینه‌دار ابنیه تاریخی یاآثار باستانی وهنری ایران یامربوط به‌ایران هستند

که قسمتی از میراث فرهنگی مشترك ایران و آسیای میانه بشمار میرود.

مهمترین این شهرها، دو شهر بخارا و سمرقند ند که در قرون اولیه هجری بترتیب پایتخت سامانیان و پایتخت خانیان یاسلسلهٔ خاقانیان ماوراءالنهر بودند که خود را آل‌افراسیاب نیز میخواندند. خاندان سامانی اساساً دودمانی ایرانی‌نژاد بود که احیاء سنن فرهنگی ایران‌باستان را وظیفهٔ ملی خود میدانست و بهمین جهت دربار این خاندان از آغاز بصورت درخشانترین کانون ادب پارسی درآمد. خاندان خانیه ایرانی نبود ولی فارسی‌زبان رایج دربار این خاندان بود، وحتی دوتن از پادشاهان این سلسله بنام جلال‌الدین خمقاچ‌خان و پسرش نصرةالدین قلج ارسلان خود بفارسی شعر گفته‌اند. پادشاه دیگر این خاندان بنام کمال‌الدین محمود همان کسی است که ممدوح انوری و رشید وطواط بود.

در زمان تیمور شهر سمرقند که تیمور میخواست آنرا پایتخت آسیا کند بصورت کانون هنر ایرانی در آمد، زیرا بامر این پادشاه هنرمندان و صنعتگران و دانشمندان ایرانی از اطراف و اکناف ایران بدانجا رفتند و در ساختمان بناهای عالی و پدیدآوردن آثار بزرگ علم و هنر بکار گماشته شدند. در زمان الغ‌بیك پسر شاهرخ و نوادهٔ تیمور که خود مردی دانشمند و ادیب و فیلسوف بود، فرهنگ ایرانی در این ناحیه

بکمال رونق خود رسید. وی معروفترین دانشمندان ریاضی و نجوم عصر خود را در دستگاه خویش گرد آورد و به‌کمك آنها رصدخانه معروف الغ‌بیك‌را که از مهمترین رصدخانه‌های تاریخ اسلامی است بنیاد نهاد. دانشمندان درجه اول این گروه، غیاث‌الدین جمشید کاشانی (که کتاب «تاریخچه عصر الغ بیگ» نشریه آکادمی علوم ازبکستان از او بعنوان «برجسته‌ترین ریاضی‌دان جهان در قرن پانزدهم» نام میبرد) و معین‌الدین کاشانی و قاضی‌زادهٔ رومی بودند. الغ‌بیك بکمك ایشان زیج معروفی ترتیب داد که به «زیج‌الغ‌بیگی» مشهور است و آخرین زیج معتبر ایران بشمار می‌آید. خود الغ‌بیگ که کتاب مهمی در بارهٔ این زیج نوشته، بقدری در علم هیئت تبحر داشت که توانست گردش زمین را بدور خورشید در پنج قرن پیش فقط بااختلاف یك دقیقه و چند ثانیه محاسبه کند. وی گذشته از آ ثار علمی خود دارای اشعاری بزبان فارسی است که خواجه ابوطاهر مورخ قرن نوزدهم ترکستان ازآن‌ها بتفصیل سخن گفته است. دربار الغ‌بیگ مرکز شعرای متعدد پارسی زبان بود که معروفترین آنها کمال بدخشی است.

سلسلهٔ پادشاهان شیبانی ازبك نیز که بعداً حکمفرمای این نواحی شدند، درعین آنکه با پادشاهان ایران دشمنی شدید داشتند هوادار شعر وادب پارسی بودند و چنانکه قبلا گفته شد غالب شاهان این سلسله

خود بدین‌زبان شعر گفته‌اند. معروفترین پادشاهان این خاندان عبیدالله‌خان ازبك بود که جنگهای او باصفویه مشهور است. وی زبان فارسی را بخوبی میدانست و باتخلص «عوض‌غازی» شعر میگفت، و همان کسی است که حافظ تانیش شاعر و نویسندهٔ برجسته ازبك کتاب شرفنامه شاهی یاعبیدالله‌نامه را در وصف او سروده‌است.

«بخارا» پایتخت سامانیان و شیبانیان را شاید یکی از قدیمی‌ترین اقامتگاههای اقوام ایرانی نژاد باید شمرد. این شهر در کنار رود زرافشان بنا شده و در شرق آن میدانی است که هنوز بنام سامانی آن «ریگستان» خوانده میشود. پادشاهان بخارا یك کاخ سلطنتی در ریگستان، و کاخ دیگری در محل «جوی مولیان» داشتند که رودکی شعر بسیار معروف و زیبای خود را دربارهٔ آن سروده است. بنای «کهن‌دز» یاارگ بخارا در کتب مورخان شرقی به سیاوش پسر کیکاوس نسبت داده شده، و در کتاب معروف «تاریخ بخارا» در این باره گفته شده است که این شاهزاده ایرانی موقعیکه بر اثر دسیسه‌سودابه ازپدر بگریخت‌و بدربار افراسیاب رفت و دختر اورا به زنی گرفت این دژ را بساخت، ولی افراسیاب بهمین جهت بدو بدگمان شد و اورا بکشت و در دروازهٔ گوریان بخاك سپرد وازهمین جهت است که مغان بخارا آن مزار را عزیز میداشتند و در آن مراسم سوگواری خاصی برپا میکردند که‌آنرا

«گریستن مغان» مینامیدند. درهمین تاریخ بخارا آمده است که در آغاز اسلام مردم بخارا هنگام نماز قرآن را به پارسی میخواندند، زیرا «زبان تازی نتوانستند آموخت». در قرن نوزدهم، بطوریکه «خانیکوف» محقق معروف روس مینویسد در مغرب بخارا مردمی بنام کشکوشان میزیستند که معبدی بنام «کوشك مغان» داشتند، و وی آنانرا بازماندگان زرتشتیان قدیم میداند.

در دوران سامانی، این شهر بصورت یکی از بزرگترین مراکز علم و ادب عصر درآمد وکتابخانه‌ای در آنجا ایجاد شد که چنانکه قبلا گفته شد ازکتابخانه‌های درجه اول جهان اسلامی بود. شیخ الرئیس ابن‌سینا در شرح حال خود درباره این کتابخانه مینویسد که در آن‌حجره‌های بسیار بود و هر حجره از صندوق‌های کتاب آکنده بود. یك‌حجره خاص‌دواوین‌شعراوحجره‌ای دیگر خاص کتابهای دین و فقه و فلسفه بود، وهکذا. فهرست کتب مؤلفین قدیم را خواستم و در آنجا کتابهائی دیدم که حتی نام آنها بر بسیار کسان مجهول بود. از آن پس چنین مجموعه‌ای از کتب بهیچ جای ندیده‌ام.

در تمام دوران سامانیان و قره‌خانیان و خوارزمشاهیان، بخارا (که لقب بخارای شریف داشت) مقام شامخ علمی و ادبی خود را حفظ کرد، ولی درقرن هفتم هجری این شهر توسط چنگیز ویران شد و مردم آن قتل عام شدند و تا مدت سه قرن بعد نتوانست

رونق دیرین خود را باز یابد، تا سال ۱۵۰۰ میلادی که پایتخت سلسله ازبکان شیبانی و بعد متصرفه ایران و بالاخره در سال ۱۸۶۸ تحت‌الحمایه روسیه شد.

«وامبر» Vámbery سیاح مجار که در قرن نوزدهم بدین شهر سفر کرده، در سفرنامه معروف خود اطلاعاتی دربارهٔ وضع قرن گذشته بخارا بدست میدهد که نشان میدهد فرهنگ و زبان ایرانی حتی در آن‌زمان در آنجا رواج فراوان داشته است.

بسیاری از بناها و مزارها و مساجد و آثار تاریخی دیگر در بخارا یادگار مستقیم ایرانیان هستند. مهمترین این مراکز طبعاً آرامگاه معروف شاه اسمعیل سامانی است که از اصیل‌ترین نمونه‌های معماری ایرانی در جهان محسوب میشود. از زمرهٔ سایر این مراکز میتوان از آثار ذیل نام برد: مسجد کلان و منارهٔ کلان، چهارمنار، مسجد میرخان، مسجد مغاك (که بروایتی آخرین دسته زرتشتیان این سرزمین مراسم مذهبی خود را بطور پنهانی در آنجا انجام میدادند)، منارهٔ قلیان، مسجد قلیان، مدرسهٔ میرعرب، مدرسهٔ جویبار، قصر ستاره ماه‌آسا، مدرسه مادر جهان، خانقاه نادر دیوان‌بیگی، مسجد عزیزخان، مدرسهٔ گل‌آباد، تیم (بازار) عبدالله‌خان، مقبرهٔ عصمت بخارائی، مقبرهٔ سنگ‌مراد، مزار سیف‌الدین باخرزی (بخارائی) معروف به «شیخ‌العالم سیف‌الدین صوفی» از بزرگان مشایخ قرن هفتم هجری در فتح‌آباد واقع در

نه کیلومتری شمال بخارا کــه بهمین سبب کلخوز این ناحیه را «کلخوز شیخ‌العالم» نام گذاشته‌اند، مقبــره میرعلی کــاتب هروی معروف که در جوار آن است، مزار بهاءالدین محمد نقشبند مؤسس طریقهٔ معروف نقشبندی در دوازده کیلومتری بخــارا در روستــای «قصر عارفان» که زادگاه و محل خــانقاه او بوده و در همانجا نیز بخــاك سپرده شده است. مزار این عــارف بزرگ قرون هفتم و هشتم هجری که‌در اصطلاح محلی او را «بهاءالدیــن بلاگــردان» مینامنــد از دیربــاز زیارتگاه عرفا و صاحبدلان و مقدسترین مکان پیروان طریقهٔ نقشبندی است، و «وامبری» نامبرده مینویسد که حتی از چین و مغولستان برای زیارت آن میــآیند. چند دروازهٔ ایــن شهر دارای نامهای زیبای فــارسی دروازهٔ شیرگیران، نمازگاه، دروازهٔ فراز و غیره است.

در کتاب «ذکر مزارات بخارا» که در نیمه اول قرن نهم هجری تــوسط «احمدبن محمود الفقراء» تــألیف شده، ازهفت دروازهٔ بخاراباسامی در شارستان، در نور در کنده، در آهنین، در قهندز، دروازه مهر، دروازهٔ سغدیان، دروازهٔ کمرگران و از چند رودخانه بــاسامی رود فسرده، رود بخارا، رود ریگستان، رود سغد، رود نوکنده، رود ورفشه، رود بسته و رود بینکان یاد شده است. در همین کتاب از بیش از یکصد مزار متعلق بــه بزرگــان ایرانی از قبیل خواجــه پاره‌دوز، خــواجه سراجگان، سیف‌الدیــن بــاخزری، خواجــه نمدپوش،

فخرالدین شارستانی، مولانا بدرالدین ورسکی، مولانا رضی‌الدین نیشابوری، سید ابوالحسن همدانی و غیره نام برده شده است.

سمرقند یکی دیگر از شهرهائی است که نام آن باتاریخ ایران ارتباط بسیار نزدیك دارد. نام فارسی این شهر مرکند بود، ودر «آثارالبلاد» گفته شده که «نخست بنای قلعهٔ سمرقند را کیکاوس کرد». بطوریکه ابن‌فقیه مینویسد در زمان او بریکی ازدروازه‌های این شهر کتیبه‌ای از دوران هخامنشی وجود داشت. در دورهٔ سامانیان این شهر شکوه و رونق بسیار داشت و درزمان خاندان خانیه پایتخت شد، ولی درقرن هفتم هجری مانند بخارا بدست چنگیز ویران گردید. تیمور گورکانی این شهر را پایتخت خود کرد و بدین ترتیب درقرن‌تیمور سمرقند بزرگترین کانون فرهنگی و هنری آسیای اسلامی شد، و قسمت اعظم از بناهای و آثار هنری این شهر در همین زمان بوجود آمد. در ۱۵۰۰ میلادی ازبکهای بخارا آنجارا متصرف شدند، و در ۱۸۶۸ سمرقند مانند بخارا به تحت‌الحمایگی روسیه تزاری در آمد.

در سمرقند بناها و مدارس و مقابر بسیاری وجود دارد که‌بصورت مستقیم یاغیر مستقیم یادگار ایرانیان است. مهمترین این مراکز بناهای معروف شاه‌زنده است که‌مجموعه‌ای ازآثارجالب‌معماری‌ایرانی واسلامی است.

بطوریکه روایات مذهبی جاری در آسیای میانه حکایت میکند، محل کنونی شاه‌زنده مکانی است که قثم‌بن عباس پسر عم حضرت محمد (ص) که در زمان خلافت معاویه به‌ماوراءالنهر آمده بود، هنگامیکه در ۷۵ سالگی‌در جنگی زخم برداشت خود را در آنجا در زیرزمین پنهان کرد و همچنان در آن مکان زنده است تاروزی از زیرزمین بیرون آید، و بهمین جهت او را «شاه‌زنده» نامیده‌اند. ساختمان بناهای کنونی شاه‌زنده در قرون پنجم و ششم هجری در نزدیکی این نقطه در «پشتهٔ افراسیاب» آغاز شد و در زمان تیمور بپایان رسید. بناهائی که تاکنون محفوظ مانده‌اند عبارت از سیزده مقبره و یك مسجد ویك دروازه‌اند. از زمره مهمترین این مقابر میتوان ازمزار طلغوتکین، ترکان آغا خواهر امیرتیمور، شیرین بیکم‌آغا، ملکه تومان آغا نام برد.

مجموعهٔ ابنیه شاه‌زنده شامل گور امیر (مقبرهٔ تیمور) و مقابر جانشینان او شاهرخ و میرانشاه و الغ‌بیگ و عبدالعزیز و محمدسلطان و مقبره میرسید برکه مرشد امیرتیمور است. گور امیر بدست یك استاد ایرانی ساخته شده که‌نام‌او در سردر بنا چنین آمده‌است: «عمل العبد الضعیف عبدالله بن‌محمد بن محمود بناء الاصفهانی».

بغیراز بناهای شاه‌زنده، از آثار ذیل در سمرقند

میتوان نام برد: مسجد بی‌بی‌خانم (زوجه امیرتیمور)*، مسجد نمازگاه، مسجد خواجه احرار، مسجد ریگستان، مسجد کبود، مدرسهٔ شیردار، مدرسهٔ طلاکاری، مدرسهٔ الـغ‌بیگ، مـدرسهٔ خـاتم، مزار قـاضی‌زاده، مقبرهٔ روح‌آباد، خانقاه و مزار عبیدالله احرار.

در کتاب مزارات سمرقند که پیش‌از تیمور نوشته شده، از نقاط دیگری در سمرقند نـام برده شده است که غالباً اسامی ایرانی دارند و برخـی از آنها بعداً ویران یامتروك شده و یاتغییر نام داده‌اند. این مراکز عبارتند از: دروازهٔ غازیـان، رباط‌غازیـان، سرای جوزانیان (که در وصف آن در این کتـاب گفته شده: معدن علم و کعبه ماوراءالنهر است و مقابر اصحـاب کرامات مانند امام‌سلیمان دارانی وباباصاحب سرمست که به مشتاقان مراد میدهد در آنجا است)، گورستـان جاکردیزه (که در همان کتاب گفته شده: مقام بسیار از علمـا است، منجمله مولانـا شمس‌الدین بریـان‌گر، خواجه رشید روشنائی، خواجه دردکش، مولانا منصور زاهد، و بعداز قبرستـان بقیع گورستـانی بـرتر از

---

* این مسجـد از نظر هنر معمـاری دارای اهمیتی استثنائی است، بطوریکه در سال ۱۹۵۰ از طرف «مرکز انتشارات دولتی معماری و شهر سازی شوروی» در مسکو یك کتاب کامل دربارهٔ آن با عنوان ذیل بچاپ رسید:

Sh. E. Ratiya: Meschet Bibikhanym. "Gosizdat arkhitektury i gradostroitelstva. Moskva," 1950

جاکردیزه در عالم اسلام نیست)، مقابر خواجه احمد جنیدی و خواجه‌یوسف همدانی و خواجه سلیمان فارابی و برهان‌الدین سامانی، نمازگاه سمرقند، غار عاشقان، دروازهٔ چهار رهه، دروازهٔ سوزن‌گران، دروازهٔ فیروزه، مدرسهٔ کوران، چشمهٔ ناوه‌دان، موضع نوشکند، کوی چوپانان، مسجد سرریگ، بازار موزه دوزان، جوی آب‌رحمت، نوباغ، مزار سغدکلان.

«وامبری» سیاح مجار قرن نوزدهم که قبلا ذکر او رفت بنوبهٔ خود از روستاها و مواضع ذیل در پیرامون سمرقند نام میبرد: اوش، مرگولان، نمنگان، کاوشی (نخشب‌سابق)، میمنه، شهرسبز، اندخوی، درهٔ‌مرغاب، کوه بادخیز، بالامرغاب. دربارهٔ منطقهٔ اخیر وی مینویسد که میگویند درگذشته ملك‌جمشیدیها بوده که خود را از سلالهٔ جمشید پادشاه پیشدادی میدانند. — در نزدیکی سمرقند روستای دیگری نیز بنام «روستای عزیزان» هست که مزار جمال‌الدین عزیزان از مشایخ نامی متصوف قرون نهم و دهم هجری در آنجاست. مزار سوزنی سمرقندی نیز نزدیك این شهر است.

«کلاویخو» سفیر دربار کاستیل (اسپانیا) در دربار تیمور، در سفرنامهٔ خود موضع پاسگاه سمرقند را «تنگ در آهنین» نام میبرد.

از مناطق دیگر آسیای میانه که در دوران اسلامی همواره باتاریخ ایران ارتباط داشته خوارزم است که فرهنگ کهن ایرانی حتی پس‌از فتوحات اعراب مدتها

در آن استوار ماند و مخصوصاً در نزد مردمی که آئین زرتشتی را حفظ کرده بودند تاقرنها بعد سنن و رسوم باستانی ایرانی پای‌برجا بود. دراواخر قرن‌اول هجری تازیان این سرزمین را بتصرف درآوردند، ولی شاهزادگان محلی یعنی خوارزمشاهیان را برمسند حکومت باقی گذاشتند وازاین‌راه بعدها سلسله معروف خوارزمشاهیان روی کار آمد که در زمان حمله چنگیز برسراسر ایران حکومت داشت. دردوران مغول پایتخت خوارزم اورگنج بود که شهر بیرون (زادگاه ابوریحان بیرونی) در نزدیکی آن است. بعداً تیمور گورکانی و پس‌از او در قرن دهم هجری خاندان شیبانی آن را بتصرف در آوردند، و اندکی بعد عربشاهیان که از همان خاندان بودند برآنجا استیلا یافتند. در دوران این خاندان، پتر کبیر درصدد اشغال خوارزم برآمد، ولی در این راه توفیق نیافت. در سال ۱۷۴۰ میلادی نادرشاه افشارخوارزم راتصرف‌کرد وآنرایکی از ایالات ایران‌اعلام‌نمود، ودرسال۱۸۷۳ این‌منطقه تحت‌الحمایه دولت روسیه تزاری شد. در آن زمان این منطقه خان‌نشین خیوه نامیده میشد، و این نامی بود که در سال ۱۵۱۲ ایلبار شیبانی بدان‌داده بود. درسال ۱۹۲۰ آخرین خان خیوه که عبدالله‌خان نام داشت بدست دولت شوروی از مقام خود خلع شد ودر این سرزمین یك جمهوری بنام «خوارزمستان» تأسیس گردید که درسال ۱۹۲۴ منحل و ضمیمه ازبکستان و ترکمنسان و ناحیهٔ

قره‌قالپاق شد.

«وامبری» سیاح سابق‌الذکر مجار که‌درقرن نوزدهم از خیوه دیدن کرده، در سفرنـامهٔ خـود از کویهـای مختلف شهر که در زمـان او همچنـان اسامی فـارسی داشتند از قبیل نـان بازار، سرتراش بـازار، بقـال بازار، شمع بازار، و از عناوین فارسی مشاغل مختلف از قبیل میراب، پاشب (رئیس مأموران گشت شبانه)، مهتر (متصدی امور داخلی دربار و کشور) نام میبرد، و تذکر میدهد که‌طبق سنت باستانی خوارزم این مهتر باید همواره از میان سارت‌ها، یعنی از نسل ایرانیانی که نخستین ساکنـان خیوه بودند برگزیده شود. هم او مینویسد کـه بزرگترین عید مردم خیوه عید نـوروز است.

در خیوه نیز ابنیه وآثار متعددی که‌بدست معماران ایرانی ویابسبك معماری ایران ساخته شده وجود دارد که از جملهٔ آنها مسجد جامع، کوش‌دروازه، پهلـوان دروازه، آرامگاه پهلوان عطار، آرامگاه پهلوان محمود قتالی، مدرسه محمد امین‌خان، مدرسه علیم‌خان، مدرسهٔ شیر نمازی‌خان و مناره اسلام خواجه است.

مهمترین مزارهای بزرگان ایران در این منطقه، مرقد شیخ نجم‌الدین کبری عارف نـامی قرون ششم و هفتم (که در ۶۱۸ هجری در فتنهٔ مغول بقتل رسید) و آرامگاه رشیدالدین و طواط است.

مرو، شهر بسیار کهن معروف که حتی در اوستا

از آن نام برده شده در دوران هخامنشی و اشکانی و ساسانی از شهرهای مهم ایران بود، و در قرن چهارم میلادی به صورت مرکز نستوریهای ایران در آمد. مهمترین مزار ایرانی این شهر آرامگاه اتابك جوینی است.

در ترمذ (ترمیز) آثار متعدد مربوط بایران هست که از جمله آنها میباید از مقبرهٔ کاکلدار و آرامگاه حکیم ترمذی نام برد.

فاراب (در ساحل شرقی جیحون) که بعداً اترار نامیده شد زادگاه ابونصر فارابی است و در همین شهر بود که تیمور گورکانی وفات یافت.

نخشب درایالت سغد زادگاه المقنع پیغمبر نقابدار معروف خراسان بود که علیه اعراب قیام کرد و «ماه نخشب» را معجزهٔ خودقرار داد. دهکده افشانه (بتلفظ محلی افشنه) در نزدیکی بخارا زادگاه ابن‌سینا است. در تاشکند که نام قدیم آن چاچ است بناهای متعددی از قبیل خواجه‌ولی، مدرسه براق‌خان، مدرسه ابوالقاسم شیخ، مسجد شیخ همه‌براساس معماری ایرانی ساخته شده‌است. رودخانه‌ای‌که ازاین شهرمیگذرد نام فارسی «سالار» دارد. در بنای مجلل تئاتر علیشیرنوائی در تاشکند استاد معمار نام خود و تاریخ پایان این بنارا بخط فارسی بیادگار نوشته است. این بنا بااسلوب شرقی گچ‌بری و تزئین شده و بردیوارهای آن صحنه ـ های مختلف از داستانهای شیرین‌وفرهاد، بهرام گور و

آزاده نظامی، یوسف وزلیخا ولیلی‌ومجنون جامی بدست استادان زبردست نقاشی شده است.

در تاجیکستان، مهمترین محل تاریخی مربوط به ایران طبعاً آرامگاه رودکی در قریه پنج رودك است که ساختمان کنونی آن درسال ۱۹۵۸ باحضور نمایندگان سی وهشت کشور منجمله ایران گشایش یافت. همچنین میتوان ازمزار خواجه علاءالدین محمد درجنوب ده نو نام برد. ازمهمترین آثار مربوط به‌ایران در جمهوری ترکمنستان، بغیراز اکتشافات «نسا» که قبلا نام برده شد میباید از مزار ابوسعید ابوالخیر در شهر مهنه در جنوب شرقی عشق‌آباد (نزدیك مرز ایران)، مزار ابوعلی دقاق نیشابوری عارف بزرگ قرن چهارم هجری در آبادی «باقر» در مغرب نسای جدید، مزار خواجه ابویعقوب یوسف همدانی ازمشایخ نامی طریقهٔ خواجگان دربیرام‌علی نزدیك مرو که رواق خواجه یوسف نامیده میشود، و نیز آرامگاه سلطان سنجر سلجوقی نام برد که تا پایان قرن سیزدهم میلادی مرتفع‌ترین بنای اسلامی بشمار می‌آمد و زیباترین اثر هنری آن کتیبه فارسی این بنا است.

بسیاری از مراکز فرهنگی و هنری در شهرهای مختلف آسیای میانه بنام رودکی نامگزاری شده‌اند، که از آنجمله میتوان از موزهٔ رودکی و انستیتوی زبان و ادبیات رودکی در دوشنبه، تالار موسیقی دوشنبه بنام تالار فیلارمونی رودکی،

میدان رودکی در دوشنبه بامجسمه هفت متری شاعر، و خیابان رودکی در ایـن شهر نام برد. جائزه دولتی تاجیکستان نیز که هرساله در رشته ادبیات و هنر داده میشود جایزه رودکی‌نام دارد. کتابخانهٔ عمومی دوشنبه پایتخت تاجیکستان‌کتابخانه فردوسی و دانشکدهٔ پزشکی آن دانشکـده ابن‌سینا نام دارند. در دانشکـده ادبیات دانشگاه‌تاجیك‌نیز‌کتابخانه مخصوصی‌بنام «سعیدنفیسی» نامگزاری شده است که‌خود استاد افتخاری این دانشگاه بود. موزهٔ تاریخ و مردم شناسی تاجیکستان در دوشنبه موزهٔ کمال‌الدین بهزاد نامیده میشود.

چندین خیابان و میدان تاشکند به‌اسامی فردوسی، ابوریحان‌بیرونی، ابن‌سینا، عمرخیام، سعدی‌نامگزاری شده‌اند، وکتابخانه عمومی پارك‌شهر کتابخانه ابن‌سینا نام‌دارد. درشهبازمرکزجمهوری خودمختار «قره‌قالپاق» میدان بـزرگی بنـام بیرونی است کـه مجسمه‌ای از ابوریحان درآن نصب شده است.

اخیراً آکادمی علوم شوروی چهارقسمت از دهانه‌ها و برجستگیهای ماه را که توسط دستگاههای اتوماتیك لونای آن کشور در آن کره عکس‌برداری شده بود به نام بیرونی (ابوریحان) ونیز به اسامی کوهی (بیژن) اخترشناس قرن چهارم مازندران، صوفـی اخترشناس دربار عضدالدوله دیلمی و بتانی اخترشناس دیگر زمان دیلمی نامگذاری کرد.

در حومهٔ لنین‌آبـاد (خجند سابق) یك کـوه و یك

رودخانه فرهاد و شیرین نامگذاری شده‌است. یك مرکز بزرگ برق آبی ازبکستان در روی رود سیر دریا نیز فرهاد نام دارد.

در قشلاق بامك واقع در پامیر خانه‌ای بنام «خانه کتاب» وجود دارد که اکنون بصورت یك مرکز بازدید توریستی در آمده است. این خانه در قرن پیش توسط شخصی بنام علیمحمد نجار ساخته شده و تابلوهـای آن بـه شیوه مینیاتورسازی ایرانی بـدست استادی بنام «عبـدالمطلب» نقـاشی شده است. پیرامـون اطاقها اشعاری بزبان فارسی و تاجیکی از غلام نبی و مبارك قدم شعرای محلی نوشته شده است.

در هشت کیلومتری لنین‌آباد (خجند سابق) اخیراً بقایای یك رصدخانه قدیمی قرون اول تا سوم هجـری کشف شده که «ن. نمگانف» دانشمند تاجیك با مطالعه یك کتاب جغرافیای قدیمی فارسی مربوط به قرن پنجم هجری بوجود آن پی برده بود.

«در آچین‌تپه» واقع در جنوب تاجیکستان که آنرا گنجینه زیرزمینی شاهکارها لقب داده‌اند از پنج سال پیش کاوشهائی توسط هیئت باستانشناسی انستیتوی تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان صورت میگیرد وتاکنون بسیاری از آثـار ایرانی قرون اولیه اسلامی در ایـن کاوشها بدست آمده است.

هیئت اعـزامی زمیـن‌شناسی انستیتـوی تـاریخ فرهنگستان علوم تاجیکستان اخیراً در کوههای پامیر

در ساحل راست رودخانه بازار دره به‌کشف شهری قدیمی نائل شد و در کاروانسرای آن مجموعه‌ای از سکه‌های فرغانه متعلق به‌یکهزار سال پیش وپارچه‌های مختلف و بیش از چهل صفحه نوشته خطی به خط فارسی بدست آورد. این شهر در کنار معادن سابق نقره قرار داشت و از این جهت میتوان آنرا شهر نقره نامید. این سکه‌ها نوشته‌ها اکنون تحت مطالعه قرار دارند.

در ۱۹۶۴ سومین کنگره زبان فارسی در شهر تاشکند پایتخت ازبکستان تشکیل شد. در این کنگره ایران‌شناسان مختلفی از مسکو، لنین‌گراد، تاشکند، سمرقند، باکو، دوشنبه، ایروان و تفلیس شرکت داشتند و در آن بیش‌از پنجاه سخنرانی درباره مسائل مختلف مربوط به‌زبان‌شناسی ایران ایراد گردید.

در ۱۹۶۶ چهارمین کنگره ایران‌شناسان شوروی در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان تشکیل شد، ودر همان سال سمپوزیوم شعر فارسی باشرکت نمایندگان ایران (پرویز خانلری، لطفعلی صورتگر، نادر نادرپور) و شعرای افغانستان و تاجیکستان در دوشنبه برگزار شد. درسال ۱۹۶۶ چهارمین کنگره زبان‌فارسی درشهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان تشکیل شد.

در سال ۱۹۶۷ کنگره بین‌المللی بزرگی تحت سرپرستی یونسکودرشهر دوشنبه بمنظورتبادل مطالعات مربوط به‌تاریخ وفرهنگ وتمدن آسیای میانه در دورهٔ

کوشانیان تشکیل گردید که با پیام شادباش اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران گشایش یافت. در این کنگره‌که از ۲۷ سپتامبر تا ۲اکتبر این‌سال ادامه داشت، بیش‌از دویست تن از دانشمندان کشورهای متعدد از شرق و غرب منجمله ایران شرکت داشتند.

از نظر هنری رابطهٔ بسیار نزدیکی که به‌حد یك هنر مشترك میرسد بین‌ایران وتاجیکستان وجود دارد. آثار موسیقی تاجیکی کاملا با موسیقی و ترانه‌ها و اشعار ایرانی آمیخته است. غزلها وترانه‌های خراسانی مایهٔ بسیاری از ترانه‌ها و آهنگهای تاجیکی است. رقص‌های محلی تاجیك نیز کاملا مشابه رقصهای محلی خراسان است. بهترین متخصصین کنونی این رقصها و آهنگها افراد هیئت هنری فیلارمونی تاجیك هستند که دسته مختلط آواز و رقص موسوم به «گلستان» را تشکیل میدهند.

* * *

در سالهای اخیر متن یاترجمه بسیاری از آثار کلاسیك ادبیات ایرانی در جمهوریهای ازبکستان و تاجیکستان و ترکمنستان انتشار یافته است.

مهمترین این آثار، دورهٔ کامل «قانون» ابن‌سینا است که ترجمه و چاپ آن از سال ۱۹۵۴ بمناسبت هزارهٔ ابن‌سینا آغاز شد و تاسال ۱۹۶۰ ادامه یافت. این دورهٔشش جلدی که‌جمعاً شامل ۴۰۵۸ صفحه است، بنام القانون فی‌الطب ابن‌سینا Avicenna: Kanon

Vrachebnoi Nauki توسط فرهنگستان علوم ازبکستان، تحت نظر هیئتی ازدانشمندان برجسته شوروی وازبك مرکب از ترنووسکی V.N. Ternovskii ، آرندس A. K. Arends ، اسمعیلوف I. I. Ismailov و غیره تحت نظر زاهداوف T. Z. Zakhidov و پتروف B. C. Petrov بچاپ رسیده است. ترجمه آثار برگزیده ابوریحان بیرونی در ازبکستان، چاپ تاشکند (جلد اول، آثار الباقیه در سال ۱۹۵۲ ــ جلد دوم: تحقیق ماللهند، در سال ۱۹۵۳) ــ متن کامل شاهنامهٔ فردوسی در نه جلد (چاپ دوشنبه، سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶)، برگزیده آثار عبدالرحمن جامی (چاپ تاشکند درسال ۱۹۶۰ ودوشنبه، سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵)، برگزیده آثار رودکی (چاپ استالین‌آباد، سال ۱۹۵۸)، ترجمه دانش‌نامه ابن‌سینا (چاپ استالین‌آباد، سال ۱۹۵۶)، نظرات فلسفی ناصرخسرو برمبنای تحلیل زادالمسافرین (چاپ دوشنبه، سال ۱۹۶۵)، ترجمه تاریخ بیهقی توسط آرندس (چاپ تاشکند، سال ۱۹۵۸)، ترجمه «همایون‌نامه» منظومهٔ فارسی گلبدن‌بیگم دختر همایون پادشاه هند به‌زبان ازبکی توسط بانو عظیم‌جانوا (چاپ تاشکند، سال ۱۹۵۹)، «رباعیات و رسالات عمر خیام» (چاپ استالین‌آباد، سال ۱۹۵۷) برگزیده‌ای از اشعار مولانا جلال‌الدین رومی (چاپ دوشنبه، سال ۱۹۶۴)، ترجمه سفر هند عبدالرزاق سمرقندی بزبان

ازبکی (چاپ تاشکند، سال ۱۹۶۵)، ترجمه کتاب سرالاسرار زکریای رازی توسط کریم‌اف (چاپ تاشکند، سال ۱۹۵۷).

در این فهرست میباید اختصاصاً از صدرالدین عینی بنیانگزار مکتب جدید ادب تاجیکی وهواخواه برجستهٔ ادب پارسی یاد شود که بهمت او نهضت آشنائی باادبیات ایران در تاجیکستان آغاز شد. وی در اواخر عمر رئیس آکادمی علوم تاجیکستان بود و پس ازمرگش مجموعه آثار او در ده‌جلد بنام «کلیات عینی» تحت نظر فرزند وی کمال‌الدین عینی (که چاپ متن تاجیکی نه جلدی شاهنامه فردوسی باهتمام او صورت گرفته است) بچاپ رسید. این کلیات شامل مجموعه‌ای از آثار شعرای فارسی و تاجیك از قرن دهم تاقرن بیستم است که از بهترین اسناد بررسی ادبیات ایرانی در آسیای میانه دراین دوران محسوب میشود. درحال حاضر اپراها، تئاترها، خیابانها ومراکز متعدد دیگری در شهرهای مختلف تاجیکستان و ازبکستان بنام صدرالدین عینی نامگزاری شده است.

در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۶ هیئت اعزامی آکادمی علوم‌تاجیکستان در روستاهای مرتفع‌کوهستانی‌پامیر در ناحیهٔ بدخشان مجموعه‌ای از نسخه‌های نفیس خطی فارسی را کشف کرد که قسمتی از آنها از آثار فرقه اسماعیلیه بود. از زمره این نسخ نسخه خطی شرح حال حسن صباح بود که توسط خود او تألیف شده است.

همچنین چند نسخه از آثار ناصرخسرو که قبلا تصور میشد بکلی از بین رفته است و نسخه خطی منظومه شمس خاکی خراسانی شاعر قرن دهم هجری که آن نیز از بین رفته تصور میشد، در این مجموعه بدست آمد.

آندرئی برتلس فرزند برتلس معروف که ریاست این هیئت را بعهده داشت در این باره مینویسد: «ما در دهات پامیر آثاری زیادی درباره تاریخ و جغرافیای بدخشان و آثار طوسی و ناصرخسرو را که در همانجا کتابت شده بود پیدا کردیم. در میان این دستخطها آثار قدیمی بسیار جالبی مانند «ام‌الخطاب» طوسی و «آفاق نامه» ناصرخسرو بود که تاکنون بدانها دسترسی نبود. همچنین آثار مختلف شعرای پامیر از قبیل ضیائی و میرزا عباد شیدزی و مبارك وحانی و غیره کشف شد. مبارك وحانی که در ۱۹۰۵ درگذشت قریب پانزده هزار بیت مثنوی و چند منظومه فلسفی و مذهبی از خود باقی گذاشته است. در قشلان یمغ دیوارهای خانه‌ای که مسکن او بوده و در همانجا نیز در گذشته است با خطوط فارسی زیبائی مزین شده‌اند و حالا این خانه بصورت موزه منطقه‌ای در آمده است. آثاری که ما در بدخشان بدست آوردیم از نظر مطالعه در ادبیات ملل شرق و تاریخ عمومی بسیار جالب است».

در بدخشان آثار خطی فارسی زیادی در مراکز فرهنگی و در خانواده‌ها نگاهداری میشود. ناصرخسرو مدتی در دهکده «یمگان» بدخشان اقامت داشت و رساله

«جامع‌الحکمتین» خود را بافتخار امیر بدخشان در همانجا تألیف کرد. غیاث‌الدین علی‌بن حسین اصفهانی کتاب صحیفة‌الناظرین و رساله خویش را در علم نجوم در بدخشان که اقامتگاه او بود نوشت. سنگ محمد شاعر پارسی‌گوی بدخشان (قرن سیزدهم هجری) و صوفی مبارك قدم (از همان قرن) که مثنوی پارسی او دارای ۷۰۰۰ بیت است، و «واضح» شاعر پارسی‌گوی دیگر همه در بدخشان میزیسته‌اند. یوگنی برتلس ایران‌شناس نامی فقید شوری مینویسد که در بدخشان بسیاری از مردم اشعار حافظ را از بر میخوانند و در محاورات جاری بکار میبرند و نسخه‌های آنرا دستنویس میکنند. در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸ شمسی) هیئت اعزامی انستیتوی ادبیات آکادمی علوم ترکمنستان در سفری که بمنظور مطالعات تحقیقی بعشق‌آباد کرد یك نسخه خطی بسیار قدیم شاهنامه را که‌درحدود هزارسال پیش‌نوشته شده‌است بدست آورد. این کتاب که دارای ۱۴۰۰ صفحه است باخط نسخ کتابت شده و قبلا متعلق به متولی یکی از مدارس مذهبی ایالت «مرو» بوده‌که‌در ۱۲۷۴ شمسی درگذشته و کتابخانه بزرگی شامل کتب خطی متعدد فارسی و عربی و ترکی از خود باقی گذ اشته است. این نسخه اکنون در اختیار آکادمی علوم ترکمنستان است.

از شاهنامه فردوسی ترجمه کاملی بزبان ازبکی در دست است که توسط «آخوند ملاخاموش» صورت گرفته

است. از این ترجمه یك نسخه خطی خوب که در سال ۱۰۹۳ هجری نوشته شده و یك نسخه خطی دیگر که تاریخ سال ۱۲۲۶ هجری را دارد در اختیار کتابخانه تاشکند است. ترجمه ازبکی شاهنامه در سال ۱۹۰۵ در ۶۷۰ صفحه درتاشکند بچاپ رسیده است.

در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ شمسی) نسخه‌ای خطی از اشعار مولوی که درقرن هفتم هجری تحریر شده بود در یك کتابخانه شخصی در شهر بخارا کشف شد، وآکادمی علوم تاجیکستان پس‌از رسیدگی اعلام کرد که این نسخه باحتمال قوی درزمان حیات‌خود مولانا جلال‌الدین نوشته شده است.

اخیراً نسخه خطی دیوان‌کامل عبدالرحمن جامی که ظاهراً بدستور خود او توسط میرعلی یکی از خوشنویسان آسیای مرکزی تحریر شده است در ازبکستان بدست آمد. این نسخه که کلیه اوراق آن مذهب و مزین به نقوش زرین است ودر سال ۱۹۲۰ بعلت آشوبها و جنگهای داخلی توسط صاحب آن در زیر خاك پنهان شده بود، شامل منظومه‌های جامی و آثار علمی وفلسفی ورساله موسیقی او وتذکره شعرای تذکره شعرای گذشته است.

رابطه نزدیك فرهنگی ایران و ازبکستان در زبان ازبکی نیز تأثیر بخشیده است، بطوریکه شاید تاده درصد از کلمات زبان کنونی ازبکی ریشه فارسی داشته باشد. برخی از کارشناسان رشتهٔ زبان‌شناسی

آکادمی علوم ازبکستان ضمن مطالعـات علمی خود در کرانه‌های اقیانوس منجمد شمـالی بـاقبائلی برخورد کرده‌اند که در زبان آنها کلمات متعدد فـارسی وجود داشته است و ظاهراً این مردم کسانی بوده‌اند که در قرون گذشته از آسیای مرکزی بدان نواحی مهاجـرت کرده‌اند.

در مـدارس و کتـابخـانه‌هـای متعدد شهرهـای ازبکستان تاقرن گذشته زبان فارسی تعلیم داده میشد. مدرسه میرعرب ومدرسه دیوان‌بیگی بخارا ازمهمترین این مراکز بودند. در حال حاضر نیز تعلیم فارسی در مدرسهٔ میرعرب ادامه دارد.

در قرون گـذشته بسیـاری از کتب نفیس خطـی فارسی بدست خوشنویسان ازبك کتابت شده است. در حـال حـاضر نیز دو خـوشنویس کـه متخصص خط نستعلیق هستنـد بنـام «رسـول‌اف» و «مـراداف» در تاشکند مشغول کارند که علاوه برآنکه خود بدین خط کتابت میکنند، به‌عده‌ای نیز تعلیم خوشنویسی نستعلیق میدهند.

در دوران پیش‌از انقلاب، عده زیادی از ایرانیان از خـراسان و استرابـاد بـه آسیای مـرکزی منجمله ازبکستان مهاجرت کردند و چندین نشریه فارسی در ازبکستان انتشار دادند که‌مهمترین آنهامجله «بخارای شریف» چاپ بخارا بمدیریت میرحیدرپور خواجه‌قاسم (سال ۱۳۳۰ هجری)، ومجله ماهانه رهبر دانش بزبان

و خط فارسی چاپ سمرقند (سال ۱۳۴۳ هجری) بود.

در سال ۱۹۲۸ نشریهٔ تحقیقی باارزشی دربارهٔ همبستگی‌های تاجیکستان بادیگر ملل ایرانی‌نژاد با همکاری علمی دانشمندان ایران‌شناس کلیهٔ نواحی شوروی، در استالین‌آباد ومسکو از طرف «انجمن مطالعات دربارهٔ تاجیکستان و سایر ملل ایرانی‌نژاد» تحت عنوان روسی ذیل انتشار یافت:

Izvestiya Obshestva dlya izucheniya Tadzikistana i Iranskikh narodnostiy za ego predelami. Moskva i Stalinbad, 1928.

سرزمین «تاتارستان» نیز دارای سابقه ممتد روابط فرهنگی و هنری با ایران است. تاتارها از قدیم با ایران رابطه تجارتی و فرهنگی داشته‌اند و بهمین جهت نام ایشان بکرات در ادبیات فارسی آمده است. آثار شعرای بزرگ ایران از دیرباز در این سرزمین رایج بوده و ترجمه‌های مختلفی بخصوص از گلستان سعدی و دیوان حافظ به تاتاری صورت گرفته است.

دانشگاه قازان مرکز جمهوری خودمختار تاتارستان از اوائل قرن گذشته کانون اصلی ایران‌شناسی روس و یکی از مراکز مهم تدریس زبان فارسی در روسیه بود، ومخصوصاًکتابخانه این دانشگاه از مهمترین مراکز نسخ خطی فارسی در این کشور بشمار میرفت. در اواخر قرن پیش یک دستور زبان

فارسی توسط «میرزا جعفر» در قازان بچاپ رسید.

دربارهٔ دانشگاه قازان و سهم عمده آن در تاریخ ایران‌شناسی روسیه، توضیح مبسوط در فصل ایران‌ـ شناسی شوروی داده شده است.

ـ ۳ ـ

قفقاز

جمهوریهای شوروی آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، جمهوری خودمختار داغستان، ناحیهٔ خودمختار اوستی

آذربایجان

سرزمینی که امروز جمهوری شوروی آذربایجان نام دارد از بیست و هفت قرن پیش‌که نخستین اقوام آریائی‌نژاد در آن سکونت گزیدند پیوسته باایران رابطه‌ای بسیار نزدیك داشته است. در آن تاریخ، شاخه‌ای از اسکیث‌های ایرانی‌نژاد آسیای مرکزی و سیبری که بنا به‌تحقیق «دیاکونوف» مورخ و محقق معاصر شوروی «اشکودا» نام داشتند از راه معبر دربند وارد قفقاز شرقی شدند و در جلگه میان گنجه‌وارس جای گرفتند و یك اتحادیه نیرومند پادشاهی که درقرن هفتم پیش‌از میلاد نقش‌مهمی درتاریخ ایفا کرد بوجود آوردند.

از زمان مادها، ایرانیان این سرزمین را «اران»

و یونیان آلبانی (آلبانیا) و ارمنیان «آلوانگ» یا «آغوانك» نامیدند، و بعدها اعراب نام پارسی آنرا معرب کردند و به صورت اران یا الران درآوردند. این نام ظاهراً از اسم قبیله ایرانی‌نژاد «آلان» که‌در دوران مادها ساکن این ناحیه در جنوب داغستان کنونی، میان رود کورش (کورا) و رود ارس و دریای خزر و شامل قراباغ و شیروان فعلی بود گرفته شده است.

نام آذربایجان ازقدیم فقط برسرزمینی اطلاق‌میشد که فعلا آذربایجان ایران است و درجنوب «اران» واقع بود، و این نامی است که از پایان دورهٔ هخامنشی بصورت «آتورپاتکان» بدان داده شد. وجه تسمیه این نام‌را «استرابو» جغرافیادان ومورخ یونانی که خود در زمان اشکانیان میزیست چنین ذکر میکند که پس‌از سقوط شاهنشاهی هخامنشی بدست اسکندر، سرداری بنام آتورپات که از طرف داریوش سوم در این سرزمین حکومت داشت اعلام استقلال کرد واز طرف مردم بپادشاهی برگزیده شد و ازآن پس‌نام اورا براین ناحیه نهادند. دو مورخ دیگر، پلیب یونانی و دیودوروس سیسیلی با تأیید این ماجرا اضافه میکنند که آتورپات بدون مخاصمه بااسکندر از در صلح درآمد و اسکندر نیز فرمانروائی آن سرزمین را چنانکه قبلا نیز داشت منتها بصورت مستقل بدو واگذار کرد. بطوریکه استرابن مینویسد در زمان این مورخ یعنی در اواخر دوران اشکانی همچنان دودمان آتورپاتکان

بالاستقلال در این سرزمین فرمانروائی داشتند. ظاهراً نام آذربادگان که بعداً بصورت معرب آذربایجان درآمد و در شاهنامه بصورت آذرآبادگان آمده، از همین آتورپاتکان که در نوشته‌های پهلوی نیز بدین صورت آمده، گرفته شده‌است. کلمه «آتورپاتکان» خودباحتمال قوی از ریشهٔ اوستائی Aterepâta بمعنی نگهبان و پناهندهٔ آتش آمده است، و این همان ریشه‌ای است که در ایران کهن اسامی رایج آذربد و آذرپاد از آن مشتق شده است.

سرزمین کنونی آذربایجان شوروی‌که درطول تاریخ همواره «اران»و«آلبانی» نام‌داشته، درتمام‌دوران ماد و هخامنشی و ساسانی دارای حکومت‌نشین خاص خود بود. در زمان ساسانیان قلاع مستحکمی در این منطقه ساخته شد که مهمترین آنها «دربند» معروف داغستان بود. بطوریکه یاقوت مینویسد پیرامون دربند در ایالت شروان باروی عظیمی بفرمان شاهنشاه ساسانی (قباد یاانوشیروان) برای جلوگیری از هجوم اقوام وحشی شمالی ساخته شده بودکه تاقرون بعد همچنان پای برجا بود. حمدالله مستوفی نیز تذکر میدهد که در کوههای نزدیك دربند قلعه‌ای بدست قباد ابن فیروز ساسانی ساخته شد.

در اواخر دوران ساسانی، در سرزمین «اران» خاندانی ایرانی بنام «مهران» حکومت داشت که پس‌از استیلای اعراب «ارانشاه» نامیده شد. دردوره حکومت

مستقیم اسلامی، سرزمین اران درعین آنکه تابع حکومت‌نشین آذربایجان بود جزئی از آن نبود و بهمین جهت حاکمی که از طرف خلیفه تعیین میشد دومقام والی آذربایجان و والی اران را باهم داشت.

از سال ۲۷۶ تاحدود ۳۱۸ هجری خاندانی بنام ساجیان که مؤسس آن محمدابن ابی‌الساج دیوداد بود آذربایجان و اران و ارمنسان را بفرمان خویش آورد، ولی بعداً این دودمان بدست خلفای عباسی منقرض شد.

در سال ۳۴۰ پیروان سالار محمد امیرالف در این سرزمین علم‌استقلال برافراشتند، واز آن‌جمله محمدبن شداد در ناحیه اران یعنی در نخجوان و گنجه سلسله شدادیان را تأسیس کرد که تفلیس نیز در قلمرو آن بود و این سلسله تا سال ۴۶۸ هجری براین نواحی استیلا داشت. در همین زمان سلسله دیگری از زادگاه سالار مرزبان محمد دیلمی در جنوب اران حکومت میکرد. بعدأسلسله‌های ایرانی دیگر بنام جستانیان، کنگریان و سالاریان که هرسه دیلمی بودند در نواحی مختلف این سرزمین روی کار آمدند و فرهنگ و زبان ایرانی را از دیلمستان به اران بردند و آنرا جانشین زبان و فرهنگ عربی کردند. در نتیجه از نیمه اول قرن پنجم زبان فارسی دراین منطقه رواج‌یافت وامرای آن به‌ترویج ادبیات این زبان پرداختند.

در نیمه اول همین قرن سلجوقیان برتمام این

نواحی مسلط شدند، و چون اینان قبلا در خراسان بودند و کارگزاران دربار خود را از دانشمندان آن سرزمین برگزیده بودند و از آنراه بهزبان دری خو گرفته بودند، این زبان را در «اران» زبان درباری خود کردندو دراین منطقهکه ریشهٔ زبان‌محلی‌آن زبان‌ارانی از گویشهای‌پهلوی بود زبان دری را انتشار دادند و در نتیجه این زبان از نیمه دوم قرن پنجم در اران و آذربایجان رواج یافت و آثار ادبی متعددی بدین زبان پدید آمد.

در همین زمان خاندان معروف «شروانشاهان» در منطقه وسیعی که مرکز آن شهر شروان یاشیروان بود سلطنت محلی داشتند. عمر این سلسله بسیار طولانی بود، زیرااز اواخر دوران ساسانی تازمان شاه اسماعیل صفوی ادامه داشت. ابوریحان بیرونی این خاندان را از زادگان ساسانیان میداند و برخی دیگر از مورخان اسلامی بااین عقیده همراهند.

در دوران استیلای اعراب، شروانشاهان تابع حکام عرب و در دوران سلاجقه تابع حکام سلجوقی شدند، ولی همواره عنوان خود را محفوظ نگاه داشتند.

در این زمان در سمت دیگر رود کورا خاندان ایرانی‌نژاد دیگری بنام «مهران» حکومت داشت و در اوائل قرن چهارم سلسله دیگری بنام کشرانی در این‌سامان روی‌کار آمد، اماسلسله شروانشاهان همیشه مهمترین سلاله پادشاهی اران بود. مرکز رسمی این

سلسله شیروان بود، ولی‌طبق تحقیق «خانیکوف» محقق روسی اینان مقر سلطنت خودرا گاه در شماخی و گـاه در باکو نیز قرار میدادند.

کاخ سلطنتی شیروانشاهان درباکو که هنوز باقی است یك بنای تاریخی عالی است که از نظر معماری و هنری بسیار جالب است، و درباره آن گزارش تحقیقی جامعی تـوسط «داداش‌اف» و «حسین‌اف» دانشمندان آذربایجان بنام «مجموعه کاخ شروانشاهان در باکو» در سال ۱۹۵۶ با عنوان ذیل در مسکو انتشار یافته است:

S.A. Dadashev i M.A. Hoseinov: Ansambl dvortsa Shyrvanshakhov v Baku.-Moskva, 1956.

پادشاهـان سلسلهٔ شیروانشاهـان عمومـاً اسامی ایـرانی داشتند کـه از آنجمله میتوان از منوچهـر شروانشاه ملقب به‌خاقان اکبر (که خاقانی تخلص خود را ازعنوان او گرفت)، فریبرز شروانشاه، آفریدون شروانشاه، فرخزاد شروانشاه، گـرشاسب شروانشاه، جلال‌الدین اخستان وجهان پهلوان نصرة‌الدین اخستان (که نظامی اسکندرنامه خودرا بنام او سرود) نام برد. بسیـاری از سخنسرایـان پـارسی‌گوی تحت حمـایت همین خاندان قرار داشتند، و در واقع شروان در آن زمان مـانند بخـارای دوران سامـانی و غزنین دورهٔ غزنوی، از کانونهای ادب پارسی بود. در همان حال در سایر مراکز این سرزمین‌که دودمان‌های دیگری برآنها حکم میراندند نیز زبان و ادب پارسی رونق داشت.

نخستین شعرای بزرگ پارسی‌گوی این سرزمین، کفائی گنجه‌ای و ابونصر علی منصور اسدی بودند که در قرن چهارم هجری میزیستند. شخص اخیر که فرزند اسدی شاعر معروف و همان کسی است که نخستین کتاب خطی فارسی بنام «الانبیه عن‌حقائق الادویه» بخط او نوشته شده، شاعر دربار ابودلف کرکری امیر «اران» بود که مثنوی گرشاسب‌نامه را به پیروی از شاهنامه بفرمان این امیر سرود و فرهنگ معروف اسدی را تألیف کرد.

در همین قرن «بهمنیار» فیلسوف ومتفکر برجسته این سرزمین که شاگرد ابوعلی‌سینا بود آثار علمی و فلسفی متعددی بزبانهای فارسی و عربی نوشت که از آنجمله میتوان از کتابهای بهجت و سعادت، التحصیل مبادی الطبیعة، زینه فی‌المنطق، مراتب الموجودات نام برد.

از شعرای پارسی‌گوی این سرزمین در قرن پنجم و ششم هجری، میتوان از مشاهیر ذیل نام برد:

نظام‌الدین‌گنجه‌ای استاد خاقانی، مهستی گنجه‌ای، خاقانی شیروانی، نظامی گنجه‌ای، مجیرالدین بیلقانی از مبتکرین سبك شعر عراقی، محمد فلکی شروانی شاعر و عالم و مؤلف کتابی معروف در علم نجوم، مطرزی گنجه‌ای، امیرالدین مسعود مهندس نخجوانی.

از شاعران پارسی‌گوی قرن هفتم هجری که تعدادشان بسیار زیادتر است، میتوان از شعرای ذیل

یاد کرد:

قوام‌الدین ذوالفقار شروانی که در جوانی معاصر خاقانی بود، جمال‌الدین خلیل شروانی سراینده مجموعه رباعیاتی بنام «نزهة‌المجالس» که بنام علاءالدین فریبرز شروانشاه سروده شده، بختیار شروانی، عزالدین شروانی، نصیر گنجه‌ای، نفیس تفلیسی شروانی، جمال گنجه‌ای، جنید گنجه‌ای، رشید شروانی، رشید گنجه‌ای، حمید گنجه‌ای، رضی گنجه‌ای، سعید شروانی، شمس اسعد گنجه‌ای، صفی شروانی، عزالدین شروانی، علی شروانی، عیانی گنجه‌ای، امیرعمر گنجه‌ای، عماد گنجه‌ای، مختصر گنجه‌ای، مهذب شروانی، نصیر گنجه‌ای، نفیس شروانی، و شاعره‌ای بنام رضیه گنجه‌ای.

در قرن هشتم‌هجری، چند نویسنده وشاعر برجسته پارسی‌گوی دیگر ازاین سرزمین برخاستند که‌مهمترین آنها عبارتنداز: هندوشاه نخجوان مترجم تجارب‌السلف از بهترین نمونه‌های نثر پارسی، محمدبن هندوشاه منشی نخجوانی پسر او که دو اثر معروف وی بنام «صحاح‌العجم» در لغت فارسی و «دستورالکاتب فی‌تعیین المراتب» درفن انشاء از آثار ادبی کلاسیک زبان فارسی است، عبدالرشید باکوئی مورخ و جغرافیادان، عارف اردبیلی شاعر دربار شروانشاه کیکاووس سراینده مثنوی فرهادنامه که بسبك خسرو وشیرین نظامی سروده شده است.

از شعرای قرون نهم و دهم هجری این سرزمین، میتوان از بدر شروانی، کمال‌الدین مسعود شروانی که علاوه برشاعری در کلام و منطق و حکمت استاد بود و در این رشته‌ها آثار متعدد تألیف کرد، خلیل نخجوانی شاعر نابینا، صلاح‌الدین حسن نخجوانی (که براثر سی‌سال اسارت در نزد بلغارها بلغاری لقب یافت و از بزرگان مشایخ تصوف و از اصحاب شهاب‌الدین سهروردی معروف بود) نام برد.

در این قرون میباید از دوتن از متفکران و مشایخ نیز بالاخص نام برد: یکی «یغنبی» مؤسس فرقه «حروفیه» که بامر تیمور درشروان زندانی شد وچندی بعد به‌اتهام کفر درسال ۷۹۶ هجری در نخجوان بدست شخص میرانشاه پسرتیمور بقتل‌رسید، وهشت‌سال بعد جسدش را بفرمان تیمور از گور بیرون آوردند و سوزانیدند. یغنبی صاحب قصاید و غزلیات متعددی بزبان فارسی و مؤلف کتابی بنام «جاودان کبیر» است که آنرا در زندان شروان نوشت، و نیز دارای رسالاتی بنام «اصول حروفیه» و «عرش‌نامه» و «محبت‌نامه» است. ــ دختر یغنبی نیز شاعره‌ای پارسی‌گوی بود که بمناسبت تبلیغ اصول حروفیه در جوانی در تبریز کشته شد.

دیگری روشنی بردعی از معاریف مشایخ صوفیه و از اعقاب یحیی شروانی است که طریقه «روشنی» را در تصوف ابداع کرد و هنوز پیروان این طریقه در

مصر و ترکیه بسرمیبرند. وی مدتی در گنجه و شروان وبردعه بدعوت وارشاد مذهبی پرداخت وبعد به‌تبریز رفت و اوزون حسن در سلك مریدان او درآمد، و بامر سلجوق‌خاتون مادر سلطان یعقوب آق‌قویونلو خانقاهی در تبریز برای او ساخته شد که اکنون آرامگاه وی نیز در همانجا است.

پس‌از هجومهای پیاپی ترکان بدین سرزمین زبان ترکی در آنجا نفوذ یافت و یك زبان خاص «ترکی — ارانی» بوجود آمد. شعرای متعددی دراین زمان بهردو زبان پارسی و ترکی شعر گفته‌اند که‌مشهورترین آنها فضل‌الله نعیمی، عمادالدین نسیمی و مخصوصاً محمد فضولی شاعر بزرگ این سرزمین (درقرن دهم هجری) و سراینده منظومهٔ «لیلی ومجنون» است که از آثار بدیع ادبیات شرق بشمار میرود. همچنین ملاپناه واقف شاعر قرن دوازدهم هجری که زبان فارسی را خوب میدانست و درعین حال ریاضی‌دان واخترشناس نیز بود و پس‌از قتل او بدست خان جوانشیر کتابخانهٔ وی باکتب نفیس خطی فارسی و عربی آن بتاراج رفت.

در اوائل قرن گذشته «عباسقلی اتابکی خانف» کتاب «گلستان ارم» و چندی بعد کتاب «دستور زبان پارسی» را تألیف کرد. درهمان قرن میرزاجعفر توپچی باشف کوشش بسیاری در مورد تحقیق علمی در زبان و ادبیات پارسی بکار برد. وی تحصیلات خود را در سنت‌پترزبورگ انجام داد و در آنجا مطالعات زیادی در

رشته خاورشناسی‌کرد و ازسال ۱۸۳۵ به استادی‌کرسی زبان فارسی دانشکده زبان‌وابسته بوزارت امورخارجه روسیه برگزیده شد. از جمله شاگردان او در این کرسی «گریبایدوف» سفیر معروف روسیه در ایران بود که بعداً در تهران‌کشته شد. توپچی‌باشف یکی از بنیانگزاران هیئت باستانشناسان روسیه بود و خود از سال ۱۸۵۱ تا سال ۱۸۵۵ ریاست بخش خاوری این هیئت را بعهده داشت.

حاجی زین‌العابدین شیروانی سیاح و جغرافیادان اهل شماخی در پایان قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم به‌ایران و عثمانی و افغانستان و هند و کشورهای مختلف عربی سفر کرد و سفرنامه‌های جالبی بنام «ریاض‌السیاحه» و «بوستان‌السیاحه» بزبان فارسی نوشت.

یکی دیگر از دانشمندان برجستهٔ این سرزمین در آن قرن «میرزاعلی کاظم‌بیك» است که کتاب‌های تحقیقی مهم «باب و بابیان در ایران» و «دربندنامه» و «تاریخ‌اسلام» ازجمله‌آثار اوست. این‌محقق‌درسالهای ۱۸۰۲ تا ۱۸۷۰ میزیست و درحدود ۱۲۰کتاب تألیف کرد که قسمت مهمی از آنها به مطالعات مربوط به تمدن وفرهنگ شرق‌بخصوص ایران اختصاص داشت.

دیگر از شخصیت‌های علم و ادب قرن گذشته این سرزمین «میرزافتحعلی آخونداف» است که کتابخانه دولتی‌باکوبنام اونامگزاری‌شده‌است. اززمرهٔ تألیفات‌این

دانشمند سه‌نامه از کمال‌الدوله راجه هندی به شاهزاده ایرانی جلال‌الدوله و پاسخ او است که در آنها وضع اجتماعی ایران و هند مشروحاً توصیف شده است. اثر دیگری از او تحقیقی درباره علل پیروزی شاه‌عباس برعثمانیان است.

در قرن حاضر علاوه بربسیاری از آثار ادبیات ایران که متن فارسی یاترجمه ترکی آنها در باکو انتشار یافته (به فهرست کتابشناسی مربوط به آذربایجان شوروی در آخر این فصل مراجعه شود) چند روزنامه بزبان فارسی نیز در باکو بچاپ رسید که ازآن جمله میباید از روزنامه ارشاد نام برد که‌تاسال ۱۹۰۶ (۱۳۲۴ هجری) به ترکی منتشر میشد، ولی بعد از سفر ادیب‌الممالك فراهانی به‌بادکوبه توسط وی به فارسی انتشار یافت. درسال ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ هجری) مجله مصوری بنام «حقایق» بزبان فارسی به مدیریت میرزا محمدعلیخان اویسی درباکو منتشر شد.

مجله «ملانصرالدین» که بمدیریت «جلیل محمد قلی‌زاده» در باکو انتشار مییافت، نظیر روزنامه حبل‌المتین هند در قفقاز وآسیای میانه وایران وترکیه و مصر و هند خوانندگان فراوانی بدست آورد، ونقش فکری مهمی در انقلاب مشروطیت ایران ایفا کرد.

* * *

ازز‌مرۀ ابنیۀ تاریخی متعددی که‌درسرزمین کنونی آذربایجان شوروی از ارتباط دیرینۀ هنر وفرهنگ

ایران با این ناحیه حکایت میکند میتوان از آثار ذیل نام برد:

خانقاه و مزار پیرحسین در هفت کیلومتری جنوب باکو، که در سال ۶۴۱ هجری در زمان سلطنت «ورجام افریدون ابوالمظفر فریبرزبن گرشاسب‌بن فرخزاد» (شیروانشاه فریبرز سوم) ساخته شده و در قرن گذشته «ب. دورن» دانشمند و خاورشناس معروف روس تصویر دقیقی از وضع این بنا را درسال ۱۸۶۰ ترسیم کرده است. این بنا دارای کاشیهائی عالی بوده که اکنون در موزهٔ ارمیتاژ نگاهداری میشود و برآنها ابیاتی از شاهنامه و اشعار دیگری از شعرای گمنام کتابت شده است. مسجد جامع باکو از بناهای سلطان شیخ خلیل‌الله که کتیبه آن تاریخ ۷۸۰ هجری را دارد. گیلك مسجد از بناهای قرن هشتم هجری ـ مسجدقصر ـ دیوان‌خانه ـ دروازه کاخ شروانشاه کار استاد امیرشاه ـ مسجد زنده‌پیر اثر قرن هفتم هجری در دهکده مازار در نود کیلو متری باکو.

در شبه‌جزیره «آبشوران» نزدیك باکو بقایای کاخها و ابنیه متعددی وجود دارد که یادگار معماران ایرانی است، از قبیل قصر تابستانی شروانشاهان و خوانین محلی در «نردران» کرانه شمالی این شبه جزیره که در اواخر قرن ششم هجری ساخته شده، مسجدی از قرن دهم هجری که بنا به کتیبه آن توسط مرادعلی معمار ایرانی ساخته شده، مسجد حاجی‌بخشی

ازقرن دهم هجری،کاروانسرائی ازقرن هشتم هجری، قلعه مردکان از قرن ششم هجری که معمار آن یك استاد ایرانی بنام عبدالمجید بود، قلعه دختر (قزقلعه‌سی) که بانی آن مسعودبن داود امضاء کرده است و. ن. و. خانیکف خاورشناس معروف روس که آنرا از نزدیك بررسی کرده وی را یك شاهزاده سلجوقی قرن هشتم هجری میداند.

در «شماخی» در پیچ رودخانه‌ای که راه قدیمی شماخی به‌ایران از کنار آن میگذرد در محل معروف به «بخش پیر» بقایای خانقاهی از قرون ششم تا هشتم هجری وجود دارد که یادگار دراویش خراسانی است و «وصاف» در تاریخ خود از خان اوزبك قزل‌اورده که بزیارت این خانقاه رفته بود یاد میکند.

مهمترین آثار قدیم شکی که‌اکنون «نوخا» نام دارد بقایای کاخهای خانهای شکی است که توسط «استاد زین‌العابدین معمار» ساخته شده است.

در نخجوان آرامگاه شیخ خراسان و مقبره گلستان در قرن هفتم هجری توسط نخجوانی معمار مشهور آن عصر ساخته شده‌است. ناحیه «قره‌باغلر» نخجوان‌دارای مجموعه‌ای از آرامگاههای متعلق به خوانین این منطقه در قرون ششم تاهشتم هجری است که کتاب «معماری آذربایجان» نشریه فرهنگستان علوم آذربایجان که اخیراً در باکو بچاپ رسیده، آنها را از حیث سبك معماری کاملا مشابه با ابنیه مراغه و سلماس میشمارد.

در همین کتاب، از شباهت زیاد گنبد سرخ مراغه باآرامگاه میمنه‌خاتون در نخجوان که یادگار قرن ششم هجری است سخن رفته و توضیح داده شده است که از این نمونه‌معماری درقفقاز جزیکی دومورد دیگرنمیتوان یافت. این بنا و آرامگاه دیگری بنام «یوسف ابن‌قیر» توسط شخصی بنام «عجمی» ساخته شده که اسم او از ایرانی بودن وی حکایت میکند. «گنجه» از مراکز مهم دیگر آثار معماری ایرانی است. این شهر که در زمان حکومت تزاری یلی‌زاوت‌پل (الیزابت‌پل) نام گرفته بود و اکنون به کیروف‌آباد موسوم است مقر یکی از بزرگترین شاعران زبان پارسی (نظامی) ومرکز اصلی فرهنگ ایران در این خطه بود. بنای عالی «جمعه مسجد» گنجه از طرف شاه‌عباس صفوی ساخته شد و بگفته «مرآت‌البلدان» معمار آن شیخ بهائی بود. از دوران شاه‌عباس بقایای کاروانسرای بزرگی نیز دراین شهر باقیمانده است، و آرامگاهی بنام «جوانمرد قصاب» که آن نیز از یادگارهای ایرانی است. از آثار باستانی گنجه سردری آهنین از قرن پنجم هجری است که در بالای آن نام سازنده‌اش استادابراهیم‌بن سلیمان به‌فارسی نوشته شده است.

بنای تاریخی دیگری که‌باحتمال قوی یادگار ایرانی است بنای «امامزاده» گنجه است. از جمله سایر آثاری که احتمالا کار مشترك معماران ایرانی و آذربایجانی است، میتوان از «دلبرمسجد» دراردوباد، گورستان

هفت‌گنبد در شماخی، آرامگاه بایندر در آخلاط، مسجد گوهرآغا در شوشا و آرامگاه شیخ بدرالدین در ده خزر که معمارآن «استادیوسف فرزنداستادطاهر» بوده‌وکاتب نوشته آن «سلطان» امضاء کرده است نام برد. در دهکدهٔ «بالابالا» مردمی که خود را از بازماندگان زرتشتیان کهن میدانند زندگی میکنند.

بقایای آتشکده دیگری دردامنهٔکوه گوا درآذبایجان وجود دارد که تاحدود سال ۱۸۴۰ زرتشتیان قفقاز در آنجا برای ادای مراسم مذهبی گرد میآمدند.

آرتور کریستن‌سن خاورشناس معروف دانمارکی از آتشکده بزرگی نام میبرد که سابقاً درباکو وجود داشته و از آتشگاههای مهم ایران بوده است. باید تذکر دادکه نام باکو باحتمال قوی‌از ریشه قدیمی «بغ» گرفته شده که معنی خداوند را دارد، و احتمالا علت این تسمیه وجود آتشگاههای باستانی در این شهر است که طبعاً ریشه آنها را میباید درفراوانی منابع گازهای این منطقه دانست. اولین باری که اسم «باکو» بدین صورت ذکر شده در نسخه باستانی دربندنامه است که در قرن سوم هجری نوشته شده است.

در کتاب مرآت‌البلدان از وجود قلعه‌ای دربادکوبه بنام «قلعه دختر» در کنار برجی بنام «برج دختر» یاد شده که‌یکی ازقلعه دخترهای متعدد سراسر ایران بوده است، و احتمالا ریشهٔ آنهارا باید در معتقدات مذهبی باستانی در مورد ناهید (آناهیتا) جستجو کرد.

در شهر باستانی «بردع» واقع درناحیهٔ قراباغ که اقامتگاه سلاطین ایلخانی بوده (و در زمان ساسانیان پرتو خوانده میشد)، بقایای برجی قدیمی وجود دارد که «خانیکف» دانشمند روس‌آنرا درسال ۱۸۵۷ بازدید و عبارت فارسی بالای سردر جنوبی آنرا بدین صورت یادداشت کرده است: «عمل احمدبن ایوب حافظ نخجوانی، ماه شوال سنه ۷۲۲». همین خانیکف کتیبه مسجدی را درشهر نسموس (میان رود ارس و شهر بردع) بدین‌صورت فارسی‌نقل‌کرده است: «درزمان سلطنت پادشاه‌اسلام ابوسعیدبهادرخان، دوشنبه چهارم رمضان شنبه ۷۲۰ تحریر شد.»

ارمنستان

قوم ارمنی از قرن هفتم پیش‌از میلاد در سرزمین کنونی ارمنستان که در آنوقت قسمتی از قلمرو دولت «اورارتو» بود مستقر گردید و تقریباً از همان هنگام ارتباط تاریخی و فرهنگی نزدیکی میان دوملت ایرانی و ارمنی آغاز شد که‌تابامروز بدون وقفه ادامه دارد.

ارمنیان شاخه‌ای از نژاد آریائی و از خویشاوندان نژادی نزدیك ایرانیان هستند، و نمونه‌های این خویشاوندی را بخوبی درسنن فرهنگی ونژادی دوملت بخصوص در زبان آنها میتوان یافت. این دوزبان از لحاظ ریشه و ترکیب کلمات بسیار باهم نزدیکند، و گذشته ازآن‌در دوران باستانی بیش‌از یکهزار کلمه فارسی قدیم مستقیماً ازایران‌وارد زبان‌ارمنی شده که اکنون به‌صورت جزو لایتجزای این زبان در آمده است.* این نفوذ فراوان زبانهای ایرانی در زبان

*در این مورد مخصوصاً از دو اثر تحقیقی جالب میباید نام برد که یکی توسط هاینریش هوبشمان محقق آلمانی با عنوان« فارسی و عربی در زبان قدیمی ارمنی» در سال ۱۸۹۵ در لاپیتسیگ

بقیه‌حاشیه در صفحه‌بعد

زبان‌شناسان اروپائی که بکار طبقه‌بندی زبانهای هند و اروپائی پرداخته بودند، تامدتی زبان ارمنی را یکی از زبانهای محلی ایران بحساب آورند. در کتب خطی باستانی ارمنستان تصریح شده که تاپیش از ایجاد الفبای ارمنی توسط «مسروپ» اسناد ومدارك مربوط به‌امور حقوقی و دیوانی و قراردادها و فرامین ارمنستان بزبان ایرانی نوشته میشد. آئین باستانی ارمنستان نیز، چنانکه «استرابو» مورخ معروف نقل میکند تاپیش‌از رواج مسیحیت نوعی از آئین ایرانی بوده یابهرحال بستگی خیلی نزدیکی باآن داشته است که پرستش آرامازد (اورمزد)، میثرا یامیهر (مهر)، آناهیتا (آناهید یاناهید)، تیر و غیره مؤید آن است.

نخستین مدرك تاریخی که در آن از «ارمنستان» ارمنی باعث شد که در قرن نوزدهم نخستین نام برده شده کتیبه معروف داریوش در کوه بیستون است که در آنجا از این سرزمین بصورت «ارمینا» یاد شده است. از نظر تاریخی در زمان پیش‌از داریوش نیز مادها باارمنستان مربوط بودند. در اواخر قرن هفتم یااوائل قرن ششم پیش‌از میلاد که دژ مستحکم

«بقیهٔ حاشیهٔ صفحهٔ قبل»

H. Hübschmann: Die persischen und arabischen Lehnwörter im Altarmenischen. Leipzig, 1895.

و دیگری توسط امیل بنونیست محقق معاصر فرانسوی، عنوان «کلمات پارتی در زبان ارمنی» در شماره سال ۱۹۶۵ «مجله مطالعات ارمنی» در پاریس بچاپ رسیده است.

دولت اورارتو بدست سپاه ماد سقوط. کرد ارمنستان به قلمرو ایران پیوست. این قلعه که تیشبا نام داشت و در محل کارمیربلور Karmirblour کنونی درنزدیکی ایروان واقع بود اکنون توسط باستان‌شناس شوروی پیوتروفسکی B. B. Piotrovsky مورد حفاری قرار دارد. بنا بگفته «موسی خوره‌نی» مورخ و جغرافیادان معروف ارمنی قرن پنجم، آژداهاك پادشاه ماد با «تیگرانوئی» خواهر شاهزاده تیگران که باستانی‌ترین پادشاه ارمنستان است ازدواج کرد، ولی تیگران بعداً باکورش پارسی علیه آژداهاك همداستان شد، زیرا بقول کزنفون (در کورش‌نامه) کورش در جنگ میان ارمنستان و کلده بیاری تیگران شتافت و صلحی پایدار میان این دوسرزمین مستقر کرد. حماسه ارمنی مربوط به دلاوریهای تیگران، حاکی است که این شاهزاده باتفاق فریدون پهلوان ایرانی با آژداهاك جنگید و بعدها شاهزاده تیگران و جنگاوران ارمنی وی همواره در لشکرکشیهای کورش شرکت داشتند و سرانجام نیز تیگران که فرزندی نداشت کورش را به‌جانشینی خویش برگزید. بطوریکه‌کزنفون مینویسد کورش پسرخود بردیارا به‌ساتراپی ارمنستان وماد منصوب کرد وازآن تاریخ ارمنستان ساتراپ‌نشین سیزدهم شاهنشاهی ایران شد. در قرون پنجم و چهارم پیش‌از میلاد، یعنی دردوران بعداز داریوش بزرگ، ارمنستان به دوساتراپی مجزا (ساتراپیهای سیزدهم و

هجدهم) تقسیم شد که فرماندار ارمنستان شرقی «ارنت» داماد پادشاه پارس و فرماندار ارمنستان غربی «تی‌زیباز» شاهزاده ارمنی بودند. موسی خورنی اسامی عده‌ای از شاهزادگان ارمنستان را که از اخلاف تیگران بودند نام میبرد که برخی از آنها از قبیل تیران، اردوان، نرسه نامهای ایرانی دارند.

بطوریکه از نوشته‌های خوره‌نی برمیآید در زمان او افسانه‌های حماسی‌زیادی درارمنستان دربارهٔ دوران پیوند شاهزادگان ارمنی باپادشاهان ماد و پارس رایج بود. بسیاری از ساتراپهای ارمنستان در دوران هخامنشی، از وابستگان شاهنشاهان ایران بودند، مثلا آخرین این ساتراپها بگفته استرابون از اخلاف ویدرنا یکی از هفت سردار پارسی بود که داریوش بزرگ را به تخت شاهی نشاندند. در بارهٔ رواج آداب و سنن هخامنشی در ارمنستان قدیم، تحقیق جامعی توسط محقق معاصر ارمنی تیراتسیان G. Tyratsian درسال ۱۹۶۰ بزبان روسی در مسکو انتشار یافته است.

در دوران اشکانی، ارمنستان نقش بسیار مهمی در تاریخ ایران داشت، زیرا این سرزمین متنازع‌فیه دائمی شاهنشاهی پارت و امپراتوری روم بود. بسیاری از پادشاهان ارمنستان در این دوران یا مستقیماً ایرانی و یاوابسته به‌ایران بودند، و در این باره جامعترین اطلاع تاریخی را در نوشته‌های «موسی خوره‌نی» فوق‌الذکر میتوان یافت. به گفته این مورخ

«ارشك دلیر» ۳۱ سال و پسرش آرداشس (اردشیر) ۲۶ سال و بعد ارشك یا رشکان پسر آرداشس که ارشك‌کبیر لقب یافت بیش از ۳۰ سال پادشاهی ارمنستان را داشتند. سپس ارشك برادرش «وال‌ارشك» را (که موسی خوره‌نی او را اشکانی جوانمرد میخواند) بپادشاهی این‌کشور برگزید و وی ۲۰سال سلطنت‌کرد و کارهای بزرگی انجام داد. در جای دیگر همین مورخ از پادشاهان دیگر ارمنستان بنام درتاد (تیرداد)، واگارش (بلاش)، خسرو، ارتاواز (آرتاباز)، ارد، مهرداد، ورزاداد، ورمشاپوه (بهرام‌شاپور) و غیره نام میبرد.

مهرداد اول اشکانی، شاهزاده بنام تیگران دوم را به‌سلطنت ارمنستان رسانید که در زمان وی ارمنستان بصورت کشور و دولتی یکپارچه درآمد. در سال ۵۴ پیش‌از میلاد تیرداد شاهزادهٔ اشکانی دودمانی نو در ارمنستان بنیاد نهاد و به استقلال حکومت کرد. سلسلهٔ اشکانی ارمنستان تا سال ۴۲۹ میلادی یعنی قریب پنج قرن روی کار بود و آخرین پادشاه این سلسله ارتاشیس (آرداشس) چهارم پسر ورمشاپور (بهرام‌شاپور) بود که از ۴۲۲ تا ۴۲۹ میلادی حکومت کرد. درهمین‌زمان شاخه‌دیگری ازسلسله ارمنی خاندان اشکانی درجنوب‌ارمنستان‌و بعضی‌قسمتهای بین‌النهرین و آسور فرمانروائی داشت که نسب اعضای آن به ارشام پسر آرداشس دوم میرسید.

یکی از شاهنشاهان اشکانی، ارد، درقرن اول پیش

از میلاد یك شاهزاده خانم ارمنی را به‌ازدواج فرزند خویش درآورد، و در جشن عروسی مربوط بهمین ازدواج بود که بگفته پلوتارك، در موقعیکه نمایشنامهٔ «باکانت‌ها» اثر معروف اوریپیدس یونانی‌را درحضور شاه ایران و شاهزادهٔ ارمنستان و بزرگان ارمنی و ایرانی در تئاتر شهر آرتاشات نمایش میدادند، پیکی که از صحنه جنگ سپاه پارت با لژیونهای رومی آمده بود ازراه رسید وسر بریدهٔ کراسوس سردار معروف روم‌را که بدست سپاه اشکانی کشته شده بود برای ارد آورد، وبازیگر یکی ازنقشهای این‌نمایش که‌میبایست سر بریده‌ای‌را برنیزه به‌صحنه بیاورد، بجای سر مصنوعی سر کراسوس را بصحنه آورد.

در دوران ساسانیان، ارمنستان همچنان اهمیت خود را در تاریخ ایران حفظ کرد. هنگامیکه اردشیر اول سلسلهٔ ساسانی را بنیاد نهاد، سلطنت ارمنستان با خسرو اول (خسرو کبیر) پسر بلاش بود که از سال ۱۹۸ میلادی براین سرزمین حکومت میکرد. از ۲۳۲ تا ۲۵۹ میلادی سلطنت ارمنستان مستقلا بااردشیر ساسانی و پسرش شاپور اول بود، ولی بعداً تیرداد دوم پسر خسرو کبیر به پادشاهی ارمنستان رسید. در زمان بهرام چهارم ساسانی، پادشاهی بنام خسرو سوم برارمنستان حکومت میکرد، و بعداز او برادرش بنام ورهام شاپور (بهرام‌شاپور) پادشاه‌شد (۳۹۲ میلادی). اندکی بیش‌از این تاریخ یعنی در سال ۳۰۱ میلادی،

باکوشش «گریگوری‌مقدس» معروف به نوربخش که اصلا از تیره اشکانی بود آئین مسیحی مذهب رسمی ارمنستان شد. دولت ساسانی در آغاز بااین امر مخالفتی نکرد، ولی چون همبستگی مذهبی ارمنستان باامپراتوری روم در اختلافات ایران و روم عاملی بزبان ایران بود، ساسانیان تدریجاًبابدبینی بدان نگریستند، بطوریکه در زمان یزدگرد دوم مهرنرسی نامه‌ای برای روحانیان و اشراف ارمنستان فرستاد و آنها را به ترك آئین مسیح ترغیب کرد. متن این نامه که‌بوسیلهٔ «یقیشه» مورخ ارمنی نقل شده هنوز دردست است. «دیاکونوف» مورخ و محقق معاصر شوروی می‌نویسد که در آن زمان بسیاری از خانواده‌های اشرافی ارمنستان آئین زرتشتی را پذیرفتند وحتی «واساك» مرزبان ارمنستان که سردسته یکی از قبایل بزرگ ارمنی بود بدین آئین گروید.

درسال ۴۲۹، بهرام‌پنجم شاهنشاه ساسانی خاندان اشکانی ارمنستان را که تاآنوقت برسرکاربود خلع کرد و ازآن پس اداره امور این سرزمین را بدست مرزبانی سپرد که مستقیماً از طرف تیسفون تعیین میشد، و این وضع تاهنگام سقوط ساسانیان و استیلای اعراب ادامه داشت. همین پادشاه در سال ۵۰۱ میلادی فرمانی صادر کرد که بموجب آن کلیسای ارمنستان بصورت کلیسای مستقلی درآمد که مورد تأیید ایران بود.

از روابط ایران و ارمنستان در دوره‌های اشکانی

وساسانی اطلاعات زیادی‌توسط مورخان ارمنی دردست است که‌ازبهترین مدارك تاریخی دراین زمینه بشمار میرود. از زمرهٔ این مورخان میتوان از مارآپاس‌کاتینا Mar Apas Catina که اصلا یونانی و ساکن ارمنستان بود وازطرف واغارشاك نخستین شاهزاده اشکانی ارمنستان مأمور نوشتن تاریخ ارمنستان شد، و بردیسا Bardesae روحانی، وآقاتانگقوش Agathangueghos منشی تیرداد دوم پادشاه ارمنستان که تاریخ وقایع سالهای ۲۲۶ تا ۳۳۰ میلادی را بدوزبان ارمنی و یونانی نوشته است، و فاوستوس بیزانسی Pavstos Byuzand که وقایع سالهای ۳۴۴ تا ۳۹۰را نقل کرده و نوشته‌های او بعنوان سند تاریخی معتبری در قرن پنجم به‌ارمنی ترجمه شده، و زنوب Zenob والیزا وارتاپت Elisa Vartapet و لازار Lazare و یزنیك Eznik و مخصوصاً از «موسی خوره‌نی» Movses Xorenatsi معروفترین مورخ و جغرافیادان ارمنی نام برد. «موسی خوره‌نی» که او را هرودوت ارمنستان نامیده‌اند در سالهای ۴۰۷ تا ۴۹۲ میلادی میزیست و شاگرد«قدیس‌مسروپ» مخترع‌خط ارمنی‌بود. وی‌پس‌از سفرهای متعدد به‌کشورهای مختلف‌عصر خود تاریخ و جغرافیای مفصلی نوشت که‌ازمهمترین مدارك باستانی بشمار میرود و قسمت مهمی از آن بنام ایرانشهر توسط مارکوارت ایران‌شناس برجسته به‌آلمانی ترجمه شده است. تاریخ «موسی خوره‌نی» حاوی اطلاعات

زیادی نه‌تنها دربارهٔ روابط تاریخی ایران وارمنستان بلکه دربـارهٔ سازمان شاهنشاهی ساسانی است و ایـن اطلاعات بکرات مورد استناد محققان غربی در تدوین تاریخ ایران قرار گرفته است.

بنا به‌نوشته این مورخ، بدستور وارشاگ پـادشاه ارمنستان واجازه اشك اول شاهنشاه اشکانی، مارآباس کاتینا (کـه فوقاً بدو اشاره شد) آرشیو سلطنتی نینوا پایتخت آشور را مورد بـررسی قـرار داد و تـرجمه نخستین کتابی را که دربارهٔ تاریخ باستانی ارمنستان نوشته شده‌بود درآنجابدست آورد. خود موسی‌خوره‌نی، بطوریکه مینویسد در نوشتن تاریخ ارمنستان ازکتابی بنـام «راست‌سوهـون» (راست‌سخن) تـألیـف مـورخ ایرانی برسومـا و ترجمهٔ فوروهبود (فـرهبد) از آن استفاده‌کرده است. بگفته‌وی، فوروهبودکه منشی شاپور شهریار ایران بود، طی یکی از جنگهای ایران و روم به اسارت بیزانس درآمد و در آنجـا زبان یونـانی را آموخت و تاریخ شاپور یولیانوس (امپراتور بیزانس) را تـألیف‌کرد، و در همـان هنگام کتاب خطی «راست سخن» تألیف برسوما را که تـاریخ شاهان قدیم ایران است از پهلوی به یونانی ترجمه نمود. متـأسفانه از اصل پهلوی وترجمه یونانی این‌کتاب که‌مورد استفادهٔ «موسی‌خوره‌نی» قرار گرفته، اثری باقی نمانده است.

«موسس خوره ناتسی» نخستین مـورخی است که داستان اژدهاك (ضحاك) را که فردوسی پنج‌قرن بعداز

او درشاهنامه بنظم درآورده، نقل کرده است. مراجعه بنوشته‌های این مورخ نشان میدهد که وی در این‌مورد از منابعی استفاده کرده است که بعدها در دسترس نویسندگان خدای نامك و فردوسی نبوده است. قدیمی‌ترین شرح مربوط به رستم قهرمان داستانی ایران را نیز در نوشته‌های «موسس خوره‌ناتسی» میتوان یافت. وی این پهلوان را رستم ساگچیك (رستم سیستانی) نامیده و مینویسد که او «زور ۱۲۰ پیل داشته است». اخیراً «چوخاسیان» عضو مرکز خاورشناسی آکادمی علوم ارمنستان، گزارش تحقیقی جالبی دراین‌زمینه بنام «تشریح مدارك موسی خوره‌نی درباره حماسه گرشاسپ و ضحاك ایرانی» انتشار داده است.

درمورد آئین زرتشتی و تعلیمات مذهبی زرتشت نیز اطلاعات زیادی در نوشته‌های «موسس خوره‌نی» و در آثار چندتن از مورخان ارمنی معاصر او از قبیل یزنیك کوقباتسی، یقیشه، قازار راپتسی که هرسه در حدود پانصد سال پیش از فردوسی میزیسته‌اند میتوان یافت.

«یقیشه» در کتاب تاریخ خود ماهیت آئین زرتشتی و تاریخ پیدایش آنرا برمبنای نامه‌ای تشریح میکند که «میهرنرسه» (مهرنرسی) سردار ایرانی خطاب به ملت ارمنستان نوشته است و طبعاً میباید آنرا از منابع مهم‌تاریخ ایران بشمار آورد. «یزنیك کوقباتسی» نیز

در کتاب «یقتس آقاندست» در اینباره اطلاعات زیادی بدست داده است.

یك مورخ دیگر ارمنی معاصر خورەنی، بنام آقاتانگقوش (که قبلا بدو اشارەشد) در کتاب خود بنام «تاریخ ارمنستان» اطلاعات جامعی دربارهٔ اردشیر بنیانگزار سلسله ساسانی بدست داده که مفاد کلی آنها همانها است که بعدها در شاهنامه میتوان یافت، ولی اطلاعات مورخ ارمنی قدری مبسوط‌تر است.

مورخ دیگری معاصر بااین‌دو نفر بنام پاوستوس بوزاند (بیزانسی) اطلاعات جامعی درباره اردشیر بابکان بدست داده است.

وقایع‌نگار ارمنی بنام «الیزه وارداپت» ازدستخطی یاد میکند که توسط شاپور شاهنشاه ساسانی صدور یافته و درآن اعلام شده است که مغان و یهودان و پیروان سایر مذاهب در هرنقطه از ایران که‌باشند در اجرای مراسم مذهبی خود آزادند و کسی حق مزاحمت ایشان را ندارد.

در قرن ششم کتابی بنام «مرتدان» توسط یزنیك کوقباتسی Eznyk Koghbatsy تألیف شد که در آن از آئین ایرانی زروانی انتقاد شده بود. این‌کتاب حاوی اطلاعات ارزنده‌ای درباره سنن و عقاید مذهبی ایران زمان ساسانی است.

درآثار مورخان ارمنی قرن هفتم میلادی که در زمان سقوط شاهنشاهی ساسانی میزیسته‌اند، از قبیل

آنانیا شیراکتسی (مؤلف تاریخ جهان‌نما)، سبه‌اوس، قوند، کانساکتسی، کاقان کاتواتسی، آیریوانکسی، آسومیك، داوریژتسی وغیره، اطلاعات جالبی دربارهٔ تاریخ ایران میتوان یافت. غالب این آثار اکنون در مخزن «متن‌داران» (بشرح مربوط بدین کتابخانه رجوع شود) نگاهداری میشود. سبه‌اوس (سبعوس) مورخ ارمنی شخصاً مدتی در دربار خسروپرویز بوده و شیرین شاهدخت ارمنی را از نزدیك دیده‌است، ومینویسد که‌بامر این شاهزاده‌خانم کاروانسراها و منزلگاهها و کلیساهای متعدد در ایران ساخته شده بود. هم او چندین‌بار ازیك دلاور ایرانی بنام آسپاندیات (که قطعاً نام ارمنی اسفندیار است) یاد میکند.

در اواسط قرن هفتم میلادی، از نظر مذهبی در جامعه مسیحی ارمنستان انشعاب بزرگی حاصل شد و فرقه‌ای‌از پیروان آئین نومانوی (Neo-Manichaeism) بنام پولیسین‌ها (طرفداران پائولوس) پدید آمدند که بشیوهٔ آئین ایرانی طرفدار اصل ثنویت بودند. پیروان این فرقه بصورت دسته‌جمعی از ارمنستان به ترکیه تبعید شدند و در سرزمینهای کنونی بلغارستان و یوگسلاوی استقرار یافتند، و در آنجا در ربع اول قرن‌دهم عقاید ایشان‌بامعتقدات تازه‌ای‌درآمیخت وآئین «بوگومیل» را پدید آورد که تاچند قرن مهمترین نمایندهٔ فکر و فلسفه ایرانی در اروپا بود، و دربارهٔ

آن دردوفصل مربوط به‌بلغارستان و یوگسلاوی توضیح بیشتر داده خواهد شد.

پس‌ازانقراض شاهنشاهی‌ساسانی، اعراب‌ارمنستان را تسخیر کردند ولی براثر مقاومت منفی ارامنه ناگزیر اداره امور آن را به‌حکام محلی از دوخانواده بزرگ مامیکوتیان و باگرات سپردند. از حوادثی که درآن زمان در ارمنستان روی داد پناهندگی بابك خرم‌دین به‌سهل‌بن سنباط امیرعرب ارمنستان وتسلیم ناجوانمردانهٔ او از طرف این حاکم به‌افشین بود.

بعداز سستی کار خلافت عباسی بغداد ارمنستان استقلال یافت، ولی چندی بعد تحت استیلای سلجوقیان قرار گرفت. درین مدت عده‌ای ازمردم آن به کیلیکیه رفتند و در آنجا «ارمنستان صغیر» را بنیاد نهادند. این ارمنستان صغیر در جنگهای صلیبی شرکت جست و از طرف پاپ یك سرزمین مستقل تحت حمایت کلیسای رم اعلام گردید، و آخرین پادشاه آن که در پاریس در گذشت بصورت یك قهرمان مذهبی در کلیسای سن‌دنی بخاك سپرده شد.

در زمان تیمور ارمنستان مورد قتل و غارت بیسابقه‌ای قرارگرفت که‌نمونه‌ای ازآن‌زنده‌بگور شدن چهار هزار سرباز پادگان سیواس بفرمان تیمور بود. در دوران ترکان عثمانی مجدداً ارامنه مورد فشار فراوان قرار گرفتند و از همان زمان بود که مهاجرت دسته‌جمعی آنان به‌اطراف و اکناف جهان آغاز شد. در

زمان صفویه کشمکش ممتدی برسر این سرزمین میان ایران و عثمانی درگرفت که بالاخره منجر به تصرف نیمه شرقی آن توسط ایران و نیمه غربی آن توسط عثمانی گردید.

در دورهٔ شاه‌عباس اول، در سالهای ۱۶۰۵ و ۱۶۰۶ میلادی در حدود ده‌هزار خانوادهٔ ارمنی از سرزمین خود بایران مهاجرت کردند که عده‌ای از آنها در آذربایجان و عده بیشتری در اصفهان سکونت گزیدند. از این دستهٔ اخیر، کشاورزان در چهار محال وفریدن، و صنعتگران در ناحیه‌ای از اصفهان که جلفا نامیده شد جای داده شدند. مدارس و کلیساها و نمازخانه‌ها و انجمنهای این مهاجران فرهنگ ارمنی را بدین نقطه همراه آوردند، بطویکه اکنون در جلفا مجموعه‌های نفیسی از کتابها و اسناد ارمنی میتوان یافت. نخستین چاپخانه‌ای که در ایران دائر شد توسط این ارامنه در جلفا تأسیس گردید. بسیاری از اعضای فرقه «مخیتاری» ارمنی نیز که از سه قرن پیش در جزیره «سن‌لاتسارو» در ونیز (ایتالیا) مستقرشده‌اند، از ایران بدان سرزمین رفتند و فرهنگ ایرانی را همراه با کتب خطی و اسناد فارسی با خود همراه بردند. در این باره در فصل ایتالیا توضیح بیشتر داده خواهد شد.

در آغاز قرن نوزدهم بموجب معاهده ترکمانچای ایروان و شانزده شهر دیگر قفقاز از طرف

ایران به‌روسیه واگذار شد و در این قرن تدریجاً نفوذ روسیه تزاری براین سرزمین استوارتر گردید. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، ارمنستان درسال ۱۹۲۲ بصورت عضو اتحادیه جمهوریهای قفقاز و در ۱۹۳۶ بصورت یکی از جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی در آمد.

از نظر فرهنگی و هنری، رابطه چندهزار ساله‌ای میان ایران و ارمنستان وجود دارد که نمونه‌هائی از آن را در ابنیهٔ باستانی این کشور، و در مخازن مختلف هنری و ادبی آن، منجمله در کلیسای آچمیادزین و در مخزن معروف «متن‌داران» ایروان میتوان یافت.

گریگور ماگیستروس Grigor Magistros متفکر و مورخ ارمنی قرن یازدهم میلادی که زبانهای فارسی و عربی را بخوبی میدانست دربـاره ایـران اسلامی و بخصوص دربارهٔ داستانهای حمـاسی ایـران منجمله رستم و اسفندیار آثار متعددی نوشته که تاکنون باقی مانده است.

کونستاندین یرزینکاتسی Konstandyn Erzinkatsy شاعر ارمنی یادآوری کـرده است که تـاقرن سیزدهم میلادی در ارمنستان شاهنامه‌خوانهـای حرفه‌ای وجود داشتند که شاهنامه‌را باآهنگ مخصوص میخواندند.

مدارك مختلفی که ازآن زمان‌در دست است، نشان میدهد که مـردم ارمنستان به‌داستانهای پیکار ممتـد ایرانیـان و تورانیـان که در شاهنامه آمـده بسیـار علاقمند بودند، بطوریکه آنها را در ردیف داستانهای

ملی خود قرار دادند، و منجمله براساس افسانهٔ زال و رستم، اثر حماسی منظوم بسیار معروف ارمنی بنـام «تسوری‌ساسونه Tsouri Sasouna (دلاور روئین‌تن) را پدید آوردند.

اسناد تاریخی متعدد حاکی است که درقرون یازدهم و دوازدهم میلادی زبان فارسی در ارمنستان تدریس میشد وحتی دربرخی موارد، یك زبان رسمی بشمـار می‌آمد. اولین تـرجمه یك اثر ایـرانی دوران بعداز اسلام بزبان ارمنی ترجمه‌ای از محمد زکریای رازی است کـه اساس تـألیفات مخیتـار هراتسی Mkhytar Geratsy پـزشك و دانشمند معـروف ارمنـی قـرن دوازدهم میلادی قرار گرفت. دانشمند برجستهٔ دیگـر ارمنی در قرن پانزدهم، بنام امیر دولت آمـاسیاتسی Amyrdovlat Amasyatsy بطـوریکه خـود مینـویسد تتبعات علمی خویش را بـراساس ترجمه‌هـای ارمنی رازی و ابن‌سینا قرار داده بود.

برخی از شعرا وحکمای بزرگ ایران دراین قرون شخصاً به ارمنستان سفر کردند یـاروابط نزدیك بـا جامعه علم و ادب ارمنی داشتند، که از آن‌جمله میتوان از ناصرخسرو و قطران تبریزی و نظامی گنجوی نام برد.

آشنائی باشاهنامه فردوسی تقریباً مقـارن باپایان زنـدگانی خود فـردوسی، در ارمنستان آغـاز شد. در رسالهٔ «گریگور ماگیستروس» شاعـر نـامبردهٔ ارمنی

قرن یازدهم میلادی (قرن پنجم هجری) اشارات متعدد به‌فصول مختلف شاهنـامه، مخصوصاً بـه‌خوان سوم از هفت‌خوان رستم در مازندران و نبرد او بادیو سپید و اژدها شده است. تدریجاً نفوذ شاهنـامه در ارمنستان بقدری زیاد شد که برخی شعرای ارمنی اصولا اصل و نسب قهرمانان این اثـر را ارمنی دانستند. مثلا در یکی از آثـار ادبی برجستهٔ ارمنی ادعـا شده که «در قدیم‌الایام درشهر ساسون ارمنستان شخصی بنام زال پادشاهی میکرد که ازاو پسری بنام رستم پهلوان زاده شد». دربعضی ازاین آثار، برزوفرزند سهراب ونوادهٔ رستم، ازنوادگان ساسون قهرمان ملی ارمنستان بشمار آمده است. داستان بیژن ومنیژه بکلی‌بایك افسانه ملی ارمنستان آمیخته شده ورنگ آن را بخود گرفته است، بااین تفاوت که اسامی قهرمانـان آن بهمـان صورت ایرانی خود باقی مانده است. بعدهـا اصولا حماسه‌ای بنام «داستان رستم زال» درارمنستـان بوجود آمدکـه ترکیبی ازشاهنامهٔ فردوسی وادبیات عامیانه وافسانه‌های ملی ارمنی بود. زیباترین فصل این حماسه داستان سیاوش وعشق ومرگ او ورهائی فرزندش کیخسرو از اسارت وماجرای پادشاهی او است.

در قرن سیزدهم یاچهـاردهم میلادی «اندرزنـامه انوشیروان» به ارمنی ترجمه شد، و تصور میرود کـه این ترجمه توسط ادیب معروف ارمنی یرزینکـاستی صورت‌گرفته باشد. در همین زمان فـریك بزرگتریـن

شاعر ارمنی قرن سیزدهم میلادی، تعدادی از دوبیتی ـ های فارسی را به ارمنی ترجمه کرد و خود نیز چند رباعی به‌فارسی سرود که در دیوان او باحروف ارمنی نقل شده است. «سایات‌نوا» غزلسرای نامی ارمنی قرن هجدهم اشعار خود را بزبانهای ارمنی، گرجی، ترکی و فارسی سرود. این نکته جالب است که وی در چندجا معشوق خودرا چون رستم شهرهٔ آفاق شمرده است.

از مهمترین آثار فرهنگی مربوط به ایران در ارمنستان، تاریخ‌های متعددی است که در دوران بعداز اسلام توسط مورخان ارمنی درباره ایران نوشته شده است و ازمنابع مهم تاریخ اسلامی ایران بشمار میرود. در قرن یازدهم، مورخ ارمنی سبئوس تارونتسی Sebeos Tarontsi معروف به آسوغیک Asoghik و در قرن سیزدهم مورخ دیگر بنام وارطان آرولتسی Vardan Areveltsi دو کتاب بزرگ درباره تاریخ و جغرافیای کشورها و ملل شرق تألیف کردند که قسمت مهمی از هردوکتاب به‌ایران اختصاص داشت. در سال ۱۵۸۶ مورخ ارمنی سیمئون آبارانتسی Simeon Abarantsi کاملترین شرح تاریخی را درباره سقوط تبریز بدست عثمانیها نوشت. مورخ دیگر بنام گریگور داراواختسی Grigor Daravakhtsi دراوائل قرن هفدهم کتاب قطوری دربارهٔ وضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران و عثمانی و مصر در دوره

خود تألیف کرد. دراواخر همین قرن کتاب مفصلی در سه جلد توسط مورخ معروف ارمنی آن قرن زکریا سرکاواک Zakaria Sarkavak در وصف ایران دورهٔ صفوی و جنگهای ایران و عثمانی از آغاز تاپایان قرن هفدهم تألیف شد که از جامعترین منابع تاریخی درباره عصر صفویه است. در همین قرن مورخ دیگر ارمنی آراکل داوریژتسی Arakel Davrizhetsi کتاب «تاریخ» مفصلی تألیف‌کردکه قسمت اعظم‌آن مربوط به ایران‌بود. بازدرهمین قرن‌هفدهم، مجموعه‌یادداشتهائی توسط زکریا آکولتسی Zakaria Akuletsi منتشر شد که قسمت مهمی از آنها به‌ایران و روابط ایران و عثمانی اختصاص داشت.

در قرن بعد خاچاطور ژوگایتسی Khachatur Jugayetsi کتاب مفصلی بنام تاریخ ایرانیان» در شرح احوال سلسله صفوی و حوادث دوران حکومت این سلسله انتشار داد. در همان قرن سه‌اثر جالب دیگر دربارهٔ ایران، بنام «شرح محاصرهٔ اصفهان بدست افاغنه در سالهای ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳» تألیف گیلاننتس پتروس دی‌سرگیس Guilanents Petros di Sarguis و «تاریخ نادرشاه» تألیف آبراهام‌کره‌تاتسی Abraham Kretatsi و «تاریخ طهماسبقلی» تألیف تمبورچی کوچوک هاروتین Tamburchi Kuchuk Arutin در ایروان انتشار یافت.

در آغاز قرن نوزدهم، دوتن از جغرافیادانان ارمنی

بنام غوکاس اینچیچیان Ghukas Inchichyan و استپانوس آگونتس Stepanos Agonts دورهٔ کتابهائی بنام «جغرافیای چهار قاره جهان» انتشار دادند که حاوی وصف مشروح و دقیقی از ایران آن دوره بود. کتاب دیگری درهمین زمینه بنام «کتابی درسی برای آموزشگاه جلفای نو» توسط کوستاند ژوغایتسی Kostand Jughayetsi تألیف شد که آن نیز حاوی شرح مفصلی درباره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران بود.

درهمان قرن محقق دیگر ارمنی بنام گوند آلیشان Guevond Alishan که از رؤسای فرقه مخیتاری ونیز بود چندین کتاب درباره کشورها و ملل شرق نوشت که همه آنها در ونیز بچاپ رسید. و در آنها بتفصیل از تاریخ ایران و وضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن سخن رفته بود.

از قرون هفدهم و هجدهم مسیحی، آثار تاریخی و ادبی مختلفی از آراکل داوریژتسی Arakel Davrygetsy، مسروپ تاقادیان Mesrup Taghyadyan ، ابراهام پولیستسی Abraham Polysetsy، خاچاطور جوگایستی Khachatur Djugaietsy، اوهانس خان ماسیان Avganes Khanmaseian باقی مانده که در تألیف آنها بصورت وسیعی از ادبیات و مآخذ پارسی استفاده شده است. در قرن هجدهم یك فرهنگ بزرگ فارسی به ارمنی توسط گئورگ دپیر پالاتاتسی Georg Dpyr Palatatsy مورخ و زبان شناس نامی ارمنستان بعنوان دائرهٔ ـ

المعارف مختصر فرهنگ و تمدن ایران تألیف شد.

خاندان نقاشان معروف ارمنی «آودناتانیان» Avdenatanian مدتی دراز در ایران بسر بردند.

«آچاریان» Acharian زبانشناس برجسته ارمنی تحقیقات جامعی درباره تاریخ رسوخ کلمات فارسی در زبان ارمنی دارد.

آثار سعدی نخستین‌بار در سال ۱۸۳۱ توسط ماته‌ووس گامزیان Matevus Gamezian به روسی ترجمه شد. اولین ترجمه روسی گلستان که در سال ۱۸۵۷ در مسکو بچاپ رسید توسط استپان نظریانتس Stepan Nazariants ادیب ارمنی صورت گرفته‌بود.

در آثار ادبی قرون چهاردهم تاهجدهم میلادی ارمنستان، آثار متعددی میتوان یافت که در آنها نوشته‌های پارسی همراه بانوشته‌های ارمنی آمده‌است. از زمرهٔ نویسندگان این آثار میتوان ازمکرتیچ نقاش Mkrtich Nagash ، گریگوریس آخامارتسی Grygorys Akhamartsy، اوانس تیلکورانتسیOvanes Tilkurantsy ، ناآپت کوچک Naapet Kuchak، باغداسار دپیر Baghdasar Dpyr ، نقاش اوونا‌تان Naghash Ovnatan، ماسیقی نقاش هاکوپ Masygy Naghash Hakop(که خود نیز به فارسی شعر گفته است) نام برد.

ترجمه ارمنی «رستم و سهراب» فردوسی اولین بار در سال ۱۸۹۳ در ایروان منتشر شد و سال بعداز

آن (۱۸۹۴) ترجمه داستان سیاوش شاهنامه و در همان سال ترجمه داستان ضحاك از شاهنامه تحت عنوان «ضحاك بیوراسبی» در ایروان انتشار یافت. در سال ۱۹۳۴ ترجمه دیگری از رستم و سهراب، در ۱۹۳۶ ترجمه ارمنی خیام، در۱۹۳۷ مجموعه‌ای بنام «منتخبات آثار فارسی»، در ۱۹۵۷ ترجمه حافظ و در سالهای بعدازآن ترجمه‌های رودکی و ترجمه‌های تازه‌ای از منتخبات فردوسی، خیام، سعدی، حافظ توسط بنگاه نشریات ارمنستان بچاپ رسید.

در ۱۹۶۱ فرهنگ مفصل فارسی به ارمنی شامل ۲۵۰۰۰ لغت باضافه دستور مختصر زبان فارسی و ترجمه ضرب‌المثلهای فارسی همراه با ضرب‌المثلهای مترادف ارمنی آن توسط «آرام دوداگیان» و «اولگا آرزومانیان» و «واهان بایبوتیان» تألیف شد. یك فرهنگ جامع فارسی به ارمنی قبلا در سال ۱۳۱۲ شمسی توسط «کشیش گارگین» در ۷۸۵ صفحه در تهران منتشرشده بود. در ۱۹۶۳ ترجمه مجموعه‌ای از داستانهای نویسندگان معاصر ایرانی در ایروان انتشار یافت، و در همان سال کتاب دیگری بنام «روابط ادبی ارمنستان و ایران» درآن شهر منتشر گردید. ترجمه تازه‌ای از خیام در آن سال توسط «ادوانس تومانیان» در ایروان بچاپ رسید. شرح بیشتری دربارهٔ این آثار در فصل مربوط به تاریخچه

ایران‌شناسی در ارمنستان داده شده است.

دو Dev شاعر ونقاش معاصر ارمنی، شاگرد کمال‌الملك بود. کیقام ساریان شاعر معاصر ارمنستان (که در سال ۱۹۰۲ در تبریز متولد شده) مترجم آثار سعدی بزبان ارمنی است. هوهانس کاراپتیان شاعر برجستهٔ معاصر دیگر ارمنی، تخلص شاعرانه خود را «شیراز» انتخاب کرده است.

از کارهای ادبی مهمی که در دوران معاصر در ارمنستان درباره فرهنگ ایران صورت گرفته میباید بخصوص از آثارمنظوم «آوه‌تیك ایساهاکیان» شاعر برجسته ارمنی که چندی نیز وزیر فرهنگ جمهوری ارمنستان بود و اخیراً در گذشت یاد کرد. چندین قطعه این شاعر بنام «آخرین بهار سعدی» و «مباحثه خیام باخدا» که از بهترین آثار منظوم زبان ارمنی به شمار میرود تاکنون بزبانهای متعدد ترجمه شده‌است.